

اسم الله الرحمن الرحيم



روزنامه اخبار و گزارشات

روزنامه وقایع اتفاقیه

جلد دوم

شماره‌های ۱۳۱ - ۲۶۰

کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران
با همکاری
مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها

تهران
۱۳۷۳

نام کتاب: روزنامه وقایع اتفاقیه
تهیه و تنظیم: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران
ناشر: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران با همکاری مرکز مطالعات و تحقیقات
رسانه (تهران، خیابان انقلاب اسلامی، نبش فلسطین، شماره ۱۱۸۸، ساختمان
بنیاد فجر، طبقه سوم، کدپستی ۱۷۱۵-۱۳۱۴۵، تلفن: ۶۴۶۲۰۴۰؛ فاکس:
۶۴۶۹۸۵۶)
تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه
چاپ: اول
چاپخانه و لیتوگرافی: ندا
تاریخ انتشار: ۱۳۷۳
قیمت: ۱۰۰۰ ریال

باسمه تعالی

به روزنامه ایام در همه پیداست
اگر بخواهی دانست روزنامه بخوان
(عنصری)

پیشگفتار

واژه «روزنامه» همزمان با نفوذ اسلام در ایران به کار می‌رفته است و در متون کهنی چون یتیمه الدهر ثعالبی و معجم الادباء کلمه روزنامه و روزنامه (روزنامه) دیده می‌شود، ولی باید دانست که روزنامه در آن دوران حاوی بیان وقایع مهم دربار پادشاهان و شرح زندگانی وزراء و بزرگان بوده و در یک نسخه منتشر می‌شده است.

این واژه تا اوائل دوره قاجار نیز به همین مفهوم به کار می‌رفته است، چنانکه مجموعه‌هایی از این روزنامه‌ها در زبان فارسی موجود است و آخرین مجموعه مستقل از این نوع که سراغ داریم روزنامه میرزا محمد کلانتر شیراز در شرح وقایع زندیه و روزنامه خاطرات محمدحسن خان اعتمادالسلطنه است.

در دوره قاجاریه در معنی واژه روزنامه تغییری پدید آمد و به گزارشهای وقایع‌نگاران دولتی که از شهرستانها اخبار جاری را به دولت مرکزی می‌نوشتند نیز روزنامه گفته می‌شد.

روزنامه انتشار خبرهای کوتاه و مسائل اجتماعی و سیاسی و اقتصادی زمان خود را سریعتر از کتاب به عهده داشته است و به همین دلیل چاپ و نشر روزنامه در میان مردم با استقبال مواجه شد، و روزنامه‌ها یکی پس از دیگری هوادارانی پیدا کردند. امروزه روزنامه‌های قدیمی همپای با کتاب و اسناد دولتی یکی از منابع تحقیقی

محسوب می‌شوند. از آنجا که دوره کامل آن کمیاب شده بود از این رو، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران در صدد احیاء روزنامه‌های قدیمی برآمده است. ویژگی مجموعه حاضر در مرحله اول، ضمن کامل بودن یکی از یادگارهای برجسته فرهنگی و نمونهای از خدمات میرزا تقی خان امیر نظام است و دیگر سبک نویسندگی ساده و روان و از نظر وقوف بر مسائل اجتماعی، سیاسی و تاریخی اخبار آن از نفایس عهد ناصری است. مورخین و پژوهشگران خود نیک می‌دانند که اگر پژوهش یا تحقیقی بدون مراجعه به همه منابع و اسناد و مدارک صورت پذیرد تا چه حد ناقص و نارساست. به منظور رفع این مشکل کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران با همکاری مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مجموعه کامل روزنامه وقایع اتفاقیه را در چهار مجلد (۷۱ شماره) به جامعه اسلامیان تقدیم می‌دارد.

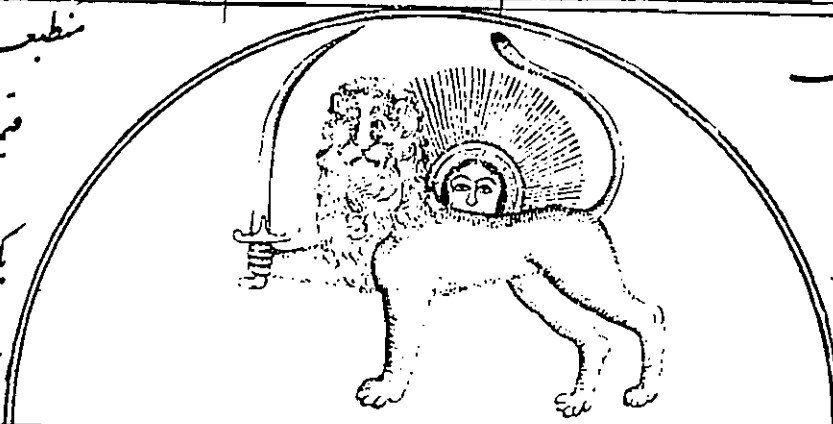
در پایان به مصداق «من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق»، از جناب آقای دکتر خرمی که مجموعه نفیس خود را در تکمیل مجموعه در اختیار کتابخانه قرار داده‌اند، از جناب آقای حائری رئیس محترم کتابخانه مجلس شورای اسلامی که مجموعه کتابخانه مجلس را برای جبران کسری در اختیار ما گذاشته‌اند، و جناب آقای دکتر رضوانی که مسئولیت تهیه مقدمه را به عهده گرفته‌اند و نیز از دیگر عزیزان: جناب آقای دکتر نوائی، آقای دکتر شیخ الاسلامی، آقای کامران فانی، آقای محمدحسن رجبی، آقای فرید قاسمی و خانم شهلا بابازاده که در تهیه این مجموعه کتابخانه را یاری کرده‌اند قدردانی می‌کنیم و توفیق آنان را در راه خدمت به فرهنگ غنی ایران اسلامی از خداوند بزرگ خواستاریم.

زحمت اصلی گردآوری این مجموعه را آقای عنایت... رحمانی برعهده داشته‌اند و با دقت و پشتکار قابل تحسین شماره‌هایی که در مجموعه کتابخانه ملی موجود نبوده از گوشه و کنار فراهم آورده و کوشیده‌اند تا آنچه در اختیار علاقمندان قرار می‌گیرد از جامعیت برخوردار باشد. زحمات ارزنده ایشان شایسته قدردانی و امتنان است.

کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

روزنامه قلیع اتقافیت پنج یوم خنبه بیست و هشت ماه شوال المکرّم بوال اوسیل

منظیب دار انخلاف طهران
 قیمت اعلانات
 یک سطر اجاره سطر یک روز
 بیست سطر یک ماه
 بیست سطر یک سال



نمره صدوسی و یک
 قیمت روزنامه
 یک نسخه شش ماهه
 و نایب چاپخانه

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دار انخلاف طهران

موکب فیسروزی کوکب اعلیحضرت پادشاهی در روز سه شنبه بیست و هشتم ایماه از شبان دلو یزان که چند روز بود توقف فرموده بودند حرکت فرمودند.

تشریف و نما گردیدند

درین اوقات که نواب مستطاب شاهزاده و الامت موئبد الدوله خطاب میرزا بیکه انی مملکت فارس ناموز گردیدند بجهت مزید ظهور رحمت ملوکانه یک قطعه نشان از ترسبه جلیل میرنجبگی با یک سبب جمایل که مخصوص است است از جانب سنی احوال اعلیحضرت قوی شو پادشاهی بنواب معزی الیه رحمت گردیدند نظر بطهور رحمت حسه وانی در باره نواب مستطاب

والا تبار احتشام الدوله خان میرزا حکمران برود و عرستان و لرستان و بختیاری و درین روزنامه یک ثوب کلجی از لباس خاص تن مبارک معزز و لصد فرمان مهر لغان پادشاهی مباحی گردید سقاپت مقرب انخافان اسداله خان امیر اخو سابق که

همه ان حب الامر هایون مامور گردیده بود بجهت ظهور مزید توجه ملوکانه در باره او حکومت ملا بر و تو تیسرگان را نیز بعد ده حکومت همه ان بعد ده کفایت مقرب انخافان معوض و اورا بلقب حلیل معتمد الملکی سرافراز فرمودند

عالیجا بان میرزا ابراهیم و میرزا ابوالقاسم مستوفی حب الامر ادکس هایون پادشاهی مامور بشستن جمع و خرج ممالک محروسه بودند و عالیجا سرزازیم پیشخدمت که محصل کل محاسبات است مامور بنا کید و اتمام این کار بود و درین ایام ناخوشی که اغلب مردم بسبب داجمه از شهر فرار کرده بودند مشار الیه نظر بان امر هایون ثبات در زبده و سیلاب نهارا مشغول بخر و تشخیص جمیع مالیات ممالک محروسه و منوایب و مصارف دیوانی بودند و در اندک مدت حسابی مضبوط از روی دقت نوشتند و در اوقاتیکه موکب هایون در سیلاق لا تشریف داشتند احضار رسا

سبارک شدند و جمع خرج فروردین را بنظر اقدس هالیون رسانیدند و از اینکه در اندک مدت از عهد این خدیو تخت برآمده بودند در حضرت کردون بسط درجه قبول این یافتند مورد تحسین و الثفات و نوازش ملوکا که کردی فرج سربندی که ناموز خدمت لرستان و عربستان چون درین اوقات حبارت و خود سری کرده و بی این و اجازت اولیای دولت قاهره از آنجا آن بودند لهذا از جانب اولیای دولت علیه اسمعیل خان بیک با عالیجاه لطفعلی خان نایب الحکومه عراق مامور گردیدند انبار اقمیه کامل نموده دو باب بعبستان و لرستان معاودت بند

سایر ولایات

آذربایجان در روزنامه این ولایت از تبریز و خوی و شمیره اخباری درین موقت بنویسد که در روزنامه نوشته شود

خلخال از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته سید احمد نامی از جمله سارقین و اشترار آنجا که مدت ده ده از ده سال بود که بقطع طرق و وزدی و شرارت مشغول بود و بکرات بحکام سلف در صد گرفتن او برآ بودند و بیست نمی آمد مردم آنجا از تعذبات و شرارت او بستیوه آمده بودند درین اوقات نواب شاهزاده خلخال نایب الحکومه آنجا مشارالیه را بدست آورده است و چون درین مدت اموال بسیار از مردم بربوده است بجهت استرداد اموال مردم در حبس است تا بعد از

افند و استرداد اموال مردم بدست بجهت حکم اولیای دولت علیه صادر شود درباره اموال دارد دیگر نوشته بودند که ضعیفه در خلخال مرض سکته مبتلا اجنای او مرده اش نکاشته دفنش کرده بودند و بعد از استقرار در قبر بحال آمده و فریاد کرده بود است که شاید کسی او را زاورا شنیده باستخلاص او بیاید در آن تنگنای قبر بفریاد او رسیده بیرونش بیاید درین اشخاصی احسن از آنجا عبور میکرد است بتسوره بیکه این صدای بناتشی است که بجهتش قبور آمده است چنانکه بدست آورده و بر سر او رفته بود و خاکها را پس کرد بکشتن او اقدام کرده بود هرچه ضعیفه بیچاره الحاح درآ کرده بود که من سکت کرده ام و مرا درء تصور کرده دفن نموده بوده اند و حال بخود آمده ام و بناتش بنستم آن شخص کوشش سحر ف او نداده و سر او را کوشش تا کوشش بود و بمنزل خود مراجعت کرده اظهار جلالت و بجا خود را نموده بود که بناتشی را در قبرستان سر بریده ام و بعد از افشای کار او که معلوم شده بود که آن ضعیفه سکت کرده بود کشته است مشارالیه فرار نمود و نواب شاهزاده عباسقلی میرزا آدم بتفحص او گذارند که او را بدست بیاورند و تا مستور پیدا نشد است دیگر نوشته بودند که ناخوشی و باتامدم سوال در آنجا شدت تمام داشته است و مردم بسیار تلف شده بودند ولی درین اوقات تخفیف کلی حاصل بطوریکه بجز از یک بلوک که متصل باز و میل است درجا

دیگر آنولایت ناخوشی بهسم میرسد اما مردمی که از ناخوشی متفرق شده بودند هنوز جمع نشده اند

دیگر نوشته بودند که زنی خانم نام از اهل قریه خوخین خفحال طرح موافقت مصاحبت با عیسی نامی تخته و مشارالیه را بکشور حسن نام شهر خود اغوا کرده

نموده و او هم درین اراده بکدل و یکجخت گردیده و منتظر وقت و فرصت بوده است تا در شب بیستم و یکم ماه رمضان المبارک نزدیک سفید صبح که شوهر آن زن با اسباب زراعت و فلاحیت بصحرای میرزا عیسی نام منور باد رسیده و او را بقبضه گرفته است

نواب شاهزاده عباسقلی میرزا فرستاده او را گرفته و بمحضر علمای آنجا برده اند و در آنجا اقرار بقتل عیسی نام نموده است و لکن نواب معزی الب اورا حبس کرده تا بد آنچه حکم از اولیای دولت قاهره برسد و بنا او معمول دارند

وارالمهر

ازین ولایت درین هفت اخباری بنویسد که در روزنامه نوشته شود

اصفهان

از فرار یک در روزنامه اصفهان نوشته بودند که در کل بلوکات اصفهان کمال شدت دارد و شهر هم مست لکن نظر باینکه عالیجاه معترفه است چو افعلی خان نایب الحکومه اصفهان قدغن کرده است که بنای ختم و فاستحه خوانی و صلوة کشیدن را موقوف داشته بروز موتی را اندکند و بسبب بزرگی شهر

مردم خبر از موتی می یکدیگر می شنوند و باین جنبه اظهار دارند و آسوده هستند و لکن در بلوکات شدت است که اغلب متفرق شده اند و باین ناخوشی در شهر و بلوکات کمال اجتناب و انتظام حاصل است

آقا محمد حسین مباشر بر جوار و مارین که عالمی بسیار بود در مردم از او کمال رضامندی داشتند باین ناخوشی مرجوع شدند و عالیجاه میرزا هضقل الله که سابقا نیز مباشر لجنان بود عالیجاه نایب الحکومه بمباری لجنان برقرار کرده است

دیگر از اصفهان نوشته بودند که عالیجاه نایب الحکومه در این ایام ناخوشی در کل شهر و از اینکه سرقت در آنجا نشود کمال اتهام را دارد و بکندند ایان و مستحقین قدغن آید نموده است و ازین رو بکند کمال امنیت برای بردن حاصل است و کمتری سرقت دزدی اتفاق می افتد

از فرار یک در ضمن تخریرات و لایات نوشته بودند ناخوشی و با که در کاشان و قم و آن اطراف بوده است درین اوقات تخمین کلی یافته است و کوبا از فرار یک معلوم می شود ازین ولایات که مدار آنخلاند مبارک که طهران نزدیک میباشند در این اوقات ناخوشی و با بکلی رفع شده باشد و لکن ایست خراسان و کرمان و یزد از فرار احبار می که میرسد درین اوقات ناخوشی و با شومی داشته است و کم و بیش مردم تلف می شده اند

۸۱۱

کرمانشاهان

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند این روزها
 نزاعی بنامین است از خان کلپاشی و قلعه کسبری و میوه
 واقع شده و در رسم سوال نواب مستطاب هر دو
 دالاتا عمادالدوله حکمران کرمانشاهان از شهر نقل مکان
 نموده و در قلعه حاجی کریم که از جمله عمارات دیوانی آنجا
 قدری از شهر دور است منزل کرده و از آنجا بقصبه منتقل
 برای انتظام امور کلپاشی غنیمت دارند که رفته امورا
 آنجا را نظمی برینند

و بگر نوشته بودند که درین روزها نواب عمادالدوله
 مقصد داشته و رسم نوشته اند که جناب آقا سید
 و گسی نفع علام از سواران ابو اجمعی خود در گردنه
 سبجه محافظت راه مزبور الی شهر بگذارند که فوافل آسود
 عبور نمایند و مشارالیه نیز حسب الامر سواره مزبور
 در آنجا گذاشته است و در آنجا بزرگگیری و فراسوا
 و حفظ عابرین و مترددین مشغول اند و از وقتی که سواره مزبور
 مامور گردیده اند کمال امنیت در آنجا حاصل است و از
 دراز و قطع الطریق سرت و خلاف حسابی مانند
 نمی شود و سواران مزبور همیشه در آنجا مگردش میکنند
 در نظم آن راهها اهتمام تام دارند

قبل ازین توپچی و افواج همه روزه در میدان توپچا
 و در شهر مشغول مشق و امر غن آداب و قواعد نظامی
 بودند و لکن درین روزها بجهت شدت گرمی هوا و فقدان
 برف هیچ مشق افواج خالی از صعوبتی نبوده است لهذا
 نواب معزتی الیه پیشین صاحب مشق افواج آنجا

حکم نموده اند که چند روزی که گرمای هوا شدتی دارد
 توپچی و افواج را از مشق معاف دارند تا اینکه هوا خنک
 بماند ال که آمد آنوقت باز مشغول مشق و تعلیم و تعلم قوا
 نظامی باشند

کرمان

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته بودند درین
 روزها امیرالامرا العظام سردار کثیرالافتاد
 حکمران یزد و کرمان با عالیجاه میرزا سفیع وزیر در باغ
 مجلس منزل کرده و قدغن نموده است که هر کس عرض
 داشته باشد کسی مانع نشود و مردم بی مانعیت و
 ترس در بان و غیره آمده مطالب خود را عرض نمایند
 و بگر نوشته بودند که در بعضی بلوکات یزد و کرمان
 پنج خاکی شده و ازین رکبند در بعضی جاها صند
 ککلی بر جای خورده است

عالیجاه آقاخان که مأمور تصحیح سلاطین قضا مایات
 کرمان بود این روزها نخواه قسط را جمع نموده در
 چهارمشم ال روزها در آنجا است
 عالیجاه دین محمدخان کمرانی که در روزنامه سابق نوشته
 شده بود که بجهت انظار اطاعت و انقیاد این دولت
 بکرمان می آمده است از قراریکه نوشته اند در این اوقات
 وارد کرمان گردیده و امیرالامرا العظام سردار کثیرالافتاد
 لازمه اعزاز و احترام اراد نموده و بعد از چند روز توفیق
 خود و سپر عالیجاه مشارالیه را مخلص نموده و با کمال
 بوالطف این دولت علیه مقضی المرام بکران معاودت نموده

اجبار و اول خارجه

تاریخی نام که در ولایت ایتالیا بود در آنجا دستگیر
استریت شده بود درین روزها بولایت انگلیس مراجعت
کرده است از عمل و رفتار این شخص و از گفتار خود نام که
از باغبان مجارستان بود و بدقت که در مملکت انگلیس
معلوم میشود که این فراریها که در ولایت انگلیس و در
شمالی نشسته اند اکثرشان منتظر فرصت اند که مروجت
که قدری اغتشاش در فرنگستان رو به بد بروزند در
خود جنگ و اغتشاش دیاغیگری برپا نمایند که از زدی
خود در آن اغتشاش بعل بیاورند و در یکی از روزها
وزان که اسامی نشانال می نامند نوشته اند که در
روی زمین باید ازین مخفی بجا باشند و در سر جزئیات
بحث و مکالمات بچند که بحث دول سبب مجال عمل
میشود بحث و مکالمات دول مانند بحث و مکالمات اشخاص
با یکدیگر و اگر دو نفر که بخواهند با هم جنگ بکنند بدان
که جنگشان ضرر خودشان است و منفعت دیگری اگر
عافل باشند هرگز جنگ نخواهند کرد و نفر از روزها
نویسان لندن از مراجعت مرتب می فخر می کنند و لکن
چنین اشخاص انگلیس جای فخر و شادمانی نیست زیرا که
ضرب آنها بکل دول میرسد و خلاف نظم دولت است
در روزنامه اسلامبول که روزنامه ^{ببین} ~~دیه~~ ^{ببین} ~~دیه~~ ^{ببین} ~~دیه~~
نوشته اند که در اصمیر که ارشی اتفاق افتاده است که با
گفتگو با این دولت علیه عثمانیه و دولت به استریت
ند است شخصی از فراریهای مجارستان که چند سال

پیش ازین مسرعه شود و فراریهای دیگر مالک روم
پناه آورده بودند و در جب قاری که دولتین مزبور دادند
این فراریها از خاک عثمانیه اخراج شده و پیشکی دنیا
رفتند درین روزها این شخص بشهر صمیر مراجعت کرده بود
قولنول دولت استریت که در شه اصمیر بود حکم کرده بود
که این شخص را بگیرند و چند نفر کشتیانان کشتی منکی دولت
استریت را که در آنجا بودند مامور گرفتند او کرده بود بد
اینکه چاکران دولت عثمانیه را خبردار نماید و انسانی
دولت عثمانیه نیز خبر از مراجعت این شخص بداشتند
کشتیانهای مزبور مستح شده و بگرفتن این شخص اقدام
کردند او هم خود را بدربار انداخت و شناسیده گشت
خلاص شود کشتیانها زورق سوار شده و رفته او را
گرفته بردند در کشتی حبسکی محبوس کردند در شهر مزبور
اشخاص بسیار بودند که از دولت استریت تسویش داشتند
و خودشان را در آنجا در امنیت میدانستند و فراریها
با این اشخاص متفق بودند و این عمل قولنول منافی رای آنها
بود و بسیار رنجیده بودند و قولنول دولت منکی دنیا
شمالی و مقام باید خواست برآمده بود و بکشتی حبسکی
بیدن این شخص که محبوس بود رفته بود و روز بعد از
این مقدمه سه نفر از صاحب منصبان کشتی مزبور
مهاجرت اصمیر بودند و پانزده نفر از فراریهای مزبور
سر این صاحب منصبان سختند یکی ازین صاحب
گرفت و دیگری ضرب و صدمه زیاد دید و صاحب منصب
سیم که بسیار جوان بود زخم خنجر برداشته و خود را
بدربار انداخته غرق شده بود بعد از یک روز

اورا در و با جستن این کدایش با سلاسل رجوع
 شده و مصلحت گذارد اول یکی دینای شمالی و ایلی
 هر دو درین باب با دزد بردول خارج گفتگونی کرده اند
 و شکیب افندی را که یکی از شیره ان دولت علیه است
 با صیر فرستاده اند بجهت تحقیق این کدایش و در اینجا
 مردمان بسیار گرفته و حبس کرده اند تا تحقیق شود

درسم درین روز نامه نوشته اند که درین روز
 نظام صلیبیه وزدانی در اسلامبول گرفته اند که اعلا
 آنها نهایت غرابت را دارد بجهت که حکم را همراه خود
 ببردند و در ب خانمانی را که کمان میگرداند
 که خالیت و کسی در آنها نیست میزده است اگر کسی
 بعقب در ب خانه آمد و جواب داد آنوقت چیزی را بمان
 کرده بپرسیدند و میگذشتند و اگر کسی بعقب درنی آ
 و معلوم می شد که خانه خالیت و کسی در او نیست
 سجا طرح جمع سجا نه برفتند و هر چه اموال داشتند

در آنجا میدیدند بوقت پیر
 تاریخ روزنامه آخر که از اسلامبول رسیدیم
 رمضان المبارک بود و نوشته بودند که درین روز
 آتش در یکی از محله های اسلامبول که مرجان می نامند
 افتاده بود در نزدیکی چارسوی بلند که او زون چارسوی
 و مدت باب خانه سوخته بود این آتش در نصف شب
 روزگردان نظام آتش خاموش کن زود آمدند و
 از آنها و وزرای دولت جمع شدند و در یکجا عتیم
 آتش را خاموش کردند

در نوزدهم ماه رمضان المبارک لاردا سرت

سفیر کبیر دولت انگلیس و قولی ولدین بروخ دور
 مختار و ایلی مخصوص دولت بر دس و باران بود
 ایلی دولت استر به منزل موسیود کاکور سفیر
 کبیر دولت فرانسه که در تریته نزدیک اسلامبول است
 رفته بوده اند که با هم بگردن باب بعضی امورات دول
 فرانستان مصلحت و مشورت نمایند و قرار می بگذارند

درین روزنامه از دولت انگلیس رسیده است
 و تاریخ آن ششم رمضان المبارک بود و کن
 اخباری که قابل نوشتن درین روزنامه باشد
 نداشت و از پاریس پای تخت فرانسه نیز
 تاریخ روزنامه رسید در آنجا بنا دارند که چند
 راه این تازه بجهت تردد کال که بخار سازند یکی
 ازین راهها از شهر بژدوالی شهر پان میگذرد
 و راههای دیگر که از جایهای آباد مملکت فرانسه میگذرد

هم میبازند و کمان دارند که ساختن این راهها
 نفع زیاد بکنند مسم بجهت خلق و مسم بجهت حمل و نقل اجناس
 و محصول و بارهای تجاری و مسم بجهت فرستادن
 قشون از طرف تا طرف مملکت فرانسه به سمت
 که بخوانند

در شهر فری بوریغ مملکت سوییس که اغتاش و یا
 شده بود و تفصیل آن در روزنامه سابق نوشته شده است
 بعیاں چند نفر اشخاصی که در آن اغتاش با بداد
 دولت با باغبان جنگ کرده و کشته شده بودند
 انعام داده اند و بزنی یکی ازین اشخاص که کشته شده بود

۸۱۴

دهشت طفل کو یک داشت ده هزار فرانک که تخمیناً
هزار تومان پول ایران میشود داده بودند و یکی دیگر چهار هزار
هزار فرانک داده بودند و یکی دیگر دو هزار فرانک و این
اشخاص نوکر بودند از رعابای آن ولایت بودند که از راه
و دقخواهی در وقت ضرورت بغیرت تمام با باغیان
جنگ کرده کشته شده بودند از آنجه دیوان انعام
بعیال آنها دادند و موافق فراری که دارند باهل قشون که
درین جنگ زخمی شده است می داده بود
در مشورتخانه سویس در خصوص گفتگوی با دولت
سخت و مشورت میکردند و تفصیل این گفتگو را باهل
کل بلوکات آن مملکت اعلام کرده بودند و حکم کرده بود
که موافق فاعده که دارند اهل هر بلوکی قشونی معین که در
ضرورت باید حاضر نمایند مینمایند فاعده مملکت
سویس این است که قشون رکابی بسیار کم نگاه میدارند
بجمله اینکه مملکتشان بسیار کم وسعت است و مالیات
کفایت نمی کند که قشون رکابی زیاد نگاه دارند و لکن
اگر اهل آنجا تیرانداز بسیار خوب اند و اسامی
آنها را در دفتر مینویسند که در هنگام ضرورت
بیایند مانند قشون خدمت بدولت بکنند این
مملکت که بیستان است و اهلش بسیار رشیدند
اگر چه در وسط فرنگستان واقع است و هم حد
چند دول بزرگ است و لکن تا بحال ازین دولت هیچک
متوانسته اند این مملکت را تصرف نمایند یا ظلم و جبار
نسبت با آنها بکنند
در روزنامه نیشابانی بند در باب گزارش چین

که عاکم شهر ننگین از قشون انگلس که در شهر کنار رود ری
مملکت چین می نشیند امداد خواسته بود و نوشته بود
که باغیان شهر ننگین را محاصره کرده اند هم از راه خشکی و
هم از راه آب و اگر امدادی از قشون بحری دولت
که در آن صفحات مستند نشود شهر ننگین بدست باغیان
خواهد افتاد و شهر ننگینی که شهر است در کنار رود ری
و فرنگها در آنجا تجارت دارند نیز بدست باغیان می
افتد کشتیهای جنگی پادشاه چین که در رودخانه
که از آنجا میگذرد بودند به کشتیهای باغیان جنگ کرده
بودند و از باغیان شکست خورده و باغیان رود ری
شهر ننگین آمده بودند قشون باغیان که بجهت محاصره این
شهر معین شده اند سی هزار نفر بودند و لکن قشون
دیگر که ازین زیاد تر است سمت شمال که طرف پای
میباشد فرستاده بودند و دولت چین از این
انگلیس که هم منصب ایچی کری دارد و هم حاکم خزر
از چین است که در تصرف انگلیسهاست امداد خواسته
بودند و یک کشتی بخاریست شهر ننگینی روان
کرده بود و دو کشتی دیگر که یکی کشتی بخار بود و یکی
کشتی بادبانی در آنجا بودند و یک کشتی جنگی بخار
از دولت فرانسه و یک کشتی جنگی از دولت
یگی دنیای شمالی سمت ننگین فرستاده و اهل
چین میگویند که اگر باغیان این شهر را تصرف بکنند
دولت چین تمام میشود از مملکت چین چند رودخانه
بزرگ عبور میکنند و این رودخانهها را یک نه بسیار
بزرگ متصل کرده اند و تردد اکثر آن مملکت درین

۸۱۵

رود خانها و نهر بزور است مملکت پیکن که پای تخت آنهاست در سمت شمال مشرقی انولایت است و کاست جنوب غربی اگر باغبان شهر تنکین را تصرف کنند چونکه مابین اتفاق افتاده است ترود رود خانها و نهر در دست باغبان می شود و عبور چاکران بویان و خلق و حمل و نقل محصول و مالیات دیوان اینست جنوب بالمره بریده می شود و تنبکه باغبان روستای میرفتند بسمت جنوب مملکت نیامده بودند کوبا سخواسنه بودند که مابین آنها و اهل دول خارج کوفتی بشود و دست جنوب مملکت چین بسیار حاصل اورا و تا بحال خدمت بچین می کنند باغبان هم خیال داشتند که از راه آب این رود خانها بسمت پای تخت بروند حال که فرنگیها دخل و تصرف می کنند و است که دولت خاقان باز برقرار باشد اما بعضی از اهل چین میگویند که یا غنی شدن خلق باین سبب است که میخواهند سلطنت سلسله پادشاهان چین را که اهل تاتارستان می باشند برهم بزنند و از اهل خودشان در انولایت یکی را سلطنت برقرار نمایند و میگویند که اگر دول فرنگستان هم کشتی جنگی و قشون بحری بسمت چند رودخانه بفرستند چندان فرق درین جنگ نخواهد کرد و آخر الامر اهل چین که قشون پادشاه جنگ می کنند کار خودشان را پیش خواهند برد و دولت این پادشاهان را که از اهل تاتارستان هستند برهم خواهند زد و میگویند که باغبان درین خودشان نظم تمام دارند پنج دسته قشون بزرگ دارند

و هر شش هزار و چهار صد نفر یک سردار دارند و فوجها هر فوجی یک هزار و شش صد نفرند در دستها چهار صد نفر و صد نفر و بیست و پنج نفر مشخص کرده اند خودشان مانند دولت چین روزنامه چاپ میزنند و اسامی کل صاحب منصبان را که در آن قشون هستند در روزنامه

نوشته اند
احوال متفرقه

چند وقت است که در فرانس شخصی در باب تخم ماهی قستی یافته است که تخم ماهی را در رودخانه یا حوضها میگذارند و ماهی از او بعل می آید و ماهی بعضی رودخانهها را باین طور بسیار زیاد کرده اند و طور بعل آوردن این ماهی مابین است که ماهی را که با طور و غیره میگیرند هر کدام که تخم در میان شکم است در می آورند و نگاه میدارند و در میان خاک نزدیک بکنار رودخانه که آبش کم عمق باشد میگذارند و ماهی از آنها بعل می آید در سمت قطب شمالی که در زمستان چند ماه شاست و آفتاب طلوع نمی کند و چند ماه نیز روز است که آفتاب غروب نمی کند در فصل زمستان در آن اطراف روشنائی در آسمان ظاهری شود و اکثر اوقات این روشنائی رنگ برنگ می شود مانند قوس و پرتوی از آنجائی تا بدمانند تیر شهاب و چنین روشن میشود که از روشنائی رود کئی تفادت دارد و مردم چنان تصور می کنند که این یکی از تفصلات خداوندی است

مجلسی فرمسم آید و منظور نظر جاپون پادشاهی این بود
 که عموم ارکان دولت و اعیان حضرت و بزرگان و
 لشکر حضرت اثر از تقصیل این عنایت و تمویض جمیع
 مهام و امورات لشکر می معزی الیه استحصا حاصل نمود
 مبارکباد و بگویند لهذا جناب جلالت آبل اگر ^{عظم} صمد
 دولت علیه روز شنبه سیم این ماه با طاق نظام آمده
 و جمیع شاهزادگان عظام و ارکان دولت و سربازان
 لشکر را حاضر داشته و سلامت وجود مبارک
 اعلی حضرت پادشاهی بعد از صرف شیرینی تهنیت
 بمقرب انخافان ملک الکتاب حکم نمودند و زمان چنان طاع
 که درین باب شرف صدور یافت بود با و از بلند
 خواند بیتان جمیع ارکان و اعیان و امیران تومان و
 میران پنج و سیرپان و سرسنگان از توپخانه مبارک
 و قورخانه و افواج قاهره و حبتخانه و محکم خانه و
 طبقه لشکر می رسانند و حایل مخصوص سرداری کل
 نشان مثال جاپون در چهار روز رحمت و زین سپهر
 معنی الیه سایر صاحب منصبان و افواج
 قاهره از توپخانه مبارک که و غیره که در رکاب جاپون
 بودند مکنی حاضر شد شیرینی خوردند و مبارکباد
 گفتند

چون مقرب انخافان میرزا محمد خان کشیکچی باشی
 سفر که موکب سردری کوکب جاپون در سیاقات لایه
 شریف داشتند خاطر خیر لوکانه از حسن خدمات
 استقامت خود را بنی و خورسند داشتند و مراتب صدق
 و ارادت او ملحوظ نظر رحمت ارحم روانی گردید در این

۸۱۸

اوقات که از بیلا قات مراحب فرمودند در ازای
 خدمات مقرب انخافان مشارالیه که مقبول و حسن
 جاپون امتیاز داده بود بجهت بزرگ معاشرت و با امانت
 یک توب کلبه از طبو سات تن مبارک باد پرسم
 طلع رحمت فرمودند

بر حسب امر قدر قدر جاپون متحرک شد که امیر الامراء
 سردار کل عساکر قاهره پنجشنبه پنجم ماه بیست و
 جمعی از افواج قاهره و سواره نظام در بیرون دروازه
 دولت نقل مکان کرده روز شنبه از آنجا بجانب
 سلطانیه حرکت نماید و موکب جاپون هم مستعد
 با و عراده توب و فوج اول خاصه شریفه و جمعی از
 سواره نظام حرکت خواهند فرمود و افواج و سواره که
 از ولایات سلطانیه احضار شده بودند و عیال
 هیچ فرم این ماه وارد سلطانیه شوند از قرار یک
 بعرض اولیای دولت قاهره رسیدند آنها از منازل
 خود حرکت کرده روز پنجشنبه وارد سلطانیه خوا
 شد حسب الامر جناب ابل اگر م صدر عظم حکم نظامی
 نوشتند و حاشیه آن بخط جاپون مزین شد که آن
 امیران تومان و میران پنج و سیرپان و سرسنگان
 و سایر صاحب منصبان که همسر امیر الامراء ^{عظم}
 سردار کل باید بروند هر کدام یک ساعت عقب ماندند
 مورد سیاحت مشاهده شوند

چون مقرب انخافان پادشاهان سرتیپ سواره نظام
 و افواج و اعیان و سمنان در قواعد بندگی و خدمت
 کمال استقامت ظاهر داشتند و حسن استقامت او مایه

سید اعتماد و التفات خاطر مبارک پادشاهی حق
 اوکت لهذا بجلوه ابو اجمعی سابق او یکبار فرموده
 کرد و ترک بازندان را اسم ابو اجمعی شارلیه
 فرموده و سید تومان بر موجب او فرودند
 عایجه مقرب انخاقان اسمعیل خان حراز دار نظام
 باین منصب نبیل سرفراز شده بود لازم بود که
 این منصب با عطا تشریف بایون نیز منتقل کرد
 لگذار و زیکه جناب جلالت تائب صد اعظم و ارکان
 دولت در مجلس تنبیت سرداری کل بودند که بوی
 جبتم ترمه کشیم هم بعایجه شارلیه

سایر ولایات آذربایجان خوی

از فرار یک در روزنامه خوی نوشته بودند مقرب انخاقان
 اسکندر خان سردار که از دربار بایون بکومت خوی
 مامور گردیده بود در سیم ماه رمضان المبارک وارد
 انجا گردیده است و الهالی انجا عموماً از نظام و غیر نظام
 مقرب انخاقان شارلیه را استقبال نموده لوازم
 احترام را معمول داشته اند و بعد از ورود بشهر علماء
 اعلام و الهالی نظام را شربت و شیرینی داده است
 از فرار یک نوشته بودند اهل انجا از خین کفایت
 وسلوک مشارالیه بحال رضامندی دارند از جمله
 اینکه قرار داده است که هر روزه چهار ساعت از روز
 گذشته تا وقت اذان نشسته بفرایض مردم رسیده
 نماید و هر کس عرضی داشته باشد از فقیر و غنی بی واسطه
 و بی مزاحمت احدی باید خود عارض عرض خود را کرده

و جواب بجزر دو کسی قادر بر مانع تسبیح عارضی نیست
 و کل الهالی انجا خصماً و صفاً فرادضعفا ازین فرار ادخوار
 و امیدوار و دعاگوی این دولت قوی شوکت علیه باشد
 دیگر نوشته بودند که عالیجاه رشید خان که از جانب
 اعلیحضرت پادشاهی خلع مقرب انخاقان شارلیه را که
 ملیت شب جبه ترمه بود و میرد در ششم ماه منبر بود که وارد می
 مقرب انخاقان شارلیه با تقاضا معارف و اعیان
 و افواج قاسره نظام با پنج عراده توپ تا یک فرسخی شهر
 با استقبال شایسته و لازمه توفیر و احترام تشریف
 بایون پادشاهی را بطن آورده و زین برود و شش مفاخرت
 و مباحث نمود و بشهر رحمت کرده و معارف و الهالی انجا
 و صاحب منصبان نظام شربت و شیرینی داده است
 مبارکباد گفته اند و در وقت خواندن فرمان بایون پادشاهی
 بجهت احترام فرمان بر پا خواسته است و علماء و اعیان انجا

مناعبت نموده اند
 استان از فرار یک در روزنامه کرستان نوشته اند این وقت
 و غایب سلیمان بی اعدالی گذاشته بی یاد و بصایت نقد و مرقه خصوصاً کرستان
 رسانده اند و فافزوده و دلوک سپاه خاست و ازین سازه اند با و
 این کت اولیای دولت عالی بران دانما بصد داران قدس تا یک بنهائید که
 در بنوقت خلاف قاعده نفاق و بغض و نظیر اعتمادی با اتحاد دوستی و دود
 دولت علیه عثمانی دارند در صد و طمانی و تا یک این خرابی برینا بد وین کامل
 دارند که دکلمای دولت عالی عثمانی نظر بحال مودت و اتحادی که مابین
 اولیای این دود دولت حاصلست خود در مقام طمانی این خرابی و خنایت
 و منع ایلات منبوره این خرابی را خواهند برآمد

خراسان

از فراری که در ضمن تخریرات و روزنامه خراسان نوشته
 ناخوشی و بادر آنجا کمال شدت را داشته و عد
 متوفی روزی به قصد نفر رسیده بوده است و لکن این
 اوقات از تفصیلات خداوندی تحقیق کلی یافته شد
 اموات مترا لا به شمت نفر و پنجاه نفر رسیده است
 و امید کلی است که انشاء الله تعالی این ملت را از آن خود
 هم بزودی رفع شود

و بگر چون ما بین عمده الامر العظام ظهیر الدوله حاکم هر
 و عمده اسخو انین العظام که میداد خان بیکر بسکی سزاش
 و میر احمد خان جمشیدی سالهاست که معاندت
 و برودتی بوده این اوقات ظهیر الدوله و میر احمد خان
 جمعیت بر سر ایل هزاره فرستاده بسای مجادله
 و منازعه گذاشته اند از فراری که نوشته بودند بیکر
 هزاره هم جمعیت فراسم آورده و در مقابل آنها
 در صد دطر و منع بوده است در وقت سواری اسب
 انداخته و خودش با اسب بد رختی خورده و بزین افتاده
 و ازین جهت صدمه زیادی با و وارد آن است حتی
 بودند که آدمهایش ادراد و با اسب سوار کرده بودند
 نتوانسته بود فرار بگرد و بعد از وقوع این کیفیت
 جمشید نیز فرصت غنیمت دانسته ایل هزاره را
 زده اند و از خود بیکر بسکی هزاره خبر صحیحی نرسیده
 که از آن صدمه وارده مرده با جان بدر برده با

و همچنین چون ما بین اورکنچی و مروی از سابق کینوع
 سوانتی بوده این اوقات خان جسیوق با ده هزار
 جمعیت بر سر مروی آمد و آنها را محاصره کرده است

۸۲۰

و خلیفه مرو مروی هم استخلص خود را درین
 دیده بودند که بروفق را بطسبندگی و اطاعت دولت
 قاهره دست توسل بذیل حمایت و رایت دولت علیه
 بنزد لند اخلیفه مرو و سپر خود را بارض او تسلیم
 نواب مستطاب شاهزاده و الا تب حرام السلطنه
 فرستاد حمایت از اولبای این دولت علیه خواسته
 بود اولبای دولت علیه نیز موافق رعیت پروری
 حمایت کسری مطابق استبان و استقلال آنها
 نواب مستطاب شاهزاده حرام السلطنه حکم نمود
 که لازمه تقویت داد از خلیفه مرو مروی بجهل آورد
 تا رفع شر او از کنجی از سر آنها بشود نواب معزی البیه نیز
 عباسقلیخان دره جزیری را بجا کومت آنها فرستاده و در
 سواره سمره او کرده بودند بعد از آنکه عباسقلی خان دره
 با آنجا وارد شده بود ناخوش شده و غایت یافته
 بود و اورکنچی هم با جمیعنی که داشته اند در محاصره
 کرده بودند تا اینکه این روزنامه وی با قبیل لوگری که از دولت
 علیه در آنجا بوده اند بکفایت اطلاع مروی بیرون آمده بر جمعیت
 او و کنجی بر پنجه جمعی اقسیل جمعی را ب دستگیر ساخته بودند
 او و کنجی هم بعد از مشاهده این احوال با اسب سفارست نیارده از دور
 عقبتر رفته بودند در اوسر و سواد سز کردگان آنها را که در نزد
 ملاکت افتاده بود تا بر اوسر حد نوبت شاهزاده فرستاده نواب معزی
 بسا خان بر عباسقلیخان در جزیری با پانصد نفر سوار پانصد نفر سوار
 فرستاده اند که اگر اورکنچی در با سمره بند منگ کند و از فراری که
 نواب شاهزاده معاد داشته اند که اگر اورکنچی با نوبت محاصره در باند و بجا
 نماید فوراً جمعیت زیاد با او در مروی فرستاده و آنها را از خاک مرو بیرون

اخبار دول خارج

انگلیس در روزنامه این ولایت تاریخ سیم
 رمضان المبارک نوشته بودند که پادشاه
 مملکت منور که پشموی پادشاه انگلیس میباشد
 بدین او آمد و وزیر مختار استوورتمن لندن و
 دوک کبیر پشموی پادشاه انگلیس با استقبال
 پادشاه منور در رفقه بودند و کشتی پادشاه منور
 وقتی که در رودخانه روبروی ونچ رسید پادشاه
 منور از کشتی بیرون آمد و بکاسکه سوار شده به عمارت
 پادشاه انگلیس رفتند

درین تابستان فرار داده اند که در چند جای مملکت
 قشون جمع نموده اردو برزند بجهت مشق حرکت کلیه
 هشت هزار قشون نزدیک پایتخت لندن جمع کرده
 وارد دوزده اند و خود پادشاه انگلیس تماشای
 مشق قشون منور آمد و پرنس البرط با پادشاه
 منور و بعضی از امرای منور همراه پادشاه بودند
 قشون منور مشق جنگ منقلب با کمال چابکی و نظام کردند
 و در جای دیگر هم که فرار جمع شدن قشون راداده اند
 در دبلین پایتخت مملکت ایرلند است و قشون منور
 در هر جانی که معین شده بود جمع شده و مشغول
 بودند

باین معنی میان معدن این سمت غربی ولایت
 و نزاع شده بوده است سبب اینکه این مملکت ایرلند
 منور علیه زیاد امن بودند و چون که اجرتی که میکردند کمتر
 از اجرت معدنچیان سابق بود باین واسطه بازار معدن

سابق کاد شده و بیکار مانده بودند کارشان باین
 اشخاص بزاع انجامیده و یک نفر از معدنچیان سابق
 در بین دعوا کشته شده بود و بعد ازین مقدمه آنچه
 اهل ایرلند بود از آنجا بیرون کرده بودند مع ذلک باز
 آشوب فروخت تا اینکه از جانب دیوان خدیفر
 آمده و مفیدین طرفین را گرفتند انباشت امور

تا رنج کاغذ آخر که از ولایت انگلیس رسید در شب
 هفدهم ماه رمضان المبارک بود مشورتخانه خوانین
 و وکلای رعایا و رپای تحت اجلاس کرده و مشغول
 گذراندن امورات دولتی بودند

فرانس

درین اوقات چنانچه در روزنامه سابق نوشته شده
 اهل مشورتخانه اینولاست مخص شده اند که بجانهای
 خود برزند و درین چند ماه که اجلاس کرده بوده اند بعضی
 فرار و قانونها بجهت نظم مملکت گذاشته بودند از ایام
 این مملکت که سه چهار سال قبل ازین بود و فتنه در مشورتخانه
 اجلاس میکردند چون باین آنها سخت و مخالفت زیاد بود
 و گفت کوهی مختلف میکردند چندان مجال قرار نظم
 ولایتی نداشتند اما چونکه حلال در میان اهل مشورتخانه
 مخالفتی نیست مجال فرار کارهای دولتی راداشتند و قرار
 که سببی بر نظم دولت بود داده اند

در مملکت فرانس چند اردو درین اوقات
 قشون فرانس میسر کردند چندان مجال قرار نظم
 بایستیم تا صد هزار نفر قشون داشته باشد و در

شمال نزدیک شهر نیل هم اردوی دیگر میزنند
 و آمدن لوی ناپلیان امپراطور فرانسه را بان اردوی
 شمالی در پانزدهم رمضان معین کرده اند
 در روزنامه دولتی این مملکت نوشته اند که موسیو
 کلوگه حکیم باشی اعلیحضرت پادشاه ایران سابقا
 نشان لژان د'انرازد دولت فرانسه داشت درین
 روزها همان نشان از مرتبه اعلی از دولت فرانسه
 بشار ایبه داده شده است و نوشته اند که موسیو
 برادر زاد معلم اطباست که همین نام را دارد و تبحر
 و حد اقصی مشهور کل دنیاست و موسیو کلوگه
 این نشان و منصب اعلی بود بجهت علم و فطانت او و
 خوش سلوکی نسبت ب مردم و خدمات صادقانه
 او که نسبت با اعلیحضرت پادشاه ایران دارد و چون
 اشخاص که بخوش سلوکی و محاسن اخلاق ارستیه
 از برای فرانسه در آن ولایات باعث نیکنامی می شوند
 استریه
 از شهر میلان نوشته اند که بیت نفع مقصد دولتی
 که در اعتناش چند ماه پیش ازین تقصیر کرده بودند بعد
 از تحقیق معلوم شده بود که تقصیرشان جز نیت خیر
 شدن مقصودین این شهر همه چهار صد نفر بودند و دولت
 متشدد نفر از اینها باز محبوس اند و مابقی را مرخص کرده
 و چند نفر هم درین روزها تازم گرفته اند بجهت اینکه
 هم مصلحتان مزیدی و سود پول داده بودند و اهل
 بسوز خاطر جمع بودند که آیا مقصدین دوباره
 در آن ولایت بر پا خواهند کرد یا نه و نظامشان را در

۸۲۲

اطراف سخت میگردند خصوصا توپچیان زبا که بان
 اطراف فرستاده بودند
 دولت بلژ در وینیه پای تخت استریه عمارتی بزرگ
 خرید است و حال تعمیر بنیاسه بجهت ششمین و بعد
 پادشاه بلژ که درین روزها دختری را از اقوام امپراطور
 استریه عروسی بنماید
 عثمانیه
 چنانکه در روزنامه سابق نوشته شد گفتگونی با
 دول شده بود در خصوص یکی از فرار بهای مجارستان
 که از مملکت مینکی دنیا بشهر اضمیر مراجعت کرده بود
 و قونسول استریه او را گرفته و در کشتی جنگی دولت
 که در آنجا بود محبوس کرده بود در باب این که از کشتی
 در روزنامه که تازه رسیده است باینطور نوشته اند
 که چون این شخص در زیر حایت دولت مینکی دنیا بود
 و بابت کرده آن دولت بولایت اضمیر آمده بود و گرفته
 کشتی جنگی دولت مینکی دنیا بشمالی که در آنجا
 از سر کرده کشتی جنگی دولت استریه این شخص
 خواسته بود او هم بزرگ و گفته بود که حکم
 قونسول دولت استریه محبوس است و نخواهم
 داد سر کرده کشتی مینکی دنیا نیز کشتی خود را در
 کشتی استریه کشیده و توپها را بر کرده اجناس جنگ
 نمود و دو کشتی بخارا استریه نیز که در آنجا بودند با
 کشتی جنگی استریه آمدند و کم مانده بود که مابین
 استریه و کشتی جنگی مینکی دنیا نزاع بشود کشتیها
 طرفین مهابای جنگ بودند و قونسولهای دول دیگر

که در اصبیر استند چونکه دیدند نزاع می شود فرستند
قونول دولت استرته و قونول دولت نرود حکم
فرستاد بکشتی جنگی دولت استرته که سر کرده کشتی بود
آن شخص را نیز قونول فرانسه فرستند و چونکه بعضی
بود اورا به بیمار خانه فرستادند و حال درین خصوص

کفکو فیما بین دولت است
احوال استمفرقه

از شهر نیوا آرلیانس نیکی دنیای شمالی نوشته اند
که در خصوص سرحدات ما بین آن دولت و دولت
کفکو کفکونی شده است سبب اینکه بعضی جاها
که در سرحد دولتین بود اهل دولت جمهوری نیوا آرلیانس
شمالی آمده بودند و تصرف کرده بودند و دولت کفکو
قشون بان سست میفرستادند

در یکی از معادن مس که در ولایت انگلیس است درین
روزنامه هینده اند که طلا دارد و طلای اورا هم در آورده اند
اگر چه کم است اما باز بلوری هست که منفعت میکند

بعضی اوقات در طوفان و رعد و برق سنگ از
آسمان افتاده است و درین روزها در مملکت عراق
یکی ازین سنگها افتاده است و مردم آنجا برداشته اند
رنگش سیاه بود و چهار گوشه و نیم طول داشته است

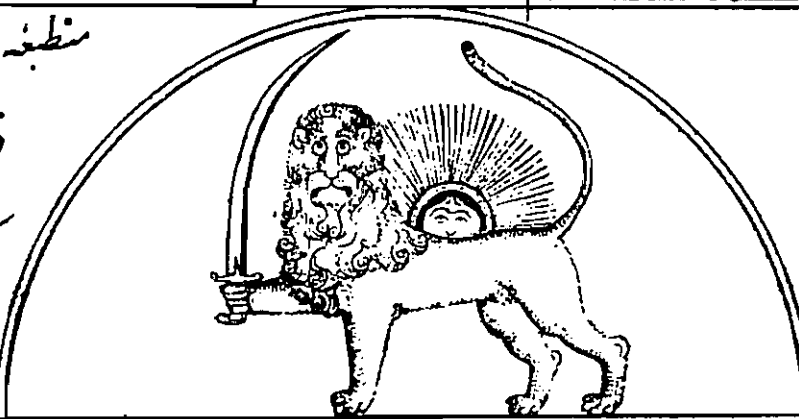
در روزنامه هینده گذشته نوشته شده بود که در
قطب شمالی که چند ماه شب است و آفتاب طلوع نمی کند
چند ماه روز است و آفتاب غروب نمیکند و در فصل

رستان آن اطراف روشنائی در آسمان ظاهر
می شود سابقا در ولایت انگلیس این روشنائی را
نمیدیدند و در سایر ممالک هم که در آن درجه بود
پیدا نبود اما حال چند سال است که در ولایت انگلیس هم
این روشنائی را می بینند و در روزنامه هینده چنین بنا می
چهارشنبه شانزدهم شعبان نوشته اند که ازین
فصل روشنائی در آنجا پیدا بود نزدیک نصف
اول دو ماه غیر از ماه متعارفی پیدا شده بود بعد
مانند تیر شهاب در آسمان کشیده شده و اینها
رنگشان مثل سابر کواکب بود و از مغرب سمت شرق
میرفتند و غیر از اینها نیز چیزی مانند قوس فرج
بود و لکن رنگ او زرد مایل بنارنجی بود و در سمت
کواکب اسد روشنائی برنگ نارنج هم بود

لیکن سبب این قسم شهابها در آسمان تا بحال کسی
نقصد است

در طرف قطب شمالی که در تحت منطقه بارده است
که هوای آنجا بطورست که در دهم و پود و از دهم
برف بنای آب شدن میگذازد و در یک هفته
بجای آب میشود و در بیت و نعمت و بیت و ششم خیزان
در ختیا برک می کشند و نباتات نشود نامی نمایند
و در پنجم و ششم تموز کلهها سکفته میشوند و در سیزدهم
و چهاردهم تموز محصول برداشته میشود و میوهها می
و ما کول میشوند و در بیت و چهارم تموز بر کها خزان
می کشند و در چهارم و پنجم آب بر کها میریزند
برف می آید و نازده ماه دیگر متصل برف است

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم خمسه دو از دهم ماه ذی قعدة الحرام مطابق سال اول ۱۲۶۹

<p>منطقه دارالخلافه طهران قیمت اعلانات یک خط چهار سطر یکمهره بیشتر باشد هر سطر</p>		<p>مزه صد و سوه قیمت روزنامه یک نسخه ده سطر یکمهره هفتاد و چهار هزار</p>
--	--	--

اجبار و احضار مالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز شنبه بمقام این ماه که حسب الامر قدس پادشاهی
امیر الامراء النظام سردار کل عساکر منصور و در سلطنت
بود اعلیحضرت قوی شوکت پادشاهی سجدتگشای
قشون و راه انداختن آنها سوار شده میدان است
بیرون شهر تشریف بردند و در آنجا افواج قاهره
ملاحظه فرمودند از سواره نظام و توپچی و افواج قاهره
همگی در کمال سکو و آراستگی با اسلحه و اسباب
تمام بنظر آمدس مایون رسیدند و قشون از آنجا حرکت
کرده روان شدند و اعلیحضرت پادشاهی بعد از
آنها بطرف امیر آباد و آن اطراف تشریف برده
و تا عصر در آنجا با تفریح مشغول بودند و نزدیک مغرب
اقاب مبارک مبارکه سلطانی و مقرر سلطنت عظمی
مراجعت فرمودند
نظر مآتب کمال کجمنی و مولات این دولت علیه که با
متجاریان درین اوقات که اعلیحضرت پادشاهی
غریب سفر سلطانی فرموده اند جناب وزیر دولت

حسب الاشارة العلیه به المیچان دول متجاریه بمقام دارالخلافه
طهران اعلام کرده بود که آنها نیز سجدتگشای مشق و
حرکت قشون در سلطنته ملزم کما بضررت اکتساب
بما یون باشند
نظر بطور و فوراً محرم لوکانه در باره جناب
صدر اعظم انعم در روز شنبه دهم این ماه اعلیحضرت
پادشاهی بعبارت جدید که جناب معظّم انجمن
مقرّب الخاقان نظام الملک در شهر نازه ساخته
تشریف فرما گردید
نظر بحسن خدمات مقرّب الخاقان قضان آقای تبر
که از بدایت عسری حال در راه خدمات دولت عظمی
بصدرا تهمات کامله شده و محاسن خدمات
حضوراً بطور بنحو که شایسته صداقت و
عقیدت است در پیشگاه حضور مایون ظاهر و آشکار
ساخته و مراتب خدمات او در نظر انور اعلیحضرت
پادشاهی و امنای دولت علیه را بد الوصف و
مقبول افتاد این روز ما حسب الاشارة العلیه

جلیل میرنجه کی تو پخانه مبارکه سرافراز آمد خلعت و فرمان
مهر طلعت نیز با قضا مرتب انجمن فانی را در حرم

هوای دارالخلافه طهران که بشدت گرم بود در این روزها
اعتدالی بنسب رسانده است و شبها صبح و عصر
بسیار خنک و خوب است و مردمی که سابقاً
ناخوشی و کرامی تابستان بیرون شهر و شمیرانات
و سایر ییلاقات رفته بودند درین روزها اغلب

مراجعت کرده اند
نظر بحسن خدمات و شایستگی عالیجاه محمد شفیع خان چایاربابا
در بارهای یون و خدمات و از نظم چایارخانه و کمال صداقت
که مستحسن رای مبارک شهنشاهی امداور لقب بلقب
بشیرالدوله و فرمانهای یون نیز با فحاراد شرف صدور
یا فقه و یک ثوب جبهه ترمه خلعت با و محبت شد

امورات قشونی

در یوم شنبه هفتم این ماه امیرالامراء العظام سردار کل
عساکر منصوره با افواجی که در نزدیکی شهر دوزد
بودند و ما مور بر فتن سلطانیه بودند روانه شدند
فوج جدید مراغه جمعی عالیجاه اسکندر خان سرهنگ که
حسب الامرهای یون ما مور خراسان شده بودند
و در آنجا خدمات شایسته کرده بودند با وجود این
ایام ناخوشی و با در ارض اقدس هیچوجه در خدمات
خود غفلت نورزیده و ایستادگی کردند در یوم چهارشنبه
وارد دارالخلافه گردیده در بیرون دروازه بالایی
باغ لاله زار چادر زده اند و حال اینکه تازه از سفر
آمده بودند همگی در کمال استیقامت و سباب و اسلحه تمام بودند

افواج مستوقف دارالخلافه که در ایام ناخوشی با
درینجا بودند با وجود بیم ناخوشی با کمال نظم خدمت کرده
در شدت تابستان بجهت گرمی هوای شوق را موقوف
کرده بودند درین روزها که هوای خوب شده است
همه روز مشغول شوق میباشند

سایر ولایات

از بایجان چون نواب مستطاب شاهزاده
حشمت الدوله با مقرب اسحاقان میرزا فضل الله
وزیر نظام و میرزا محمد قوام الدوله حسب الامر
احضار شده بودند که در حین سلطانیه بر کباب
فیروزی حسابهای یون بیاید از قراریکه در روز
نامه نوشته بودند نواب معزی الیه در نتیجه آمدن بحین
سلطانیه هستند و که خدیایان و بعضی از کارکنان
آذربایجان را نیز اخبار کرده اند که در خدمت نواب
معزی الیه بحین سلطانیه آمده شرفیاب حضور
های یون شوند

از قراریکه نوشته بودند حکام جزو آذربایجان که
برای تفریق حساب به تبریز آمده بودند حساب خود را
مفروق کرده هر یک بمقر حکومت خود رفته اند
از قراریکه در روزنامه آذربایجان نوشته بودند
نواب شاهزاده اسمعیل میرزا مرحوم شده و نواب
مستطاب شاهزاده و الا تبار حشمت الدوله حسب
اختیار آذربایجان حکم فرموده اند عیان و شرف
تشیع جنازه او حاضر شده در کمال اعزاز و احترام
به بقعه جناب سید حمزه علیه الرحمه برده اند

تو بچیان ذریبجان که احضار برکاب بایون شد بودند که درین
 سلطانیه حاضر شوند بترجیح روانه شدند و طایفه دیگر که ملی
 مرندی و دیگر خوز و سماسی باقی بوده اند آنها هم در شانزدهم شهر
 شوال روانه گشته اند فوج پنجم ایلات و قراچه داغ ابوالکحیمی
 عالیجاه جعفر قلیخان میرنجه و فوج ناصریه که احضار برکاب
 بایون شد بودند که در چمن سلطانیه حاضر شوند آنها
 هم از قراریکه در روزنامه نوشته شده بود در مسجد هم
 شهر شوال روانه شدند و از راه قراچه داغ خواهند آمد

خومی

از قراریکه در روزنامه خومی نوشته بودند مقرب الخاقان اسکندر
 سردار حاکم خومی در نظم امور ولایت و تمهید اسباب سودگی رعیت
 کمال اهتمام دارد زیرا که سرقت و دزدی و خلاف قاعده
 بطور برسد فی الفور بمقام رفع آن برمی آید از جمله نوشته بودند
 که شخصی از اهل قراچه داغ آمده در کار و دهنر اسب شخصی رزیده
 اسب خودش را که بسیار مفلک بود بجای آن گذاشته فرستاد
 کرده است مرتب بمقرب الخاقان مشارالیه معلوم داشته اند
 سارق را پسند کرده آوردند بعد از آنکه اقرار و عهده
 بسرقت خود کرد و در برابر می عمل خود رسانید
 از قراریکه نوشته بودند عالیجاه رشیدخان که خلعت القاش
 سنی ابجوانب علیحضرت پادشاهی با فقار مقرب الخاقان
 اسکندر خان سردار برده بود خلعت را رسانده
 روانه تبریز شده است و مقرب الخاقان مشارالیه
 در استقبال و اعزاز و احترام خلعت بایون
 لازم است تمام نموده حامل خلعت را در کمال دلجوئی
 روانه داشته است

کرمان

از قراریکه در روزنامه کرمان نوشته بودند امر آنحدود
 از هرجهت و هر حیثیت منظم و مضبوط است و امیرالامراء
 العظام مقرب الخاقان محمد حسن خان سردار حکمران برزده
 کرمان در نظم انسانان کمال اهتمام دارد و اگر کسی
 عمل خلافی شود فی الفور بمقام سببیه برمی آید از جمله آنکه
 نوشته بودند دو نفر سرباز کرمانی بموقت یک نفر شیخ
 مرتکب معصیت و عمل رشتی شده بودند مقرب الخاقان
 مشارالیه بعد از اطلاع بر معنی شبیه مضبوط نظام
 از آن دو نفر سرباز بعل آورده آن یک نفر شخص شیخ را
 هم که تقصیرش بیشتر بوده بجزای عمل خود رسانیده
 داذه در کوجه و بازار کرد و اینده بودند که بایش
 عبرت دیگران شود
 و دیگر نوشته بودند چند عراده توب جهه تیراندازی نشان
 زدن بیرون شهر برده بودند امیرالامراء العظام سردار
 هم در سرشق و تیراندازی تو بچیان حاضر شده
 تا شامی کرده است چون تو بچیان بقانون تیراندازی
 از روی مهارت و چابکی از عهده تیراندازی خوب
 برآمده بودند بهر یک فراخور حال انعام داده
 مراجعت بشهر کرده بود
 از قراریکه در روزنامه کرمان نوشته بودند این
 اوقات ناخوشی و باد آسخت و دهم بروز کرده شد تردد
 و چند نفر از ادهمای امیرالامراء العظام سردار
 ناخوشی مبتلا شده تلف شده اند و لکن خود مقرب الخاقان
 مشارالیه صحیح و سالم بوده است

خراسان

استرآباد

از قراریکه در ضمن روزنامه خراسان و ولایات
متعلقه بان نوشته بودند امر آنی و دوازده ماه
اولیای دولت علیه کمال الضبط دارد و
منازل عرض راه که زائر و قوافل در کمال رفاه و
عبور و مرور می نمایند و فوج حلج سواره ابوحمی
عالیجاه جانمخو خان سرهنگ که مرض شده ^{انگلیز} به
می آمدند در منازل عرض راه موافق قاعده و نظم
حرکت کرده اند و بی حسابی و بی اعتدالی از آنها

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند
انحایقان محمد و لیجان حاکم استرآباد در انتظام امر آنجا
اهتمام کامل دارد و بسبب مراقبت و مواظبت مشارف
خلات حسابی از کسی ناشی و صادر نمی شود و از طریق
ترکمانه که اغلب اوقات در آنجا بهر زکی و معرفت
و تاخت میگردند درین اوقات ننشسته اند که کسی
از آنها مصدر سرقت و شرارتی شده باشد

بظهور ز سیده است و عالیجاه جانمخو خان سرهنگ
و صاحب منصبان فوج مزبور محض شرفیابی
حضور ادبای دولت علیه بر کاب مبارک آمده
شرفیاب شدند و نظر بحسن خدمت و انتظام
انها در خراسان و عرض راه از جانب ^{اعلی} حضرت
پادشاهی و اولیای دولت علیه رحمت کمال
در باره آنها شامل گشته مورد اتفاقات گردیده

دیگر نوشته بودند که این اوقات ناخوشی بت دلزن
و محرقه در آنجا مبردم عارض می شود و بسکن ناخوشی
و با تاجال کجهد العبد بروز کرده بوده است و مردم
تغزیه داری بوده اند اخوند ملا محمد علی مجتهد چند روزی
ناخوش شده و وفات یافته است چون مردم
مزبور در قریه زیارت نام بوده است مردم شهر ^{باز}
و دکا کین را بسته و بنیات اجتماع رفتن جنازه
اورا با اعزاز و احترام تمام داخل شهر کرده اند و

دیگر از قراریکه نوشته بودند ناخوشی و باز سار
و سظام بکلی رفع شده است و ناخوشی ارض قدس
هم تخفیف کلی یافته است و از تفصیلات خداوند
بان بسه شدت ناخوشی در ارض اقدس و
کثرت زوار که درین دو سه ماه بحر اسان
و مراجعت کرده اند چه در ارض اقدس و چه در
عرض راه بسیار کم از آن سابق شده اند و
صحیح و سالم با دستان خود رجعت کرده اند

بنابر وصیت خود آن مرحوم نعش او را در مسجد کلشن که
محل نماز و عطا بوده دفن کرده اند و شبانه روز
بنامی تغزیه داری در آن مسجد گذاشته اند و در نسیم
مقرب انحایقان محمد و لیجان بکلی استرآباد
مجلس فاسخ خوانی ادرفته و سپهران و متعلقان
اورا دلاری داده و الهمار بهر بانی بان ناموده
انها را از عزای بیرون آورده و مجلس فاسخ خوانی
برجیده بوده اند

اخبار دول خارج

انگلیس در ولایت انگلیس اول بهار مواسم
خوش بود است و مسکن پنجاه روز که از غید نوروز گذشته
بود و در بعضی جایهای کوستان آن مملکت بسیار سرد
شده و برف هم آمده بود با اینکه کسی بادمید بد که در
انولایت در فصل زمبور برف آمده باشد و در
شمال آن مملکت در بعضی جایها چنین برف آید بود
که کالک سنجار با عرابه بارکش نتوانسته بود در دو ماه
و در یکجائی سه چهارم یکسرت برف افتاده بود
چرخ سنجار در میان برف مانده بود سیاهان لایب
از کالک بیرون آمد و پیاده بدی رفت بود
تا از جای دیگر خبر داشت چرخ سنجار دیگر فرستاد
که راهار ایچته آن کالکها که در میان برف مانده بود
کشود و کالکهار از میان برف بیرون آوردند

امورات هندوستان بر حسب حکم پادشاهان قدیم
انگلیس محول چند نفر از اهل انگلیس است که آنها را کامیاس
میگویند و لیکن حکم مملکت را نمیهند و ستان باین اشخاص
ناموعدی معین داده شده بود و درین روزها موعدی
اشخاص رز دیک است که تمام شود و و نیست که بعد
انقضای مدت آنها دولت انگلیس و امورات هندو
تغییر بدد از آنچه در ولایت انگلیس این اوقات گفتگو
زیاد در خصوص امورات هندوستان دارند و کتاب
سیاح و تاریخ و غیره که مناسب بولایت هندو
داشته باشند زیاد میخوانند که خلق خصوصاً اهل مستور

اطلاع تمام از قواعد و قانون این ولایت هم برسانند
که بعد از بحث و گفتگو دستور فراری درست در امور
انجا بگذارند و از جمله چیزها که در این نوشتجات نوشته
این است که اگر چه هندوستان بسیار ولایت حاصل جزای
و لکن بعضی اوقات فحطی زیاد درین ولایت می شود بلکه
فحطی که در هندوستان می شود بیشتر از آن است که در
ولایات روی زمین گاهی اتفاق می افتد بیست سال پیش
پنجاه هزار نفر در یک ماه از شهر لکانو در اطراف آن
از کرسنگی تلف شده بودند و در خان پور هزار و دویست
نفر مرده بودند و در آن ایام دولت مندان هندوستان
بفرد چهار کرد و حجاب ایران پول جمع کرده بود و بجهت
احسان فقرا که با آنها نان بپزند که از کرسنگی تلف شده
در مملکت گشتورد و است و پنجاه هزار نفر از کرسنگی
بودند و هفتاد و چهار هزار کاه و نزدیک پنجاه و نه هزار
ماده کاه و سیصد هزار بز و میش تلف شده بودند
مملکت مرو و پنججاه هزار کس مرده بودند و در سمت ملک
شمالی غربی هندوستان حساب کرده اند که در آن ایام
دو کرد و خلق از کرسنگی تلف شده بودند زنده ماند
مرده را میخورند و زندهها اطحال خود را میخورند و بلا
و چیزها در آن ایام اتفاق افتاده بود که بعقل درنی آید
و در بین ماه حساب کرده بودند که شش کرد و خلق از
کرسنگی تلف شده بودند و بدیوان بیشتر از بیست
کرد و حساب پول ایران ضرر رسیده بود اگر چه علاج
این بیهوده بسیار مشکل است و لکن ساختن راههای
و نه بجهت تردد کشتیها که حمل و نقل غله و آذوقه باستان

۸۲۹

بشود بسیار فایده در چنین اوقات قحطی بجهت خلوص خواست
 پادشاهان سابق مند و ستان بسیار بخرند بجهت
 زمین می ساختند و یکی این پادشاهان که سلطان
 نام داشت پنجاه بند در رودخانه های بزرگ ساخته است
 بجهت بالا کردن آب از برای زراعت زمین و چهل مسجد
 و سی باب مدرسه و صد چهارخانه و صد حمام و پنجاه
 پل ساخته بود و اکثر اینها تا بحال مانده است و سی دریاچه
 بجهت جمع کردن آب از برای زراعت ساخته است اگر چه
 بعد از آنکه هندوستان بدست انگلیسها افتاد این خیرات
 تعمیر کرده اند لیکن مانند پادشاهان سابق مند و
 از نیکو کارهای بزرگ عمده کرده اند که خیرات خلیج
 این گفتگو با این مشورستانه خوانین دولت انگلیس
 روزها مذاکره شده است

در یکی از روزنامه های فرانسه در خصوص مملکت چین
 با اینطور نوشته اند که تا بحال اهل چین چنین متکبر بودند
 که هر کس که از اهل خارج بود اعتنائی نداشتند و اصل
 آدم حساب نمیکردند و نسبت با آنها خوش سلوکی
 نمی نمودند حال بجهت افتشاش مملکت خودشان
 از دول خارج خواسته اند و محتاج باستعانت
 دول خارج شده اند و با کمال کوچکی و فروتنی و تعارف
 کاغذها بدول خارج نوشته و امداد خواسته اند و
 متنب که این گزارش شرح بجهت کل اهل روی زمین
 بجهت اینکه مملکت چین مانند سایر ولایات روی زمین
 مفتوح میشود بجهت عموم تجار و سیاح و غیره از هر ولایت
 که بخواهند با آنها بگردند و تا بحال اهل دول خارج از هر

حلقه که بودند نمی گذاشتند که با ولایت داخل بشوند
 و بسیار کم اتفاق می افتاد که ایلیچی یا کسی بحسب امریت
 میان آن ولایت را میبندند حال که امداد از دول خارج
 خواسته اند معلوم میشود که دولت چین در کار باغیان
 آن ولایت در مانده است و دلیل شده یعنی تواند رفع

آنها را بکند

فرانس

در روزنامه دولتی شهر پاریس که ما نیز میمانند
 چند از جانب دیوان نوشته اند از جمله یکی اینکه بر
 حسب قانونی که داشتند وزارت تجارت و زراعت
 و مهم تعمیرات عمارات و معادن دولتی بیک نفر مقرر
 شده است بخلاف این ایام آخر که قانون قدیم را بر
 زده بودند و این شغلها همه را با جمع وزیر داخله
 شده و از جانب او هر یک بدست یک نفر بود حال
 بجهت این کارهای وزیر علاقه یقین کرده اند

در مملکت فرانسه قاعده لاتاری داشتند که دیوان
 این لاتاری را بر ابراه می انداختند و حق سیمیستی بجهت
 برقرار کرده بودند چونکه این کار قسمی از قمار بازی است
 و قمار بازی کاری است که در هر دولت منع است
 لهذا این لاتاریها را از جانب دیوان درین روزها
 موقوف کردند

لاتاری که ولط که سابقا از جانب دولت فرانسه
 سفیر کبیر مقیم اسلامبول بود بعد از مرگش پانچ
 فرانسه بحکم امپراطور فرانسه در بن اوقات
 داخل خوانین مشورستانه شده است

احوال ممتزقه

فرانس بیاید

در فرنگستان از جمله پوستهای گرانها و مرغوب که کلیچه و کلاه اعلی از او میسازند پوست ک آبی است و کشتها بجهت شکار ک آبی بکنار دریا های سمت شمال دنیا میروند و گرفتن ک آبی و بعل او درون پوست آن از جمله تجارت عمده آنولایات است و در روزنامه فرانس نوشته اند که خبر از سمت کن در بای بیکی دنیای شمالی آمده بود و نوشته بودند که اسال این ک آبی بسیار در آنجا شکار کرده بودند و تا آوقت دولت و نجاه پوست ک آبی بکشتها حمل کرده و فرستاده بودند

تجارت و دولتمندان شهر لندن پای تخت انگلیس بنا دارند در سه تازه بارند بجهت اطفالی که مثل تجارت کشتها اختیار می کنند و چونکه راه بردن کشتی علم نجوم و غیره کو اکب را لازم دارد و باید کشتی بان درین علوم ما هربا لهذا ساختن این مدرسه در شهر لندن بسیار

لزوم دارد

روزنامه که در مملکت استرالیا چاپ میزند نوشته اند که بقدری بفرسوس میروند و مشتری او زیاد شده است که چاپ خانه که در آنجا دارند روزی ده هزار نسخه در او چاپ زده می شود کفایت نمی کند و فرستاده اند

در یکی از روزنامه های فرانسه نوشته اند که در راه آمین در یگی دنیای شمالی کال کهای بخاری یکدیگر خورده بودند یک چرخ بخار که مکانیک چاپارد دولتی در او بود و غیره طی مسافت سیکرد به پهلوی کال کهای دیگر که ستیا جان در آنها کشته بودند خورده کال که را خورد کرده بودند و مردم زیاد در زیر این کال کها مانده بعضی زخما شده بودند اما کسی تلف نشده بود

چاپ دیگر که بچرخ بخار حرکت می کند میاورند و بیشتر آنها روزنامه که طالب شده و سخن او پیش می دهند اعلام کرده اند که تا قبل نمایند اما اسباب مزبور برسد بیشتر بهای قدیم روزنامه بهمان فراسابق که داشتند روزنامه میدادند و سالی چهار تومان و نیم پول اورامی گرفتند اما از مشتهرهای تازه سالی نه تومان کمتر میگیرند

از اولاد روم بونه پارت بر اورامی اطرنایلیان اول در مملکت یگی دنیای شمالی هستند و یکی از آنها صاحب منصب قشون همان مملکت است درین اوقات که لوی ناپلیان پارت فرانس رسیده از اولاد روم بونه پارت که اولاد عوی او او بسیار خونسخوش کرده است که بفرانسه آمده او را بدین نامیند و آنکه صاحب منصب قشون یگی دنیای شمالی است از آن دولت مرخص شده است که بیدین لوی ناپلیان پارت

یک پارچه طلای بزرگ این روزنامه ایمن استرالیا در آورده اند که صد و سی و چهار پوند و نیم که پست من و بوزن ایران می شود و وزن داشته است و نوشته اند که مردم از اطراف آن روی زمین از بهر ظایفه روز بروز در آنجا جمعیت میکردند خصوصا از اهل انگلیس با بیرون آورده طلا بسته تخت و طالع هر کسی بود بعضی اشخاص در یک روز پارچه های بزرگ متعدد پیدا می کردند و بعضی هم بقدر

مخارج خود درمی آوردند و مایوس شده دست
از کار می کشیدند اما ازین قبیل اشخاص که گذران
خود را در می آوردند بسیار کم بودند و اغلب مردم
در آنجا طلا خوب در می آوردند و منفعت خوب میکردند
اجناس از قبیل آذوقه و طبوس بسیار گران بود
و از آنجا نوشته اند اگر کسی از ولایت انگلیس با جای
دیگر با آنجا برود و بوستان بعل میآورد و سبزی کاز
بکند منفعت زیاد خواهد کرد زیرا که یک کلمه در آنجا بگوید
دینار ببردش هر دو یک حویج پنجشای بسیار
ماکولات از قبیل سبزی آلات بهین نسبت گران
بود دیوان بنا دارد که از هر کس که با آنجایی آید چهره
دینار توجیه بگیرد و حال هم کسی که بخواد نزدیک
بشهر آنجا چادر بزند از برای مقام چادر او دو تومان
میگیرند این گونه توجیهات باعث بخش و کلمه مندی
خلق بود و لیکن از توجیهی که از طلای معادن از هر
کسی که طلا در می آورد بقرامعینی میگرفتند رضایت
داشتند بجهت اینکه دیوان سوار و مستحق مقرر شده
که مانع زدنی و بی حسابی در میان این اشخاص نشوند
و نوشته اند که در یک سال ازین ولایت ششادوست
کرد و طلا بیرون فرستاده اند جمعیت کمتر یا بیشتر
از هفتصد هزار کس نسبت و ازین جمعیت دیوانیان دوازده
گروه ایالت گرفته بودند و کمان داشتند که در سال
بسبب اینکه جمعیت در آنجا بیشتر خواهد شد ایالت نیز
بیشتر عاید دیوان بشود
خبر آخر که از برمه مند و استان آمد نوشته بودند که

اولاً بن تکلیف دولت انگلیس را قبول کرده بودند و گفته
بودند که یک وجب زمین از خاک برمه بدولت انگلیس
نخواهیم داد و دوباره تدارک جنگ میدیدند و قشون
انگلیس باز از هندوستان مأمور شده با نولانیست بر
و اهل انگلیس بسیار تعجب میکردند که سردار انگلیس با اینکه
بست هزار قشون در آنجا دارد دوباره باز قشون خود
و در یک جانی از مملکت برمه میسر که چند نفر از اهل
انگلیس بودند اهل آن ولایت آنها را کشته اند و در جایی
دیگر نیز بعد از آنکه قشون انگلیس تصرف کرده بودند ماکم
و صاحب از اهل جان و لایت از جانب دولت انگلیس
معین شده بود قشون برمه که با آنجا آمده اند آن
حکام و جناب طاراهم کشته اند

اعلامات

کتابهای چاپی دارالخلافه طهران که در دارالطباعة
حاجی عبدالمجید باسچی در محله نزدیک دروازه دوازده
انطباع شده اینقرار فروخته میشود

شاهنامه	چهار تومان و نیم	۴۰
قاموس	دو تومان	۲۰
مجمع البحرین	سه تومان	۳۰
معراج العاده	پانزده هزار	۱۵۰۰
زبدة المعارف	دو تومان و پنجاه	۲۰۰
تسخیر الرائر	یک تومان	۱۰
تاریخ بطر کبیر	دو تومان	۲۰
جامع التمثیل	پنجاه	۵۰
سیوطی	پنجاه	۵۰

روزنامه وقایع اتفاقیه تبایخ یوم شنبه نوزدهم ذی قعدة الحرام مطابق سال اول سنه ۱۲۶۹

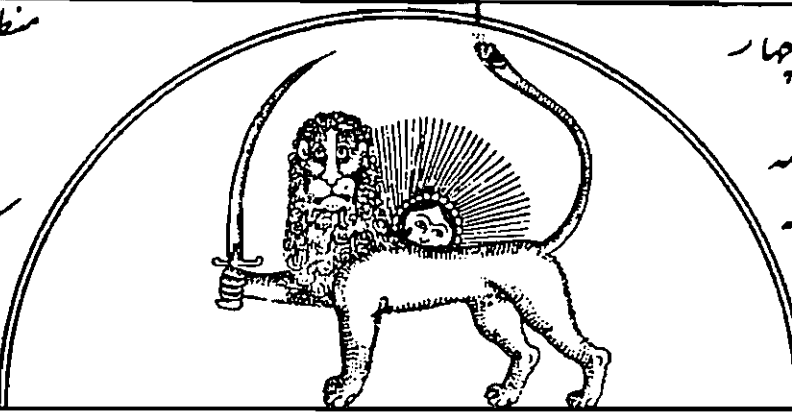
نزه صدوسی و چهار

منطبه دارالخلافه طهران

قیمت اعلانات

یک سطر ای چهار سطر یکبار

بیشتر با هر سطر



قیمت روزنامه

یک نسخه شش ماهه

و نه و چهار هزار

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

موجب اعلیٰ یک تیرتوب خالی شده و چهار ساعت
 بغروب مانده در ساعت سعد اعلیحضرت پادشاه
 با السوکه و الاقبال سوار شدند و زنبورکخانه شیلیک
 اول را در میدان ارک نموده و پیشاپیش موجب
 منصوره روانه شدند و اعلیحضرت پادشاه
 بمیدان ارک آمدند و نظام توپچی و سرباز پیشین
 و تعظیم نظامی نمودند و موجب هاجون از میدان ارک
 از دروازه تخته پل رو بشهر بیرون آمدند و مجدداً
 سفارش عموم امالی دارالخلافه را بنواب مستطاب
 شاهزاده و الاتبار اردشیر میرزا حکمران دارالخلافه
 طهران و توابع و مقرب الخاقان میرزا موسی وزیر
 دارالخلافه و توابع فرمودند و از دروازه قره‌ون
 بیرون رفتند با میرآباد که منزل اول است
 تشریف فرما گردیدند و صند و قحانه مبارک
 متعاقب موجب هاجون با ساز و نقاره که متداول
 این دولت علیه است روانه شد اردوی هاجون از
 میرآباد منزل بمنزل سمت سلطانیه حرکت خواهد نمود

اعلیحضرت قوی شوکت پادشاهی که غایت
 سفر خیریت اثر سلطانیه را پیشنها و خاطر ملوک
 فرموده بودند در روز یکشنبه پانزدهم
 این ماه پیش خانہ حب الامر هاجون با اوضاع
 و جلای که معمول است اول این دولت علیه
 بیرون رفتند و چادر و سر پرده و الاچین
 امیرآباد و نزدیکی یافت آباد که منزل اول و دوم
 زدند و در روز و شنبه شانزدهم نیز بنی
 و تدارک امنای دولت علیه و چاکران حضرت
 کردند و بسطت سنیه بمعمر هاجون پیوستند
 و در روز شنبه هفدهم که روز حرکت موجب
 فیروزی موجب بود نظام توپچی و سرباز در میدان
 ارک حاضر باش نمودند و در تاد در میدان
 نظامی کشیدند با اوضاع دار آسکی تمام و زنبورک
 با شترهای زنبورک که بکلی بجهازهای سرخ از
 در میان میدان ارک حاضر گردیده قبل از حرکت

۸۳۳

دستم در روز قبل از حرکت موکب مسایون کجاست
 جلالت ماب صدر عظم و آنچه قرار کارامورین
 دستوقفین و تمیبه و تدارک سفر خود اچارت داده بود
 از جمله امانی دار اسخلافه که عموماً تقدیم خدمت این دولت
 قوی مکت علیه را بمال و جان طالب سابق بود و هیچ
 کثیری از تجار دار اسخلافه با غالیجا آقامهدی ملک
 خدمت جناب معظم الیه آمد معروض داشتند که جماعت
 تجار مستعدی هستند که اگر خواه بجهت این سفر خیر باشد
 لازم باشد هر قدر بخواهند حکم فرمایند که نفوسندگی
 و تسلیم شود و این معنی مایه مفاخرت تجار خواهد بود
 جناب معظم الیه نیز آنها را بعنایات شاه علیحضرت پادشاه
 و نفقات کامله خود مبای ساحته و فرمودند که رعایا
 عموماً کج و خزانه پادشاه اند خصوصاً تجار و لیکن بخدمت
 اعلیحضرت پادشاهی مستغنی از استعراض اند و با
 ولایت و اسودگی رعیت که همگی از ناجرد کاب دراز
 و غیره در پناه این دولت علیه در عهد امن و امان اند
 بحال خورسندی خاطر ملوکانه است و بعد از اظهار
 التفات و مهربانی نسبت بانها بقرب انخافان بزرگوار
 وزیر دار اسخلافه طهران و توابع نیز که در خدمت جناب
 معظم الیه بود شفاً سفارشات مبسوطی بر بقصد
 مهربانی و حصول اسودگی آنها فرمودند
 چاکران متوقف دار اسخلافه مبارک که چون در ایام
 که موکب مسایون در سیلاقات لار و غیره تشریف
 هر یک در سر هر خدمتی که بودند از کار و خدمت خود
 کردند و با اینکه اغلب مردم در آن ایام بسبب ناخوشی

۸۳۴

و گرمی هوا متفرق شده بشیرانات و سایر سیلابات
 دور و نزدیک فرستاده بودند این اشخاص محض اتمثال
 امرهایون و انجام خدمات محوله بخود ثبات قدم و بر
 و از سر خدمت دوری نکردند خدمات آنها تحسین خاطر
 همایون افتاده درین اوقات خلعت و انعام ملوکانه
 در باره هر یک بفرخواستشان در تبه حمت گردید
 و چون روزنامه این هفته کنجایش تفصیل آنها را انداخت
 در روزنامه هفت آینده مفصلاً نوشته خواهد شد

احوال متفرقه

یک نفر چوپان در مملکت مجارستان در گرفتن
 دزدان آن ولایات رشادت و جلالت تمام
 بعمل آورده است دزدان بیک قرینه که چوپان بود
 در آنجا بوده است حمله آورده بودند مشا را بپای
 با آنها جنک کرده و سه نفر از دزدان را
 بست خود کشته بود حاکم آن ولایت در ازای
 خدمت و رشادت او سیصد فلان باو انعام
 داده بود و قبول کرده و گفته بود که باید بکحضور
 اعلیحضرت امپراطور استریم بروم مراتب را انعام
 دولت استریم خدمت امپراطور عرض کرده بود
 او را بکحضور خواسته و مبلغ هزار فلان که دولت
 نومان بجناب پول ایران می شود باو انعام
 داده بود و بک نشان هم باو مرحمت کرده بود
 حاکم ولایت مجارستان هم سیصد فلان
 انعام را که اول داده بود و مشا را بقبول کرده بود
 در ثانی باو داده بود و این شخص چوپان جوانی که

بیتال بیشتر از تن او نگذشته است

چو بانی که در مند و ستان کشتی از آنها ایستاده
پسار محکم و پر دوام می شود خصوصاً قیمی از
این چو به است که تیک می نامند دوام و استحکام
این چو بیشتر از سایر چو به است بجهت تعمیر
حوضها در کنار دریا می سازند و از دریا باین حوضها
هز می سازند وقتی که کشتی را میخواهند بچرخ
بیاورند که تعمیر بکنند هنگام مد دریا که آب
بالا می آید کشتی را از نهر می آورند بعد که
در جزر دریا آب کشیده می شود آب دریا از حوض
بر می کشند و حوض خالی می شود کشتی بزین می
بگذرد در پیچه راه نهر را می بندند که آب در وقت
مد بچرخ نیاید و کشتی را تعمیر می کنند و بعد از تمام
تعمیر کشتی راه نهر را می کشند و در هنگام مد دریا
آب می آید و حوض پر می شود کشتی بالا می آید و بند
می کشند درین روز با یکی از این کشتیها که از آن چو به
محکم بند و ستان ساخته شده بود بچرخ دریا چو به
در مملکت انگلیس که کشتیها را در آنجا تعمیر می کنند
آورده بودند که تعمیر نمایند و متبک آب حوض را
بیرون کرده بودند و کشتی در زمین حوض قرار گرفته
بود اندک کشتی مزبور را درسی نموده بودند که اگر جانی از
او عیب کرده یا پوسیده باشد چو پس را عوض کرده
نمایند دیده بودند که مطلقاً هیچ سخته و چوبی از او
عیب نگرفته است و در کمال استحکام است با ای
مدت پانزده سال در میان آب بوده است

از مملکت تنکی دنیای شمالی مردم بسیار معدن طلا
استرالیا میروند و در یک کشتی صد و شصت نفر در
این روزها نشسته بودند که با تولا بیت بودند و افراد
خبر آخر که از تولا بیت آمد روز بروز طلا بیشتری
و کمان دارند که طلای آنجا باین زودیه تمام نشود در
مملکت کلی فازییا اول که طلا بستند در میان خاک
و دو خانها بود و خاک اکثر رود خانها را حالا شده
و از خاک رود خانها چندان نفعی دیگر نمیبند حالا
اصل این معدن را در آنجا در میان سنگ سفیدی
که مانند سنگ چغاق است یافته اند این سنگ را
در می آورند و خورد می کنند و می که ازند و طلا از
او بیرون می آورند اما در مملکت استرالیا طلا در میان
خاک است و زمین را چاه می کنند از یک ذرع
و دو ذرع تا هشت ذرع حفر می کنند و طلا از
میان خاک آن در می آورند و درین ولایت
بجهت ذغال سنگی که بمصرف کشتیها و کارخانها
برسانند بسیار تنکی می کشند و در روزنامه های
نوشته اند که اگر کسی درین ولایت معدن ذغال
سنگی پیدا کند بیشتر از طلا منفعت خواهد کرد
در مصر سفلی سالی یکدفعه مردم از اطراف آن سمت عربستان جمع میشوند
بجهت داد و در طلب طلا که یکی از قصبه های آنجا است اکثر اوقات در آنجا
تجمع می شوند و اجناس تجاری از هر طرف می آورند و داد و می
درین خود عباس شاه که آن مملکت مصر آنجا رفته بود در آنجا

بعد از جنگ مجارستان دزدی و بی حسابی در آن
 زیاد می شود بطوریکه سفر کردن در راههای آنجا نشیون
 زیاد دارد اکثر این دزدان از قشون مجارستان
 بودند که در ایام پادشاهی آنولایت پادشاهی
 داخل باغیان بودند و با قشون استریه جنگ میکردند
 دولت استریه هر چه خواسته اند درین دولت
 نظمی بگذارند تا بحال نوشته اند با اینکه خبر کرده اند
 که اگر کسی در خانه خود دزدی مخفی نموده باشد او نیز
 معصوم و یوان است و کشته خواهد شد اسبهای مملکت
 مجار مشهور بودند و در آنولایت بود حال قد
 شده است که رعایای آنجا اسب سوار شوند درین
 و در همه و جلونگاه دارند و در کس خلاف این حکم
 بجا نیاوردند و میزنند و صد فلان انعام کسی است
 که خبر بد بد که دزدان در کجا میباشند و در گرفتن بعضی
 دزدان مشهور میدهند فلان انعام می دهند و
 درین مملکت دزدان دسته دسته میباشند
 برای گرفتن شخصی که بزرگ ده نفر از دزدان باشد پانصد
 فلان انعام میدهند و بکسی که ده نفر دزد بگیرد هزار
 فلان میدهند و فلان یکی دو هزار دینار بحساب
 پول ایران است با وجود این قرار نامنوز چاره دزدان
 آنولایت را نتوانسته اند بکنند
 در اول بهار گذشته در شهر کونینا کنین پای تخت مملکت
 دینارک ناخوشی از قسم تب و لرز و سباه مرفقه
 بسیار بود و جنبلی ازین ناخوشیها تلف شده اند

۸۳۶

خصوصاً از اطفال اطباء سبب این ناخوشیها را کرده
 هوا و کثرت رطوبت و عفونت هوا میداند و بگویند
 مادام که شهر داپاک نکنند ازین قسم امراض در
 این شهر بسیار خواهد بود

بسیاری از مردم تعجب میکردند که سیاههای
 ریش امید که سالهاست با دولت انگلیس جنگ
 می کنند و تیر و بار و طبا آنها از کجا می رسد تا در
 این روزها کشتی فرانس در دریای کناره مملکت انگلیس
 بسنگ خورده گشته بود و پانزده کشتیان در
 کشتی بزبور بودند و نشت نفا آنها غرق شده و شش نفر
 بیلاست بیرون آمده بودند و بار این کشتیها تفنگ
 و بار و ط و غیره بود و از آن کشتیها آنکه خلاص
 شدند تحقیق نمودند مذکور داشته بودند که این تفنگ
 و بار و ط را میخواستند بر تن امید ببرند

در یکی از روزها نامهای انگلیس نوشته اند که در
 شهر لندن پای تخت انگلیس بقدر صد هزار نفر فراری
 از دولتهای دیگر هستند که همه از دول خود فرار کرده
 و آمده در آنجا جمع شده اند

اعلانات

کتابهای چاپی طهران که در کارخانه حاجی عبدالحمید
 در محله زدیکی در دانه دولاب الطباع شده اند
 فروخته میشود

مجموع الجبرین	سه تومان
تاریخ پهلوی	دو تومان
تخفیه الزائر	یک تومان

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه یازدهم شهریور ماه یستمین سال و پنجاه و نهمین

نزد صد و سی و پنجمین
عمیت روزنامه
یکشنبه و سه شنبه
و نایب چهار هزار



منظمت دارالخلافه طهران
قیمت اعلانات
یک سطر چهار سطر
بیشتر پنج سطر
بیشتر با هر سطر

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

امورات دارالخلافه طهران از اتهامات اولیای
دولت قاهره در کمال انظام است و الهی و سکنه
دارالخلافه در امنیت و آسودگی بدعای دوام دولت
جاوید مدت قاهره مشغول اند و از کسی حرکت خدانی
ناشی و صادرنمی شود و اگر بندرت کسی مصدر خلاف
حسابی شده باشد کارگذاران دیوانی فوراً مقام
تنبیه و تادیب او برمی آید و ناخوشی نیز سبب
تحقیق کلی یافته است و لکن بسبب تغییر فصل و وقوع
میوجات و نا پریشانی بعضی مردم ناخوشیهای دیگر
در میان خلق است و باسبب ناخوشی و باسبب میکند
و باین ملاحظه نواب مستطاب شاهزاده و الاستبار
اردشیر میرزا حکمران دارالخلافه طهران و توابع قدس
نمودند که مردم میبوسند و نخوردند تا سالم باشند
عالیجاه میرزا عیسی که منصب استیضای نواب مستطاب و لایحه
دولت قوی شوکت علیه سرفراز شده بود درین

اوقات یک ثوب جبه کرمانی برسم علت در حق
او رحمت گردید
عالیجاه محمد علی بیگ یا در اول توپخانه مبارکه چون
سفر خراسان مصدر خدمات شایسته گردیده
و حسن خدمات او در نظر اقدس جابون شاهنشاهی
و امنای دولت علیه مقبول دستخوار افتاده بود
لهذا درین اوقات از قرار فرمان مبارک بمنصب
سرمشکی توپخانه مبارکه سرفراز شده و خلعت
در حق او رحمت گردید
درین هفته بعضی الواط که در دوسه مجلس مرکب
و شرارت شده بودند آنها را گرفته خدمت نواب
شاهزاده آوردند چند نفر از اهل نظام و رعیت بودند
حسب احکام نواب معزی البیه آنها که از اهل نظام بودند
تبعاعه نظامی و آنها که رعیت بودند در بارها چون
منبیه کامل گردیدند تا عبرت دیگران بوده بعد ازین
کسی جرئت با رکاب شرب و شرارت ننماید
چنانچه در روزنامه هفته گذشته اجمالاً در باب خلعت

۸۳۷

اشخاصی که در عنایت موکب جانون مصدر خدمات
 شده بودند نوشته شد و بود درین مضمون مفصلاً
 مسطور میگردد و هنگام حرکت موکب جانون (مستوفی)
 خلعت نشان باشخاص مفصله ذیل مرحمت گردید
 نواب مستطاب اردشیر میرزا حکمران دارالخلافه
 و توابع با عطای نشان میرنجه کی و حامیل و سرعایل
 و یک ثوب جبهه ترمزین اعزاز و احتصاص گردید
 عالیجاه میرزا موسی وزیر دارالخلافه طهران و توابع با
 نشان ترمیزی با حامیل و یک ثوب جبهه ترمزین
 و سرافراز گردید
 عالیجاه محمود خان کلانتر با عطای نشان اول سرکی
 و یک ثوب جبهه کرمانی سرافراز
 چهار نفر که خدایان محلات دارالخلافه مبارکه هر یک
 بیک طاقه شال کرمانی مخلصند
 عالیجاه میرزا سید میرزا مستوفی دارالخلافه جبهه
 سلسله
 عالیجاه میرزا زمان جبهه سلسله
 عالیجاه میرزا رضا قلی نشی شال کرمانی
 داروغه دارالخلافه قبا ی زری
 مرتضی که خدای ارک قبا ی زری
 حاجی آقا باباد حاجی میرزا موسی و تیمور میرزا ولد حاج
 محمد ولی میرزا و میرزا ولی که از معارف اطباء هستند
 هر یک یک ثوب جبهه سلسله
 سایر اطباء که نه نفر بودند هر یک یک ثوب جبهه ماهوت

مرحمت گردید
 عالیجاهان باقر خان و حاجی آقا جان نامیبان خراسان
 مبارکه هر یک بیک طاقه شال کرمانی
 عالیجاه آقا محمد ابراهیم پسر عالیجاه محمد تقی خان معاربان
 بیک طاقه شال کرمانی
 عالیجاهان نضرا الدخان سرایدار باشی و حاجی صادق
 فرانسس خلوت و آقا رضای فرانسس خلوت هر یک
 بیک طاقه شال کرمانی
 نایب چاچار خان یک ثوب قبا ی زری
 و هم چنین صاحب منصبان نظام نیز
 که در عنایت موکب جانون مصدر خدمات بودند
 بموجب تفصیل ذیل در حق هر یک نشان و خلعت
 مرحمت گردید
 مقرب انخاقان محمد خان میرنجه نشان میرنجه کی
 با حامیل
 مقرب انخاقان مصطفی قلیجان میرنجه نشان
 میرنجه کی با حامیل
 مقرب انخاقان فضل آقای میرنجه نشان میرنجه کی
 با حامیل و یک ثوب جبهه ترمز
 عالیجاه میرزا محمد علی سررشته دار توپخانه مبارکه
 شال کرمانی طاقه
 عالیجاه علی بنقی خان سرتیپ گزازی نشان سرتیپ
 با حامیل

عالیجا، حبیب الله سرتپ تنگانی نشان سرتپ
با حایل

عالیجا، محمد صالح خان سر کرده کزنده بچه
شال کرمانی

عالیجا، محمد علیخان سرتپ فوج خاصه
نشان سرتپسی با حایل

عالیجا، میرزا کریمخان سرمنگ فوج سوادکوه
شال کرمانی

عالیجا، آقا رضاخان نایب اجدان باشی
نشان سرمنگی

یاوران توپخانه مبارکه دونفر هر یک یکطاقه
شال کرمانی

عالیجا، محمد باقرخان سرمنگ فوج دوم
شال کرمانی

یاور فوج خاصه شریفه یکطاقه
شال کرمانی

عالیجا، اللهوردی خان سرمنگ توپخانه
شال کرمانی

چهار نفر یاوران افواج کرازی هر یک یکطاقه
شال کرمانی

عالیجا، عبدالله خان سرمنگ فوج حاکم
شال کرمانی

یاور فوج قدیم کرازی یکطاقه شال کرمانی
یاور فوج سوادکوهی یکطاقه شال کرمانی

عالیجانان میرزا علی اکبر و جعفر قلجان سرمنگان
تورخانه مبارکه هر یک یکطاقه شال کرمانی

چهار نفر یاوران فوج قدیمی قراکوزلو هر یک یکطاقه
شال کرمانی

عالیجا، حاجی محمد حسین جبه دار باشی یکطاقه
شال کرمانی دیکتوب قسبای زری

محمد بیگ یاوردو کیسل باشی یکطاقه شال کرمانی

عالیجا، جعفر قلجان سرمنگ توپخانه
شال کرمانی

آقا بیگ نایب توپخانه مبارکه یکطاقه شال
کرمانی

نظر بطور دفور مراسم لوکانه در باره نواب مستطاب
 شاهزاده و الایبار اردشیر میرزا حکمران دارالخلافه
 طهران و توابع درین اوقات از جانب سنی انجواب
 اعلیحضرت پادشاهی منصب جلیل میرنجه کی سرفرا
 و علاوه برشان و حامیل مخصوص مرتبه مزبور که نواب
 معزی البه رحمت در روزنامه نوشته شده در
 توقف امیرآباد بکبر سب خوب از اصطبل خاصه
 نواب معزی البه رحمت و روانه فرموده
 درین اوقات پیش از حرکت موکب هایون از مقر
 خلافت سردار امیرخان که از جانب عمده الامراء ^{اعظام}
 سید محمدخان ظهیرالدوله حاکم بهرت چند سراسر
 برسم پیشکش حضور مبارک آورده بود و بعد از ورود
 دوروز و یکروز با خوشی و بامبتلا شده و فاتی یافت
 لهذا اولیای دولت علیه بملاحظه اینکه مازن محمدخان
 برادر سردار امیرخان و خوشدل خان پسر او در ^{دار}
 صورتی نداشت خاصه اینکه موکب هایون بمسبت
 چمن سلطانیه حرکت و هفت فرموده بودند عالیجان
 مشارالیه را مرض دروانه داشتند و در باره
 عالیجان مشارالیه و سایر همراگان سردار امیرخان
 در حوز هر یک انعام و خلعت مندر افقاده مورد ^{توا}
 و مرحمت لوکانه گردیدند و اعلیحضرت پادشاهی
 و فور مرحمت در باره عمده الامراء النظام ظهیرالدوله
 یکثوب جنبه زمره مخصوص اعلی سجد او مرحمت و انقاد ^{دا}
 این اوقات خان زادهای سستانی که محض اظهار

۸۴۰

اطاعت و انقیاد خود نسبت به دولت جاوید نهاد
 بدار الخلافه امیر شرفیاب حضور مبارک گردیدند و بنا
 داشتند که همیشه در دربار شوکتدار هایون بوده مشغول
 خدمتگذاری باشند چون موکب هایون اعلیحضرت
 پادشاهی بفرست سفیر سلطانیه هفت و حرکت
 فرمودند و در دار الخلافه طهران نیز خبرنی ناخوشی و با
 بروز و ظهور داشت لهذا اولیای دولت علیه محض
 ملاحظه رفاه حال آنها و اینکه مبادا در غیاب موکب هایون
 مابنا خوش گذرد حسب الامر آنها را مرض خص گردند که قیتمه
 در حراسان باشند و قرب جواری بسامان
 خودشان بهرسانند و بر آنها بگذرد و در جنگا
 مرضی در حوز هر یک خلعت و انعام از جانب سنی ^{انجواب}
 اعلیحضرت پادشاهی مرحمت و عنایت گردید و
 یک ثوب جنبه زمره دور بخیره دار اعلی نیز از جانب
 سنی انجواب اعلیحضرت پادشاهی سجد عمده ^{انجواب}
 سردار علیخان حاکم سیستان مرحمت و ارسال
 در بین نوشتن روزنامه اخبار از اردوی هایون
 رسید که در توقف سلیمانیه فرستاده بودند و
 نوشته بودند که چون هوای منزل سلیمانیه و صفای عمارت
 باغ آنجا در پیشگاه خاطر هایون اعلیحضرت پادشاهی مطبوع ^{اقا}
 لهذا روز شنبه بیت و یکم انیام نیز در آنجا توقف فرموده
 و در روز یکشنبه بیت و دویم موکب هایون از آنجا
 حرکت فرموده بمنزل قاسم آباد ^{سفر}
 از سایر ممالک محدود نیز اخبار رسید که از اردو
 هایون فرستاده اند و در نسخه آینده نوشته میشود

۱۰۰	همه یکخوار نه هزار	تعمیر اجناس مالکولات و غیره دارالحکومه
۱۰۰	روغن چهار من نه هزار	از این مقدار است
۱۰۰	خرزله تبر چهل من پنجاه هزار	کندم ساوجی یکخوار دو تومان
۱۰۰	خرزله تقالی چهل من سه هزار	کندم غریب یکخوار بیست هزار
۱۰۰	هندوانه تبر چهل من سه هزار و پانصد	کندم دور شهر یکخوار شانزده هزار
۱۰۰	هندوانه تقالی چهل من دو هزار و پانصد	کندم در این یکخوار دوازده هزار
۱۰۰	برنج غنچه چارمن دو هزار و شصت	جو یکخوار نه هزار
۱۰۰	برنج کرده چارمن دو هزار و صد	کاه یکخوار چهار هزار
۱۰۰	یکخوار پست و هزار و ده تول	کرچک یکخوار سه تومان و دو ریال
۱۰۰	یک هزار دینار	ارزن یکخوار یازده هزار و پنجاه
۱۰۰	کوست یک من یک هزار دینار	لوبیا یکخوار سه تومان
۱۰۰	یک هزار و ده پول	غله یکخوار یک تومان
۱۰۰	چهار هزار و ده شاهی	باقلا یکخوار دو تومان
۱۰۰	شازده هزار	عدس یکخوار دو تومان
۱۰۰	دوازده هزار	ماش یکخوار سه تومان
۱۰۰	دو هزار	کنجد یکخوار شش تومان
۱۰۰	پنجاه هزار و پنجاه شاهی	سکنک یکخوار یک تومان
۱۰۰	چهار هزار و هفتصد	بونج خشک یکخوار هفت هزار و پانصد
۱۰۰	نوزده هزار	پیه کداخته چارمن هفت هزار و پانصد
۱۰۰	مش هزار	شیره شریار چارمن هشت عباسی
۱۰۰	نه هزار	کشور طعام چارمن نه عباسی
۱۰۰	سه هزار و صد	خرما چارمن دو هزار و شصت
۱۰۰	سه هزار و شصت	انگور بیت من دو هزار
۱۰۰	ده هزار و یک عباسی	کشک چارمن یک ریال
۱۰۰	دو ریال	کنک یکخوار پنجاه هزار
۱۰۰	زعفران یک چهار یک پانزده هزار	

اخبار دول خارجه

انگلیس کاغذ آخر که ازین ولایت رسید بناچار
 چهارشنبه سیزدهم سوال بود نوشته بودند
 که پادشاه انگلیس در عمارت خودش که در جزیره
 ویت است تشریف داشت و مزاجش قدری ناخوش
 بود از ناخوشی سرخچه و لکن موافق تصدیق انجا که
 در روزنامهها چاپ میزند ناخوشی او چند آن سنگین
 بوده است و پرنس البرطنیر ازین ناخوشی گرفته بود
 اما ناخوشی او هم سبک بوده است
 می گفتند که در او اخر ماه سوال بنیاد استند اهل
 انگلیس را از خوانین و وکلای رعایا مرخص خانه نمایند
 و لکن این خبر درست معلوم نبود

پادشاه انگلیس درین روز بنیاد استه است که
 لشکر دبلین پای تخت جزیره ایرلند برود که در آنجا
 مانند عمارت بلور لندن برپا کرده اند و اجناس اکثر
 ولایات روی زمین را در آنجا جمع نموده اند و لکن
 بسبب ناخوشی خودش و شوهرش پرنس البرطنا
 چند وقت این سفر را موقوف کرده اند

فرانسه

بعضی اشخاص در مملکت فرانسه در لوبکات آنجا که جا
 غله خیز میباشند غله زیاد خریده اند از نرخ که داشت
 زیاد تر پول داده اند و بعضی جاها نیز که حاصل هنوز
 درو نشده بود است بسلام پیش خریده اند بواجبان
 چنین نیستند که اشخاصی که این کار را کرده اند فکر فساد
 و استوپی دارند و بکل حکام ولایات نوشته اند که خبر داد

دو شبار کار خودشان باشند که اگر اشخاص مزبور
 کاری بکنند که خلاف فاعده باشد منع نمایند
 چند کشتی دولتی درین روزها از دولت فرانسه
 سحر الاحمر فرستاده اند خیلی وقت بود که از دولت
 فرانسه بان سستها کشتی نرفته بود این کشتیها از کتا
 ممالک عربستان حبش گذشته و بشه های جد
 و مخارفت اند وقتیکه کشتیهای مزبور بشهر جد رسید
 بودند عزت شاه حاکم حرمین الشریفین مکه و مدینه کمال
 حرمت نسبت بسر کرده این کشتیها کرده بود و برگرد
 مزبور را با صاحب مضبان بهمانی طلبیده بود و وقتیکه
 کشتی تحشکی بیرون آمده بودند دوازده ریس اسب علی
 بسیار خوب بجهت آنها فرستاده بود و بعد از چند روز
 خود عزت پاشا در کشتی نشین سر کرده مزبور بجا
 او شده بود و در رفتن در محبت پاشای مزبور بجهت
 احترام او توپ سلام انداخته و نظام در آورده و
 تمام نسبت پاشای مزبور کرده بود

سویس

ازین مملکت نوشته اند که در اخر ماه رمضان بارید
 زیاد در آنجا شده بود بطوریکه رود خانها پر شده
 سیل در آن مملکت و مملکت لامباردی خرابی زیاد
 کرده بود و در بسیار جاها برف از کوه افتاده بود که
 در فارسی همین می نامند و راهها را خراب کرده بود
 بطوریکه ناچند وقت تردد و عبور و مرور از آن راه
 قطع گردیده بود

گفتگویی در خصوص مملکت سویس با این دولت انگلیس و فرانس
 و استریم و دولت مزبور شده است و دولت
 استریم حسب آنچه اش دول مزبور وعده کرده است
 که قشون خود را از آن سرحدات بردارد بشرطیکه دولت
 سویس مواجبه بقدر کفایت گذران بیت و دو نفر
 از مذمب کتو یک عمیوی که از آن ولایت اخراج شده
 بماند اما معلوم نبود که دولت سویس این مرحله را قبول
 کرده یا نه و گذشته از اینهم دولت استریم اذن داد
 بود که اهل تیس را که از مملکت لامباردی اخراج کرده
 بودند مراجعت بماند یعنی آنها که در آن مملکت ملک
 خریدار بودند و گذرانان از زراعت بود اذن داده
 که بکسب املاک خود در وقت مشغول در آنجا باشند

بلژیک

از این مملکت نوشته اند که بعضی از اعیان شهر این مملکت
 بتاریخ یکشنبه بمقدم شوال بحضور پادشاه آمدند
 بجهت مبارکبادی عروسی پسرش که یکی از دخترهای
 سلسله پادشاهان استریم را میگیرد و پادشاه با اعیان
 شهر مزبور کمال التفات کرده و گفته بود که این موافقت
 باعث خیر الهی بلژیک و خورسندی اهل آن مملکت باشد

هندوستان

موافق خبر آخر که از برمه آمده است حصار کوچکی که قشون
 منصرف شده بودند اهل آن ولایت حمله آورده و از دست
 قشون انگلیس گرفته اند و قشون انگلیس دوباره بفرستاده
 و در ثانی آنجا را بعلیه گرفته اند و منتظر خبر از اعوان پامی
 آن مملکت بودند که آیا لازم بشود که قشون انگلیس پامی تخت

آن مملکت بودند یا نه دولت انگلیس تکلیف مصاحبی
 شرط با بل برمه کرده بودند اگر این شروط را قبول کرده
 باشند جنگ موقوف خواهد شد و مصاحبی کنند و
 قشون انگلیس بسبب پای تخت آن ولایت خواهد رفت

در روزنامه انگلیس نوشته بودند که لاردر و اسحق صنی فرنگی
 هندوستان بنا دارد که بعد از اتمام گذارش برمه
 از حکومت هندوستان استعفا کرده و مملکت
 مراجعت نماید

چین

موافق خبر آخر که از مملکت چین نوشته بودند یاغیان
 که شهر سنگین را محاصره کرده بودند دیوار شهر مزبور را
 با توب خراب کرده بودند و کمان داشتند که پیش
 از آنکه از دول خارجه امدادی بشود شهر مزبور که بعد از
 پای تخت بزرگترین شهری چین است تصرف یاغیان
 در اید بعضی قسم می گفتند که شهر سنگین چونکه آن زور را
 داشتند که رفع حمله یاغیان را بکنند با مان خواهد
 و شهر را بدست یاغیان خواهند داد و چونکه نقل غله که
 بجهت خوراک و آذوقه پای تخت میرود از زور و بر
 شهر سنگین میگذرد تسویش تمام داشتند که پای تخت
 نیز بدست یاغیان بیفتد و دولت چین را بر سر
 چند فرزند کشتی جنگی از دول انگلیس و فرانسه و
 شمالی روانه سنگین شده بودند که بلکه گذارند که یاغیان
 شهر مزبور را بگیرند اما کمان داشتند که تا وصول آنها
 بانجا شهر بدست یاغیان افتاده باشد بسیاری از

خلق آنجا راضی پیشرفت کار باغبان بودند و امیدوار
 که اگر کار آنها پیش برود و پادشاه دیگر برقرار باشد
 کار آن مملکت بهتر راه برود و میگویند که در میان
 باغبان از فرقیها صاحب منصب دارند و در قشون خود
 نظم تمام گذاشته اند و نمیکند از آنکه از مال رعایا چیزی
 تاخت و غارت بشود
 احوالات متفرقه
 از مملکت ناپولی نوشته اند که درین روزها دوباره
 در اولایت شده است

یکی از گنجههای بخاری یکی درین روزها در نزد
 شهر سنت فرانسکو در یک یکی از چرخهای بخاری
 ترکیده و شصت نفر آب داغ در یک بخار کم و بیش
 اذیت رسانده و میت نفر آنها پلاک شده اند

درین روزها در مملکت انگلیس بیستمی فون شده است
 که صد و هفتاد سال بحساب سنه شمسی سر کرده بود
 در او اخر عمرش کتابهایی را که بخط ریزه بودند بدو
 عینک خوب قرائت بخواند

مزیخی نام که در اوقات افتخارش شهر میلان با
 رفته و ماه و محرک با عینکری شده بود و بعد از
 شدن باغبان چنانچه در روزنامه سابق نوشته شد
 از آنجا بطور غریب و لباس تبدیل از دست چاکران
 دولت استریه که بخته بود میگویند درین روزها
 در شهر لندن ظاهر شده است
 و هم در روزنامه سویس نوشته اند که بزنی بعد از

از ولایت ایتالیا بیرون آمده است کاغذها با بابل
 آنجا نوشته است که شاید بجز یک شاره الیه از
 دولت استریه سر باز زده بدولت مزبور با عی
 اکثر زیر شهر پاریس را از قدیم زیر زمینها حفر کرده اند
 و استخوان مرده کان را در آنجا بنظام گذاشته اند
 درین روزها در یکی از میدانهای پاریس خاک فروخته
 بود و وقتی که تحقیق و رسیدگی کرده بودند معلوم شد
 که آنجا نیز زیر زمینها بوده است که مانند سایر سردابها
 از ابام قدیم ساخته بوده اند

در سه شماره ای که درین روزها در مملکت انگلیس کرده اند معلوم
 شده است که زنها از مردان زیاد تر بوده اند باین نسبت
 که مرد وزن و اطفال را که کلاً سه شاری کرده اند از
 صد نفر که در صد و چهار نفر انانث بوده است و اینم حد غیر معلوم
 شده است که در پنجاه سال قبل این در خود مملکت انگلیس سو
 ایزلند نزدیکیت و دو که در خلق بود و دو سال پیش ازین که
 خانه شماری که در پنجاه و دو که در ورقه ری زیاد تر
 خلق بوده اند و این جمعیت غیر از جمعیت ابرتند است که
 سنجینا دوازده که در زیر جمعیت آنجا میشود

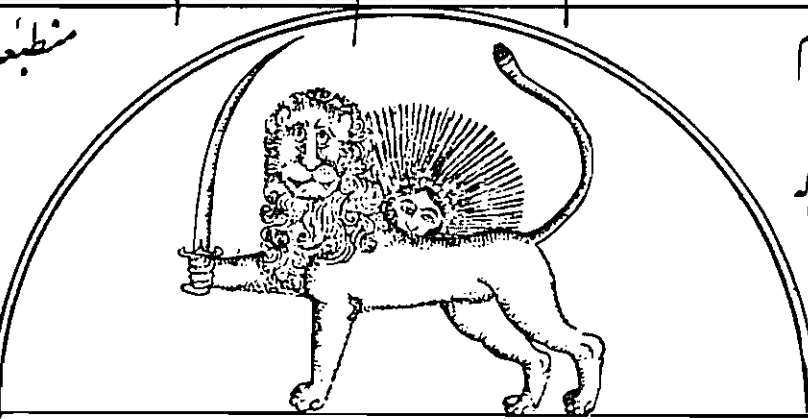
اعلانات
 کتابهای چاپی دارالخلافه طهران که در کارخانه حاجی عبدالحمید
 در محله نزدیکی دروازه دولا ب الطباع شده از اینقرار در
 مجمع البحرین سه تومان
 تاریخ پطر کبیر دو تومان
 سخنه الزائر یک تومان

روزنامه وقایع اتفاقیه تبایخ یوم پنجشنبه رماه ذیحجه الحرام مطابق سال او د میل ۱۲۶۹

شماره صد و سی و هشتم

منطقه دارالخلافه طهران

قیمت +علانات
دینار
یکسکه چهار سکه کتک
بیشتر با هر سکه



قیمت روزنامه
یک سکه شش بریکه
و نان و چهار زلایه
نار

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاه

دارالخلافه طهران

امورات دارالخلافه طهران از اهمات ادبیای دولت قاهره در کمال انتظام و الضبط است و چنانکه مسکام حرکت مرکب هایون بر یک از کارگذاران دیوانی و مغربی انخافان محمدخان و مصطفی قلیخان میران پنجه و ترسان و سرسکان که خدمتی محول گردیده همگی نهایت اتمام در انجام خدمات خود دارند و بجهت انتظام امر شارالیم اید از احاده افراد نظام مصدر خلاف حسابی نمیتواند بشود

عالیجاه میرزا علی اکبر سرسنگ قورخانه مبارکه در انجام خدمات محوله بخود کمال اتمام را دارد و غلبه او فاع که مغرب انخافان میرزا موسی و زبرد دارالخلافه طهران دیوانه مغرب انخافان محمدخان و فضان آقا میران پنجه بجهت رسیدگی کارهای قورخانه و جبهه خانه میروند احسن اتمام و سعی عالیجاه شارالیمه در انجام خدمات قورخانه کمال رضامندی دارند

و سیم چنین عالیجاه مغرب الحضرة انخافانیه عباسخان سر تپ و کیل دیوانخانه مبارکه همه روزه از صبح الی دو ساعت از ظهر گذشته در دیوانخانه مبارکه نشسته کارهای بیکه بدیوانخانه محول است رسیدگی بنما در روز شنبه گذشته عالیجاه بلند جایگاه کابین صاحب شاررئی دیر دولت بهیه انگلیس با صاحب سببان سفارتخانه و سایر اجزای سفارت از قریه قلهک که منزله داشتند کوچیده و از راه سولقان و کرج طالقان بقزوین عزیمت نموده اند که از آنجا حسب الامر اقدس پادشاهی با ردوی هایون منحی شوند

در شب دوشنبه عرّه انباه دو ساعت و نیم از شب گذشته زلزله در طهران واقع شد و یکسکه حرکت کرد اگر چه حرکت شدید بود و لکن سجد الله خانه خراب نشد و کسی تلف نگردید

در چهاردهم و پانزدهم ماه گذشته و چند روز قبل از آن و بعد از آن ستاره دنباله دار در افق

۸۴۵

عربی دار اختلاف طهران ظاهر شد نیم ساعت بعد
 عزوب آفتاب بود الی یک ساعت و نیم از شب رفته
 درست بالای ما بنا که آفتاب عزوب کرده بود سر
 ستاره رو بزین و دم او راست رو بالا بود و
 ستاره مانند کواکب بزرگ که غیر از ستاره چنان
 بود و دنباله او تخمیناً نسبت درجه درازی داشت
 و لکن نسبت بان ستاره که ده سال قبل ازین
 در فصل بهار ظاهر شده بود دنباله اش ضعیف
 و کوتاه تر بود و چون تفصیل این ستاره را در کل
 روزنامه‌های روی زمین خواهند نوشت بجهت اعلام
 مالک نوشته شد

اصفهان بهرامی عبداله بیک نایب سوای مامورین
 که با نجفعلی خان سلطان عوض می‌نویسی سه نفر
 کردستان بهرامی محمد رضا بیک نایب اول چهل و پنج نفر
 ختم بهرامی شیخی بیک نایب سی و سه نفر

سایر ولایات

دارالمهرز از قراریکه در روزنامه مازندران نوشته
 نواب شایزاده والا بنابر مصطفی قلی میرزا حکم ان مازندران که
 بسبب ناخوشی آنجا بیلافات هزار جریب فته بود ندان اوقات
 در محالات چهاردهم هستند و با حکام و مباحثین جزو
 وارد داده و قدغن کرده اند که از رعایای آنجا بهیچ وجه باس
 اخراجات نواب معزی الیه و همسرانش چیزی مطالبه
 مگر اینکه خودشان بعضی جزئیات بطیفس بپردازند
 اخراجات گرفته میشود قبض داده بخرج رعیت می‌آورند
 که رعایا ازین رکنز آسوده باشند و الی آنجا از حسن
 نواب معزی الیکمال رضامندی دارند

تو پچمانی را که حب الام مامور خلوی سرحدات بود
 در روز دوشنبه غزه ایجا مغرب آنجا خان فغان
 میر پنج ازیقار مشخص و بهر یک از سرحدات روید
 خراسان بهرامی عالیجاه صف علی بیک با و اول سید
 بطام بهرامی عباس بیک نایب اول سوای مامورین سابق
 چهل و شش نفر
 فارس بهرامی عالیجاه امامعلی بیک با و افشا سوای
 صد نفر

حالات غریبه از چشمه سورت مازندران در روزنامه
 آنجا نوشته اند که چشمه مزبور در فله یکی از کوههای سورت
 هزار جریب واقع است و از میان آن کوه جو شیده جاری
 میشود و آنچه جاری میشود بقاصد سیده منجم شده
 مثل سنگ سنگ میشود و پروی سم بالا آمده می
 شود و سم است و همینکه در نزدیکی چشمه کسی صدا
 بلند کند قریب نیم ذرع آتش بلند شده بهیجان
 می آید و هر وقت خاک بر او پاشند بتلاطم آمده جو شیده
 انقدر بلند می شود تا آن خاک را بر طرف کند و بعد
 آن فرود می نشیند

کرمان بهرامی عالیجاه اصطلان بیک با و سوای کرمانی
 صد و بیست و یک نفر
 کرمانشاهان بهرامی اللهورین خان با و سوای کوچی کرمان
 صد نفر
 بر وجه بهرامی پاشا بیک نایب رسی و پنج نفر
 یزد بهرامی محمود خان نایب اول سی نفر

۸۴۶

اصفهان

از قراریکه در روزنامه اینولایت نوشته بودند
 عالیجاه چراغعلی خان نایب الحکومه اصفهان در ایام
 ناخوشی در نظم شهر و محلات آنجا بسیار اهتمام
 داشته است و تمامی صاحب منصبان سرباز
 و توپچیان موقوفین اصفهان را تا کید زیاد در نظم
 قراولخانه و کسبک و حفظ و حراست شهر کرده است
 و هم چنین که غذایان محلات را یک یک سفارش
 و تا کید کرده است که در انتظام امور محلات پیش
 ساعی و جا بد باشند و کدک در انجام امور حبه خان
 اصفهان مسواره کمال است تمام را دارد و همه روز
 استادان مشغول کار میباشند و یک نفر استاد
 هم در جبهه خانه کاشته است که بلور آلات بسیار
 از قراریکه نوشته بودند استاد نور از عهد سابق
 بلور آلات بسیار خوب برمی آید

کاشان

از قراریکه در روزنامه کاشان نوشته بودند عالیجاه
 محمد ابراهیمخان حاکم آنجا در نظم ولایت و منهد
 اسباب آسودگی رعیت مسواره کمال اهتمام دارد
 خصوصاً در ایام ناخوشی کاشان که در نظم امور آنجا
 زیاد اهتمام داشته است و از احدی خلاف
 قاعده ناشی و صادر نمی شود و اگر ارجحان کسی مصدق
 حسابی شده باشد بمقام تبیین آن برمی آید
 از امور غریبه در ضمن روزنامه کاشان نوشته شد
 که درین اوقات از یکی از بزای حاجی جعفر نام بچه سکی

متولد شده است فریب ساعت زنده بوده است
 بعد از آن مرده است

دیگر نوشته بودند که سیدی در نوشا باد اقوام
 اقارب خود را جمع کرده و گفت است که چون فردا
 وقت عصر بنای سفر آخرت دارم میخواهم با شما
 وداع بکنم و شروع بوصیت و وداع نموده است
 اقوام و اقارب مشارالیه و سایر مردمی که در آن
 مجمع مجتمع بوده اند گمان کرده اند که سید را و ایه گفته
 یا جنونی باد عارض شده است او را تسلی داده و در
 روز دیگر در موعده خود سید قرار داده بوده است
 بدون اینکه آثار ناخوشی در او ظاهر شده باشد
 مرحوم میشود

دیگر نوشته بودند که دو نفر طفل که یکی از آنها سید بود
 در قصر سبجه بازی نزد یکی قنات آنجا رفته بودند
 سید از روی چاهی که سر آن سد و د بوده است
 عبور نموده سر چاه خراب شده و طفل سید بجا افتاد
 و آن طفل دیگر بعد از مشاهده این احوال رفت کسان
 او را خبر کرده است بعد از آنکه کسان او بر سر چاه بلور
 آمده اند دیده اند طفل سید در سر چاه نشته است
 از حالت او جویا شده اند که چگونه بیرون آمدی
 جواب داده است که وقتی که بجا افتادم بک نفر
 شخص سفید پوشی در آن چاه دیدم و پس از دیدن او
 غش کردم بعد از آنکه بحال آدم خود را در بیرون چاه
 دیدم از قراریکه نوشته بودند با اینکه عمق چاه بیش
 از ربع بود بهیچوجه صدر طفل سید زنده بوده حتی در

به آن او صد می خراش هم نبوده است
و
بر و جرد

از قراریکه در روزنامه بر و جرد نوشته بودند نواب
ستاپ شاهزاده والا سار احتشام الدوله حکمران
بر و جرد و عربستان و لرستان در انتظام امور
اشحد و در خصوصاً نظم افواج کمال اهتمام دارند و همیشه
بشق آنها رسیدگی مینمایند و هر روز در جرکه صاحب منصبان
در شوق آنها حاضر میوند

از امور غریبه که در ضمن روزنامه بر و جرد نوشته بودند
در محله ناسک الدین که یکی از محلات آنجاست رنی
وضع حل نموده پسری از او متولد شده است که سر او
شبه بر اسب و پشت او مانند پشت اسب است
او مانند دست اسب و پاهای مثل پای آدم بوده است
و فاصله یک ساعت مرده است

خراسان

در روزنامه های گذشته تفصیل منازعه طایفه جمشیدی
ه هزاره و از اسب افغان بیکر یکی هزاره سمت خیر بر یافته بود
در ثانی از قراریکه روزنامه خراسان رسیده بعد از آنکه
شارالیه از اسب افغانه بود طایفه جمشیدی فرصت کرده
اوراد سنگیر نموده سرش را بریده بودند و بهین جهت
اکتفا کرده مجتهد اجماعت با وی بر سر ایل هزاره فرستادند
برادر بیکر یکی هم عریضه خدمت نواب مستطاب شاهزاده
والا سار احتشام السلطنه والی خراسان نوشته برای
امداد ایل هزاره جمعیت خواسته بودند نواب معزی التمس
بملاحظه اینکه ایل هزاره رعیت این دولت علیه هستند بیکر

هزاره و باز ماندگان شست توکری دولت علیه را در این
نظر با استدعای عالیجاه احمد قلینجان برادر بیکر یکی هزاره
و عبدالعظیم خان برادر زاده او و رئیس سفندان و ژو سب
ایل مزبور مقرب اسخاقان عسکر خان سر تنب را با سه فرج
دشمن آورده توپ با نه ایل هزاره فرستاده اند که طایفه
جمشیدی را معلوماً دستگیر سازند ایل هزاره بگویند
و خود ایل مزبور را انجام و با خرز بیاد روند که در کمال رفاه
و آسودگی مشغول رعیتی خود باشند

دیگر نوشته بودند که چندی قبل برادر زاده حاجی محسن
خوافی از خوف بارض آهس می آمده است در عرض
راه دو نفر با او رسیده کمان پول زیاد با او برده و در
صد دقتل او برآمده و شارالیه را کشته بودند در است
بعرض نواب شاهزاده حاسم السلطنه رسیده در
صد تشخیص آن دو نفر برآمده این اوقات آنها را در
نموده در خیابان سفلی بسری اعمالشان رسانده اند

دیگر نوشته بودند که سوار سرخس بعزم مآخت و تمان
طرن رفته بمقصد نفرشته از آنها بغنیمت آورده بودند
ریش سفندان طرن متعاقب شترها آمده آنها را
گروه بودند که ما طایفه ترکمانیه یکی هستیم مال همه بیکر را
بنابایت بریم شترهای ما را پس بپسند ترکمانان
سرخس جواب داده بودند که ما طایفه سرخسی و مروی توکر
در رعیت دولت علیه هستیم و ربقه اطاعت و انقیاد
دولت را برقیه خود انداخته ایم شما هم بیکری و عهد کنید
دولت را اختیار کنید تا شترهای شما را رد کنیم
بعد ازین با هم طریق یکجائی میسوک و داریم از قراریکه نوشته

بودند ریش سفیدان طرطن بعد از نشیندن این جواب
 قدر خدمتگذاری دولت را دانسته مرا حجت نمود
 بودند که رفتن مراتب را با بر طرطنی عالی بنام
 چندی قبل عالیجاه محمد رضا خان تیموری بعرض نواب
 شاهزاده حسام السلطنه والی خراسان رسانیده
 بوده است که ریش سفیدان معتبر پانصد شصت خان
 ایل تیموری نوشته اند که اگر اولیای دولت علیه ما
 مطمن کرده بفراسابق با ما رفتار نمایند همگی آمده بجان
 و دل خدمت می کنیم مشروط باینکه خودت از اخیله
 اطمینان حاصل کرده بیانی ما را هم مطمن کرده بیاورد
 نواب معزی الیه نیز مشارالیه را با بغات اولیای
 دولت علیه مطمن کرده مرض در روانه داشته بودند
 که رفته ایل تیمور را خاطر جمع کرده بیاورد از قراریکه
 در روزنامه خراسان نوشته بودند مشارالیه نیز
 بعد از رفتن بمیان ایل منور آنها را از اولیای دولت علیه
 مطمن ساخته بهماهی خود می آورده است بعد از آنکه گنا
 رود خانه هرات رسیده اند سواره طرطنی که بعزم ما
 و تازبان صفحات مبرفته اند با آنها برخورد چهار نفر آنها
 اسیر کرده بودند ایل تیموری هم بجزو استخضار برآید
 بر سر طرطنی ایغار کرده اسیری خود را تخلص و بختف از طرطنی
 دستگیر و سه نفر هم بقتل رسانده چند روز پس از آن
 آنها گرفته بودند چون رودخانه هرات آب زیاد می داشت
 بیت و پنج روز در آنجا توقف کرده اند که شاید آب
 کم شده بعد بیابند بالاخره لابد مانده پس ساخته از رود
 منور با میظرف آمده ریش سفیدان ایل منور خدمت نواب

شاهزاده والی خراسان آمده مراتب خدمتگذار می
 اطاعت و انقیاد خود را نسبت بدولت جاوید تبار
 عرض و اظهار کرده بودند نواب معزی الیه نیز آنها را با بغات
 اولیای دولت علیه مطمن و امیدوار داشته حکم کرده بودند
 که در جنب سایر ایل تیموری هر چهار را بجا بماند چادر زده
 مشغول رعیتی باشند
 تفصیل دعوی خان خنوق و مروی و سکت خوردن او
 در روزنامه های سابق نوشته شده بود از قراریکه این روز
 روزنامه خراسان رسیده بعد از آنکه نواب حسام السلطنه
 والی خراسان عالیجاهان بهادر خان و حسن خان
 با جمعیت با باد مروی فرستاده بودند مشارالیه را
 مژده مالی مروی با جمعیت زیاد می باستعمال اند
 و آنها را داخل شهر کرده اند روز ششم عالیجاهان مشارالیه
 و ترکمانان مروی با جمعیتی که داشته اند بر جمعیت خان
 خنوق رفته چند نفر آنها را اسیر و دستگیر نموده مال زیاد
 از آنها بغارت برده بودند از قراریکه نوشته بودند خان
 خنوق را بسیار ستمه اصل کرده اند و اکثر مال بنه او را بغا
 برده اند و این روزها ناخوشی هم در میان جمعیت او افتاده
 و انتظار دارد که مال بنه از برای او رسیده از آنجا مراجعت
 نماید و در خود طاقت ماندن و تاب مقاومت ندیده است
 و اینمحل را هم فهمیده است که با وصف حمایت دولت علیه
 از خلیفه مروی و مروی دستکی آنها بدولت مشارالیه را
 یارای تصرف مروی نخواهد بود
 کرمان
 در روزنامه این ولایت که درین روزها رسیده نوشته

۸۴۹

بودند که زواریکه از آنجا بشهد مقدس فته بودند این
 اوقات همگی صحیحاً و سالماً مراجعت کرده اند
اخبار دول خارج
 سار دینیه از فراریکه در روزنامه های این اوقات
 نوشته اند دولت سار دینیه با صاحبان کشتی بخار
 شهر نوّه معامله کرده اند و بخار منور متحد شده اند
 که دو از ده فرزند کشتی بخار از آنجا بشهر نیویارک میسند
 شمالی و شهر بونس ارض مینکی دنیای جنوبی روانه تا
 مشروط با اینکه در هر سفر سی و شش هزار فرانک که نژاد
 شصت تومان پول ایرانست بصاحبان کشتی برسد و کوما
 این قرار را گذاشته اند بجهت اینکه بسیاری از مردمان
 در آنوقت هستند که سابقاً در لامباردنی و آن
 مملکت ایتالیا که در دست دولت و پتر است گن بود
 بعد از آنکه از آنجا اخراج شدند در مملکتین سار دینیه و
 سویس مکن جسته اند و با کمال عسرت و بی اوضاعی گذران
 می کنند حال بنحویکه آنها را به مینکی دنیای فرستند
 که در آنجا گذران شان بشود و گفتگوی اجاره کردن کشتیها
 در مشورتخانه شده است و کشتیها اجاره خواهند کرد
 و لکن میگویند که این اجرتی که تجار بجهت کشتیها میخواهند
 زیاد است و دول انگلیس و بلژیک همیشه بان کشتیها
 میفرستند اینقدر اجرت نمی دهند حتی بعضی اوقات کشتی
 از مملکت بلژیک بشهر نیویارک مینکی دنیای شمالی
 این مبلغ اجاره کرده اند
 در مشورتخانه این ولایت گفتگوی مسم شده است
 در خصوص دستور العمل و داد و ستد دیوان بعضی

۸۵۰

از اهل مشورتخانه قرار داد و وزیر محاسبات را که در
 این خصوص نوشته بودند پسند نکرده اند و شالیه
 در جواب گفته است که غیر از این دستور العمل که
 نوشته ام چاره دیگری نیست یا باید دولت سار دینیه
 اخراجات خود را کم بکنند بطوریکه این مالیات که
 دارند کفایت مخارج آنها را بکنند یا با ساختن راهها
 همین و راه انداختن کشتی بخار مالیات و داخل خود را
 زیاد بکنند که از عهده این مخارجی که دارند بپایند
احوال متفرقه
 از سایر دول خارج اخباری نبود که در روزنامه
 نوشته شود مگر آنچه در ضمن احوالات متفرقه مسطور
احوال متفرقه
 در یکی از روزنامه های اسلامبول نوشته اند که شخصی
 از اهل ایران در آنجا شال فروشی و تنباکو فروشی
 میکرد و شال و پنج طاقه شال در دکان پیش دست
 خود گذاشته بوده است که بفروشد در دزدی کمال
 طراری در روز روشن شالهای مزبور را دزدید
 و با نظرف دریا عبور کرده در بیک ادغلی کشتی کرده
 و شالها را در زیر رحوت خود پنهان کرده بوده است
 و زین بن رسیده بوده است بجایی که قلیانچی قوق
 میانند در آنجا فقرات ضمیمه دیده بودند که ترکیب
 این شخص غرابت دارد او را گرفته و کاویده بودند
 و پنج طاقه شال را در زیر رحمت او جسته بودند
 و از اینکه شالها را با اینطور پنهان کرده بوده است
 کمان برده بودند که باید از جانی سرفت کرده باشد

اورا با همان سالها بنزد وزیر ضبطه آورده
 بودند اتفاقاً وقتی با آنجا رسیدند که صاحب
 سالها بنزد وزیر ضبطه بعضی آمده بوده است
 که سالهای او را پیدا نماید سالها را
 بصاحبش تسلیم نموده و در نزد او را بجزش
 بود تا بعد تمسبه بشود

دیگر در روزنامه اسلامبول نوشته اند که خزیره
 سقر که یکی از جزایر یونان و در تصرف دولت
 عثمانیه است تسویش زیاد داشتند بجهت حاصل
 زیتون اما چون درین ایام آذربوای آنجا خوب
 شده بود امید داشتند که حاصل زیتون عیب
 نگزده باشد چونکه اگر تجارت آن سمت از زون
 زیتون است و از سایر روی زمین هم بجز
 این روغن ببردند اگر این حاصل کم بیاید ضرر
 سخیل می رسد

ایضا در همین روزنامه ها نوشته اند که از آنوقت که
 کشتیهای حبسکی انگلیس و فرانس در لنگرگاه نزدیک
 بغاز پانین اسلامبول لنگر انداخته اند مردم بسیار
 آنجا بجهت داد و ستد اهل کشتی مریور جمع شده اند هم
 در خشکی چادر زده وارد و بازار بر انداخته اند
 و هم در روی دربار و قها و کشتیها سوار شده
 و آمده اند و چونکه این مردم از هر طایفه و از هر قسم
 هستند اگر در میان شان جنک و نزاع و بی حسابی
 بشود تعجب نیست و درین اوقات شخصی را در شب
 کشته و پولش را برده بودند و این شخص از راهبانی بود

که کاوا و آنجه کشتیها بنا آورده و فرود حنت بود و پول
 کاوا را نقد کرده بود و در حبسش بود و زده او را کشته
 و پولش را برده بودند

هم درین روزنامه ها نوشته اند که درین روزنامه
 که پول قلب سکه میزنند در اسلامبول بسیار
 شده بودند از جمله آن اشخاص که گرفتار بودند و
 داشتند که مرتکب این عمل شده باشد یک نفر
 ارمنی بوده است ارطون نام و از دست لغزات
 ضبطه بطوری که ریخته بود و دوباره او را گرفتند و
 معلوم شده بود که بسیاری از پول طلب میت و
 خودش سکه زده بود و آخر اقرار بعمل خود آورد
 و اهل ضبطه رفته در جانی که اسباب سکه زدن
 را مخفی کرده بود همگی را بدست آوردند و چند نفر
 رقیق نیز که درین عمل داشت همه را گرفته و حبس
 کرده بودند

در یکی از روزنامه های نهمه نوشته اند که درین
 روزنامه طوفان و رعد و برق در شهر کلون شده
 بود و برق بطولهای که اسمبان سواره نظام را
 در آنها سبته بودند زده بود و سی روس اسب که
 در آنجا سبته بودند انداخته و شش راسلها
 هلاک کرده بود و از ویسته پای تخت استریه نیز
 نوشته بودند که در آنجا نیز طوفان شده بود
 و لنگرک بقدر خشم کبوتر آمده بود و بسیاری از بچه ها
 سمت غربی شهر مزبور را سخته بود و در کب طاق
 بزرگ که بجهت سیاح در آنجا راه آهن ساخته بودند

۸۵۱

مفسد و چهل شش جام آینه شکست بود
 و شش آرلیانس زن پسر بزرگ لویی فلیپ پادشاه
 سابق فرانسه باد و طفل خود بملکت انگلیس آید بود و نزد
 زن لویی فلیپ که در ملکت انگلیس است
 در ملکت روئینه معدن سرب و نقره درین روزها
 جمعی از تجار انگلیس خواه در میان خود جمع کرده و اذن
 از دولت آنجا گرفته اند که معدن مر بور را بر آید و
 در او کار بکنند

در کلی فارسیا و زدن غریبی پیدا شده است و دیوانیان
 آنجا کار کرده اند تا بحال نتوانسته اند او را بدست
 بیاورند و پنجاه دلار که تخمیناً دو هزار تومان پول
 باشد وعده کرده اند بدهند به کسی که دزد مر بور را
 بگیرد و این انعام را که وعده کرده اند در کاغذ چاپ
 زده و بپواریهای شهر و معا بر چسپانده اند و دزد
 خودش آمد و این کاغذ را تا شاکرده است
 لباس تبدیل و تا بحال کسی نتوانسته است او را
 دستگیر نماید

در روزنامه اسلامبول نوشته اند که در شهر اخین
 که یکی از شهرهای مملکت استریه است معلوم شده بود
 که چند نفر قصد کشتن امپراطور استریه را داشته
 دولت مخبر شده و بسیاری از آنها را گرفته و
 حبس کرده اند

از جمله چیزهای غریب که در یکی از روزنامههای
 نوشته اند این است که بعضی از علمای فرنگستان
 درین روزها مکان کرده اند که غیر از حواس پنجگانه

که با صره و سامعه و ذائقه و لامسه و شناس است
 حس سادس نیز در حیوانی است که قانون و قاعده
 او مخفی است و کسی نمیداند این حیوانی است تازه و
 مخالف قول حکمای ماقدم و دانایان مشهور است
 که گفته اند غیر از حواس خمس حس دیگر نیست شخصی
 جراح درین اوقات در فرانسه کاشش این است
 که غیر از حواس پنجگانه حس دیگر نیز باید باشد
 بجهت امتحان و اثبات مطلب خود حس خفاش بسیار

در زیر زمین نگاه داشته و روزهای زیر زمین را
 سد و کرده بود بطوری که مطلقاً در زیر زمین مر بور
 روشنائی نبود و پر دانه یا مکس متعدد گرفته در میان
 قوطی جمع میکرد و بزیر زمین مر بور رفته یکی از آن پروانه
 مکس را در می آورد و در میان انگشتان خود نگاه داشته
 خفاش را صدا میکرد و خفاش در زیر زمین خند دور
 زده بعد می آمد و مکس را از میان انگشتان آن شخص میگرفت
 و میخورد جراح مر بور ازین عمل نیز خاطر جمع نشدیم
 آهن را در میان آتش سرخ کرده و چشمهای خفاش را

بان سیم داغ شده کور کرده بود با نرسیم دیده بود
 که خفاش همان قرار سابق در همان تاریکی می آید و
 مکس پروانه را از میان انگشتان او میکشد و میخورد
 و در روزنامههای آنجا در اثبات این مطلب تفصیل دیگر
 که غیر از امتحان این شخص جراح است نیز نوشته اند

و در نغمه اینده مسطور میگرد

روزنامه قایم القایه تبایخ یوم پنجشنبه زده ماه ذیحجه الحرام مطابق سال ابراهیم

نزه صدوی هفت

قیمت روزنامه

یک ششماه

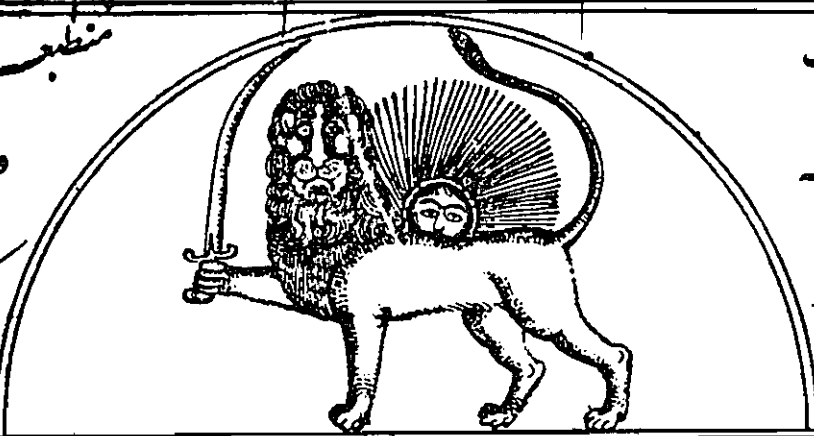
هفتاد و چهار هزار

منظمت دارالخلافه طهران

قیمت اعلانات

بکسر الی چهارم کله

بیشتر با هزار



اخبار داخله مالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

از قرار اخباری که درین مهفته از اردوی هایون رسیده بعد از گذشتن یوکب فیروزی کوکب اعلیحضرت پادشاهی از منزل کرج که سابقا در روزنامه نوشته شده بود همه جا بدون توقف تشریف فرمائی فرموده اند چون هوای قزوین بسیار گرم بود جزئی ناخوشی هم از عفونت هوای آنجا بعضی سربت کرده بود منظور داشتند که در روز قزوین توقف فرمایند توقف ننموده منزل بمنزل تشریف فرما شده اند در نضیا آباد بانظر در جمع منازل هوای ناخوش شده و جزئی ناخوشی هم که بوده بلامه رفع شده و مقرب انخاقان خسرو خان ایل حکمران قزوین بافتلاق باستقبال آمد شرفیاب خاکپای مبارک شده تا خرم دره طهرم رکاب هایون بوده و در آنجا خلف باو رحمت شده و آن انصاف حاصل کرده و معاودت نموده است و صایقله محض خوشی هوای آنجا موکب هایون یکروز

توقف فرموده و در روز چهارم این ماه باکمال شکوه و شوکت و جلال چمن سلطانیه نزول اجلال فرموده قشون حاضر چمن سلطانیه بقدر سی هزار سپاه و ده هزار سواره تا ورود موکب مسعود موجود بودند که با جمع سمران و سرگردگان قشونی استقبال نمودند و مجاوب از یک فرسخ دشتیوان ایستاده لوازم تعظیم نظامی را بعیل آوردند استقبال شایسته نمودند و اعلیحضرت پادشاهی هم در خور هر یک تفتاح و مراسم لوکانه فرمودند و پنجاعت بعزوب روز بر نورمانده نزول اجلال فرموده بسلام عام جلوس نمودند و کل امراء سمران و سرگردگان در سلام حاضر بودند و یکصد و ده تیر توپ شلیک نمودند و طرز افتادن اردوی نظامی و عساکر منصور بسیار مقبول و مستحسن رای مبارک گردیده اظهار کمال حمت پادشاهانه فرمودند و مقرب انخاقان عیسی خان حاکم و جمعی از خوانین و رؤسا و عمال کیلان در روز ورود در عرض راه شرفیاب خاکپای مبارک گردیدند

مورد نوازشات ملوکانه شدند و نوابش بنزاده والا
 حشمت الدوله و مقربا خانقا خان میرزا فضل الله وزیر نظام
 و میرزا محمد قوام الدوله و جمعی کثیر از علما و اعیان و شرف
 و خوانین و عمال تبریز در روز پنجم شرفیاب خاکبای
 مبارک شده مورد التفات و مرحمت خسروا
 گردیدند و الحمد لله تعالی در اردوی کیهان پوی مبارک
 مطلقا اثر ناخوشی نیت و هوای انجام نهابت خوشی را
 دارد و مقرب انخاقان امیر اصلمان خان حاکم حاکم
 تا منزل سیاه دهن با استقبال موکب هایون شتافته
 شرفیاب خاکبای مبارک گردیده بالترجم کاب
 هایون تا چمن سلطانیه آمده مترجم کاب هایون
 در روز شنبه ششم این ماه که قانون این دولت علیه است
 که چند روز پیش از عید قربانی شتر قربانی را آرش داد
 به بارهایون می آورند نواب شرفیاب شرف امجد
 و بعد دولت علیه بنیابت وجود هایون اعلم حضرت
 قوی سوکت پادشاهی در اطاق نقاشی خانه دیوانه
 بزرگ سلام عام نشینند و نواب استطابش بنزاده
 و الا تبار اردشیر میرزا حکمران دارالخلافه طهران و توابع
 نواب ساسان میرزا اللهباشی و مقرب انخاقان میرزا موسی
 دارالخلافه و سایر جاگران در بارهایون از میران پنجه
 و صاحب منصبان نظام و غیره حضور داشتند و شتر
 قربانیز بقربانیکه معمول بود بحضور نواب معظم الیه آوردند
 و همچنین در روز چهارشنبه دهم که روز عید اضحی بود
 اول مقرب انخاقان میران پنجه و خوانین و صاحب منصبان

۸۵۴

نظام و مقرب انخاقان میرزا موسی وزیر دارالخلافه و ارباب
 و کلاتر و عمال خدمت نواب استطابش بنزاده و الا تبار
 اردشیر میرزا حکمران دارالخلافه طهران نشینند و اطاق
 نقاشی خانه را بجهت نواب استطابش شرف امجد والا
 و بعد دولت علیه آرایش داده و نواب معظم الیه
 با طاق مزبور تشریف آورده بنیابت وجود هایون
 اعلم حضرت قوی سوکت پادشاهی سلام عام نشینند
 و نوابش بنزاده اردشیر میرزا و ساسان میرزا و سایر
 عظام و میران پنجه و خوانین نظام و غیر نظام و اعیان و ارباب
 بحضور و بعد دولت علیه شرفیاب گردیدند و در واسم
 سلام را بطوری که متداول این دولت علیه است از
 شلیک توپخانه و غیره معمول داشتند و شتر قربانی
 حسب الامر در پهلوی نگارستان که هر ساله بخیر
 نواب لطف امیرزا سخن نموده و شرفیاب حضور نواب
 معظم الیه گردید و بعد از آن نوابش بنزاده بسرب
 دیوانه مبارک آمده بارعام دادند و تا عصر
 سرور بسرب زدند
 درین هفته چون روز چهارشنبه روز عید اضحی بود
 عموم ناس مشغول ادای صلوة عید و زنج قربانیا
 بودند و فرخان روزنامه نیز بسته بود و کارخانه
 دارالطباعة نیز کار نکرد لهذا این روزنامه که هر
 هفته در روز پنجشنبه قبل از ظهر از دارالطباعة بیرون
 آمده و تقسیم میشد درین هفته در روز شنبه
 تقسیم میشود

سایر ولایات

اصفهان از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته بودند ناخوشی و باد را آنجا شدتی دارد بطوریکه از پانزده ماه رمضان المبارک تا نوزدهم ماه ذیقعده هفت روز هشتصد و نود و پنج نفر از فرار روزنامه باین ناخوشی تلف شده اند لکن عالیجاه چرخعلی خان نایب الحکومه باینکه یک پسرش و چند نفر آدمش باین ناخوشی وفات یافتند محض انجام خدمات دیوانی از شهر حرکت نموده و در کمال اهتمام مشغول انتظام امور ولایت و وصول و ایصال مالیات دیوانی است

عربستان

از قراریکه در روزنامه عربستان و لرستان و جزوه نوشته بودند از اتهامات اولیای دولت علیه امر آن صفحات منظم و منبسط است و در آن خود از ناخوشی مشهور اثری ظاهر نبوده است

کرمان

از قراریکه در روزنامه انولایت نوشته بودند ناخوشی در آنجا و دینیر شدت داشته و هر کس که استطاعت حرکت داشته از شهر بلوکات رفته است و امیر الامرا العظام مقرب انخاقان محمد خان سردار حکمران یزد و کرمان محض ملاحظه پیرفت خدمت دیوان و پاس امنیت ولایت و اینکه قسط مالیات دیوانی بتأخیر نینقد از شهر بیرون رفته است باینکه چند نفر از علماجات او باین ناخوشی مرده اند و عالیجاه میرزا شیخ مستوفی کرمان هم در شهر بتقدیم خدمات

محو له اشتغال داشته و بیرون رفته است و در میان فوج عالیجاه علی نقی خان سرمنگمسم ناخوشی بروز کرده است و از شهر بیرون رفته و چادر زده اند و از قراریکه نوشته بودند ناخوشی شهر بند امجد تخفیف یافته بوده است و لکن در بلوکات شدت داشته و در ایام ناخوشی امالی آنجا در محلات و کاروانسرا مشغول تعزیه داری جناب سید الشهدا علیه الاف التحیه و الثنا بوده اند و چون سبب و ایمنه ناخوشی اکثر کسبه و اصناف بازار و کاکین خود را بسته بوده و چند دکان جباری و بقالی باز بوده است امیر الامرا نظام سردار بهر دکان جباری چند حروار کندم داده است که نان نخت بفقرای ولایت بپند

خراسان

این اوقات مقرب انخاقان سلیمانخان دره خیزی چند هزاره سرار و سوس طایفه ضاله زکانه بنجا کپای مبارک فرستاده طایفه نروره بغرم تاخت تا ز تا حیره کشید که در دو سخته عباس آباد واقع است امن بوده اند عالیجاه مشارالیه چهل نفر سوار رفته آنها را متفرق ساخته و چند نفر از آنها را باخته و بقتل رسانیده بود و سوس منجوس آنها را باخته سردیکر که سابقا در چهار فرسخ میاندشت کر قهه منجوس مبارک فرستاده است و از قراریکه در روزنامه انولایت نوشته بودند رفع ترکمانان را که تباخت تا ز آمده بود اند بطور خوب نموده و در همه جا با آنها غالب آمده است و در از از حد مشارالیه یک لب جبه زمد از جانب سنی بجزایب طو کانه حمت و ارسال کرده

احوال متفرقه

در روزنامه هفتگه گذشته نوشته شده بود که بعضی
از دامایان فرنگستان کمان کرده اند که غیر از حواس
چچکانه حسی دیگرست و در بعضی حیوانات ظهور دارد
و شخصی جراح در خفاش این کیفیت را معلوم کرده
بود درین اوقات در مملکت منته از چیز دیگر نمی بینی
استنباط کرده اند در یکی از رودخانه های مملکت همبورگ
که اطرافش بسیار هموار و چمن است تا دو سال پیش این
کشتی بخار مطلقا با بخار زفته بود کشتی بخار اول که با بخار
رسیده از جانی عبور کرده بود که گاوماهی زیاد بجهت کشتی
قصا بخانه پرواری و فربه کرده بودند این گاوماهی وقتی که کشتی
دیدند صدای او را شنیدند همه رسیده و با فزاید
بلند بچک و رست که بختند و تا چند روز هر وقت
که کشتی از آنجا عبور میکرد با فظور و ایهم کرده و میکردند
تا رفته رفته ترس آنها کمتر شده بود تا آخر عادت
کرده بودند و دیگر تشویشی نداشتند و این گاوماهی را
همه فرخنده و در قصا بخانها بمصرف رسانند
و از آن گاوماهی در آنجا دیگر هیچ نمانده بود سال دیگر
در همان فصل بار گاوماهی دیگر از جا بهای دیگر آن طرف
کله کله با بخار آورده بودند مردمی که در کشتی بودند و چون
کشتی با بخار رسید کمان میکردند که این گاوماهی نیز
مانند گاوماهی سال گذشته خواهند گریخت اما
دیدند که از صدای کشتی مطلقا و ایهم نکرده و از جانی خود
حرکت ننمودند با اینکه از گاوماهی سال گذشته
هیچ در آنجا نمانده بود و بجایهای دیگر نیز نبرده بودند که

۸۵۶

فرضا اگر حیوانات مصلی را بتوانند بیکدیگر حالی نمایند
گاوماهی سال گذشته با این گاوماهی که هیچ کشتی بخار
نمانده اند حالی کرده باشند که صدای کشتی بخار
تشویشی ندارد بلکه همه گاوماهی سال گذشته را در
جا بخاکشته و بمصرف رسانده بودند اهل کشتی
از این خبر حله متعجب شده بودند و کسانی که معتقد
این اند که غیر از حواس خمس حس سادس
و در حیوانات ظهور و بروز دارد این معنی را دلیل
اثبات های خود میدانند

اعلانات

کتابسای چاپی دار اسخلافه طهران که در کارخان
حاجی عبدالمحمد باسچی در محله نزدیک دروازه
دولاب الطباع شده از این امر فروخته
میشود

- مجمع البیان شش تومان ۲۰۰
- تفسیر امام عسکری یک تومان ۵۰
- شاهنامه چهار تومان و نیم ۱۰۰
- معراج العاده دوازده هزار ۱۰۰۰
- خست نظامی نه هزار دینار ۱۰۰
- جوهری شش هزار دینار ۱۰۰
- شش تومان ۲۰۰
- سه تومان ۱۰۰
- هفت هزار دینار ۱۰۰۰

کشکول

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه هفتم ماه ذیحجه الحرام مطابق سال اول ۱۲۶۹

منظومه دارالخلافه طهران

قیمت اعلانات

یک سطر چهار خطی هر روز
بیشتر پنج خطی هر روز
بیشتر با هر خط



مزد صد و سی و ششم

قیمت روزنامه

یک نسخه ده هر یک
هفتاد و چهار هزار

اجبار واحدا ملک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

موافق خبر آخر که از اردوی هاپون رسید موبک
فیروزی گوکب اعلیحضرت پادشاهی در چمن
توقف دارند و افواج قاهره نظام مشغول مشق
و وضع اردوی چمن بزور سپاه مطبوع خاطر ملوکات
اقتاده است و هوای آنجا هم بسیار خوب است
و چنانچه در روزنامه هفته گذشته نوشته شده
بود از منزل صبا آباد با نظرف ناخوشی و باز
اردوی هاپون بجلی رفع گردیده است و بجهت الله مطلقا
اثار ناخوشی در اردو هم نمیرسد

در طهران بروز کرده و کم و بیش در میان جنس خلق بود
حال دوسه روز است که بجهت الله بجلی رفع گردیده است
و مردم در تهیه و مدارک عبید عذیر میباشند

نواب مستطاب شاهزاده و الایستار ارشد میرزا
حکمران دارالخلافه طهران و توابع در روز دوشنبه
پانزدهم این ماه بدار الفنون رفت و بکار معلمین
معلمین آنجا رسیدگی فرمودند عالیجاه موسیو کریم
معلم تو سخانه که در شیرانات بود از آمدن بشهر اگر
داشت نواب سعیدی الیه قرار دادند که مشارک
یکی از بیوتات آنجا رستان آمده منزل نماید که در کار
خود و تقسیم معلمین دار الفنون حاضر بوده عقلت آنجا

دویم چنین در روز شنبه گذشته نواب شاهزاده
بجهت احوال پرسی سخانه جناب جلالت آتاب صدر اعظم
رفتند و چنانچه قرار داده اند که بعضی ایام هفته را بیدار

دیگر از قراریکه نوشته بودند عالیجاه جلالت و بنا
گهتنامه طامین صاحب شوری و فیروزی است
تخلیس با صاحب منصبان و سایر اجزای سفارت
وارد اردوی هاپون گردیده در نزدیکی بار دود چاد
زده و منزل کرده اند

ناخوشی و با که در اوقات حرکت موبک هاپون درینا

۸۵۷

علمای عظام میروند در نماز و زید بن جناب شیخ
عبدالرحیم و جناب شیخ عبدالحسین رفتند

و همچنین در روز سه شنبه مقرب انخاقان میرزا موسی
وزیر دارالخلافه طهران و توابع بقاعده که بعضی آیام

بکارهای قورخانه و جبه خانه رسیدگی می نماید قورخانه
و جبه خانها رفت و بکارهای اصناف آنجا بکار

رسیدگی نمود اصناف هر یک بکارهای خود نمودند
و باشیان قورخانه و جبه خانه در انتظام و پیشرفت

کار آنها کمال اهتمام دارند و عمل تفک سازی
و چاق سازی و قداره سازی و غیره درین

اوقات بسیار خوب است

نظر بخدمات مرحوم میرزا محمد خان بیکری بیکی شیراز
که در راه خدمت وفات کرده بود لهذا اعلیحضرت

قوی سوکت پادشاهی محض مرحمت ملوکانه در بار
عالیجا به میرزا علیخان ولد مرحوم مرزوباد را منصب

بیکری بیکی گری شیراز از فرمان مبارک سرافراز
و یکتوب قبای پولک و یکطاشال ابره برسم خلعت

در حق او مرحمت فرمودند

و همچنین محض مرحمت ملوکانه در حق مقرب انخاقان
حاجی قوام الملک یکتوب جبه زمره از جبه خانه خاص

خلعت تعزیت مرحوم بیکری بیکی با فرمان التفات
که

نظر بخدمات عالیجا به میرزا علی اکبر مرهنگ قورخانه
و اهتمام او در کار قورخانه درین اوقات از فرمان

فرمان مهرلعان مبارک مشارالیه را بقلب خایلی
سرافراز فرمودند

از جمله کسانی که در اوقات توقف موکب هائون
در سیلاقات لواسان و لار و غیره در دارالخلافه

طهران در سر خدمت بودند و اهتمام در کار و خدمت
خود نمودند عالیجاان پاشا بیک یا و اول فوج

ششم و اسمعیل بیک یا و دویم فوج ششم بودند
در ازار خدمات آنها هر یک یک طاقه شال کرا

خلعت مرحمت گردید

مقرب انخاقان فصان آقا میرنجه بعد از آنکه توپخان
مامور ساخوی و لایارت را که تفصیل آنها در

روزنامه های گذشته نوشته شد روانه سرحدات
و محل ماموریت نمود در روز بازار جسم اینها توپخان

حاضری دارالخلافه مبارک را در میدان ارک نظر
نموده عالیجاان میرزا جانی لشکر نویس و میرزا محمد علی

سر رشته دار کل توپخانه مبارک را که بدقتان آنها
دید و امر توپخانه مبارک کمال انتظام را دارد و

مقرب انخاقان مشارالیه هر روز خود در میدان
ارک مبتق توپچیان و انتظام کار آنها رسیدگی می نماید

و از هر یک از توپچیان که حرکتی خلاف نظام و حساب
سر زده باشد به سه پایه بسته فراخور تقصیرشان

تنبیه نظامی می نماید

در روز سه شنبه هفتم گذشته عمال جناب حلا
وزیر مختار دولت به روس از قریه زرکنده

که در تابستان توقف داشتند روانه شدند

که از راه تبریز بولایت خود بروند بسبب اینکه زوجه
جناب وزیر مختار منجنق قدری علی بود اطمینان
صلاح دیدند که بولایت خود مراجعت نماید
هوای آنجا مزاج مشارالیه نامناسب خواهد بود

سواره شقایق ابوالجهمی عالیجاه جواد خان که
حسب الامر از اذربایجان آمده و مأمور خدمت
بودند در عرض راه ناخوشیهای مختلف در میان
آنها بهم رسیده بود چند روزی در کنار رودخانه
کرج توقف نموده بودند بعد که ناخوشی آنها تحقیق
از آنجا حرکت کرده بدار انخلاف آمدند و پیروز
گرفته و توقف کردند نواب شاهزاده و ا...

حکمران دار انخلاف طهران و توابع طبیب و معالج
برای آنها معین کردند و از برای مرضای آنها بهتوبه
حاصل شده روز دوشنبه پانزدهم
از دار انخلاف طهران کوچیده روانه خراسان گردیدند

در زمان توقف سواره مزبور در سلیمانیه
راه قدری بی اعتدالی از بعضی از آنها بشتر و دین
شده بود و پاره اموال از مردم برده بودند
در توقف دار انخلاف لازمه تادیب و تنبیه
از آنها بعل آمده و اموالی که بخلاف حساب برده
از آنها استرداد و بصاحبان اموال تسلیم
و دوسه نفر از اهل خوقند مدعی برسم نفر از
سواره مزبور کرده اند که مال ما را برده اند
آن سواره سوار بالفعل در پس انداخته میشود

چند شب قبل ازین در نصف شب صدای نی و
بالابان و موزیکان بلند شده بود نواب شاهزاده
صبح از کلاستر و صاحب منصبان قراونجا نهایت
نمودند و بعد از تحقیق تام معلوم شد که این صدا
در میان سبزلوی بیرون شهر بوده و در شهر

سایر ولایات

اصفهان از قرار اخباری که در پانزدهم
از اصفهان رسید عالیجاه چراغعلی خان
اصفهان با اهل آن ولایت با کمال خوش سلوکی
حرکت نماید و در انجام خدمات دیوانی و وصول
و ایصال مالیات نهایت اهتمام دارد و از تنخواه
مالیات مبلغی بار دوی هایون فرستاده و مبلغی
بدار انخلاف ارسال کرده است

فارس

نواب مستطاب شاهزاده والا تبار مؤید الدوله
طاسب میرزا حکمران فارس در سبت و سیم ماه گذشته
از اصفهان روانه فارس شده اند و جمعی کثیر از
اعیان و عمال فارس تا اصفهان باستقبال
بوده اند و بعضی هم در آخر خاک فارس منتظر
و آدمی که مقرب امخاتان میرزا موسی وزیر دار انخلاف
نخجه تنخواه فرستاده بود نواب معزی الیه از منزل
خان خوره او را معاودت داده و قدری از تنخواه
تخصیصی مصوبت را الیه فرستاده اند و مردم فارس
یعنی نواب معزی الیه حکمرانی فارس کمال خرمی دستاورد است

۸۵۹

مازندران

از قراریکه ازین ولایت نوشته بودند و
استطاب شاهزاده والا تبار مصطفی قلی میرزا
حکمران مازندران در انتظام امر آن ولایت نهایت
اهتمام را دارند و درین اوقات بجهت رسانیدن
و روانه کردن سواره کرد و ترک مازندران
بشیرگاه آمه بوده اند و در آنجا سواره فرود

سازان دیده اند و با کمال استکی و تهنیه و
تذکره تمام آنها را روانه رکاب نصرت
انتساب بامیون اعلیحضرت پادشاهی نمود
و از آنجا بشهر ساری مراجعت کرده اند و در
انتظام امر ولایت و حصول رفاه و آسودگی
رعیت و انجام خدمات دیوانی سعی و اهتمام
دارند و عموم مالی و سکنه آنجا از حسن سلوک
و رفتار نواب مغربی ایله راضی و شاکرند و عا
این دولت قوی شوکت علیه اند و کسی مصدر
حرکت خلاف حساب و تعدی نسبت به حدی

نمی تواند بشود

خراسان

از قراریکه درین روزها خبر ازین ولایت رسید
خان خنوق که با جمعی بر مر و آمده بود بعد از آنکه
خلیفه مروی و مالی مرو متوسل بذیل عاطفت دولت
علیه شده و از جانب اولیای دولت قوی
بناها تعویب و حمایت شده بود بیرون آمده
حمیت خان خنوق را سکت داده و سبب حال

نیه بسیار از آنها بغارت برده بودند که تفصیل آن
در روزنامه گذشته نوشته شد مشا را به
امنای دولت علیه را حامی مالی مرو وید و قوه
و یکمذاشت و در اردوی او نیز ناخوشی و با افتاد
بوده است از هرجهت متماصل شده درین اوقات
مخذولاً و مسکوباً از آنجا کوچیده و بجانب خنوق
گرفته است

از سایر ممالک محروسه که خبر میرسد درین
اوقات که اوایل پاییز است حاصل اغلب ولایات
خوب بوده است و مردم بسبب فراوانی دارزاد
حاصل آسودگی دارند مگر بعضی جاهای اطراف
دار اختلاف طهران و پاره بلوکات عراق که بسبب
بارندگی زیاد که در فصل بهار اتفاق افتاد
غله را کم و بیش زنگ زده و در بعضی جاها
سبب خوارگی شده است و ضرر بزراعت کارا
رسیده است و از قرار تقریر جا پاران که در
این اوقات وارد شده اند ناخوشی و با که
در سایر ممالک محروسه ظهور و بروز داشت

این روزها از همه جا بعد از محمد رفع گردیده است
مگر در بعضی بلوکات کرمان که مسنوز در آنجا
بقیته بوده و بکلی رفع نشده بوده است و لکن
که در اوایل داشته است درین اوقات
تضعیف یافت و نسبت سابق بسیار سبک
شده بوده است و امید داشته اند که این روزها
بالمرة تمام بشود

اخبار دول خارجه

انگلیس در بعضی روزنامه های مملکت انگلیس نوشته است که اهل دول خارجه تعجب میکنند از اینکه انگلیسها درین ایام با همه دول صلح و دوستی دارند چرا نزدیک بکنند اردوی قشون بجهت مشق و حرکت کلیه جمع کرده اند زیرا در مملکت انگلیس قاعده نیست که قشون در اردو جمع کنند و لکن در روزنامه انگلیس نوشته اند که جمع کردن قشون علامت جنگ نیست و هیچ مدخلیت بچنگ ندارد قشون که در یکجای کلی جمع نشود در اول وقت که میخواهند جمع بکنند مشق حرکت کلیه پهن مشق فوئید و خاک و حال در اردوی نزدیک بشهر لندن بیشتر از ده هزار قشون از هر قسم دارند و بنیاد دارند که وقتیکه این یکجندی در آنجا ماند و در مشق و حرکت و رزید باشد آنها را مخص نمایند و ده هزار نفر دیگر در آنجا جمع آوری بکنند بطوری که آنچه ممکن باشد از قشون متوقف انگلیس خواه صاحب منصب باشد یا تاین مشق حرکت کلیه قشون را بپینند و یاد بگیرند و از اینکه جمع کردن قشون در اردو و بمطرا اهل شهر لندن بسیار غریب می آید خیلی مردم هر روز بجهت تماشای مشق از شهر با نجای آیند و جانی که قشون مبرور اردو زده اند نزدیک بعمارت و نیز از آنکه ششمین پادشاه انگلیس شهبانو چهار فرسخ از شهر دور سایر جایهای مملکت انگلیس نیز قشون ردیف بیرون آورده اند و مشق می کنند و سرگردگان قدیم قشون مشق آنها رفته اند چنانچه در روزنامه سابق نوشته شده است در مسوور

انگلیس گفتگونی در باب قرار گذاشتن در امور است بند و ستان شده است و درین خصوص در میان اهل شورنخانه هم خوانین و مسم و کلای رعایا گفتگو بحث زیاد شده است و حرف بعضی از اهل شورنخانه این است که دولت انگلیس نسبت بقوه اهل هند و ایالت زیاد از آنها میگیرند و ولایت بند و ستان بعد از آنکه در تصرف دولت انگلیس در آمده است با منیت انطور که باید ترقی کرده باشد نگردیده است و غیره که در هند و ستان می باشند کاری که خوب آبادی و خیرات و لایب باشد با نگردیده اند و کم در کارهای که نفع ولایت و رعیت باشد اقدام کرده اند اکثر داخل هند و ستان و گذران اهل آنجا از زراعت است و لکن چون راهها را ساخته اند نمیتوانند حاصل زمینهای را که از رود و خانها و دریا و در است با بیرون بفرستند که بفروش برسد حاصل زمینها که باید با سانی محل نقل بشود و اگر از وسط مملکت بخواهند با قاطر و شتر و غیره بخرید حمل و نقل نمایند القدر خرج دارد که بجهت زراعت کاران و صاحبان املاک منفعت نمی کند و علاج این مرض ساختن راهها و نه راه است و امید دارند که درین روزها دولت انگلیس راهها و نه راه بجهت این مملکت بسازند

فرانس

درین مملکت نیز قشون جمع می کنند و یک اردو شهر و سبیل دارند و اردوی دیگر نزدیک به شمال آن مملکت اما چونکه دولت فرانس قاعده

دارند که هر سال قشون کلیه بجهت مشق جمع می کنند
 مردم از جمع کردن قشون فرانسه چندان تعجب ندارند
 در اردوئی که قشون فرانسه جمع شده است چادرها
 اهل قشون از خوب جنگلی که در آن اطراف است خانهها
 ساخته اند و در آنها سکنی گرفته اند قشون فرانسه
 در مشق و حرکت نظم تمام دارند و مشهورتر قشون فرانسوی
 هستند خصوصاً فوج که بزبان خودشان آنها
 شیرینده و شیرین می نامند یعنی سکا چیان شیرین
 و اینها کلا مشق مجبران می کنند و تفنگشان شش
 بطرح نو و شمشیر دارند و دست شمشیر را چنان ساخته
 که بر تفنگ می توان گذاشت مانند سر نیزه تفنگ
 سر باری و در جنگ معرب زمین این افواج رشاد
 تمام بعمل آوردند و در تیر اندازی چنان قابل اند که
 میگویند توپ رو بروی آنها دوامی نمی کند توپچان
 در سر توپ میزنند و توپ را از دست آنها میگیرند
 در مملکت فرانسه در هر جا امانت تمام بود اگر چه
 که مفتدین باز خیال افساد دارند و لکن امپراطور
 نظام خود را چنان سخت کرده است که مشکل میدانند
 که مفتدین قوه و مجال افت و داشته باشند
 این امانت مبعث کلی نسبت بکل اهل فرانسه کرده است
 خواه صاحبان کارخانهها و خواه اهل زراعت محلا
 چند سال سابق که دولت جمهوری بودند و اغتشاش
 در میانشان بود ضرر زیاد بزراعت کاران و صاحبان
 املاک و کارخانهها مجوزده حال روز بروز اعتبارشان

۸۶۲

بیشتر میشود و کارشان بهتر از آن ایام پیش میرود
 دوستی و یگانگی مابین دولتمن انجلیس و فرانسه
 در این اوقات بحد کمال است و چونکه حالا سبب
 کشتی بخار و ساختن راههای آهن و راه انداختن
 کالسکه بخار تردد مابین خلق آسان شده است
 و مراد ده و کار و شغل دوا دوستد با یکدیگر همسر
 و مردم ریاد بولایت یکدیگر میروند درین روزها
 دوستی مابین خود خلق دولتمن هم زیاد شده است
 و خیر و صلاح هر دو دولت را درین یگانگی و اتحاد
 استریه
 از ممالک ایتالیا که در تصرف این دولت میباشد
 نوشته اند که در بعضی جاها اسباب حرب است
 و همیده اند که باغبانان باز از خیال قلب افتاد خود
 دست برنداشته اند و منتظر مجال و فرصت
 بوده اند که دوباره جنگ و آشوب در آن ولایت
 برانگازند دولت استریه نظام خود را چنان سخت
 کرده که بعد از جنگ عظیم که در پنج سال قبل این
 کردند دیگر در قوه باغبانان شده است که با عیگری
 قشون کشتی نمایند مگر در شهر میلان جزئی اغتشاشی
 کردند که تفصیل آن در روزنامه های سابق نوشته
 شد آنهم زود دفع گردید بخت و کفکوی عمده که حالا
 دولت استریه دارند با دولت سوئیس است
 آنهم گمان کلی دارند که زود تمام بشود و امنای این
 دولت با فطانت دد کادت و تدبیر مشورت

کاملی راه میرود دولت استریه چ سال پیش
 که یک وقت پای تخت دینه بدست باغبان
 افتاده بود و در مجارستان هم جنگ شدند
 صدمه زیاد حوزده بود باز احسن رفتار
 صایب انمای دولت است که دولت استریه
 در میان دول فرنگستان اعتبار تمام دارد و روز
 بروز نظم کارشان بیشتر میشود
 احوالات متفرقه

در روزنامه های فرنگستان در باب تجارت
 مابین دولت انگلیس و دولت عثمانیه باین طور
 نوشته اند که جمیع اجناس تجارتنی که در کمال
 از شهرهای لندن و لورپول و سوئس مپطان و لا
 انگلیس بولایت عثمانیه فرستاده اند معادل باره
 که در بحباب پول ایران چیزی زیاد تر بوده و اکثر
 این اجناس از قماش شپمنه و پنبه بود و قدر
 اجناسی که تجارت مال خرازی میگویند که از جمله چیزهاست
 که از این ساخته اند چینی و قهوه و شکر و قهوه هم
 از جزایر سیکی دنیا اول بلدن می آید و بعد از آن به
 اسلامبول روانه می کنند زیاد آورده بودند
 ازین مال در کشتی بخار میگذارند و باقی را در کشتی
 بادبانی چونکه شکر و قهوه و قند و بعضی اجناس
 بقیمت ارزان اند در کشتی بادبانی میگذارند اما
 که آنها و کم وزن باشد در کشتی بخار میگذارند که
 رزود پهنزل برسد و این یازده که در مال تجارتنی
 با اسلامبول آمده است با آن مال تجارتنی است که از

مملکت انگلیس بملکت ایران می آورند که اندک اسلامبول
 میگذرد و بطرازان می آید و در عوض این یازده کرده
 مال تجارتنی که با نجاری آید اجناس میبرند از جمله
 و شمش و کورک خصوصاً از کورک سمت فقره که بسیار
 میزند و بک تجارت عمده هم از ولایت عثمانیه بولایت
 انگلیس در غلّه است که از مملکتین مالداویه و والا کشته

از اسکندریه مصر نوشته بودند که کشتی کوچکی از
 مملکت اردنیه با نجاری آمده بود که اسبهای عربی از
 مصر بجهت پادشاه ساردنیه اقباع نماید و کشتی
 جنبی که در آنجا داشتند یک کشتی بزرگ بود که اسبها
 عراده توپ داشت و دو کشتی کوچک که هر یک
 بیت عراده توپ داشت و اینها را از حوضهای
 نگاه داشته بودند بیرون کشیده بودند که تعمیر
 و حاضر بکنند قشون پاشای مصر را درین ایام
 پنجاه هزار کس میدانند و اکثر آنها از طایفه عرب
 ازین پنجاه هزار نفر بسیاری در مشق و آراستگی
 و چابکی نامند و بسیار قشون رشید خوب اند
 صاحب منصبان آنها نسبت قشون چندان قابل
 نیستند

یک شعبه از رود نیل در آنجا که داخل دریای مدیترانه
 میآید میگذرد حال عباس پاشا می خواهد این شعبه رود
 عمیق نماید بطوریکه کشتیها بدون تشویش در آنجا تردد
 نمایند و جهت زیاد شدن آب این شعبه در بعضی
 دیگر بند ساخته است که آب آنها بالا رود این شعبه علاوه

۸۶۳

بشود بعضی از مهندسین میگویند که بریدن آب از آن
 شعبهای دیگر ضرر بزراعت کاران می آورد که این آب
 بجهت زراعت آنها لازم است و لکن دیگران میگویند
 که بزراعتین ضرر نخواهد رسید زیرا که انقدر آب که کفایت
 زراعت آنها را بکند باز از این شعبها میبرد
 راه آهن بجهت تردد کال که بخار در مملکت مصر بسیار
 راه می رود و مکان داشتند که تا آخر سال هر
 ازین راه کثوره بشود و کال که در آنجا تردد نماید
 بجهت حمل و نقل بارهای تجاری و تردد مسافر و غیره

امانه بان آسانی که در روی آب حل و نقل میشود
 در یکی از شهرهای کوچک منته از مملکت سواری
 دولت و سی باب خانه آتش گرفته و سوخته است
 و ابتدای آتش از خانه دباغی بوده است که مقروض
 شده و کارش معیوب گردیده بوده است خوش
 قصه انبار و خانه خود را آتش زده و بعد خود را نیز
 هلاک کرده بوده است و آتش از غارت او بجانهای
 دیگر سرایت کرده و دولت و سی باب خانه سوخته بود

در باب تجارت هندوستان در پیش گفتگو که در
 انجلس در باب امورات هندوستان شده است
 میگویند که عمده حاصل مملکت هندوستان که بخواج
 میفرستند تریاک و نیل و بعضی اجناس دیگر است که
 صباغان مصرف می کنند و قیمت این اجناس
 تخمیناً چهل و چهار کرو و حساب پول ایران در هر
 میشود و غله و پنبه نسبت بوسعت ولایت بسیار
 کم بخارج میفرستند و پنبه اش بجز بی پنبه یکی دنیا
 نیست تریاک و نیل و اجناس رنگرز خانها چون
 قیمتش زیاد است حمل و نقل آنها بخارج بجهت ولایت
 هندوستان نفع دارد و لکن غله چون که ارزان است
 حمل و نقلش بولایات دور چند آن نفعی ندارد بلکه
 بعد ازین نهرها از رودخانه بروی خانه سازند که غله را
 در کشتی گذاشته بی زحمت حمل و نقل نمایند و اگر در
 هم در خشکی بسازند با عرابه نیز با آسانی حمل و نقل میشود

در یکی از معادن ذغال مملکت فرانسه بخار معدن
 یکبار آتش گرفته بود و هفت نفر از معدنچیان در آن
 مانده بودند مردم خیال کرده بودند که این هفت نفر
 در آنجا تلف شده اند بعد از آنکه بخار فرو نشسته بود
 چهار نفر آنها را از آنجا زنده بیرون آورده بودند
 و قتی که بخار آتش گرفته بود از ضربی که سبک معدن
 حوزده بود چشمه آب بیرون آمده بود و این چاه
 نفر معدنچی بان سمت معدن که بالای آب بود در فتنه
 بودند و در آنجا قدری نان و پنیر و غیره که معدنچیان
 دیگر که در آنجا کار میکردند گذاشته بودند حبسند و
 روز در آنجا همان آذوقه خود داری کرده بودند تا
 اینکه کسانی که در دهن چاه معدن بودند صدای
 آنها را شنیدند پائین رفته بودند و آنها را صحیح و
 سالم بالا آورده بودند

روزنامه وقایع اتفاقیه ستاخ یوم خستیه پنجم ماه ذیحجه الحرام مطابق سال اول و دین ۱۲۶۹

نزد صد و نسی و سوم
قیمت روزنامه
یک نسخه ده شاهی
چهارهزار



منظومه و از اختلاف طهران
قیمت اعلانات
یک سطر الا چهار سطر یک سطر
بیشتر با هر سطر

اخبار واحده مالک محروم پادشاه

اردوی هایون

موافق روزنامه که درین هفته رسید موکب سردار
اعلیحضرت قوی شوکت پادشاهی در چمن سلطان
توقف دارند و نوشته بودند که اردونی که در چمن سلطان
برای مترین رکاب هایون زده شده است بطوری
منظم است که با وصف اینکه قریب شصت هفتاد هزار
نفر از چاکران مترین رکاب و قشون رکابی و سواره
مردمان دیگر در اردوی هایون میباشند تا حال اینکه
دلیل بر بی نظمی باشد هیچوجه اتفاق نیفتاده و از نظر
نظم حالت اردوی کیوان پوی بنجی است که با این
کثرت جمعیت کوپا هیچ کثرتی در این اردو نیست و از
احدی صد بیرون نمی آید و هر یک از مترین رکاب
هایون حفظ مراتب و قواعد مقرر کرده و را بطور شایسته
میکنند و ذره بی اعتدالی از احدی ناشی و صادر
نمیشود
و افواج رکابی سواره باشکوه تمام مشغول شوق
هستند و روز عید اصلی که اعلیحضرت قوی شوکت
پادشاهی بقاعده مقرر کرده بر ساله برای سلام

بار عام فرموده بودند جمیع شاهزادگان و
عظام و ائمه و خوانین و صاحب منصبان نظام
از هر طبقه و هر صنف باشکوه و راستگی تمام
در سلام حاضر شده بودند و از قشون نظرمون هم
بیت و چهار فوج برای سلام اخبار و اعلام شده
بودند همگی با نظم و قاعده و ترتیب و شکوه و آرا
تمام با یکدیگر از سواران مترین رکاب هایون پیاده
و با اوضاع و اسباب تمام بطور شایسته و مجازا
حضور هایون صف کشیده در سلام عام حاضر
شدند و هر یک در مرتبه و مقام خود قرار گرفتند
و از توپهای حاضر اردوی هایون نیز پانزده عراده
توب در یک سمت صف سلام و پانزده عراده
در سمت صف دیگر ترتیب داده بودند و یکصد
توب در سه مرتبه شلیک زنبورک کردند
و تحقیقا بقدر ربع فرسخ مسافت میدان سلام
و چنان سلام با نظم و شکوهی اتفاق افتاده بود
که تا بحال هیچیک از چاکران قدیمی این دولت در عهد

۸۶۵

هیچیک از سلاطین با فر و کین هموس لسه سلامی باین
 شکوه در چمن سلطانیه ندین بودند و در آن روز
 اعلیحضرت پادشاهی اظهار کمال رحمت و کرم فرمودند
 سلام بجناب جلالت آب صدر اعظم اعظم فرمودند
 و بلفظ مبارک بر محاسن اینها مات جناب معظم
 نحس فرموده بعبایات خرد و انوشمول ساختند

چون امیر الامراء العظام مقرب الخاقان عزیز خان
 اجودان باشی و سردار کل عا که منضوز پیش از آنکه
 موکب هایون وارد چمن سلطانیه شده صاحب انجمن
 شریف قدم بخشند در نظم اردوی نظامیه کمال
 و اهتمام را مرعی داشته تا روز و دو موکب بچون
 و بعد از آن امر افواج و سواره را که در چمن سلطانیه حاضر
 از هرجه و هر حیثیت منظم و منضبط داشته است
 اینها مات معنی الیه در نظر انور هایون زیاده جلوه
 و پسندیده افتاد لهند او روز بعد از ورود محض حمت
 بکر اسب خاصه چنان را که از اسبهای نامی مشهور
 خوب مخصوصی اعلیحضرت پادشاهی بود و با حمت فرمودند

در روز دوشنبه ششم این ماه اعلیحضرت پادشاهی
 برای تفریح بستر چمن سلطانیه که با صفا و خوشبوی
 تشریف فرما شده و مختار در انجا میل فرمودند و بعد
 از آن برای شکار بکوههای نزدیک بان هر ششمه تفریح
 وقت غروب مراجعت فرموده اند

و ششم چنین در روز چهارم نیز برای تفریح بستر
 تشریف بردند آب هوای انجا در نظر هایون اعلی

افتاد تا عصر روز دوشنبه در آنجا تشریف داشتند
 و جناب جلالت آب صدر اعظم اعظم نیز با بعضی
 از چاکران در بارهایون در آن دو روز طرتم کباب
 بوده اند و عصر روز دوشنبه معاودت بار دوی
 هایون فرموده اند

در روز پنجشنبه هجدهم این ماه که روز عید غدیر بود
 مستطاب کباب امجد والا و لیجد دولت علیه در مطا
 نقاشخانه دیوانخانه مبارک بنیاست وجود مبارک
 اعلیحضرت قوی شوکت پادشاهی سلام نشستند
 و نواب مستطاب هزاره والا تبار را در شیر میز انظار
 در انخلاف طهران و نواب ساسان میرزا الله با و مقرب
 میرزا موسی وزیر دارالخلافه و مقرب الخاقان پیران پنجه و پیر
 و سایر صاحب منصبان نظام و خوانین و اعیان و
 اشراف و کلا ترغول شرفیاب حضور نواب معظم
 گردیده بقانونی که معمول و متداول این دولت علیاست
 یکصد و ده تیر توب که مخصوص این عید است شلیک نمودند
 و بعد از آن خطیب ادای خطبه بنام نامی اعلیحضرت قوی

پادشاهی نموده و عموم اهل سلام سلامتی وجود فانی وجود
 مبارک اظهار سرت و شادمانی و شکر گذاری نمودند
 عیش و جشن و خورندگی این عید عزیز العجل او بود و عصر بر در
 در روز دوشنبه بیست و دوم این ماه نواب مستطاب
 شاهزاده والا تبار را در شیر میز با در دارالفنون
 رفته و در سن و سبب بجان بجان رسیدگی نموده تا نزدیک
 بغروب آفتاب کباب معین و معین دقت و غور روی کباب
 و سخن معین و معین در کارهای خود کمال اهتمام را در

۸۶۶

دو سیم چنین روز سه شنبه نجانه عالیجاه محمد رضا خان
که مجلس تقریر داری مرحوم میرزا احمد خان را که فوت شد
بر پا نموده بود تشریف برده و مجلس فایده را بر چندین
دوازده جانب اولیای دولت علیه سلی عالیجاه شاهی
داده و تقدیر نمودند و در مراجعت از آنجا بجمع
رفتند و بکارها و صنایع آنها رسیدگی نمودند و آنها را
نمودند

در روزنامه چهارم پنجشنبه نوشته شد بود که عالیجاه
طاسین صاحب رژد فیروز دولت بهیبه تکلیس حب الامر
روانه اردوی هاپون گردید و این عبارت استنباط
شده بود بجایست نوشته شود که عالیجاه جلالت بابت
همراه طاسین صاحب رژد فیروز دولت بهیبه تکلیس
حب الوعده روانه اردوی هاپون گردید و این چند
کلمه را با مشربین روزنامه پنجمه بخوانی گوشتند

از جمله کارهای خیر که در راه انداختن مدرسه دارالقنون
و آوردن معلمین از فرنگستان نواید آن عابد عامه خلق
کارهای عالیجاه دکتر پولاک معلم علم طب است بعد از رفع
ناخوشی و با که مدرسه دارالقنون دایر گردیده مشارالیه
سه سنگ شانه بیرون آورده و در تسلیم کردن
بعض تحقیق علی الکفائی کند بلکه بعل بدی رفع هر گونه مرض
حالی و خاطر نشان بنماید و از ماه محرم با رسال تا حال
که یک سال است بیت و سه سنگ شانه بیرون
آورده که بیت نفر آنها ذکر و سه نفر انماش بوده اند
از همه اینها یک نفر تلف شده است ای حق عالیجاه
در کار خود بسیار قابل دما بر است و تفصیل معالجات

عزیزه دیگر که نموده است در هفته آینده در روزنامه
نوشته میشود

از جمله اشخاصی که در اوقات ناخوشی و با غنیت کوب
هاپون در و از اخلاف طهران در سر خدمت خود بوده و
نمودند عالیجاه حاجی ملا علی طبیب نو چانه مبارک است
که همه روزه در میدان ارک مشغول مداوا و معالجه
افواج توپچی و سرباز و غیره بود و از قرار تصدیق مشرب
نظام
فغان آقای میرنجه و عالیجاه میرزا محمد حکیم باشی نظام
درین مدت ناخوشی بقدر مقصد و شفقت نفر از مرضی
نو چانه و افواج قاهره نظام معالجه مداوا می
صحت یافته اند

موکب سیروزی کوب هاپون از زمین سلطانیه نسبت
دار اخلاف مبارک که حرکت فرموده و مقرب انخاقان
مجبلی خان میرنجه را با چند فوج از افواج قاهره نظام
مقدمه روانه فرموده اند و مقرب انخاقان مشارالیه
امروز که روز چهارشنبه بیت و چهارم ماه و پنجمه
با افواج مزبوره وارد ساحت دار اخلاف گردیده در
بیرون شهر منزل کردند و موکب منصوره نیز متعاقب
حرکت فرموده و از قرار یک از اردوی هاپون نوشته شد
در روز شنبه بیت و مقم بالشوکه و الاجلال بمرسلت
تشریف فرما میشود

سایر ولایات

فارس از قرار یک در روزنامه این ولایت نوشته شد
درین اوقات در آنجا ماززله اتفاق افتاده و لکن بحمد
هم برسد و حکم نهضت با او میزند و در بنا و عمارت تعمیر
نمودند

۸۶۷

استرآباد

از قراریکه در روزنامه استرآباد نوشته بود
 مقرب انخافان محمد ولینجان بیکر بیکی استرآباد
 در انتظام طرق و شوارع و معا بر وقت تمام دارد
 و مستحفظه و قاول در همه جا تعیین کرده که مشغول حفظ
 و حراست راهها باشند و هر پنج شش روز یک
 خودش سوار شده به سکره و معبره میرود و
 میکند که از طایفه ضاله ترکمانه بموت دزدی و
 اتفاق بیفتد و هرگاه از طایفه نر بوره کسی برای دست
 بان حد و دیباید گرفتار غلامان و مستحفظین

بمعرض تشبیه می آید

اگر چه ثواب تعزیه داری جناب سید الشهدا علیه
 آلاف التحية والثناء و فضایل و معجزاتی که از آن
 بزرگوار در هر سال در نکایا و مجالس تعزیه لایق
 رسیده است زیاده بر آن است که در خیر شرح
 ولی چون از قراریکه در روزنامه استرآباد نوشته
 بودند این اوقات که امالی آنجا بجهت رفع بلیات و
 توسل بانحضرت در مسجد کاشن و مسجد جامع و محله
 نعلبندان بنای روضه خوانی گذاشته بودند در
 مجالس تعزیه آنجا بعضی امور از آن بزرگوار که باعث
 تکمیل عقیده مردم ثواب و فضایل تعزیه داری آنحضرت
 بود ظاهر شده است لهذا در روزنامه نیز نوشته شد
 که یک نفر ضعیفه صاحبه عقیده که در مجلس روضه خوانی
 حاضر بوده در آشنای اینک اهل مجلس با رقت تمام
 مشغول گریه بوده اند سه نفر سوار در پیش شعله که در

آن مجلس افروخته بودند دیده است که متفقد از پهل
 مجلس نگاه می کنند و آثار بزرگی از وجنات احوال
 آنها پیدا است شرح احوال آنها را از یک نفر ضعیفه
 در پهلوی او بوده و حالت عزادار استه استفا نموده
 ضعیفه نر بوره با رقت تمام جواب داده است که آنها
 جناب سید الشهدا علیه السلام و حضرت عباس و
 علی اکبر هستند ضعیفه سائله بعد از شنیدن این جواب
 نه آن سوار را را دیگر دیده است و نه آن ضعیفه سعاد

و هم چنین نوشته بودند بجهت پیوسته است که در
 کوچه شیرکش در خانه روضه خوانی بوده است و در
 آنجا سه چهار نفر ناخوش و علیل و سبری بوده
 در آشنای روضه خوانی سه نفر زن با آنجا وارد شده
 زنان خانه در مقام استفسار احوال آنها بر آمده اند
 جواب داده اند که ما مادر و خواهران جناب سید الشهدا
 علیه السلام هستیم و برای شفا دادن این چند نفر علیل که
 درین خانه هستند آمده ایم و بعد ازین سنوال و جواب
 آن سه نفر بزرگوار از نظر زمان خانه غایب شده اند
 و در بعضیهایی که در آن خانه بوده اند از فیض مقدم آنها شفا
 یافته حالت مرضشان بصحت تبدیل شده است
 و کد لک نوشته بودند ضعیفه در خانه خودش روضه
 زانده داشته و برای احسان بفقرا خیر کرده بوده است
 که نان بزرگ طفلستان دو سال و نیم داشته و در کنار
 تنور بوده است میان آتش افتاده در آشنای این کیفیت
 مادرش حاضر نموده است بعد از آنکه مطلع شده بر

۸۶۸

۱۰۰	سر تور آمده است پس خود را میچسباند و سالها میبرد	۱۰۰	خرزبه قسم یکبار شتری شش هزار و پانصد
۱۰۱	آورده بوده است از فراری که نوشته بودند هیچ چیز	۱۰۱	خرزبه زرند یکبار شتری چهار هزار و پانصد
۱۰۲	افتد و اسب و صدها آن طفل زرسیده است	۱۰۲	خرزبه شهر بار یکبار شتری چهار هزار
۱۰۳	تسعیر اجناس ماکولات و غیره را میخورد	۱۰۳	خرزبه در این یکبار سه هزار
۱۰۴	برنج غنچه یک من بازده شاهی خاصه	۱۰۴	هندوانه تیر یکبار سه هزار
۱۰۵	برنج کرده یک من دو عباسی ۱۰۰	۱۰۵	هندوانه کمانچه یکبار دوریال
۱۰۶	روغن چهار من هشت هزار و پانصد دینار	۱۰۶	دو هزار یکبار دوریال
۱۰۷	گوشت یک من یک هزار دینار ۱۰۰	۱۰۷	انگور عسکری یکبار دوریال
۱۰۸	مرغ یک قطعه ده شاهی ۱۰۰	۱۰۸	انگور خلبلی یکبار هشت عباسی
۱۰۹	گندم یک نخ و ار دو تومان ۱۰۰	۱۰۹	انار یک من دو عباسی ۱۰۰
۱۱۰	جو یک نخ و ار یک تومان ۱۰۰	۱۱۰	انجیر یک من هشت پول ۱۰۰
۱۱۱	نان یک نخ و ار دو تومان و هزار دینار ۱۰۰	۱۱۱	الوزر یک من دو عباسی ۱۰۰
۱۱۲	بیمه یک نخ و ار یک تومان ۱۰۰	۱۱۲	سیب یک من ده پول ۱۰۰
۱۱۳	قدار سی یک من چهار و شصت ۱۰۰	۱۱۳	کلابی یک من ده شاهی ۱۰۰
۱۱۴	قد بزدی یک من چهار هزار و شصت ۱۰۰	۱۱۴	سجود قرونی یک من ده شاهی ۱۰۰
۱۱۵	بنات یک من چهار هزار ۱۰۰	۱۱۵	سجود سیصد ۱۰۰
۱۱۶	شکر یک من سه هزار و پانصد ۱۰۰	۱۱۶	کشمش سبز چهار من سه هزار و پانصد
۱۱۷	هل یک من دو تومان ۱۰۰	۱۱۷	کشمش سرخ چهار من هشت عباسی
۱۱۸	میجک یک من شانزده هزار ۱۰۰	۱۱۸	الوسجارا یک من دو هزار
۱۱۹	داجینی یک من هشت هزار ۱۰۰	۱۱۹	ماش یک من سیصد ۱۰۰
۱۲۰	فلفل وزر و چوبه یک من سه هزار ۱۰۰	۱۲۰	عدس یک من دو عباسی ۱۰۰
۱۲۱	زیره کرمان یک من سه هزار ۱۰۰	۱۲۱	لوبیا یک من دو عباسی ۱۰۰
۱۲۲	زیره سبز یک من سه هزار ۱۰۰	۱۲۲	زرشک بیادانه یک من دو هزار و پانصد
۱۲۳	اسب لیمو یک من سه هزار و پانصد ۱۰۰	۱۲۳	زرشک تبریزی یک من یک هزار دینار
۱۲۴	حلوایات یک من پنجاه دینار ۱۰۰	۱۲۴	ذغال یک نخ و ار هفت هزار و پانصد

اخبار دول خارجه

انگلیس در شور تخانه این ولایت و خصوص
 اخراجات زیاد که بجهت قشون ببری و بحری میکنند
 گفته اند است و بعضی از اهل شور تخانه صلاح
 که دولت انگلیس نقد را اخراجات بجهت قشون بکند
 و بعضی دیگر جواب این گفتگو را با اینطور گفته اند که
 چهل سال پیش ازین در هنگام جنگ عظیم فرنگستان
 که اوضاع اهل انگلیس نسبت باین ایام بسیار کم بود
 قشون زیاد نگاه داشتند و جنگ بزرگ را از
 پیش برداشتند و حساب قشون آن ایام را باین
 تفصیل نوشته اند قشون بحری صد و چهل هزار
 قشون بری رکابی دویست و سی و هفت هزار و قشون
 ردیف پیاده سیصد و هفتاد و یک هزار و قشون
 ردیف سواره هشت و پنجاه و غیر از اینهم در هندوستان
 و سایر ممالک خارج که در تصرف انگلیس بود قشون
 زیاد داشتند بطوریکه در آن ایام مسکونید از هر
 قسم قشون در هر جاد و کور قشون داشتند و در آن
 سال صد و چهل و پنج کور پول خرج قشون کرده بودند
 و اخراجات کل قشون که امسال در دستور العمل این
 ولایت دیده اند از بیست و شش کور چیزی زیادتر است
 و بعضی مردم بصداد آمده اند که این بیست و شش کور
 که بقشون خرج میکنند زیاد است کویا قشون در
 آن ایام را فراموش کرده اند
 از سایر دول خارجه اخباری بود که آنچه در خوا
 متره نوشته میشود

احوال متفرقه

در یکی از روزنامه های فرانسه نوشته اند که کشتیها
 تجاری را که در سلا بول بودند تجار همه را اجاره
 کرده بودند و اجناس تجاری در میان آنها گذاشته
 زود روانه نموده بودند بطوریکه از دولت فروزندی که
 تازه وارد شده بود بقدر صد و شصت و دو کشتی را
 همه با کیری کرده بودند و در کار با کیری بودند
 و اکثر این کشتیها را بسمت قرم و سرحدات روس
 که در ساحل قزاقستان روانه میکردند که از آنجا
 غله با کرده بفرنگستان ببرند
 چند سال پیش ازین اطباء در فرنگستان جوهری خرا
 کرده اند که هر کس استمام کند بی حس میشود و این جوهر
 بکار جراحان بسیار آمده است که اگر بخوانند عضو را
 ببرند یا بخیج بکنند این جوهر را نزدیک دماغ شخص
 میکنند و از استمام آن مدحوش و بی حس میشود
 بطوریکه اعضای او را ببرند یا بخیج بکنند مثل منی شود
 اما چون بعضی ادفات اتفاق افتاده است که پاره
 اشخاص که زیاد این جوهر استمام کرده اند مرده اند
 باین جهت این جوهر حال چندان شد اول نیست و لیکن
 بعضی از اطباء و جراحان باز مصرف می کنند و میکنند
 که نشاء میدهند مانند نشاء مسکرات و درین روزها
 تفصیل شخصی فعله را که استخوان پایش در زیر کاسه
 صرخ بخار خورد شده بود نوشته اند که به بیمار خانه
 آورده بودند که جراحان پای او را ببرند و این شخص
 بشتر مسکرات معاد بود و مردی تو مند و پر قوت

۸۷۰

بود اول که او را بنزد جراحان آوردند از ترس و در
 رنگ خود را باخته بود بعد از آنکه ازین جوهر نزد یک
 دماغ او برده بودند و قدری بوفیده بود رنگ چهره او
 سرخ شده بود مانند کسی که مسکر زیاد خورده باشد
 اما چونکه عادت لبش ب مسکرات و جوهرات داشت
 ازین بخار زیاد تر از آنچه سایرین که بخوردند مسکرات
 عادت نداشتند بکار برده بودند و با وصف این
 مد هوش بهم نمانده بود و مثل این بود که زیادت شده
 باشد جراح که دیده بود که حال انقدر استقام کرده
 که دیگری فهد پایش را برید و بستن رکهای بزرگ
 پایش قدری مشکل بود زیرا که این شخص مثل آدم پست
 در حرکت بود و میخواست جنگ بکند و خیال میکرد که
 سکی نزدیک اوست و میخواست لگد بان سکته
 باین سبب قدری حرکت تلاش کرده و بستن این رکها
 مشکل شده بود بعد از آنکه رکها را بستند و شش را
 بهم بستند مانند آدم مست گاهی شش میداد و گاهی
 میخند و شادی میکرد آخر خواش بر دقتیکه بیدار
 شد از بریدن پای خود هیچ خبر نداشت تا اینکه بیدار
 که پایش را بریده اند و در دوش را هم میسج لغو نموده
 بود اکثر اوقات که این جوهر را بکسی میدهند بی حس و
 بی هوش می افتد و هیچ نمی فهمد اما اتفاق قسمی افتد
 که کسیکه این جوهر را استقام کرده است و دست پایش
 میریزد همه چیز را می فهمد کرد در او بعد از آنکه هوش می آید
 با و نقل می کنند که دست یا پای او را چگونه بریده اند
 و وقتیکه استخوان را با آره می برند خود آن شخص

میفهمد که پایش را میریزد و میگوید که حال آره بخار
 انداخته اید اما از درد متمالم نمی شود
 در کنار مملکت یسکی دنیای شمالی مایه در دریای
 و بسیاری خلق از ولایات جدا گانه بان ستمها
 بجهت مایه گیری مایه را گرفته شور می کنند سایر
 ولایات روی زمین میریزد خصوصاً سه طایفه که آن
 و زمان و اهل یسکی دنیای شمالی که زیاد مایه
 میگیرند مملکت کنار این دریا در دست دولت انگلیس
 و مکرر در خصوص این شیلات گفتگو مابین دول شده
 حتی بعضی اوقات نزدیک شده است که در میر
 مطلب جنگ و نزاع بشود و در یکی از روزها مایه
 شهر باستان یسکی دنیای شمالی نوشته اند که
 کشتیهای آن مملکت که از آنجا روانه شیلات
 می نمود می شدند اسباب حرب خنده بودند
 و میگفتند که چونکه بار سال ادیت از کشتیهای آن
 طوایف دیگر که در آنجا بودند دیده اند اگر سال هم
 مانند سال گذشته با آنها اذیت میکنند آنها نیز
 جنگ خواهند کرد که رفع ظلم از خود کرده باشند و
 در کتب جای این دریا که موافق عهدنامه شیلات
 آن در دست دولت فرانسه است کشتیهای آن
 انگلیس را که با آنجا رفته بودند مایه بگیرند بجهت بیرون
 کرده بودند که دامهای مایه گیری و سایر اسباب
 آنها در آنجا مانده بود و نتوانسته بودند ببرند و بسکن
 صاحب منصبان کشتیهای دیگر که در آنجا بودند نظمی
 در میان آنها گذاشته اند که برسم حوزدکی نشود

۸۷۱

در بین روزها نوشته اند که در اول تابستان
 در آن ستهای بسیار گرم شده بود و در
 شهرهای قلدلیغیه و نیویبارک بسیاری از مردم
 که با دحرارت آفتاب تلف شده بودند و در
 شهر نیویبارک در یک روز سی و هفت نفر از گرما و
 حرارت آفتاب مرده بودند و در قلدلیغیه در یک روز
 بیست نفر و اکثر اینها مردمانی بودند که تازه با آنجا
 بودند و نفهمیده بودند که حرارت آفتاب در آنجا
 چقدر تاثیر دارد و محل تشویش است و کلاههای
 و نازک در سرشان بود

مردم در شهر نیویبارک خانه یکی از اطباء را حراب
 کرده بودند استخوان مرده در آنجا یافته بودند و کلاه
 میکردند که طبیب زود چونکه شاگرد بسیار دارد و
 در می آورد و بجهت تشریح مردم زیاده جمع شدند و
 انداختند و در و چهره خانه زود را سنگینند و هر
 در خانه بود پیش از آنکه دیوانیان خبردار شوند و
 نمایند راجعت و عارت کرده بود

عجایب دول و ملکمان و دولت اسپانیول درین
 روزها بار گفتگونی شده است در خصوص موقوف
 کردن بردن غلام و کثیر سیاه از اوقیای جزیره کوبه
 اگر چه این تجارت از دولت اسپانیول منع شده است
 و قدغن کرده اند که غلام و کثیر سیاه با آنجا نبرد حتی مقبیه
 زیاد با آنها که غلام و کثیر با آنجا آورده بودند کرده اند و
 چونکه ازین تجارت منفعت زیاد میرسد تا بحال موقوف
 شده است و درین روزها یک کشتی یک هزار و یکصد نفر

غلام و کثیر سیاه بجزیره کوبه آورده بود و دست نفر
 از آنها در دریا تلف شده بودند و چهل نفر هم
 بعد از آنکه از کشتی بیرون آمدند مرده بودند و کشتی دیگر
 شصدهشتاد نفر آورده بود و کشتیهای دیگر نیز با
 بان ستمها آمده و غلام و کثیر آورده و در آنجا خسته بودند
 در ممالک کرسیرات دولت یسکی دنیای شمالی
 زار همین کلاً غلام و کثیر سیاه اند حال مدتی است که
 قدغن شده است که از خارج نیابند و بسبب آنکه
 از این سیاهها زیاد تلف میشوند خواه از ضربی که از
 آفتابان خودشان می بینند و خواه از ناخوشیها

و بسیاری هم میگریزند و بدست فنی اینند در آن
 ولایت غلام و کثیر بسیار گران شده است و کبکی
 لصد و پنجاه تومان و دولت تومان فرجسته میشود
 آنها که در یسکی دنیا بخا بدشتن غلام و کثیر سیاه را
 نگاه میدهند و میخواهند که این عمل موقوف بشود چنان
 امید دارند که بسبب همین گرانی کم کم در کل آن ممالک خرید
 فروش غلام و کثیر موقوف بشود و چند نفر از صاحبان اطلاق

از سمت کرسیرات یسکی دنیای شمالی شهر نیویبارک و
 سایر شهرهای یسکی دنیای شمالی آمده بودند و بول
 میدادند و فعلی گرفتند که ببرد بولایت خودشان که مشغول
 برداشتن حاصل سایر کار زراعت باشند و چونکه خرید
 غلام و کثیر بجهت زراعت ناپه و نخوابه بسیار میخواستند
 که صاحبان اطلاق بعد ازین نفع خود را درین بی بینند
 پول بدهند و فعله بجهت زراعت بگیرند بخلاف سابق که غلام
 و کثیر بجهت زراعت نگاه میدادند

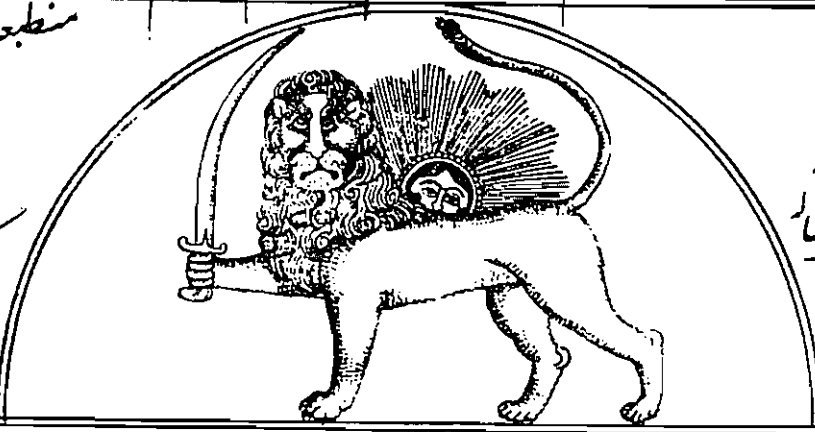
۸۷۲

روزنامه قایم العاقبه تاسیخ یوم چشنبه دویم ماه محرم الحرام مطابق سال اول ۱۲۷۰

منطبه داراخلاق طهران

نمونه صد و چهل

قیمت اعلانات
بکسطه الاجار سطر بهر روز
بیشتر سطر پنجم



قیمت روزنامه
یک نسخه شش ماهه
سه سال و چهار هزار

اجبار و اخلاص ملک محروسه پادشاه

داراخلاق طهران

در روز شنبه پست و هفتم ماه گذشته موکب منصوب
اعلیحضرت قوی شوکت پادشاهی که بچمن سلطنت
تشریف فرما شده بودند چنانچه در روزنامه هفت
گذشته نوشته شده با التوکه والاقبال با کمال
شکوه و اجلال از دروازه شمیران وارد شهر گردیدند
و عموم اعیان و اشراف و تجار و کاتبه پادشاهی
پای انداز و شیشه نبات و کاس نبات با استقبال
شامه در هر جایج قربانها و تقدیم شکر گذارها
بجهت سلامتی وجود مبارک نموده و صغیر و کبیر از زن
بجهت زیارت وجود فایض انجود در باهما و کوچها جمع
گردیده بودند و اعلیحضرت پادشاهی از دروازه
تخته پل رو بشهر و قورخانه مبارک که سلطنت
نزول اجلال ارزانی فرمودند و در دیوانخانه بزرگ
سلام نشسته تخت مرمری بوجود همایون زینت
بخشیدند و امانا و اعیان و ارکان دولت علیه و
مقربان حضرت کردند و بسط سینه از نظام و غیر

نظام در آن سلام هر یک در مرتبه و مقام خود
شرفیاب حضور مهر ظهور گردیدند و توپخانه مبارکه و
زنبور کجانه بقاعده معموله در میدان ارک شیلیک
نمودند و در آن سلام جناب جلالت ماب صدر
عظم انخس را بخطاب التفات امیر ملوکانه مخاطب
و مباحی فرمودند و در باب محسنات سرفصل
فرمایش علیه رفت که انقدر قشون در چمن سلطنت
با نظم تمام حسیع شدند و مشق کلیه آنها مطبوع خاطر
ملوکانه افتاد و کمال انظام را داشت و صدای
اعدی بیرون نیاید و باشد تا خوشی و بایک نفر
نخواستند تا مراجعت موکب همایون از جای خود
حرکت نمایند

عالیجاه جلالت و نبالت سمره طاسین ضامن
شارر و فیر دولت بهیه انگلیس که با صاحب منصبان
و اجزای سفارتخانه حسب الوعد هموکب همایون
اعلیحضرت پادشاهی بچمن سلطنته رفته بودند
در روز شنبه پست و هفتم ماه گذشته مراجعت نمودند

و در نزدیکی قریه قلک که چادر زده بود منزل گرفت
 نظر بحسن خدمات و تحمل زحمات مقرب الخاقان حاجت
 که در این سفر خیریت اثر سلطانیه متحمل شده و خوب از
 عهد خدمتگذاری برآید بود لهذا علیحضرت قوی
 پادشاهی یک ثوب کلبه تن پوش مبارک مبارک
 حلت مرحمت فرمودند

ناخوشی و باخناخته در روزنامه های گذشته نوشته شده
 حال چندیت که بعد از دارالخلافه طهران بجای رفیع گردید
 و مطلقاً ظهوری ندارد و درین ایام ناخوشی بعضی اشخاص در طب
 تربیت شده بودند بسیار بکار خلق از نظام غیر نظام و
 ورعیت آمده جنسی مردم را معالجه کرده اند از جمله میرزا محمد
 بزرگ مرحوم میرزا احمد طبیب تکابنی از قرار تصدیق مقرب الخاقان

مصطفی قلیخان میرنجه و عالیجا محمودخان کلانتر و حبان
 مرضانی که آنها را او کرده جمعی کثیر از نظام و بی خلق
 بد او و معالجه او صحت یافته و خوب شده اند

از کارهای عالیجا دکتر لولاک معلم علم طب و جراحی که در
 گذشته اجمالاً اشعاری شده بود درین اوقات کارهای
 و بکرسوای بیرون آوردن سنگ مثانه در عمل جراحی که عمل
 بی بی طب است نموده از جمله دفعه در آماشن بیضیه که
 رطوبت در کیم بیضه رتجه و باعث ورم شدید شده بود
 و در تب خود و یک مرتبه کرد او میرزا رضا عمل میدنوده اند
 عمل در انقلاب جنین که عبارت است از برکشتن پلک چشم
 و سائیدن مژگان چشم نموده و یکبار نیز در شرطه که عبارت
 از غلظت جنین است و سه بار در قطع لوزتین که عبارت از
 ورم دو بادامه حلق است که گاهی ورم آنها باعث دردی کلیدی

شدید و گاهی مسم باعث خفت شدن میشود عمل به نموده و
 و بریده است و یکبار در زخم نمودن و سحرکت آوردن دست
 که از زخم شمشیر و کلوه خشک شده بود عمل میدنوده باین طور که قلم
 دست را از پانین مرقق شکسته و بندی که در مرفق است در آن
 که شکسته قرار داده که دست در گرفتن و یکبار بردن هر چیزی
 اول که صحیح بود شده و یکبار رسم درو تر عرقوب که عبارت
 از پی پاست که کشیده شده بود و بواسطه او پاکج شده و
 نمی توانست راه برود از زیر جلد برید و پا خوب شده است
 و سایر اعمال جزئی که روز بروز نموده لزوم ندارد که نوشته شود
 و برای آنکه شاگردان طبابت را خوب بیاموزد همه روزه میر
 در دارالفنون آمده شاگردان امتحان نموده و نسخه بنجیده
 نوشته شده و معلم دو اساز فوکتی صاحب دو امید

عالیجا موسیو کریش معلم علم توپخانه در روزنامه گذشته
 نوشته شده بود که در شمیران منزل نموده و از آمدن بشهر
 داشت این معنی موثم این میشد که مشارالیه از خدمت محوله بخود
 عفت داشته باشد و حال اینکه منفه سه روز بشهر آمد
 در مدرسه دارالفنون با شاگردان خود و شاگردان
 درس هندسه مشغول تعلیم و تعلم بوده و از قرار نوشته
 مقرب الخاقان محمدخان میرنجه مشارالیه در منفه سه روز
 که در دارالفنون می آمد و مساوی ایام سابق اوقات صرف
 تعلیم شاگردان خود و شاگردان درس هندسه میکرد
 که تلافی سایر ایام منفه را کرده باشد

زرگر اسلامبولی که در صنعت زرگری قابل و ماهر است
 درین اوقات پابلط بسیار خوب کار اینها ساخته بود

۸۷۴

و در روز عید غدیر در چمن سلطانیه حضور مبارک
اعلیحضرت پادشاهی آورده و بسیار مطبوع و
سحر خاطر ملوکانه افتاده و مبلع بیت و پنجهزار
تومان قیمت شده حسب اشاره العلیتعالیه
شده است

سایر ولایات

آذربایجان نواب سلطان شایزاده و آلاب
حتمه الدوله صاحب اختیار مملکت آذربایجان که
با اعیان و اشرف و که خدایان تبریز بر کاب مبارک
در چمن سلطانیه آمده بودند از جانب سنی اسجواب
اعلیحضرت پادشاهی کمال مرحمت در باره نواب

معزی الیه و چنین در باره هر یک از االی ان مملکت
مبذول افتاده نواب معزی الیه بجهت انجام کاره
متعلقه بان مملکت تا قزوین در کاب مبارک بوده
و از آنجا مرخصی حاصل نموده معاودت با آذربایجان
کرده اند و مطالبی که نواب معزی الیه با ولیای دولت

علیه اظهار داشته بودند چون یکی از روی خبر خراج
دولت و آبادی مملکت و آسودگی رعیت بود و او ای
دولت علیه با عرض خجاکبای هایون پذیرفته از جمله چو
بعض خجاکبای هایون رسید که جماعت شعرباف
تبریز بسیار شکسته و پریشان شده اند حسب الامر

مبلغ پانصد تومان در جزو تخفیفات آذربایجان با
آنها تخفیف منظور و مرتب شد

عالیجاه میرزا احمد خان پسر مرحوم میرزا تقی خان که پیشین
آمده شرفیاب خجاکبای هایون شد در دوسه مرتبه که

شرفیابی حاصل نموده اظهار محبت ملوکانه در حق او فرموده اند
و از خجاکبای مبارک خصت انصراف حاصل نموده با آذربایجان

رفته است

نظر باینکه از بی انتظامی بعضی باشترین آذربایجان امور آن مملکت
منظور و کمکون ادلیای دولت علیه بود و منقطع و مضبوط نبود لهند
اعلیحضرت پادشاهی چند نفر از آنها را برینجهت تعیین داده است
مقصود را برقرار فرمودند

مقرب انخاقان قوام الدوله که متوجه شغل رسیدگی مالیات و معاللات
آذربایجان بود بر کاب هایون آمده عالیجاه سرز احمد حسین
بشغل سررشته داری و استیفاء آذربایجان سرافراز گردید
و فرمان مبارک صادر خلعت با و مرتب شد

عالیجاه میرزا مصطفی باشر همام خارج را احضار بر کاب
فرمودند و عالیجاه مقرب الحفزه العلیه حاجی سیر احمد خان
نایب اول وزارت دول خارج بلقب دبیر همام خارج
سرافراز شده در جای او مأمور گردید و فرمان مبارک و
خلعت با و مرتب گردید و از قزوین در خدمت نواب
حتمه الدوله روانه آذربایجان گردید

عالیجاه قنبر علیخان که دیوان بسکی و حاکم شهر تبریز بود
بر کاب هایون شده عالیجاه احمد خان نوانی که دیوان
اردوی هایون بود در جای او برقرار و مأمور و روانه
شده

عالیجاه کلب حسین خان نایب اول اجودان باشی چون مرتب
منتش بعض حضور مبارک رسید از نظر رفتار و سلوک اعموم اهل آذربایجان

رضامندی داشتند لهند او را بلقب امین نظامی لقب
فرمود و فرمان هایون خلعت در باره او مرتب شد

اصفهان

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته بودند
 چون در روزیت هشتم سوال پارسال طلبه
 ضاله بابیه خواستند بوجد مبارک علیحضرت
 پادشاهی العیاذ بالله استیسی برسانند و بجهت
 تعالی تقدیر خداوندی تدبیر آنها را باطل نموده و سزا
 عمل خود گرفتار گردیدند فی الحقیقه امروز برای کل ایالت
 این دولت علیه عید بزرگ بود و سلامتی وجود مبارک
 شاه و مانیها نموده و احسانها بشکرانه این موت
 بقراوسا کین کردند لهذا عالیجاه چو اعلیحان ^{بنا}
 اصفهان و الهالی شهر از علما و فضلا اسما ^{مسم}
 بشکرانه وجود مسعود مبارک روزیت هشتم ماه
 سوال راجع گرفته و در آن شب و روز خوش ^{چراغ}
 کرده بوده اند

فارس

نواب شاهزاده و الایثار موید الدوله طهارت میرزا
 حکمران مملکت فارس در دوازدهم ماه ذیحجه
 وارد باغ نوشیر از گردیده و از آنجا عریضه و مشکش
 بنجا کپای هایون بصحابت نصرالله بیک پیشینت
 خود فرستاده بودند و بجهت الله از زمین توجیه اولیا
 دو لتعلیه امور آن صفحات کمال نظام دار

کابلان

مقرب انخاقان عیسی خان حاکم کابلان که با اعیان
 و اشراف آنجا بچمن سلطانیه آمد شهر فیاب خاکی
 مبارک گردیده بودند در خور هر یک خلف حمت

گردیده تا قزوین هم مقرر م کاب هایون شده
 و از آنجا مرضی حاصل نموده معاودت بمقر حکومت
 خود کرده اند

کرمان و یزد

از قراریکه نوشته بودند از حسن مراقبت و اهتمام
 امیرالامرا العظام محمد حسن خان سردار حکمران یزد
 و کرمان امر آن ولایات منظم و مطبوع است و
 درین روزها پیشگی از قبیل وجه نقد و چند طاقه
 کرمانی بسیار اعلی سجا پاری بنجا کپای هایون
 بود که از نظر اقدس ملوکانه گذشته موقع قبول

استحسان یافت

کرمانشاهان

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته بودند
 این اوقات نواب عماد الدوله امامعلی میرزا حکمران
 کرمانشاهان در قصبه ستر بوده و مراجعت بشهر

کرده است و الهالی شهر الی یک فرسخ از نواب معنی
 استقبال کرده اند و عالیجاه عباسقلیان سیرنچه
 با فوج بزرگ و فوج زنگنه وارد شهر شده اند و سیر
 زنگنه از شهر مرضی حاصل کرده سجا و مکان خود فرقه
 و نواب امیرزاده علیقلی میرزا هم که سرباز کلبائی
 در چمن سلطانیه بر کاب هایون آورده معاودت
 کرده بود این اوقات وارد کرمانشاهان گردیده است

و نواب عماد الدوله در انتظام امر الهالی شهر
 و آسودگی رعیت کمال اهتمام را امرعی داشته و
 از حسن قرا خود الهالی آنجا را اشا کرده عا کوی دولت علیه

احرار دول خارجه

انگلیس تاج کاغذ آخر که ازین ولایت سید
دوازدهم ذی قعدة بود مشورتخانه وکلای رعایا
خواین باز در پای تخت بودند اما بناد اشتند که
در یوم شنبه چهارم ماه مزبور مرض خانی

در شهر لندن درین روزها اتفاق غریبی افتاده است
مرد و اکثر اهل این شهر در کالک است که گرا میکنند
بطوریکه در هر روز یکبار بزرگ در میان شهر خند عواد از

این کالکها نگاه داشته اند و بهر کس که بخوابد
میدهند و چونکه این کالکها فواوان اند و شب در

در میان کوچها هستند که هر کس در هر وقت که بخوابد
حاضرند و خربشان خبرنی است بسیار کم گویی برای

خود اسب یا کالک نگاه میدارد کرد و لتمدان و مستحقین
کاسب و کالک از خود دارند درین روزها در

واری گذاشته بودند که اجرت این کالکها را کمتر
صاحبان کالکها باین معنی راضی شده و با

اتفاق کرده بگردد در میان خود قدغن نمودند و هیچ کس
بیرون نیاوردند بسیاری از اهل شهر که حادث

کالک سوار شدن داشتند پیاده ماندند و معطلی
زیاد بجهت سیاحان و سایر مردم حاصل شد

که براه آهن و کالک بخا سفر می کنند سر این راهها
بیرون شهر لندن است و کسیکه میخواهد از خانه

خودش براه آهن برود که کالک بخا سوار شد
سفر کند باید ازین کالکها سوار بشود و بار خرا

که همراه دارد درین کالکها بگذارد در آن روز چونکه
ازین کالکها هیچ در کوچها نبود معطلی مردم بسیار

و همچنین مردمی که از اطراف ولایات با کالکها
بپای تخت آمده بودند و تکیه بر آن راهها

کالک که ملک میخواستند که بمنازل شهر بروند خود
از آنرا که در هر دو ساعت بدو ساعت کالکها

چرخهای بخار که مردم زیاد بولایت می آورند متعجب
یکدیگر رسیدند خلق زیاد جمع شده بودند و بارها

زیاد در روی سیم ریخته بود
کشتیهای جنگی دولت انگلیس را درین روزها نزدیک

کنار آن مملکت بجهت مشق در دریا جمع کرده بودند
شش فرو کشتی بود و ده هزار و دویست و هفتاد و

نفتون در میان شان بود و یک هزار و هشتاد و شش
توپ داشتند و علیا حضرت پادشاه انگلیس بجهت

تاشای مشق قشون بحری با بخار رفته بود و از جمله
عمده که همراه پادشاه بودند لکران و شش الکه دختر

اعلیحضرت امپراطور روس و پرنس و ارمبوریچ شوهر
دو لیعهد پادشاه بلژو و لک و کده نور و پرنس و

روانویل و لکانت و پری پسران لوی فلیب پادشا
سابق فران و نوه او بودند و ایلیچان دول خارجه

مقیم لندن سیم در کشتیهای دیگر نشسته بجهت تاشای
مشق با بخا آمده بودند و بسیاری از خواین انگلیس و اهل

مشورتخانه نیز در کشتیهای دیگر در آنجا حاضر شده بودند
و از اهل شهر لندن هم مردم زیاد بشهر پورترس

که در آن نزدیک واقع است بجهت تاشای مشق

مرنور و جمعیت خلق در آن شهر حسین زیاد شد بود
 که بسیاری از خلق منزل پیدا کرده و در کوچ شب را
 بسر برده بودند

ایلیچی فرانسه مقیم شهر لذن در روز عید امپراطور فرانسه
 صیافت سنگین بر پا نموده بود و ایلیچیان دولت خج
 و وزرای پادشاه انگلیس بسیاری از خواهرین شهر
 لذن را در آن مهمانی طلبیده بود اول سلامتی
 امپراطور فرانسه و پادشاه انگلیس دوره نشد
 بودند و بعد از آن سلامتی کل پادشاهان دولت که
 ایلیچیان آنها در آن مهمانی حضور داشتند

فرانس

در روزنامه فرانسه نوشته اند تاریخ سیم
 که کمرک غله را که از خارج می آوردند بحکم امپراطور
 با المیه برداشتند از آن تاریخ تا اول زمستان
 آینده بعد از آن باز دیوانیان صلاح خلق و دولت
 ملاحظه خواهند کرد که دوباره این قرار را بگذارند یا نه
 و بجهت اعلام تجار و کل خلق این مطلب را در روزنامه
 دولتی چاپ زده اند چونکه تجارت مملکت فرانسه
 حال بسیار فراوان است و کشتنهای تجارانی همه
 مشغول آوردن مال از دول خارج میباشند کفایت
 آوردن غله از خارج بولایت فرانسه نمیکنند تا بحال
 وقتیکه غله در کشتی دیگر که مال فرانسه نبود بانوالات
 می آورند کمرک جزئی میگیرند حال این کمرک را
 برداشته اند و در روزنامه فرانسه تاریخ دهم
 ذیقعد نوشته اند که معلوم شد که حاصل غله این

۸۷۸

نسبت با المهای سابق کم شده بوده است و در
 برداشتن کمرک از غله که یا منظور دولت این باشد
 که رفع احتیاج خلق بشود که اگر حاصل خود فرانسه کم
 چونکه کمرک برداشته شده است از خارج بسیار
 بیاید که در قیمت خندان ترقی نکند و متاسفانه
 ازین در مملکت فرانسه بسیار کرانی شده بود
 و مردم تشویش داشتند که امسال نیز چون غله کم آمده
 انظر کرانی شود و لکن موافق حسابی که کرده اند چنین
 شد چونکه اگر از کم بعضی جو بابت دیگر کم آمده است
 چو بعضی غله جات دیگر حاصل خوب داده است و
 رزت هم که در سمت جنوب فرانسه بیکارند

حاصل بسیار خوب داده است و بعضی بولکات
 فرانسه از جمله در سمت مغربش و بعضی جاها در سمت
 شمالش حاصلشان خوب آمده است آنجا که حاصل
 کم بعل آمده است نزدیک پای تحت است اما با وقت
 حساب کرده اند و گمان ندارند که بجهت کم آمدن غله
 و عسرت بکشند

یکی از مشایخ عرب که بوغریز بن غانه اسم دارد و
 بزرگ قبیلده است که نزدیک شهر قسطنطنیه اند
 شهر پاریس خدمت امپراطور فرانسه آمده است
 همراه چند نفر از بزرگان اعیان آن سمت چونکه درین
 روز عید امپراطور فرانسه بود و امپراطور تاریخ
 نشان اول لزان دایر داده و بسیار التفات و
 محبت با او همسرانش کرده بود و این طایفه همیشه دولت
 فرانسه خوب خدمت کرده اند و در جواب گفتگوی

التفات امپراطور که بشیخ مزبور کرده بود اشارت
خدمت امپراطور عرض کرده بود که این نشان و
که از پادشاه دیدم باعث این می شود که خود و
و طایفه ام بیشتر این شتر بدولت فرانسه خدمت
یکنیم و متیکه داخل عمارت پادشاه شدم
لمرشل ولنت که مراد در جزیره العرب دیده بود
و متیکه ترا از یک قنطنین دیدم لنت سیاه بود
گفتم علی در خدمت دولت فرانسه ریش خود را
کردم و از خدمات گذشته من خاطر جمعی از پاد
امپراطور حاصل خواهم شد که بعد از این چگونه خدمت
خواهم کرد

پانزدهم ماه آوط بتاریخ فرانسه که مطابق روز
دوشنبه نهم ذی قعدة میشود عید امپراطور فرانسه بود
و با کمال شکوه و زینت و اساس در پاریس پای
فرانسه این عید را گرفتند بسیاری از اهل شهر بیرون
رفته بودند که تماشای مشق قشون بکنند خصوصاً
در میدان شامپده مرز و تماشای خانها کشوده اند
در جای جای نزدیک و موزو کا پنچان موزو کان
می نواختند و جشنی عیش و شادی تمام میکردند پاریس
پای تحت فرانسه مشهور کل عالم است بجهت زینت و
اراستگی و عیش اهل آنجا و درین روزها اسباب
و اوضاع عیش و جشن را بطور خوب بر پا کرده اند
چهار ساعت بعد از ظهر اعلیحضرت امپراطور فرانسه با
زوج خود کالک سوار شده و دور شهر گردش
سبک کردند که تماشای عیش مردم را بکنند و در آنجا

عمل غریبه کرده بودند یک شب بازی آتش دادند بود
که شکل امپراطور نامیلیان بود در شب پیش از جنگ
و یک شب بازی دیگر رسم شکل عقاب بود که تاج در دست
داشت و در زیر تاج حرف ن نوشته بودند که
علامت نامیلیان بود یکی دیگر جنگ دریائی بود که
کشتی که اسم او نامیلیان بود دید کشتی دیگر جنگیده
تو پ با نهایته و هر دو کشتی آتش گرفته و هوا آتش
چونکه کشتی هم که در دریای آتش میگیرد و وقتیکه آتش
با نبار بار و ط او برسد آتش گرفته هوا بلند میشود
از تماشای این سیم کونه آتش بازی بسیار خور
و شادمانی کرده بودند و در خصوص این عید در روز

مانیتیر که روزنامه دولتی فرانسه است نوشته اند
بمقدد هزار فرانک پول فرانسه که تخمیناً هفتاد هزار
تومان پول ایران میباشد اخراجات شده بود
و نصف این مبلغ را دولت داده بود و نصف دیگر را
اهل شهر و ازین پول شتاد هزار فرانک که شتاد هزار
تومان پول ایران باشد در میان فقرا تقسیم کرده
بودند و با وجود این عیش و کثرت و ازدحام زیاد
صدمه و ضرری کسی وارو نیامده بود و در همه جا با کمال
نظم گذشته بود و در وقت ظهر همان روز امپراطور
فرانسه بسلام نشست و از اقوام خودش و امنای
دولت فرانسه همه در آنجا حاضر بودند و هر یک
درسته بسته بقاعده خودشان لمپراطور مبارکباد
گفتند و از آنجا امپراطور و کل امنای دولت فرانسه
بجلیا فرستند و دعای شکرانه این عید را بقاعده که

دینمارک

ناخوشی و باد ر شهر کوپن هاگن پای تحت این مملکت شدت داشت جمعیت این پای تحت را صد هزار نفر میمانند و ازین صد هزار نفر تا بحال پنجاه هزار نفر نمانده اند و سست شده و سه هزار و هشتاد نفر فوت کرده اند حساب کرده اند که چهل هزار نفر از شهر بیرون رفته اند و از هر کجا که رفتند انداخته بید آنها برور کرده است و در یک روز صد و نود و دو نفر فوت شده اند و تا رنج کاغذ آخر که این ولایت آمده است میت و چهارم ماه شوال و یکروز پیش از آن صد و میت و سه نفر ازین شهر

مردم بودند

سوئیس

کفکونی مابین این دولت که چک باد دولت استریه باز در میان است و تکلیف دولت استریه راجع قبول کرده بودند یکی از تکالیف دولت استریه قبول این بود که بکشیشانی که از آن ولایت اخراج کرده بودند مواجیح برقرار بکنند که گذران داشته باشند خلق خیال میکردند که دولت خودشان این تکلیف را قبول خواهند نمود و بسیار ناراضی بودند و کم مانده بود که دوباره اغتشاش شود اما دولت تکلیف استریه را قبول کردند و در هر سبب ایستادگی سخت کرده اند

از اکثر دول روی زمین روزنامه رسیده است و لیکن در روز این هفته کجا پیش داشت در هفته آینده نوشته میشود

معمول انولایت است خوانند بعد امپراطور پرودن و باز با طاق سلام رفتند و ایلیچان دول خارج مقیم شهر پاریس بحضور امپراطور آمدند و از جانب ایلیچی انگلیس پیش آمده و با امپراطور تهنیت مبارکباد گفت و امپراطور دست ایلیچی انگلیس را گرفته و گفته بود که از دیدن کل ایلیچان که امروز بحضور من آمدند بسیار خورسند کردیم و یک سبب شدی این است که در کل فرانکستان صلح است امید دارم که این صلح و امنیت همیشه برقرار باشد شامروز هم امپراطور جسمی از اوام خود و امینا دولت فرانسه را بمغانی طلبید بود

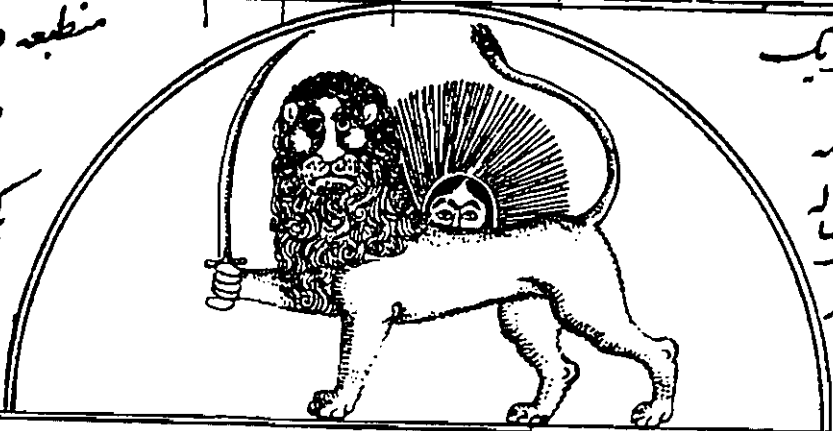
تا رنج کاغذ آخر که از پاریس پای تحت فرانسه روز شنبه چهارم ذیقعه بود و اخباری که مناست بروز نامه دست آنها بود که نوشته

استریه

در روزنامه وینه پای تحت استریه نوشته اند که دختری از نسله امپراطور استریه که نامزد پسر شاه بلژ بود درین روزها در پای تحت وینه اورا عقدت بودند و بنا بود که بعد از چندی روانه مملکت بلژ شود و لیکن پسر پادشاه بلژ که ولیعهد او و شوهر دختر مزبور است در وینه نبود بقاعده که دارند در غیاب ولیعهد مزبور دختر را عقد برینند و از آنجا روانه وینه بلژ نمایند و کلیسای پای تحت وینه را بجهت این عروسی آرایش تمام داده بودند و این عروسی را با کمال هیبت و اساس بر پا کرده بودند

روزنامه وقایع اتفاقیه بتاریخ یوم شنبه محرم ماه محرم الحرام مطابق سال اوسیل ۱۲۷۰

مهره صد و چهار و یک
وقت روزنامه
یک تنخواه شکر
وقتان و چهار سزار



منطبعه دارالخلافه طهران
قیمت اعلانات
یک سطر الاجار سطر یک
بیشتر با هر سطر

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز هفتم اینماه اعلیحضرت قوی شوکت پادشاهی
به بکیه میدان ارک شریف فرما شده و از آنجا
عمارت اندرونی مومنین السلطان نظام الملک
بروند و شهر را در آنجا میل فرموده به بکیه دولت
شریف فرما شدند

این ایام که ایام تغزیه داری جناب سید الشهدا
علیه السلام است در بکیه دولت اوضاع تغزیه دار
بطور شایسته برپا شده جمیع اطرافهای سختانی و
فوقانی آنرا از شال ترمه و بلور آلات لاله و مرد
و غیره زیفت داده اند و بسیار باشکوه و خوب
بسته شده و چهار طار لار بکیه را از اسباب چراغ
و بلور آلات مخلو کرده بطور خوب بسته اند و شبها
چراغها را روشن می کنند بکیه مزبور به کنوع شکوه
دیگر دارد و اعلیحضرت پادشاهی هر روز به بکیه
شریف می اورند

در پنجمین درین ایام عاشره حسرتام تغزیه داری

جناب سید الشهدا علیه الاف التحنه و له شنا
عموم خلق دارالخلافه طهران از وضع و شریف جمیع
درنگایا و مساجد و مجالس تغزیه داری و روضه
خوانی و حصول دعا گوئی بجهت ذات اقدس هابون
اعلیحضرت پادشاهی مشغول میباشند و جمیع
تکابار با بذینت تمام آراسته اند و چنانچه معمول
متد اول این دولت علیات روزها و شبها را
خلق از بزرگ و کوچک مشغول تغزیه داری جناب
سید الشهدا علیه السلام میباشند

چون مغرب انخافان میرزا محمد خان سرکشکیچی باشی
درین سفر خیریت اثر سلطانیه خاطر اقدس هابون
از حسن تمام در خدمات مرجوعه بخود راضی و خور
داشته بود لهذا محض ظهورم جسم طوکانه در باره
مشار البه در روز و دو موکب هابون بدار الخلافه
مبارک طهران یک نوب کلچو زندی تن پوشن مبارک
بشار البه حیرت فرموده

بعضی از ولایات خراسان مثل مرو و سمرقند

مگر اینکه در ازمنه قمرات بقعه دولت ایران ^{صنعتی}
 جنبه اند لهند دولت علیه منظور از همسم دارد که
 بتدریج ملک خود را تصرف نماید و قلعه در هر جا لازم
 باشد ساخته ساخلو بشاند تا رفع خود مسر بهای
 خوار زمی شود و مردم خراسان از غارت زد
 و اسیری تراکند و خوار زمی ایمن بوده بدعای دوم
 دولت علیه پروازند

فرمودند که هزار تومان آنرا از بابت مالیات خراسان
 حواله فرمودند و پانصد تومان هم نقد از خزانه عامه سال
 کردید

چون مرحوم عباسقلیخان جهان بیکو میرنجه در سفر سلطانی
 مرحوم شد لهند افواج ملائکه خراسانی را ابو اجمع مقرب ^{انخافا}
 علیقلی خان میرنجه فرمودند که متوجه انظام امور آنها بود
 از قواعد نظام آنها را با سرشته سازد

خلیفه مرده عیضه شعر بر اظهار عبودیت و خدمت دولت
 ابدایت نوشته بود از جانب سنی ^{عجلحضرت} ابرو انب
 شانشای نیز فرمان هایون مینسی بر شمول اظهار رفت
 و مرحمت در حق او صادر شده بکثوب جبه ترمه بر
 خلعت رسید تومان نقد انعام مرحمت شده از دبا
 هایون ارسال شد و نظر باینکه امسال خوار زمی محصول
 و زراعات آنها را چراند بودند و در آنجا جبه غله ننگ
 داشتند حکم فرمودند که بکهر از خوار غله هم با آنها
 بدهند که ازین رکبذ آسایشی برای آنها حاصل شود

از آنجا که عالیجا عسکر خان سرتیب در سفر خراسان
 خوب از عهد خدمت محوله برآمده خاصه در انفرایکه
 از آنجا اورا امور کرده بودند بسیار بقاعده و نظام
 حرکت و رفتار نمودند لهند امحض مرحمت مبلغ
 تومان در وجه اد مرحمت شده و وجه نقد از خزانه
 عامه ارسال کردید

عالیجاخان بهادر خان پسر مرحوم عباسقلیخان در ره خبری
 و حسن خان سبزواری که با سواره در مرمو مشغول خدمت
 بودند نظر باینکه خوب از عهد خدمت محوله برآمده بودند
 محض مرحمت یک ثوب جبه ترمه کشمیری در حق بهادر خان
 و بکثوب جبه ترمه سلسله دار در حق حسن خان خلعت
 مرحمت شده ارسال کردید

در روز نامه هفتگه گذشته در خصوص بکروج
 اپالیط که زر کر اسلا مبولی سجه اعلیحضرت پادشاهی
 ساختن بود نوشته شده بود که بیست
 تومان قیمت و سجه اعلیحضرت پادشاهی
 شد و این مطلب اشتباه نوشته شده بود
 سکهای جواهرات که به اپالیط نصب است از
 جواهرات خود اعلیحضرت پادشاهی بود
 و بعد از اتمام آن بیست و چهار تومان
 قیمت شده بود و زر کر مزبور در رود ساختن
 و خوب ساختن آن کمال مهارت و استادی
 بعجل آورده بود و مقبول و مستحسن خاطر مبارک افتاد
 مشار الیه مورد انعام و التفات ملوکانه کردید

از آنجا که مراتب زیادتی مخارج و قلت داخل مقرب ^{انخافا}
 علیقلی خان میرنجه در خراسان بعض خاکبای هایون بر
 لهند امحض مرحمت بکهر از پانصد تومان انعام در حق او مرحمت

اجبار دول خارجه

انگلیس کاغذ آخر که از مملکت انگلیس رسید روز
سینه دویم ماه ذیحجه الحرام بود و نوشته بود
که علیا حضرت پادشاه انگلیس بشهر دبلین که پای
مملکت ایرلند است رفته بود که عمارت بلور را که در آنجا
برپا کرده اند افتتاح نماید

در نزدیکی شهر لندن درین اوقات کالکها هم
خورده و بسیاری از مردم کشته و زخمی شده اند
حتی حاکم شهر لندن که در آنجا بود قدری زخمی شده بود

فرانسه

موافق تاریخ آخر روزنامه اینولایت که در دویم ذیحجه
بود نوشته اند که اعلیحضرت امپراطور فرانس در
دیت که یکی از شهرهای کوچک مملکت فرانسه است بود
وزیر جنگ و بعضی از وزرا هم با آنجا آمدند و در آنجا
بنای توقف زیاد در آنجا داشتند

در شهر لیر که شهری بزرگ است در سمت شمال فرانسه
جزئی از عتاش در خصوص کرانی آذوقه شده بود و این
مطلب را در روزنامهها اجمالاً نوشته اند و تفصیلات هنوز

نرسیده است

عمان

در روزنامه اسلامبول نوشته اند که عید قربانی امسال
چنانکه قاعده است در اسلامبول با کمال شکوه و جلال
گرفته اند بلکه بیشتر از سالهای گذشته بوده است
و در عبور اعلیحضرت سلطان که مسجد سلطان احمد میرفت
بسیاری از فرنگیها که مقیم اسلامبول بودند در طرفین راه

صف کشیده بودند هم سنجبه حرمت دولت و هم
سنجهه اینکه این زینت و آسایش آنها نمایند

ایضا در همین روزنامهها نوشته اند که در مملکت یونان
تباخ بیت و چهارم ذیقعد زلزله سخت شده بود
و در شهر پیش که طپس نیز می نامند و سایر جاها
آن اطراف خرابی زیاد رسانده است در اول زلزله

زمین حرکت کرده بود اما کم و بعد از دو روزه ثانی
زمین چنان سخت حرکت کرده بود که اکثر خانهای آن شهر
انداخته بود و از آن روز تا ماه روز دیگر هر روز زمین در
حرکت بود اگر چه حرکت سخت نبود و لکن چنان بود که
خلق نمیتوانستند مشول تعمیر خانهها بشوند

ایتالیا

در آن است اینولایت که در دست دولت اسپرینا
نوشته اند که در مثل رشتگی حاکم آن مملکت حکم نمود
و قدغن کرده بود که غله از ولایت بیرون نبرند و اگر

جزئی که از غله که از خارج می آوردند داشت موقوف
کرده و برداشته است و آن غله که بشهر و نیز وارد
بود و در مرکز گذاشته بودند حکم کرده بود که بدون
آن که ک جزئی که میکرفتنند بصاحبان رده نمایند

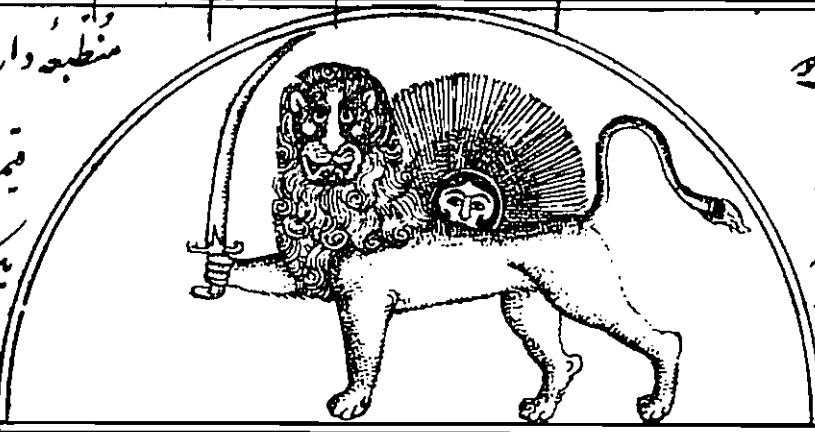
بفرد شدند و لکن در باب بیرون بردن غله ازین ولایت
قدغن اکید شده بود

از فلانس نوشته بودند که نه نفر را که منجو استند در
انولایت افتاد نمایند گرفته و حبس کرده بودند و
کمان داشتند که آنها نیز در حبس تحریک فریبی
این عمل را کرده باشند

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم شنبه نهم ماه محرم الحرام مطابق سال اودیل ۱۲۷۰

نزد صد و چهار

قیمت روزنامه
یک نسخه شش ماهه
هفت چهار



منطبه دارالخلافه طهران

قیمت اعلانات
یک خط چهار خطی یک روز
بیشتر با هر خط

اخبار و احسنه ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

تمیزه دولت که حسب الامر دیوان همه ساله بسته میشود در
جمع ممالک اینطور بکلیه منت و باین زینت بسته نشد
از جمله زینت او یکی اسباب چراغ آبخاست که در
هر شبی زیاده از پنجاه چراغ در میان لاله در مدتی
چهل چراغ در آنجا سوخته میشود و درین ایام دهنه غا
بقانونی که معمول و متداول این دولت علیه است در
اکثر نکایا و مجالس و مساجد مردم شب و روز مشغول
تغزیه داری جناب اباعبدالله حسین علیه السلام بودند
در روز عاشورا که از جمیع محلات دسته و علم و سپه
به بکبه دولت آمده و از ازدحام و جمعیت تغزیه دارا
رفت غریبی شده و جمیع مردم از اعلالی و ادانی
مشغول تغزیه داری گردیدند و اعلیحضرت پادشاهی
به بکبه دولت تشریف فرما گردید و دستجات تغزیه دارا
چال حصار و عود لاجان و سایر محلات با نظم و ترتیب
بجسوس مبارک آمدند و بغیر از صدای کریم و تغزیه داری

دیگر صدائی از کسی بلند نمی شد و چنانچه در ازمنه سابقه
در این اوقات تغزیه داری بعضی الواط و اشترار تکب
دعا و شترارت می شدند بجهت الله درین اوان اینست
از اتهامات اولیای دولت علیه این قاعده بکلی متروک
گردیده است و بسبب تحفظ و نظام فراوانها
کلا نرد که خدا بان الواط و اشترار را هیچ وجه مجال هرزگی
شترارت شده و همه مردم بر اسم تغزیه داری
حصول دعا گوئی بجهت دات افش پادشاهی مشغول
چون در ایام دهنه عاشورا مردم در راه جناب سید شهید
بفقره و ضضا و ساکنین اطعام و حسان می کنند غالباً
درین ایام اجناس ماکولات ترقی بهر سانه و کرا
میشد و لکن اسال بسبب فراوانی آذوقه و حصول
امیت هر چیزی کمال و فرور ازانی را داشت و اجناس
ارزان و فراوانست و تغیر اجناس ماکولات و غیر
دارالخلافه طهران در هفت آینده درین روزها
نوشته خواهد شد

X
۲

چون نواب سناطاب شازاده و الابرار مصطفی علی میرزا
 حکمران مازندران در انتظام امور اولایت و انجام حدای
 دیوانی اهتمام نموده و نوکر مازندرانی را بابتیه و مدتی که
 رود و خوب روانه در بارها بایون نموده بود و حدایت
 نواب معزی الیه مقبول و سخن خاطر اقدس بایون
 درین اوقات یک ثوب کلیجه طیبوس تن مبارک بر
 خلعت **تجهیم** نیز مفاخرت و مباحات نواب معزی الیه
 و ارسال گردید

نواب سناطاب شازاده و الابرار مؤید الدوله طما
 حکمران مملکت فارس در نظم اولایت و زود روانه
 کردن قطعات مباحات مراتب امتیازات خود را مشهور
 اقدس ملوکانه داشته بود لکن درین اوقات محض
 ظهور مراسم خسروانی در باره نواب معزی الیه مکتوب
 کلیجه از طیبوس تن مبارک با اعزاز و افتخار ایشان
 و ارسال گردید

این اوقات بلاخطه امینکه میرزا بابا برادر **لیجاه**
 میرزا موسی پیکار خراسان در ارض اقدس
 مرحوم شده بود یک ثوب جب ترمه از جا
 سنی ابجوانب اعلیحضرت پادشاهی بر
 خلعت بافتن را بجایگاه شاکر الیه مرحمت
 و ارسال شد

چون درین اوقات هوای قصر قاجار خوب تفریح
 باغ و عمارت آنجا مطبوع و سخن خاطر اقدس
 بایون اعلیحضرت پادشاهی افتاده و مایل گردید
 که چند روز در آنجا توقف و تفریح نماید لکن

در روز چهارشنبه پانزدهم ایماه از عمارت
 ارک مبارکه سلطانی که مملکت خطیب است
 حرکت فرموده و با التوکه و الاحبال بقصر قاجار
 تشریف فرما گردیده و در آنجا توقف نمودند

امورات قشونی

یکه از نفر سواره کرد و ترک مازندران که درین اوقات
 بر کاب مبارک احضار شده بودند در روز **شنبه**
 چهاردهم ایماه امیر الامراء العظام هم در کابل
 عساکره قاهره بنگارستان رفتند و سوار
 خواسته در حضور لشکر نوبان بان آنها
 کرده همه سوار با کمال راستگی و اسب و اسلحه
 شایسته از سان گذشته و مرخص گشته

چون فوج خواجوند و عبد الملکی از دربار عدالت
 مستدعی شدند که در سگ سواره برقرار شوند
 و بر اولیای دولت قاهره محقق شد که در
 خدمت سوار می هستند بکار خدمت و جان بخشی
 می آیند لکن آنها را از سرباری اخراج
 کرده و در سگ سوار **مستک** و برقرار نمودند

سایر ولایات

ا در بایجان ازین ولایت درین موقت
 اخباری بریده است که در روزنامه نوشته شود
 و اسم چنین ایزد اصفهان و سایر ولایات عراق
 نیز درین موقت اخباری نبود که در روزنامه نوشته شود
 و ارالمرز

مازندران

از قراریکه در روزنامه مازندران نوشته بودند او
 ذی سحر ام سبب انقلاب هوا کشت بازندگی ناخوشی
 معروف باز در شهری حبس برور کرده است
 از قراریکه نوشته بودند نواب شاهزاده مصطفی قلی میرزا این
 اوقات از شهر ساری بست علیا و شیرگاه رفته
 در آنجا توقف نموده و جمیع خوانین که نوکر را خوب ساخته
 بودند خلعت داده اند
 دیگر نوشته بودند که یک نفر از رعای افزایش من اعمال کار
 مازندران شب را صبحی و سالنا بخانه خود رفته بود و هیچ
 نیافتد بود در مقام تقصیر برآمده او را در میان چاه می مقبول
 دید و بودند مراتب بعض نواب شاهزاده رسید بود
 قریه مزبور را برای تحقیق این مطلب احضار کرده بودند
 زوج مقتول اسناد قتل را شخصی که شب بخانه شوهرش
 آمده بوده است داده بود که شوهرم در مقام دفع او برآ
 و او شوهرم را بقتل رساند است شخص مزبور جواب داد
 بود که مباحثه مقصدی قتل خود این ضعیفه است و برین
 واقعه امیزند بجهت رفع غائله که باین این ضعیفه و شوهرش
 اتفاق افتاده بود بخانه آنها رفتم که اصلاح نام شوهرش را
 مقبول دیدم نواب معزی البیه در جواب آن شخص گفته بود
 که اگر مصحح بودی نفس مقتول جیچاره را چه از خانه
 بیرون برده بجای انداختی با بچه بالاخر معلوم شده بود که
 زوج مقتول و آن شخص هر دو در قتل او شریک بوده اند
 لهذا نواب معزی البیه بملاحظه اینکه قاتل بسیار بی بضاعت
 بوده است در عوض دید انعام و آسانی از خود بوریه مقبول کرده

و آن شخص قاتل را بگری علی خود رسانیده بود

استرآباد

از قراریکه در روزنامه استرآباد نوشته بودند ناخوشی
 و بار آنجا شاد نشسته و لکن این واقعه بیخبر یافته است
 کردستان

از قراریکه در روزنامه سنج کردستان نوشته بودند
 از اتهامات اولیای دولت علیه ام اتحاد و دقرین کمال
 الضباط است و لکن از احسام و ایالات شهرزور و توند
 عثمانی بلز بنای بی اعتمادی و بی حسابی نسبت بانا می کرد
 ظاهر میشود و البته وکلای دولت علیه عثمانی نظر کمال اتحاد
 و دادی که باین دوین علیتین حاصلت و مقام رفع
 بی اعتمادی و بی حسابی آنها خواهد برآمد

دیگر نوشته بودند که میرزا عبدالرزاق که از جانب دیوان
 سنجه رسیده کی موجب سربازان کردستان مامور شد بود
 این اوقات ساسی نفری سباز اگر قتل مشغول رسیده کی میخواست

سرباز است

دیگر نوشته بودند که یک نفر ضعیفه بود که بی شوهر بوده است
 در کمال رغبت و میل طالب سلام شده بد لالت یک نفر
 سنجانی شیخ الاسلام کردستان رفته بود که بفرست
 اسلام فایز شود عالیجناب علامه شیخ الاسلام
 ضعیفه مزبوره را بمحض خود طلبیده نفین کلمه شهادت
 با و نموده یک نفر فقیه را بتعلیم اصول و فروع دین او
 معین کرده بود که آداب و فواید دین مبین اسلام
 با و تعلیم نماید و بعد از سه روز ضعیفه جدیده اسلام را
 برای همان سید عهده بسته بود

خراسان

از قراریکه در روزنامه خراسان نوشته بودند عالیجا
 مقرب الخاقان ساخان ایلیخانی دولت و پناه
 نفر سواره و پناه نفر شمشیرچی بزرگ کی عالیجا ابد
 از بیوشان فرستاده که در ارض اقدس در
 نواب مستطاب شاهزاده و االباحام سلطنت
 والی مملکت خراسان با و نواب معزی الیه
 سان آنها را به وقت دیده انهار التفات را در
 حق سر کرده و سواره مزبور نموده بودند و همچنین
 قراریکه نوشته بودند در نهم ماه مزبور خود عالیجا
 مقرب الخاقان ساخان ایلیخانی در ارض اقدس
 و یکصد و پنجاه نفر سواره تکمیل ساخته همراه
 خود آورده بودند که من حیث المجموع چهارصد نفر
 سوار ار استه خوب در مشهد مقدس حاضر کرده
 که در خدمت نواب شاهزاده مشغول تقدیم خدمات
 دولت علیته باشند

از قراریکه نوشته بودند عالیجا مقرب الخاقان
 میرزا صادق مستوفی در روزنامه هماد و پنجاه احرام
 از ارض اقدس بیرون آمدن در روزنامه نوشته
 دیگر از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته بودند
 امسال بجهت وقوع حادثه ناخوشی و با که در جمیع محله
 محروم بهر سید تردد و عبور قافله و زوار برست
 زیاد تر از هر سال بوده است که تا بحال این شدت
 قوافل و زوار مشهد مقدس نیامده بوده است و با و
 کثرت جمعیت و آنهمه ردار و قوافلی که همه روزه وارد

آنجا میشوند کمال ارزانی و فراوانی نعمت و مزیت
 حاصل است و بر اهل اولایت و صادر و وارد خصوصاً
 ضغفا و فقر از بخت بسیار خوش میگردد و از آنها است
 اولیای دولت علیه زوار و قوافل در منازل عرض راه
 از نقرضات طایفه ضغفا که ترکامین اینستند و هر قافله
 و زواری که میبرند مستحقین و تفکیکشان عرض راه آنها
 در کمال آسایش از منازل مخوف میگذرانند و اگر از طریق
 ترکامین کسی بخواد دست بردی بردارد و قوافل بزند در
 دفع و دفع آنها برمی آید از جمله نوشته بودند که این قافله
 عالیجا بطلب خان قریب چهار هزار نفر زوار را همراه خود
 از شاهرود می آورده است که از منازل مخوف بگذرانند
 در مراجعت آثار سوار ترکان را دیده برای رفع تعصب
 آنها از زمانی نحمد و آنها را تعاقب کرده خود شن با سوار
 که همراه داشته جمعیت سواره ترکان را متفرق ساخته
 سی و پنج نفر را شکر بخش کرده و سیزده نفر از ترکان
 مزبوره را اسیر و دستگیر ساخته بود که بعضی از آنها

مقتول و بعضی زنده بوده اند
 دیگر نوشته بودند که امر افواج آنجا کمال نظم و انضباط را
 دارد و همه روزه افواج متوقفین ارض اقدس که از جمله آنها
 عجم و فوج دویم تبریزی و فوج نیشابوری است و رسیدن آن
 آنجا از طلوع آفتاب تا سه ساعت از روز گذشت مشغول شستند
 و شبیه یکدیگر بل ستر آتشاق ابطالیاد مشق آنها بسیار
 و سایر صاحب منصبان هم در مشق افواج کمال اهتمام را دارند و چند
 بیرون دروازه بالا جابان برایشان کرده و نواب مزبور در
 این اوقات فراداده اند که در میان رک برای افواج جاسازند که در

اخبار دول خارج

انگلیس در روزنامه اینولایت نوشته بود
 که مشورتخانه انگلیس از خوانین و وکلای رعایا که چند
 در پای تخت بجهت فرار امور دولتی جمع شده بود
 از جانب پادشاه در روز چهارم ذی قعدة
 مرضی حاصل نموده و چون خود پادشاه در شهر
 حضور نداشت چنانکه قاعده معمول آنولایت
 از بزرگان خوانین و امنای دولت فرمایش پادشاه
 بابل مشورتخانه ابلاغ نمودند از جمله فرمایشات پادشاه
 این بود که بر حسب تدبیر امنای دولت دستور
 جمع و خرج ولایت بطور شایسته و خوب قرار داده
 و معلوم است که هر یک از امورات دولتی رو تفرقی
 و قاری که در باب امور هندوستان در مشورتخانه
 شده بود پادشاه قبول کرده و مضمی داشته است
 و مابین دولت انگلیس و کل اهل دول خارج کمال دوستی
 و یگانگی و اتحاد است چنانکه مدتی در ریس امید بود
 تمام شده است و فرار کرده اند که در آنولایت
 مشورتخانه داشته باشند که خودشان نظم خود را در
 چنان مستحکم نمایند که دوباره از طرف طاغیة سرحد
 آنجا اقدام باغشاش و آشوب نشود جنگ مملکت
 هندوستان تمام شده و پادشاه آن مملکت
 تکالیف دولت انگلیس را قبول کرده و صلح نموده است
 و این مراحل باعث شکرانه است که در کل ممالک انگلیس
 و آرامیت و هر امری بطور شایسته پیش میرود این جمله
 گفتار امنای دولت بود که از جانب پادشاه بابل

مشورتخانه القا نموده بودند و بعد از اتمام این گفتار
 اهل مشورتخانه مرضی و متفرق شده بنجایهای خود رفتند

فرانس

امپراطور فرانس که چندی در مقصد دیت تونس
 داشت بنیاد اشکات که از آنجا بست شمال مملکت
 فرانس سفر نماید در دوار دژ که یکی در سطوری و دیگری
 در حلقه میاشد قشون نظام مشق کلیه میکردند و در
 هر دوار دژ آستکی و سکو و نظم تمام بود
 در روزنامه دولتی فرانس که مانیته ترمینا مند
 بودند که دولت اذن داده بود که راه امن را بجهت
 تردد کال که تجار زیاد نمایند و امید داشتند که سا
 این راهها منفعت یابد و هم بدو و هم بخلق برساند
 سه فرزند کشتی بزرگ جنگی که در شهر اشغورت
 میاخذ حکم شده بود که روز تمام نموده بآب بند
 و بعد از آب انداختن کشتیهای مزبور سه کشتی دیگر
 آنها در هاجها بنجا بکند از بن بازند
 استریت
 از فرار روزنامه اینولایت امپراطور استریت بنیادی
 دارد و دختر یکی از شاهزادگان مملکت بواریه را
 میگیرد ولیکن میگوید که بعد از چند ماه دیگر این
 عروس خواهد شد
 ایضا در روزنامه این ولایت نوشته اند که در ایالت
 افسس مملکتین ایتالیا و مجارستان چند قانون سخت
 و احکام شدید بجهت نظم آنولایت مجری کرده بودند

چونکه این احکام باعث اذیت خلق بود و از آنجا که سبب نظمی که حالا در آن ولایات لازم نبود که این احکام سخت برقرار بشود امپراطور استریه در چند مرتبه آنها تخفیف داده است

بنابوده است که امپراطور استریه در پانزدهم و پنجمه باردوی اکتبر برود که در آنجا اردوی فنون را که بجهت مشق جمع شده اند تماشا نماید

ساروینیه

از مملکت پییمان که جزو ممالک ساروینیه میباشد نوشته اند که در شهر ژنوه بجهت کرانی مان اغتشاش شده بود در نهضت مردمان فخر اوبی بضاعت آنجا جمع شده و بخانه حاکم رفته و صدای زبانه و نوحه کرانی مان بلند کرده بودند و بعد از آنجا متفرق شده و بروی دکانه های جناری و اشخاصی که کدوم در آنجا بودند میفرختند رفته و قیل و قال بسیار کرده بودند و بجان جناری هجوم نموده و بناو انما زور آورده بودند که نازا از آن تر بفرسند و بعد از آن خود بخود از آنجا متفرق شده بودند مردان درین اغتشاش هم چون زنهای شده بودند سهل است بعضی مردان از قسم کارها و عمله و غیره با مداد دیوانیان آمده بودند که اغتشاش موقوف نمایند

پادشاه مملکت سغتیانیه بملکت پییمانت آمده بود و در آن ولایت اکثر اوقات مشغول شکار و تفریح بود

احوال تفرقه

بجهت ناخوشی و با که در شهر کونیناکن و سایر جاهای

مالک دینارکت بروز کرده و شدت دارد چهار روزی که اخیرین باین ولایت و بر مالک گذارند و کلنگه بند و ستان نوشته اند که ناخوشی و با که اکثر اوقات در آن شهرت در اوایل ماه رمضان چنان شدت کرده بود که در روز یک هزار و صد نفر تلف شدند

از شهر ناپولی مملکت ایتالیا نوشته اند که در وسط استان هوای آنجا چنان گرم شده بود که درخت تاک انکور در بعضی جاها ضایع شده بود چنانچه در بعضی باغات آنجا اسال سیچ انکور عمل نیامده است و در مملکت پییمان هم نوشته اند که در میان تاک انکور آنجا نیز اتفاقی افتاده بود

از جزیره بارزیدوس که یکی از جزایر خط استواست نوشته اند که حاصل شکر امسال در آنجا از سالهای سابق زیاد تر شده بود سی و شش هزار چلیک شکر و شکر از آنجا بکشتی که امشته و بخارج فرستاده بودند و دوسه هزار چلیک نیز حاضر کرده بودند که روانه نمایند و بقدر هزار چلیک هم در کارخانه ها تمام بود چلیکهای آنجا تخمینا هر یک بقدر پنج حردار بوزن شصت عباسی باریکیزند کشتنهای تجارتی با آنجا آمده بود و کشتی نداشتند که این شکر و شکر را بیرون بفرستند

یکی از دولت مند ان طایفه کبر که در هندوستان پارسی میگویند موسوم بحمشید چی چی بهائی یک لک روپیه پول هندوستان که تخمینا بیست هزار تومان پول ایران

میباشد بدولت انجلس شکر کرده است بجهت
ساختن مدرسه آذربای نقاشان

می کند که چرازو در حزب انجمن دیوان آبله اورا کوبیده اند

در راه آهن مابین شهرهای ایلا شیل و کلون برق
بکاسکها و چرخ بخار زده بود و لکن ضرری رسانده
بود مگر آنکه مستحفظ کاسکها قدری سوخته بود

در روزنامه های فرنگستان در خصوص ستاره دنباله
دار که در ماه سوال درین ولایت پیدا شد نوشته اند
که در مملکت فرانسه از دو تیم ماه رمضان این ستاره

از شهر کیرسینا مملکت ناز ویر نوشته بودند که راه
آهن که در آنجا ساخته تمام شده بود در روز ولادت
پادشاه آنولایت افتتاح کرده بودند و این
راه آهنی است که در آنولایت ساخته اند

دیدند و چنانکه کل این ستاره را حرکت می
بطرف اقیانوس حرکت میکرد و در آنوقت حساب
کردند که در روز جمعه بیت و مقمذ بقعه از اقیانوس
گذشته و از او دور میشود و منجمن حساب کرده اند که
این ستاره روزی سه گره فرسخ راه میرود و دو

دولت انجلس بنا کرده است که مابین ولایت انجلس
و سمت غربی مملکت افریقا کشتی بخار تیز رو برآید
بجهت حمل و نقل سیاح و کتوبات و غیره و کمان داده
که راه انداختن این کشتیهای بخار تجارت مابین
مملکتین را بسیار زیاد کند

نزدیک بافتاب است از آنهم زودتر حرکت در دو
ستاره اش بسیار بزرگ است و بزرگی اورا از
گروه ارض گرفته اند و بعد از بیت و مقمذ بقعه درین
ارض پیدا نمی شود و لکن در مراجعش از سمت اقیانوس
در آن سمت ارض معلوم و پیدا میشود و این ستاره

از استریه نوشته اند که بنا دارند در اول پانز
اردوئی در مملکت مرادیه که جزو ممالک استریه میباشد
جمع نمایند چهل هزار پیاده و یازده هزار سوار با سنج
خبر کرده اند

کل ممالک فرنگستان پیدا است

در مملکت انجلس در خصوص کوبیدن آبله با طفلان حکم نامه
از جانب دیوان صادر شده است باین مضمون که
طفل سه ماهه که شد باید آن آبله اورا کوبند و اگر
بیشتر از سه ماه از تولد کوبند و آبله او کوبند
شده باشد دیوان آبله آن طفل را می کوبد و لکن والدین
آن طفل با کسانی را که آن طفل متعلق با آنهاست جریمه

در یکی از روزنامه های انجلس نوشته اند که چند نفر
انجلس که در جزیره کار فو بودند زورق بادبانی سوار
شده بودند در روی دریاستند راه می رفتند یکبار در
که زورق بجزیری خورد و مانند اینکه بسک بجزر دو کم نامه
بود که وارونه بشود در میان آب نگاه کردند دیدند که یکی
از آن ماهیهای بزرگ که آدم را فرود می برند در آب است
و زورق خورد است و بعد آن ماهی فرود رفت و در آن
سبب از ماهیها بودند که خوک ماهی میماند یکی از بزرگان
که در آن زورق بودند نیزه با او انداخته بود و تیر نیزه

۸۹۱

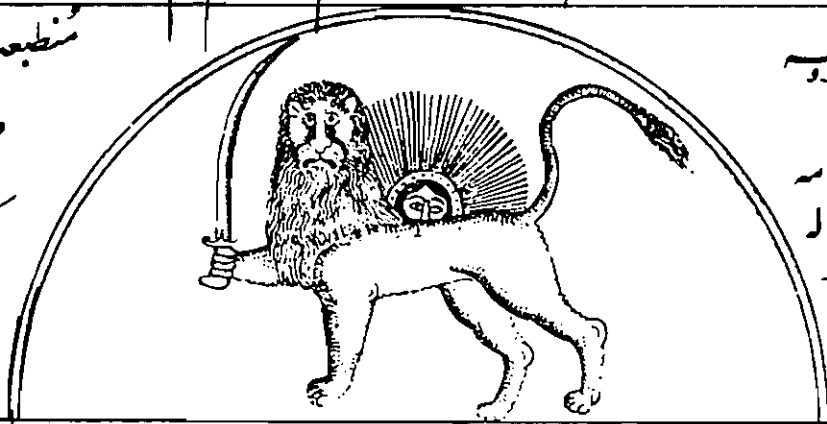
ماهی گیری پر دارد و برشته است که وقتی که ماهی فرو
رفت گیر میکند و بیرون نمی آید و بسته نیزه هم طناب
می بندند که اگر ماهی پر زور باشد و خود را بر یک بند
در میان گوشت او میماند و طناب دنباله نیزه بزور
لبسته است تا وقتی که ماهی از زخم نیزه حسته و ضعیف
شود آنوقت او را در میان زورق می کشند طناب
نیزه را که ماهی زده بودند بد در ساعد یکی از سربازان
چسبیده بود و چون ماهی تند و پر زور بود سرباز را میمان
آب کشید دیدند سرباز مزبور که میان آب افتاده
بقدر سی قدم از زورق دور است زورق را بطرف
او راندند تا یکی که در آنجا نشسته بود گفت که ماهی
در اینجا بست و میخواهد که این سرباز را بگیرد سرباز
دیگر که در آنجا بود کار دی گرفته و خود را میان آب
انداخت بر ماهی رفت و شکم ماهی را در چند
جا با کار د پاره کرد و لکن ماهی بان سرباز که با آب
افتاده بود رسیده و بکپای او را قلم کرده و فرود برد
بود سربازان آن سرباز زخم دار را با آن سرباز دیگر
هر دو را میان زورق کشیدند و بخت خشکی را نماند
انذکی رفته بودند دیدند آن ماهی درنده که شکمش پاره
شده بود بروی آب افتاد او را گرفتند و در
دولت هسی و پنج پوند بود که تخمین ساسی و پنج حنجر
بالا تر بوزن ایران بود وقتی که شکم او را شکافتند پای
آن سرباز را که فرو برده بود در گلوی او یافتند و
استخوان پارا جا دیده و خورد کرده بود
در روزنامه های سیکی دنیای شمالی نوشته اند که در

۸۹۲

که در راه خشکی ما بین دو دریا که پانامه می نامند راه
می سازند اما صعوبت و اشکال دارد زیرا که این راه چمن و جنگل میکند و
ریش کل است بقدر پنج ذرع زینتر کنده و چوبها حکم کار برده و پهلای
این را بروی آن چوبها گذاشته اند و لکن بجهت سختی این کار و بد آب هوا
آنجا اذیت زیاد بود و بوندی میکنند که باحال چهار هزار عجمه در ساختن این راه
مفلسه اند اول سید کردن طلا در کلی فاریا مردم از اطراف عالم با آنجا کشند بسیاری
در دول خود مقصد و با آنجا فرار می کنند آنوقت نظم درسی در میان خود دور
سنت فرانسکو زدیدی و بی ادم تن بسیار لطف نسبت به خود کشند
بطوریکه سابقین و اشراقت کنند بکمالی ثبوت یا دست کشند یا بجای دیگر
و نظم تمام در آنجا گذاشته و درین اوقات مردم بازار هر طرف عالم
ریا د با آنجا می آیند حساب کرده اند که در وقت سه ماه نوزده
هشتصد و نود و هشت نفر مردوزن و بچه با آنجا آمده اند و دوازده
هزار موصد و هشت و پنج نفر از آنجا بیرون رفته اند که موافق این حساب
در سه ماه هفت هزار و صد و سی و سه نفر محبت با آنجا
شده است و بهین فرار روز بروز جمعیت آنجا زیاد تر میشود
یک فعه مردم از آن سمت سیکی دنیای شمالی که آباد است با آنجا
می آیند اما سال نوزده نیامده بوده اند اما گمان بوده است که
بقدر هشت هزار نفر درین اوقات از آن طرف می آیند
و این اشخاص اکثرشان زراعت کارند و اسباب
زراعت و گاوه و کوسفند و اسب و غیره همراه می آورند
و گمان کلی دارند که در آنجا منفعت زیاد بکنند زیرا که جمعیت
آنجا بسیار است و آذوقه گران کم است

روزنامه قایم اتفاقیه تاج پوچم نسبت و سیم ماه محرم مطابق سال و دینیل ۱۲۷۰

شماره صد و چهارم
قیمت روزنامه
یک نسخه شش پیرله
صقان و چهار نهار



منطبعة دار الخلفه طهران
قیمت اعلانات
یک سطر الاجبار سطر یک نهار
بیشتر بهر سطر

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دار الخلفه طهران

چون مجدداً این اوقات در دار الخلفه طهران خبری
انارنا خوشی و بابر و زو ظهور یافت بود اعلیحضرت
پادشاهی و بعضی از چاکران در بارهایون که لازم
بود ملزم رکاب جایون باشند از مکه گذشته
بقصر قاجار تشریف برده و رانجا که از حیث آب و هوا
از طهران بهتر است توقف دارند

عالیجاه عمه انجو این العظام سردار کمدل خان
حاکم قندماری بود که عالیجاه سلطانعلی خان پسر
خود را برای اظهار ارادت و بندگی و اطاعت و ایقان
خود نسبت باین دولت جاوید نهاد از طرف کرمان
و یزد بدر بار شوگمذارهایون روانه داشته بود و
امیرالامراء العظام محمد حسن سردار حکمران یزد و کرمان
در استقبال فرستادن و معانداری و اغراض و
اولاً لازم است تمام بعلل آورده بود در روز یکشنبه
نوزدهم این ماه عالیجاه سردار سلطانعلی خان
وارد دار الخلفه طهران شده از جانب اولیای دولت

علیه نیز لازمه اهتمام در اعزاز و اکرام از عالیجاه
شارالیه در روز و در بعلل آمد و مقرب انجان
محمد خان میرنچه را با سر تپان و سرسنگان
و قو للراقاسی باشی و محمد حسن خان نایب شکاف
باشی را با استقبال عالیجاه شارالیه فرستاد
که در نهایت احترام و اعزاز عالیجاه شارالیه را
وارد سازند و اشخاص مزبور هم در رعایت
شرایط استقبال اولاً لازم است تمام نموده عالیجاه
شارالیه را معززاً و محترماً وارد شهر گردند و در
سه شنبه بیست و یکم جناب جلالت آفتاب صدر اعظم
انهارا در نهار خواسته بقصر قاجار خدمت جناب
سزئی الیه رسیده کمال التفات و مهربانی در حق
آنها مبذول داشتند

چون عالیجاه عسکر خان سر قریب در خدمت گذار
دیوان اعلی سواره کمال اهتمام نموده طریق خدمت
باقدام صداقت پیوده بود حضوراً و اسفار حرا
که مصدرفدما شایان شده محاسن لهنما توفیق

در نظر اولیای دولت علیه خلی ستمح و مقبول افتاد
بود لهذا این روز نامحضر محبت در باره عالیجاه مشارالیه
یک قطعه نشان از مرتبه اول تیرپی با یک رشته جامیل
سرخ که مخصوص این مرتبه است با افتخار عالیجاه مشارالیه
مرحمت و ارسال فرمودند

چون عالیجاه محمد علیخان که سابقاً سهک فوج خلی
بود از عهد نه من مخته و نظم امور فوج مزبور بطور
شایسته نتوانست برآید لهذا این اوقات حسب ^{الاحتیاج} شایسته
نظر بطور قابلیت و شایستگی و کار دانی عالیجاه
نایباجودان باشی منصب سهک فوج خلی
بعهد عالیجاه مشارالیه محول و مفوض فرموده فرمان
مبارک شرف صدر ریافت و خلعت آفتاب
طلعت هم با افتخار عالیجاه مشارالیه ^{و عنایت} عطا گردید

۸۹۲

دارالمرز

ازین ولایات درین هفت اخباری نبود که در
روزنامه نوشته شود

عراق

در سنجین از ولایت عراق نیز درین هفت اخبار
ز سبید است

فارس

از فرار یک در روزنامه بندرات فارس نوشته
بودند صتباط و مباحثین و حکام جزو صفحات
کرسیات و بندرات بغیره که خبر درود نواب
مستطاب شایزاده و الایبار مؤید الدوله جلایا
حکمران مملکت فارس را شنیده اند هر یک
برای شرفیابی خدمت نواب معزی الیه عزیمت
شیراز نموده متعاقب یکدیگر می آیند

سایر ولایات

اور با بجان از فرار یک در روزنامه خوبی نوشته
بودند مقرب الخاقان اسکندر خان سردار
الهی در نظم امور آخذ و اعتم از امور ولایت
و افواج کمال اهتمام دارد و این اوقات برای
تاشی مشق افواج قاهره که در برون درواز
شهرتند سوار شده رفت با دقت تمام مشق
افواج رسبدکی نموده است چون افواج بزرگ
بسیار خوب مشق کرده بودند از جانب اولیای
دولت علیه اظهار التفات و مهربانی زنا
نسبت بصاحب منصبان و احاد و افراد افواج
نموده بوده است

از فرار یک در ضمن روزنامه فارس نوشته
بودند نواب مستطاب مؤید الدوله که در روز
جمعه دوازدهم شهر ذیحجه اسحرام بعد از ظهر در
باغ نوشیر از می شدند جمیع اعیان و اشرف
و االی فارس و صاحب منصبان افواج
در استقبال نواب معزی الیه کمال اهتمام نموده
و نواب معزی الیه هم لازم نوارش از آنها
و از صاحب منصبان و افواج مزبور به عمل آورده
و در روز چهاردهم تجار شیراز را احضار کرده
اظهار کمال التفات در باره آنها نموده برآسم

اولیای دولت علیت امیدوار داشته اند
 و در روز پانزدهم امالی شیراز را احضار کرده
 بسبب خرابی و سنگینی که از آفات و زلزله آنجا
 بر آنها وارد آمده بوده است آنها را با التفات
 اولیای دولت علیت امیدوار ساخته
 و پنج ساله مالیات دیوانی شهر شیراز را
 تخفیف داده اهل شهر را مدت پنج سال
 از دادن مالیات معاف داشته اند که بجز
 مشغول تعمیر و آبادی خاکهای خود باشند
 و روزیکشنبه پنجشنبه را قرار داده اند که
 مردم هر یک عرض مطلبی داشته باشند
 آید عرض کنند و در جمعه هم توکربان
 مطالب خود را عرض کنند از قراریکه نوشته
 بودند در غوررسی حال رعایا و ضعف و امالی آنها
 کمال اهتمام دارند و در آبادی شهر در رفع حوائج
 و سنگینی آنجا لازمه مراقبت بعمل می آورند و هزار
 الاغ سبجه خاک کشتی کوچه ها داده اند که خاک کوچه ها
 برداشته بیرون بپزند یا بکله عموم امالی فارس
 خصوصاً اهل شهر شیراز از حسن مراقبت و خوش
 رفتاری و رسیدگی نواب معزی الیه مرفعه
 و آسوده خاطر بامیدواری تمام بشکرانند و
 توأم این دولت جاویدت علیت شتغال
 دارند
 از فراریکه نوشته بودند یک نفر تا جبر ترکه
 خدمت نواب استطاب شاهزاده و امالی

موند دولت داده عرض کرده بود که یک بار نیل از
 من در منزل گذرد مروان برده اند نواب معزی
 دولت تومان قیمت نیل را فی الفور بان شخص
 تا جبر داده بعد بعالیجا و لطفعلی خان ضابط
 بلوک سرحد و عالیجا محمد ششم خان که باغها
 مستحق را بهاست قدغن کرده بودند که دولت
 تومان را بدینند تا بعد ازین در نظم طرق و
 شوارع و حفظ اموال تجار و معا برین دست و دین
 مراقب و مواظب بوده پس چه تعاضل نماید این
 تا مردم خالی از تشویش و آسب دزد و دغ
 سجاظر جمعی و اطمینان از آن منازل عبور و مرور
 نمایند

منظومه تبیر اجناس ماکولات و غیره دارا اختلاف درین
 هفته از این تقریر است

کندم شهری	یک خودار	دو تومان ۱۰۰
کندم غریبه	یک خودار	هجده هزار ۱۰۰
کندم ورامین	یک خودار	پانزده هزار ۱۰۰
کندم	یک خودار	یازده هزار ۱۰۰
کندم	یک خودار	چهار هزار ۱۰۰
کندم	یک خودار	سه هزار و پانصد ۱۰۰
کندم	یک خودار	دو تومان و دو هزار ۱۰۰
کندم	یک خودار	بست و پنجاه هزار ۱۰۰
کندم	یک خودار	بست و پنجاه هزار ۱۰۰
کندم	یک خودار	سه تومان و یک ریال ۱۰۰

۰۱۵	انجیر یک من سجد دینار	۰۱۵	دوغن یک من ری یک تومان
۰۱۵	بادام یک من بی دو هزار و شصت	۰۱۵	بج عنبر بو یک من یازده شاهی
۰۱۵	مغز بادام یک من سه هزار	۰۱۵	برنج کرده یک من ده شاهی
۰۱۵	آب لیمو یک من سه هزار	۰۱۵	گوشت یک من یک هزار دینار
۰۱۵	آب نانج یک من دو هزار و پاره شاهی	۰۱۵	نان یک من هفت پول
۰۱۵	دارچینی یک من هشت هزار	۰۱۵	حلوائی قنادی یک من چهار هزار
۰۱۵	بن یک من دو تومان	۰۱۵	شکر سفید یک من سه هزار
۰۱۵	میخک یک من هشت هزار	۰۱۵	قد بزدی یک من چهار هزار و پاره
۰۱۵	فلفل یک من سه هزار	۰۱۵	قد ارسی یک من شش هزار
۰۱۵	رز و چوبه یک من دو ریال	۰۱۵	فیضی یک من دو هزار و شصت
۰۱۵	زیره طعام یک من سه هزار	۰۱۵	سجود بوداده یک من دو عباسی
۰۱۵	مرتبای بانک یک من سه هزار و پاره	۰۱۵	خرمای خشک یک من هفت دینار
۰۱۵	مرتبای زرشک یک من سه هزار	۰۱۵	خرمای سیاه یک من هزار دینار
۰۱۵	نعنا یک من دو عباسی	۰۱۵	خرمای خارک یک من یک ریال
۰۱۵	نبات سفید یک من یک تومان	۰۱۵	پسته شور یک من دو هزار
۰۱۵	نبات زرد یک من سه هزار و پاره	۰۱۵	مغز پسته یک من چهار هزار
۰۱۵	شیره یک من پنج شاهی	۰۱۵	مغز گردو یک من سه هزار و پاره
۰۱۵	روغن چغندر یک من سی شاهی	۰۱۵	شمع یک من دو هزار
۰۱۵	کرچک یک من یک هزار و هفت دینار	۰۱۵	پیه کداخته یک من نه عباسی
۰۱۵	سجود قرودی یک من یک هزار و پاره	۰۱۵	هندوانه یک من یک شاهی نیم
۰۱۵	سجود رسی یک من دو تومان و نیم	۰۱۵	خریزه یک من صد دینار
۰۱۵	هیزم کر یک من یک هزار و پاره	۰۱۵	خریزه قمی یک من شاهی
۰۱۵	هیزم سفید یک من یک هزار	۰۱۵	سیب یک من پنج شاهی
۰۱۵	هیزم سفید یک من هفت هزار و پاره	۰۱۵	انار یک من پنج شاهی
۰۱۵	هیزم سفید یک من هفت هزار و پاره	۰۱۵	الکور یک من سه شاهی

اجبار دول خارج
 فرانسه و والده پادشاه اسپانیا درین وقت
 بسیار پایی سخت فرانسه آمده بود و چند وقت در آنجا
 توقف داشت و در میان خلق شهرت داشت که بنا می کرد
 در خیر ملکه مزبور را که از شوهر دیگر غیر از پادشاه اسپانیا
 برای پریش ناپلیان پسر روم بود پارت دارند و
 روم بود پلوت بنا داشته است که بملکت انگلیس
 بدین عیال لوی قلب پادشاه سابق فرانسه که فوت
 شده است

در یکی از روزنامه های انگلیس نوشته اند که از منف بن فرانسه
 درین اوقات میخواسته اند امپراطور فرانسه را بکشند
 امپراطور بگال که نشسته و از کوه های پاریس غمگین شده
 شخصی در کوه چپ طبا پنجه جیب خود در آورده بود کالک
 که در کوه بود دست او را گرفته بود و جان ساعت ضبط کرده
 او را گرفته حبس کرده بود بعد از چند روز باز امپراطور
 در بیشه های نزدیک پاریس گشت میکرد تا که صدای تفنگ
 از میان درختها بلند شده و کلوا بمت کالک آمد سواران
 که همراه کالک بودند با نظر فک صدای تفنگ بلند شده
 شلیک کرده پیش رفتند بخش به نفر سربازان در آنجا
 دیدند که از ضرب کلوا سواران مزبور افتاده بودند این
 فقره را چون در روزنامه های فرانسه قدغن شده بود که
 نویسنده نوشته بودند اما در روزنامه انگلیس چاپ شده بود

ایتالیا

از ملکت روم نوشته اند که در میان خلق آنجا اعتقاد
 بود بجهت کم یابی غله و کم آمدن حاصل آن ملکت و در بعضی

جایها که خواسته بودند غله از جانی بجائی حمل و نقل نمایند
 خلق جمع شده و نگذاشته بودند
 در آن سمت ابطالی که در تصرف دولت استریه است
 آن ملکت چند سال پیش ازین باغی شده بودند که بلکه از
 تصرف دولت استریه بیرون آمده دولت جدا گانه
 بشوند در باب املاک و اموال آنها که بعد ازین جنگ
 قرار کرده بودند حکم صادر شده بود که نامدستی هر کدام
 که بملکت خود مراجعت نمایند امپراطور استریه تقصیر آنها را
 عفو فرموده و اموال و املاکشان را بتصرف خودشان
 خواهند داد چونکه دیدند کسانی که در آن جنگ فرار کرده
 بودند بسیار کم مراجعت کرده اند درین اوقات املاک
 و اموال آنها را ضبط دیوان کرده اند و امنای دولت
 استریه از اهل نیولایت خاطر جمع نیستند و میدانند
 که منف بن آنجا پیوسته مترصد اند که دوباره جنگ و استولت
 در آن ولایت برپا نمایند

چین

از فرار خبر آخر که ازین ولایت آمده است کار باغیان
 آنجا پیش بود و شهر ننگین را تصرف کرده بودند و در زمانها
 سابق نوشته بودند که جا کران دول خارجه که در آنجا
 بودند بنا داشتند که کشتی و قشون بحری بآباد دولت
 چین بفرستند و لکن کویا این جنبر اصل نداشت باغیان
 بدول خارجه کاری ندارند و آدم فرستاده اند بنزد
 ایچی انگلیس و کلای سایر دول خارجه که در آن سرحد
 می نشینند و گفته اند که اهل دول خارجه خاطر جمع باشند
 که از ماضیرو آسبی مایل خارجه نخواهد رسید ایچی انگلیس

بشهر ننگین رفته و مراجعت نموده است بزرگ یاغیان را
 دیده بود و فرار گذاشته بودند که از دولت انگلیس
 جنگ داخله بیطرف نشود یاغیان هر دو طرف رودخانه
 که از آنجا میگذرد متصرف شده و سخت کرده بودند
 که از عبور هر کس که مخالف آنها باشد مانع بشوند و منتظر
 آمدن قشون از سمت جنوب آن ولایت بودند که بپکن
 که پای تخت چین است حرکت نمایند تخمیناً چهار صد سال
 میشود که پادشاهان چین از طایفه مغول تاتارستان
 که در آن ایام از تاتارستان رفته و با اهل چین عا
 آمده اند و از آنوقت سلطنت چین در دست آنهاست
 و قشون رشید که دارند از اهل تاتارستان است و
 تاتارستان در مملکت چین صاحب ولایت اندک
 یاغیان این است که اهل تاتارستان را از تاج و تخت
 چین انداخته بی دخل نمایند و از اهل چین مانند ایام قدیم
 پادشاه برقرار بشود منظور دیگر این است که دین اهل
 چین را برهم بزنند و این یاغیان قسمی از ملت هستند
 هستند و هر جا که میروند بتجانهای اهل چین را برهم
 و بهتای آنها را می شکنند در میان خودشان لوراه
 و انجیل مانند عیسو بهادارند در برکشتن المپی انگلیس از شهر
 ننگین از یکی از سترگای یاغیان که در کنار رودخانه
 بود توپ کبشی المپی انداخته بودند و کشتی المپی نیز در
 جواب توپ سبکمر نور انداخته بودند بعد از آن از سترگ
 یاغیان دیگر توپ نینداخته بودند و یک صاحب
 بزرگ آنها کبشی المپی آمده و عدد خواهی کرده بود و گفته بود
 که چون دولت چین کشتیها از فرنگها خریده و از فرنگها

قشون گرفته اند که بیایند با قشون ما جنگ نمایند قشون
 ما خیال کردند که این کشتی از آن کشتیهاست و باین
 توپ انداخته اند اگر چه تا بجای کار یاغیان پیشرفت دارد
 و لکن باز آنها که پادشاه چین خدمت میکردند بی امید
 نبودند و کشتیهای زیاد و از فرنگها میخریدند و آنچه نمیتوانستند
 از کشتیهای انگلیس و کشتیهای انان طوائف دیگر فرنگها
 نوگرمی گرفتند و در بالای رودخانه رفاهه میگرداند که
 با یاغیان جنگ نمایند
 دیگر از چین نوشته اند که دزدان که در روی دریای
 تجار را تاخت و غارت میکردند درین اوقات بسیار
 زیاد شده بودند و چند فرزند کشتی تجار قری را گرفته
 و نگاه داشته و پیام بتجار فرستاده بودند که ده هزار
 دلار که تخمیناً پنجاه تومان پول ایران باشد بفرستند
 تا کشتیهای آنها را رها نمایند این گذارش را صاحب
 کشتیهای جنگی انگلیس که در آن سمت بودند شنیده و فوراً
 بان سمت رفته بود که دزدان را پیدا نماید از اهل آن
 تحقیق کرده بود و گفته بودند که دزدان درین نزدیکی بودند
 و کشتیهای تجار را نگاه داشته بودند و منتظر آمدن
 تنخواه بودند که کمان داشتند که تجار از راه خشکی روان
 نمایند صاحب منصب فرور بر اثر دزدان کشتی را انداخته
 چون هوا بر بود و مه و بخار روی دریا را تاریک کرده بود
 در دزدان کشتی جنگی را ندیده بودند تا وقتی که نزدیک
 رسیده بود و وقتی که دیده بودند بطرف رودخانه گتختند
 بودند اما کشتی جنگی را که گریز آنها را بریده بود دزدان
 دیدند که راهشان بسته است و چاره ندارند بنای

توب انداختن گذاشته بودند و کلوله و ساچه توب
 وقتی از کلوله توب که دو کلوله که ریخدر میان شان است
 از توب می اندازند کشتی جنگی انداخته بودند و بعد کشتی
 آمده بودند که دست بدست حمل میاورند و قتیکه نزدیک
 شده بودند کشتی جنگی توب بزرگ خالی کرده و کلوله
 میان کشتی دزدان آمده انبار بار و طش آتش گرفته و
 هوا بلند شده بود و یک کشتی دیگر دزدان نیز از
 کلوله غرق شده بود دزدان دیده بودند که آن قوت را
 اندازند که با کشتی جنگی مقاومت نمایند سختی گریخته
 بودند و بکنار که نزدیک شدند خود را بمیان آب انداختند
 بودند اما وقتی که بخشکی رسیده بودند اهل دلتان
 دزدان را که میخواهند از آب بیرون بیایند با سنگ
 و چوب بیزند و می کشند و قتیکه کشتی دزدان نزدیک
 بخشکی شده بود از کشتی جنگی انگلیس زورق بعضی آنها
 فرستاده بودند و حله یکی از کشتیهای دزدان آوردند
 بودند یک صاحب منصب و دو نفر از کشتیبانان انگلیس
 در روی کشتی دزدان بزخم نیزه و شمشیر کشته شده
 بودند در روی کشتی بسیار جنگ سخت شده بود اهل
 چین که در خشکی سکنی داشتند وقتی که دیده بودند که بعضی
 از انگلیسها از کشتی بمیان آب افتاده اند ما و از خشکی
 و آنها را از آب بیرون آورده بودند و بیست و پنج نفره
 که در میان آتش که انداخته شده بود از یکی از کشتیهای
 دزدان بیرون آورده بودند و سه کیه پول هم
 میان کشتی بسته بودند یکی از کشتیهای دزدان که بسیار
 خراب شده بود بعد از جنگ در ها بنجا غرق شد و یکی

دیگر هم چونکه دریا طوفان شده و امواج بلند بود در
 راحت غرق شد صاحب منصب مزبور چهار کشتی از
 دزدان با پنجاه نفر محبوس از آنها بشهر فرستاده و
 دزدان را صاحب منصبان چین که در آنجا بودند
 بود که سیاست نمایند

از سایر دول خارج اخباری که قابل ترجمه باشد
 مگر آنچه در احوالات متفرقه نوشته میشود
احوال متفرقه

کشتی از خلکت آسه ایادین اوقات بولایت انگلیس
 وارد شده بود سیصد نفر ارمقال طلا که تخمینا چهار
 و شصت و شش من چیزی بالا بوزن شش عباسی میشود
 آورده بود کار معدن چنان بود که بولایت بسیار خوب
 پیش میرفته است حساب کرده اند که بروی سم تخمینا
 هر یک از مردمانی که آنجا بوده اند روزی شش ارمقال
 طلا بیرون می آورده اند و کارزار عین هم بسیار
 بوده است زیرا که بسبب کثرت جمعیت خلق هر چه
 بعل آمده بود خوب بفروش میرفت از مال قماش و غیره
 منفعت خوب برای تجارت حاصل میشد و در ملبورن که
 دار الحکومه آنجاست مال التجاره بسیار کم شده بود
 و اجناس گران بود و مستظرا آمدن کشتیهای تجاری
 از فرانکستان بودند که مال التجاره بنجا بیارند

در شهر دربی انگلیس آتش در میان کارخانه ابریس افتاد
 بود و خرابی زیاد کرده بود چونکه کارخانه مزبور بسیار بزرگ و
 مرتفع بود که شش مرتبه بروی سم ساخته بودند خاموش
 کردن آتش بسیار مشکل بود و عمل که در آنجا کار میکردند که همه

اوروند که کارخانه آتش گرفت و چینی طول کشید تا آب
 با آنجا بیاورند و توله آب پاشی که بجهت خاموش کردن آتش
 برآید از دستش در مرتبه فوقانی کارخانه افتاده بود چند
 نفر با آنجا رفتند که پارچه های ابریشم و غیره را بیرون بیاورند
 و آب بطوری پاشند که آتش را خاموش نمایند یک بار با
 عمارت پائین آمد و این شخص در زیر خرابی ماندند درین وقت
 راه زردبان میان کارخانه بجهت شدت شعله و حرارت آتش
 بریده زردبانهای چوبی بهم بستند که بالا بروند و مردمانی را
 که در آنجا هستند خلاص نمایند و مردم از پائین آنها را که در
 میان آتش بودند میدیدند یک نفر خودش را از پنجره کاغذی
 پائین انداخته بود اول یک لکه پنبه پیش انداخته بود که خود
 بروی او بیندازد که صدمه نخورد اما وقتی که خود را بروی
 پنبه انداخت مانند توپ کاشی از روی لکه پنبه بلند شد
 و بروی سنگها خورد او را برداشته و به بیچارخانه برد
 خیلی هم سوخته شده بود اما وقتی که با آنجا بردند زنده بود
 یکی دیگر از آن آتش خلاص شده بود بطوریکه دستمال بدین
 خود بسته و از میان آتش بلب پنجه آمده و از نزد بان
 چوبی پائین آمده بود دو سه ساعت این آتش گرفتن طول
 کشیده بود تا بعد پاشیدن آب از توله خاموش کردند
 بودند و بعد چهار نفر از نوامان صاحب کارخانه خرد
 در ولایت انگلیس گفتگوئی شده است که پول کل مالک
 از یک تاده یک مرتبه قرار بدهند مثلاً ده شاهی بکندار و ده
 کمپو مان باشد و مراتب ده ده معین باشد و بجهت این
 قرار چندین نفر از مشورخانه آورده اند که تحقیق نمایند از نظر
 کسی بوده است که مدتی در ولایت چین مانده بود و مذکور

۹۰۰

داشته بود که در ولایت چین حساب پول را همین
 قرار نگاه میدارند و پول رواج آنها از همین قرار است
 بسیار با دقت حساب نگاه میدارند و بجهت ملک چین
 بجهت آن دولت بیشتر از صد گرو در خلق است و در کل مالک
 حساب پولشان از همین قرار است
 در وسط مملکت امریکای جنوبی بعضی جاهاست که اهل
 که با تولایت رفته اند هنوز آنجا را ندیده اند و هر کس که
 با آنجا میرود اهل تولایت او را می کشند و مانع تردد اولاد
 فرنگیها که سایر جاها می آیند را آباد کرده اند میشود
 و قانون و قاعده و سبب تولایت مانند قانون قدیم
 یسکی دنیا است که پیش از آنکه فرنگیها تولایت را پیدا
 داشتند درین روزها سه نفر از اهل یسکی دنیا
 شمالی با آنجا رفته بودند و نفر آنها را کشته اند و یک نفر
 خلاص شده و دو طفل که یکی دختر و یکی پسر بود از تولایت
 بیرون آورده بود بجهت نامشای مردم و اهل آنجا با او
 همان اهل قدیم یسکی دنیا میباشند که وقتی که اهل اسپانیا
 تازه به یسکی دنیا رفته و با اهل آنجا که نزدیک پدرا
 بودند شکست دادند و آنها که سگت از اهل اسپانیا
 حوزده بودند بوسط تولایت رفته و از آنوقت با آنجا
 در آنجا مانده اند
 از فرار روزنامه سنت بطرز بوریغ پای تحت مملکت روس
 ناخوشی و با که حال یکسال تمام است که در آنجا است
 درین روزها باز بوده است سهل است موافق خبر
 قدری شدت هم کرده است

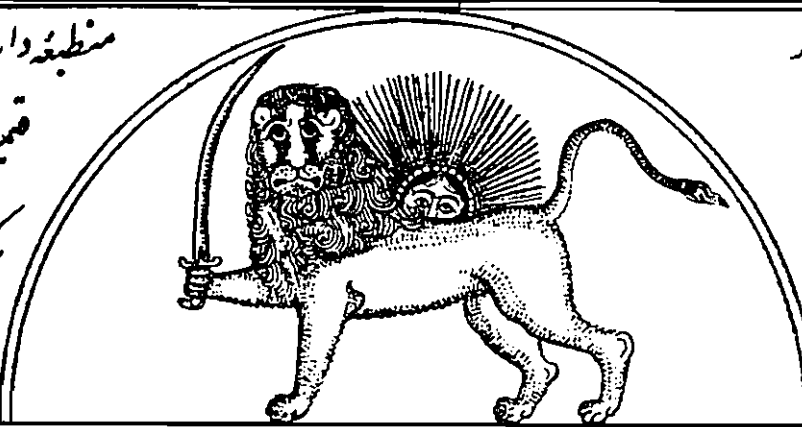
روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه غره ماه صفر المظفر مطابق سال اوایل ۱۳۳۵

مهر صد و چهارم و چهارم

قیمت روزنامه

یک نسخه ده شایر

صفت چهار هزار



منطقه دارالخلافه طهران

قیمت اعلانات

یک سطر المهر بر خط کهنه

بیشتر بر خط کهنه

اخبار واحوال ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

اعلیحضرت پادشاهی چنانچه در روزنامه سابق نوشته شده هنوز در قصر قاجار تشریف دارند و چون چند روزی که در ناخوشی شهرت مخفی بسر سپیده است بنیاد ازینکه اگر انشاء الله بامر رفع شود روز جمعه و دوم ایماه ربیع المبارک سلطانی و موقر سلطنتی تشریف فرما شود

ناخوشی و با که درین روز در دارالخلافه طهران مجدداً بروز نمود چندی شدت کرد و لکن این روز که هوا برودتی بهم رسانده است از یوم ۲۳ محرم تحقیق کلی حاصل شد که بروزی شت نفروفت نفر رسیده است و امید که انشاء الله درین روز با بکلی رفع شود

درین روز با هوای دارالخلافه طهران بخلاف سالهای گذشته زود سرد شد و در کوه شمیران برف زیاد آمد و هوا بطوریکه برودت بهم رسانده است که اغلب مردم بدون کلیجه و بالا پوشش نمیتوانند راه بروند و اکثر روزها ابر است و اعیان نابارندگی نیز میشود و در اوایل تابستان امسال هوای دارالخلافه طهران سرد و خشک بود و لکن در آخر تابستان

و اوایل پائیز بهوار اگر کم کرده بود تا در این روز ناله هوا بطور سرد شده است که کسی بخاطر ندارد که درین فصل هوای ^{مخوفه} باین برودت شده باشد

امور دارالخلافه طهران بهمه جهت کمال نظم دارد و بسیار کم و بیجای می شود و اگر گاهی کسی مصدر سرعت یا شرات بشود بسزای خود میرسد از جمله دو نفر در درین روز در محلات طهران گرفته بودند بنزد نواب شتابان شاهزاده و الا بتبارک حکمران دارالخلافه طهران و توابع او درند بعد از آنکه اموال مردم را از آنها استرداد و بصاحبانشان رو نمودند و تقصیرشان حکم پرتیبیه است آنها نموده

و هم چنین شخصی در بازار قمشه و آقا ز شرات کرده وقتیکه معلوم کردند شرب کرده و مست بود و از روی سگ بشرات اقدام نموده بود او را گرفتند خدمت نواب شاهزاده آوردند و حسب حکم نواب معزی المیه تیبیه است

چون مقرب الحاقان جهانسوز خان امیر خور در خدمت محول بخود استقام نموده و خاطر اهدس همایون را از خشن

خدمت گذاری خود خورسند داشته بود محض ظهور در آن
لوکانه درین اوقات یک ثوب کلبه از ملبوس تن مبارک
برسم خلعت بقرب انخاقان بشار الیه غایت فرمودند

جناب جلالتاب سفیر کبیر دولت علیه عثمانی احمد فین
در روز چهارشنبه بیت و نیم ماه محرم الحرام بدین جناب
جلالتاب اجل اکرم افرح صدر اعظم از تشریش بقصر
آمده بود و جناب جلالتاب صدر اعظم در روز جمعه
دویم ماه صفر محض خشنودی جناب سفیر کبیر و ملاحظه آنجا
دو تن علی بن بنزل جناب سزی الیه باز دید کبیر
میرند کمال مراد و مواخات بعمل خواهد آمد

نظر بحسن خدمات امیر الامراء العظام محمد حسن خان سردار
حاکم یزد و کرمان که در انتظام امور آن صفحات اهتمام
نمود خاصه در شدت ناخوشی آنجا که روزی چهار صد
نفر از ناخوشی و با تلف می شد محض انجام خدمت دیوان
و انتظام امور ولایت از شهر بیرون رفته از بدو تا ختم
در شهر توقف داشت خدمات او در نظر مهادر پادشاه
جلوه کرد دیده موازی یک ثوب قبا ی زمه حاشیه دار
نظامی بسیار مخصوص اعلی از ملبوس تن مبارک برای او
مرحمت و ارسال فرمودند

در روز پنجشنبه بیت و نیم ماه محرم الحرام عمده انخانین العظام
سردار سلطانعلی خان پسر سردار کمدل خان سردار قند
که بجهت اظهار طاعت و انقیاد باین دولت جاوید نهاد
بدر بار جایون آمده بود با همراگان خود شرفیاب حضور
مرد ظهور خسروانی گردیده و تحف و هدایائی که از قبیل
زمنه فردا اعلی و برنج هندی که کمال امتیاز داشت از

حضور مبارک گذرانیده از جانب سنی ابجانب لوکان
انظار التفات زیاد نسبت بشار الیه و سمران
او گردیده مورد مراد اعلی حضرت پادشاهی

مقرب انخاقان میرزا صادق مستونی که بعزم زیارت
مشهد مقدس در سید کی با مورد دیوانی آنجا ما بود
این اوقات با مورد آنجا رسید کی نموده و از ارض
مراجعت بدر بار جایون خسروانی نموده وارد دار
کردید

امور اقشونی

سید نفر سواره کردمانی ابوجحیی عالیجاه نادیر
سر کرده سواره منور ابوجحیح مقرب انخاقان آقا خان
سرتیب سواره و اگر اذقروین که مامور خراسان بودند
این اوقات مرضی حاصل نموده از خراسان بدر بار
جایون مراجعت کرده اند

افواج فدوی فراگوزلو چون یکسال بود که در قراولخانها
دار انخلاقه مشغول فراولی و حفظ و حراست بودند و درین غایله
ناخوشی بسیار رحمت کشیده اند لکن درین اوقات بحسب
همایون موجب آنها را لشکر دیوان عظام سان دیده و در
مرخص خانه نمودند که چندی رفته در او طمان خود آسوده باشند
و افواج قزوین بجای آنها مامور قراولی قراولخانهای
گردیدند

دو فوج کزازی که مدتی متوقف دار انخلاقه بودند و درین ناخوشی
کشیده اند درین اوقات آنها نیز بحسب الامر همایون مرخص خانه شدند
و همچنین دو فوج کروسی که در سلطانیه ملزم کابل بودند در
مراجعت از سلطانیه مرخص او طمان شدند

اخبار دول خارجه

درین هفت روز اول خارجه اخباری نبود که مستحق
به ترجمه کردن و نوشتن در این روزنامه باشد
مگر آنچه در ضمن احوالات متفرقه نوشته میشود
احوال متفرقه

در روزنامه یسکی دنیای شمالی نوشته اند که درین
روزها کشتیها از سمت کجلی فاریا آمده و طلای زیادی
از معدن آنجا آورده بودند اما از فرار کشتیجات تجاری
آوردن القدر طلا بشهر نیویارک یسکی دنیای شمالی
چندان تفادلی در قیمت طلا نگذاشته است و از آن قیمی
داشت تزل نموده است اکثر ممالک روی زمین از
جستن طلا در کلی فاریا منفعت برده اند خصوصاً مملکت
یسکی دنیای شمالی و شهر نیویارک که از آمدن طلا با
وروانه کردن از آنجا بسیار ممالک روی زمین
انها رواج در رونق خوب گرفته و منفعت زیاد کرده
و در بعضی جایهای آن مملکت که در سمت معدن طلا میباشد
سابقاً هیچ تجارت نداشتند حال بجهت کثرت خلق تجارت
آنجا افزاوانت و چونکه بند بزرگ یسکی دنیا شهر نیویارک
اکثر مال التجاره که از فرنگستان می آید و طلای معدن
دیگره با سخامی آید تجارتشان بسیار رواج است و اهل
آنجا منفعت زیاد ازین تجارت میبردند خدای تعالی
وقتی که معدن طلا تازه در آنولایت پیدا شده بود بسیاری
از مردم همان میرند که طلا در کل وی زمین تزل خواهد کرد
بلکه قیمت نقره خواهد شد زیرا که دیدند که طلای فراوان
مملکت کلی فاریا در می آید و لکن حال معلوم شده است که

چندان فرق در قیمت طلا نسبت بقره بهم نرسیده است
اما در تجارت و داد و ستد تجارت فرق زیاد کرده است
و اکثر جایهای روی زمین که تجارت زیاد دارند خصوصاً
بنادر است کل ممالک تجارتشان بسیار رواج شده است
اهل یسکی دنیای شمالی اول که بجلی فاریا رفتند و
معدن طلا پیدا کردند از خاک رودخانه در می آوردند که
خاک را می شستند و طلا از میانش در می آوردند و در
دره ها و جاهای نیر که سیلاب آمده بود همین طوری طلا
از میان خاک می جستند بعد از آنکه جمعیت زیاد با
رفتند اکثر این جایها را خاکش را شسته و طلای او را از
میانش در آوردند بعضی مردم چنان میدانستند که طلا
انولایت نام میشود درین من اصل معدن طلا را جستند
و فهمیدند که این طلا که در میان خاک رودخانه یافت
میشود در میان سنگ سفید است مانند سنگ عقیق
که بر روی آب سیل بیکدیگر زده و خرد کرده داخل
خاک رودخانه نموده است کارخانه در آنجا راه انداختند
و این سنگ را خرد می کنند و بعد از آن که اخته
طلای او را در می آورند و اسبابی که این سنگ را با
خرد می کنند مانند سنگ بار و ط کوبی است و در بر جا
نار در دهانه آب روان با چشمش را با آب حرکت
میدهند بسیاری اشخاص که در انولایت قدری حساب
تجاره شده اند دیگر خاک طلا نمی شورند با دیگران
می شوند و اسباب کوبیدن و کداختن سنگ براه
می اندازند بعضی از ممالک منتهی منفعت زیاد از در آوردن
طلا در یسکی دنیا دیده اند جمعیت آن ممالک نسبت بوجه

ولایت حبلی زیاد بود و بجهت زیاد شدن خلق و کمی زمین زراعت بابل آنجا بسیار تنگی روی داده بود حال بسیاری از آنجا بگردن رفته اند یا به سیکی دنیا یا بجای آنکه آبادی نداشته رفته آبادی کرده اند بامعین طلائف آنست و چونکه مردمان با غیرت و کارکن پیمان کارشان در آنجا خوب پیش میرود

در بعضی از ممالک منهد در باب کوبیدن آبله اطفال حکم از دیوان است که اگر نامت معینی آبله اطفال کوبیده نشود پدر یا مادر طفل یا کسی که طفل متعلق باوست جریمه میشود و صد در این حکم بسیار منفعت بابل آنولایت کرده است بطوریکه در بعضی جاها که ناخوشی آبله بسیار بود و اطفال زیاد تلف می شدند حال بالمره رفع شده است و چنانچه در روزنامه سابقه نوشته شده است این حکم را دولت انگلیس نیز در ممالک خود جاری کرده است و امید دارند که در آنجا نیز اینطور اثر بخشد که بعد از چند سال این ناخوشی ممالک انگلیس نیز نجاتی رفع بشود

درین ایام اهل اکثر ممالک دی زمین در کار مملکت من نظر انداخته اند که بپسند جنگ آنولایت آخر یکجای آنجا گذشته از آنکه چنانکه در کل ممالک دی زمین مصرف میشود چنین است مگر جزئی که در مملکت اسماعیل می آید و خرمی دیگر نیز تجارت بسیار دارند و طایفه در روی زمین است که تجارت بولایت چین نداشته باشد و اگر این طوایف اجناس از خود ولایت چین بخرند از تجاری که اجناس از چین می آورند میخرند اهل هندوستان زیاد تر آنجا از تجارت اینولایت منفعت ببرند خصوصاً از تراب

که از جمله حاصل غده هندوستان است و دیوانیان از تجارت نریاک جنبهائی سالی دو ملیان و پانصد هزار پوند که تخمیناً پانزده کرد پول ایران می شود منفعت بسیار تجارتی که اهل انگلیس با اهل چین دارند سالی نزدیک نصف است و اگر در پول ایران حساب می کنند و مگر که چنانچه در ولایت انگلیس که هر ساله عاید دیوان می شود شش ملیان پوند است که تخمیناً بیت و چهار کرد پول ایران میشود باین دلایل کل اهل روی زمین خصوصاً اهل انگلیس بسیار منتظر اخبار مملکت چین هستند تا آنجا که جنگ و اغتشاش آنولایت چندان ضرر بر باد و سست تجارت کرده است و لکن احتیاط دارند که اگر این جنگ رود تمام نشود در امورات تجارت عیب و نقصی دارد بیاید چنانچه در روزنامه های سابقه نوشته شده است شهر سنگین که بعد از پیکن پای تخت چین بزرگترین شهرهای آنولایت است در دست یاعیان بود و چونکه اکثر اجناس که پای تخت میرود از رودخانه که از رود روی شهر سنگین میگذرد و میرند آرزاه که شهر نوب در دست یاعیان است راه بدون اجناس پای تخت از آنجا بریده شده است و در ولایت چین دیوان مالیات زیاد از خنس میگیرند و مالیات نقدی از خلق بسیار کم گرفته میشود و بجهت سته شدن راه اهل از سنگین مالیات نیز عاید دیوان نمی شود در روزنامه های مذکوران که از روزنامه چین ترجمه نموده و چاپ کرده اند پادشاهان چین را که از طایفه تانارستان هستند مغول نوشته اند و لکن کوبا اصل اسم این طایفه

تاتاری که در چین سلطنت دارند همچو چپاشد
 و بعضی هم می نویسند که طایفه منچو جزو طایفه
 مغولند و از اول جمله طایفه منوره بنجاک چین تا وقتیکه
 درست مستقل و صاحب ولایت شدند چاه
 طول کشید حال می ترسند که برسم زدن دولت
 تاتار بهادر چین هم باز مدتی طول میکشد اگر چه در آخر
 کاریا غیان پیش برود و لکن تاتار دولت پادشاهان
 طایفه تاتارستان را در ولایت چین برسم
 و ولایت دوباره نظمی یکسر مدتی طول خواهد
 خصوصاً این سبب که ناجال طایفه تاتاری در
 صاحب ولایت اند و قشون رشید ولایت چین
 ازین طایفه تاتار است و اگر در جنگ عظیم شست
 سجزرند چنان نیت که دست بکشند خاموش نخوا
 شد و جنگ را موقوف نخواهند کرد در هر حال
 مدتی طول خواهد کشید تا آنولایت دوباره نظمی یکسر
 و از قرار روزنامه آخر که ازین ولایت رسیده
 پادشاه چین فرمان صادر کرده و از اهل چین امداد
 خواسته بود که رفع حمله باغیان را بکند و چنانچه
 نوشته شده است بجهت نرسیدن مالیات از
 جنوب آنولایت دولت بی پول مانده است و باین
 سبب که در تریاک که از هندوستان با آن
 میرود گذشته اند از آنقدر که از هر صندوق تریاک
 چهل دالار که بیت تومان بحساب پول ایران باشد
 یکصد ساق با تجارت تریاک قدغن بود اما با و
 قدغن شدن باز تریاک با آنولایت میسر و ندهند

این کم کم را که تریاک گذاشته اند بسیار کم است
 کمان ندارند که ازین قرار سالی دو کر و بیشتر از کم
 تریاک عاید بشود و این مبلغ کم نسبت باخرجات
 زیاد که دارند رفع معطلی آنها را نخواهد کرد
 از هندوستان خبری نرسیده است مگر آنچه در
 روزنامه های سابق ترجمه و چاپ شده است
 در باب مملکت برمه که با دولت انگلیس جنگ
 نوشته بودند که جنگ موقوف شده است
 تفصیل صلح و قرار عهدنامه که مابین دولتین چگونه
 بسته شده باشد نرسیده است که درین روزنامه
 نوشته شود
 در فصل بهار امسال پای پای رومه که بزرگ ملت کولیک
 صیوی و حکمرانان آن سمت مالک ایتالیا که رومه
 میاندمت از جماعت تجار یهودی که در لندن میباشند
 خواه بجهت اخراجات دولت خود شس فرض کرده
 از آنوقت که اهل رومه از پای پای غنی شدند و او را از
 ولایت بیرون کردند تا اینکه قشون فرانسه با امداد
 پای آمده و با باغیان رومه جنگ کردند و باغیان را
 شکست داده دوباره پای پای را در آنولایت مستقل کردند
 مالیات و داد و ستد این مملکت بسیار معشوش شده است
 و بجهت رفع معطلی خلق دیوانیان آنجا پول کاغذ رواج
 کرده بودند اما چون خود دولت اعتباری چندان نداشتند
 این پول کاغذ در دست خلق بطوری که معین شد بود
 رواج نبود و در داد و ستد بسیار تنزل داشت حال که
 این خواه را از بنجار منوره فرض کرده اند پول کاغذ را

موقوف میکنند و در عوضش پول طلا و نقره میدهند
 چند سال پیش ازین بنیاد داشتند که درین مملکت
 راه آهن بجهت تردد کال که بنجار مانند سایر دول بسیار
 چون نتوانند داشتند متی موقوف کرده بودند اما
 بعد از گرفتاری این نتوان بنیاد داشته اند که راه آهن بسیار
 وزود با تمام برساند قشون فرانسه که چند سال است
 در آنجا ساخلو میباشند باز در آنجا بودند و در مملکت
 فرانسه چند می پیش ازین گفتگونی بوده است که این
 قشون را از روم بردارند و بولایت فرانسه بفرستند
 بدینجهت اینکه دولت فرانسه میخواهد که مخارج این
 قشون را بکشد و لکن چونکه دیدند که پایا بدون زور قشون
 فرانسه امر آنولایت را نمیتواند از پیش ببرد قشون
 مزبور را باز در آنجا گذاشتند سیاحان و غیره که برو
 سیر و زنده از قشون فرانسه که در آنجا هستند بفرستند
 و توصیف میکنند اگر چه بچنگ و غلبه با آنولایت
 آمده اند ولیکن بعد از موقوف شدن جنگ کمال
 سلوک را مرعی داشته اند و بیچکس کله از قشون
 فرانسه که ساخلو روم اند ندارد
 از فرار یک در روزنامه فرانسه نوشته بودند کار اینست
 مغرب زمین که البحریره مینامند و در دست دولت
 فرانسه است روز بروز در ترقی بود آنست
 المملکت که در کناره دریاست کم حاصل است و خشک
 و بی آب و ماوسط آنولایت جایهای بسیار حاصل
 دارد و حال دولت فرانسه مشغول ساختن راههاست
 عراق و آنولایت میباشد که حاصل آنجا را که از کناره

۹۰۶

در یاد و دست باستانی با آنجا حاصل و نقل نمائند
 که بفرنگستان و سایر جایهای روی زمین ببرند از جمله
 حاصل اینولایت غله فراوانست و مرکبات و سایر
 قسام میوه و زیتون نیز در آن مملکت فراوان است
 و چونکه در کل فرنگستان روغن زیتون زیاد مصرف
 می شود زیتون و روغن زیتون حاصل عمده این مملکت است
 که فراوانست و بعد از آنکه راه ساخته بشود این حاصل

میرود و منفعت زیاد میکند

از فرار که در روزنامه سینکی دنیای شمالی نوشته بودند
 ما بین آن دولت و دولت مکسکو در خصوص سرحد این
 باز گفتگونی شده بود و اهل مکسکو از اهل سینکی دنیای شمالی
 بسیار رنجیده بودند و دور بودند که بچنگ بکشد و اگر جنگ
 بشود اهل سینکی دنیای شمالی مکسکو غالب خواهند آمد و هر
 معلوم است که اهل مکسکو قوه روبرو شدن با اهل دولت

سینکی دنیای شمالی ندارند

اعلامات

کتابهای چاپی دار انجمن طهران که در کارخانه حاجی
 عبدالمجید با سه جلدی در محله نزدیک دروازه دولت
 انطباع شده از ایتوار فروخته میشود

- ۱- مجمع البیان شش تومان
- ۲- شاهنامه چهار تومان و نیم
- ۳- معراج السعاده دوازده هزار
- ۴- حتمه نظامی نه هزار
- ۵- سالک شش تومان
- ۶- مدارک سه تومان

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم شنبه ۱۳ شهریور ماه صفر المنظر مطابق سال اودیس ۱۲۷۰

نمره صد و چهارم پنج

قیمت روزنامه

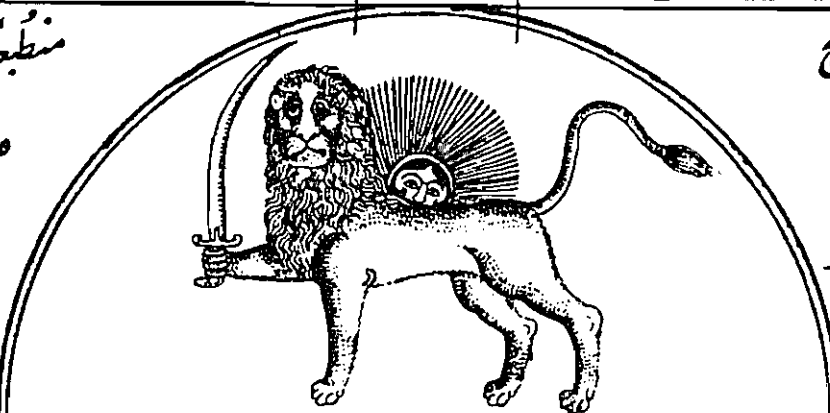
یک نسخه شش ماهی

هفتاد و چهار هزار

منطبعة دار الخلفه طهران

همیت اعلانات

یک سطر الحجاره
بهر خط
بسیار با هر سطر
پنج هزار



اخبار داخله مالک محروسه پادشاهی

دار الخلفه طهران

چون تا خوشی و باد در این روز با در دار الخلفه طهران بحقیقت کلی یافته است حتی از فرار روزنامه شهر بوزی و وفرد یک نفر رسیده و امیدست که بجلی رفع بشود لهذا چنانچه در روزنامه گذشته اشعار شده بود در روز دوم این ماه اعلیحضرت پادشاهی از قصر قاجار شهر حرکت فرموده یک ساعت و نیم بعروب مانده از دروازه جدید محمدیه وارد شهر گردیده و بالشوکه و الاقبال بکار ارک مبارک که سلطانی و مقرر سلطنت عظمی نزول اجلاک فرمودند

و آتش بازی در حضور مبارک چیده و آتش را بعین شادمانی مشغول بودند و روز سه شنبه که روز عید مولود بود بقانونی که معمول و متداول این دولت اعلیحضرت پادشاهی در تالار عمارت باغ باسلام عام دادند و امنای دولت علیه و مقربان حضرت گردون لبطت سینه هر یک در محل و مقام خود حضور مظهر ظهور گردیدند و توپچیان و زنبورکیان بفرمان شلیک توپ و زنبورک نمودند و بعد از انقضای سلام عام اعلیحضرت پادشاهی بعمارت سردرب دیوانخانه مبارک که مشرف بمیدان ارک است تشریف فرما گردیده عموم انامالی دار الخلفه مبارک از صغیر و کبیر در میدان ارک بجهت زیارت وجود فایض البجود اعلیحضرت پادشاهی مجتمع گردیدند و اظهار مسرت و خورسندی نمودند

در روز یکشنبه چهارم این ماه که اسبان ایلی پادشاهی در بیرون شهر در پهلوی باغ لاله زار آورده و حاضر کرده بودند اعلیحضرت پادشاهی طرف عصر از دروازه دولت بیرون تشریف برده اسبان ایلی را ملاحظه فرمودند

در روز سیم ماه صفر المنظر بنا بر رسم معهود و جناب جلالت انصاف صدر اعظم اکرم اراده نمودند که بیاز وید جناب وزیر مختار دولت بتهیه رسیده

و بجلی آنها فریبه و چاق نیز مبارک رسیدند در شب سه شنبه ششم این ماه که شب عید مولود اعلیحضرت پادشاهی بود حسب الامر عالیون اسباب جشن چنان

چون جناب وزیر مختار تازه بشهر آمده بودند رضی
 برحمت جناب معظم الیه نشند و باناسف زیاد
 خواستند نظر کمال اتفاق و آسانی که فیما بین
 ایران و روس حاصل است جناب وزیر مختار در
 جناب جلالتاب صدر اعظم را ملاقات نمود
 و بحضور تایون نیز مشرف شدند

بودند بعد از رسیدن عوض آنها بفارس حسب
 روانه رکاب مبارک شدند چون درین چند وقت
 آتی از خدمت نیاسوده بودند لهذا مقرر شد که از قم روانه
 آذربایجان شوند و سرزنک و صاحب منصبان آنها
 برکاب مبارک آمده مطالبی که داشته باشند بدر
 تایون عرض نمایند

افواج فرامان جمعی عالیجاه محمد حسن خان سیرپ که عوض
 افواج قشار مأمور خدمت حشران شدند اینروزها روانه
 خواهند شد

جناب جلالتاب ایلیچی کبر دولت علیه عثمانیه در روز
 مولود اعلیحضرت پادشاهی بحضور تایون شرفیاب
 گردیدند

شعبان سرتیب که سالهای سال بدولت قاهره
 گرد این روزها تصدق فرقی مبارک شد اعلیحضرت
 پادشاهی محض ملاحظه خدمات مرحوم مشارالیه منصب
 سرمنشی فوج مخبران قراقرز و جمعی عالیجاه ستم خان کبرالیه
 و خود او را با فوج عوض فوج قهرمانیه مأمور خلو کرمان فرمودند

دوهم چنین جناب جلالتاب وزیر مختار دولت عثمانیه
 روس نیز در روز مزبور با صاحب منصبان سفارتخانه
 شرفیاب حضور مبارک اعلیحضرت پادشاهی که دیدند
 نظر برایت خدمتگذاری مقرب انخاقان محمد ناصر خان شکاف
 باشتی که خاطر آمدن تایون را از حسن خدمات خود خور
 داشته بود در روز عید مولود اعلیحضرت پادشاهی محض
 ظهور رحمت طوکانه در باره مقرب انخاقان مشارالیه
 جبه زمه کشیری برسم خلعت در حق او عنایت فرمودند

سایر ولایات

حکمران مازندران در انتظام امر ولایت و رفاه
 حال رعیت کمال اهتمام دارند از جمله بعضی
 شاهزاده رسیده بود که عالیجاه میرزا اسمعیل خان
 دو هزار کوسفند از رعایای مل و توابع گرفته است
 و اب معزی الیه بجزد استحضار لشکری تعیین کرده
 و رفقه تحقیقت رسیده و کوسفند های رعایای مزبور
 گرفته بصاحبان شان رد نموده است و رعایای مزبور
 کمال شکر گذاری از عاطفت این دولت علیه نموده اند

چون مقرب انخاقان شیرخان ناظر در انجام خدمات محوله
 بخود کمال اهتمام نموده بود و خدمات او در نظر اقدس
 مستحسن و مقبول افتاده لهذا درین اوقات بیک لوش
 کلیجه از لباس تن مبارک برسم خلعت با فتحا
 مشارالیه رحمت فرمودند
 امورات قشونی
 فوج بهادران که دو سال بود که مأمور ساخون فارس

۹۰۸

فارس

از بندر نهاوند نوشته بودند که قریب چهار صد گاه
از مال الی بحرین و غیره با آنجا بجهت در آوردن صدف
مروارید آمده بودند و مدتی است که در آنجا مشغول
در آوردن صدف میباشند

دیگر نوشته بودند که شخص عربی از بندر عسقلو تقریباً
دو نوک از مضافات بندر مزبور است میرفته است
در بین راه شخصی شکاری باو برخورد کرده است چون
زیر شال آن عرب در پیش رویش برآمد کی بوده است
شکاری تصور کرده بود که گیسوی پوی در زیر
شال او خواهد بود بطمع پول عرب بچاره راضی
گلوله نموده و فوراً قتله تسلیم نموده بود بعد از آنکه
شکاری بسراورفته و شال کمر او را کشوده بود خند
داند پیاز در میان شال او بود و است که آن شکاری
پول تصور کرده بود

دیگر نوشته بودند که شخص عربی از بندر عسقلو تقریباً
اخذ رفته قدری خرما خریده و بالاغ خود حمل نموده
و از آنجا مراجعت نموده بوده است در پهن راهی از
عقب او را صدا نموده نگاه کرده است دیده است که
همان شخصی است که باو همراه فرودخته است نزدیک که
رسیده بود تفنگ را بر دست کشید و عرب را
به تیر زده مقتول کرده و بالاغ و خرمای او را تصرف
شده بود

دیگر نوشته بودند که یک بقعه از مال حاجی عبدالمستی
بحرینی عم مساوت بندر لنگه را داشته و در لنگه گاه

آنجا لنگه را اخته بوده است در نیمه شب طوفان عظیمی
افتاده و بقعه مزبور را به لنگه گاه زده و خورد کرده بوده است
بطوریکه صبح هر تخته خوب او را در جانی در روی آب
پیدا کرده بودند

در روزنامه شهر شیراز نوشته بودند که نواب
مستطاب شاهزاده و الا تبار موید الدوله لکهاست میرزا
در رسیدگی لغیر ایضاً مالی آنجا کمال اهتمام دارند
از جمله در بان را از درب دیوانخانه برداشته اند
که هر کس عرضی داشته باشد بدون مزاحمت و لغت
در بان رفته عرض خود را خدمت نواب معزی الیه بکند
و اجزای از ابجد، عالیجاه حاجی محمد هاشم خان
دیوان بیکی و اگذار کرده اند که بدون معطلی مطالب
مردم را انجام داده حکم نواب معزی الیه را جایز
سازد و ازین نوع استقامات نواب معزی الیه
عموم مالی اتولایت کمال رضامندی و شکر کداری
دارند

دیگر نوشته بودند که عالیجاه امامت علی بیگ افشار
یاورتو پنجاه مبارکه که با یکصد نفر توپچی آذربایجان
حسب احکام امپای دولت علیه مامور خدمت فارس
گردیده بود با پنجاه وارد گردیده و خدمت نواب شاهزاده
موید الدوله رسیده و نواب معزی الیه نیز کمال
الغبات در حق او مبذول داشته است
از سایر ولایات درین مقصد اخباری رسیده است
که در روزنامه نوشته شود

اخبار دول خارجه

حال چند وقت است که مابین دولتین عثمانیه و روس
غایب معاشرت و محبت و گفتگوی مخالفت در میان است
چون دولت علیه ایران را با هر دو دولت کمال دوستی
و موامدت است درین مدت که از گذارش ^{دو} ^{سین}
روز نامه گزیت اشعاری نیز رفت منتظر و طالب بود
که گذارش طرفین بصلح بیجا مد ریزد که دولت علیه ایران
طالب معاشرت و جنگ طرفین نبود و این مرحله را خیر
خوشی نمیدانست که در روزنامه نبوسید و امیدواری
کلی بود که گذارش طرفین بجنگ نکشد و صلح منتهی شود با
کیفیت محبت و مکالمات طرفین در روزنامه های فرنگستان
و غیره علی التوالی مباشترین روزنامه این دولت علیه
میرسید ولی بلحاظ مسطوره نوشتن آنرا منای دوست
علیه مناسب میدانستند تا درین اوقات که کار از
مکالمه بجار به کشیده و طرفین بجنگ اجبار کرده اند و
مصالحه قرار گرفته است لازم آمد که محلی از گذارش طرفین
در روزنامه گزیت قلمی گردد در بین گفتگوی دو کشور
کشتیهای جنگی انگلیس و فرانسه نسبت به باز پانین
وارد شده اند و قشون روس که در آن سرحدات
بود داخل مملکتین افلاق و بغداد که در نقشه های فرنگستان
گالدا و دیه و الایکی می نویسند شده اند و از قرار خبر
که رسید دولت علیه عثمانیه سردار قشون روس را
که داخل مملکتین مزبور شد است خبر کرده اند که در باره
روز باید و لایات مزبور را خالی نامیند و الاجتناب

۹۱۰

قشون سحری انگلیس و فرانسه که چند ماه است در
سمت بیرون بغاز پانین اسلامبول که وارد ^{سند}
نیز داخل همان بغاز شده اند که نسبت اسلامبول بسیار
دولت عثمانیه هم این جنگ را جهاد گفته اند و بکل
عثمانیه حکم جهاد را فرستاده اند از مصر و تونس
سایر ممالک تبعه عثمانیه قشون و پیشکش فرستاده
و از طرف دولت روس هم تدارک زیاد دیده اند
و گذشته از قشونی که در زیر حکم ژنرال کارچکوف
داخل مملکتین و الایکیه و مالداویه شده اند در هر یک
از ممالک آن اطراف قشون زیاد جمع می کنند
و همه تدارکات آنها را مهیا می نمایند قشون سحری دولت
عثمانیه در بغاز بالای اسلامبول رو بروی قصبه
بیوک دتیه که دو فرسخ از اسلامبول بالاتر است
کشتیهای جنگی عثمانیه را لنگر انداخته اند نسبت
فرادیکم و قشون سحری روس نیز در قرا دیکم هستند
هر دو قشون حاضر و آماده و جهای حرکت اند بطوریکه
در همان آن که اقدام بجنگ شود هر دو قشون حاضر
حرکت اند موافق روزنامه ها که رسید است مختصر
که گذارش دولتین مزبور تین این است و لکن باز آنها
دولت علیه ایران امید دارند که کار دولتین بجنگ
نکشد و طوری شود که از طرفین اقدام بمصالحه شود و اگر
حداستحاضه شده لا علاج جنگ بشود موافق اخباری
که بعد ازین از روزنامه های آنولایت میرسد ترجمه
و درین روزنامه ها نوشته خواهد شد

ولایت انگلیس بروز دارد

فرانس

تاریخ کاغذ آخر این ولایت نیز هشتم ذیحجه بود
 یک اردوی بزرگ قشون را که درین ولایت جمع کرده
 بودند مرض نموده اند و خود امپراطور بان اردو آمده و
 قشون صف مرتب بطور قلعه کشیده بودند که یک جانب آن
 باز بود و سه جانب آن صف نظامی کشیده بودند
 و یک طرف قلعه که باز بود امپراطور فرانس با امنای
 دولت در آنجا ایستاده بودند بعد از آن امپراطور
 قشون آمده و صاحب منصبان کل افواج را بحضور خوا
 بود و بسیار تعریف مشق و انتظام نظام آنها را نموده و
 تحسین کرده بود و ژنرالها از دول استریت و انگلیس
 پیدمانت و مانند که هر یک از دول خود را مور این اردو
 در خدمت امپراطور حضور داشتند و اسم این اردو
 اردوی سطوریت و اردوی بزرگ دیگر که دارند
 سمت شمال مملکت فرانسه است و اردوی حلقه مینا
 از اسم بنیاد استند که در سمیت و سیم ماه ذیحجه
 مرض نمایند و بعد از مرض کردن اردوی سطوری
 امپراطور و امپراطریس زوجه او از آنجا روانه شده اند
 که در سمت شمال مملکت فرانسه سیاحت نمایند و بنا
 شهر لیل و قصبهای کثلی و سنت او مر را سیاحت
 میکنند
 در روزنامه دولتی فرانسه که نایتیهر بنامند نوشته
 که کم کم جزئی و راهداری که از کشتیها در عبور از رود
 می گرفتند این اوقات از کشتیهای که غله داد و ده حمل

انگلیس کاغذ آخر که ازین ولایت رسید روایت
 هشتم ذیحجه بود درین فصل تابستان کشتیهای
 جنگی زیاد در دریای باریک مابین مملکتین انگلیس و فرانس
 کشت و مشق حرکت میکردند و در روزنامههای انگلیس
 نوشته اند که حکم شده بود که این کشتیها بشه قارق
 مملکت ایرلند بروند و از آنجا آذوقه برداشته بمیت
 آق دیگر روانه شوند
 پادشاه انگلیس در مملکت ایرلند بود و از آنجا کشتی
 خاص خود را سوار شده بولایت سکاٹلند رفته بود
 که در کوهستان آن مملکت که در فصل تابستان بسیار
 با صفا میباشد چندی توقف و تفریح نماید
 در روزنامه اطباءی شهر لندن بنا بر سنج بیت و حجم
 نوشته اند که ناخوشی و با تازده در مملکت انگلیس بروز
 کرده بود و این بار ششم است که ناخوشی و با باینولایت
 آمده است این و با که حالا مملکت انگلیس رسیده است اول
 در مملکت ایران بروز کرده بود بعد بمملکت روس پیرا
 کرد و تا شهر ارجنحال که نزدیک بجز منج است رفت
 بعد در ممالک کنار دریای شمالی بروز کرد و در ممالک
 وینمارک و سوید و نازونی شدت تمام داشت و در
 شمال منسه از جمله شهرهای سستین و برلین و راتردم و
 همبورق نیز بروز کرده و درین شهرها بسیار مردم تلف
 شده اند و از آنجا بولایت انگلیس رفته اول از ممالک
 که در ایام بیت بود سال پیش ازین بروز کرده بود باز بروز
 کرد و حال در شهرهای نوگسن و اطراف شمال غربی

۹۱۱

عینا بند برداشته اند

درین حاکمیت ما بسیار آن سمت فرنگستان امسال جای غله از هر قسم بسیار کم آمده است و از خارج غله زیاد با آورده اند و خلق خریده اند و دیوان هم غله خریده اند و انبار کرده اند و غله که دیوان خریده اند از مملکت نخلستان آورده اند و بجهت جبر قشون سحری و برکت آما با وجود این مان در پای تخت کاران کرده و باعث کفر خلق شده بود

در راه آهن ما بن شهرهای پاریس و برژود و دوستانه کال که بخار برسم خورده و پنج نفر کشته شده اند و بسیاری نیز زخمی و شکنجه گردیده اند

از شهر تولان که کشتی سازخانه و قورخانه بزرگ مملکت فرانسه در آنجاست نوشته اند که غله زیاد با آنجا آورده بودند و چونکه در راه هم بسیار بود آنجا که در آنجا داشتند جای نقد غله نداشت و انبارها دیگر در آنجا خالی و خراب میکردند

در روزنامه پاریس پای تخت فرانسه تاریخ بیستم ذی قعدة نوشته اند که دلی پاشا ابیحی که سیر از جانب دولت علیه عثمانیه که مأمور سفارت دولت فرانسه بود از پاریس بقصه دیپ رفته بود که در آنجا بخت

امپراطور فرانسه برسد
استریه

در تاریخ دهم ذی حجه امپراطور این مملکت از پای تخت وینیه روانه شده بود که باردوی المظن برود و در تاریخ بیستم ذی حجه امپراطور روس باردوی مزبور بیدین

امپراطور استریه آمده بود و امپراطور استریه هم استقبال امپراطور روس نموده و با هم داخل اردو شده بودند و در بیت و دویم ذی حجه قشون را بیرون آورده بودند بجهت مشق حرکت کلیه چهل و شش هزار نفر بودند و با کمال ارادتگی و سکوه و زینت مشق میکردند وزیر مختار پادشاه انگلیس و وزیر مختار پادشاه روس بنیاد داشتند که باردوی مزبور بیایند و در بیت چهارم ذی حجه امپراطور روس از آنجا روانه شد که بشهر وارد

برود و می گفتند که امپراطور استریه نیز بشهر و آنجا بسیار زدید امپراطور روس میرود که باردوی المظن درین امپراطور استریه آمده بود المظن شهری که حکایت است سمت شمال وینیه و سی فرسخ از شهر وینیه دور است خود شهر المظن بیشتر از نوزده هزار بابیت هزار جمعیت ندارد و لکن بلوکات و محال اطرافش که همین اسم را دارد بسیار آباد است

در گزنت دولتی شهر وینیه نوشته اند که کشتههای زیاد بان شهر آمده بودند و غله آورده بودند که رفع معطلی آنجا از آوردن غله بشود و لکن قیمت غله متزلزل نگرده بود بلکه قدری رو بترقی بود و در زمان گذشته بود

در روزنامه وینیه تاریخ شانزدهم ذی حجه نوشته بودند که تاج سلطنت مملکت مجارستان که در قافله اغتاش آنجا منقود شده بود درین روز تا پیدا کرده اند و بدست امپراطور استریه رسیده است و لکن بقصیل پیدا کردن تاج مزبور سایر اسباب

زینت سلطنت را درین روزنامه نوشته اند و
 درین باب از شش دوک البرط که یکی از اقوام امپراطور
 استریتیه و حاکم مجارستان است خدمت امپراطور
 استریتیه عهده داشته بود باین مضمون که جای شکر است
 که این تاج و اسباب سلطنت مجار در دوباره بدست
 پادشاه باستحقاق این مملکت افتاده است و من
 از جانب اهل مجارستان مراتب اطاعت و القیاء
 و جان فشاری و خدمتگزاری آنها را خدمت اعانت
 امپراطور عرض میکنم امپراطور در جواب او فرموده بود
 که بسیار خورسند شدم از پیدا کردن این تاج و اسباب
 اسباب و منظور من این است که بعد ازین خود اهل مجار
 مستحفظ این تاج باشند لهذا این تاج را بدست حاکم
 مجار میدهم که در پای تخت آنجا نگاه بدارد
احوال است متفرق

و فی مقدمه نوشته اند که پانزده روز بود که ناخوشی
 و باد آنجا بروز کرده بود و اما چندان شدت نداشت
 و امنای دولت آنجا چون نحو استه بودند که مردم را
 بخوف بیدارند چیزی در روزنامه چاپ نکرده بودند
 اما در روزنامه همان تاریخ در خصوص و با نوشته بودند
 که در چهار روز پنجاه و یک نفر تازه ناخوشی و باد آنجا
 گرفته بودند و بیت و مفت نفرو بائی فوت شده اند
 و ده نفر مرخص و بائی صحت یافته اند

پادشاه بلژ با حیاش در مملکت خود مسیاحت میکرد
 و از هر کجا که گذشته بودند مردم با کمال شوق و شغف و
 دو لخواهی استقبال و احترام نموده بودند

در روزنامه اسلامبول که در زبان فرانسه چاپ
 در خصوص و آری که مابین دول فرنگستان گذاشته
 باینطور نوشته اند که پارسال و کلاهی دول فرنگستان

در روزنامه انگلیس نوشته اند که زوجه لوی فیلیپ
 پادشاه سابق فرانسه که چند سال پیش ازین فوت
 شد میخواست از مملکت انگلیس شهر لزبوان پایتخت
 پورتو قال برود در دریا طوفان زیاد شده بود و کشتی
 نتوانست برود و مراجعت داده بودند و ملکه مری بود
 با عیال خود که همراه او بودند بیرون آمده و بلندن
 مراجعت کرده اند

با طلیبان در چند مجلس اجلاس کردند که در خصوص
 که احتیج بنائی بگذارند که از بیت خلق کمتر باشد
 ستیا حان و حمل و نقل آذوقه و بارهای تجارنی در گران
 معطلی بینند بطوریکه در بعضی جاها که سابقاً مردم
 بارهای تجارنی را نگاه میداشتند حال که احتیج را در
 آنجا موقوف می کنند باز در بعضی جاها اهل
 مردم را در گران نگاه میدارند که ولایتها را از نا

در روزنامه برلین پایتخت پروسیه نوشته اند
 که پادشاه پروس از آنجا روانه شده بود که بشهر
 بیدن امپراطور روس برود
 در روزنامه شهر رانزد مملکت بلژ متبایخ ۲۸
 عثمانیه در پایتخت پاریس سفیر کبیر است باین قرار قول

مصری محافظت نمایند و در روزنامه دولتی فرانسوی
 بیت و سیم شعبان چند فقره این عهد نامه را جا
 زده اند و کلاهی دول و و بی پاش که از جانب دولت
 عثمانیه در پایتخت پاریس سفیر کبیر است باین قرار قول

در ایام قدیم کشتی و سیاح که از مملکت عثمانیه بفرنگستان
می آمد و ایام الاوقات در کراختین نگاه میداشتند حال
بعضی ازین کراختینهارا برداشته اند بسبب اینکه حال
جمع شده اند از نظم کراختینهای مملکت عثمانیه کشتی که
از سمت فرادیکبر مالک اطراف آق دیکبر روانه میشود
اگر شش روز در راه بوده باشد و ناخوشی در آنوقت
بروز نکند بورود ولایات مزبور کراختین ندارد مشروط
بر اینکه یک نفر طبیب در کشتی مزبور باشد و اگر طبیب
نباشد مدت ده روز معین کرده اند این کراختین بار
در قدیم بسبب ناخوشی طاعون گذاشته بودند حال
حاضر است که این ناخوشی بامته از اکثر مالک رفع
شده است از آن سبب لازم نمیدانند که بان سخی کراختین
نگاه بدارند

ایضا در همین روزنامه نوشته اند که بسبب ناخوشی
و با که در مملکت ایران و روس چند وقت است که بروز
کرده است درین روزها در شهر اودسه مملکت روس
همه مت در کشتیها که از سمت اودسه وسایر شهرها
کنار فرادیکبر باسلامبول می آید پنج روز کراختین
گذاشته اند

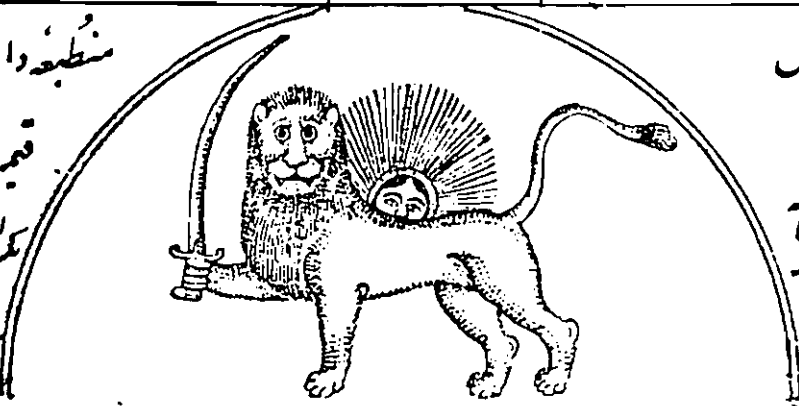
ایضا در همین روزنامه نوشته اند در خصوص کارخانه
کافه که دولت علیه عثمانیه در اصفیه بر راه انداخته اند درین
روزها در میان کارخانهای کافه کمتر کارخانه باین
بزرگی و خوبی هست در اول ساختن این کارخانه مخفی
ساختن کافه سبجه کافه و فرخانده دولتی بر راه افتاده بود
حال زیاد میسازند و بفرودش هم میرود ازین معلوم میشود

که این کارخانه خوب میسازند که چند سال پیش ازین
وقتی که نمونه اجناس کل روی زمین را بعمارت بلور
لندن جمع کرده بودند نشان پسندیدن کافه این کارخانه
بصاحب کارخانه مزبور دادند در اول ساختن این کارخانه
بسیار مشکل بود هم از برای اینکه جانی که این کارخانه
میساختند چمن و گل بود و خشک کردن آنجا و ساختن کارخانه
بروی آن صعوبت داشت و هم اخراجات زیاد
سبب آوردن عمده از جاهای دور دست داشت حال
هزار نفر درین کارخانه کار می کنند و کافه که میسازند
مقابل کافه های فرنگستان می آید

در اسلامبول طایفه جهود که در آنجا هم بسیار زیاد
مستول و دولتمند روزنامه بزبان خودشان بر راه انداخته
و بسیار بطور خوب هم راه میرود چند وقت پیش ازین
که زلزله در شهر نیز مملکت یونان اتفاق افتاده بود
و بسیاری از مردم آنجا تلف شده بودند و خانهها
خراب و شکسته شده بعضی اطفال یتیم مانده بودند و
بسیاری از مردم در بیرون بی خانه و منزل در نهایت
عسرت و پریشانی بسر میبردند درین بین احوال پریشانی
اهل آنجا در روزنامه جهودان اسلامبول نیز مانند
سایر روزنامهها چاپ زوده شده بود جهودان
بعد از اطلاع ازین گذارش در میان خودشان
تخواه زیاد بعنوان احسان بجمع کرده و باهل شهر
مزبور که سبب زلزله متضرر شده بودند فرستادند

روزنامه وقایع اتفاقیه بتاریخ یوم شنبه یازدهم ماه صفر سنه ۱۲۷۰

نمره صد و چهارم
قیمت روزنامه
یک ششده شاهی
وقایع چهارهزار



منطقه دارالخلافه طهران
قیمت اعلانات
کلیه مطبوعات
بسیار با هر شماره

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز جمعه نهم این ماه اعلیحضرت پادشاهی بفرمان
امامزاده واجب التعظیم حضرت شاهزاده عبدالعظیم
حرکت فرمودند و بعد از زیارت حوالی عصر بکلیه
بغروب مانده بارک مبارک سلطانی مراجعت نمودند
و هم چنین در روز دوشنبه بتفریح امیرآباد و آن
اطراف غزیت فرموده تشریف فرما اینجا گردیدند
و تا غروب آفتاب در آنجا توقف و تفریح فرمودند و بعد
غروب آفتاب بمقر سلطنتی و در وقت فرمودند
نظر باینکه بر هر دولتی لازم است که مملکت و رعیت خود را
از هر گونه صدمه و آسیبی محافظت نماید خصوصاً در این ایام
که عمت ملوکانه اعلیحضرت قوی شوکت پادشاهی
بسواره مصر و انتظام امور ولایت و رفاه حال
لند درین روزها که ما بین دولت بهیه روس و دولت
علیه عثمانی چنانچه در روزنامه مفصلاً گفته شده است
جنگ است باقتضای رای جهان شر و انی و ملاحظه
حفظ مرحداتی که بمقتورترین است حکم فرمودند

که امیرالامراء العظام سردار کل عت کر منصور از دربار
همایون با آذربایجان روانه شود که قشون آن سرحدات را
مصبوط و متین نماید که در هر حال در کونه اتفاقی که بیفتد
دولت علیه ایران مأمون و محروس باشد و درین
امیرالامراء العظام سردار کل حسب الامر همایون روانه
خواهد شد
در روز چهارشنبه چهارم این ماه عالیجاه بلندجگاه
آیت صاحب قوسول دولت بهیه انگلیس مقیم دارالخلافه
طهران که مدت سال بود از دولت خود مرخص شده
و بوطن خود رفته بود وارد دارالخلافه گردید و از آزاره که امن
دولت علیه ایران دایم الاوقات طالب دوستی و اتحاد
دولت بهیه انگلیس هستند و نظر با احترام عالیجاه پادشاهی
عالیجاه مقرب الحضرة الحاقانیه میرزا عبدالغفار خان با
اول جناب وزیر دول خارجه را باسی نفر عظام و چند نفر
صاحب منصب با استقبال عالیجاه پادشاهی رسانیدند
و او را با کمال احترام وارد شهر نمودند

۹۱۵

۱۴۶

امورات قشونی

سایر ولایات

چون مرحوم عباسقلی خان میرنچ اوقات خود را صرف خدمتگذاری کرده و خدمات او منظور نظر همایون بود لهذا عالیجاه مادی بخان سپه او را مشمول رحمت طوکار داشته منصب جلیل تیرسی افواج نیشابور و تربت از فرار فرمان جهانمطاع بشار الیه محول فرمودند و این روزها از رکاب مبارک مرخص شده برای سرکشی افواج مزبور روانه خراسان خواهد شد

آذر بایجان از قرار نوشنجاتی که درین روز از تبریز آمد ناخوشی دبا که چند وقت پیش ازین در آنجا بروز کرده بود بعد هوا سرد شده و برف باریده و ناخوشی مزبور تخفیف بهم رساند درین روزها باز شدت کرده بطوریکه روزی پنجاه نفر و شصت نفر میمیرند بمطلب از هنوز در روزنامه دولتی که از آنجا پیش می آید نوشته اند اخبار مکاتب و گفتگوی خلق است و امید است که انشاء

باین شدت نبوده باشد

سر و

عالیجاه حیدرعلیخان نایب دویم اجودان باشی که سیاه سال است بخدمات نظامی مشغول است چون در این خدمت کمال وجهه از او ظاهر شده بود لهذا اعلیحضرت پادشاهی منصب سرمنکی فوج شیراز از فرار فرمان مبارک بشار الیه حیرت فرمودند و حسب الامر بر سرپرستی فوج مزبور و تقدیم لوازم این خدمت روانه خراسان است

از فراری که در روزنامه انولایت نوشته بودند میرزا حسن با شربله کوبی درین اوقات سیصد و پانزده نفر اطفال آنجا را قبل از ناخوشی دبا و در بین ناخوشی با آبله کوبیده است که یکی خوب شده اند و هر کس درین عمل اهل نموده است ضرر آن عاید او شده است از جمله میرزا محمد علی مستوفی در آبله کوبی طفل خود اهل نموده و طفل او مرض آبله در گذشت است

دیگر نوشته بودند که بسبب اغیت و رفاهیتی که سال

درین ولایت حاصل است انواع نعمت کمال و فراداد و تیع اجناس از سالهای دیگر از آنراست و عموم کنه دار العباده یزدان نیز حله شاکر و دعاگوی دولت قاهره

جیاشند

عالیجاه علیخان سرمنک فوج چهارم تبریزی که این دو سن و سال تا سجال بزرگی نظام مشغول است چون بایاقت و استعداد او در استان بجا یون مقبول و مطبوع افتاده بود لهذا موافق فرمان جهانمطاع بشار الیه بمنصب جلیل تیرسی و نیابت اول اجودان باشی گزیده و لقب مقرب آنخاقانی مفتخر و سرافراز فرمود

پانصد نفر سواره ایلات قره دین که برکاب همایون حاضر شده و مامور خراسان بودند چون ماموریت آنها بجهة زیادی کوک سوار در سرحد خراسان ضرورتی نداشت لهذا مرخص خانه شدند

بیکری حاجی ملا باقر دکانی که از جمله علمای یزدان است چون نسبت با و داده بودند که از طایفه ضالابانیه است لهذا امیرالامراة الخطای سردار او را بکرمان خواسته اند که در باب تحقیق نماید

اخبار دول خارجه

انگلیس پادشاه این ولایت از فرار یک نوشته
در مملکت بکامند بود و پرنس البرط اکثر روزها بکام
گوزن میرفت و پادشاه بنا داشت چند وقت
در آنجا توقف نماید و جمیع کمی مسراه خود با آنجا برد

بود

فرانس

امپراطور فرانسه در ایام توقف در قصبه دیت
در اطراف قصبه نبروکت و سیاحت متکرر کرد
بنا کند اردکونی در میان دریا بجهت لنگرگاه کشتیها
سازد که در هنگام طوفان از ضرب امواج محفوظ
باشند و موشان آنجا آورده و قرار ساختن سکو
نبروکت را گذاشته اند و در مدت سال بنا گذاشته
که با تمام برسانند و یک لیان و سید نبروکت
که تخمیناً صد و سی هزار تومان پول ایران باشد مخارج
ساختن این سکور ابر آورده اند چونکه از قصبه نبروکت
ترود زیاد میشود خصوصاً سیاحان که از مملکت انگلیس
بمملکت فرانسه می آیند لنگرگاه خوب در آنجا ساخته
ساختن این لنگرگاه بسیار فایده خلق میکند و در هنگام
طوفان مأمین کشتیهای که در دریای آنجا کشت مینمایند
میشود

مالعت نموده بودند و ما بین آنها جنگ شده بود که
از آنهم تجار از دول خارجه بنا داشتند غله زیاد
و قتی که شنیدند که خود دیوان از خارج غله میخرند و بان
ولایت می آورند تجار تا چند مدت موقوف کردند ملاحظه
اینکه آوردن غله دیوانیان ضرر آنها میشود بعد معلوم
که آرد که دیوان از خارج خرید است محض برای جیره
و دغلی بخلق ندارد تجار نوشتند که باز غله بملکت فرانس
بیاورند در روزنامه سابق فرانسه نوشته اند که کما
داشتند که حاصل غله امسال اینقدر کسر بیاید اما حالا
معلوم شده است که حاصل امسال نسبت به سالهای
پیش یک ثلث کم آمده است اگر غله که دیوان و غیره
خریدند اند از مملکت انگلیس آورده اند اما منتظر بودند
که کشتیها که از سایر ولایات غله بار کرده بودند بولایت

فرانس پرسند

امپراطور فرانسه که چند مدت در کنار دریای باریک
ما بین مملکتین فرانسه و انگلیس در قصبه دیت توقف
داشت موافق روزنامهها که این روزها رسیده است
بشهر پاریس مراجعت کرده بود
قتونی که در اردوهای سطور می و حلقه بودند که در دور
سابق نوشته شده بود مرخص شده اند ولیکن هر
دسته در جای خود هستند و همه مدارکات آنها حاضر
و تمیاست که اگر لازم باشد به سمت که بخواهند بدون
معطلی حرکت بدهند

معتطلی حرکت بدهند

در شهر پاریس که بجهت کرانی نان جزئی اعتشاش
نظم داده بودند ولیکن خلق از جنابان بسیار کجا

کرانی غله و نان در بعضی بلوکات این ولایت باعث
اعتشاش شده است و در یک جانی ما بین ^{تجار} _{زیرا}
و عملها جنگ اتفاق افتاده است عملها میجو استند چند
عزایه بارکشی که غله در آنها بود و تصرف نمایند رعایای

و میخواستند که بد کاکین جباران برزند مستحقین
 مانع شده و نگذاشتند و امیر اطراف قیمت نامز امعین گوی
 و قدغن نموده اند که از زرخشی که قرار گذاشته شده است
 که آن تر نبردند تا چند وقت جباران قیمت مزبور
 نمی فروختند و نان کم می بختند و بهین سبب ^{خلق} مردم
 رنجیده بودند و باعث افتشاش شده بود اما حالاً ^{نظم}
 گرفته است
 استریه

عروسی امیر اطراف این مملکت در آخر پائیز خواهد بود و در آن
 زیاده بجهت این عروسی میدیند

بعضی از مفتدین این ولایت را درین روزها ^{طوبی}
 کشته اند و اشخاص مزبور از آنها بودند که در شکام باغ ^{احکام}
 ایطالیاد مجارستان جنگ بدولت کرده بودند بعد از
 آنکه امیر اطراف تقصیر آنها را عفو فرموده بود میخواستند ^{دولت}
 افساد و شرارت نمایند و بزیرین و سایر فراریهای اولایا
 مکانات ارسال میکردند در میان این مفتدین یک نفر
 کشیش بود و کشتن کشیش خلاف زای اکثر اهل اولایا ^{است}
 اول او را از کشتن خارجی کرده و بعد مثل سایر مقصرین ^{سزا}

بیشکی دنیای شمالی

درین مملکت در خصوص که از شش جزیره گوئی که اهل بیشکی دنیا
 میخوانند بی اذن دولت آنجا را از محیط تصرف دولت
 اسپانیا بیرون بیادند مابین دولت که دول
 فرانسه و انگلیس و یکی دنیای شمالی باشند گفتگو
 شده است و این دولت میخوانند عهد نامه میندند
 بجهت محافظت جزیره مریور که یکس از تبعه دول مزبور ^{کار}

نگنند که باعث برنجوردگی آنجا شود این گفتگو باز در میان
 است اما هنوز قرار گرفته است

از شهر نیوآرلیانس نوشته اند که درین روزها ^{ناخوشی}
 که از قسم تب است که اطبات زرد مینامند که بدن
 مریض درین قسم تب بسیار زرد میشود چنان ^{است}
 کرده است که روزی بیشتر از سبب نفی میسر در شهر مزبور
 دو قسم خلق اند یکی اولاد فرنگیها هستند چه آنها که از
 فرانسه و انگلیس و غیره سا ایهای پیش با آنجا آمده
 آنجا را آباد کرده اند و اکثر آنها در آن اطراف صاحب
 املاک شده اند و چه از آنها که درین ایام بجهت شغل ^{کار}
 با آنجا می آیند و یکی دیگر سیاهبهای آنجا که غلام ^{کنند}
 این ناخوشی بفرنگیها زیاد سراسر می کند و سیاهبها
 چندان تاثیر نمی کند شهر نیوآرلیانس بدی است و ^{بها}
 مشهور است خصوصاً در آخر تابستان و تا یکماه از آن
 رفته نزدیک برود خانه بزرگ که مستشی میانند جانش
 هموار است و بخل دنی زار و زینش اقدر بار طوبی
 و بآب نزدیک است که در اکثر جاها بکدزغ که می کنند
 آب درمی آید از آنجهت قبرها را بسیار کم حفر می کنند حتی
 درین ناخوشی چونکه مرده زیاد بودند و مردم دست
 مجال دفن کردن آنها را نداشتند زمین را با کتن
 بسیار میکردند و مرده را در زیر خاک پنهان ^{میکردند}
 اشخاصی که مرده را دفن می کنند کلاً از سیاهبها ^{استند}
 و با اینکه باین سیاهبها پول زیاد میدادند باز نمی ^{توانستند}
 مرده را دفن بکنند تا بوتها در بیرون پیش روی
 آنها بماند در هوای گرم و مرده ها کندیده ^{متعفن}

شده بودند آخر از راه لایبتهی صد و بیست و پنج نفر
 با تابوت سوزانده بودند و بسیارها پول زیاد میدادند
 و عرق میخوردند و دست می شستند و عیش می کردند چونکه
 ناخوشی آنها را نمیکرد درین اوقات اهل آنجا بسیارها
 بزور بسیار محبت می کردند از ترس اینکه از صاحبان
 خود باغی نشوند که آنها را بکشند بجهت اینکه حالا از سفید
 بسیار کم مانده اند و اکثر اهل شهر غلام و کثیر سیاه
 جای عیش این سیاهها قبرستانهاست و در زمان
 که اموات را دفن می کنند عیش و شرب و خوانندگی
 و رقص می نمایند در بعضی روزها هم هر یک از این سیاهها
 ساعتی دو تومان داده اند که مرده را دفن نمایند
 کسی اینطور ناخوشی تا این ایام بخاطر ندارد و مانند طاعون
 سالهای سابق در فرنگستان است خصوصاً طاعون
 که در ایام نزدیک بدوستان پیش ازین در لندن
 و بطوری شدت کرده و مردم چه مرده و چه متفرق
 بودند که در بعضی کوچه های شهر با این بزرگی علف رسیده
 بود و اکثر مردمان سفید نواریا نشین بطرف وسط و
 رفته اند و لکن باز ناخوشی در آنجا تخفیف نیافته بود در
 خصوص باغی شدن سیاههای آن سمت در یکی از
 روزها معمای اینولایت نوشته اند که اگر چه اهل نیواریا
 تشویش از سیاهها داشتند اما امکان نمیکردند که
 سیاهها یا عیگری بکشند در قدیم بسیار اتفاق می افتاد
 که سیاههای آن مملکت باغی میشدند و آقا با آن خود
 می کشند ولی درین بیست سال آخر کم اتفاق افتاده است
 و بسبب رادین میداند که نصف اهل میشکی دنیا سیاه

میخوانند که قاعده نگاه داشتن غلام و کثیر سیاه را
 موقوف نمایند و کمان دارند که در آخر موقوف میکنند
 سیاهها این مرحله را فهمیده اند و میدانند که اگر باغی شوند
 کار خودشان عیب می کند و مردم انقدر طالب آزادی
 آنها نمی شوند اطبا در خصوص ناخوشی در شهر نیواریا
 مشورت زیاد کرده اند و بسببش را ازین میدانند
 که اصل مقام آن شهر بدست دزدانده اند که فاضل است
 آنجا را بیرون بکشند که اطرافش خشک شود و آسمان
 هواری زمین بسیار مشکل است این بت زرد در اکثر
 مالک آن سمت که نزدیک بدریا هستند میباشد
 و لکن در ایام قدیم پیش از آنکه فرنگها با آنجا بیایند این
 ناخوشی نبود حال بسببش را از کثرت و ازدحام خلق
 و کسافت شهر میدانند

پورتو قال

این مملکت نسبت با ایرمالک فرنگستان بسیار
 کم تر قوی کرده است بلکه در بعضی جهات بسیار تر از
 در روزنامه نوشته اند که درین روزها میجو استند
 کالک که بجهت نشین خلق برآه پندارند رعایای آنجا را
 نشند و دادند نکند استند کالک که مزبور راه برود
 پنجه او را سگتند و یکی از سیاهان را که در آنجا
 نشسته بود ز خدا کردند کالک که حی بشهر برگشت و
 نظام آورد و چهل و چهار نفر از رعایا را گرفته مجوس
 کردند رعایای آنجا بسیار عبرت و تشکی میکند از آن
 و بسیاری از ایشان بملکت برآزید و سایر ممالک
 امرنگیای جنوبی میروند و لکن میکنند که بسیاری از آنها

چینکی دنیا میروند عوض آن بجزند با ولایت آبادی میکنند
با سیری میفرود شدند در یک کشتی با قصد نفرین
رعایا نوشته بودند و کمان داشتند که اینها را بجهت
دبا سیری فروخته باشند

ملکت پورتو قال جای بسیار خوش آب و هواست
و میوجات فراوان دارد و یکی از حاصلهای عمده آن
میوه است درین روزها نوشته اند که افعی در میان
میوه افتاده است درختهای شاه بلوط و امرود و انجیر
و لوبو و نارنج و تاک انگور زیاد ضایع شده اند خصوصاً
درختهای مرکبات اقبیل نارنج و نارنگی و غیره و
درختهای باین طور ضایع میشوند که بیخشان می پوسد و بوی
باز او است تمام میشود و درست شهر کوپیمبره از درختها
میوه دار بسیار باین طور ضایع شده اند

احوال استمفرقه

در یکی از روزنامه های اسلامبول در خصوص پیدا کردن
سلطنت مملکت مجارستان باین طور نوشته اند
در آخر آنست که مملکت مجار که با عیان تنگ آمده بود
صندوقی از آبن ساختند و تاج دولتی آن مملکت را با
مرصع و بالاپوش سلطنت و سایر اسباب و جواهرات
را در آن صندوق گذاشته نزدیک برودخانه دولتی
در زیر خاک دفن کرده بودند در روز بروز در فصل
گذشته سیل زیاد آمده و اطراف رودخانه را آب
سیل بالا گرفته و شسته بود و صندوق بزبور بیرون
افتاده بود بعد از تمام شدن سیل صندوق را در
رودخانه یافته بودند و آورده کثودند دیدند که تاج

۹۲

سایر جواهرات و اسباب سلطنت مجار در میان
است بروی کشتی گذاشته بشهرت آورده و از آنجا
بشهر وینیه پای تخت استر به بخدمت امپراطور آن مملکت
آوردند و بجهت شادمانی پیداشدن تاج و اسباب
سلطنت مجار در روزی که بویته وارد کرده بودند
یک تیر توشلیک کرده بود

در روزنامه فرانسه نوشته بودند که جنابزای یک تن
کنند را که سالها مان در او پنجه شده بود خراب میکرد
از نوب زرد و وقتی که عملها مشغول خرابی او شده بود
قریب دو لیب مار در آنجا بود و چهار صد تخم مار در
میان بعضی از آن تخمها اسم مارهای کوچک بود که نزدیک
بود از تخم بیرون بیایند

والله پادشاه اسپانول از فرار یک در روزنامه نوشته
بودند درین اوقات باشوهر خود بشهر لندن آمده است
و بنادار و چند وقت در ولایت انگلیس توقف و سیاحت
نماید

اعلانات

کتابهای چاپی دارالخلافه طهران که در کارخانه حاجی عبدالمجید
باسمه چی در محله نزدیک بدر دانه دولتی چاپ شده
از این قرار فروخته میشود

- مجمع البیان شش تومان
- شاهنامه چهار تومان و نیم
- معراج العاده دوازده هزار
- ختم نظامی نه هزار
- جوهری شش هزار

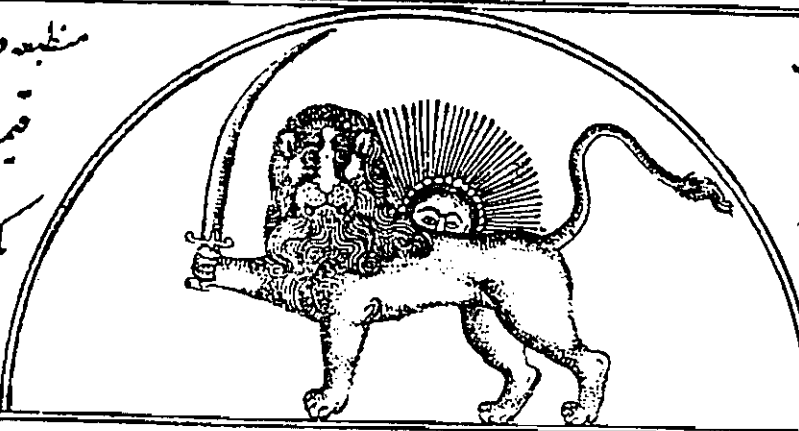
حاجی عبدالکریم قدما ری که تاجریست معروف و معتبر با اختصاص
 این دولت علیه موصوف و اقسام حقوق و معاملات متعلقه بتبعیت این
 دایم در حق او مری و مجری گردیده که سالهای سال است که انواع علایق
 و رعیتی درین مملکت دارد و اکنون صاحب صد هزار تومان املاک است
 و همین قدره فقط بتبعیت او را باین دولت برای کسب مبرهن میبازد
 تبعه دولت اجنبی نمیتواند در دولت بخزیش از قبول کردن عیبت
 اند دولت صاحب املاک کفاف باشد و همین جهت در عهد خود
 خاقان خلداسیان و در عصر شاهنشاهی آراکانه او ایل جلوس
 ابدانوس علیحضرت اوس شاهنشاهی صان الله سوگتة عن
 همیشه با او مشکی از بنه و تجار مخصوص این دولت علیه رفتار میسود
 و وقایع اوقات از طرف دولت به انگلیس در حق او تصانیف
 و اظهار حمایت نمیگشت حتی در ایام وزارت مرحوم حاج میرزا تقی
 قلیخان استی که در حق او ظهور کرده بود او را با وجود بودن با مملکت
 انگلیس در درازن خلاقه خیر و تادیب نمودند و احدی از آنها
 گفتگو و حمایت بر نیامد حال چند سال است که بخلاف ایام مضی از طرف
 سفارت دولت بهیمه انگلیس بدو دستندی که مقبول اولیای دور
 آید در حق او اظهار تصاحب نمایند و مدعی تبعیت او بدولت شاهنشاهی
 و هنوز این گفتگو در میان تبعیت مخصوص او با حدودین نظر با دعای
 متنازعیه است این روزها عالیه جلالت همراه طامس صاحب
 دولت شاهنشاهی را اجرا پاره امور متعلقه او را نموده اولیای دولت علیه
 جواب دادند که متعده بتبعیت اختصاص او با حدودین شخص مدعی
 پس از آن با قضای تبعیت او با حدودین رفتار کرد و عالیه مشارالیه
 با این معنی متقاعد شده پای تصاحب را پیشرو با لایحه گذاشته برای اجرای
 او بدو کن تصاری اولیای دولت علیه اقدام فرستاد و حاصل اینکار
 بر سر خانه نواب فتح الدیمیرز که از مشایخ نزدیک سلطنت نمودند

که منافی قوانین بلدی و شرعی و محل احتیاط و احتمال مفاسد کلمه بود
 معذ اولیای دولت علیه تا حدیکه منافی ناموس سلطنت عظمی نشود
 اصلاح آن برآمد مفید فایده و نفعنا و عالیجا مشارالیه در اجرای
 خود کمال ایستادگی و صراحت نمود از آنجا که قبول آن معارض ناموس
 عظمی و منافع حقوق خاصه پادشاهی بود و عالیجا مشارالیه بر
 تقاضای آن حق مبرهن نداشت لکن مقبول نگشته و عالیجا مشارالیه
 بدین علت با نوشته در سینه ترک بر او کرده و بیریق دولت خود
 که دایم بدستی کشاده بود خوبانید و لکن اولیای دولت علیه و عموم
 ایران هیچ ملاحظه نتوانند از دستنی دولت به انگلیس صرف نظر نمایند
 دولت شاهنشاهی اول دولتی است که از اول جنبه سبقت دستنی
 این دولت علیه کرده و طرح الف الذخیره و معاهدات متعدد برای فواید
 و دوام موافقت موانع مستعد خود و سالهای سال است که بیریق آن دولت
 پادشاهی بخادنت نام این ایام در درازن خلاقه الباهره و زین دست است
 بدین است که اکنون اظهار برودت در در فیر دولت شاهنشاهی پسرین
 جزئی و انگی در پسرین قوی که چشم دور بین در دل بطرف یکدیگر متوجه
 و نظرات اولیای دولت علیه ایران با عموم سکنه این مملکت بر خود
 کوارانی تواند نمایند و نهایت و محوری و ناموس انجیل نمودن عالیجا
 مشارالیه درین مقدمه دارند و بطیظ اینکه کارگذاران دولت شاهنشاهی
 بر نور حمایت و انصاف راستگی و انصاف دارند و در پسرین مواد
 بدون تحقیق و دقیق و ملاحظه اطراف حکم نمیکنند امید دارند که در
 سن الوجوه با یکان دوستی قدیم و خادنت و سلامت قوم دوین و پسرین
 ترزل و خللی نرسد و اس مواحدت موانع ماضی جملا و استقامت لایزال
 پایدار بوده و خنده بر آن راه نیابد و مرآت جهانهای سلم و صفوت
 ابدان بنهار نیرکی و کدورتی نگذرد و این حادثه نیز بفرعون الله تعالی

سجده و زوددی بر تقی سواد

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم شنبه بیست و دوم ماه صفر المنظر مطابق سال اوسیس ۱۲۷۰

مهره صد و چهارم هفت
قیمت روزنامه
یک نسخه ده شاهی
هفتاد و چهار هزار



منظبه دارالخلافه طهران
قیمت اعلانات
یک خط ایچ سطر یک هزار
بیشتر با هر خط پنجاه

اخبار و اخذ ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز پنجشنبه هفت گذشته اعلیحضرت پادشاهی
بجزم کشت و تفریح کوههای نزدیک شاهزاده
عبدالعظیم که درین فضل شکار تبهودر آنجا خوب و
فرادان میباشد سوار شدند اول میدان ارک
تشریف فرما گردیده افواج بیاداران و غیره که از
فارس حاضر رکاب حضرت شایب گردیده بودند
در میدان ارک صف کشیده با کمال ارادت
و انتظام تمام بنظر اقدس بایون رسیدند و
صاحب مضبان و احاد و افراد آنها مورد احترام
و التفات ملوکانه گردیدند و بعد از ملاحظه آنها
موتکب بایون پیر و کتیف برده تا حوالی عصر
در آن اطراف بکشت و تفریح مشغول بودند و نزدیک
بگذر باقاب مبارک مبارک سلطانی و معرفت
عظمی معاودت فرمودند

شده حسب الامر آمد س بایون روانه آذربایجان
گردید که قشون سرحدات آنجا را مهیا و منظم نمود
اماده محافظت سرحدات دولت علیه ایران باشند

چون عالیجاه میرزا زین العابدین میباشد و سرشته
نزدکرها جو و سواره نظام سالهای سال است
بکمال صداقت و راستی خدمت کرده و در رجوع
و تفریق و تشخیص محاسبات و معاملات نوکران
و راست قلبی موصوف و موسوم بوده است و خدمات
او در نظر اولیائی قاهره بطور مستحسن جلوه گرافت است
لهذا از فرار زمان بسمایون منصب لشکر نویسی افزوده

و این الامثل مفتخر گردید
چون مرحوم آقا لرخان کرجی از خدمتگذاران این دولت
قدیمی مکنت پدیدار بود و لهذا نظر بلاخطه تربیت نامزد
او عالیجاه جبرئیل خان پسر او را که جوانست قابل
از فرار حکم نظامی منصب نیابت دوم اجودان باشکری
برقرار و موجب وجهه در حق او رحمت فرمودند و یک خط

۹۲۲

شال کرمانی برسم خلعت در حق او رحمت کرد

خاتون عرب و عجم قرانتین گذاشته اند و تجار و جوانان

که بار تجاری به بغداد حمل نخل میمانند پنج روز در قرانتین

نگاه میدارند و دو میدهند و بعد از تمام دو نفری

نظر بطور شایسته کی نواب علی قلی میرزا پسر نواب عماد الله

سه هزار دینار رسوم میگیرند و باین سبب کمتر با نظر

صاحب اختیار که مالشان درین اوقات از جانب

عبور میشود و بر تجار بسیار عبرت و تنگی میکند و در

سنی الحجاب ملوکانه منصب سرتی سرافراز گردیده و بواسطه

مندیج نیز قرانتین گذاشته اند و در قرانتین این است

عماد الله و اورا بحکومت کلانی مأمور فرمود

که بجهت ناخوشی و باست

سایر ولایات

آذربایجان درین هفته از آذربایجان اجباری

دیگر نوشته اند که دینت حب الحکم نواب عماد الله و

که در روزنامه نوشته شود

عالیجاه اسد الله خان سرهنگ کوزان با فوج کوزان

کرمانشاهان

از فرار روزنامه این ولایت که درین ماه نوشته اند

و سواره سنجابی و یک عماده توپ در زمان مشغول

ناخوشی و با چندی قبل در آنجا شدت کرده و بسیاری

دیگر نوشته اند که چون هوای کرمانشاهان درین روزها

باین مرض مبتلا و تلف شده بود زمان مالی آنجا طلب

بسیار مختلف است نواب عماد الله در سبب بی اعتمادی

اوقات مشغول تعزیه داری جناب سید الشهدا علیه السلام

هو چند روز است که بقلعه حاجی کریم که در حوالی شهر است

بیایند و درین اوقات ناخوشی و با در آنجا بی

رفته اند و روزگار از صبح تا دو ساعت از ظهر گذشته

تضعیف یافته است و امیدوار بوده اند که بکلی مرتفع شود

بعد ایض مردم رسیدگی نمایند و درین اوقات بارش

زیاد در آنجا شده و در هوا برودتی هم رسیده

دیگر نوشته اند که شخص ساری شب بیست بام بازار رفته

در ششم این ماه که شب عید مولود اعلیحضرت پادشاه

دناخوشی نوبه و میان خلق زیاد است

نواب پادشاه عماد الله صاحب اختیار کرمانشاهان

و چوب بندی را قلاب بر او بسته بوده است که از روزنه

شهر احکم نموده است این بسته و چراغان کرده اند

دکان بدرون کرده مشاغی بیرون بکشد در آن پن که مشغول

و در میدان سر بازار خانه آتش بازی معقول نموده و بعد

بوده است مستحقین رسیده و او را گرفتند بنزد نواب

یکصد تومان صرف آتش بازی نموده بوده اند و خود نواب

عماد الله و اورا آورده بودند نواب معزی البه بعد از رسیدگی

معزی البه نیز در شب برپا رسیده و در بازار بارش

و تحقیق که سرفت او را معلوم کرده بودند حکم نموده بودند

نموده اند

که او را قفسه بستنی که سر او را عمل است نمایند

از حوازی که نوشته بودند از جانب دولت علیه عثمانی در

کرمان

از قرآنیکه در روزنامه اینولا بیت نوشته اند از اتهامات
 امیرالامراء العظام محمد حسن خان سردار حکمران یزد و کرمان
 کمال امنیت برای امالی آنجا حاصل است و ضابطه امور
 شعور و سرحدات بطوری منتظم است که کسی بجاگرفت
 و سرقت و شرارت اندام نمیتواند نمود و درین اوقات
 عالیجاه موسی خان که در بلوچستان است شرحی مشعر بر
 امور بلوچستان نوشته است که آن صفحات نیز کمال
 انتظام را دارد

دیگر نوشته اند که امیرالامراء العظام سردار ورتدارک
 قشون ساخلو کرمان و انجام قورخانه و توپخانه کمال
 اهتمام دارد و خود اغلب روزها را سرکشی بکار قورخانه و
 توپخانه می کند و مشرفی که داشته و وجه نقد داده است
 که مدارکات قورخانه و توپخانه را بهیچ وجه بیگانه
 برای سربازان نیز قرار نداشته اند چادر میدوزند و
 مدارکات لازمه آنها را می بینند

دیگر نوشته اند که عالیجاهان امامعلی خان و میرزا قاسم
 دیوان بیکی را با یک نفر نشی امیرالامراء العظام سردار بجهت
 رسیدگی براض مردم در دیوانخانه آنجا مشخص نموده و در
 ۱۹ محرم خلعت بانها داده و در دیوانخانه آنجا نشاندند
 براض مردم رسیدگی نمایند

دیگر نوشته بودند که فرمان های یون و شان میرنجه کی بجهت
 خدمت بلوچستان و تسخیر قلعه بافتان که از دربار باجاولان
 بافتا مقرب آنجا خان عبداله خان میرنجه صادر و در حین
 باچاپار دولتی رسید و شان منور را او نیز بپیکر رساند

و مبادات خود نموده و اهل نظام غیر مبارکباد گفته و مشرف
 صرف نموده اند و قسم در آن اوقات کار دانی که بجهت
 خواجه بلوچستان در ازار خدمات و جلالت آنها
 شده بود امیرالامراء العظام سردار با احکام دیوانی که
 آنها صرف صدور یافته بود روانه داشته است که برآید
 امید داری آنها بفرزاید

ناخوشی و با که در کرمان بوده از قراریکه نوشته اند از بلده
 و بلوکات آنجا در چهارم و پنجم محرم رفع گردیده هر دو یک
 سیرجان و نیم و نرمان شیر و شهر بانک منور باقی بوده است
 و امید است که انشاء الله تا این اوقات از آنجا نیز نریخت

باشد
یزد

درین اوقات بحسب سند عالی عموم امالی دارالعباده
 امیرالامراء العظام محمد حسن خان سردار حکمران یزد و کرمان
 نتیجه الامراء العظام محمد یوسف خان سرباز از جانب
 خود بکومت یزد فرستاده و مردم یزد همگی استقبال
 و مشارالیه را با کمال احترام و از شهر کرده اند و امالی آنجا
 بحسب سوادک خود و عواطف اولیای دولت علیه امیدوار
 و عموم سکنه یزد از حسن مراقبت او کمال شکر گذاری دارند
 و عالیجاه میرزا کوچک خان سربازک فوج جدید کرمانی
 نیز بحسب الامر بپیکاری ادا نمود است

نوشته بودند که دستاره درین اوقات یکی وقت و اوقات یکی در شب
 دارالعباده یزد ظاهر گردید و در میان او محرق شده بودند و در میان آنها
 در وقت حراقی شتران ماه بوده و هر یک بقدر مند و انده بنظر می آمدند
 و هر یک بقدر دو دقیقه ظاهر بوده بعد محرق شده اند

۹۲۲

از قراریکه در روزنامه یزد نوشته بودند در ماه گذشته
 بعضی اشخاص معنده جو و شکامه طلب شهرت داده
 بودند که العیاذ بالله بوجوب مبارک اعلیحضرت پادشاه
 کسری رسیده است و باین جهت و اصناف کثرت
 دکاکین خود را بسته بودند و تشویش زیاد با مالی
 استجاروی داده بود در همان روز عالیجاه نظر علی سلطان
 داروغه و نفرات معتمدین را گرفته مقبیه نموده بود
 مردم دکاکین خود را کثوده و آرام گرفته بودند بعد این
 خبر بارالامان کرمان رسیده امیرالامراء العظام محمد
 سردار حکم ان یزد و کرمان عالیجاه میرزا محمد حسین را
 بیزد فرستاده و معتمدین را کلاً حکماً و حتماً بسته بود
 عالیجاه مشارالیه اغلب آنها را گرفته بعضی را مقبیه نمود
 و بعضی دیگر مقبیه و محبوبس اند تا حکم آنها از جانب
 امیرالامراء العظام سردار برسد که از انظار معمول دانسته

شخصی مجوس در یزد بشرف اسلام مشرف گردیده
 و پنج نفر اولاد اناست دارد دخترهای او را هر یک را یکی
 برده نگاهداری نماید که بزرگ شوند و در زمره اهل اسلام
 باشند سید محمد پیک که خدای آن محله رفتند و آن
 دخترها را هر یک را یکی داده و یکی را همسم خود نگاهداشته
 بود ما در آن اطفال بعد از ورود عالیجاه میرزا محمد حسین
 رفته عرض کرده بود که شوهر من دو سال است که بیابانی
 رفته است و نسبت مسلمانی با او کذب و افتراست چون
 اسلام او درست ثبوت شرعی نرسیده بود عالیجاه
 میرزا محمد حسین اطفال او را از اشخاصی که تصاحب کرده
 بودند گرفتند و بپادشاه سپرده بود

دیگر نوشته بودند که ضعیفه مجوسیه با پسر مسلمانی
 صرح مخالفت و میرش انداخته بوده است عمه ضعیفه
 مذکور این گذارش مطلع شده بنزد عالیجاه پسر محمد حسین
 آید و عرض کرده بود عالیجاه مشارالیه آن پسر را گرفته
 و مراتب را با امیرالامراء العظام سردار عرض کرده بود حکم
 فرستاده بود که او را مقبیه کامل نماید تا دیگری مرتکب
 اینگونه جبارت نشود

خانه شخصی مجوسی را نوشته بودند که شخصی اهرستانی
 بخلاف حساب ضبط کرده بود شخص مجوس گذارش را
 بجایگاه میرزا محمد حسین عرض کرده بود معلوم شده بود
 خانه مذکور بخصب باد و تصرف آن شخص اهرستانیست
 عالیجاه مشارالیه خانه را از ید غاصب انشراح و تصرف
 مالک داده بود

دیگر از قراریکه در روزنامه استاجا نوشته بودند شیخ محمد
 مجتهد نوشته داده بوده است که از قراریکه مذکور میشود

از قراریکه در روزنامه نوشته بودند ناخوشی و با که
 یزد بوده است درین اوقات بجهت الله رفع گردیده است
 و درین مدت ناخوشی موافق روزنامه که حاکی بر آن
 از شهر و بلوکات سه هزار و چهارصد و نود و هفت نفر فوت
 عالیجاه اصلاً سخنان یاد تو بخانه مبارک که از دربارهای یون
 کرمان بود با یکصد و بیست و پنج نفر توپچی اواب جمعی خود دارد یزد
 گردید و یک روز در استاجا توقف نموده و از استاجا روانه کرمان
 بمسند

۹۲۵

اخبار دول خارجه

فرانس در یکی از روزنامه های فرانسه نوشته اند که در روزنامه دیگری از کویهای پاریس در خانه اسباب و سلاح حرب بسته بودند صاحب آنخانه چند وقت پیش از آن گفته بود که بسفر میرودم و در خانه اش بسته بودم و چون میدانستند که خانه مزبور خالیست بعد از آن در شب شش بجراغ در بالا خانه های آنجا دیدند و معلوم کردند که گاهی با آنجا می آمده اند بعد که بیرون میرفته اند در راهی بسته اند نظام ضبطیه با آنجا فرستادند و در خانه را شکستند و خانه رفتند و چند صندوق در آنجا دیدند و صندوقها را کسودند همه مملو از اسلحه و اسباب حرب بودند درین باره بمقام تحقیق برآمده خواستند بدانند که اشخاصی که این اسباب حرب را آنجا آورده اند کیستند تا معلوم نشود در وقتی که نان در پاریس پای تخت این مملکت گران و کم شده بود و از دیوان بجهت نرخ نان حکم شده بود که کرانه از وارد دیوان نفر و شند جز از آن جمع شدند و عریضه نوشتند که فروختن نان باین قیمت که دیوان قرار داده اند ضرر میکند و جباران از عهد نمیتوانند بر این دیوان عریضه آنها را قبول کردند و تفادیت قیمت نان را نقد بجز از آن دادند و این قرار از بیت و ششم ذیقعه داده اند

در روزنامه اینولایت نوشته اند که از جمله اساسی که در شهر لیل در وقت رفتن امپراطور فرانسه با آنجا بر پا کرده بودند بال بود و چهار هزار نفر در آن مهمانی حاضر بودند و صد پنجاه هزار فرانک که پانزده هزار تومان پول ایران میباشد در اوضاع داس درود امپراطور و آتش باری و غیره شده بود

۹۳۶

و این پول را کلاً اهل شهر در میان خود جمع اداری کرده بودند و ازین پول دو هزار و پانصد تومان بفقرا احسان کرده اند

استریه

در روزنامه وینه پای تخت این مملکت نوشته اند که بتاریخ بیست و یکم ذیحجه الحلی بمبصب وزیر مختاری از پادشاه جمهوری سیکی دنیای شمالی با آنجا آمده بود که در باب کتایب که چند وقت پیش ازین در اصمیر اتفاق افتاده بود و در روزنامه آن اوقات نیز نوشته شد با امنای دولت استریه گفتگو نماید و گزارش آن اوقات این بود شخصی اصل اوست و از فراریهای آنولایت بود و بعد در زیر حمایت دولت سیکی دنیای شمالی رفته و از آنجا به اصمیر رفته بود و در آنجا کارداران دولت استریه او را گرفته بودند و در خصوص ادعای مالی سیکی دنیای شمالی و مالی استریه که در اصمیر بود گفتگو شده بود حال این الحلی بجهت اتهام این گفتگو در ضمن ماموریت خود مامور است و بنا بر ده است که الحلی مزبور بار دوی المظس برود که اعتمادنامه خود را خدمت امپراطور استریه

ب

و یکروزنامه استریه نوشته بودند که دولت استریه بنا دارند که بجهت اخراجات زیاد قشون خود را کمتر نمایند و بعضی از افواج را که در سرحد مملکت ایتالیا هستند مرخص خانه می کنند

پروستیه

در روزنامه این مملکت نوشته اند که قشون این دولت درین روزها جمع کرده بودند و خود پادشاه بار دوی المظس با آنها بود و بعد از حرکت قشون اظهار کمال رضامندی از صاف

و سایر افراد واحاد قشون فرموده و بعد آنها را محض خانه کرده بود

احوال متفرقه

شخصی از اهل انگلیس که بسیار سرشته از علم محاسبه حساب کرده است که تباکو و توتون از هر شتم که سال در کل روی زمین بعمل می آید تخمینا دوازده کرو خردار بوزن شت عباسی میشود

از جزیره مالت نوشته اند که اهل آنجا بسیار اظهار صا و شکر گذاری از برداشته شدن کراختین میگردند حال دیگر مانع تردد سیاح نمی شوند سابقا اشخاصی که از روم و شام یا طرابلس یا مصر می آمدند در کراختین نگاه میداشتند باینکه در آنولایت ناخوشی مسمومی

دیگر از آن جزیره نوشته بودند که دولت کشتی اجاره کرده بودند که هفتاد هزار اذوقه و قورخانه بجهت قشون بحری که در کشتی است روایت می

در روزنامه های هندوستان نوشته اند که لارده و شخص فرما فرمای آنجا بدولت عرضه نوشته و از شغل خود استعفا کرده و استعفا نموده بود که کسی دیگر بجای او بگذازند هندوستان برقرار نماید

در آن روزنامه ها نوشته اند که در پرودم بعضی شهرهای مملکت برده قحطی شده بود اگر خوراک اهل آنولایت برنج است و برنج در آن مملکت بسیار کم یاب شده بود بطوریکه در آن مملکت که در اکثر اوقات فراوانی دارزانی است برنج از خوار بکن بوزن شت عباسی چهار هزار و پنجاه

میفروختند و بسیاری از مردم آنجا از کسب کفایت شده بودند

در روزنامه سیلر مملکت فرانسه نوشته اند که شخصی علاج آفتی که بدخت انکور می افتد حسنه است چون اگر حاصل سمت جنوب مملکت فرانسه انکور است سالی که آفت بدخت انکور می افتد ضرر زیاد بابل آنولایت میرسد و بجهت علاج چندین کارها کرده بودند از جمله دو واگن بخریدند و بخریدند در رختها را میشتند که گرم که در میان تاک است تلف نشود حال علاج تازه که حسنه اند در چرخ آتشی است و میگویند که این علاج آفت تاک انکور را بآمره رفع میکند و دور نیست که اینطور رسم باشد زیرا که ماغبانها میدانند که هر وقت که رعد و برق بشود این آفت که در درختهاست بآمره تاک میشود و برق چرخ آتشی نیز چون مانند آن است و مناسب برعد و برق دارد ظاهر باید بکند

در روزنامه شهر روم نوشته بودند که در بین اغشاش که بجهت کرانی نان در آن دلایا شده بود ضابطه قضیه طینی کشته شده است باینطور که خلق هجوم آورده و بخانه او ریخته و او را از بالا خانه بمیان کوچ انداخته بودند و در آنجا او را از نگاه پر کرده بودند و بجهت ضربی که از خلق دیده بود مرده بود و یو انیان صد و پنجاه نفر سر باز با آنجا فرستاده بودند که نظم در میان خلق بگذارند

امسال در دریای شمال فرنگستان که ماهی زیاد میگرفتند شور کرده بخارج میفرستند حساب کرده اند که سیصد و سی هشت هزار و هفتصد و چهل چلیک شاه ماهی گرفته شور کرده و بخارج فرستاده اند و این بیشتر از آن است که

در سالهای سابق گرفته بشد بگرد چهار سال پیش این
 که در آن سال این نیز بیشتر گرفته بودند و این مای شور کرده که
 اسال بخارج فرستاده اند غیر از ماهی شور کرده است
 که تازه تازه در آنجا بفروش رسانده اند و این ماهی
 شور کرده بسیاری بملکت استرالیان فرستاده اند
 اگر تجارت این ماهی شور در دست اهل انگلیس داخل
 باشد است

درین روزها آتش در میان یکی از کارخانهای کشنی بسیار
 که در کنار رودخانه طیس که از لندن میگذرد واقع بود
 بود و چند روز طول کشیده بود و بعد رو دست هزار لوان
 بیشتر اسباب سوخته و خراب شده و کسی نمیدانند که
 اول این آتش از کجا بوده چگونه با آنجا افتاده است

اهل هندوستان بشیر زدن با وقوف مشهورند از جمله
 در روزنامه آنجا نوشته بودند که شخصی سجده باز نبرد
 جنرال سرچارلز رین پیتر حاکم سند آمده بود و لیموری مکلف
 دست کسی دیگر که آشته و یکضرب شمشیر دو پارچه

کرده بود بطوریکه بدست آن شخص مطلقا استیسی رسیده بود
 سرچارلز رینی پیرنگان کرده بود که این از بابت چاکدستی
 اوست باو تکلیف کرد که لیمورایدست من بگذار و باشمشیر
 دو پارچه بکن آن شخص نگاه بدست سرچارلز رینی پیر کرده
 و گفته بود که نمی توانم سرچارلز رینی پیر بشبه افتاده بود که بشنا
 عمل این سجده با لقمه بندی گفته بود که این دست راست است

دست چپ خود را بنمایم بعد از آنکه دیده بود گفته بود
 لیمورایدست چپ بگذار می برم سرچارلز رینی پیر تعجب کرد
 و گفته بود که چه اشک در دست چپ بشود و در دست

راست نمی شود چیت بندی گفته بود که انگشت ابهام دست
 راست هر کس نسبت بدست چپ برآمدگی دارد و او قوال
 دارد که بدست شمشیر بگیرد و زخم بشود اما انگشت ابهام دست
 چپ نسبت بدست راست صاف است و لیمورایدست
 چپ سرچارلز رینی پیر که آشته و باشمشیر دو پارچه کرده
 بود بدون اینکه استیسی بد او برسد

بعد از پیدا کردن طلا در ملکت استرالیان بعضی جا های آن
 اطراف بسیار بکلیمه آباوی در آمده است از جمله شخصی چند
 سال پیش این زمین منیستی نزدیک بشهر مریور خریده بود
 بود پول انگلیس که تخمینا هشتاد و هشتاد و آن پول
 ایران باست و درین روزها زمین مریور را قطعه قطعه کرده
 و بطور هراج و فرخت است که مردم سجده ساختن خانه خریده
 و سی و دو هزار پوند پول زمین مریور شده است که تخمینا هشتاد

هزار و چهار صد تومان پول ایران باشد و بیشتر از سه سال
 بنود که این زمین با خریده بود
 بسیاری از دول که چک نش خواش از دولت برود
 کرده اند که اذن بدید جوانان را که میخواهند در میان قشون

صاحب منصب بشوند بملکت پرو سب بفرستند که در آنجا
 علم جنگ را یاد بگیرند اما معلوم نیست که دولت پرستی
 این مرهله را قبول کرده یا بانه
 در روزنامه ولایت انگلیس نوشته اند که بعضی مردم در شهر
 لندن مرده اند و خیال میکردند که از ناخوشی و با مرده باشند

و از قمار تخمین اطبا چند نفر از ناخوشی و با در آنجا مرده اند اما
 هنوز چندان شده است و آنجا نکرده است
 در ملکت نابولی بعضی شهرهای قدیم که نزدیک بکوه سوزن

ویسوس مستد در زیر خاک پیدا کرده اند و درین روزها
 باز چند خانه که خانه خوانین آن ایام بوده است حسته اند و حال
 مشغول در آوردن خاک آنجا هستند که خاکهای مزبور را که
 از ایام قدیم هستند تا شاید
 در روزنامه پروستیه نوشته اند که شخصی فیلیان مملکت
 بجهت تماشای مردم فیلیان مزبور بطور غریب تریک کرده
 مانند اینکه زبان بداند و چونکه بردن این فیلیان با بارخانه خود
 از شهر بشهر خرج دارد عرابه بزرگی ساخته است و اسباب
 مانند اسباب توپ کشی بغیل می بندد و شبها راه میبرد
 و یکی از روزنامه های فرانسه در باب مملکت سویس نوشته
 که خلق آنجا دو تیره اند آنها که بنده پراتتند عیسوی
 با اهل مذہب کتولیک عیسوی سخت گیری می کنند و
 دور نیست که دوباره اغتشاش و آشوبی در آن ولایت
 برپا شود و بعضی از اهل آنجا ادوا از اهل دول خارج شده
 پارسال دولت بنگلی دینای شمالی کشتیها بسبب جزیره
 چپان فرستاده اند بعضی مردم می گفتند که سبب
 این کشتیها این بود که نقشه آن در بار بردارند و عمیق آب
 او را مشخص نمایند بجهت کشتیها که در آنجا تردد می کنند که
 عبور قشون سبب کشتیهای تجاری که بان ستمها میروند
 باشد اما چونکه توپ و بعضی تدارکات جنگ درین کشتیها
 بودند بعضی گمان میبردند که بجهت جنگ با آن جزیره رفته اند
 مدتی است که این کشتیها از بنگلی دینا بان است رفته اند
 و هنوز خبری از آنها نیامده است

از قراریکه از اخبار چین می نویسند باغیان که در شهر سنگین بودند از آنجا
 بسمت پای تخت حرکت کرده بودند و پادشاه آنجا بنگ آمد و کسان
 بنزد باغیان فرستاده بود که بگامند ما می نموده جنگ را موقوف نگینند
 از اهل انگلیس و غیره که در آنجا بودند کشتیها درست کرده و توپ در میان
 گذاشته بودند مانند کشتی جنگی و از اینها بعضی با پادشاه
 چین جنگ میکردند و بعضی با پادشاه چین انگلیس که در آن
 قدغن کرده بود که چنین عمل نکنند زیرا که خلاف قانون انگلیس است
 و اعلام کرده بود که بعد ازین کس چنین کاری بکنند مورد ثوابند خواهد بود
 کشتی کوچک از اهل انگلیس بار دوی باغیان رفته بود زیرا که چنان
 میکردند که از فراریهای انگلیس در آنجا خواهد بود و از فراریهای این
 در آنجا کسی نیافته بودند و در دوی باغیان راهم دیده بودند
 بسیار آمده و با تدارک تمام بودند انگلیت های دیگر نیز بار
 پادشاه چین رفته بودند و کمان داشتند که قشون پادشاه
 چین قوت از اندازند که باغیان جنگ نمایند سمت کمان
 باز در دست چاکران دولت چین است و لکن باغیان
 با آنجا آمده بودند نزدیک بشهر دامای و دو قشون با یکدیگر
 هم و خشکی و هم در روی آب جنگ کرده بودند
 و یک شهر بزرگ هم که چانی بسیار از آنجا بعضی
 بدست باغیان افتاده بود و اهل شهر را که جنگ باغیان
 کرده بودند جویمه میکردند شهر مزبور و اطرافش بسیار
 مردمان دولت مند و صاحب چیز دارد و باغیان آنجا
 بغلبه گرفته و تصرف شده بودند و پول زیاد بعضی
 جریمه از اهل آنجا می گرفتند

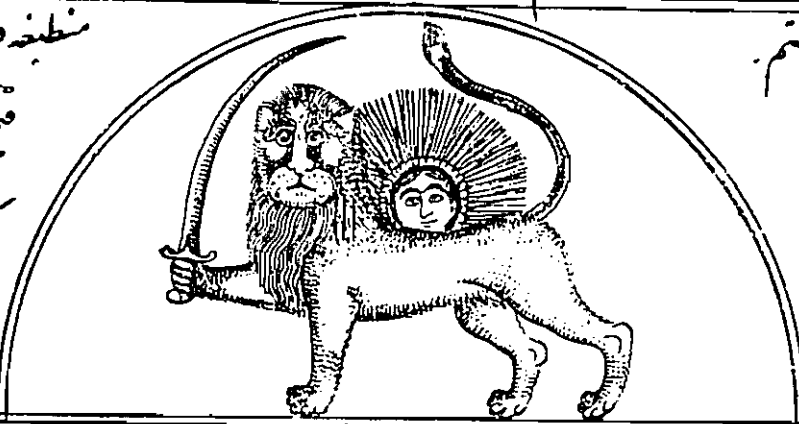
روزنامه وقایع اتفاقیه بتاریخ یوم شنبه بیستم ماه صفر المظفر مطابق سال اول سنه ۱۲۷۰

شماره صد و چهل و هشتم

قیمت روزنامه

یک ششده سیریکه

هفت و چهار هزار



مطبخه دارالخلافه طهران

قیمت اعلانات

یک خط الاحزاب یکمزدین

بیشتر به هر خطی

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

نظر بخوبی هوای امیرآباد و صفای آنجا درین اوقات
 اعلی حضرت پادشاهی عزیمت نمودند که چند روز با
 تفریح فرمایند و در روز پنجشنبه بیست و دوم این ماه
 عزای آنجا کرده و دو شب در آنجا توقف فرموده و در
 روز یکشنبه بمقرسطنبلی عظمی مراجعت فرمودند
 در روزنامه هفته سابق نوشته شده بود که امیرالامرا
 سردار کل در روز شنبه بیستم این ماه بحسب امر
 جاپون روانه آذربایجان شد که نظم و نسق بقشون
 داده برای جعظ داخله سرحدات آماده و مهیا نماید
 امیرالامراء العظام معزی الیه آتیه باقتضای عقل
 کفایتی که دارد کمال سعی و اهتمام در انجام این مأموریت
 خودش خواهد کرد و افواج و قشون مأموره را بطور
 منظم و مهیا خواهد نمود که هیچ کسر و نقصی در سبب
 استعداد آنها باقی نماند و از عهده خدمات مرجوعه
 و حفظ امنیت و آسایش آن سرحدات بخوبی برآید
 و خود امیرالامراء العظام معزی الیه نیز تا خوبی بجبهه

این امور و مهمام لزوماً خواهد رفت بعد از آنکه المینا
 حاصل کرد مراجعت بدار السلطنه تبریز خواهد نمود که در
 آنجا واریسی سایر امور قشون و نوکرا در آذربایجانی
 و نظم و عمل آنها بر دارد و مراتب را بدر بار جاپون
 عرضه دارد تا اگر مقتضی بر توقف او در آذربایجان
 نماند باشد بحسب اذن ثانوی مراجعت برکاست
 مستطاب جاپون نماید
 درین هفته چون روز چهارشنبه روز شهادت جناب
 امام حسن علیه السلام است و امالی این دولت علیه درین
 روز کار نمیکنند و کسب و اصناف دکانین خود را
 می بندند کارخانه دارالطباعة این روزنامه نیز در روز
 چهارشنبه کار کرده و در بکارخانه راسبته
 لهذا این روزنامه که بقاعده مستمره در هر هفته
 در روز پنجشنبه از دارالطباعة بیرون آمده و تقسیم
 درین هفته در روز شنبه از دارالطباعة بیرون
 آمده و تقسیم می شود

چنانچه در ضمیمه نمرة ۱۴۰ این روزنامه که بتاریخ
 هفدهم این ماه نوشته شد جزئی گفتگویی مابین
 دولت علیه ایران و عالیجاه جلالت و بنالت مسر
 طاسین صاحب شرف و فزاد دولت بینه انکلیس شده بود
 نظر بلا حظه دوستی و اتحاد و دوستی که من القدم لمخوط
 اوقات دولتیستین لوازم دوستی و مودت را
 داشته و دارند انمای دولت علیه ایران نخستند که
 سرخزنیات رشته محبت و مودت دولتیستین که سالهاست
 استحکام و استقامت یافته است کسینجه کرد و لهذا بطور
 اجزای خویش عالیجاه شارش دفتر مشارالیه را
 حسب الامر مایون قبول نموده و مجری داشتند و رفع
 برو دنی که بیامین در سر این مطلب حادث شده بود
 گردیده و در روز سه شنبه بیت و معتم انماه عالیجاه
 مشارالیه با صاحب منصبان سفار سخا بجهت تجدید
 مراتب مودت و داد طرفین با اوضاع لازمه احترام که
 انمای دولت علیه مشخص کرده بودند شرفیاب حضور
 اعلیحضرت اقدس عالیوزن پادشاهی گردیده و کمال
 الطهارات و مراسم لوکانه در حق عالیجاه مشارالیه
 مبذول افتاد و عالیجاه مشارالیه بعد از شرفیابی حضور
 مبارک در محاروز بیدین جناب جلالت با صدر اعظم
 افخم رفقه و جناب معظم الیه نیز اظهار کمال محبت بعالیجاه
 مشارالیه و استحکام قواعد دوستی و اتحاد بدوین
 درین روزها اولیای دولت قاهر حسب الاشارة
 سرپرستی ایل شاک ارومی را در زنده است بعالیجاه

مسرا حسعلی خان پیشخدمت خاصه سرکار اقدس
 شهبازی محول و مفوض فرمودند و احکام دیوانی است
 این اوقات صادر شد که نظم و سرپرستی ایل مزبور
 بر سال بعد همنام عالیجاه مشارالیه محول
 این اوقات اولیای دولت علیه منصب و کالت عایا
 ارومی را که سابقا بعهده مرحوم میرزا عبداله آقا محول
 و مفوض بود بعالیجاه مصطفی آقا پسر مرحوم مزبور محول فرود
 و زمان مبارک رسم شده صد دریا
امورات قشونی
 افواج متوقف دار اختلاف مبارک که هم روز مشغول
 نظامی هستند و در کمال نظام حرکت مینمایند
 افواج قزوینی که در فراد ناخانی شهر مشغول خدمت
 میباشند در روز بیت و معتم ماه صفر در اطاق نظام
 مراجب آنها حسب الامر داده
 فوج مایر و قراکوزلو ابو اجمعی مقرب بمخاقان صارم الدوله
 مامور خدمت فارس شده اند و درین روز مایر و
سایر ولایات
 اذربایجان از فرار یک از تبریز بتاریخ بیت یکم
 انماه نوشته بودند ناخوشی دبا که یکماه قبل ازین چنانچه
 در روزنامه های سابق نوشته شد در آنجا برود کرده بود
 درین روزها بسیار کم شده است بطوریکه روزی یک نفر
 و دو نفر شتر می میرند و امید است که درین روزها با لطف
 رفع بشود و اکثر مردم که بسبب ناخوشی از آنجا فرار کرده
 بودند درین روزها که تخفیف یافته است بشهر محبت کرده

۹۳۱

مازندران

از فراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند ناخوشی
و با که در آنجا بر دگر کرده بود از غره ماه صفر بامده رفع
کر دیده است و نواب مستطاب شاهزاده والا است
مصطفی قلی میرزا حکمران مازندران که بسبب ناخوشی
و بیلا قات رفته بود در دویم این ماه بجهت پوشیدن
خلعت بایون که با فتحا نواب معزی الیه از در با جها
ارسال شده بود بقصبه اشرف آمده و خلعت طلعت
پادشاهی را استقبال نموده و لوازم احترام را معمول
داشته اند و در قصر صغی آباد خلعت پوشیده و صرف
شربت و شیرینی نموده اند

دیگر نوشته اند که در ششم این ماه که عید مولود علیحضرت
پادشاهی بود نواب شاهزاده مصطفی قلی میرزا حکم نمودند
که در جمیع شهرها و بلوکات مازندران چراغان نموده
این سببه و همه مردم لوازم عیش و شادانی پرداخته اند

فارس

از فرار روزنامه که ازین ولایت رسید درین اوقات
باز طایفه ضاله بابیه در تیریز فارس اجاعی نموده
و بقدر پانصد نفر در کوهی نزدیک تیریز سنگر
زیاده بجهت خود ساخته و با عیال خود بکوه رفته و بنیاد
افتاد و آشوب نموده بودند نواب مستطاب شاهزاده
والا تبار مؤید الدوله طهاسب میرزا حکمران فارس
عالیجاهان میرزا یغیم شکر نویس و حاکم تیریز و لطیفی خان
سرتیب را بالاتفاق با فوج قصفانی و فوج حومه فارس
و چند عراده توپ و قدری سواره بدین آنها نامزد نمودند

بودند و در آخر محرم و اول صفر جنگ سختی با این
طایفه ضاله و افواج قاهره گردیده و افواج قاهره آخرت
روز آورده و بقدر رویت سبصد سکر آنها را که در
کوه ساخته بودند کرفته و بقدر صد نفر آنها را در جنگ
و سر کرده اند و ما بقی آنها را کلاً با عیال و اطفال آنها را
نموده و بیشتر از فرستاده اند و سجد الله از زمین طالع و
مصون از زوال علیحضرت پادشاهی طایفه مزبور
لطوری قلع و قمع شده اند که احدی از آنها بدرزقه است
و یکی چکشته شده و چه دیگر گردیده اند و از فراریکه
نوشته اند که مزبور بسیار جای صعبی بوده است و با
جنگ سخت با نهادت یافته اند و چند نفر از سرباز
و مهاب سلطان دسته مخبران مسموم زخمی شده اند

اصفهان

در روزنامه این ولایت نوشته اند که میرزا جعفر نایب
قبایله امامزاده را مأمور نمود ساخته و از ایام حکومت مرحوم
معتد الدوله تا حال بچیک از حکام اصفهان اطاعت بنکر دو ما
نمیداد درین اوقات عالیجاه مقرب الحضرة العلیه چراغعلی خان
نایب الحکومه اصفهان بعالیجاه ابوالقاسم خان میرزا
فوج دماوندی قدغن نموده چند دسته سرباز و عراده توپ
بجهت گرفتن شارالیه فرستاده بود مشارالیه استاصل
و از در استیمن در آمد جناب آقا محمد مهدی بدین
خود ساخته بود و حسب انجواش جناب معزی الیه عالیجاه
نایب الحکومه فرستاد که او را بقهر و غلبه گیرند خود بیرون
آمده و سرباز و توپ متعاقب او حرکت کرده و او را
باصفهان آورده اند

۹۳۲

بهدان

از قرار یک در روز نامه این ولایت نوشته اند
در این اوقات کمال امنیت و ارزانی و وفور
برای عالی اتجا حاصل است و تعبیر اجناس انجا
هم که نوشته اند هر چیزی ارزان و فراوانست
و ناخوشی و بانیز از قرار یک نوشته اند درین اوقات
بالمه از آنجا رفع گردیده و مقرب انخاقان ^{مقدم}
کمال اهتمام در نظم و ولایت و رفاه حال ^{دار}

دیگر نوشته بودند که رعایای سرکان با خوانین
اتجا در باب ثلیات ملکی مندرجه داشتند و
رعایا این بود که اطلاق خوانین داخل جزو جمع است
و خوانین آباد استند و بکفایت اطلاق رعایا
ممیزی شده و جمع بر آنها سبب اند و اطلاق خوانین
موضوع است چون طرفین سندی در دست ^{داشتند}
مقرب انخاقان معتمد الملک عالیجاه میرزا عبدالوهاب
بممیزی آنجا فرستاد که اطلاق آنها را ممیزی نموده
گفتگوی طرفین شده اجاف و زیادتی از طرفین
بطرف دیگر نشود

دیگر نوشته بودند که صادق بیک نامی فرانس
سجانه میرزا محمد علی نام متخلص مجرم رفته و اورا ^{استم}
بشرب کرده بود مراتب معرض مقرب انخاقان ^{ملک}
رسیده بعد از تحقیق معلوم شده بود که اگر چه شارالیه
مجرم متخلص داد دولی فاعل این فعل نبوده است و فرانس
مرور با و فرانس سبب بوده است لهذا فرانس را ^{بجایز}

تعبیه کامل اخراج نمود

دیگر نوشته بودند که قربانعلی نامی سر بارش بقصد
سرفت سجانه عیسی رفته بوده است صاحب خانه
شده و هتاها را فریاد کرده بود شخص سارق فرار
کرده بود و در کوجه ماشم نامی عصار اورا گرفت بود
با اینکه سر بارش سارق دوسه زخم قد بان عقصا
زده بود مع ذلک اورا رها نموده بود تا اینکه کزها
و که خدا رسیده و اورا گرفته صبح نزد معتمد الملک
آورده بودند و حکم نموده اورا ^{حبس} گرفتند

دیگر نوشته بودند که صفی نامی ادم مقرب انخاقان
سلیمان خان افشار میر پنجه از دار الخلافه طهران آمده
و به سبب آباد میرفته است در راه سه نفر مابین
قرتین سنگستان و البشینه او را برهنه کرده و زخمی
هم بر سر او زده بودند مشارالیه بهدان مراد ^{حبس}
کرده و مراتب را بعض معتمد الملک رسانده بود
مقرب انخاقان مشارالیه نیز ادم فرستاده
ان سه نفر سارق را گرفته نبرد او آورده بود
بعد از تحقیق معلوم شده بود که همین اشخاص مشارالیه
برهنه کرده و زخم زده اند و رحمت یکی از آنها نیز که
بر سر او زخم زده بود خون او را آورده است لهذا
حکم کرده بود که بر سه ^{سبب} نماید

دیگر نوشته بودند که یک نفر فقیری بجهت یکی از حاکمان
اتجا آب بیکشیده است درین بین فرج سگته دان شخص
بچاه افتاده بود با اینکه چاه مر بورد دازده ذرع عمق ^{داشت}
ایسی باور رسیده و اورا صحیح دم پران آورده

کرمان

از فرار یک در روزنامه این ولایت نوشته بود
 در ماه محرم هوای کرمان یکدفعه بطوری سرد شد
 که مردم بآتش و استعمال بالاپوش رسانی
 محتاج شده بودند و ضرر کلی محصولات صیفی مردم
 رسیده و در شب هیچدم بادی شدید وزیدن
 گرفته و بعد از آن بقدر دو ساعت باران بسیار
 تنگ آمده بود بطوریکه از مواضع رود خیز رو در جوی
 و چند رشته قنات را در چو پار و غیره منتهی الما
 و خراب کرده بود

دیگر نوشته بودند که در آریباری از اهل بلده
 بلوکات کرمان لعزم ربارت ارض اقدس مشهد
 مقدس روانه شده بودند امیر الامراء العظام محمد
 سردار حکم ان یزد و کرمان جمعیت مستحفظ و تعجبی بانها
 روانه کرده و آنها را از منازل مخوف و خطرناک گذرانیدند
 و نوشته رضانامه از زوکر گرفته و ترجمه کرده بود
 دیگر نوشته بودند که دو نفوذ یکی کاشانی یکی کرمانی
 در شهر مشغول سرقت و دزدی بودند درین اوقات
 که خدایان آنها را گرفته و نیز امیر الامراء العظام سردار
 آورده بودند و بعد از تحقیق که دزدی آنها محقق شده بود
 حکم کرده بود که هر دو را بیاستی که سر او را عمل آنها
 بود رسانده بودند که عبرت سایرین شد
 کسی مرتکب این اعمال نشود

دیگر از اجار بلوچستان نوشته بودند که عالیجاه
 علیخان سینانی و ابراهیم خان ناروی درین

با یکدیگر منازعه نموده و قریب هفتاد و شصت نفر از
 طرفین مقتول گردیده اند
 اخبار دول خارج

درین هفت روز دول خارج روزنامه تازه رسیده است
 که اخباری قابل ترجمه کردن و نوشتن درین روزها
 داشته باشد مگر آنچه ترجمه شده و در احوالات
 متفرقه نوشته میشود
 احوالات متفرقه

در یکی از جزایر ریخط استوا سیاهان که سابقا
 غلام و کنیز بودند یا غمی شده اند و چند نفر از سفیدان
 آنجا را کشته اند و خانه هایشان را آتش زده اند
 از جمله مالیات دیوان که سببه اخراجات آن جزیره
 میگرفتند از هر یک رس کادیکلار و سنا از
 میگرفتند بعد چونکه اعیان آنجا دیدند که محتاج دیوان
 زیاد است و این مالیات کفایت محتاج دیوان
 آنجا نمیکند ده شاهی نیز به رس کادی علاوه نموده
 سی شاهی قرار دادند که بگیرند سیاهها این بضع
 مالیات را که دیوانیان آنجا علاوه کردند قبول نموده
 یا غمی شدند و اعتشاش کردند و نفر از این سیاهها
 که مالیات ندادند دیوانیان گرفته محبوس کردند
 سیاههای دیگر خواستند این دو نفر را هلاک
 نمایند چون دیوانیان مرضی کردند آنها نیز سیاهی
 و اعتشاش را گذاشته و چند خانه از مالیات آنجا
 روند تا اینکه دیوانیان لطف مبیرون آورد این
 اعتشاش را موقوف کردند

در یکی از روزنامه‌های انگلیسی نوشته اند که در مدت پنج روز زیاد تر از سیصد فروگشتی داخل رودخانه گیلان بود که بشهر لندن آوردند متنی بود که حامل دغدغه که کارشان حل و نقل اجناس گشتی بود در لندن بی کار مانده بودند و بعضی و تنگی میکردانند آمدن این کشتیها شغل و کار این اشخاص را رواجی تمام داد و آمدن کشتیهای مزبور درین روزنامه بیان شده که چند وقت در دریای باد مخالف میوزید و کشتیها که از سمت شمال یعنی از سمت مشرق روس می آمدند در دریای مایا شمال معطل شده بودند و طوفان زیاد در سمت جنوب شده بود بعد باد سمت شمال شرقی آمد و کشتیهای مزبور را برداشته و آورد اگر این کشتیها با ایشان غلظت بود که از شهرهای سنت پترزبورگ و آرکلیچال و ریگه و قرانند و سنن و سیستان کجوم و غیره حمل شده بود

در بعضی ممالک که رسیده در میان آب جانوری درنده است که متاع و تنگ بینامند و اگر آدم با حیوانات دیگر را در یاب پاره میکند و میخورد از جمله یک سیاحتی از اهل این کشور شمالی از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند کم مانده بود که طمع متاع بشود سیاحت مزبور سمت جنوب آفریقا کرده و سوار آب بوده و از رودخانه آنجا عبور میکرده است ناگاه متاع را از او گرفته و با آب فروکشید و سوار بند دست بیال اسپیده متاع زور آورده سوار آب را بیابان آب کشید و چند با رسم بر آب فروگشتند تا آخر در جانی که آب کم عمق بود پای آب زمین آمد و مردمی که در کنار رودخانه بودند بانیزه و چوب سوار

و اسب را از زمین نهنک گرفتند سوار مزبور در پنج جاز حتم و بدان نهنک داشت و پوست و گوشت پهلوی اسب را دریده بود و سوار تاده روز و پنجوی و بهبودی بود بعضی است کرده و هشتاد و هشت شد اما آخر صحیح یافت و جا

در روزنامه هندوستان نوشته اند که راه آهن سنجید کالکته بخار که مابین شهرهای بمبائی و تنه می ساخته شده بود در راه تردد و خلق و حمل و نقل بارهای تجاری گشته شده بود و امید داشتند که وقتی که این راه بمیان ولایت برسد یعنی سمت خاندیش و شهر پونه منفعت زیاد باهل آنجا بکند چونکه در آن سمت حاصل زمینها و این چیه را انوقت بر کرده بکنار دریای آوری و بناد که یک ملیان و پانصد هزار پوند پول انگلیس که تخمینا سیصد هزار تومان پول ایران باشد در ساختن این راهها صرف نمایند و بنا دارند که از شهر کلکته بشهرهای میرزا پور و الوند و اگره و لاجور راه بسازند و راهها که از شهر بمبائی ساخته شده از یکطرف هندوستان بر راههای دیگر که از شهرهای بزرگ و رودخانه کلکته است متصل نمایند و بنا دارند که راه دیگر هم از بمبائی تا شهر برده بسازند و گمان دارند که ساختن این راهها منفعت باو هم بجهت آنها که نخواهد آنجا میگذرانند و هم بجهت خلق خصوصاً زراعت کاران صاحبان املاک بکند که سهولت اجناس حمل و نقل شود

در یکی از روزنامه‌های فرانسه نوشته اند که در مملکتی در فرانسه دو الایته حضوراً در شهر بکرست بعد از آمدن قشون

۹۳۵

با نجا ما از وقت بسیار گران شده بود

از فراری که نوشته اند پادشاه مالک شش فروختنی
جنکی باقی و پیکر فرستاده است و مردم آن اطراف
نخب زیاد دارند که فرستادن کشتیهای مزبور با نجا
بسیب چه باشد

ضیافت بکند بقدر احسان کرده بود

در روزنامه اسپانیول نوشته اند که در آن مملکت
علیه سیاحت که دخترها که از دنیا دست می کشند و سیاه
پوش می شوند در آنها می نشینند و بیت هزار و شصت
سینه در دختر در آنها استند

در بعضی جایهای فرنگستان خصوصاً در ممالک
انگلیس و فرانسه در علم زراعت بسیار ترقی کرده اند
درین خصوص نوشته است زیاده در روزنامه چاپ
از جمله درین روزنامه نوشته اند که یک زمین که سابقاً
سالی دو از ده خردار کندم از او بعل می آمد حالاً
چهل و پنج خردار بعل می آید و حاصلهای دیگر نیز که در آنجا
سکارند از همین فریاد شده اند

در روزنامه فرانسه نوشته اند که یکی از حیوانات
که فرس البرجینا اند از مصر بشهر پاریس پای تخت مملکت
فرانسه آورده بودند و چون بچه بود سی و شش بر سر
همراه او آورده بودند که شهر آنها را میدویدند
و باد میدادند میخورد و غیر از شکر بر خورده و نباتات
دیگر نیز میخورد

در روزنامه دینمارک نوشته اند که پادشاه آن مملکت
پادشاه سوئیدن بناد استند که با هم عهدنامه میکنند
که اگر در فرنگستان جنگ اتفاق بیفتد آنها خود را بکنار
کشیده و با هیچ طرف جنگ نداشتند اما نوشته اند
که مملکت اگر در فرنگستان جنگ بشود این دول کوچک
در میان این جنگ نباشند

ایشان در روزنامه فرانسه نوشته اند که درین اوقات
شخصی را بطور غریب برق زده است این شخص در برون
بوده است که طوفان در عدد برق شده بود چون باران
شدت کرده بود و خواسته بود زیر درخت بلوط برود
که از بارش محفوظ باشد رعین دیگر که در آنجا بود
گفته بود که زیر درخت مرو که در طوفان در عدد برق
برق بدرختها میزند و در زیر درخت ایستادن درین وقت
احتیاط بلکه تسلیش زیاد دارد آن شخص خندیده بود
و گفته بود که صد سال است که این درخت در آنجا
و هیچ برقی با او نخورده است من زیر این درخت خواهم
که از صد بارش محفوظ بمانم و رفته در زیر درخت ایستاد
ایستاده بود که ناگاه برق بدرخت خورده و درخت
شکافتد بان شخص خورده و بزین افتاده بود و وقتی که او
بلند کردند دیدند برق بسراو خورده و موی سر او را سوزانده

ناخوشی و با که در شهر کوپن باگن بود کم مانده بود که تمام شود
زیب گفت هزار کس ازین ناخوشی گرفته بودند از اینها
سه هزار و شصت و نود و هفت نفر مرده بودند و باقی خوب
شده بودند و ایچی فرانسه که در آن شهر بود در روز عید
برای طور فرانسه مهمانی و ضیافت کرده بود بسبب
بسیاری از اهل آن شهر بجهت فوت اقوام و کسان خودشان
سیاه پوش بودند و پولی که ایچی مزبور میخواسته صرف

وسر اور از خم نموده و طرف چپ او سباه شده و
پوست پای چپ او هم سباه شده تا مدتی پهوش بود
اما بعد از آن بحال آمد و خوش

تجارت عمده مملکتین مالدا اویته و والا کیه از غله است و
کشیها که از ممالک ساحل آق و کیه و سایر ممالک
هر سال با آنجا سبجه بار کردن غله میروند با آنجا در فصل بهار

هم سال کشیهای ریباد با آنجا رفته و غله بار کرده بود
درین بین آب دهن رودخانه کم عمق شده بود بطوریکه
کشیها نتوانستند از آنجا بیرون بروند دولت روس

کشتی بخار با آنجا که داشته است که کل در یک تاب
بیرون بیاد رود و لکن بطوری عمیق شده است که تری
کشتی میترباشد تجار و کشتی بانان در آنجا سبجه معطل

کشیها بسیار مضر شده اند و بسبب بی آب بودگی
آن سسنا که همه اطرافش فی زار و مرداب است در
این ناستان از کشیها بسیار هفت شده اند

و در نزدیک دهن رودخانه کشیهای زیاد که میجو
بیرون بروند غرق شده و در روزنامه ویتیه دین
خصوص نوشته اند که بنا بود ما بین دول عثمانیه و روس

و استریه عهدنامه ببندند که ادب بگذارند و دهن رودخانه
موجود را در ایم عمیق نگاه بدارند
ایضا در روزنامه استریه نوشته اند که هر بطور استریه

که مملکت بویاریه رفته بود درین اوقات بجای تخت خود
راجت کرده است
و هم در آن روزنامهها نوشته اند که هر اطور حکم کرده

بود که از شهر و روستا در مملکت ایتالیا الی کنار دریا راه این

بجته نزد کالسه بخار سبانه و این راه در فصل بهار
سال آینه باید تمام بشود

در روزنامه زومنه نوشته بودند که دیوانیان بناد
در لیونزن که شهرت در کنار آق دیکتر صد و چهل هزار جوا
کندم بخزند سبجه قحطی که در مملکت روم بود و قدری ازین

غله به لشکرگاه خویته و کیه رسید بود
سبجا روغنه از اهل فرمکنسان که در شهرهای کنار
مملکت چین بودند در میان خودشان سبجه حفظ اموال

سبجارتی چند دسته سرباز درست کرده و شش سبجارتی
با آنها میدادند و کشیها در روی شهرها کشت میگردند
که محافظت از کشتیهای تجاری خودشان بکنند که در

بین اغشاش و جنگ با غیان چین با دولت چین
بمال و مالی تجار فرمکنسان بخورد
در خصوص شهرناپولی نوشته اند که درین روزها چند

از فرار بهای آن مملکت که پنج سال قبل ازین در آنجا
اغشاش کرده بودند حکم قتل آنها را داده اند یکی از اینها
رو جیاری نام است که در آن ایام از حمله و زوال بود پاره

نفر دیگر هم حکم کرده اند که محوسن باشند تا مدتی
و سه نفر دیگر هم اخراج بلد کرده اند
در روزنامه دولتی که در شهر مسیان چاپ میزند نوشته

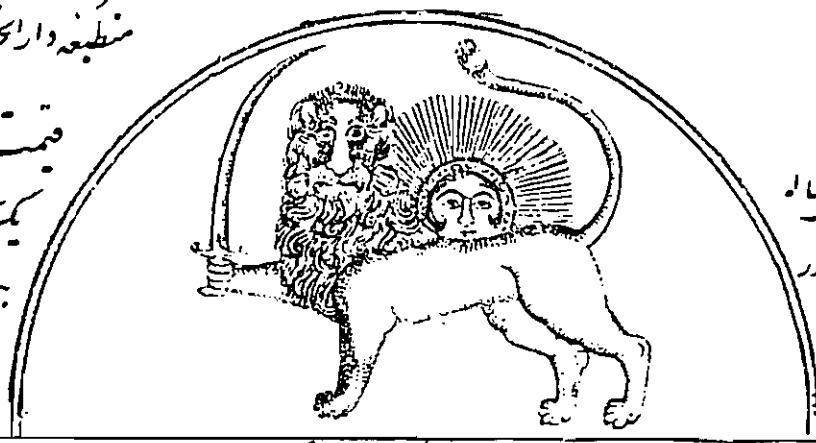
شست و چهار نفر از مسین را که در فصل بهار سال
آنجا اغشاش کرده بودند گرفتند در اول حکم قتل
دادند بعد از سرخون آنها که شست اما حکم کردند که

نفر آنها هر یک با یک سال محبوس باشند و چهل نفر دیگر محبوس
باشند بوجهی که کناران مدت است

۹۳۷

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم پنجشنبه ماه بیج الاول مطابق سال او دسلسله ۱۲۷۰

نزه صد چهل و نه
قیمت روزنامه
یک نسخه و شش برک
در قاف چهار هزار



منطقه دارالخلافه طهران

قیمت اعلانات
یک سطر الاجناس یک هزار
بیشتر با هر سطر

اخبار داخله ممالک محروسه شاهیه

دارالخلافه طهران

در روز چهارشنبه پنجم این ماه اعلیحضرت پادشاهی
گشت و تفریح و شکار گشته و شکارگاه دوشان تپه
آن اطراف را فرمودند و یک ساعت از روز بالا آمدند
سوار شدند و کل خدمت حشم و جاگران حضرت
کردون ببط در کلبه یون مقرر بودند
در این اوقات هوای دارالخلافه طهران و اطراف آن
کمال برودت بهم رسانده و زود تر از سالهای
سابق برف آمد و هوای سرد کردید و در روز جمعه گذشته
از ابتدای صبح بنای بارندگی گذاشته تا شام
متصل برف آمد ولی چون روز بود چند آن دوامی
نکرد و روز دیکره ری آفتاب و بعد از آن باز بنای
بارندگی گذاشته سه چهار روز است که برف باران
می آید و مردم یک برف از باها بیخته اند و بعضی
جایها نیز آبهای کم میخ می بندند و لکن بطوری سرد
که در اینجا آبهای یخ گرفتن بگذارند و کوب با برودت

۹۳۸

هوا درین فصل که زود تر از سالهای سابق اتفاق
افتاده است بجهت رفع بعضی امراض که در میان خلق
بود بسیار نافع و خوب و یکی از نقصانات خداوندی
در فصل بهار گذشته سبب سن خوارگی بعضی
ولایات مردم تلویش داشتند که اجناس تعمیر
بهم رسانند بلکه خدای نخواسته قحطی بود و لکن
بجهد الهی در اغلب ممالک کمال فراوانی و ارزانی
و وفور نعمت است خصوصاً در دارالخلافه طهران که با
وصف کثرت و جمعیت از حسن مراقبت امنای دولت
علیه و ملاحظه رفاة حال عامه حلق هر چیزی فراوان
و ارزانت چنانچه قرار است در هر ماه یک دفعه
تعمیر اجناس درین روزها نوشته میشود و درین
هفته که تعمیر نوشته شده است معلوم میگردد که
در اجناس ترقی بهم زرسیده است و در کل روی
زمین کمتر شهری که پای تخت باشد با جمعیت زیاد داشته

سایر ولایات

اور با ایجان از قراریکه در روزنامه این ولایت
 نوشته اند در شب عید مولود علیحضرت پادشاه
 که ششم ماه صفر المنظر بود نواب مستطاب هزاره والا
 حشمت الدوله حکمران مملکت آذربایجان قدغن نموده اند
 بازار و دکاکین و کاروانسرا را چراغان کرده و بساط عیش
 و امیاط بنسط سازند جمیع بازار را چراغان کرده اند
 و نواب معنی الیه خود بازار آمده اظهار کمال التفات
 باره بنجار و کسب نموده اند و در حرم خود با لباس
 با سایر صاحب منصبان میدان سرباز خانه آمده
 پیشلیک توب و سر باز نموده و شرائط و لوازم
 مزبور را در اردو بطور شایسته بجا آورده اند

اصفهان

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند یک
 تاجر عرب نیز در نایب الحکومه آید عرض کرده بود که چند
 حلپواری مراد در سرحد فرانسه برده اند و نواب مستطاب
 مؤید الدوله حکمران فارس هم نایب الحکومه اصفهان
 نوشته بودند که مال این شخص را از قراریکه میگوید سوار
 کبچی خان بختیاری برده اند نایب الحکومه نیز ذکری خان
 فرستاده او را با نموده و قسم یاد کرده بود که سوارهای
 خبردارند بعد از تفحص معلوم شده بود که مال مزبور اسوار
 حبیبقلی خان بختیاری برده اند نایب الحکومه فرستاده او
 مزبور را تمامه گرفته و صاحبش را کرده بود و گویا این شخص
 بتبعه دولت علی عثمانی بوده اموال او را تماماً باستحضار خدی

از تبعه دولت مزبور که در اصفهان بوده اند تسلیم کرده و

قبض گرفته است

اجبار دول خارجه

بعد از آنکه اجبار جنگ در میان دولتین عثمانی و روس
 شده بود و قشون روس در ولایات واقع در
 رودخانه طونز که دلتوب نیز میانسند متوقف بودند
 هنوز خبر دعوای عساکر دولینین نرسیده بود
 اما از قرار اخباری که این اوقات رسیده است
 در سیم ماه صفر المنظر جنگ در میان عساکر دولینین
 در کرغه و از طرفین توب و تفنگ بجای کرکید یکدیگر
 شده و در دست بالات حرب زده اند و گویا بقدرش
 هفت ساعت زمان دعوا طول یافته ولی مال امر دست
 معلوم نشد که یکجا بنجر کشته است تا درین روزنامه
 روی تحقیق توان نوشت بعد ازین هر وقت که خبر
 مال دعوای مزبور از روی تحقیق معلوم بشود در روزنامه

خواهد شد

در باب امور اتفاقیه ما بین دولتین روس و عثمانی
 اجبار جنگ و توقف لشکر دولت روسیه در محل افلاق و بغداد
 سخته ایکه خبری بصحت خمیوسه بود و در مزمه ۱۳۵ این
 روزنامه که بنا بر ششم ماه صفر بود که گور شده بود که اجبار
 دایره طرفین اجبارین در طبق اخبار نوشته خواهد شد از آن
 خبریکه این اوقات رسیده است از جانب علیحضرت امیر
 دولت بینه روسیه بدین تفصیل حکم بر کافه اهل مالکیت
 صادر شده است که بموجب فرمان مورخه چهارم ماه یون
 چه استه مارعیای هر دو صداقت نمون خود را مصلح و مجتهد

ساخته بودیم از جهاتی که بر ذمه ما وارد آورده بود که از
 جانب دولت عثمانیه در مقام مطالبه اطمینان مستحکم از
 برای حفظ حقوق متهمه کلیتای مستقیم در زمان
 آئینه بر اینم ما چنین ایشان معلوم کرده بودیم که جمیع
 ما که بواسطه الزام دوستانه امنای دولت عثمانیه
 بر سر مکنونات منصفانه بیاوریم که تا صدفقت
 مضامین عهد نامجات را معمول بر آرد بی
 مانده بود و بنا علیه لا کز برداشته بودیم که بقشون
 خودمان حکم بدسیم که داخل ولایات واقع
 رود خانه طونه شوند لسیکن وقتی که این تدبیر را
 بکار برده بودیم باز امیدی بر ما حاصل بوده است
 که دولت عثمانیه خط حوز را در یافت نموده خود
 فرار خواهند داد که مطالب حسابی ما را مجری
 و لکن این امید ما بطل سیاده بلا فایده ماند حتی عهد برین
 دول آورد و پاد در صد و آن بر آمد بودند که بواسطه
 لضایح خود عناد شدید امنای دولت عثمانیه
 متزلزل نمایند در جواب مساعی اصلاح آمیز او پو
 و صبر در حوصله طولانی ما دولت عثمانیه اعلام جنگ
 کرده و اعلام نامه که مشحون بکذب و دروغ نسبت
 بدولت ما بوده است داده است بالآخر بعد از آنکه
 یا عیان جمیع ولایت را در صفوف عیب کر خود قبول
 نموده دولت عثمانی در بن وقت بجا ربه و قتال
 رود خانه طونه اقدام و قیام نموده بحال بدولت
 روس تحلیف جنگ و قتال رفته است آنچه از ولایت
 روس باقی میماند این است که توکل خود را بسجده اند

۹۲۰

نموده بزور اسلحه رجوع نماید تا اینکه دولت عثمانیه
 لمجا، بدارد که حفظ عهد نامجات نماید و از برای آن
 رنجش ما که مورد آنها گشته در عوض مطالبات بسیار
 طامیت آمیز ما در اتهامات شرعی ما از برای محاربت
 در ولایات شرقیه دین مستقیم که ملت روس نیز
 بران معتقد است ترصیه بدند ما بقین با اسلحه که
 از برای عمل مقدس و برحق از جانب ما برداشته
 میشود و از جانب اجداد مؤمنین ما همیشه حافظان
 غیرت آمیز این کار بوده اند میمنت بدید بتو ای خدا
 توکل میکنم که خجل نگذاری مرا ابد
 تا اینجا صورت فرمان اعلیحضرت امپراطور دولت
 بیه روسیه بود که چون از اخبار جدیده محبوب میشود
 در ضمن روزنامه نوشته شد
 موافق روزنامه که از دینیه پای تخت ستریه نوشته بودند
 امپراطور این مملکت که بشهر وارشا و دیدن امپراطور
 رفته بود از آنجا پای تخت خود بر آید
 در روزنامه فرانس نیز نوشته اند اگر چه این
 اعیانیت دارد و لکن باز معلوم بود که مفید منقول
 و بنا خودشان بودند امنای دولت فرانس
 مجرب شدند و بسیاری از آنها را گرفته و مجبور کردند
 از جمله یکی از فراریها که در لندن اقامت داشت در
 این روزها از آنجا پاریس پای تخت فرانس رفته
 بود او را گرفته و از کاغذها که در نزد او یافتند معلوم
 شده بود که سایر مفسدین کیستند آنها را نیز گرفته
 حبس کردند

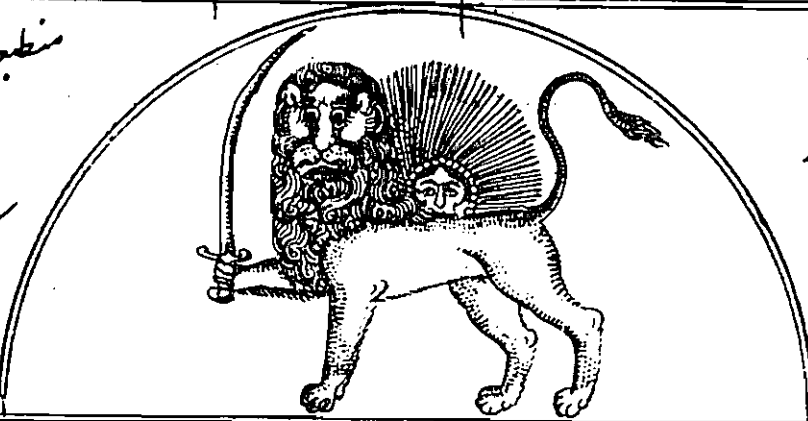
مستقیم که در غای صدیق جوانان ما مستحقان عالمی

۰۰۳۰	شکر سفید یک من سه هزار	اجناس با کولبات و غیره در دار انجمن مبارک که بجهت
۰۰۳۱	ماش چار من شش عباسی	از هر چیزی ارزان و فراوانست چنانچه تعبیر اجناس را
۰۰۳۲	عدس قزوینی چهار من یکربال	که درین هفته عالیجا میرزا ساداته احتساب اقا صویر
۰۰۳۳	لوبیا چهار من یک هزار و سیصد	و ستاده و در روزنامه نوشته میشود معلوم میگردد که کمال
۰۰۳۴	سرخود قزوینی چهار من یک هزار و ششصد	فراوانی دارزالی است صورت تعبیر ازین قرار است
۰۰۳۵	خرما چهار من دو هزار و ششصد	برنج غنچه بو چهار من دو هزار و یک عباسی
۰۰۳۶	پسته یک من یک هزار و سیصد	برنج کرده چهار من دو هزار
۰۰۳۷	مغز بادام یک من سه هزار	روغن اعلی چهار من یک تومان
۰۰۳۸	نارنج صد عدد سه هزار	گوشت یک من یک هزار دینار
۰۰۳۹	ماهی یک دانه ده شاهی	نان یک من هفت پول
۰۰۴۰	آب نارنج یک من دو هزار	همه طاق یکخوار یک تومان
۰۰۴۱	آب لیمو یک من سه هزار	بیمه متوق یکخوار هشت هزار
۰۰۴۲	طلویات اعلا یک من چهار هزار	کندم ساو جیل یکخوار دو تومان
۰۰۴۳	زعفران یک من پنج تومان	کندم شهری یکخوار بیست هزار
۰۰۴۴	دراچینی یک من هشت هزار	جو یکخوار یازده هزار و پانصد
۰۰۴۵	فلفل و زردچوبه یک من سه هزار	گاه یکخوار پنجاه هزار
۰۰۴۶	هل یک من شانزده هزار	یونجه یکخوار پنجاه هزار
۰۰۴۷	سرخود بوداده چهار من دو هزار	خرزبه قتی یکبار شتری یک تومان
۰۰۴۸	ذغال یکخوار دو تومان	خرزبه شتر یکبار ایضا هشت هزار
۰۰۴۹	کشک چهار من دو هزار	هندوانه یکبار ایضا هفت هزار
۰۰۵۰	باقلا چهار من یکربال	انار چهار من شش عباسی
۰۰۵۱	مرغ قطه ده شاهی	کلابی چهار من دو هزار و پانصد
۰۰۵۲	پنیر شور چهار من شش هزار	قندرسی یک من شش هزار یک عباسی
۰۰۵۳	سببج یک من دو هزار	قندرزادگی غنچه یک من چهار هزار و ششصد
۰۰۵۴	سببج مرغ ده بیضه یک عباسی	بناست یک من سه هزار و ششصد

۹۴۱

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم شنبه نهم ربيع الاول مطابق سال اول ۱۲۷۰

نمره صد و پنجاه
قیمت روزنامه
یک نسخه دو بهر کماله
صفتان و چهار هزار



منطبه دار الخلفه طهران
قیمت اعلانات
یک سطر الحجه سطر بهر
بیشتر

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دار الخلفه طهران

در روز یکشنبه گذشته اعلیحضرت پادشاهی
بباغ پهلوی نکارستان که یکی از باغهای دیوانی
و جانی با صفاست تشریف فرما گردیده و بنا را
در انجامیل فرمودند و بعد از صرف عصرانه و چای
نزدیک بگذر آب آفتاب مبارک که سلطانیه جهت
فرمودند

امر محافظت شهر بظلم فرادنی آنها و کزها درین اوقات
انقباض تام دارد از جمله درین روزها شخص تاجری
آقا محمد حسین نام که بسیار ظالم و لجاجت بی نظمی است
و کسی گمان سرقت و دزدی با او نمیدرشد بکار او
حاجی حسن رفته و در آنجا مانده بود و از حجره شخص تاجر
کیسه پول و سیاه دیگر سرقت کرده بود صبح که از کار
بیرون آمده بود کشیکچیان او را گرفته با پول و اشیاء
مسروقه بزرگوار و غنچه برده بودند و از آنجا بهان بیست
او را خدمت نواب مستطاب شاهزاده والا تبار اردشیر میرزا

حکمران دار الخلفه طهران آوردند و جعفر و سایر اعیان
مسروقه بصاحبش رد گردیده و سارق مزبور حسب
بنا بنا محبوس خانه دولتی حبس است تا بدینچه حکم
شود در باره او معمول دارند

در هجرت پنجمین ده تفرجه نام و محمد نام که چندی قبل ازین
وزوی کرده و تشبیه شده بودند باز فائده باحوال آنها
نگارده درین روزها مجدداً مصدر سرقت شده بودند
انهارا گرفته بزرگ نواب شاهزاده آورده و حسب حکم
معزی الیه بیبایستی که سزای عمل آنها بود رسیدند که عجز
سایرین شده مرتکب سرقت نشوند

دیگر از اخبار شهر نوشته بودند که طویل علیجه میرزا
مستوفی در محله چالمیدان خراب گردیده و سه نفر
خرابی مانده بودند آنها را بیرون آوردند و بهیچک
المی نرسیده بود

دیگر نوشته بودند که در شب نهم ربيع الاول محمد
مجلس صیافت داشت رفته بود بنجایه های که چند

۹۴۲

امور است قشونی

جناب جلالت انتاب صدراعظم در روز شنبه کشته
 نیم ساعت از روز بالا آمده بمیدان مشق خارج دروازه
 دولت بملاحظه مشق افواج قاهره نظام رفتند و میران
 و سیرتپان و سمرسنگان و نایبان اجودان باشی و کل
 صاحب منصبان و قلو نول مطرات و القار و ران
 حاضر بودند و قریب چهار ساعت مشق لغت و مشق پاو
 سایر مشقهای افواج حاضر بمیدان کشتی تمام نمودن
 عالیجاه قلو نول مطرات و معلم کل و سایر صاحب منصبان
 معین جزو زردشار الیه خوب از عهد خدمت برآمده
 بودند الفاضل فراج هر یک دادند که مایه امیدواری آنها
 شده بیشتر مشق افواج ساعی شوند

بگیرد طفل چهار ساله داشت که از عقب پدرش بیرون
 رفته بود و در میان دالان خانیمت به چاهی بود که میت
 انداخته بود و آنکه پدرش طغنت شو و آن
 طفل میان چاه افتاده بود بعد از آنکه پدرش بخانه خود
 و ساعتی گذشت پسر خود را ندید و هر چند تفحص کرد او را
 نیافت آغاز گریه و زاری و اضطراب پتقاری نمود
 نزدیک بان رسید که مجلس صیافت را برسم زرد
 بالاخره از خانه بیرون آمدن بخانیمت به رفت که تحقیق
 نماید و آوازی از میان چاه می آید نزدیک رفته گوش
 داد و او را طفل خود را شنید او را بیرون آوردند چون
 روزش زرسیده بود از تفصیلات خداوند صدمه
 و آسبسی با و وارد نیامده بود

۹۴۳

چون چند نفری از فوج سربند در عربستان باعث
 و بزرگی شده بودند در روز شنبه فروردین در آن
 میدان مشق حاضر ساخته و بعد از تحقیق و رسیدگی
 کامل محقق شد که مقصر میباشند حکم بعالیجاه علیجان
 سرتپ و نایب اجودان باشی نمودند که در پیش روی
 اطلاق نظام آنها را بتا زبانه بسته نفری هزار تا زبانه
 که عبرت سایرین شده بعد ازین ازین خلافتها کنند
 و رسم در آن روز که جناب جلالت انتاب صدراعظم
 بیان افواج رفته بودند بجهت این که صاحب منصبان
 فوج عرب بطام در کار و مشق و عمل خودشان سعی و
 درستی نداشتند بعد از اتمام مشق فوج فروردین
 فوج فروردین را پیش فرستادند تا آنها ته بد زبانی نمودند

درین اوقات چون از تفریه واری دو ماهه محرم و صفر
 فراغتی حاصل گردید هیئت اغلب مردم مشغول عروسی
 صیافت و دعای دولت جاویدت علیه میباشند
 در روز شنبه گذشته عالیجاه جلالت و بنات سیراه
 طاسین صاحب رزق و دولت بیستگلیس عالیجاه بند جابجا
 قلو نول دولت شار الیمار که مدتی از دولت خود مخصر شده
 بولایت رفته بود درین روز نامراجعت کرده است بحضور
 اعلیحضرت پادشاهی برده شرفیابی حاصل و از جانب
 شاهی بجواب توکانه اظهار کمال محبت مبدول
 و همچنین بعد از شرفیابی حضور مبارک عالیجاه جلالت و بنات سیراه
 شار زق و دولت بیستگلیس بدین جناب جلالت
 صدراعظم رفت و جناب معظم الیه نیز اظهار کمال
 محبت و باره او نمودند

نامسن

که اگر بعد از این در مشق خود سعی ننوید تنبیه خواهند شد
و بمقرب انخافان مجبلی خان میرنجه سپردند که دو
نفری از صاحب منصبان که خلاف کار و بی نظم بود
معین کند که جناب معظم الیه حکم اخراج آنها را بد

عالیجاه آقا سید احمد که با سواره خود که طرم رکاب
بودند بحضور همایون شرف شده و خلعت التفات
بشار الیه محبت شد مرخص خانه گردید

سواره آقا رضا شامون که در خراشان مامور شد
بودند حاضر رکاب مبارک شده بعد از آن شکر
مرخص خانه میباشند

عالیجاه میرزا زین العابدین سررشته دار مهاجر که
شکر نویسی سرافراز شده و در روزنامه سابق نوشته
شده بود درین اوقات بازای منصب مزبور یک
جبهه ترمه کرمانی بشار الیه خلعت محبت گردید

سایر ولایات

اوز باهجان از فراریکه در روزنامه این ولایت
نوشته اند درین اوقات در قریه قزل دیزج که یک
سرحد خاک دولت عثمانی است قرانتین گذاشته
در عابای دولت برابر از پنج روز در آنجا نگاه میدارند
و نفری بکزار دینار که پنج فردش باشد میگیرند و
در اندرون قرانتین باشند نفری هفده فردش که
چهار صد دینار باشد میگیرند و مردم ازین عمل بسیار
بتنگ آمده اند

دیگر نوشته بودند که حسب الامر ولایای دولت قاف
لواستطاب شاهزاده والا بتار حشمت الدوله حکدان

مملکت اوز باهجان عالیجاه مقرب انخافان حاجی پوهان
سرتیب را ایل یکی موهان نمودند و عالیجاه مرزا باقرشی
دول خارجه را نیز مقرب انخافان میرزا محمد خان دبیر امور
خارجیه سر ایشا الیه موهان نمودند

دیگر از فراریکه نوشته بودند در او اخر محرم در اوقاتیکه
لواستطاب حشمت الدوله در ترکمان بودند بجهت که چاندین ایل
حاجی خواجگه لواز صغیحات مشکین و قراجه داع که در آنجا
اوقات متشرفه و شرارت بودند و سابقا شعبانغی
پنججاه باشی هم حسب القوان همایون مامور که چاندین آنها

عالیجاهان محمد علیخان سرتیب فرج تحفه قاپو حسن خان
بر او را دو عجب القادر خان سرتیب سواره سنگی را مامور نمودند
که رفق ایل مزبور را اولاً باطمینان دستمالت و اگر قول
نکردند حکماً و عقفاً از آنجا کوچانند و در میان حال قراجه داع
و انکوت سه فئاق برای آنها سکنه بدهند و بعد برآ

با ولایای دولت علیه معروض دارند مشار الیه هم اول
که با آنجا فته بودند ایل مزبور قدری وحشت برداشته
متفرق شده بودند لکن عالیجاه محمد علیخان آنها را
استمالت و طمینان داده و بوظیف این دولت
امید واری حاصل کرده اند و حسب المقررات آنجا که چینه
و منجلی که مشخص شده بود آمده اند

دیگر نوشته بودند که تحقیقی خان و محمد باقر خان با شرفین سرور
آنجا ریاضه و محاف کرده بودند و علایا از آنها شکی شدند و آن
آن دو نفر را مژدل عالیجاه عیاسقلیخان شتر و روی را که عالی
این نظام و جمعی دیگر متعهد یک و بد امور ات او گردیده اند و کج
آنجا منصوب نموده اند

۹۴۲

عربستان و برورد

از قراریکه در روزنامه عربستان نوشته بودند ناخو
 و باد ماه محرم بالمره از آنجا رفع گردیده است و لکن
 ناخوشی نوبه عیش در آنجا شیوعی داشته است
 و در اوایل شهری داشته است اما درین اوقات
 در ناخوشی مزبور هم تخفیف کلی بهم رسیده است
 در روزنامه برورد نوشته بودند که در ششم ماه صفر
 که روز عید مولودا علیحضرت پادشاهی بود نواب
 جلال الدین میرزا نایب الحکومه برورد سلام شسته
 و خطیب او ای خطب نام هایون علیحضرت پادشاه
 نموده و بیت و یک تیر توب بشادمانی این عید
 سعید شلیک نموده اند و بالالی آنجا شربت و شیرینی
 داده و مراسم خورسندیر امیله^{شده}

فارس

از قراریکه در روزنامه اینولایت نوشته بودند نواب
 مستطاب شاهزاده والایستار مؤید الدوله طاب^{شده}
 حکمران مملکت فارس مراقبت تمام در تعمیر خرابیها
 ولایت و رفاه و آسودگی رعیت دارند از جمله چون
 بواسطه خرابی که از زلزله چند وقت پیش ازین در شهر
 شیراز بهم رسیده است در اوقات مرستان
 بارندگی کوچها کل بند و عبور و مرور خلق بواسطه کل^{چهار}
 صعوبت داشت نواب معزی ایبه کم نمودند که الاغ
 بسیار بشهر آمده مشغول برداشتن کل و خاک کوچها
 باشند و درین اوقات مشغول پاک و تمیز نمودن کوچها
 میباشند و اجرت آنها را قدغن کرده اند که روز بروز^{نقد}

از صند و قخانه بدهند که کوچها را پاک کرده نمایند و عبور
 مردم باستانی بشود

و هم چنین نوشته بودند که نواب معزی ایبه تا کید
 اکیده بجایگاه عبداله خان معمار باشی در باب تعمیر
 عمارات دیوانی فارس نموده اند و عالیجا پشایر ایبه
 نیز حسب الامر نواب شاهزاده بنا و عمله زیاد بکار انداخته
 و مشغول تعمیر عمارات دیوانی هستند

و یکروز نوشته بودند که در ششم ماه محرم باران و کمرک^{شده}
 به بلوکات اربعه و کمرسیرات فارس آمده و بعضی محصولات
 صیفی خصوصاً تنباکو و زرت و کنبه ضرر و خرابی زیاد
 رسیده است

اصفهان

از قراریکه در روزنامه اینولایت نوشته اند عالیجاه
 چرافعلی خان نایب الحکومه اصفهان سوای روز دوشنبه
 و جمعه که حسب الامر نوکر مرض اندسایر ایام مغفرت را اولاً
 بمیدان مشق افواج قاهره متوقف اصفهان آمده در سید^{کے}
 کامل سبق آنها مینماید و احياناً اگر خلائی از سربازی سرزده
 باشد متوسط سرتیپ و سرتنکان تنبیه نظامی می شود و بعد
 از آن بکارهای رعایا رسیدگی مینماید و اگر کبسی اجحاف
 و زیادتی شده باشد رفع نموده و احقاق حق بعل می آورد

و یکروز نوشته بودند که در شب عید مولودا علیحضرت پادشاه
 عالیجاه نایب الحکومه اصناف صیافت جشن و چراغانی و آتشباری
 برپا نموده و در روز آن شب هم شلیک شادمانی نمودند و
 به نوبتی و سرباز داده و بقصر انیر تصدق تجبه سلامتی وجود مبارک^{سلطان}

اخبار دول خارجه

انگلیس تاریخ کاغذ آخر که ازین ولایت رسیده است
 بیت و هفتم و بیجده است پادشاه بلژ با پسر و عروس
 و چند نفر از اقوام خود بفرم سیاحت بملک انگلیس آمده
 بودند چند نفر از خوانین انگلیس تا منزل و در که اول
 خاک انگلیس است پادشاه بلژ را استقبال کرده بود
 و پادشاه انگلیس در عمارت و نیز از که چهار فرسخ از
 لندن دور است توقف داشت پرنس الیزابت از آنجا
 تا شهر لندن به پیواز پادشاه بلژ آمده و از آنجا با
 بکال که بخار نشسته در نیم ساعت بعارت و نیز از آنجا
 و پادشاه انگلیس با عیالش تا پانین زردبان عمارت
 مزبور استقبال کرده و با اعزاز و احترام تمام داخل
 عمارت مزبور شدند

۹۴۶

و نیز در همین روز نامه نوشته اند که کشتیهای جنگی
 انگلیس که مدتها در دریای بار یک با این ملکین انگلیس
 کشت میکردند درین اوقات بعضی از آنها روانه آقی دیگر
 میشوند و بعضی هم بسمت دریای بالیک میروند
 دیگر نوشته اند که پادشاه انگلیس و زرای خود را بمشور
 خواسته بود که در خصوص جمع آوری خوانین و وکلای
 رعایا بمشورت خانه فراری بمانند و قرار داده بودند
 که در روز دوشنبه بیست و ششم ماه صفر خوانین و وکلای
 مزبور در پای تخت بیجده که در آن روز دو جمع شوند
 دیگر نوشته اند که بتاريخ روز پنجشنبه بیست و پنجم ذی
 موافق قاعده که دارند اعیان تجار و کسبه شهر لندن
 جمع شدند که حاکم در میان خودشان بجهت سال آینده

معین نمایند و یکی از اعیان آنجا را بجهت حکومت شهر مزبور
 معین نموده و برب قاعده و فرمان که از قدیم از پادشاه
 دارند بکومت شهر مزبور برقرار نموند

دیگر نوشته اند که ناخوشی و با که چند وقت بود که در شهر
 سمت شمال ولایت انگلیس بروز کرده بود درین اوقات
 رو بختیف بود و در شهر لندن نیز بروز کرده بود لیکن
 روزی دو نفر یاسه نفر بیشتر در شهر بان بزرگی منبر
 و در لندن تدارک زیاد میدیدند بجهت پاک کردن شهر
 و کوچهها و فاضل آنها و غیره که بلکه ناخوشی کمتر است

فرانس

کاغذ آخر این ولایت بتاريخ دوشنبه بیست و هشتم
 بود و نوشته اند که امپراطور فرانس در عمارت
 سنت کلود بود و چند نفر از معصرین را که گرفته بودند
 بعدالت خانه آورده بودند که در خصوص تقصیر آنها
 تحقیق شود و با وجود گرفتن معصرین باز در کل اوقات
 اعیان تمام بود و همچنان داشتند که معصومین قوی
 از او داشته باشند که بتوانند ولایت را بر سر

عمانیت

در روزنامه اسلامبول نوشته اند که حکم شده بود
 که حجاج که از آنکه معطله مراجعت می کنند چند روز
 سرحدات در قرانتین نگاه بدارند و قرانتین مزبور را
 نزدیک بشهر دمشق قرار داده اند و سیاحان نیز که
 از مصر بان سمت می آیند حکم شده است که در قرانتین
 و هم درین روزنامهها از خبریه مثلین نوشته اند که

نایب قونول روس که در آنجا بود درین روزها
 بیرق خود را پانین کشید و لکن خودش از آنجا بیرون
 رفت سببه اینکه از دولت ماموریت وارد یکی از
 دولت روس یکی از دولت استریه و از جانب
 دولت استریه باز در آنجا همان منصب برقرار
 و بیرق استریه را در عوض بیرق روس بر پا کرده
 نایب قونول انگلیس که در آنجا بود بجزیره رودس
 رفته بود و یکی از صاحب منصبان سفارت کلکتا
 مقیم اسلامبول بجزیره متلین آمده بود که بجای قونول
 مرزور در آنجا بعلت قونولگری منصوب شده با اعلام
 جهاد که دولت عثمانیه بدولت روس کرده بود
 اعلام نامه مرزور تازه بان جزیره رسیده بود و در آنجا
 کمال امانت حاصل بود و ده روز بود که با دارنمت شمال
 میوریند و هوایر بیاید بود و بجای زیتون که حاصل عهد
 آن جزیره است ضرر زیاد رسیده بود
 از بز نوشته نوشته بودند که خلیل باشا حاکم آنجا
 رفته بود چونکه در حکومت آنجا کمال خوش سلوکی و رفقا
 بر عیایا کرده بود از رفتن حاکم مرزور مالی آنجا مخفیت
 داشتند و میگویند که چند روز بیشتر در اسلامبول تو
 نخواهد کرد و دوباره بهایجا معاودت خواهد نمود پارسا
 در آنجا بسبب ملح خواری حاصل کم شده بود و لیس
 داشتند که قحطی نبود و لکن جنبل باشا از قونیه غله
 آورده و رفع محطی مالی آنجا را نموده بود و آسوده
 بودند

نزدیک است که درین روزها بالمره تمام بشوند اکثر دزدان
 که در کوههای نزدیک آنجا بودند دستگیر ضبطه دیوان
 شده اند و امید داشتند که کوههای آن سمت که تا
 دزدان بود بعد ازین امانت حاصل شود
 دیگر نوشته بودند که در اسلامبول جبر را کشته بودند که
 کشتهها از آنجا عبور کرده بچو صنها کی کشتی ساز خانه تیار
 که در آنجا تیره بشوند ناگاه جوانی که یکی از جمله طلبه مدرس
 دوله باغچه سی بود سوار اسب شده و در روی جبر متنا
 و ندیده بود که جبر را کشته اند وقتی که باب نزدیک
 متواتر جلوس را بیکه دیگری از کشیکچیان که صبطیه
 مینامند در آنجا بود دید زورش نمیرسد اب را نگاه
 بدارد جوان را از روی اسب برداشته بر زمین گذاشت
 و اسب میان دریا افتاد بعد از آن آنها که در میان
 نشته بودند اسب را بکنار کشیدند مردمی که در آنجا
 و تماشا میکردند از چابکی مستحفظ صبطیه که سوار را از
 روی اسب گرفته بر زمین گذاشت تعجب کردند
 در تاریخ شازدهم ذیحجه ایضا در روزنامه اسلامبول
 نوشته اند که طوفان زیاد در آنجا شده بود و لیس
 داشتند که کشتهها که در روی دریا بودند غرق و شکسته
 در تاریخ بیستم ذیحجه کشتی جنگی تازه که جای صد عراد
 توپ دارد و نام او پیک ظفر است در اسلامبول
 تازه تمام کرده و از کشتی ساز خانه اسلامبول با
 انداخته بودند

۹۴۷

بعد از رفتن ایچ روس از اسلامبول قونول روس

از اصمیر نوشته اند که دزدان آنجا بسیار کم شده اند

در اسلامبول نایب بود تا تاریخ دوشنبه بیست و یکم
دیجی از آنجا بیرون رفت که با او سه برده و دو هرچه
روس که در آنجا بودند در زرجانیت دولت استریه
کذاشته بود

در تاریخ دوشنبه پنجم صفر در محله ابوب اسلامبول
و در آن سمت محله که بلبل دره سی بنامند آتش
افتاده بود اما نظام آتش خاموش کن آتش را چنان
زود خاموش کردند که میر از یک خانه سوخته نماند

استریه

از فرآریکه در روزنامه این ولایت نوشته اندگی که
در باب کم کردن قشون کرده بودند باز برقرار بود
قشونی که میخواستند بکنند از همه قسم صد هزار

در روزنامه وینه پای تخت این مملکت نوشته اند
که ولعهد پادشاه بلژا عوسش در اول سنه ۱۲۷۰
هشتصد و پنجاه و چهار هیوی که غره ربیع الثانی
هجرت بنا بود که بپای تخت وینه بیایند که عید اول
سال را در آنجا باشند

سینکی دنیای شمالی

در خصوص گرفتن یک نفر از اهل مجار که در شهر آمبر
گرفته بودند و تفصیل او در روزنامه های سابق
شد حال باین دولت مرزور باد دولت استریه
گفتگو در میان است و ایچچیم باین خصوص از یکی
بپای تخت استریه آمده است از طرف دولت استریه
میگویند که این شخص چونکه رعیت دولت استریه بود

و مقصد یوان چاکران دولت استریه حق از او
که در هر جا که او را ببینند بگیرند و محبوس نمایند و هرگز
قبول نیکردند که رعیت خودشان در زرجانیت دولت
دیگر باشد و از طرف دولت سینکی دنیای شمالی

میگویند که چون این شخص بولایت سینکی دنیای شمالی
ازین دولت گرفته است در زرجانیت دولت
سینکی دنیای شمالیت از آنهم گذاشته بملکت استریه
نیامده بود که در زرجانیت چاکران دولت استریه باشد

در مملکت عثمانیه بود و در شهر امیر و چاکران دولت
استریه حق از آن داشتند که کسیر اگر چه مقصد دولت
خودشان باشد در خاک دولتی دیگر بگیرند وقتی
که شخص مرزور در ردی کشتی جنبکی دولت استریه

محبوس بود صاحب منصب کشتی جنبکی سینکی دنیای
تو بهار ابر کرده بود و میخواست با کشتی جنبکی استریه
جنگ بکند درین باب هم دولت سینکی دنیای
شمالی تصدیق صاحب منصب خودشان را کرده اند

و گفته اند که چون این شخص در زرجانیت دولت سینکی
شمالی بود سرمنگ کشتی مرزور تکلیفش این بود که او را
محافظة بلند درین باب در روزنامه های فرانکستان
گفتگوی زیاده شده است و بعضی مینویسند که صاحب

کشتی سینکی دنیای شمالی از آن است که جنگ بکند و درین
حیطه کرده بود زیرا که تکلیف جنگ با پادشاهان
بزرگ دولت استریه با صاحب منصبان قشون
برمی یا سحری

دیگر در خصوص که از ش این دولت با دولت جمهوری

لیکنکه نوشته اند که حال باز این مملکت بنیای جنگ
 دارد و چونکه در جنگ آخر شکست از اهل دولت متوجه
 بنی و نیای شمالی خورده بودند میخواستند حال بلکه
 تلافی بکنند و اهل بنی و نیای شمالی اسم مهابتی
 بودند و بسیاری هم طالب اند که جنگ بشود که باز
 مثل سابق مملکت گیر و بکنند و یکی از وزرای دولت
 بنی و نیای شمالی در باب جزیره کوه گفته است که
 اگر آن جزیره نیز داخل مالک سکی و نیای شمالی
 بشود عیبی ندارد
 احوالات متفرقه

پطرز بوزغ که تخمنا سجدوسی و چهار فرسخ پیش
 در صد و شصت ساعت میروند
 در بین توقف امپراطور استریم در شهر مونچ پای
 تخت مملکت بوزغ قشون آن مملکت را در پای تخت
 حاضر کرده بودند و در روی امپراطور دوره مشق
 کردند و بجهت احترام امپراطور پادشاه آن مملکت
 شمشیر کشیده و در جلو قشون از پیش روی امپراطور
 استریم عبور نمود
 در روزنامه سوئیس نوشته اند که زوجه لوی فیلیپ
 پادشاه سابق فرانسه که در ولایت انگلیس بود

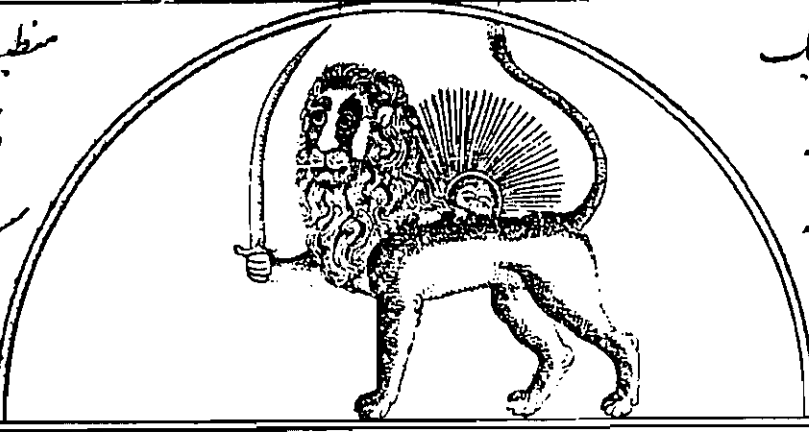
در روزنامه جریده احوادث اسلامبول که بزبان
 ترکی چاپ میزند در خصوص تندرقتن کال که بخا
 و راه آهن در بعضی از شهرهای بزرگ فرنگستان
 باین طور نوشته اند از لندن پای تخت انگلیس
 پاریس پای تخت فرانسه که تخمنا صد و شش
 فرسخ است و پنج فرسخ آن در روی آب می رود در
 شانزده ساعت میروند و از لندن تا برلین پای
 تخت پروسه که تخمنا صد و چهل فرسخ میباشد
 در چهل و دو ساعت و از لندن تا وین پای
 استریم که تخمنا دولت و بیت و چهار فرسخ است
 و بر صد و نوزده ساعت و از لندن تا سنت پترز
 پای تخت روس که تخمنا سصدوسی فرسخ میباشد
 و بر صد و هفتاد و نه ساعت و از پاریس پای
 فرانسه تا برلین پای تخت پروسه که تخمنا صد
 و شصت و چهل و سه ساعت و از پاریس تا سنت

و میخواست بدین پیش بملکت اسپانول
 برود اول از راه دریای اراده داشت برود با مخا
 آمد و امواج دریا بلند شد ملکه زبوره ناخوش شد
 و کشتی را بسمت انگلیس مراجعت دادند بعد از آن
 نباشد که از راه پلر و سوئیس تا رنوه برود و از آنجا
 براه دریای اسپانول برود که نزدیک است اما در
 ولایت سوئیس باز احوالش ناخوش شد و چند
 روز در آنجا ماند و در شهر رینو توقف کرده بود تا
 احوالش خوب بشود
 در انگلیس و بنی و نیای شمالی چرخه دوختن خت آخر
 کرده اند مدتی درین جنجال بودند که چرخه بازند که زودتر
 جنایات رخت بدوزد و لکن چنان خوب شد بود که بکار بخورد
 حال میگویند بطوری درست کرده اند که بکمال حلیدی و خوب
 بلکه از آنکه بادست دوخته بشود هم بهتر است و در لندن
 این اسباب را بکار انداخته اند

۹۴۹

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه یوم نهمینم ماه ربیع الاول مطابق سال او دین ۱۲۷۰

نمره صد و پنجاه و یک
قیمت روزنامه
یک نسخه در شهر یک ریال
و دهان چهار هزار



منطبعة دار الخلفه طهران
قیمت اعلانات
یک سطر الا چهار سطر بکله در روز
پنجاه سطر پنج سطر

احبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دار الخلفه طهران

در روز دوشنبه هفدهم این ماه که یوم مولود حضرت
سید الانام و عموم اهل اسلام را این عید عزیز و گرانمای
و لازم الاحترام بود اعلیحضرت قوی شوکت پادشاه
در تالار باغ باسلام عام فرمودند و یقیناً فونی که
معمول و متداول این دولت علیه است امنای و اعیان
در بار شوکت ابره یک در مرتبه و مقام خود شرفیاب
حضور مظهر خورشیدانی گردیدند و شلیک توپ و زینوار
مبارکبادی این عید سعید نمودند و خطیب ادای خطبه
بعد از حمد خداوند بگانه بنام حضرت خاتم الانبیا در
مبارک نموده و مراسم تحت تهنیت و مبارکبادی
معمول داشتند و بعد از انقضای سلام اعلیحضرت پادشاه
بجارت سردرب دیو اتحازت مبارک که شرف میدان
ارک است تشریف فرما گردیدند و نظام حضرت فرجام
از توپچی و سرباز سرتاسر میدان صف نظامی کشیده
و سایر امانی دار الخلفه مبارک را از صغیر و کبیر در بنا و
در میدان منور و بالای باهمای اطراف میدان بجهت

زیارت وجود فایض انجود و مایون شاهنشاهی مجتمع
گردیده و اسباب جشن و شادمانی در حضور مبارک
فراهم آوردند و آن روز مبارک را با کمال فرح و
موفور بسر بردند
و هم در آن روز نظر بظهور و فورم احسم ملوکانه در
جناب جلالت ماب صدر عظیم الفخم کیلوب جبهه
شده الماس ماقوت از طلبوس خاص تن مبارک
برسم خلعت نجاب معظم الیه حضرت فرمودند
در روز سه شنبه هجدهم این ماه نیز بلا حد از دیار
ملوکانه در حق جناب جلالت ماب صدر عظیم الفخم
اعلیحضرت پادشاهی نجابه جناب معظم الیه تشریف
گردیده و رسوم پای انداز و پیشکش و قربانیا چنانچه
معمول و متداول این دولت علیه است لعل آمد و نهارا
در آنجا صرف فرمودند و در نتیجه و مدارک مهمانی حضرت
اندکس مایون کمال اساس و لازمه اوضاع را فراهم
آورده بودند
در روز چهارشنبه هجدهم که ششم که اعلیحضرت پادشاهی

بمدرسه دارالفنون تشریف فرما گردیدند بعد از
ساعت در آنجا توقف فرمودند و کمال رسیبگی
معلّین و متعلّین در رسم نور فرمودند و چون تعلیمات
هر یک از آنهاست حسن خاطر مایون گردیده موردین
و اهتمامات مغرب انخافان محمد خان میرنجه در انتظام
لامدرسه نور مشهور رای صهنسبای ملوکانه افتاد
یکشوب کلیه لباس تن مبارک را بر رسم خلعت بافتا
مغرب انخافان مشارالیه حمت فرمود
نظر نجات مغرب انخافان حسین پاشا خان میرنجه
که از چاکران قدیمی این دولت قوی شوکت علیه و ذرا
معارک بر شادت و جلالت توصیف است درین
اوقات خدمات او منظور خاطر مظهر ملوکانه گردید
یک ثوب جبهه ترمه بر رسم خلعت جبهه مزیند نما خرت
و مباحات مغرب انخافان مشارالیه حمت و مبلغ
پانصد تومان رسم بواجب سابق او علاوه فرمود
چون عالیجاه قولوبل مظهر التو معلم کل در تعلیمات فنون
نظامی کمال اهتمام را معمول داشته و مراتب سعید
جد و جهاد در خدمت محوله مشهود خاطر خیر خیر
گردید لهذا مشارالیه مورد تحسین و توارس ملوکانه
شده بکطاقه شال برسم خلعت مشارالیه حمت
نظر نجات عالیجاه حکیم کاریم پاشای اذربایجان که سابقا
پدرش در خویش خدمت مابین دولت قوی کینت علیه
کرده اند و حسب احکام مایون از سلطانیه بالمرام رکاب
بدار انخلاف آمد و بعد از آمدن بدار انخلاف مبارک که نواب

کامیاب پشاده سلطان مسعود میرزا را بطور خوب معالجه
نمود لهذا مورد التفات ملوکانه گردیده درین اوقات
بکطاقه شال ترمه برسم خلعت مشارالیه حمت گردید
پارسال از خانه علی محمد یک سرایدار سفارتخانه دولت
بیه تکلیس بعضی اسباب جواهر و طلا آلات زنانه
سرقت کرده بودند و تا بحال در زنده پیدانشده بود درین
اوقات عالیجاه زنگنه آن که خداوند نور را پدید نمود
و اشبار مسروق را گرفته بجنور جناب جلالت با
صدر اعظم آورد چون مراتب اهتمام و فطانت عالیجا
مشارالیه در پیداکردن اشبار مزبور مشهود افتاد
مورد التفات و تحسین جناب جلالت آن صدر اعظم
گردید
چون هوای دار انخلاف طهران چنانچه در روزنامه های سابق
نوشته شد روز دهم گردید و برف و بارندگی روز دهم
از سالهای سابق شده و در وقتی که برف نسبت جاجرد و آن
اطراف بسیار بد موسم شکار آنجاست لهذا درین اوقات که برف
از خود دار انخلاف برداشته شده و هوا قدری طایمتر
گردیده است اعلیحضرت پادشاهی غایت شکارگاه
فرموده و بنا دارند چند روز در آنجا تفریح و شکار فرمایند
سایر ولایات
آذربایجان از قراریکه در روزنامه تبریز نوشته بود
خبر از اسلامبول آمده بود که در روز ششم ماه صفر که یوم عید
مولود اعلیحضرت پادشاهی بود در سفارتخانه دولت
علیه در اسلامبول عالیجا حاجی میرزا احمد خان سه روز

۹۵۱

و سه شب اساعشیش و چراغانی برپا نموده و جمیع
 دولت علیه ایران که در آنجا بودند سفارتخانه دولت
 علیه آمد مشغول عیش و جشن و دمانی گردیدند و اکثر
 اعیان اهل اسما بول نیز بان جشن و شادمانی می
 و عالیجاه محبت و بخدمت همراه محمد بیک سپهرشید
 که کاتب سیم اعلیحضرت سلطان است از جانب دولت
 علیه عثمانی بان بسیار کبادی آمده و از جانب سفراء
 بالهاسرسی و نشان بان جشن حاضر شده بودند
 کمال اوضاع و اساس را درین جشن و دمانی
 نموده بودند

دیگر در روزنامه آذربایجان نوشته اند که نواب سلطان
 شاهزاده و الا تبار حشمت الدوله حکمران مملکت آذربایجان
 بجهت افواج قاهره نظام که از سرمای مستان محفوظ باقی
 بعالیجاه میرزا نصر الله شکر نویس حکم کرده اند که دست
 نوب برنده مبارزی زود با تمام برساند که تا ورود و
 سردار کل بتبریز موجود و همیا باشند و همچنین در
 سبب است افواج قاهره نیز حسب حکم نواب مغزی علیه
 در هر یک از منازل کدم و آرد جمع و انبار کرده اند
 بر آن نیز مقرر نموده اند که ده هزار خوار غله از باب
 غله خالصجات و سبای درخوی انبار نمایند
 دیگر نوشته بودند که نواب شاهزاده حشمت الدوله و نظم امور
 و تحصیل سبب بود که عریضه سوار کمال اتهام وارند و آنحضرت در
 نظر و تعرض سابقین عالی داری عالی شاه عالیجاه کلب حسن خان
 نیز در نظام امور نظامی آنجا کمال اتهام دارد و امور مشون آنجا
 و چریت منتظم و مضبوط است

دیگر نوشته بودند که عالیجاه حاج میرزا محمد خان دبیر محام قاهره
 کمال اهتمام در انتظام خدات موجود دارد و با مالی دولت
 خارج عموما با نهایت و داد و محبت رفتار می نماید بطوری که
 در ایام ناخوشی که خود مالی دولت خارج از تبریز بجای دیگر
 رفته بودند شخص سفارشی که در باب تبعه خود بمغرب آنجا قانع
 نوشته بودند همه اوقات خود را صرف انجام مطالب آنها
 و یکی کمال رضامندی از او دارند

باز

از قراریکه در روزنامه انمولایت نوشته اند چون بعضی از
 مهاجرین متوقف در العبادیه یزد در کجا داشتند سوار
 اهل میست بودند و اینمجلس را جلب مستغنی میدانستند
 اوقات امیرالامراء العظام محمد حسن خان سردار حکمران
 یزد و کرمان قدغن اکتد درین باب نموده و عالیجاه سردار
 کوچک خان سپهرنگ پیشکار یزد حسب حکم از مهاجرین
 التزام گرفته اسب که اهلی اسب و یراق و اسلحه و اسباب
 خود را آماده و مهیا نموده و اسبهای خود را داغ نماید
 و هر روز در سلام دیوانخانه یزد حاضر شوند و ما بجا
 سان بمانند که در وقت ماموریت خدمت کسر بعضی در
 اسب و اسباب آنها باشد
 دیگر نوشته بودند که چند نفر زودی که در قریه و روزه اصفهان کندی داشتند
 یکدیگر خبر می آمدند ال در عین آمدن در منزل نفیسه و فرخی قید آنها را
 بودند و از قراریکه معلوم قبل از آمدن آنها چند نفر از جنی روشن بار داشته اند
 مریور چند نفر از جنیهای فرقه بفرم سرف بر سر آنها اندوده اند آنها در
 سنجبار بیمارگشته و گذشته اند و درین وصول این یزد بهای جنی
 کنعش کشتهای خود را بردارند اینها را نیز بر سر کرده اند و لی ادیت دیگر نوشته

۹۵۲

اخبار دول خارجه

فرانس از فرار یک در روزنامه این ولایت میسند
 امپراطور فرانسیسی طالب آبادی شهر پاریس است
 در چند جای آن شهر کوچه را وسیع کرده و زینت آن
 داده و عمده از برشم براده انداخته است از جمله در شهر
 نزدیک شهر پاریس که تفریح گاه خلق است و بزرگان
 مینامند دریاچه میسازند و کم مانده است که درین اوقات
 تمام بشود و در یک کوچه بزرگ شهر پاریس نیز شکل خانه
 نفرزایا و شاهان مشهور فرانس را که یکی فرانسوا
 اول و یکی لویی چهارم و یکی ناپلیان اول است
 از سنگ تراشیده میکنند و در اطراف شکل این
 پادشاهان نیز شکل چند نفر از سرداران و امنا میسازند
 آن آیامهارا میکنند که یادگاری جلال آیام قدیم فرانس
 باشد و عمارت لوور را نیز که یکی از عمارت پادشاهی
 ولایت است تعمیر میکنند و یک دست عمارت جدید
 با دو علاوه مینمایند
 از آیامی که سمت شمال آفریقا که در کتب عرب البحریره
 بزبان فرانسه البحریر مینامند بدست دولت فرانس
 افتاده است چندان از اهل فرانسه با آنجا رفته و در
 آبادی آنجا نیفتاده اند باینکه ینش بسیار قابل
 اور است و آبادی کم دارد و خود مملکت فرانس
 بو عتس جمعیت زیاده دارد و زمین کم درین روزها در
 روزنامه نوشته اند که چچاه خانوار از زارعین فرانس
 با آنجا رفته اند که مشغول زراعت و آبادی آنجا شوند
 دولت فرانس خرج راه آنها را داده اند اهل فرانس

دیگر نوشته بودند که ضعیف فاحش از اهل شهر با یک
 در یزد مقیم بود مدتی در شهر کار او سرفقت بوده و آنجا
 میرفته و آنچه میتوانسته است میزدوده است درین
 اوقات بخانه شخصی رفته و قلابه طلائی دزدیده و بزرگ
 صرافانی برده بود که بفروشند چون صاحب قلابه بهمه دکان
 صرافان سپرده بود صراف بزبور قلابه را پشانی که صاحب
 داده بود شناخته و کریبان ضعیف را گرفته بود و ضعیف
 مزبور نیز بعد از آنکه دیده بود که قشش برود کرد و خود را
 بخانه نظر علی سلطان دارد و غم بزد انداخته و افرایه
 بسته بود که سه هزار دینار این صراف من داده است که
 بمنزل او رفته خوانندگی بکنم اما چون دارد و غم معرفت کامل
 در حق ضعیف مزبور داشت و دانسته بود که بجهت استخلاص
 خود متمسک بکذب و اقرار در حق صراف شده است ضعیف
 جس کرده بود بعد از محقق شدن سرفقت او عاچه
 میرزا کوچک خان پیکار یزد او را اخراج بلد کرده و او
 بود که برده بشهر با یک برسانند و از حاکم آنجا قبض
 رسیدگی گرفته بیاورند
 دیگر نوشته بودند که در بیستم ماه صفر عاچه میرزا کوچک خان
 حسب حکم امیر الامراء العظام سردار حکمران یزد و کرمان سر بار
 متوقف یزد را بدو آنجا حاضر کرده و تا سه روز مشغول
 بر باغین مواجب جیره آنها بود و آنچه از مواجب جیره
 آنها باقی مانده بود نقد بهر یک هر یک کار ساز میزد
 و بعضی قسم که زیاده پریشان بودند برسم عاچه
 محتوای داده است که رخص پریشانی آنها شده در مقام
 امرشان کسر و نقصی نباشد

۹۵۳

گفتری از وطن خود دل بر میدارند که بولایات خارج
رفته آبادی نمایند اما اگر این زراعت کاران کارشان
در آنجا خوب از پیش برود امید دارند که مردم زیاد
بایل و راعب شده از فرانسه بملکت انجیر برودند
هم خیر خودشان است برسم خیر آنها که در ملکت
فرانسه میمانند

از جمله تعمیرات عمارات پاریس که درین اوقات
یکی هم کنبه یا خانه است که سر بازان و صاحبان
پیر و ناخوش را در آنجا سکنی میدهند مجدداً اطلاع
داین بار سیم است که کنبه این یا خانه را اطلاع کرده
یکی در ایام لویی چهارم در ایام ناپلیان اول
و یکی نیز در این ایام

درین روزها در ملکت فرانسه قیمت ذغال سنگی
زنی کرده است چونکه بجهت راه انداختن چرخ بخار و
کارخانها و غیره ذغال سنگی زیاد مصرف می شود
مردم درین خصوص قدری تنگی می کشند و عرض بدو
کرده اند که اذن بدهند ذغال سنگی که از خارج می آورند
بی لمرک باشد

لمرک که از کاو و کوسفند که از خارج بملکت فرانسه می
میکشند کمتر کرده اند و چونکه گوشت بسیار گران بود
در آن لمرک مزبور سبب فراوانی گوشت و آسودگی
گردیده است

در روزنامه سابق نوشته شده بود که چند وقت پیش
نان در پاریس تحت فرانسه بسیار گران شده بود از
دولت نزع معین کردند و چونکه جنابان بان قیمت سوا

بفرد شدند که نذر آنها میدویدان تفاوت قیمت نان را
بجنابان دادند و این تفاوت را بخینا روزی سه هزار
پانصد تومان حساب کرده اند و ضرری که دیوانیان از
این معامله می کشند بعد ازین در می آورند با بطوریکه
غله ارزان شود اذن بجنابان میدهند که نان را بقیمتی
که بجنابان منفعت کلی بکنند و قدری ازان منفعت معین
می کنند که بدیوان رد بشود

در راه آهن مابین شهرهای پاریس و بر دو کالکهای
بخار بهم خورده و بسیاری شکسته و چند نفر کشته
گردیده اند کالکهای بخار که بچاپاری میرفتند و
کعبوات خلق و خوشجات دولتی و سیاحان در میان
آنها بودند و از پاریس سمت بر دو بسیار تند میرفتند

و یکدسته عرابهای دیگر با کالک بخار که با تجاری در
میان آن بود از شهر بر دو پاریس می آمدند ناگاه این دو
دسته کالک بخار و عرابها بیکدیگر خوردند و چرخ بخار
خورد گردیده و پنجم از غله ماکشته شدند و دو نفر نیز
گردیدند و بعضی از سیاحان نیز که در آنها نشسته بودند
صدمه زیاد خوردند و زیر محام هم در آنجا بود اما با صدمه

نرسیده بود و این راه آهن را که بجهت کالک بخار میسازند
در اکثر جایها دوراه میسازند یکی برای کالکها که میروند یکی
برای کالکها که می آیند اما در اینجا یک راه داشتند
و اشخاصی که در میان کالکها نشسته بودند از آمدن یکدیگر
خبر نداشتند و برسم خوردند راه دیگر در پهلوی این راه

میسازند و لکن هنوز تمام نشده است چاکران دیوان
می کشند که بدانند این برسم خوردگی از چه سبب بوده است

و چراغ و کال که ران از یکدیگر خبرند استند و در
ماه بود و گذشته از آن قدیلهای بسیار روشن که
روشنائی بسیار میدهند و پیش روی کال که
بجای روشن بنامند مع ذلک بسیار عجیب است که یکدیگر
ندیده اند

غله زیاد بملکت فرانسه درین روزها آورده بودند و قدر
رفع تنگی خلق هم شده بود و انبارهای بعضی از بنا در
فرانسه پر از غله شده بود و جای نداشتند که غله بربند
و سبب زیاد آوردن غله را این میدانند که کمرگی که
سابق از غله که از خارج می آمد می گرفتند برداشته
شده است و لکن از قرار روزنامه که در اول پانزده
فرانسه نوشته بودند حاصل غله خود ملکت فرانسه
بسیار کمر آمده بود بلکه از حاصل سالهای متعارفی یک
ثلث بیشتر کم آمده بود چونکه اول پانزده صاف و خوش
بود اشخاصی که گذرانشان از حاصل الکل بود امید داشتند
که القدر ضرر از آفتی که در میان تاک الکل افتاده است
بانهای رسد و در بعضی جایها حاصل جزئی از الکل برداشته
شود

در شهر پاریس اشخاصی که اسباب تهیه ساختن
می ساختند از قبیل تجار و بنجار و آهنک داد و ستدشان
بسیار گرم و رواج بود بسبب اینکه خانهای زیاد در شهر
پاریس تعمیر میکردند و عمارات دیوانی هم جدید ساختند
و هم عمارات قدیم را تعمیر کردند قیمت تبر و چوب و سنگ
تراشیده و آهن بسیار زنی داشت و آهنک را با
کارخانهای زیاد دارند کارشان چنان زیاد بود

که مجال ساختن اسبابی دیگرند استند
احوال متفرقه

بعد از موقوف کردن نگاهداشتن غلام و کنیز سیاه بجهت
زراعت در جزایر خط استوا از ممالک هند و چین و سایر
جایهای روی زمین غله های زیاد با ساجاها آورده اند که
بجای سیاهها که زرخیز بودند در اینجا با بکار زراعت
مشغول باشند از جمله غله زیاد از هند آورده اند و با این
اشخاص قرار میکنند که تا پنج سال با ساجاها آمد مشغول
باشند و بعد از پنج سال با وطن خود مراجعت نمایند
و در روزنامه که از آن جزایر آمده است نوشته اند که این
اشخاص که مدت حدیثشان تمام شده بود دسته دسته
از آنجا بوطن خود مراجعت میکردند و چون مردمان کارکن
بودند اکثرشان پول خوب تحصیل کرده بودند که همراه خود
میردند از جمله درین روزها نوشته اند که دولت و یازده
فرد در یک کشتی نشسته بودند که مراجعت هندوستان که
وطن خودشان بودند نمایند حساب کردند که این کشتی
یازده نفر بیشتر از چهار هزار تومان پول نقد و اسباب طلا
و نقره همراه داشتند که داخل حلال خودشان بود که
بگذرین تحصیل کرده و اجرت عملی گرفته بودند و کشتی دیگر
نیز که درین روزها از جزیره طرینی دادر و راه کلکته هندوستان
شده بود دولت و ششاد و دو نفر مرد و بیست و سه نفر
زن و دو نفر طفل در آن نشسته بودند که مراجعت هندوستان
میکردند و اینها سی هزار دلار که تخمینا دوازده هزار تومان
پول ایران با همراه خود میبرد

ناخوشی که تب زرد می نامند و در جزایر خط استوا بسیار
مهلك

۹۵۵

میشود در بعضی جاها شدت داشت ولیکن در شهر نیا ^{نیا} این ناخوشی بیشتر از سایر جاها می جزا بر مر بور بود قبول این معنی نکرده و سمره قشون پادشاه چین بودند

در روزنامه هندوستان نوشته اند که در مملکت برمه قحطی زیاد شده بود اگر خوراک اهل آنجا برنج است با سبب پیمان می کنند و می فروشد سابقا سببی ^{مکنز} دنیا قیمت داشت حالا سببی شازده هزار دنیا شده است مردم کر سپار سبب اردوی انگلیسیها آمده بودند و صاحب منصبان و سربازان پول در میان خودشان جمع کرده در راه احسان بقهر آنها را کرده بودند و زوی و حجابی در آنوقت بسیار بود در رودخانهها چونکه اکثر رود خنق در رودخانههای آنجا بود و در آنجا دزدی زیاد میشد باین سبب عبور تجار و مال تجاری از آن رودخانهها مشکل بود

در روزنامه مملکت کلی فارسیا نوشته اند که از چین خبر آمده بود که جنک در آن مملکت هنوز تمام نشده بود در هر آن ولایت کار با غیاث پیشرفت داشت و کشتی که از تجار اهل انگلیس و اهل منگی دنیا می شمالی بود و در چین اجاره داده بودند که با باغیان جنک کنند و بوی و تفنگ و قشون در میان شان گذاشته بودند سی چهل کوچک نیز بابت فزود کشتی چین سمره بودند و میخواهند شهری را که باغیان چین در تصرف داشتند از آنها ^{بیشتر} و از طرف خشکی نیز قشون پادشاه چین شهر را محاصره و لکن نتوانستند بگیرند البچی انگلیس سایر دکهای دو ^{خان} که در سرحد چین هستند رعایا و تبعه دول خود را خبر کرده بودند

که مداخله اهل دول خارج درین جنک خلاف قانون ^{است} و لکن آنها که کشتی و توپ و غیره بدولت چین داده بودند قبول این معنی نکرده و سمره قشون پادشاه چین بودند

در روزنامه منگی دنیا می شمالی نوشته اند که در جزایر ناخوشی آله زیاد شدت کرده بود و از یک جزیره که زیاد از پنجاه هزار جمعیت داشت بمقصود شتاد و پنج نفر ازین ناخوشی مرده بود و بیستال پیش ازین آله که ارکا و بر مید آمد و باطفال که میکشند رفع ناخوشی آله را می کند بان جزیره بودند و بسیاری از اهل آنجا ازین آله کوبیدند و لکن چونکه ناخوشی آله در آنجا شدت دارد از اشخاصی که ازین آله در آن اوقات نکو پیده بودند بسیار آله در می آوردند و بسبب این ناخوشی و دلایل دیگر اهل قدیم آن جزا بر روز بروز کمتر می شدند و مکان میکنند که چندی نخواهد گذشت که اهل قدیم آن جزا بر بالمره تمام بشوند و اولاد و نیکبایان آنها باشند

در خصوص آباد شدن شهر سنت و نیکو در مملکت کلی ^{رنا} نوشته اند که چونکه در آنجا مالیات خانه شماری از خانه میگیرند و این مالیات را از قیمت خانه مشخص میکنند از آنجا دیوان معلوم میشود که در یک سال این شهر هفتاد و هشتاد هزار سال بجا بایانی که از روی قیمت خانهها گرفته بودند سی و هشت کرد و قیمت کل خانههای آن شهر بوده ^{بیشتر} اما سال از هشت کرد و چیزی بالا تر حساب کرده اند که در یک سال نقد خانه و عمارت در شهر مرز بود زیاد شده است در اول ساختن این شهر چونکه مردم معطل بودند و خانهها ^{شدند}

۹۵۶

و در بیرون بصورت بسیر میزدند برای اینکه خانه را زود
 تمام شود و مردم در بیرون بیجا و متزلزل مانند بسیاری از
 خانه را از چوب ساخته و لکن خانه های چوبی ضرر زیاد با
 رساند که چند بار شهر آتش گرفت هم خانه ها سوخت و هم
 مال مردم بسیار سوخته و تلف گردید هم چند نفر در میان
 آتش سوختند حال بیشتر خانه ها را از آجر و سنگ ساخته
 و چون این اوقات آب زیاد باین شهر آورده اند چون
 و آب بنبارها در هر جای این شهر بسیار ساخته اند و نظام
 آتش خاموش کن در آنجا مضبوط کرده امید دارند که
 دوباره چنین آتش بشهر نیفتد و قدغن کرده اند که بعد ازین
 در میان شهر کسی از چوب خانه سازد و اشخاصی در آنجا
 جمع شده و با هم شریک گردیده اند که نخواهند که آتش
 آب فراوان بشهر بیاورند و چون که این آب را از در جای
 شیرین می آورند که یک فرسخ از شهر دور است و سعی
 بشهر ارتقا دارد امید دارند که آب را چنان بشهر
 که در کل شهر آب فراوان باشد بطوری که کفایت
 و سایر ما محتاج و آتش خاموش کردن را بکنند و آب
 بالا خانه های آن شهر که سه مرتبه اند برسانند و عمده زیاد
 بجهت این کار ما براه انداخته اند و زیر کوه را سوراخ می کنند
 اجرت صنعت کاران و عمده باز مانند سابق زیاد بود
 بنجار و آبنگر و بنا و سایر اینگونه اشخاص روزی
 و چهار تومان اجرت می گرفتند و عمده روزی دو تومان
 و بیت و پنجه می گرفت و کمان داشتند که اجرت
 صنعت کار و فعله تا زمستان بهین قرار باشد آنوقت
 در مسکن طلا سبب زیاد شدن آب سبیل و بالا آمدن

آب رود خانه ها کامیستوان کرد و معدن سنجان زیاد از آنجا
 بشهر می آیند و بسبب اینکه در زمستان بی کار میمانند آنها
 داخل صنعت کاران می شوند و اجرت صنعت کاران
 قدری می شکند
 از خیزه جبل الطارق نوشته اند که انبار بار و ط کمال
 فوج سی ام انجلس بود در آنجا آتش گرفته و شش نفر سوار
 سوخته و دو نفر نیز زخمی گشته اند و می دانستند که چگونه
 آتش میان انبار بار و ط افتاده است و لکن یک چوق در
 نزدیکی آنجا جستند و کمان میزدند که کسی در آنجا چوق کشیده
 و آتش چوق با انبار بار و ط افتاده آتش گرفته باشد
 از شهره نجان چین نوشته اند که کشتی انجلس از آنجا
 شده بود که بشهر سینگ پور و کلکته برود و ده نفر از این
 در آن کشتی بودند ناگاه شب این ده نفر غفلت بیان
 کشتی در آمد و آنها را با کار و خنجر و حرب های دیگر زده
 همه را کشته بودند مگر چهار نفر از کشتیها که بالای بر
 رفته و از آن مهلکه جان بدر برده بودند چینی ها کشتی را
 غارت کرده و هر چه خواسته و توانستند برده بودند
 صاحب کشتی که کشته شده بود سکی داشت که زنده
 مانده بود اما در خشم داشت و میگفتند در وقتی که
 بر سر صاحب در نیخته بودند که بکشند این سک پای
 یکی از آن دزدان را بزدان گرفته و خشم کرده بود
 و آمد داشتند که بجان نشان خشم دزدان سک
 آن شخص را پیدا نمایند و سایر همراهانش را نیز معلوم
 بدست بیاورند

۹۵۷

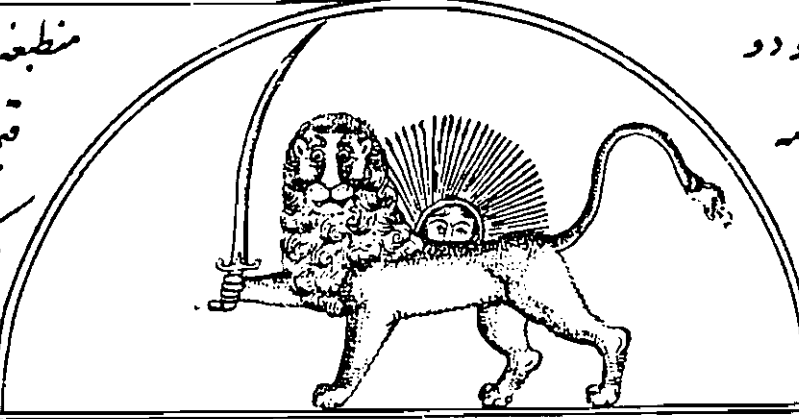
روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم شنبه هجرت شمسه ماه ربیع الاول مطابق سال اول ۱۲۷۰

نمبر صد و پنجاه و دو

قیمت روزنامه

یک ششده پیریکال

هفتاد و چهار هزار



منطقه دارالخلافه طهران

قیمت اعلانات

یک سطر الحاقی سطر یکروز

بیشتر سطر پنج روز

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز چهارشنبه هجرت گذشته که روز قبل از حرکت موکب هایون بشکارگاه جاجرد بود اعلیحضرت پادشاهی بیرون شهر تشریف فرما گردیدند و صاحب منصبان از پنجاه مبارکه که حسب الامر هایون چند عراده توپ سینه مشق تیراندازی بیرون آوردند و نشان گذاشته در حضور مبارک تیراندازی کردند و کمال چابکی و دیرینگی نمودند بطوریکه صاحب منصبان که تازه از فرنگستان بعزم خدمت این دولت علیه آمده بودند در حضور مبارک بودند و تصدیق می نمودند که با اینکه آن روز بادی آمد و شدت باد تیر در دست نشان نمی خورد و توپچیان منور بسیار خوب تیراندازی نمودند

هایون گردیدند و از قراریکه خبر رسید هوای شکارگاه منور بسیار خوب و خوش میگذرد و درین چند روز که اعلیحضرت پادشاهی برای شکار غنیمت سواری فرمودند همه روزه در رکاب مبارک شکار زیاد از کبک و غیره میشود و چون هر سال که موکب هایون بشکارگاه جاجرد و تشریف فرما می شدند محض اظهار رحمت ملوکانه برای هر یک از سفره اول سجا به چند قطعه گبگ از شکارگاه که در رکاب مبارک می شد رحمت و ارسال نیز می نمودند بنابراین روزمانبر محض و فور تقه ملوکانه بهر یک از سفارتخانهها چند قطعه گبگ رحمت و ارسال فرمودند بتوسط وزارت امور خارجه که متوقف مقر خلافت و سلطنت بود القاد شد

چنانکه در روزنامه هجرت گذشته نوشته شد که اعلیحضرت پادشاهی غنیمت شکارگاه جاجرد فرموده بودند بنام همان غنیمت در روز پنجشنبه حرکت فرمودند و جلالت آفتاب صد اعظم و بعضی دیگر از خواص جاگران و رسم چنین از سایر خدمت و رسم ملوکانه را

و رسم چنین برای هر یک از مجتهدین و علمای دارالخلافه نیز که احترام آنها همواره نظر اولیای دولت علیه است چند قطعه گبگ از جانب سنی اجوائب اعلیحضرت پادشاهی رحمت و ارسال شد که مغرب الحاقان میرزا موسی وزیر طهران این توجه ملوکانه را با آنها اظهار کرد

۹۵۸

این روزها در شکارگاه جاجرد یک نفر سرباز فراول
از کوه افتاده صدمه پایش واردا شده بود و پایش شکسته بود
اولیای دولت علیه لازمه نوازش از او بعل آورده و
انعامی باو مرحمت نمودند و حکیم بر سر او فرستادند
که پای او را بت و قدغن کردند که او را در میان تخت گذاشتند
بشهر بیاورند که در اینجا بجای او مشغول شوند
سابقاً بنواب عماد الدوله حکمران کرمان شاهان ^{الای} ^{جانب}
حکم شده بود که سیصد نفر سوار از طایفه قلعه کبری ^{بگیرند}
بگیرند از فراری که نواب معزی الیه این اوقات با ولیای
دولت علیه نوشته بودند طایفه مزبوره خودشان ^{بالتبع}
و از غلبه و با شوق تمام پانصد سوار خوب ^{مکمل} ^{مستخرج}
و بانهایت ارادتگی میباشند لهذا اولیای دولت
بر حسب حکم هایون این معنی را پذیرفته بنواب معزی الیه ^{نشان}
که همان پانصد نفر را برقرار کرده لازمه نوازش نسبت ^{نشان}
بعل میاورند
درین اوقات که هوای دارالخلافه طهران در نهایت ^{است}
افواج قاهره نظام همه روزه در میدان شوق خارج دروازه
دولت و توپچیان در میدان ارک مشغول مشق میباشند
و کمال استقامت از معین و صاحب منصبان در مشق آنها ^{بیشتر}
و همچنین امور مدرسه دارالفنون نیز کمال انتظام را دارد و معین
شاکردان در تعلیم و تعلم قواعد نظامی و غیره نهایت سعی و
جد و جهد را مینمایند و مقرب الخاقان محمدخان میرنجه نیز
انتظام امور افواج قاهره و قورخانه و دارالفنون و غیره ^{بسیار}
اهتمام را معمول دارد
جناب میرزا محمد حسین المچی مخصوص این دولت علیه که مأمور ^{است}

بسیه روس بود درین اوقات که مدت ماموریت جناب
معزی الیه منقضی گردیده از محل ماموریت بدر بارها یون ^{جست}
و این روزها بقرون وارد گردیده و از فراری که از قرون ^{نوشته}
بودند دو نفر صاحب منصب نیز از دولت بسیه روس ^{همراه}
میباشند
از فراری که خبر بدربار دولت علیه رسیده است ^{مکمل} ^{مردود}
جناب میرزا محمد حسین المچی مخصوص بدر المرزا جانب
مقرب الخاقان عیسی خان حاکم کیلان لوازم توقیرات و
احترامات نسبت بنجاب معزی الیه و عالیجاه ^{سیور} ^{طیغ}
که بهماننداری ایشان مأمور بود و سایر همکاران ایشان ^{از}
صاحب منصبان آن دولت بسیه لعل آمده و از فرستادن
ستقبیلین و یکهای براق طلا و رسوم اگر ^{مات} ^{سار} ^{خانه}
رسم دولت علیه ایرانت پیچوجو فرود گذار شده ^{جناب}
المچی از این معنی کمال رضامندی با ولیای دولت علیه
نوشته بوده اند و همچنین روز درود قرون ^{همین} ^{منظور}
از جناب مقرب الخاقان حسد خان دالی رسوم توقیرات
و تکریمات بعل آمده است
چند روز قبل یک نفر در درادر شهر گرفته خدمت نواب ^{استقامت}
شاهزاده و االتبار را در شیر میرزا حکمران دارالخلافه ^{ان} ^{نواب}
آورده و حسب حکم تلبیه پوست گردیده و هم چنین ^{یک} ^{نفر} ^{دیگر}
که میرزا محمد نام المازده قاسمی بود در روزه شبیه او را ^{بسیار}
مسه و قد که در دست داشت گرفته خدمت نواب معزی ^{الیه}
و حسب حکم تلبیه پوست گردیده و هم چنین ^{یک} ^{نفر} ^{دیگر}
و شرارت شده بودند آنها را نیز خدمت نواب معزی ^{الیه}
و تلبیه کامل از آنها بعل آمد

۹۵۹

سایر ولایات

آذربایجان از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته بود
 امیرالامرا العظام سردار کل در یازدهم این ماه وارد قزوین
 ترکمان گردیده و بنا بوده است که در حین و چهارم این ماه
 وارد دار السلطنه تبریز نشود
 دیگر نوشته بودند که در پنجم ماه صفر تبریز رود و فوج برف یاد باشد
 بطوریکه مردمان عمر می گفتند که تا بحال چنین برفی بنجا نرسیده ایم
 بعد از آن گاهی باران میساریده و بجهت بارندگیهای متوالی
 که از اواخر محرم در آن ولایت شده است خرمندگی بعضی ممالک
 آنجا را نتوانسته بودند بردارند و در زیر برف باران ضایع شده
 بود و مع ذلک تسبیح آنجا را که نوشته بودند همه چیز از آن جدا
 دیگر نوشته بودند که عبد العلی نامی که در محال کرده
 سکنی داشت و کارش همیشه سرقت و دزدی
 بوده چند نفر از مردم اجلاف و دزد و دغل بر سر
 خود جمع کرده و بنای هرزگی را گذاشته و با
 زود مردم را بسته بودند نواب شاهزاده عبدالعزیز
 حاکم سراب و کرد و بکرم نواب شاهزاده و الا است
 حمت الدوله حکمران مملکت آذربایجان چند نفر مختص
 فرستاده شب علی الفقه بر سر منزل آورفته اند
 و عبد العلی را با برادرش یوسف علی نام گرفته و
 قصبه سیانج حسب احکام مقید و محبوس کرده اند
 از قراریکه نوشته بودند مشارالیه پانصد تومان
 پیشکش میداد که خود را خلاص نماید نواب عبدالعزیز
 قبول نمی کند زیرا که میداند اگر او را مرخص نماید دست
 از دزدی و هرزگی خود نخواهد کشید

استرآباد

از قراریکه در روزنامه استرآباد نوشته بودند معبر
 محمد و لیخان بکلر سکی استرآباد و نظم آن صفحات و
 رفع تعرضاتی که از طایفه میوت در آنجا آمد مردم مسرید
 کمال مراقبت و اهتمام را دارد از جمله درین اوقات چند
 از طایفه میوت برای سرقت و دزدی باساخته و آمده
 بودند عالیجا مشا را لیه پانزده نفر آنها را دستگیر نموده
 و با مال استرآباد قدغن کامل کرده است که هر وقت
 از طایفه ترکمانان بان حد و عبور و تردد نموده و اسباب
 حربی همراه داشته باشد حکماً از دست او بگیرند
 از قراریکه نوشته بودند بعد از آنکه این جبرکوش ترکمانان
 منبوره رسیده است وقتی که بان خود و مسکند زندی
 اسلحه و اسباب حربی آیند و بدین سبب عابریان
 و مترودین از تعرضات آنها بیشتر آسوده و زمین هستند
 و این معنی سبب مزید امان و شکر گذاری الهی آنجا شده است
 کرمانشاهان
 از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته بودند چند نفر
 شخصی در بلیقان پشته مدعی این بود که من همان تیمور نامم که با
 کشته شده بودم و حالاً زنده شده ام و قدری
 از احشام ارستان که مردم عوام و حکم انعام را
 داشته اند بدرد و ایره او جمع شده بودند نواب شاهزاده
 عمادالدوله حکمران کرمانشاهان بر این معنی مطلع شده
 اعلام مامور کرده بودند که اگر کشته بنزد نواب شاهزاده
 بیارند و بعد از آنکه او را گرفته آورده بودند نواب شاهزاده
 حکم بجس او کرده اند و الا آن در آنجا محبوس است

۹۶۰

یزد

از قراریکه در روزنامه یزد نوشته بودند درین اوقات
صحبته نواب میرزا محمد زیدی که بستان بغداد ساله و مسکونه
بوده است بمرض ابده گرفتار شده و از آن ابدا دراز
بود و بروز و سقوط آن نیز مانند آبله طبیعی متعارف
و بعد از چند روز بهمان مرض فوت شد

فایده آبله کوبی که چند سال است تازه درین ولایت
متداول شده است بسیار فایده باحوال خلق میکند
و اشخاصی که ازین آبله باطفال خود کوبیده اند همگی ازین
مرض سالم مانده اند چنانچه از قراریکه در روزنامه یزد
نوشته بودند میرزا حسن آبله کوب از اول ذی قعدة
او دیل تا این اوقات از قرار روزنامه ماه پانزده
سید و پنجاه و پنج نفر بموجب تفصیل ذیل در شهر
در ماه جمادی الثانی دولت و ده نفر در
در ماه رجب دولت و هفتاد و یک نفر در
در ماه شعبان سید و سی و شش نفر در
در ماه رمضان صد و پنجاه و سه نفر در
در ماه شوال صد و سی و پنج نفر در
در ماه ذی قعدة پنجاه و یک نفر در
در ماه محرم صد و شصت و سه نفر در
در ماه صفر صد و بیست و سه نفر در
و بلوکات آبله کوبیده و یکی ازین مرض خلاصی یافته
و احیاناً اگر کسی بمرض آبله فوت بشود معلوم میگردد
که اگرکافی است که ازین آبله کوبیده بوده است و آنها
آبله کوبیده اند بیچک فوت شده اند

اخبار دول خارجه

انگلیس در بعضی شهرهای فرنگستان در میان شهر یزد
کلیساها قبرستان دارند که مرده باراد را بخاجادفن می کنند
خصوصاً در لندن قبرستانهای متعدد در میان شهران
جمعیت زیاد دارند و اموات را در آنجا مدفون میکنند
و لکن الیبا ازین مرحله ضرر کلی بجهت خلق دریافت کرده اند
زیرا که دیده اند اشخاصی که در اطراف قبرستانها
ناخوشی تب جسمه و محرقه و مطبوعه و اینگونه امراض در میان
بسیار است و سبب این ناخوشیها را انفعونی میدانند
که از هوای قبرستان احداث میشود حال در لندن بعضی
جایها قبرستان را در بیرون شهر قرار داده اند و درین
در روزنامه لندن نوشته اند که اعیان شهر هر یک در محله
خود جمع میشوند و عریضه بدولت می نویسند که قرار بدهند
کردن اموات در میان شهر یا لزمه موقوف باشد

از جمله فائده روزنامهها در آنولایات که خوب متداول شده
این است که خلق بعضی چیزها که منفعت خودشان است اجناس
نمایند چنانچه در روزنامه انگلیس که درین روزها رسیده است
نوشته بودند که شخصی بکوشش تیبان در سن پازده سالگی
خانه خودش کربنجه و داخل قشون سحری پادشاه شده بود
و از آنوقت دیگر بولایت خود کمر آمده بود و او شش خبر
مذاشته که در کجاست و مدت هفت سال بود که از آن خبر
بودند درین بین یکی از اقوام این شخص فوت شد و وصیت کرد
بود که اموال و املاک و متروکاتش هر چه شش کشتبان
برسد و از وجه نقد و املاک سایر مخلفات شصت هزار پون

پول انگلیس که تخمیناً صد و دو هزار تومان پول ایران
 باشد داشت و چونکه وارث مزبور غایب بود در زمان
 اعلان کردند و بسبب اینکه این وارث روزنامه بخواند
 مدتی طول کشید تا این مرحله خبردار شد و در پیشین اتفاقاً
 اعدا معین میکند از آنکه اگر شخص وارث تا انقضای آن
 پیدا نشود مال مورث موافق قانونی که دارند در میان
 سایر اقوام قسمت میشود و کم مانده بود که وعده این
 شخص کشتیمان نیز منقضی شده اموال و املاک مزبوره در
 میان سایر اقوام اوقسیم شود تا آخر کسی او را خبر کرد
 که چند وقت در روزنامهها چنین مطلبی اعلان می شود
 وقتی که خبردار شد بانکه مدتی خود را با آنجا رسانید
 اموال و املاک مزبور را که حق خود بود مالک شد

از کشتیمانان مزبور بسیار خوش آمده و تخمین نمودند
 قشون سحری را بان کشتیها فرستاد که رضا مندی
 امپراطور و اتفاقات در کشتی بانان مزبور با جماع نماید
 ایضا در روزنامه فرانسه نوشته اند که در هنگامی که
 امپراطور فرانسه در یکی از قصبهای کوچک سمت شمال آن
 مملکت ایگلی میسنا بند میکند چونکه در آنجا توپچی کم داشتند
 چند نفر سرباز با توپچیان همراه نمودند که توپ سلامت
 ورود امپراطور شیلیک نمایند سربازان مزبور چون در
 توپ انداختن سرگشته دستهای نداشتند در زمین
 شیلیک که توپ گرم شده بود نشستند و نه صبر کردند
 سیرد شود و کوبه بار در طبعان توپ انداختند تا
 آتش گرفت و دو نفر زخمی شدند

در نزدیکی شهر دیلین مملکت ایرلند کاسکهای بنجار که در
 راه آهن تردد میکنند بطور غریب بهم خورده اند و چند نفر
 کشته و زخمی شده اند اشخاصی که در کنار راه نشسته بودند
 مذکور میگرددند که وقتی که کاسکها بهم خوردند کاسکها
 عقب چرخ بنجار بود و جانی هیچ نفر سیاح و اشت
 بقدر سه ذرع بلند شده و بروی چرخ بنجار افتاد

در فرنگستان وقتی که کشتی نزد یک بغرق شدن
 کسی که در استحواص اهل کشتی رشادت و شجاعت نماید
 تسویش جان خود پر داند نماید که دیگر از ارمانی بد بدباد
 فرار داده اند بدند و در روزنامه فرانسه نوشته اند
 که درین روزنامه امپراطور آن مملکت بدو نفر این نشان را
 داده است یکی صاحب مضب کشتی ناروی بود دیگری صاحب
 کشتی انگلیس که هر دو باید اد کشتی بانان فرانسه که کشتی
 افتاده بودند رسیدند و آنها را از تنگه خلاص کردند

فرانس

در اوقاتی که امپراطور فرانسه در شهر بلون توقف داشت
 چند فرزند کشتیهای جنگی فرانسه را در دریای روم بوی
 شهر مزبور آورده بودند و چونکه طوفان شدید در گرفت
 در آنجا ماند و از خشکی بانها حکم شد که مانند بروند تا
 امپراطور چون طاق کشتیمانان را دید که در پیش روی
 طوفان شدید و ضرب امواج کشتیها را خوب نگاه میداشتند

ابطالیا
 از قراریکه در روزنامه شهر فلانس نوشته بود که
 سبب ساقن راه آهن در وسط مملکت ابطالیا جاری است
 بودند که بلکه راه مزبور از و تمام نمایند و خلق در تردد
 اسوده باشند و منفعت بجهت آنها که خواه درین راه
 گذارند

کند و لکن در بعضی جایها درست کردن این راه بسیار مشکل است
صعب شده است بجهت این که نمیشد راهها را هموار است
درش جایز که راه را با بید سوراخ بکنند که راه هموار
برود هم اخراجات زیاد دارد و هم شکافتن
مخت کو بسیار مشکل است

در روزنامه شهر طبرستان پای تخت ممالک سار و دینلو
که وزیرهای مملکت ایتالیا میخواهند دوباره در آن ولایت
آشوب برپا نمایند و نیز بنی نام که بزرگ مفسدین ایتالیا
بود با شخصی که با او هم مصلحت بودند نوشته بود که
حالا مجال سورشش است و وقت است که اقدام بچکیت نماید
بعضی از اشخاص مبرور در شهر روم جمع شده و درین
خصوص مشورت کردند اما بعد از گفتگوی زیاد صلاح
که دوباره جنگ و افتاش در آن ولایت برپا نمایند
و باین سبب اطاعت حکم بنی را کرده بود

سینکی و نیای شمالی

در روزنامه این ولایت نوشته اند که باز گفتگویی
که عهد نامه بین دولت انگلیس و فرانسه و جمهوری سینکی دنیا
سالی بنده که گذرانند اهل سینکی دنیا جزیره کوه را از حیطه
تصرف دولت اسپانیا در آورند و مضمون عهد نامه
این است که هر سه دولت متعهد بشوند که جزیره کوه که از
قدیم مال دولت اسپانیا است باز بهای نظیر در تصرف
دولت اسپانیا بماند و وزرای انگلیس و فرانسه سعی بکنند
بر پایه کرده اند که این عهد نامه را بلکه پیش ببرند و لکن تا بجای
قوامی نگرفته است و وزرای سینکی دنیا شمالی قبول
نکرده اند و از فرار روزنامه انگلیس و فرانسه بنویسند که

اهل دولت جمهوری سینکی دنیا شمالی دایم الاوقات
مایل مملکت گیری بودند و درین صلبت کردن ممالک آن
اطراف چندین ملاحظه حق و ناحق میکردند چنانچه اول
اوتی سیبانه را تصرف کردند بعد از آن ولایت فلان را
داخل خاک خود نمودند و درین اوقات مملکت گسترش
از قدیم مال دولت جمهوری تیه لیکو است داخل خاک خود
نمودند و کلی ناریا نیز که معدن طلا در آنجا پیدا شده
از ایام قدیم مال اولاد اسپانیا بود که در گذشته بودند
حال جز ممالک سینکی دنیا شمالی کرده اند و دولت انگلیس
و فرانسه ملاحظه از اینطور مملکت گیری آنها می کنند و هنوز
عهد نامه مبرور قوامی نگرفته است

هندوستان

از فرار روزنامه این ولایت ملاحظه که در مملکت برآمده
بود رفع گردیده و آذوقه نسبت سابق زیاد شده است
تجارت اهل آن مملکت برنج و آذوقه زیاد باسجا آورده
و لکن با هر یک هم عهد شده بودند که بقیمت ارزان بخرند
و لکن سایر تجار و اهل دولت انگلیس برنج و آذوقه زیاد
با آن ولایت آورده بودند و چونکه بقیمت ارزان بی پول نقد
فروختند تجار اهل آن مملکت نیز لابد شدند که آذوقه
بقیمتی که نسبت سابق ارزان بود بخرند
ستاره دنباله دار که در ماه ذی قعدة درین ولایت پیدا
شد در هندوستان نیز دیده بودند در مملکت پنجاب
و سمت شمال هندوستان خوب پیدا شده بود و لکن
چونکه در اکثر ولایات هندوستان در آن اوقات ایام
بارندگی که رصارت مماثل بود سحبه آلودن بود کمتر

۹۶۳

نمایان شده بود

لاری و الحوضی زمانه نمای هندوستان در کلته بود و چونکه ناخوش بود بنا داشت که بجهت تغییر آب و هوا در دریا سیاحت نماید و بسکونید که بملکت سیکونیز خواهد رفت

در اول فصل برصانت در هندوستان چونکه بارندگی کم شده بود تشویش داشتند که بجهت کمی آب تنگی بکشند و لکن بجهت اینکه ده روز متصل باران آمد و دریا چاه و حوضها که بجهت جمع کردن آب باران ساخته بودند پر بود مردم از تشویش بیرون آمدند

چین

در خصوص گذارش این مملکت در روزنامه هندوستان نوشته اند که شهر پیکون که پای تحت چین است بدست باغیان افتاده بود و لکن این خبر تعیین نبود امنای دولت چین که در کانتان می نشینند تشویش داشتند که اهل آنجا یاغی بشوند و شهر را تصرف آنها بیرون بیاورند و لکن تا تاریخ کاغذ آخر که ازین ولایت آورده اند هنوز در کانتان آشوبی نشده بود و چونکه اکثر تجار روی زمین در آنجا داد و ستد دارند و اموال بسیار در آنجا است تشویش زیاد درین خصوص داشتند که این شهر بدست باغیان و مال تجار در انعقاد تجارت و بیاورد و میدهند که اگر پای تحت پیکون بدست باغیان بفتد کانتان که یکی از شهرهای کنا مملکت چین است بطریق اولی بدست باغیان خواهد افتاد و باعث آتلاف مال تجار خواهد گردید خاقان چین امداد از طوایف مغول تاتاری که سرحدشین آن مملکت

و از اهل طایفه خود خاقانند خواسته بود و آنها نیز وعده کرده بودند که قشون بملکت چین نفرستند و اگر قشون تاتاری بملکت چین برسد چونکه بسیار شجاع و رشید و جنگی و زیادند و در غایت که خاقان چین بقوت آنها دوباره در تحت سلطنت خود ممکن بشود از شهر کانتان رودخانه عظیمی میکزد و نوشته اند که در آن روزها سیل زیاد درین رودخانه آمده بود و زراعت شلوک را در بعضی جاها خراب کرده بود و در بعضی جاها آب انبارها نیز خراب رسانده بود چونکه قاعده دولت چین این است که در اتم غله و آذوقه زیاد بخصوص برنج در انبار نگاه دارند و از آنرا که بسبب سیل مزبور قیمت برنج ترقی کرده بود در بعضی جاها انبارهای دیوانی را کثود و بودند و برنج آنها را میفروختند و نوشته اند که در کانتان مردم دست و دست شده بودند که اگر پیکون پای تحت چین راست باشد که بدست باغیان افتاده باشد حاکم و چاکران دیوانی را که در کانتان میباشند از آنجا بیرون نمایند نزدیک شهر آمانی در رود دریا کشتی باغیان کشتی خاقان چین با هم جنگ کرده بودند و کشتی خاقان کشتی باغیان غالب آمده بود ولی باغیان تدارک میدیدند که دوباره در روی دریا جنگ بکنند و اگر قشون سحری خاقان در آن سمت بیایند غالب بیایند باز چندان فایده باحوال چاکران دولت چین در آن سمت نخواهد کرد زیرا که باغیان در سمت شهر آمانی قشون زیاد دارند و آن شهر را خواهند گرفت و خبر به تجار و اهل دول خارج که در آنجا هستند فرستاده بودند که اموال خود را در میان کشتبهای دول خود بگذرانند که بسیار

۹۶۴

در میان جنگ و انقراض تلف شود تجارت در آن است
کس نبود مگر در شوره و بار دوط و اسلحه و اسباب حرب
از جزایر بحر چین و بعضی از جزایر بحر هند نیز آذوقه و قورخانه و
وامداد بجهت باغیان چین آمده بود

در کاغذ دیگر نیز از آن ولایت نوشته اند که اهل دول خان
در آن است تلویش زیاد داشتند خصوصاً این ^{نخلیس}
تجارت زیاد در آنجا دارند و کشتی و لنگی که باید امداد و مجا
انبار نماید کم بود و در باب سبب نیز نوشته اند که بعضی اوقات
آب رودخانه چنان بالایی آمد که در کوچه ها و باغات شهر
کائناتان زورق و ناو کار میکرد و ابریشم و سایر ^{بافتند}
تجارتی را از بالا خانها و باها میان زورق و غیره ^{میکند}

که بپزند و بکشتیها حل نمایند
احوال متفرقه

نیز در آن که یکی از غنیمتین فرانسه بود و مدتی است
که از آن ولایت فرار کرده و در مملکت انگلیس می نشیند
در این اوقات چیزی اختراع کرده است که روغن که در
شستن پشم شال و ماهوت و غیره بکار میبرند سابقاً
به دور می ریختند حال همان روغن را صابون می سازند
در ولایت انگلیس کارخانه های پشم زیاد امید دارند که
از ساختن صابون این روغن که از شستن پشم بیرون
می آید منفعت زیاد ببرد زیرا که تا بحال بمصرف مبتذلت
و بدور می ریختند

از شهر بیروت شایعات نوشته اند که بعضی از اعراب
هفته ها از دولت گرفته اند که زمین شهر قدیم آنجا را که حالا
خراب است بشکافند بسبب اینکه گمان میبرند که در آنجا

دفن باشد چون شهر بیروت است لهای بسیار در ظرف
فرنگیها مانده بود در اوقاتی که پادشاهان فرنگستان
در باب اورشلیم که حال به بیت المقدس مشهور است جنگها
مسلمانان داشتند و اعراب مرزورچین و نهند
که فرنگیها در آن اوقات در زیر خاک کنجی نهفته باشند
و آنجا را بسیار کاویده اند لکن چیزی پیدا نکردند

در یکی از روزها همای فرانس نوشته اند که صاحب
که در آن دولت نشان لژان دارند بدین ^{تفصیل}
از مرتبه اول خود امپراطور فرانسه و او همس ^{نفر}
و از مرتبه دوم پیم پنجاه و هفت نفر و از مرتبه سوم ^{دو}
و چهارده نفر و از مرتبه چهارم هفده نفر و هفت نفر
و از مرتبه پنجم چهل و شش هزار و شصت و پنج نفر ^{نشینند}

در فصل بهار و اول پاییز در ممالک شمال فرنگستان موسم
طوفان است و کم و بیش در این اوقات باد شدید ^{طوفان}
میشود درین سال طوفان زیاد شده بود خصوصاً در دریا
باریک با این مملکتین نخلیس و فرانسه کشتیهای جنگی ^{نشینند}
که رو بروی قصبه دیت سخته حرمت امپراطور فرانسه آمده
بودند و تکیه میخواستند مگر حاجت بکنند چنان طوفان
شده بود که نتوانستند بودند بلکه گاه مملکت خود بر روی ^{نشینند}
مخاطف کشتیها از ضرب امواج و طوفان سبکی از ^{نشینند}

نخلیس آمده بودند

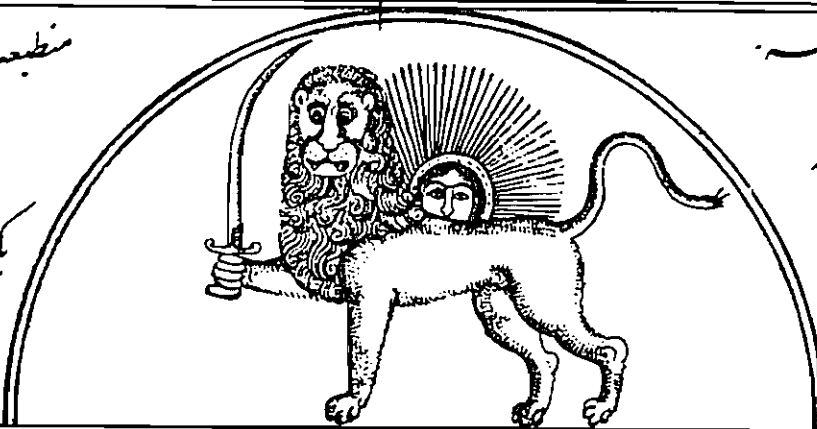
روزنامه وقایع اتفاقیه پنج یوم شنبه پنجم ماه ربیع الثانی مطابق سال اودین ۱۲۷۰

نزه صد و پنجاه و سه

قیمت روزنامه

یک نسخه شش ماهی

هفتاد و چهار هزار



منطبه دار اختلاف طهران

قیمت اعلانات

یک خط ای چهار خط یک هزار

بیشتر با هر خطی

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دار اختلاف طهران

اعلیحضرت پادشاهی که بکارگاه جاجرد و چنانچه در وقت سابق نوشته شد تشریف فرما گردیده بودند در روز یکشنبه گذشته بمقر سلطنت عظمی مرحبت فرمودند و از دروازه دولاب مبارک که سلطانی نزول اجلال ارزانی داشتند و از قرار تقریر طرین کاب هایون از بهر قبیل شکار فراوان شد دست سجده ای که کمر سیاه باین فراوانی شکار در جاجرد شده بود و از آنجا که موکب هایون بکارگاه در این تشریف برده اند و نیز شکار فراوان نموده اند و بر وجود مبارک بسیار خوش گذشته است و در منزل حصار امیر نیز عالیجاه میر فتحعلی مستوفی لوازم شکش و پای انداز و قربانی و ضیافت معمول داشته خاطر اقدس هایون را از حسن منگدانی خود خونسند داشته بود

پادشاهی بد رسم دار الفنون تشریف بردند در وقت امتحان شاگردان در حضور مبارک با اینکه مدتی بواسطه ناخوشی و با تارک بودند و تکرار درستی کرده بودند و نفر دو نفر که جدا جدا بحضور مبارک آمدند هر کون مرضی و مساجحه و تشریحی که بی تمهید مقدمه عالیجاه حکیم لولاک و حکیم لولاک پرسیدند خوب جواب داده و از عنده عالیجاه حکیم لولاک موردین و نجات لولاک کرده و همچنین یک نفر مریزی که در شکارگاه جاجرد و از کوه آ و پایش شکسته بود نیز حکیم لولاک آوردند و تشخیص داد که استخوان رانش شکسته است و با اسبابی که در پای او راسبه است و از قرار تقریر عالیجاه شارب عالیجاه خوب خواهد شد

نواب علیقلی میرزا پیرنواب عمادالدوله حکمران کرمان که در سفر سلطانیه بمنصب سرتیپی سرافراز گردیده بود درین اوقات فرمان مبارک بجهت منصب نواب معز شرف صدور یافته و یک ثوب جبهه ترمه برسم خلعت از جانب نسی ایجاب لولاکانه در حق او مرحمت و ارسال گردید

۹۶۶

۵۰

عالیجاه میرزا بزرگ وزیر کرمان که بجهت محاسبات
وامورات نواب عماد الدوله بیار طایون آن بودین
اوقات کارهای خود را با تمام رسانیده خدات او مشهور
رای امنای دولت علیه گردید و از جانب نسی بجوانب طوکان
یک ثوب جبهه ترمه برسم خلعت باو حجت گردیده بود
القیات جناب جناب صدر اعظم نیش
چون مراتب خدمتگذاری و راستی عالیجاه میرزا ابوالقاسم
تفرشی مشهور رای اقدس طایون پادشاهی گردیده در
اوقات از قرار فرمان مهملعان مبارک منصب سر مشیر
دقا استیفا سر از او مبلغ ذولیت تومان بر موان
سابق او علاوه گردیده و یک ثوب جبهه ترمه کرمانی نیز
برسم خلعت در حق او حجت شد
صدر سفیر مخصوص که بشارت سنت پترزبورغ رفته
بود معاودت نموده در روز یکشنبه غده ماه ریحانی
وارد دارالخلافه طهران شد اولیای دولت علیه در لوان
توقیر و احترام و استقبال او اهتمام فرمودند مقربان خانقا
میرزا موسای وزیر طهران و میرزا زمان مستوفی دبو استخا
مبارک و میرزا محمد تقی مستوفی و کلانتر و علی خان سر تپ
فرانکولو و محمد رضا خان سر تپ و آقا رضا خان نایب
اجودان باشی را با جمعی دیگر از غلام و غیره باستقبال
صدر سفیر فرستادند و ده اسب سواری یک یراق طایون
برای او فرستادند که سه روس برای سواری خود و چنان
و سه روس برای سواری عالیجاه بر طرف سازد و لفرضا
روس که مهاذراز دولت با صدر سفیر کرده بودند و چهار

روس نیز برای یک و کمال احترام در حق او مرعی داشته
و روز ورود شرفیاب خاکپای علیحضرت شاهنشاهی
و مورد نوازشات طوکانه گشته بعد بخدمت جناب جناب
صدر اعظم افخم رسیدند
سار و لایات
از برای بایجان از قرار یک در روز نامه اینولایت نوشته
بودند ناخوشی و با چند روز بوده که در شهر تبریز تحریف کلی یافته
بوده است و اگر بروز و ظهوری داشته بندرت بوده است
ولی بعد از آنکه چند فوج از افواج آذربایجان احضار به تبریز
شده با آنجا آمده بودند باز ناخوشی کم کم رو بشت گذشته
بوده و روزی میت نفرو بیت و پنج نفر از سر باز و غیره تلف
میشد اندک لهند نواب مستطاب شاهزاده و الایات حجت الدوله
حکمران مملکت آذربایجان رسیدند فوج ایلات فوج
برای فراولی شهر نگاه داشته اند و با بقی الصوابیدیه نظام
سردار کل مرخص کرده اند
دیگر نوشته بودند که سواره بهار لوانو با جمعی عالیجاه
که سابقا نواب شاهزاده احضار به تبریز کرده بودند که با
آنها رسیدگی کرده روانه در بار طایون نمایند این اوقات
وارد تبریز شده و بان آنها رسیدگی نموده اند چون
نواب مغزی الیه دیده اند که اسبهاشان منطوک و خود نشان
از حالت سرفاقاده اند لهند آنها را بیت روزه محض کرده
بودند که بخانههای خود رفته و تدارکات سفر خود را دیده اند
رواند در بار طایون شوند
خراسان
از قرار یک در ضمن خبرات روزنامه خراسان نوشته

۹۶۷

قافله بخارا مدتی بوده که در چهار جو بوده و اراده آمدن
 داشته اند که از آنجا بارض اقدس بیایند میر احمد خان
 هزار نفر سوار اوزبک و منبکی و ساورا زبل تن بکلی
 قافله رفته و از این طرف هم عالیجاه بهادر خان حسن خان
 سبزواری را با سیصد نفر سوار فرستاده در دو روز
 چهار جو سوار ما علی القله سوارهای میر احمد خان رسیده
 آنها را برسم رزده و شکست مضبوطی با آنها داده و بعد
 دو بیت نفر از سوارهای مزبور را مجرد و زخمی در دست
 و دستگیر ساخته اند البته سوار سینه کی بعد از ما
 این احوال تا ب مقادمت نیامده از آنجا به سینه
 رفته بودند و خود مشارالیه با معدودی از سوار پیل
 آمده بود و بعد از شکست سواره مزبوره خبر رسیده است
 که قافله مزبور از چهار جو بگذر آمده اند و کاغذ اهل قافله را
 تبار مشهد رسیده بود که آنچه تندی بیچیک از آنها آید
 ز سبده است و ده نیره سراز سوارهای میر احمد خان
 که در آن دعوا کشته شده بودند بهادر خان بشهد فرستاده
 و بیکر نوشته بودند که نظر باستقامت و استعدای تقویت
 حمایتی که خلیفه مرد و سبب تعزیمات او بر کنجی از دولت علیه
 نموده خود را کافی اسبق بدیل ظل را فت و حمت اولیای دولت
 کشیده بودند نواب سب طاب شاهزاده والا تبار حرام سلطنته
 مملکت خراسان بر حسب امر اولیای دولت علیه علاوه بر قشونی که
 بمرور مامور شده بود این اوقات سه فوج سرباز و پانصد
 سوار و پنجاه توب و چهاره با قورخانه روانه مرو نموده
 و خود نواب معزی ایبه نظر بحال مراقبت دستامی که در تقدیم

۹۶۸

خدمات دیوانی دارند تا آتی در بند رفته اند که سالن قشور
 در آنجا دیده روانه نمایند البته چنانکه تا بحال رفع تعزیمات
 از حد و مرد و سبب الموت قبون مأموره دولت علیه شد
 بعد ازین هم امر آنجا مقرون بحال انضباط بوده دست
 او را کنجی بکلی بریده و کوتاه خواهد شد و از تقویت و حمایت
 اولیای دولت علیه مالی مرو از نظارات او بر کنجی ایبه مصون
 و این خواهند کرد دید از قرار یک نوشته بودند غله در حد و مرو
 بسیار کم یاب بوده و کندم یک من یک صاحبجران کتری است
 می آید و لکن این اوقات که خبر مأموریت قبون دولتی بان
 رسیده هر کس انباری داشته است بروز داده و غله خود را
 بطور سابق بفرودخانه است و از اطراف هم بروز غله می آورده اند
 و بدینجهت برای مردم یک نوع آسودگی حاصل است حتی دو هزار نفر
 سوار بخارانی و غیره نیز که در نزدیکی مرو کشتی داشته اند و هر روز
 بال حال مردم بگروه اند این اوقات فرا اختیار کرده و
 و برای مالی مردم بحال امنیت و فراغت حاصل گردیده است

کرمان

از قرار یک در روزنامه این ولایت نوشته بودند یک توب کلچو نظارت
 طبوس تن مبارک اعلیحضرت پادشاهی را که خلعت برای امیرالارام
 محمد حسن خان سردار حکمران یزد و کرمان مرست شده بود بعد از ورود
 سردار رالیه با خوانین و اعیان و اشراف آن ولایت با استقبال
 خلعت مدقه لازم تو قیر و تعظیم و احترام از خلعت جایون بجا آورد
 و در باغ خارج شهر خلعت پوشان کرده بعد از تنبیت و هتیه
 لوازم استقبال مراجعت بشهر کرده و چند تیر توب نیز
 نموده اند
 یزد

از قرار یک در روز نامه اینولایت نوشته اند دوازده نفر
 قافله که پنج نفر آنها تا جرگه سوار بوده اند از طبس به یزد
 می آمدند از منزل رباط خان که خاک طبل است منزل
 رباط طبت بادام که خاک بز است می آمدند تا کابو
 بین راه چاه نغز طایفه ضاله بلوچیه با آنها برخورد و قافله
 مزبور را از آنجا بکدار مشهور بکدار قنبر برده و پس روز
 در خارج رانگاه داشته بودند تا اینکه در اول رباط
 خان از قراول رباط طبت بادام تحقیق از عبور قافله
 مزبور نمودند و معلوم گردید که این قافله رباط
 طبت بادام نرسیده اند بعد از اطلاع بر اینمغنی قنبر
 چهاره سوار مستحق آن راهها که در آنجا بوده اند بعب
 رفته و به بلوچ و قافله رسیده اند و جنگ در پیوسته
 و لکن چون عالیجاه زین العابدین خان سر کرده چهاره
 سوار مستحق با جمیعت خود در بیت و چهار فرسخی آنجا
 و از آنجا دور بودند و این چهاره سواری که بسر بلوچ چهاره
 بودند کم بودند نتوانسته بودند با آنها فایق بیایند سه نفر
 چهاره سوار و اسب یک نفر غلام که همراه بوده تیر کلوه
 خورده اند و طایفه ضاله بلوچ هفت نفر از تجار و قافله
 مقتول و چهار نفر از تیر خمدار قرب الموت نموده اند و یک
 نفر از آنها با قاصدی فرار کرده اند و اموال این قافله را که نقد
 جنس از قرار مذکور قریب هفت هزار تومان می شده است
 طایفه بلوچیه برده اند از غراب اینک سر کرده این طایفه
 ضاله از عقب آقا محمد حسن طهرانی که فرار کرده بود رفته و با
 رسیده و مشارالیه را برنده کرده بود و از راه احتیاط

لباس او را بر تن خود پوشیده بود که اگر در راه دستگیر
 چنان ندانند که بلوچ است در مراجعت طایفه بلوچیه او را
 بیکانه تصور نموده چند تیر تفنگ با و خالی کرده بودند یک
 سجد او و یک تیر هم به پیش گرفته و بدرک وصل شدند
 دیگر نوشته اند که شخصی سلمانی در یزد مدتی چند کاش
 سرفقه بوده است و شبها از روزنه دکان شخصی حیات
 بدرون دکان رفته و اسباب میدزدیده است چنان
 مزبور بعد از اطلاع بر اینمغنی هر چه میخواست که بداند
 سارق کیت نمیتوانست تا آخر تیر سنجاطر شنید
 یک و یک را پر از بقم نفوس نموده و در دکان خود در زیر
 مزبور گذاشته بود که اگر سارق مزبور ایندفعه بسرقت بیاید
 پایش بقم فرو رود و این نشانی باشد که در دکان مزبور
 نشان پیدا شود سلمانی مزبور نیز شب بان دکان رفته
 و هر دو پایش تا زانو به یک بقم فرو رفته و اسبابی
 سابق سرفقه نموده و رفته بود صبح صاحب دکان
 خبردار شده و به تفحص برآمده بود آرزو و روز دیگر تا
 سه روز در تفحص بوده است روز ششم شخص سلمانی را
 دیده بود که آثار رنگ بقم تا زانوهای هر دو پایش موجود
 عالیجاه نظر علی سلطان داروغه یزد را خبردار نموده
 و مشارالیه فرستاده آن شخص سلمانی را آورده
 بعد از تحقیق و تندید بسرقت خود اقرار نموده و اینکه مدتها
 که بدکان مزبور رفته و اسباب سرفقه میکرده است
 اعتراف نموده و بعضی اسباب سروده بعینها از او سرب
 و حبس را بر نموده و او را بعد از تمسیه کامل توبه داده و رخصت نموده

۹۶۹

اخبار دول خارج

فرانس از فرانسایی که در روزنامه پاریس مای
 اینولایت چاپ زده اند خوراک اهل این شهر را در هر
 که سالی چند گوشت بمصرف میرسد این تفصیل نوشته
 که آنچه در یک سال در سلاح خانه شهر پاریس کشته شد
 کا و تراخته افتاد هزار ماده کا و بیست هزار کوسا داشتند
 هزار کوسه یک کور خوک نو و هزار و هجده شهر پاریس
 و دین ایام دو کور میداند و موافق روزنامه های بنجاه
 چهار سال پیش ازین جمیعت آن ایام شهر بزرگتر از یک
 صد هزار کس بوده و همین قدر گوشت در آن ایام مصرف
 میشده است و ازین حساب معلوم می شود که اوضاع اهل
 پاریس در آن ایام بهتر از حالا بوده است بسبب کثرت
 جمیعت این ایام جمیعت آنوقت نصف چیزی بیشتر بوده است
 و همین قدر که حالا گوشت بمصرف میرسد مصرف کرده اند
 و اگر اهل این ایام با اوضاع اهل آن ایام میبودند بیست
 دو سادی اینقدر گوشت که نوشته شده است بمصرف نمی
 و کم اوضاعی اهل این ایام را باین سبب میداند که در این بنجاه
 سال بعد از آن ایام چندین بار اعتقاش و انقلاب
 در پای تخت مزبور روی داد و مردم بسبب این اختلالها
 بسیار تشرف شده و از اوضاع افتاده اند
 در باب حاصل انکور در سمت جنوب مملکت فرانسه
 نوشته اند که امسال در بعضی جاها چنین کم آمده بود که
 چیدن آن چندان ضرر نمیکرد و صاحبان باغات حاصل
 انکور را بفقرا و ساری مردم واگذار کرده بودند که هر کس
 سخاوت برود برای خود بچسبند و در نزدیکی شهر لیان چسب

۹۷۰

اقت که بانگو افتاده بود و چه بسبب زود آمدن سرما
 اینجا بالمره تلفت صنایع گردیده و زارعین و صاحبان
 املاک ضرر زیاد دیده اند
 در فصل پانزده امسال شخصی آراگون نام که بدانی مشهور فرنگستان
 بود و در هر علم ما هر روز فرانس فوت شده است و این شخص
 در تحصیل علوم چنان ساعی و جاهل بود که خودش میگفت اگر
 در شبانه روزی چهارده ساعت اوقات خود را صرف
 تحصیل کنم تنبلی کرده ام و این شخص شصت و پنج سال عمر
 کرده بود و لکن نیه و مزاج خود را آنچه کثرت شولیت در تحصیل
 شکسته و خراب کرده بود در ایام جوانی وقتی که تازه از
 مدرسه بیرون آمده بود او را آنچه امر منجی مملکت اسپانیول
 فرستادند و در وقتی که در اسپانیول بود ما بین دو پسر
 فرانس و اسپانیول جنگ اتفاق افتاد و چون که اهل اسپانیول
 میخواستند او را اذیت بکنند لابد از آنجا گریختند و مملکت
 الجزیره رفت چند وقت در آنجا ماند و بیخواب بولایت خود
 مراجعت کند در روی دریا بدست اهل کشتی دشمنان
 افتاده او را محبوسا بمملکت اسپانیول بردند و چون که حاکم آن
 ایام الجزیره که از ظایفه عرب بود با دولت اسپانیول صلح
 داشت خواهش از دولت اسپانیول کرد که او را مرخص
 و متخلص نمایند و دولت اسپانیول نیز چون که شخص مزبور از
 اهل قشون نبود طالب علم بود و خلاصش کردند و از آنجا گریختند
 سوار شد که بشهر سبیلز برود طوفان زیاد شد و باران
 دوباره بمملکت الجزیره رفت و در آنجا که بود کسی که او را
 بکسور حاکم آن مملکت برده بودند بجا کم عرض کردند که این
 شخص هر زبانانی را میداند جوان مزبور که این حرف را شنید

تسویس کرد که حاکم از او بزبان مجار چیزی سئوال نماید
 و او بزبان مجار نسبت چندی در آنجا ماند و بعد از آن
 بولایت خود مراجعت کرد و از دولت خود محبت زیادتی
 آنوقت شتر از بیت و سال نداشت و لکن چون بسیار
 قابل بود معلم مدرسه گردید و از آن ایام تا روز وفاتش
 دایم الادقات مشغول تحصیل علوم بود و یکی از دانیان
 مشهور این ایام گردیده بود
احوال متفرقه

تجهه کشتی دارد و علائش این است که توپ نسبت آن کشتی
 بادی اندازند که او را از رسم پیا در فصل پائیز گذشته از آن
 گرد باد زیاد در دریای باریک مابین مملکتین انگلیس و فرانسه
 دیده بودند یکی از کشتیهای جنگی انگلیس که در آنجا مکتوب کرد
 یکی ازین گرد بادها نزدیک شد و توپ با و خالی کرد اما
 توپ او را از هم نپاشید و از کشتی مزبور روده شده بود
 کشتی تجار تی نزدیک شد و کم مانده بود که هر دو کشتی را
 غرق نماید

مابین وزیر مختار دولت فرانسه مقیم لندن و وزرای
 پادشاه انگلیس گفتگونی شده است در باب شیلات
 ماهی گیری دریای باریک مابین مملکتین انگلیس و فرانسه
 اهل هر دو دولت اذن دارند که در دریای مزبور ماهی گیری
 نمایند و لکن نتیجه نظم کارشان فرار داده اند که کشتیهای
 ماهی گیری طرفین تا یک فرسخ نزدیک خشکی مملکت یکدیگر
 نیایند و هر کشتی باید نمز و نشان داشته باشد که اگر
 کسی خلاف این قاعده و قرارداد را کند همان ساعت
 معلوم بشود که گنبد و بنا دارند که از طرفین کسانی در آنجا
 بگذارند که مراقب نظم آنها باشند

بجای زغال سنگی را که در اکثر شهرهای فرانکستان عموماً
 در کوچه ها و کاکین و بعضی از خانه ها مصرف می نمایند اگر لوله
 و از بگذارند یا لوله اش شکسته بشود در و پنجره اطاق
 باشد بخار مزبور در میان اطاق جمع میشود و اگر کسی با چراغ
 با بخار برود آن بخار مانند بار و طشش میگیرد و درین روزها
 در شهر لندن اینطور اتفاق افتاده است و یک خانه را چنین
 حراب کرده است که کویا بار و ط در زیر ادا کند داشته اند یک
 نفر زخمی گردیده و لکن کسی کشته نشد

از فرار یک در روزنامه انگلیس نوشته اند درین روزها
 پول زیاد از انگلیس که در لندن سکه زده بودند بخرید
 سرانندین فرستاده اند و اکثر این پول از طلای سترلیا
 سکه زده شده بود

از فرار یک از مملکت مصر نوشته اند در اول پائیز چون که آب
 رود نیل بسیار بالا آمده بود قدری خرابی در آن مملکت
 کرده است و لکن بعد از آن تا ریخ آب رود مزبور کشیده
 و فروخته است

بعضی اوقات در هنگام طوفان گرد بادی در دریای
 اینکه در صحرا می چید لوله می شود و آب در بار امثل
 بالای کشد و اگر این گرد باد نزدیک کشتی بیاید تسویس زیاد

نداشته اند که در آن مملکت بخلاف سایر ممالک آن سمت
 امسال غله بسیار زیاد آمده بود بطوریکه بنا داشتند که غله
 مزبور را به سمت ولایت فرانسه بفرستند که در آنجا بفروشد
 برسد و بجهت بیرون فرستادن غله مزبور اذن از دولت فرانسه

۹۷۱

خواستہ بودند

از سر قہ ما بین ملکین اسپانیول و فرانسه ہم نوشته بودند کہ سال خرس در آنجا زیاد شدہ است چند رہس کاو در آنجا کشتہ بودند سکا رچیان در آنجا کشتہ شدہ و بشکار خرسہای مزبور ہفتہ بودند چہار خرس کشتہ بودند و یکی را نیز زخمہا ر کرده بودند کہ گر خیمتہ بود یکی از سکا رچیان نیز زخمہا ر کردیدہ و معیوب شدہ بود

از جزیرہ آلبہ بتاریخ دویم محرم نوشتہ اند کہ طوفان و رعد برق و تگرگ زیاد بان جزیرہ آمدہ بود بیشتر از ربع ساعت طول نکشید و لکن درین مدت قلیل بسیار از باہا و دود کشتہای سجا رہا را خراب کردہ بود و حیوان بسیار ہم کہ در بیرون بودند چہ کشتہ و چہ زخمہا ر کردیدہ بودند در آن جزیرہ درخت زیتون و لیمو و باد بسیار تگرگ چنان شدت کردہ بود کہ برک و میوہ این درختہا بالذہ ریختہ بود بسیاری از دانہهای تگرگ شش سیر وزن داشت و چند دانہ ہم پیدا کردہ بودند کہ بوزن دوازده سیر

در بعضی جاہیہای روی زمین بعضی اوقات دیدہ اند کہ بارش وقتی کہ از ہوا می آید سرخ است در روز نامہ نوشتہ اند کہ درین روز ما در یکی از بلوکات آن ولایت بارش سرخ باریدہ بود و قدری ازین آب بارش نیز جمع کردہ آوردہ بودند کہ شاید علت سرخی او را بداند

از فرار روز نامہ گذان نوشتہ اند کہ در یک نغمہ نزدیک چہار کرد و سجا ب پول ایران طلا بولایت انخلیس آوردہ اند

این طلا از مملکت استرایا بود و نسبت بہ طلائی کہ بجا آمدہ بود از آنجا بخارج بسیار کم فرستادہ بودند قدری بولایات ہمنورق و بلژو فرانسہ و قدری ہم بملکت برابری و شہر لزبون مملکت پورتو قال بقدر صد ہزار تومان با سلاہول و قدری ہم بشہر اصمیرہ فرستادہ بودند اما اینہا بہ جتہ بیشتر از چہا صد ہزار تومان نمی شد از آنجا اگر این طلا را کہ آوردہ اند تا بحال در مملکت انخلیس ماندہ است سجا رہم بنا د استند کہ بقدر چہا صد ہزار پوند کہ تخمیناً یک کرور و سجد و شتا د ہزار تومان بحساب پول ابران است با سکندریہ مصر فرستند و این مبلغ بہای اجناسی است کہ از اسکندریہ خریدہ بودند و اگر این پول کہ بمصر فرستادہ بودند نقرہ بود کشتیہا در راہ بودند کہ از مملکت میکو بولایت انخلیس بیایند و می گفتند کہ درین کشتیہا نزدیک چہا طیان دالار بود و دالار آن مملکت ہر یکی چہا ہزار دینار

پول ابران است

درینگی دنیای شمالی آب شاری بہت کہ بنا کردہ میباشند و بزرگترین آب شاری روی زمین است در روز نامہ بن ولایت نوشتہ اند کہ کوہی کہ در کنار این آب شاری بود چونکہ آب تند سیج ریز اورا سوراخ کردہ بود ناگاہ با صدا بسیار بلند بیکبار افتادہ و خراب کردید

پستی کہ ماہوت اعلی از آن میا زند در فرنگستان بسیار کراست و در ہر ولایتی یافت نمی شود اگر ش از مملکت اسپانیول مملکت سقانیہ می آید و کوسغدی کہ این پست از او بجل می آید نیز میماند درین ایام بسیاری ازین

کوسفند ما خزینه و بملکت رس امید برده اند و بزاق قسم
نیز با بخار برده اند و کمان پزند که آب و هوای مملکت رس
باین حیوانات سازش بکند و چشم و کورک خوب از آنها

در نو کرده اند سخته ای که مردان در آن مملکت کم مانده
بودند و اکثر از آنجا برون رفته بودند با بولایت سکی دنیا
یا معادن طلای آسنر ایما و کلی فارینا

بیاید

در ساختن راه آهن سخته برود کاسک بخار تا بحال
چنان بسازند که پرورد ببالا بتواند برود راههای او بانه
هموار باشد و خرج زیاد که در ساختن این راهها دادند
هموار کردن راه است و لکن درین روزها در راه آهن
در مملکت آسنر ساخته اند و از کوه سمرنگ میکند و کاسک
بخار بجای ای مرتفع رفته است و در بعضی جایها نزدیک
سیصد ذرع از بحر محیط بلندتر است

در سبکی از روزنامه های ابطایا در فصل پانزدهم نوشته اند
که در مملکت پای پای روم بقدر سی هزار نفر مجوس دیوان
داشتند و اکثر حصارها و قلعه جات سخت آنجا پراکنده
دیوان بود و با نیم مردم را گرفته و مجوس میکردند

چند وقت پیش ازین شخصی در یکی دنیای شمالی چرخ
اختراع کرده بود که مانند چرخ بخار بکشتیها حرکت میداد
که همان حرارت آتش بکشتیها بود بدین آب و بخار
اول کمان داشتند که این بخار جای چرخ بخار را که با
مقدار است بگیرد و لازم باشد که آب زیاد سخته بخار
بردارند اگر چه کشتی را حرکت داد و لکن حال می بینند
که جای چرخ بخار را که بخار آب حرکت می کند میکند و خوب
پیش نمیرود باین سبب موقوف و موقوف کردند

در جنگهای مملکت کلی فارینا در ختی من است که در وقت
که هنوز تازه است میتوان مثل سایر درختها تراشید و
اسباب از او ساخت و لکن چندی که ماند مانند
سخت میشود خواه در روی زمین بماند که هوا با بخور دیار
زیر خاک سخت میشود که آلات بخاری با و کار نمی کنند
و این خوب در ساختن سکوی کمان در ریاد و دیوار حصار
و خانه و غیره بسیار بخار می خورد و در وقتی که سبز و تازه باشد
بهر ترکیب که لازم باشد می تراشند بعد از آن کم سخت
میشود

اگر مملکت مانده منس هموار است و مسکام ته دریا آب این
دارد از قدیم بند و خاکریز ساخته اند که مانع آمدن آب با بولایت
و بعد از آنکه آب دریا را از آنجا بیرون راند جای حاصل آور شده است
درین روزها یکی ازین بند سنگ سیاهی از شهر ریزم در زیر آب
مانده بود و چند سال پیش این جانی که دریا بود بند ساخت و آب از آنجا بیرون
و در ضمن این بند بیشتر از دو کور پول بران جرج کرده بودند بگفتند که
شدت امواج دریا بند بروراهم شگافه است و زمین زراعتگاه آنها
در زیر آب مانده است

در روزنامه انگلیس نوشته اند که نان را در آنجا چنان
بپازند شاه میفرزند و هر پوندی شش سیر است
که تخمیناً یک من شش عباسی یکت بال بیت و پنج شاهی
پول ایران باشد
در یکی از بلوکات مملکت ایراند امسال اگر حاصل غله را از

۹۷۳

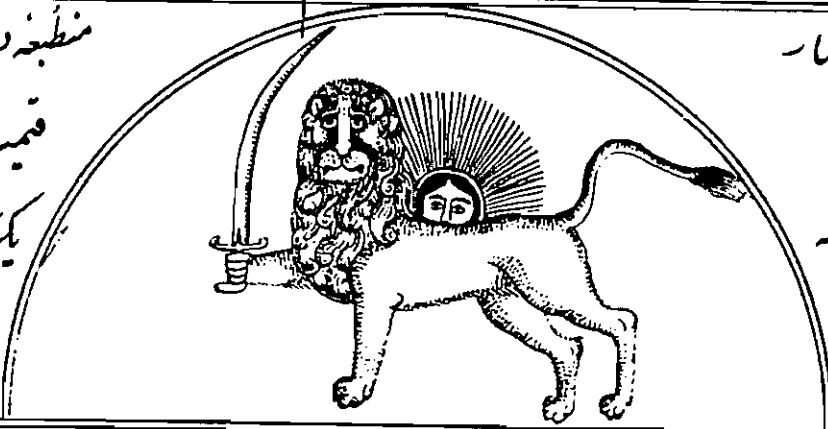
روزنامه قایم القایه پنجشنبه روز دهم ماه ربیع الثانی مطابق سال اول ۱۲۷۰

مزه صد و پنجاه و چهار

قیمت روزنامه

یک نسخه ده بریکه

سه تان و چهار هزار



منطبه دار اختلاف طهران

قیمت اعلانات

یک خطرا چهار خط یکمتر در روز

بیشتر هر خط یکمتر

احبار داخله مالک محروسه پادشاهی

دار اختلاف طهران

در روز چهارشنبه چهارم اینماه اعلیحضرت پادشاهی
 بهرک دار الفنون تشریف فرما گردیدند و رسید
 در کار معلمین و متعلمین فرمودند و همگی در تعلیمات حرثیه
 و علم هندسه و طب و جراحی و غیره در حضور مبارک آنحضرت
 گردیدند چون مراتب اهتماماتشان گردان در تحصیل هر
 ازین علوم وسیعی معلمین در تعلیم آنها سخن و مقبول خان
 هایدون افتاده مورد التفات و تحسین بفرمودند
 از واریکه از افغانستان نوشته بودند که بایا بیجا بنیاد
 پیرامیر دوستمحمد خان حاکم کابل و سردار کندل خان
 سردار قندهار آثار برودت و خشونتئی ظاهر شده است
 اگر چه نظر باطنیانی که اولیای این دولت علیه لفظ کفایت
 و کفالت امیر دوستمحمد خان دارند خاصه با برادری و آن
 با سردار کندل خان کمان ندارند که بر مرکز امیر دوستمحمد
 با سردار کندل خان آثار برودت و خشونتئی ظاهر سازد
 و این جزئی را هم از افضای سن شهاب شیرعلیخان مجبول
 میدارند لکن محض اینکه مأمول اولیای دولت علیه است

که سرداران افغانستان خواه هرات یا کابل یا قندهار
 هر یک در ولایات متعلقه بنجد آسوده بوده حالت استقلال
 و استقامتی داشته باشند رعایتی لکنک المراتب
 محض تا کید و اطمینان باز عالیجاه عبدالرحمان سیستانی
 مأمور نموده بامیر دوستمحمد خان و سردار کندل خان
 فرامین و احکام مومک صادر شد که ترک برودت و خشونت
 نموده طریق نفاق و خلاف بنویزند و طراح و فاق و اتحاد
 که شرط احوالت مرعی دارند و ظن قوی دارند که از
 همان دستادن آدم و نوشتن احکام اکیده مخالفت
 و مکاوت آنها بامت و رفعت مقبل شود
 سردار سلطانعلی خان پیر سردار کندل خان قندهار
 که بنجاکپای مبارک آمده بود و درین مدت مورد نوازش
 و الطاف و اسفاق سرکار اعلیحضرت شاهی و اولیای
 دولت علیه گردیده این اوقات بنا دارد که از دریاها
 رخصت انصراف حاصل نموده معاودت نماید
 مراتب ورود جناب میرزا محمد حسین صدر سفیر مخصوص
 و احتراماتی که بر حسب امر اولیای دولت علیه از ابتدای

با المشافه العلیه بجناب معزی الیه فرمایش فرموده

تعییر اجناس با کولات و غیره دارالخلافه درین هفته

از اینقرار است

برنج چهار من دو هزار و صد و نینار

روغن چهار من نه هزار و پانصد

گوشت یک من شش عباسی

نان یک من پنجشاهی

همه طاق یکخردار هشت هزار و دویست

همه متفرقه یکخردار پنج هزار دینار

کندم سه یکخردار هفت هزار

کندم غریبه یکخردار نوزده هزار

یکخردار نه هزار و پانصد

یکخردار چهار هزار و دویست

ارد کندم یکخردار دو تومان و دو هزار

یکخردار دوایزه هزار

یونجه یکخردار پنج هزار

کلابی جبه سه هزار

قذارسی یک من شش هزار

قد بزدی یک من چهار هزار و دویست

شکر یک من سه هزار

انار چهار من سی شاهی

ماش چهار من یک ریال

عدس چهار من یک ریال

دولت ایران الی دارالخلافه طهران نسبت باشان بطور

بود کلاً بتفصیل در روزنامه است با هر یک بجای خود

و نگاشته شده است از فرایک بعضی خاکپای مبارک

اهلس مایون شامشای رسانید در خاک دولت بیته

علی الخصوص از جانب نواب پرنس و رانوف جابین

ملکت قفقازیه احتراماً شایسته بعل آمده بود است همچون

روز و روز دیگر از خلفه از جانب سفارت دولت بیته

یزعالیجان غراف صاحب پسن صاحب صاجمنصیان

سفارت با نشان و لباس رسمی تا فرود در شت تمقان

حرکت تقبلین رفه از مقرب انخان شارالیه و عالیجا

یرلوف صاحب و سیر و قطروف و سیر و بطرفیلطیکر که

برسم ممانداری از تقلیس الی دارالخلافه آمده بودند

کردند و لازمه کیمتی و مروت بعل آمد چون از جانب سفارت

برای وقت شرفیابی عالیجاه یرلوف صاحب و جنصیان

همراه او بحضور مایون علیحضرت شامشای خوشن

و قشده بود لکن بعد از عرض و استیذان از حضور مایون

شامانه روز پنجمه پنجم ماه ربیع الثانی توسط وزارت

خارجه پادشاهی بجناب پرنس و ولغار و کی دیرر

دولت بیته رسیده اجازت شد و بحضور مایون شرف

شدند و علیحضرت شامشای هر یک از صاحب منصبان

علیحضرت امپراطوری را از جانب معزی الیه معرفی خواسته

لویا چهارمین یک ریال
منزادام چهارمین دوریال
نارنج صد عدد سه هزار
ماهی یک عدد پانزده شاهی
آب نارنج یک من دو هزار و پانصد
آب لیمو یک من سه هزار
سجود بوداده چهارمین دو هزار
ذغال یک خور دو تومان
کشک چهارمین دو هزار
باقلا چهارمین یک ریال
کشک چهارمین دو هزار
شیره شهری چهارمین دو هزار
شیره تلایری چهارمین سه هزار
سُح یک من یازده عباسی
چانی یک من دو تومان
صابون یک من پانزده عباسی
مرغ قطعه چهارصدینار
زعفران ده سیر بیت و پنجاه
دارچینی یک من چهار هزار
آبنغوره یک من هزار دینار
سرکه یک من ده شاهی
تبناکوی شیرازی اعلا یک من چهار هزار
حلویات اعلا یک من چهار هزار و پانصد
سایر ولایات
آذربایجان از فرار یک در روزنامه

نوشته بودند نواب مستطاب هزاره و الا تباشتمه الیه
صاحب اختیار مملکت آذربایجان در هجدهم شهر
ربیع الاول که روز عید جناب ختمی ماب محمد مختار صلوات
علیه و علی عمرته الاطهار بوده است لوازم و شرایط
این عید سعید را بجا آورده محض مبارکبادی حکم کرده بودند
چند توپ شلیک کرده و در آن روز جمیع کارکنان آن
اعیان و اشراف آذربایجان خدمت نواب مغزی
رسیده و در باره هر یک نوازش و مبارکباد
فرموده بودند

خراسان

چون محاسن خدمات نواب مستطاب هزاره و الا
حاکم سلطه والی مملکت آذربایجان مسوار منظور نظر
انور اعلیحضرت پادشاهی است خاصه اینها ماتی که
این اوقات از نواب مغزی ایبه در روانه کردن قشون
تو پخانه بر تو و هتیه اسباب و ملزومات آنها بطور
رسیده بود در پیشگاه حضورها باین زیاد مستحسن
سپندیده افتاد لهذا محض و وزیر محنت ملوکانه در باب
نواب مغزی ایبه یک ثوب کلیجه زر زمه از طبوس تن
مبارک بسم خلعت بافتن نواب مغزی ایبه عتیا
و ارسال شد

قزوین

چون مراتب خدمت و کاروانی مقرب الخاقان خسرو خان والی حاکم
قزوین مسوار منظور نظر اعلیحضرت پادشاهی است لهذا این توپخانه
نظر بشمول محنت ملوکانه در باره مقرب الخاقان مشار ایبه یک
کلیجه زر زمه از طبوس تن مبارک بسم خلعت بافتن و ارسال شد

اخبار دول خارجه

انگلیس تاریخ کاغذ آخر که ازین ولایت آمد سیزدهم صفر بود مشورتخانه خوانین و وکلای رعایا پای تخت بودند از وسط تابستان مرض شده و دیگر با وطان خود رفته بودند و لکن چون درین روزها مقام عمده برای دولت اتفاق افتاده است دوریند است که حکم بشود که اهل مشورتخانه مزبور زود در پای تخت بیستند

در یکی از روزنامه های این مملکت نوشته اند که سی و یکم کشتی بزرگ در آن ولایت تازه ساخته اند که هنوز دریا نرفته اند حساب کشتیهای مزبور را با این تفصیل نوشته اند کشتی که مرکب صد و بیست توپ دارد شش فوند و صد و چهار توپی سه فوند و ششاد و چهار توپی دو فوند و ششاد توپی دو فوند و هفتاد و شش توپی سه فوند و هفتاد و دو توپی پانزده فوند که جمع همه سی و یک فوند کشتی است و دو هزار و شصت و هفتاد و چهار توپ در آن

بیاض

زانت

چند وقت قبل ازین بعضی از مفسدین این ولایت همچو امپراطور فرانسه را در تاشاخانه بکشند جا کران دیوان ازین مرحد خبر دار گردیدند و در همانوقت که میخواهند داخل تاشاخانه بشوند مقصودین را گرفتند و درین روز دیوانیان آنها را حاضر کرده و در خصوص قصص آنها اجلاس نموده اند شش نفر از اینها را چون قصصشان ثابت شده مستخلص کردند و مابقی را باره اخراج بلد نمودند و بعضی را

اخراج بلد کرده بجائی فرستادند که در آنجا محبوس باشند و بعضی را اسم در محبوس خانه فرانسه محبوس کردند و این مقصودین بیت شش نفر بدست آمده بودند که شش نفر آنها مخصوص مابقی بقاریکه نوشته شده بعضی حبس و بعضی اخراج بلد گردیدند و غیر از اینها هفت نفر دیگر بودند که هنوز آنها بدست دیوانیان نیفتاده اند

درین اوقات امپراطور فرانسه بقصد فائزین بلورفته بود بجهت شکار میشای آن اطراف و حسب العادتی که در آن ولایت دارند المیچان دول خارجه مقیم لندن را خبردار کردند که بشکار آنجا بروند

پورتوقال

از قراریکه در روزنامه نوشته اند دانه میریه پادشاه این مملکت در این روزها فوت شده است و چون کوهک است حسب فراری که در آن ولایت دارند سوه پادشاه مزبور به متصدی امر سلطنت و مملکت داری اولاد میباشند تا وقتی که پسرش بزرگ شده بسن بشوند

پلتر

در روزنامه مملکت پلتر نوشته بودند که مشورتخانه این ولایت تازه در بروشلز پای تخت آنجا جمع شد بود و از جمله فرمایشات پادشاه نسبت بانها این بود که مواصلت این دولت باد دولت استریه که عروس یکی از اقوام امپراطور استریه بجهت پیرم که ولیعهد دولت پلتر است کردید باعث استحکام دولت پلتر گردید است و این فقرات معلوم شد که دول خارجه نسبت بدولت پلتر احترام زیاد معمول داشته اند

۹۷۷

احوال متفرقه

درین روزها از جانب پادشاه اسپانیول وزیر مختاری با صاحب منصبان سفارت باسلامبول آمده است که در دولت عثمانی مقیم باشد و بعد از ورود بحضور سلطان شرفیاب شده و از آنجا بیرون آمده بیدین وزیر اعظم و وزیر دول خارجی ^{قلوب} قلوب

در روزنامه اسلامبول نوشته اند که امسال بارندگی زیاد در مملکت مین شده است و چونکه در انولایت بارندگی بسیار کم اتفاق می افتد چنین بارندگی زیاد از جمله معجزه میدانند و حاصل از هر قسم فزادان آمده بود بطوریکه هر چیز از ماکولات و غیره نصف قیمت سالهای دیگر بفرش میرسید

زوجه لوی فلیپ پادشاه سابق فرانسه که میخواست بمملکت اسپانیول برود و از راه مملکت پیمانت آمده بود و از آنجا بشهر رنوه که کنار مملکت سحر سفید میباشد رفته و کشتی سوار شده از آنجا سلامت بمملکت اسپانیول وارد شده بود

در روزنامه اسلامبول نوشته اند که کشتی تجاری از دولت استرته در لنگرگاه بیوک دره نزدیک باسلامبول بود شب طوفان زیاد شد صاحب کشتی صدای فریاد اشخاصی از سمت دریایا شنید با یک نفر کشتی بان که در کشتی بود در زورق کوچک سوار شده بطرفی که صدای آمد روانه گردیدند شب تاریک بود و امواج بلند و طوفان زیاد و باین طور رفتن تسویش زیاد داشت وقتی که با

که صدای آمد رسیدند دیدند که کشتی کوچک ماهیگیری است که آب کشیده و کم مانده است که فرو برود و پنج نفر در میان بودند که سر ما و آب و ضرب امواج آنها را چنان بجال کردند بود که قدرت حرکت نداشتند هر پنج نفر از زورق سوار گردیدند کشتی خود آورد و طعام گرم با نهاد او به جانان آورد و در آن کشتی ماهیگیری سه نفر دیگر نیز بودند که پیش از آمد زورق مزبور چون دیدند که غرق میشوند خود را میان آب دریا افکنده بودند یکی از آنها شنا کرده خود را بسلامت بکنار رسانده بود و دو نفر غرق شده بودند صبح روز بزرگ کشتی استرته این پنج نفر را که از غرق شدن خلاص کرده بود بقوادل خانه بیوک دره آورده سپرده و خود مراجعت کرده بود و چونکه خلاص کردن مردم از چنین جاهای خطرناک ممدوح و عمل خیر و ثواب است لهذا این گذارش را در روزنامه اسلامبول نوشته اند

ایضا در همین روزنامه های اسلامبول نوشته اند که کشتی بلنگرگاه سلاویک در فضل آخر پانزده سالگی بمشکلت بسبب آب باران که در رودخانه میریزد و مانده بسبب این داخل میگردد و کل دغا که زیاد با آنجانی آورد سهل است بعضی اوقات آب رودخانه بالای آید و بجانهای اطراف خرابی میرساند حال رستم پاشا حاکم آنجا نیز دیگر خبری نماید که آب با آنجا جمع شده داخل بحر محیط بشود و لنگرگاه شهر مزبور نیز از تندجاری شدن آب عمیق تر میشود و در دو جای نزدیک بشهر مزبور چمن و مرداب بود از آنجا نیز بدریا نهر بریده اند که آب آنجا کشیده شده بدریا برود و چمن مزبور خشک بماند هوای بدی که ازین چمن و مرداب جدا میشود

سبب حدوث بعضی امراض میباشند و گمان دارند
که خشک شدن این چمن و مردابها هوای شهر را بسیار
بتر نماید

ایضا در روزنامه اسلامبول نوشته اند در باب امیر عبدالقادر
که مدتی با فغانها در جزیره جنگ کرد و بعد از آن بدست
فرانسه افتاده و در فرانس مجبوس بود و از آنجا مخفی شده
حال در بربروس است نوشته اند که از منزل خود بسیار کم برود
می آید و مشغول تربیت اطفال خود میباشد زبان بسیار صاحب
و اغلب اوقات خود را بطلوع کتب عربیه مصروف دارد درین
اوقات میخوابد مینسبی در نزدیکی بروکس بخرد که در آنجا
مشغولیت خودش کسانی که همراه او هستند باغبان و زراعت
براه بیندازد چون نیک و بد و عنت و ذلت دنیا را بسیار
دیده حال سیر حسته گردیده و بکوشه نشینی و انزوا خویش
دارد و اوقات خود را بتحصیل علوم و تربیت اطفال خود
و مشغولیت بزراعت و غیره مشغول دارد و همیشه رضامندی
زیاد از امپراطور فرانس اظهار مینماید

دیگر نوشته بودند که در آخر پائیز امسال در قزاقیکه طوفان زیاد
سده است چون تردد کشتی در آن سمت زیاده میشود خصوصا از
تجاری که غله از آنجا بار کرده بفرنگستان میفرستند و فرزند
این کشتیها غرق شده است در اسلامبول هنوز نمیدانند
که کدام یک از این کشتیها غرق شده و کدام یک سالم مانده

اعلانات

چون کتاب شرح ابن ابی السجدید بر نهج البلاغه از کتب معتبره
و خاصه است و استناد و اعتماد علماء اعلام در اثبات طریقه حق
برائت و مثل است بر بابت کلامیه و بل فقیهیه و علم اطلاق و مقایسه

عارفین و سیر و تواریخ و رسوم جاهلیت و آداب اعراب و
نکات عربیه و علوم ادبیه و فنون اشعار و خطب و امثال و بافتن
عموم ادب و فنون و فنون ادب و علم کتب بی بدین بسط و تحقیق

نوشته شده است تا این کتاب از جهت طول ذیل و کثرت کلمات
همه کس را بر نمیدارد مگر بخطوط مختلفه و مدتی تمام می چنانچه در در آنجا
طهران که سواد اعظم مالک ایران است بیست و چهار نسخه یافته
انهم همه مغلو و منشوس که هیچ فایده و منفعتی بر آن مترتب نمی گشت
و اینجست عموم طلب و اصحاب سیر و آداب از فواید این کتاب
محرور و بی بهر مانده بودند تا درین اوقات از برکت وجود اقدس
هما یون اعلیحضرت پادشاهی حسن تربیت جناب جلالت ماص
جمعی از اعاظم طالب این نسخه شدند عالیجا میرزا ابراهیم نواب
که از اعیان دارالخلافه و بدایع نکار دولت علیه ایران است بطبع این

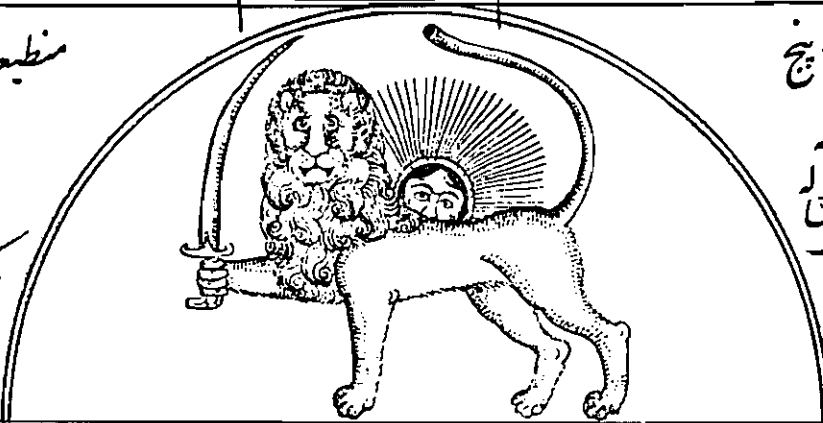
کتاب اقدام نمود و چند نسخه که درین شهر یافت میشد بدست آورد
خود و جمعی از علماء و فضلا بصحیح و تنقیح مشغول گشت و نهایت سعی و کوشش
و بی ملاحظه صرفه بل محض نام نیک و ذکر جمیل اولیای دولت علیه
مخارج کلی و ختم بسیار متحمل گشت و غالباً تاکنون کتابی بی
صحت و تنقیح مطبوع نیفتاده و اسحق عالیجا مشارالیه درین بار
کمال سعی و جهد و جهد را معمول داشته و امیدست که تا بیخ
شش ماه دیگر تمام از دارالطبعا به بیرون آید لازم نموده که این
معنی در روزنامه نوشته شده و بمالک محروم اعلان
کرد

کتابهای چاپی دارالخلافه طهران که در کارخانه حاجی عبدالرحیم چاپ
کتاب حواصیل الامام شیخ محمد حسن که شرح بر تاریخ از معانی الی آخر دیبا
سه جلد نه تومان
شاهنامه چهار تومان و نیم

۹۷۹

روزنامه قایم انفاقیه بتاریخ یوم شنبه نوزدهم ماه ربیع الثانی مطابق سال اول سنه ۱۲۷۰

نزه صد و پنجاه و پنج
قیمت روزنامه
یک ششده و سه برکت
هر تان و چهار هزار



منطبعه دارالخلافه طهران
قیمت اعلانات
یک سطر الاجبار یک هزار و دویست
بیشتر با هر سطر بیشتر

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز شنبه چهارم این ماه اعیان حضرت پادشاهی بجهت تفریح سوار شده به بیرون شهر تشریف فرما گردیدند و چون در این اوقات که اواسط زمستان است هوای دارالخلافه طهران و حول و حوش آن بجلد و سرماهای سابق بسیار خوب و لطیم و مانند ایام بهار میگذرد لهذا خان اقدس هالیون مایل بتفریح امیرآباد و آن اطراف گردیده موکب هالیون تا بانجا تشریف بردند و بگذشت و تفریح آن ساعات و قدرتی توقف در عمارت امیرآباد که جانی باصفا و مطبوع خاطر ملوکک از نزدیک بغروب آفتاب مبارک سلیطه و مقر خلافت عظمی معاد و تفرمودند از جمله حاصل تازه که کاشتن و بعل آوردن آن آبادی این دولت علیه است کاشتن پنبه بنگی دنیا که دو سال قبل ازین حسب الامراء اقدس هالیون گردید که در اطراف و بلوکات دارالخلافه طهران

کاشتن و بعل آوردند در بعضی جاها بسیار خوب بعل آمد و از جمله جانی که کاشتنه بودند و خوب بعل بود یکی در نزدیکی داودیه متعلق بجناب جلالت مآب صدر اعظم که پارسال در آنجا کاشتنه بودند و بسیار خوب بار داده بود و در ور این و بعضی بلوکات اطراف طهران هم از قراریکه مذکور میشود خوب بعل آمده و حاصل بسیار خوب میدهد و زیاد هم کاشتنه و لکن تفصیل حاصل سال بمباشترین روزنامه رسیده است چونکه پنبه از جمله حاصل عمده این ولایت است که هم در خود ممالک محروسه ایران زیاد بمصرف میرسد و هم بخارج ولایات زیاد میزند و بعل آوردن این پنبه خیر و منفعت رعایای این دولت علیه است امید است که در سایر ممالک محروسه نیز که تخم آن پنبه کاشتنه شده است متداول شود و خوب بعل بیاید و تنه کاشتنه که تفصیل کاشتن و برداشت حاصل او را در هر کجا که کاشتنه در برداشته اند بمباشترین روزنامه اعلام نمایند تا معلوم شود که در کجا بهتر بعل آمده است و کدام

۹۸۰

زین مناسبتر است بجهت کاستن او و چگونگی بعل آورده اند
گفته از آنکه این عهد از عهد متعارفی این ولایت زمره و سمرقند
و بهر نازکی پارچه که بخوانند از او خوب بافته میشود در زیاده
آوردن حاصل نیز چهار برابر مقابل عهد متعارفی این ولایت

بار رسید

مدار القون که در بعضی هفتت تفصیل معلین و
آن در روزنامه نوشته میشود بسیار دیر شده و ترقی
کلی از برای شاگردان هرفی افزون نظامیه و غیر حاصل گردید
از جمله درین هفتت شاگردان علم توپخانه را بحضور آمدن
هایون اعلیحضرت پادشاهی بردند در قواعد و قواعد
نظامی توپخانه از مشق و تیراندازی و انداختن خمپاره و
علم هندسه و جغرافیا و سایر علوم که موقوف علیه علم
میباشد در حضور مبارک امتحان گردیده همگی خوب
از عهد بر آمدند و مراتب سعی و استقامات آنها مستحسن
مقبول خاطر هایون افتاده مورد تحسین و نوازش ملوک
گردیدند

چون جناب میرزا محمد حسین صدر دیوانخانه و سفیر مخصوص
علیه در اموریت با بار دولت بنیه رسیده از بدو
امروز زمان مراجعت کمال درستی و خیر خواهی حرکت کرده
در اندیاد اسباب دوستی مابین دولتین طلعت
کمال اهتمام و سعی و جهد بعل آورده خاطر اقدس ملوک
از خود قرین خوشنودی داشته بود و اعلیحضرت پادشاه
خواستند که مراتب التفات و رحمت ملوکانه را نسبت
بنجاب معزی الیه دلیلی واضح قرار بفرمایند لهذا جناب
معزی الیه را بموجب فرمان هایون با عطای لقب نیل

عقد الملکی ممتاز و سرفراز فرمودند بدینوجب خلایق
در ازار لقب مزبور با ایشان مرحمت و عنایت شد

جبه زمره
قای زمره
شال زمره
نوب
نوب
طوقه

و هم چنین عالیجاه داود خان مترجم اول دولت
علیه نیز که لبعل مترجمی اول سفارت با جناب معزی الیه
مامور و من البدوالی انجمن بنیه مشمول خدمات بود او نیز
از اعلیحضرت پادشاهی مستحق مشمول التفات آمده بکطاف
شال زمره اعلی برسم خلعت بجایگاه مشا را به رحمت
و عنایت گردید

و هم چنین بجایگاه میرزا بزرگ منشی سفارت نیز که همراه
جناب معزی الیه بود بکطاف شال زمره خلعت عنایت
و مرحمت گردید که مفتخر و سرفراز باشد

چون عالیجاه نتیجه الامراء العظام سردار سلطان علی خان
پسر جناب امیر الامراء العظام سردار کندیل خان حاکم
قندهار که برکاب فیروزی انتساب هایون آمده بود این روز
اذن انصراف حاصل نموده مراجعت می نمود بملاحظه آنکه
عالیجاه مشا را الیه برای درک فیض شرفیابی حضور ملوک
اعلیحضرت پادشاهی طی مسافت بعیده نموده بود
و مراتب شایستگی او در نظر الملوک هایون زیاد مستحسن
مقبول افتاد و خواستند که عالیجاه مشا را الیه از دربار
هایون خوشدل و سرور مراجعت نمایند لهذا او را بر حسب
فرمان هایون بلقب نیل منظر الدوله لقب شده بشمول
این مرحمت قرین استیانت و اختصاص و از قرار تفصیل
خلعت و انعام بجهت جناب امیر الامراء العظام سردار کندیل خان

و خود نتیجه الامراء العظام سردار سلطان فغلی خان و
همزمان او حجت وار سال شد که بشمول مراحم علیحضرت پادشاه
مستظهر شده خوشدل را حجت نماید

بجته جناب امیر الامراء العظام سردار کندل خان جبهه
پولک و در شش مرصع ثوب

بجته عمده الامراء العظام رحم دل خان جبهه ترمه پولک
ثوب

بجته عمده الامراء العظام هر دل خان جبهه ترمه پولک
ثوب

بجته خود نتیجه الامراء العظام سردار سلطان فغلی خان
وجه نقد انعام پانصد تومان ماه
شش مرصع قضا جبهه ترمه ثوب
شال سرسله دار طاقه

بجته ابراهیم میرزای شاهزاد شاهی انعام
دولت تومان جبهه ترمه ثوب

بجته خوانین جزو دکل و سایر همزمان سردار سلطان فغلی خان
وجه نقد انعام پانصد تومان ماه
جبهه ترمه پنج ثوب جبهه دو سرسله پنج ثوب
جبهه کرمانی ده ثوب شال کرمانی ده طاقه
جبهه ماهوت برنجیره دار ده ثوب

بجته عالیجاه حسن خان جلیوند انعام پنجاه تومان
جبهه کرمانی ثوب

سایر ولایات

ادب با ایچان از فرار نشتجات که درین روزها
از ادب ایچان رسیده است ناخوشی و با که در تریز

چند وقت پیش ازین باز بروز کرده بود درین روزها
بالمزه رفع گردیده است و هوادر آنجا بسیار طایم و نسبت

باقضای فصل چند ان برودتی مانند سایر ایام سابق
نداشته است و میگفته اند که در خوشی کم و بیش ازین

ناخوشی بروز داشته است و لکن هنوز محقق نشده
که اصل داشته باشد یا نه

کردستان

از فرار یک در ضمن روز نامه این ولایت نوشته اند
این روزها ناخوشی آبله در میان اطفال انجاریاد
شدت دارد و بسیاری از اطفال ازین ناخوشی
مف شده اند و کمتر جان سلامت بیرون برده اند
حتی اطفالی هم که در سال گذشته آبله آنها را کرده
بودند باز درین اوقات باین مرض مبتلا شده و فوت
گردیده اند

خراسان

از فرار یک در روز نامه این ولایت نوشته اند ولایت
شاهزاده و الا بتار حاکم سلطنته والی خراسان که سابقا
دولت نفر سواره خوب ممتاز با یک بیدی شیر و خورشید
قبه طلا از جانب دولت علیه بصحابت محمد خان کذبلی در
اما مقبل یک روانه مر و نموده بودند این اوقات نامتعلق
مراحت کوه خبر در و سوار و ریدن بیدی را بنواب محضی
رسانده عرض کرده بود که بر طایفه ساروق میگردد
و بنای تفرقه داشتند بعد از آنکه سواره و بیدی
رسید به احم اولیای دولت علیه امیدوار که تفرقه
و کوچ کردن را موقوف داشتند

اصفهان

از قرائیکه در روزنامه اصفهان نوشته بودند عالیجاه
 چراغعلی خان نایب الحکومه اصفهان در یازدهم
 ربیع الاول جهت نظم و نسق بلوک قبایه بانجا رفته
 میرزا ولینجان را بجان خود کفیل نظم و امنیت شهر کرده بود
 از قرائیکه نوشته بودند عالیجاه مشارالیه در نظم
 شهر کمال مراقبت و اهتمام عمل آورده از هر کس خلاف
 قاعده و بی حسابی ناشی و صادر میشد در صد دفع
 آن برمی آمد است از جمله شخصی در آسیای خف آبا
 منزل گرفته بود که سارقین اسخه و بدستباری او
 را بزنی میکردند و اکل و شرب سارقین از آن
 شخص میبرد عالیجاه میرزا ولینجان بر ائمنی اطلاع
 همان شخص را دستگیر کرده بود و مشارالیه نام و نشان
 جمیع سارقین را بیان کرده بود عالیجاه مشارالیه
 چند نفر سوار مامور کرده و فرستاده است که در
 دستگیر نموده بیاورند
 و همچنین نوشته بودند که مالی از منزل عالیجاه
 صدرالدوله لبرقت برده بودند در چهارم
 ماه مزبور عالیجاه میرزا ولینجان داروغه و کدخد
 محله را حاضر کرده و گفته بود که مال مسروقه را حکما
 از شما میخواهم بنام نیز در صد و پنجاه سارق
 با اسباب سر دوق گرفته نیز عالیجاه مشارالیه
 آورده بودند و اسباب عالیجاه صدرالدوله را
 بعینها و بتمامها از سارق استرداد و بشاریه
 رد کرده بود

یزد

از قرائیکه در روزنامه یزد نوشته بود
 محمد یوسف خان سر قی نایب الحکومه دار الحکومه
 یزد در نظم امور شهر و گرفتن سارقین اسخه و
 کردن عمل وزدی و صرفت تاکید و اهتمام تمام
 دارد و قدغن اکید درین باب عالیجاه میرزا کو
 پیکار و داروغه و کدخدایان محلات نموده است از جمله
 نوشته بودند که شب رفته از دکان صرافان وقت
 کرده بودند و هر چه اسباب در دکان مزبور بوده است
 بغیر از وجه نقد که در دکان نبوده و صرف مسراه
 خود بخانه برده بوده است همه را سرقت کرده و رفته
 بودند صبح آن شب صاحب دکان آمده بدیوان
 عرض کرده بود عالیجاه میرزا کو چک خان فرستاده
 بود داروغه را آورده بودند سارق را از او حکما
 خواسته بود چون سارق پیدا شده بود و آ
 داده بود که صرف مزبور اموال خود را سیاه کرده
 قیمت نماید بقدر شتاد و یک تومان اموال خود را
 و قیمت نموده بود و وجه انرا عالیجاه مشارالیه از خود
 نقد داده و او را روانه کرده بود بعد از آن و در پنج
 تومان از داروغه و کدخدایان محله هر یک
 پنجاه تومان حسب حکم مقرب انجا خان محمد یوسف خان
 التزام گرفته بود که تا بدت بیت روز محلت آنها
 باشد که سارق را با اموال مسروقه بدست
 آورده حاضر نمایند و الا از عهده وجه التزامی که
 داده اند برآید

۹۸۳

اخبار دول خارجه

انگلیس درین روز با بعضی از کشتیها که بجز منجمده بودند بولایت انگلیس مراجعت کرده اند چون سالهای بود که از ولایت انگلیس بعضی دول دیگر فرنگستان کشتیها بجز منجمد میفرستادند که شاید رای در آن دریا پیدا کند که از فرنگستان تا تارستان و چین بروند و لکن تا بحال سبب زیادتی هیچ کشتی از آنجا که بالای قطب شمال گزیده عبور نکرده بود تا در این اوقات خبر از کشتیها آمده است که از دریای مزبور عبور کرده و سبب مغرب امریکا بوده اند چون بیشتر از دو سال است که کشتیها پیدا کردن راه بان دریا میفرستادند حال که کشتی از آنجا عبور کرده است جای فخر و مباهات

فرانس

از جمله اخبارات که در روزنامه دولتی این ولایت نوشته این است که بنا دارند چند فوج ارتش با زرافه فوج مجبران نمایند مانند افواج پیشین مشهور که تفکشان ششوا و بریک یک شمشیر کوتاه نیز دارند لباسشان را بطرح دیگر میبازند و کلاهشان مانند کلاه قزاق روس است

درین روز عمارت وزیر دول خارجه را در پاریس میگردند علمها که در آنجا کار میگردند در میان دیوار عمارت صد و پنجاه هزار فرانک پول فرانس که تخمینا پانزده هزار تومان بول ایران باشد حجت بودند و پول را برداشته اند و بجز آن دیوان بقیه آنها رفتند اما هنوز آنها را دست نیامورده اند

ایضا در روزنامه دولتی این مملکت نوشته اند که سبب و با قلا و ماش و خرد و لویا و هر چه از قسم حیوانات باشد قدغن شده است که از ولایت فرانسه بیرون نبرند تا فصل تابستان سال آینده که دم و جو امسال از انگلیس فرانسه فرستاده اند و لکن سایر حیوانات از فرانسه بولایت انگلیس می آید چون حالا قدغن شده است که این حیوانات از فرانسه بیرون نرود کمان دارند که جزئی تفاوتی در قیمت بعضی از بن بقولات و حیوانات در ولایت انگلیس

بهم برسد

وزیر دول خارجه فرانسه درین اوقات کاغذی چاپی و قولنامه های فرانسه مقیم دول خارجه نوشته است که از عمل مفتدین فرانسه که فرار کرده و پناه بدول خارجه برده اند مستحضر و خبردار باشند سبب اینکه کمان دارند که درین روزها مقصدین با زبانی شورش داشته باشند و سه نفر نزال که اول از جمله چاکران معتبر فرانسه بودند و حالا بر سه در ولایات خارجه میباشند کمان میبندند که خیال بر جسم زدن دولت را داشته باشند و اسم آنها لارسیبر و شنگرنیه و بدانت و از جمله معتبرین بودند

از جمله اشخاصی که درین روزها در فرانسه گرفته و محبوس کرده اند که تحقیق عمل آنها را نمائیند یکی موسیو فودو بود که در ایام جمهوری این دولت وزیر محاسبات بود و کاغذهای او جستجو کردند که بلکه چیزی پیدا نمایند که معلوم بود که با فرارها که اخراج بلد شده اند هم مصلحت بوده است

یا نه چیزی نیافته بودند مگر اینکه معلوم شده بود که پول
 بجهت این فراریها فرستاده بود و در فرستادن پول
 خودش هم الحاکم را دارد و لکن گفته است که هر که خیال
 خیانت بدولت نداشته ام و یکی نیز موسیویست
 که در ایام جمهوری فرانسه وزیر دول خارجه بود و در
 او نیز جستجوی زیاد کرده اند و لکن چیزی پیدا نموده اند
 و سخنانی دیگر آن هم فرستاده اند حتی میان
 و بالمش درخت خوابهارا کا ویده اند که شاید چیزی
 در آنجا پنهان کرده باشند پیدا نمایند میگویند اگر
 مقصود دولت را که حالا محبوس اند جدیدت دیگر
 و التماس زوج امپراطور فرانسه مستخلص خواهند کرد

دیگر در روزنامه فرانسه نوشته اند که امپراطور فرانسه
 روجه اش بنا داشتند که بولایت انگلیس بیدین پادشاه
 انگلیس بروند و لکن هنوز معلوم نبود که چه وقت با
 خواهند رفت

ایطالیا

مابین پادشاه ناپولی و امپراطور فرانسه درین اوقات
 اندک برودتی حاصل شده است بسببیکه درین
 روزها چند نفر از صاحب منصبان بزرگ فرانسه را
 بملکت ساردینیه فرستاده بودند که تماشای مشی کلیم
 قشون آنجا را نمایند مشارالیهم با آنجا رفته و قشونهای
 و محبت از پادشاه ساردینیه و امنای دولت آنجا
 دیده بودند و از آنجا بملکت ناپولی رفته بودند و لکن
 ناپولی آنها را نگذاشته بودند که از کشتی بیرون شده

بروند بهمانه اینکه باید در کراختین با نند چونکه فهمیده بودند
 که نجا بدشتن آنها در کراختین بی سبب و محض عذر و نهان
 و تا مدتی که کراختین آنها تمام بشود مشق کلمه قشون که در آنجا
 جمع کرده اند تمام میشود و قشون را مرض می کنند صابون
 مزبور در آنجا مانده و بولایت فرانسه را محبت کردند
 امپراطور فرانسه ازین مرحله بسیار رنجیده است و با محبت
 که در ناپولی میباشد حکم نوشته است که از امنای دولت
 ناپولی عذرخواهی این مغایرت را در خواست نماید که
 عذرخواهی بکنند و اگر عذرخواهی نکردند ایطالی فرانس
 نماید

در روزنامه آن سمت مملکت ایطالیا که در دست دولت
 استریا است نوشته اند که امنای دولت خبر داشتند که
 بعضی از مفدین اهل آنولایت با زبانی آسوب در آنجا
 داشتند مردم زیاد گرفته و محبوس کرده بودند و
 چاکران دیوان بسیار سی دقت داشتند که بقیته
 مفدین را بدست بیاورند و از آن سمت مملکت ایطالیا
 که در دست پاپاست نوشته اند که غله باز در آنجا
 ترقی کرده بود خصوصاً در شهر فاری و روتنه و در آنجا
 هم جزئی افشاش سبب کراخی غله شده بود

پورتو قال

این دولت یک بلایان و دوازده هزار فرانک که
 تخمیناً دو کرد و دولت هزار تومان پول ابران باشد
 از تجار فرانسه و غیره سبب ساختن راه آهن در مملکت پورتو
 فرض کرده اند و لکن آنها که سر رشته ازین عملها دارند
 میگویند که معلوم نیست که راه افتادن راه آهن در آنولایت

منفعت بکنایه
احوال مفرقه

چند وقت پیش ازین دولت سبکی دنیای سبکی
کشتیها بمت ملک میان که جهان نیز مینامند
درین روزها خبر از آنها آمده است که بانولایت
بودند و سر کرده کشتیهای مزبور با سیصد چهارصد
در آنجا بیرون آمده بود که برود اعتماد نامه خود را باین
آن دولت بدهد اهل میان رسیده بودند که اهل
سبکی دنیای جنگ داشته باشند چهار پنج
هزار نفر شون بیرون آوردند و در مقابل این سیصد
چهار صد نفر گذاشتند و از طرفین تسویس کرده بودند
که مبادا یکدیگر خیانت نمایند و لکن جنگ در میان
نشد بود و اهل آنجا گفته بودند که ایچی در فصل بهار
آینده بیاید جواب نامه خود را بگیرد و ایچی با جمعیتی که
همراه خود داشت بر کشته بکشتی خود آمد و بعد از مراجعت
چند نفر از انامی دولت میان بالای کشتیها آمده و
همان ایچی مزبور شده بودند اهل آن جزیره که کشتی
بخار را دیده بودند بسیار تسویس کردند و تفهید بودند
که کشتی بخار در وقتی که باد مخالف و آب رود رود
جاری باشد چگونه راه میرود مدتی است قریب
سال که سیاح بانولایت زرقه است و لکن از قراریکه
معلوم میشود درین دولت سال اهل این ولایت نه ترقی
کرده اند و نه تنزل بهمان احوال که بودند هستند اکثر سلاح
حرب آنها نیزه است و تیر و کمان دولت سیصد

۹۸۶

فتیله در میان آنها دیده بودند و سی قبضه تفنگ چقا قی
سبکی زرنهای آنجا را که دیده بودند خوش کل نبوده اند
و لکن لطافت داشته اند و بطوری که بنظرمی آمده اند
با عصمت بوده اند

در خصوص جمعیت مملکت چین درین روزها مابین
نوشته اند که جمعیت خود ولایت چین نزدیک سیصد
هشت و هشت میان است و در مالک تابع چین که از
جمله مغول و پنجوی تا تارستان و مملکت بت میباشد
چهل میان جمعیت میداند که کلاً چهار صد میان جنس که
عبارت از شصت صد کرد و ربا شد در زیر حکومت یک
پادشاه است و حساب کرده اند که در هر فرسخ مربع
بیشتر از هزار نفر خلق است و قوئی که دارند از جمله خا
ورده ایف دو کرد و دولت وسی و دو هزار نفرند و
این حساب از نوشتهجات و محاسبات خود دولت
چین نوشته شده است اکثر خلق آنجا در نزدیک رود
سکنی دارند زنهاشان بچهار می آورند و از ایچته
کمان دارند که روز بروز جمعیت آنجا زیاد تر شود

در خصوص پیدا کردن تاج و اسباب سلطنت مملکت
که در روزهاهای سابق نوشته شد درین روزها
باین منوال نوشته اند که قاعده امپراطورهای استر
این است که اول در شهر بوده یا شهر پست جلوس کرده
و تاج سلطنت مملکت مجار را بر میگذازند چونکه در وقت
جلوس امپراطور استر تاج و سایر اسباب سلطنت
مملکت مجار منقود بود امپراطور استر بطور سلاطین سابق

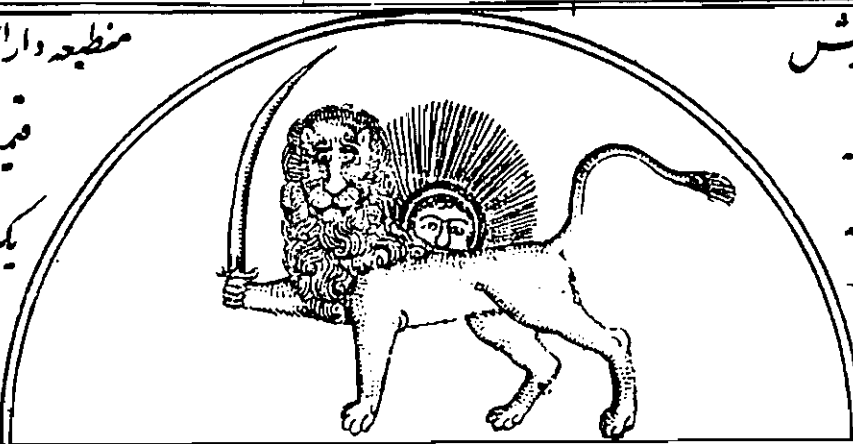
استریه نتوانست جلوس نماید دقتی که کار مجاریها که
 با امپراطور استریه جنگ میکردند که خود را دولتی جداگانه
 نمایند خوشتر کردید خود و سه نفر دیگر این تاج و
 سلطنت مجاری را بر دست و شهر شهر فرار میکردند و آنها را
 همسراه خود میبردند و اینر حله تا وقتی که فرار بجای سرحد
 عثمانیه رسیدند معلوم قشون استریه کردید بعد کمان
 که این تاج و اسباب ایشان از خود بولایت عثمانیه
 دست داده باشند یا همسراه خود برده باشند
 از تحقیق زیاد فهمیدند که خود و آن سه نفر دیگر که این تاج
 و اسباب در نزد آنها بود بیل و کلنگ خریده بودند
 اما چونکه رستان آینده آن سال بسیار سخت شد
 برف چند وقت در زمین ماند بعد از آب شدن برف
 اثر کندن زمین در آنجا مانده بود با بوسه چاکران
 استریه دست نمکشیده بودند و در آن اطراف جستجوی
 زیاد میکردند و در نزدیکی رودخانه دلوب جانی بود
 که شاخه درختهای آنجا بریده شده بود بطوری که معلوم
 بود که بجهت نشان بریده شده است بجهت میزیم یا چیز
 و در نزدیکی آنجا یک سته کلنگ و یک انگشتری طلا پیدا کردند
 و ازین معلوم شد که کسانی که رعیت نموده اند و از حلقه
 بوده اند و آنجا زمین را کده اند بعد از جستجوی زیاد
 تاج و اسباب سلطنت مجاری را در آنجا پیدا کرده
 بودند در تاج مزبور پنجاه و سه قطعه یا قوت کبود و پنجاه
 قطعه یا قوت سرخ و صد دیت و شت دانه مردار پیدا
 و مسکو بند که این تاج را یکی از قیاصه روم بجهت حکمران
 آن ایام مجاری فرستاده بود اهل مملکت مجاری بسیار
 حیرت

این تاج را نگاه میدارند و در وقتی که این تاج بدست
 بزرگه جمهوریه مجاری افتاده بود در حضور خلق یکی از جوانان
 که تاج و اسباب سلطنت را تحویل جمهوریه داده بود گفته بود
 که این تاج مقدس را بشما میدهم و پنجاه پادشاه
 باین تاج جلوس کرده اند اهل دولت جمهوریه چونکه سخت
 پادشاهان را منظور نمیداشتند کلاه از سر بر داشتند
 و لکن خلق صد بلند کردند که کلاه بردارید و لابد شد
 تاج مزبور سرها را برهنه کردند
 در مملکت مصر عباس پاشا حکمران آنجا حکم کرده بود
 که اسباب بیشتر از هشتاد هزار حوزار غله از آنجا بخرند
 بخرند و سبب این حکم این است که احتیاط کرده است که
 مبادا اسباب غله در مملکت مصر کم یاب شود
 بعضی اوقات در شهر پاریس گوشت بسیار گران میشود
 و دو سبب دارد یکی اینکه دیوانیان توجه از گوشت
 در روزها نمیکند و یکراست قضا بهادر شهر پاریس
 با هم مشفق و مسمم عهد میشوند و در میان خودشان نرخ
 میکند از آن گوشت را از آن نرخ کمتر نفروشدند حال
 دیوانیان اذن داده اند که گوشت را در بعضی جاها
 بطور هراج بفروشند پارچه پارچه می بند و هر پارچه را
 بطور هراج میفروشند و این مرحله سبب آمدگی خلق شده است
 از جزیره رودس نوشته اند که دزدان دریای آن سمت باز
 شده بودند و کشتی تجاری را محنت غارت میکردند خصوصاً نزدیک
 جزیره رودس و جزایر ساموس و جزایر یونان
 آن سمت

۹۸۷

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم شنبه بیستم ماه صیغ الی بنظارت سال و دین ۱۲۷۰

نمره صد چنجاه و شش
قیمت روزنامه
یک نسخه شش بریکه
صفتان و چهار مسرا



منطبعة دارالخلافه طهران
قیمت اعلانات
یک سطر الجهار سطر مکرر
بیشتر با هر سطر

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز دوشنبه بیستم این ماه اعلیحضرت پادشاهی بجهت کثرت و تفرج سوار شده به بیرجند تشریف بردند و تا نزد یک عصر بتفرج اطراف دارالخلافه مبارکه مشغول بودند و نزدیک بغروب آفتاب مبارکه مبارکه سلطانی و مقرر سلطنت عظمی در جهت فرموده

از بدو نزاع و لیسین روس و عثمانی دولت علیه ایران هیئت منظر و طالب صلح بین الدولتین العلیین بودند اکنون نیز بجهت تکذیب بعضی شبه تهای بی اصل و بجهت بیغرضی و بی طرفی خود با الصراحه اعلام نماید که بهیچ وجه در هیچ موقع در نزاع و لیسین عثمانی و روسی داخله نخواهد کرد اگر چه بشرایط خرم و مرسم سلطنت مقتضی این بود که دولت علیه ایران بواسطه تدارکات غیر معهود و سرحدات خود را پیش از سایر اوقات مستعد سازد ولی نظر بخاطر جمعی که از صداقت حسن عقیدت دول همچو اینست باین دولت و باالی این مملکت

و نظر باطمینان تازه که متصل در این باب تبویق معینم دارالخلافه میرسد دولت علیه محض ابراز ذلیل تازه از مراتب صفا و صداقت خود نسبت بدول متجاوزه بجهت رفع بعضی تصورات بی معنی که در روزنامه های یومیه مشاهده میشود بر ادضاع سابق سرحدات خود بهیچ وجه نخواهد افزود و کماکان باحوال خویش خواهد گذاشت ازین حسن اعتقاد و از این اعتماد بی نهایت که دولت علیه ایران در حق دول متجاوزه آنها ریمان واضح و معلوم است که این دولت نسبت بهیچک از دول همچو اغرضی ندارد و هرگز بهیچ امری که موجب تشکیک سبب بخششان شود اقدام نخواهد کرد و امیرالامرا عزیز خان اجودان باشی و سردار کل نیز بموجب حکم صحت دولتی بعد از آنکه ملاحظه اجالی از سرحدات خودی بعمل آورد و از انتظام داخله حدود اطمینان حاصل کرد بزودی احتیاج بدار السلطنه تیریر خواهد کرد چون معطلی بمردار راور سرحدات سببی و جتنی باقی نیست مقرر خواهد شد که اگر کار نظم داخله حدود و نظم قشون آذربایجان که سفر

مجال رسیدگی آنها بعلت ناخوشی و بانث بانام برسد
تأشب عید نوروز رسم در استان های یون علیحضرت
شاهی حاضر اید

چون خدمات عالیجا حکیم کاریم حکیم باشی آذربایجان
در نظر اقدس هایون علیحضرت پادشاهی مقبول سخن
افتاده لند درین اوقات یک قطعه نشان سرکشید
از مرتبه اول بجایجا بمشارالیه حجت کردید که آویز پیکر
مفاحرت و مباحات خود نموده بد لکرمی مشغول خدمت
محوله بخود باشد و این اوقات از دربار هایون اذن
مرخصی حاصل نمود که با آذربایجان رفته خدمات محوله
بخود مشغول باشد

چون خدمات عالیجا حبیب صاحب مباشر روزنامه
و مترجم دیوان در نظر اولیای دولت علیه مقبول سخن
افتاده خاصه در اوقات ناخوشی و با که اغلب مردم فرار
کرده و بیسلاقات رفته بود بمشارالیه محض مشرف
خدمت محوله بخود در دارالخلافه مبارک مانده و کار روزنامه
براه برده نگذاشت که علماجات روزنامه متفرق شوند
درین اوقات از جانب سنی ایجاب ملوکانه بطایفه
ترمه کشیری برسم خلعت بجایجا بمشارالیه حجت کردید

و رسم چنین سرز عبداله روزنامه نویس چون در
محوله بخود بود یک طاقه شال کرمانی نیز بمشارالیه خلعت
مرحمت کردید

چون عالیجاه حاجی بابا پیر مرحوم آقا حسین ملک التجا
با دو کوبه از قرار تصدیق کارپردازان که مأموران صفحات

بوده اند در حسن مراقبت خدمتگذاری و اهتمام در لولم
محبت نسبت بوار دین آنولایت که از جانب این دولت
علیه ماموری شده اند نهایت سعی را معمول داشته
لذا خدمات مشارالیه در نظر اولیای دولت علیه سخن
این روزها از جانب سنی ایجاب ملوکانه یک قطعه
شیر و خورشید از مرتبه دویم هنرکی با فرمان
مبارک سجه افتخار او شرف صدور یافته ارسال کردید

از فرار حکمی که از اولیای دولت علیه صادر شده است
فوج از افواج آذربایجانی احضار بدر بارهایون شده
که تأشب عید در دارالخلافه حضور بهم رسانند و رسیدگی
کامل مشق و نظم افواج مزبوره بشود و با آنطور که منظور
هایون است در اد آب مشق کامل مستعد باشند

کپتان زلفی صاحب منصب مهندسی دولت استر که
چند وقت بود که لوگر این دولت علیه بود در روز جمعه
این ماه وفات یافت چون فوت شدن مشارالیه
ناگاه بود و مرض او استادی نکشید و از آنجا که علیحضرت
پادشاهی نسبت بعوم خدمتکاران خاصه آنها که از
ولایات بعیده بعزم خدمتگذاری این دولت علیه
کمال تقصد ملوکانه رامبول دارند لند مقرر فرمودند که کل
اطبای فرنگستان که در دارالخلافه مقیمند بروند و تشخیص
که بچه علت فوت شده و از قراریکه اطبا بعیده بودند از آنجا
ذغال بانقاشی که در وجود او بوده خفته شده بود و موافق
فاده که اطبای فرنگستان دارند استشهاد نوشته

۹۸۹

کتابخانه
کتابخانه

اصفهان

خط گذاشتند و بعد از آن حسب الامر مایون بقاعه نظام
باجال اعزاز و احترام او در قبرستان کلیسای ارامنه
محل دروازه قزوین دفن نمودند

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته بودند چون
امسال بعلت افت سن خوزکی اختلال و پریشانی باحوال
رعایای بلوک لنجان ردی داده بود عالیجاه چراغعلی
نایب الحکومه اصفهان با اتفاق عالیجانان ابوالقاسم خان
سربنک فوج دماوندی و میرزا قاسم خان سربنک
فوج فیروزکوهی و میرزا حسن دیوان بسکی به بلوک مزبور
رفته و باحوال رعایای آنجا رسیدگی کامل نموده و آنها را
بعواطف این دولت قوی شوکت علیه امید واری و کرمی
داده و ضبط و نسو سال نو آنجا را با عالیجاه میرزا فضل
صابط آنجا واکدار کرده و خود بشهرم اجبت نموده اند و
عالیجاه میرزا فضل المدکمال رفتار و حسن سلوک را با
رعایای آنجا ملوک وارد

مونس چارلو طامع علم معاون که نزدیک بیک ماه
بود که ناخوش بود و نوبه غش داشت درین روز ناتوان
شد حسب الحکم مایون بقاعه نظام او را نیز باجال
احرام در همان قبرستان کلیسای ارامنه دفن کردند

چون عالیجاه قاسم خان صاحب جمع در خدمات محوله
نهایت اهتمام بعمل آورده و خدمات او منظور نظر اولیای
دولت علیه گردیده مواری یک قطعه نشان سربنکی از
مرتب اول با انضمام یک رشته خمایل سفید و یک ثوب
جبه ترمه کرمانی اعلی از جانب سی اجواب ملوکانه در حق او
مرحمت و عنایت شده

خراسان

هوای دارالخلافه طهران تا چند روز قبل بحال ملایمت و خوی
میکدشت مانند ایام بهار حتی در بعضی باغات کلهای
زرکس و بنفشه و غیره شکفته بود تا شب دوشنبه شانزدهم
این ماه باریش زیاد آمده و روز دوشنبه نیز متصل بارش
و در کوه سیمران جسم برف آمده تا نصف کوه سفید شد
و صبح روز جمعه ابتدای باریدن برف در دارالخلافه
اطراف آن شد و از آن روز تا بحال اغلب اوقات
برف بارید است که حالیکجا یک برف در زمین است
و هوا بشت برودت بهم رسانده و آبها یخ بسته است
بطوری که کم اتفاق افتاده بود که هوای دارالخلافه طهران
باین سردی بشود

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته بودند آن
ارودی نواب مستطاب شاهزاده و الا بتاجام السلطنه
خراسان خبر رسیده بود که نواب معزی الیه قشون مامور
روان کرده اند و خود ن هم نظر بحال اتمامی که در خدمات دیوان
اعلی دارند قریب بیک منزل قشون پادشاه میراثا تعقیب کرده
تشریف برده اند و بعد حوزمراحت کرده جمعی از سواران
متوقف رکاب را حکم کرده بود که تا سرخس همراه قشون
باشند بعد معاودت نمایند و بعد از آنکه قشون مامور بیک
دومنزل از آق در بند گذار شده بودند جمعیت کلی از برکات
سرخس باستقبال آمده نهایت خدمتگذاری را نسبت
بعشون پادشاهی بعمل آورده اند

سایر ولایات

اجبار و ول خارج

استر در یکی از روزهای وینه پای تخت
این مملکت نوشته اند که پول کاغذی که دیوان قرار داد
که بدست خلق بدهند صد و پنجاه میان فلان است که
تخمیناً شصت گرو پول ایران باشد صد و چهل میان
فلان کاغذ در دست خلق بود و ده میان دیگر هنوز بدست
خلق ن داده بودند و در این اوقات باز پنج میان او را
بخلق داده اند بسبب آنکه درین روزها اخراجات دیوان
زیاد شده بود و یک خرج زیادشان بجهت اردوی اسلحه
بود که قشون زیاد در آنجا جمع کرده بودند و مالیات هم
هنوز از زراعت کاران گرفته بودند و چندین سبب دیگر
بجهت زیاد شدن مخارج دیوان بود و لکن وزیر سخات
کمان میگردد که این پنج میان دیگر پول کاغذ را لازم نشود که
بدست خلق بدهند زیرا که کم کردن قشون اخراجات دولت
کم کرده بودند و مالیات دیوان هم بعد از بغوش میسید
حاصل امسال عاید دیوان می شد

ایتالیای

در روزنامه ماه صفرو لایت ایتالیا نوشته بودند که باز
در بعضی جایهای انولایت بسبب گرانی غله میان خلق
اعتساش شده بود از جمله در شهر طرین پای تخت مملکت
سارونیه خلق در کوه جمع شده بودند و میخواستند بوزیر
داخله آن مملکت خلاف حرمت حرکت نمایند اعیان
شهر نیز جمع شده و باید ادو دولت در زیر می آمدند و میگفتند
که خلق بی سبب این افتاد را می کنند نظام در آورده اند و
گذاشته اند که آشوب زیاد بشود غله که از خارج آنولایت

می آورند جزئی کم کرد داشت این کم کرد را حالا برده اند
که غله و آذوقه فراوان بشود
احوال استمرفه

از قرار روزنامه انگلیس که تاریخ آن در ماه محرم بود
غله در آنجا جزئی ترقی داشت و جزواری دو هزار
زیادتر از قیمت سابق بغوش میسید و لکن در آن
روزها غله زیاد بلدن آورده بودند در انبارهای لندون
هیچ ده هزار خردار کندم و نه هزار خردار آرد کندم داشتند
که بغوش شدند و اکثر آرد کندم از شهر نیویارک یکی دنیا
شمالی آمده بود و یک سبب دیگر در ترقی غله این مرحله
میدانستند که فصل پانزده سال در ولایت انگلیس در
سمت شمال فرانکستان بارندگی زیاد شده بود بطوریکه
زراعت کاران نتوانسته بودند که کندم پانزده را
بکارند

درین روزها ما بن صاحبان کارخانها و معادن و غیره
با عملیات خودشان در ولایت انگلیس شگفتگویی زیاد
شده بود و عملیات مزد خودشان را زیادتر از قرار
سابق بنچو انهند و صاحبان کارخانها و معادن و غیره
مزد زیاد که عملها میخواستند بدهند در شهر برستان که
یکی از شهرهای بزرگ ولایت انگلیس میباشد کارخانها
بسیار کثرت یافته بود و بعد رسی هزار عملیات این کارخانها
بکار ما زده بودند که کم میگردند که صاحبان کارخانها
مزد آنها را زیاد نمایند و صاحبان کارخانها نیز زیادتر
از آنچه سابق معمول بود میدادند بجهت آنها بهین طور
و در شهر دیگرین که معادن آهن و ذغال سنگی و کارخانها

چینه ریاد دارد مابین صاحبان کارخانها و عده جات
 مانند شهرستان این بحث و گفتگو در میان است سهوا
 که درین شهر اعتقاشی نیز درین خصوص شده است چند فقر
 عملجات از جاهای دیگر آمده بودند که بهمان قرار سابق که
 صاحبان کارخانها اجرت میدادند کامیکردند علمهای قدیم
 باین مرحله راضی شده و بنای جنگ و سردست شکن
 علمای تازه را گذاشته و سنگ بدر و چرخه کارخانها
 انداختند و چند در و پنجره نیز شکستند تا نظام بیرون آوردند
 و اعتقاش را خاموش نموده از دحام آنها متفرق
 کردند

در مملکت انگلیس در سراسر دوانی نذر ریاد می بندند
 از جمله درین روزها شخصی از آن قسم است که اسب و
 می کنند خرید و بود و بیت تومان پول ایران در وقت
 گذاشت و بعد از سوتان اسب دوانی کرده در اندک وقت
 بیت هزار پول که تخمینا چهل و پنجاه تومان پول ایران باشد
 برده بود و ازین پول یک هزار تومان بچاکب سوارانعام داد

هر سال است شمال غرگستان کشتیها بجز پنجه بجهت
 ماهی گیری میرودند خصوصا از مملکت انگلیس و آلمان و دینمارک
 و غیره و شکار ماهی بزرگ می کنند بجهت رغبتش که در چرخ
 مصرف مینمایند که شته از تسویش طوفان ایجاد شود
 جنگ این ماهیهای بزرگ که گاهی چنان بزورق میزند که
 زورق می شکند و کشتیها که در زورق هستند غرق می
 قشویهای دیگر نیز دارد از جمله در روزنامه پانزده سال
 نوشته اند که کشتیها که بجز پنجه رفته بودند طوفان ریاد

در آن صفحات دیده بودند و پنج که در فصل تابستان
 می شود که روی دریا کسوده گردیده کشتیها بنکار ماهی
 اسال در حین کشتیها در دریا بودند آب دوباره زودتر
 از سالهای گذشته پنج بسته بود و بعضی از کشتیها در میان
 پنج مانده بودند چونکه اگر رود از پنج خلاص نشوند باید در
 رستان انجامانند و تسویش ملاکت دارند و لکن موافق
 جزاخر که بولایت انگلیس آمده است کشتیها همه از پنج خلاص
 شده و بولایت انگلیس می آمده اند

در باب مردمان وحشی که در بعضی جا بهای روی زمین
 پیدا میشوند در روزهاهای انگلیس که روزنامه اطباء
 نوشته اند که مردمان وحشی که زراعت نمی کنند و خورا
 از هر چیزی است که خود در و بعل می آید قسم به قسم از گیاهان
 استر ایلیا که نباتات خود روی اولایت بقدری میس که
 کفایت خوراک دائمی آنها را نماید بعضی اوقات کرسکی
 ریاد می کنند که از کرسکی تلف میشوند یکی قسم از قیس
 اهل جزایر خط استوا هستند که حاصل زمین آنها بطوریت
 که کم اتفاق می افتد که از کرسکی تلف بشوند و لکن چونکه
 حاصل زمین آنها بی خمت بعل می آید همین قدر است که بکنند
 و بخورند مردمان بی کفایت و بی غیرت هستند یکی هم
 قدیم مملکت سینکی دنیای شمالی هستند که مملکتشان زمین
 سخت است و از جمله ماکولات که از زمین برود در آنجا
 بسیار کم است و اکثر خوراک آنها از گوشت حیوانات است
 که شکار می کنند و طعمی که از نباتات روئیدنی باشد
 بسیار کم میخورند و در آنجا کم یاب است و اینها مانند سباع
 درنده میباشند و فهم و ادراکشان چندان از حیوانات

فرق ندارد پس از هر جهت معلوم است که خداوند عالم نعمت و برکت و کدگان را بگوشش وسیع باز و قرار داد و اگر بنی آدم مانند حیوانات محاسن نماید فهم و ادراکش نیز مانند حیوانات خواهد بود

اهل چین در ساختن مروارید و لعل آوردن آن اختراع کرده اند که بسیار غریب بنظمی آید ماهی صدف را در وقت که زنده است میگیرند و در مکانی که دو صدفش از هم کشوده میشود چیزی از قسم پاره آجر و سنگ بسیار پاره یا پاره آهن در میانش میگذرانند چونکه اینها با همی اذیت میدهند و نمیتوانند که بیرون بکنند بعد از چند وقت در این پاره آجر یا سنگ یا پاره آهن بطور مرواریدی بند حقیقی شکل که یک نیز ساخته و میان صدف گذاشته اند بعد از چند وقت مروارید شده است و چند دانه از این صدفها که در میانشان از این قسم مروارید داشت بملکت نیکو آورده اند

در روزنامه فرانسه نوشته اند که کشتی بخارا تازه برآورد انداخته اند که ما بین شهر تیلز و شهر اسلامبول نزدیک است و بسیار زیاده است بطوری که راه ما بین شهرهای فرورداد پنج روز طی کرده بود و در حاجت از شهر همین بنده که در مملکت سینیپا میگذرد

در روزنامه استرلینگ مملکت مالند نوشته اند که شخصی غلام سیاه در مملکت برآریل الماسی بسته بود بسیار گرانها که ایچلی مملکت مالند مقیم برآریل الماس فرورداد است و هزار تومان پول ایران خریده بود

در روزنامه مملکت ناروی نوشته بودند که دبا که در بعضی از

شهرهای آن است بود کم مانده بود که تمام بشود از جمله در شهر استاکهولم درین دبا چهار هزار و چهار صد و سیصد و پنجاه و ازین ناخوشی گرفته بودند و در هزار و ششصد و سیصد و سیصد مرده بودند و یک هزار و ششصد و پنجاه و هفت نفر خوب شده بودند و صد و سی و سه نفر باز ناخوش بودند جمعیت این شهر تخمیناً صد و بیست هزار نفر خلوق میباشدند

در باب قاعده نگارداشتن غلام و کنیز سیاه و جزیره کوچه دولت انگلیس بدولت اسپانول تکلف کرده اند که این قاعده را رفته رفته بتدریج موقوف نمایند و بنیاد است که سیاهها را که از مغرب زمین با انجامی آورند بعد از دو سال آزاد نمایند بعضی از اهل سبکی دنیای شمالی که قانون نگارداشتن غلام و کنیز سیاه در میانشان متداول است همانند این عمل را می کنند زیرا که می ترسند که اگر آزاد در جزیره کوچه قرار بگیرد کار ولایت خودشان بپوشش شود و نگارداشتن غلام و کنیز در آنجا موقوف باشد درین خصوص ایچلی سبکی دنیای شمالی که بملکت اسپانول رفته با امتنای آن دولت گفتگو خواهد کرد

در روزنامه بگلورمندوستان نوشته بودند که یکی از صاحب مضبان انگلیس کبوهایی نیلگری بشکار رفته بود در شکارگاه نهار میخورد که خبر آوردند که فبسی درین نزدیکی است آن شخص رفته است تیر بغیل انداخت و لکن فیل این تیر با نیفا و حمله بشکارچی آورده با در سید و او را بخرطوم گرفته بر زمین زد و بعد از آن بزیر دست و پای خود دراز

خورد نمود

۹۹۳

انالی بعضی از شهرهای انگلیس عیقه بلار و پارستس و زیر
 داخله انولایت نوشته بودند که یک روزی را بجهت روز
 و عبادت و پریشمین نماید که در آن روز مردم بلوایم عبادت
 پروازند که خداوند عالم بگله بلیه و بار از ولایت انگلیس زلف
 لار و پارستس خود را درین طلب و خیل کرد و لکن در بعضی
 شهرها خود انالی آنجا با در میان خودشان روزی را بجهت
 و عبادت و پریشمین کرده اند

درین اوقات کشتی از مملکت انگلیس با ستر ایلیا میرفت و چنانچه
 چلیک بار و در میانش بود وقتی که نزدیک با نولایت رسید
 ناگاه کشتی مزبور آتش گرفت اهل کشتی چون میدانستند که با
 در میان کشتی است خود را بتجهیل بزور قها انداخته فرار کردند
 بعد از اندک مدتی آتش بیار و ط افتاده و کشتی را پارچه پارچه
 کرد کشتی دیگر که در آن نزدیکی بود آمده اهل کشتی سوخته
 صاحب آن کشتی از زور قها در آورده بمیان کشتی خود جای
 داد و سلامت بساحل رساند

رتنی در مملکت فرانسه بطور غریب دیوانه شده است و
 کرده بود که تقدیر کناه کرده است که اگر سخا بد از آتش آفر
 خلاصی یا بد ممکن نخواهد بود مگر اینکه خود را در آتش دنیا بسوزاند
 چند بار خواسته بود که خودش را بسوزاند مردم مانع شده
 مگذاشته بودند تا وقتی که کسی در نزد او نبود مجال کرده بود
 که نام در آن می بختند مینرم خشک زیاد در میان آن بخت
 و آتش زده بمیانش رفت بود وقتی که نیم سوخته شده بود
 مردم خبردار شده آمدند و او را از میان آتش در آورند
 اما بعد از اندک مدت فوت شد

در روزنامه سینکی دنیا در خصوص تب زرد نوشته اند که در

که در یکی از قصبهای سمت نیوار لیانس که چهار هزار نفر
 داشت هزار و ششصد نفر ازین ناخوشی گرفته بودند و چنانچه
 نفر مرده بودند و این بحال شدت این ناخوشی است در قصبه مزبور

در جنگلهای سمت جنوب امریکای شمالی بعضی اوقات آتش
 می افتد درین روزها آتش افتاده و یک ولایت را بجلی
 بود جنگل و فی زار و خانههای اهل آن سوخته همه در میان آتش
 سوخته بود و در بعضی راههای آهن که در آنولایت ساخته اند
 تردد ممکن نشده بود بجهت زیادتی آتش و افتادن درختها
 و سوختن آنها

ایضا در یکی از روزنامههای این ولایت نوشته اند که جناب
 غریبی در باب مقصرین که بجهت تعصیرین مجوس همیاند کرده اند
 چونکه بعضی اوقات ازین مقصرین می گریختند و بدست ایشان
 مشکل بود فرار داده اند که بزرگ مجوس خانها رنگی سیاه که
 بستن پاک نشود بدماغ مقصرین باله که اگر بگریزند با
 نشان آنها را بتوان پیدا کرد و این رنگ زایل نمیشود
 مگر بتدریج تا مدت سی چهل روز فرار کرده اند که
 بعد از آنکه مدت مجوسی هر یک ازین مقصرین نزدیک
 با تمام شد دیگر دماغ او را سیاه نگنند تا بتدریج رنگ
 اصلی خود معاودت نماید

در روزنامه مندوستان نوشته اند که کلان داشتند
 از گرفتن مروری مالیات زیاد عاید دیوان بشود زیرا که
 بسیار مردم مشغول این کار بودند و این مالیات که ازین مردم
 میکینند فرار کرده اند که خرج ساختن راهها و سایر اعمال
 آبادی ولایت نماید

شخصی در شهر باستان بسکی و نیایک فرودستی ساخته
که جای دوازده هزار خود از بوزن شت عباسی با کبر
دارد و گویا کشتی باین بزرگی تا این روزها ساخته
شده باشد

شخصی از طایفه انگلیس جزیری نوشته است در خصوص
دوستی و نوشته است که دوستی مانند کاسه حسنی
بسیار اعلی است اگر از شدت گرمی یا ضرب یا قضا یا
انفایه تبر که دیگر مصرف ندارد و شکستن آن بهتر است
و هر چه این ظرف خوش کلمه و لطیف تر باشد تمیز کردن
آن مشکلتر است سنگهای بی قیمت معارفی اگر شکسته شود
بهر یک می توان چسباند و لکن سنگهای جواهر آلات را
دیگر هم نمیتوان چسباند

شخصی در مملکت انگلیس زنبور عسل بسیار نگاه داشته بود و دید
که زنبور مار و زنبور کتر می شوند و سبب از این است
چونکه معلوم بود که چیزی میان سبب زنبور زفته بود و چونکه
بسیار کم شد و هم صرف کرده بودند آنها را سردا
بعد دید که سبب های دیگر نیز زنبورشان کم میشود بنا
کشیک کشیدن گذاشت و چند شب و روز مراقب بود
که شاید سبب کم شدن زنبور مار را بفهمد تا آخر
یک غوک سیاه نزدیک سبب زنبور مار دید او را گرفته
و کشت در شکم او شت عدد زنبور عسل پیدا کرده بود
و در نزدیک سبب ها غوکهای دیگر بسته بود همه را کشته
و دیگر زنبور مار کم نشد بود

ساز کاخچه در فرنگستان بعضی اوقات قیمت زیاد
دارد خصوصاً اگر کهنه باشد چونکه از چوب میترا زنده

کهنه تر باشد بهتر است درین روزها شخصی ازین کاخچهها
بزرگ قدیم داشت که از کسی که مرده بود با دارش رسیده
بود تا یک روز کسی که سر رشته این ساز را داشت این
کاخچه را دید بخانه خود برد و زنه بر روی او کشید و لوایت
فهمید که از کاخچههای قدیم است و قیمت زیاد دارد اما حال
قیمت او را بد و هزار تومان رسانده اند که پول میدهد
و صاحبش نمیرودیشد و این کاخچه مال موسی بود و دید
از اهل فرانسه که در علم موزیکان مشهور است و این مطلب را
در روزنامه فرانسه چاپ زده اند

دیگر در روزنامه فرانسه نوشته اند که قشون بجزی در کشتیها
فرانسه که در لنگرگاه شهر بوزن بودند حکم شده بود که
محیط اطلس تک حرکت نمایند اما بجهت وزیدن باد مخالف
چند روز بود که معطل بودند و لکن جمیع تدارکات آنها تمام
بود که هر وقت باد برآمد بوزن روانه شوند

انواع تدریسات دزدان در عمل سرعت مشهور است از جمله
نوشته اند که درین اوقات در فرانسه دسته از دزدان
چند کجشک در قفس کرده بدکان شخصی که اسباب تحفه
در دکان خود چیده بود رفته و در قفس را در آنجا کتوده
بودند و کجشکها از قفس سپردن آمده بدکان زنبور عسل
گرویده بودند و دزدان به بهانه اینکه کجشکها را جمع نمایند
بطاری و چابک دستی هر چه بدشان آمده بود قفس
کرده بودند تا آخر صاحب دکان فهمیده و نظام ضبط را
که پولیس می نامند خبردار کرده و آنها را اگر نتوانستند
و بعد از تحقیق بسیاری ازین طرار مارا گرفته و محبس
دیوانی محبس کرده اند

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم شنبه چهارم ماه جمادی الاول مطابق سال اوایل ۱۲۷۰

نزد صد و پنجاه هفت

قیمت روزنامه

یک ششده سکه

و نوزده چهار هزار



منطقه دارالخلافه طهران

قیمت اعلانات

یک سطر الاجاره سطر یکروز

بسیار بهر سطر

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز چهارشنبه هفتم گذشته اعلیحضرت پادشاه عزیمت تفرج و شکار در دوشان پنه فرموده سوار شنبه و تا نحو الی عصر در آن اطراف تفرج و شکار مشغول بود و نزدیک بیزد با قناب مبارک که سلطانی و مقرف خلاف عظمی مراجعت فرمودند

از فراری که بعضی اولیای دولت علیه رسید بعضی از رفتن بدیو استخانه مبارک که از برای تحقیق و عوررسی و اجرای حکم بعد تقاعد و استکفاف دارند و بجهت ملاحظه احترام و اعتباری که در وجود خود ینماینه کویا کسب کرده و با طرف مدعی در دیو استخانه مبارک حاضر میشوند و بعد از تحقیق و عوررسی حکم بعدل جاری کرده و بکنند استه اند که احترام و اعتبار آن اشخاص منوط به اطاعت حکم اولیای دولت علیه است و دیو استخانه مبارک مکانی است که احکام دولتی در آنجا جاری میگردد و حکایت از الفاظ مبارک اعلیحضرت شاهنشاهی ینماینه آمده درین تاریخ حکم های جنین شرف صد دریافت

که اگر من بعد مغرب و استخافان نائب الصدور و میرزا زان سا بر امنای دیو استخانه مبارک که کسی را اعم از اعلی و ادانی حتی شاهزادگان احضار بدیو استخانه مبارک نماید و آن شخص بکتر نماید و تقاعد و استکفاف از او ملاحظه شود او تا دو عشر وجه ادعائی را که مدعی بر آن شخص دارد و حکایت از او گرفته در دیو استخانه مبارک منبسط نمایند که بهر طور مصرف که لازم شود برسد ثانیاً آن شخص را که تقاعد از اطاعت حکم کرده و ابروی خود را برده است طوعاً و کرهاً اگر چه بفضاحت باشد بدیو استخانه مبارک حاضر خواهند کرد که بعد از عوررسی حکم عدالت را در باره او جاری کنند و حسب الامر مقرر گردید که یک عدد پرده موشچ تمثال هایون در دیو استخانه مبارک منسوب گردد و پرده دریده آن حایل شود که هر وقت امنای دیو استخانه مبارک حضور بهم رسانند مدعی و مدعی علیه نیز حاضر شوند و تحقیق مطلب شده و بخواهند حکم عدالت را جاری سازند آن پرده را از روی تمثال هایون برکنار دارند و در حضور تمثال هایون که کجی از وجود هایون است حکم عدالت جاری شود

بعضی اشخاص بیایه میان تو کر باب دیوانی ملاحظه میشود
 که باطنیان موجب که از دیوان اعلی دارند میروند و از
 تجار و تبه دول خارج میوی و چهار سازی میوی
 حوشان بلکه بیشتر کاری می کنند موعده منقضی میشود
 صاحب طلب در کمال ابرام مطالبه پول خود یا با صراحت نام
 جس آن شخص را درخواست نماید و نظر مبصا بن عمده
 و ملاحظه اتحاد و یگانگی فیما بین دولت علیه ایران و دول متجا
 لازم می آید که غایت سعی در وصول مطالبات آنها علی
 اگر ممکن الوصول نباشد باید آنها را حبس نمود و بالمهره
 و شان دولت را از اعتبار انداخت و علاوه نوکر تومی
 و صاحب منصب دولت را ضایع و بی آبرو نمود لهدا
 معر آید که احدی از نوکر باب زیاده از دو تومان و چهار
 بابت دول خارج نیسه کاری نماید که اگر من بعد ملاحظه
 که با کسی نیسه کاری کرده است اولاً تنگ بهزدی
 این دولت محسب نمیشود ثانیاً آن نوکر علی الفور از نوکر
 معزول میشود زیرا که حبس و قید نوکر های دیوانی خلاف
 شان دولت و مایه بدنامی است اما اشجار و کسبه و
 سایر رعایای این دولت که سمت نوکری دیوان را ندارند
 ازین عمل حکم مستثنی خواهند بود هر قدر و با هر کس که بخوا
 نیسه کاری و معامله نماید و اولیای دولت علیه ایران
 زیاد خوشحال هستند که براد و دوست و موافقین خواهند بود

عایجه و اگر پولات محکم علم طب و جراحی و درواری الفنون
 که و ایم الاوقات در سر خدمت است و در انجام خدمات
 محوله بخوبی کمال مراقبت و اهتمام را معمول دارد درین روز
 کتابی در تشریح بدن انسان با اشکال نوشته و مشغول

چاپ زدن آن میباشند و انشا الله تعالی نوز
 از چاپ خانه بیرون می آید و چون در نهایت تحقیق و دقیق
 نوشته شده است امیدست که بسیار بکار اهلها و جوا
 این دولت علیه بیاید

چنانکه در مقدمه گذشته نوشته شده است درین روزها
 هوای دارالخلافه طران نهایت برودت را بهم رسانده است
 بطوریکه کتسها هوای طران باین طور سرد شده بود
 اگر چه در اطراف دارالخلافه چندان برنیست و لکن از فرا
 تعبیر چاپاران و متردین در راهها برف زیاد است
 با اینکه از بعضی بلوکات و سایر ولایات سبب است
 برف و بسته شدن راهها از وقت و ماکولات و غیره بطران
 کم می آید و لکن از حسن مراقبت و تدبیر در رسیدگی امنای دولت
 علیه در ماکولات و غیره چندان ترقی بهم نرسیده است
 و همه چیز فراوان و ارزان است

چون درین اوقات بجهت بارندگی و برف و سرما افواج
 قاهره را مقصد درمیت که همه روزه مثل سابق مشق میکنند
 لهندا سرگردگان و صاحب منصبان نظام هر روز با نظام
 نظام حاضر میشوند و اولیای دولت را عقلت از رسیدگی
 با نظام امر آنهاست

چون رنستان امسال هوای دارالخلافه طران بدست
 و هر کس را که اعلی حضرت شاهنشاهی مخصوصاً خرقه رحمت
 باشد قرار نیست که بتواند خرقه بپوشد و بسلام حضور
 جایون حاضر شود لهندا محض کمال رحمت و التفات ملوکات
 نسبت بنوابش برآورد و الا بتبار و زیندون میرزا فرمانفرما
 بکثوب خرقه ترمه خرقه طپوس نین مبارک را رحمت و التفات

۹۹۷

فرمودند که ما ذون پوشیدن خرقه باشند
 چون امیرزاده عبدالباقی میرزا پسر نواب شاهزاده و اب
 مؤید الدوله طلاس میرزا حکم ان فارس در غیاب
 نواب معزی الیه در مراقبت امور شهر اربکمال اتمام
 نمودند و اب حسن خدمت و فطریات و شایستگی
 امیرزاده معزی الیه در خاکپای مبارک زیاده
 و مقبول افتاد لهذا خلعت مهر طلعت و فرمان هایون
 القباآت امیر بافتخار امیرزاده معزی الیه صادر و
 فرمودند

عالمجاه ملا اکرم مستوفی هرات که از قبل سید محمد خان
 ظهیر الدوله حاکم هرات چند برس اسب برسم پیشکش
 حضور مایون اعلی حضرت پادشاهی آورده بود و ارد
 شده عریضه حضور مایون را با اسبهای پیشکشی رسان
 و خودش شرفیاب خاکپای مبارک شده مورد
 نوازش و رحمت ملوکانه کرد

سایر ولایات

اور با ایجان از قرار یک در روزنامه این ولایت
 نوشته بودند امیر الامراء العظام سه دار کل دو فوج
 ناصریه و بهادران را مرخص خانه نموده و قرارداد آن
 که در ارتکات لازم خود را دیده و بنیاد آماده باشند که
 اگر در ثانی حکم احضار آنها برسد معطلی در تدارکات
 خود نداشته باشند

دیگر نوشته بودند که ضعف سارق از اگر اد محمد خان
 دستگیر شد که از خانه های مردم مس و سباب بسیار
 مخلفات بسیار دزدیده بود و کیفیت بعضی نواب شاهزاده

والا تبار حشمت الدوله رسیده حکم کردند که ضعف
 مزبور را با اسبها مسروق بدرب خانه آورده در ظاهر
 گذاشتند و صاحبان اموال با استحضار که خدای مجله
 هر یک آمد نشان اسباب و اموال خود را داده باز
 نمودند و بعضی از ان اسباب نیز هنوز باقی است تا
 صاحبان آنها نیز آمد نشان مال خود را داده بگیرند
 بعد از آن حکم آن سارق را بفرمایند

فارس

از قرار یک در روزنامه این ولایت نوشته اند قافل
 بند را بوشهر بشیر از می آمده اند قلیل خواهی از آنها در
 راه سرفقت کرده بودند و سارق بر اهل قافله متحصن نبود
 مراتب بعضی نواب مؤید الدوله رسیده حکم نمودند و
 محصل کما شتند که تنخواه مسروق را با سارق از ان
 سامان که سرفقت شده است امالی آن سامان حکما به
 محصل و مباشرین آن سامان بعد از تفحص و جستجو سرخ
 دزد و تنخواه را در قریه دار بجان من محال بلوک سنج کرد
 بودند محصل با تنخواه رفته بود اهل آنجا خیرگی کرده و دزدان
 فرار داده بودند مراتب در ثانی بعضی نواب مؤید الدوله
 رسیده حکم نمودند که سر باز برود و آن مقصرین رسات
 نماید که دیگر بعد ازین کسی در آنجا مرکب اینگونه جرات
 نشود و با دزدان همدستی و شراکت نکنند

دیگر نوشته بودند که حو این و ضباط دشتان و
 کله دار و این اوقات خدمت نواب شاهزاده مؤید الدوله
 شرفیاب گردیده مورد القباآت شدند

اصفهان

از فرار یک در روز نامه این ولایت نوشته اند مقرب استخافان
 عبداله خان صارم الدوله که با فوج حب الامر با یون با
 خدمت فارس بود و در و در و باصفهان عالیجاه چرخ غلبان
 نایب الحکومه اصفهان لوازم استقبال و احترام از مقرب استخافان
 مشارالیه و سرپازان او بعین آورده و سبب است او را
 توقف آنها را در اصفهان کار سازی نموده و علاوه بر
 سیاحت از خود نیز تعارف و مخارجی نموده و کمال ^{مشکلات} کمال
 بعمل آورده است

دیگر نوشته بودند که افواج دیما و ندنی و سیر و ز کوهی متوقف
 اصفهان در نهایت نظم حرکت بنمایند و مسرنگان
 آنها کمال مراقبت و مواظبت در شق و انتظام امر آنها داشتند
 و هر روزه در میدان نقش جهان اصفهان آنها را حاضر
 کرده مشق میدهند و بسیار کم و بندرت خلاف
 قاعده ازین دو فوج سر میزنند و اگر احوال از بیانی
 آنها خلاف حسابی سرزده باشد فوراً سرنگ او
 در مقام تحقیق و مواخذة برآید و او را تنبیه کامل نظر
 میکنند و ازین رهگذر هم عالیجاه چرخ غلبان
 نایب الحکومه هم عموم االی اصفهان منتهای رعایت
 ارحم سبک و در رفتار آنها دارند

خلخال

از فرار یک در روز نامه این ولایت نوشته اند نواب
 شاهزاده عباسعلی میرزا حاکم اسجاده در نظم امور
 آن ولایت و آسودگی رعایای اسجاده انتظام امور
 دشواری و رفاه حال عابرین و متردین کمال برآید

دارد از جمله نوشته بودند که علیه صفای نامی مکاری
 خدمت نواب مغزی لیس آمده عرض نموده بود که
 مبلغی از نقد جنس مسرا و داشتیم در راه باز
 از اگر ادر بر سر من ریخته و مر الحخت کرده اموال مرا برده
 نواب مغزی لیس نیز بعد از اطلاع بر آن جنسی فوراً
 چند نفر آدم تعیین کرده فرستادند اما فرستاده را
 پیدا کرده و گرفت با اموال سر و قویعینها بنزد
 مغزی لیس آوردند اموال مشارالیه را تمام و کمال
 از سارقین گرفته بخودش رد کردند و بعد از آن
 سارقین را تنبیه کامل بجزا نمودند که بعد ازین
 مرکب سرفت و راهزنی نشوند و عابرین و متردین
 از آن راهها بغراعت و آسودگی بی تشویش و زود
 قطاع الطریق عبور و مرور نمایند

دیگر نوشته بودند که چند یوم قبل ازین از هر طرف
 از اطراف خلخال سیلهای زیاد برخاسته بود
 چون ایام رشتان بود و عبور و مرور و آمد و رفت
 نبوده و معابر خالی بوده است لهذا یکی سبب
 و اذیتی نرسیده بوده است که یک طفل هفت ساله
 که در حوالی رودخانه قزل اوزن بوده است سیل
 او را برودخانه انداخته و پیش کرده تا نیم فرسخ
 برده در حوالی دهی که موسوم بزره است کنار
 انداخته بود که آنها هم زنده بوده است
 از معاصج خوب گردیده و الان صحیح و سالم است
 و عیب و نقصی نگردیده است

خراسان

از قرار یک روز و نام این ولایت نوشته بودند چون
 ماموره بر و چنانچه در روزنامه سابق نوشته شد در
 که از آق در بند گذشته بودند جمعیت کلی از ترکانان سر
 با استقبال آمده و نهایت خدمتگداری را بقشون پادشاه
 بعل آورده بودند از جمله پسر اراض خان و پسر ضو
 و رحمن قلی بیک و سفک که از معارف که حسن
 هستند سواره خود را برداشته همه جا همراه اردو
 بوده اند و در اباکال نظم و خوبی از سر حسن

گذرانیده اند و همه جا از میان مال و ایل سر حسن
 میرفته اند و احدی متعرض کسی نبوده است ترکانان
 سر حسن بسیار خوشوقت بوده اند و زیاده از حد
 کرده اند و دولت نرسوار ترکان سر حسن تا
 همراه اردو رفت و کمال خدمت گذاری نمودند

دیگر نوشته بودند که درین اوقات قافله زیاد از
 و کرمان دارد ارض آندس شده اند و از اغلب
 منازل عرض راه زیاده از حد تفریف و انهار خوش
 میکردند و قافله کلی هم از بهرات وارد شده اند
 و همچنین قافله زیاد هم از سر حسن آمده و مذکور است
 بودند که این روزها قافله از بخارا نیز خواهند آمد
 راه میباشد

دیگر نوشته بودند ترکانان طرینی که چند قبیل
 آدم عالیجاه سلیمانخان دره خیزی باقی در بند
 نواب هزاره و الامت حاکم سلطنته و الی حیران

رفته بودند در ۲۹ ربیع الاول وارد آق در بند شده
 خدمت نواب معزی الیه رسیده بودند نواب شازده
 حکمی بجایگاه میرزا موسی نوشته بودند که بعد از ورود
 بشهر از جانب نواب معزی الیه فراخوز هر یک غلبت
 و اخراجات آنها را هم بدید عالیجاه مشارالیه هم
 در حق یکی یک طاقه شال کرمانی و در حق دیگری یک شوب
 جیه کرمانی و سایرین هر یک یک شوب ختیه ماهوت
 داده و اخراجات آنها را نیز تقاری که نواب معزی الیه
 حکم کرده بودند رسانید بود

از قرار یک نوشته بودند عالیجاه میرزا موسی مستوفی
 پیشکار خراسان در غیاب نواب شازده کمال مرآت
 و اهتمام در نظم شهر دارد و از هر کس خلاف قاعده
 و بیجایی صادر شود برب حکم نواب شازده و ادنی
 که از نواب معزی الیه دارد در مقام رفع آن بر می آید
 و در نظم قراول خانها نهایت اهتمام را دارد از جمله
 قدغن کرده است که طبل سه را در ساعت چهار بزنند
 بعد از آن هر کس عبور و مرور کند اگر از مخمرین و معتبرین
 باشد و فانوس داشته باشد متعرض نشوند و اگر از اجهال
 و او باش باشد بکینند و نکند

دیگر نوشته بودند جماعت قصاب قحیت گوشت را زیاده از
 معمول بوده است کران کرده بودند عالیجاه میرزا موسی مطلع شده
 قدغن کرده بود که زیاده از قیمت معموله سابق نفروشدند و از
 که خدای قصابان که این عمل را محض منفعت خود کرده بود
 تمیسه کامل بعل آورده و از جمیع قصابان التزام گرفته بود که
 بعد ازین گوشت را کران نفروشند

احوال متفرقه

از جمله اعتقاد غریب در باب ستاره و بنال دار که چند وقت پیش ازین پیدا شده در روزنامه سینکی و نوشته اند که بقدر پانصد نفر از غلام کهنه سیاه در آنجا جمع شده بودند و اعتقادشان این بود که این ستاره اوضاع کره زمین را برهم میزند و زمین را بالمره خراب می کند و آنها که در وقت بر مسجور و کی این ازین ستاره مشغول عبادت باشند جفا و دفعه داخل بهشت خواهند شد و آنها که مشغول عبادت نیستند همراه کره زمین خواهند سوخت چونکه این اشخاص جمع بودند و قیل و قال زیاد میکردند چاکران دیوان رفتند و مشت نفر از آنها را گرفتند مابقی که بقیه کشته کردند و آن مشت نفر را گرفته بودند تپیه نمودند

یکی از آن اسبها را بچهل و پنجاه فرانک که چهار هزار و پانصد تومان پول ایران باشد فروخته است و اسبی دیگر را سی و یک هزار و صد فرانک که سه هزار و صد و ده تومان پول ایران باشد فروخته است و اسبهای دیگر را نیز که مانند این دو اسب مشهور نبودند باز قیمت اعلی خریده اند

در روزنامه سینکی وینا نوشته اند که کاسته نام شخصی فراریهای مجار که در خصوص او مابین دولتین استریه و یونان جنگی و نیای شمالی انگلیسی شده بود درین اوقات در راه بود که دو باره یونکی و نیای شمالی برود و مردم شهر باستان یونکی و نیای شمالی بنا داشته اند که در و رود شخص مزبور رجعت او را صیافت نمایند

ایضا در روزنامه مزبور نوشته اند که در جای دیگر سینکی و نیای تازه باز طلا پیدا شده است مردم وحشی آن ولایت این طلا را پیدا کرده اند و فهمیده اند که چقدر قیمت دارد و این طلا بجهت تفکهای خود بکلور ریخته بودند درین اوقات یک نفر سیاح آبخاز رفته و دیده بود حال بنا دارند که آبخاز با آنجا روانه نمایند که این طلا را جمع میکنند و در آن یک معدن نقره و مس نیز پیدا کرده اند

در اکثر مالک فرانکستان طایفه جهود نمیتوانند ملک خود را در ولایت صاحب الملک بشوند اما در بعضی مالک استریه تا چند وقت پیش ازین این اذن را داشتند بعد موقوف شد حال جهودان آن ولایت عرضیه با پسر اطوار استریه نوشتند که اذن با آنها داده شود که مانند سایر رعایای آن ولایت املاک بخرند و بفروشند و لکن هنوز جواب عرضیه آنها از

از جمله داخل عمده مملکت انگلیس معادن ذغال سنگی است درین اوقات جمعیتی که راه آهن ساخته اند معادن ذغال سنگی را از یکی از خوانین آنجا بمبلغ صد هزار تومان پول ایران اجاره کرده اند

در مملکت استریه بخلاف اکثر مالک فرانکستان و رسال گذشته حاصل غله فراوان آمده بود حتی از ویوان اذن داده بودند که از بعضی ممرحات آنجا غله بخارج اگر بفرستند کسی مانع نشود

اسب دوانی که سابقا در ولایت فرانسه متداول بود درین لهامانند ولایت انگلیس کم کم متداول گردیده است و یکی از خوانین آنجا که اسبهای پر دو برای اسب دو داشت درین روزها اسبهای اورا بقیمت اعلی خریده اند

۱۰۰۱

امپراطور استریم داده نشد

شخصی در مملکت فرانسه طوریکه با داشتن چند وسیله
و این قبیل چیزها را اختراع کرده و در روزنامهها
چاپ زده است که بلکه بکار زراعت کاران بیاید بعد از
در آوردن چند یا چیز دیگر از آن قسم خاکستر نیز در
زمین میریزد و بالای او چند رمی چسبند و بالای آن با
خاکستر میریزد و بانای آن باز چند رمی چسبند تا بالای
باز خاکستر میریزد چون خاکستر رطوبت را برمی چسبند
این طور را از برای نگاه داشتن اینگونه محصولات بهتر است

همه دانست

چنانکه در روزنامه سابق نوشته شده است در مملکت
بجهت کم آمدن غله در آن ولایت و بعضی ممالک آن اطراف
کمان قحطی داشته و جزئی اقصایش در بعضی از بلوکات
انولایت هم شده بود اما حال حسن تدبیر امنای
ان دولت خلق ازین تشویش بیرون آمده اند مثل غله
هم سال در ولایت فرانسه کتر آمده بود تا بحال از خاک
با ولایت آورده اند و در بعضی از روزنامههای این ولایت
هم می نویسند که امسال نصف غله در فرانسه کم آمده
بود و از خارج آورده اند و لکن چونکه غله چیزیت که در
اوقات گرانی آنها که دارند سخت نگاه میدارند که قیمت
گران بفرودشند تا غله زیاد و فرادان شود انبارداران
انبار خود را نمی کشند و میفرودشند حال در بعضی بلوکات
انبارداران انبارهای خود را کسوده اند و میفرودشند
و غله بسیار تنزل کرده است و در بعضی بلوکات که تا این
روز تا یک جزو غله بجهت خریدن پیدانی شد حال افراد

۱۰۰۲

و بسیاری ازین غله را از نیکی دنیای شمالی آورده اند
خصوصاً از شهر نیویارک

مملکت سوئیس چونکه کومستان است جای زراعت کم
دارد اکثر جامای آنجا علف چران است و حیوانات
از قسم گاؤ و کوسفند در آنجا میارند و درین روزها
از جانب دولت فرانسه حکم شده است که حیوانات
مرغوبی که در داخل ولایت فرانسه باشد

از قرار یکی از روزنامههای نیویارک میگوید که نوشته اند
هفت سال پیش ازین از غله آوردن در هر قسم حیوانات
که مان از او بخت می شود در یک سال پنجاه و پنج گور

سحاب پول ایران جنس از آن شهر فروخته شده بود
و در سال گذشته صد و بیست گور غله تنها از آن
شهر فروخته شده بود زیاد شدن تجارت مرغوب
چندین سبب میداند چونکه دولت جمهوری امریکای
شمالی تازه آباد شده است هر سال مردم زیاد از
فرنگستان با آنجا میروند و اکثرشان مشغول زراعت
می شوند از آنجهت غله بسیار آورده اند که در آنجا بعل می آید
سال بسال زیاد تر میشود سبب دیگر هم این است
که امسال چونکه در فرنگستان غله کم آمده بود از ممالک دیگر
غله با ولایت که حاصلش کم آمده بود آوردند خصوصاً
از شهر نیویارک میگوید دنیای شمالی که بجهت کشتی است
از بعضی از ممالک دیگر است که غله از آنجا بفرانسه و
انگلیند غیره می آورند

دولت انگلیس بر حسب عهدنامه که با سایر دول فرنگستان
دارند امسال کشتیها نسبت مغرب مملکت کتای افریقای

میزستند که با نفع تجارت غلام و کینز از آنجا تا اینجا
 بشوند و از اگر جایهای آن صفحات موقوف کرده اند
 مگر در جانی که لا قوسس بینامند در آنجا بزرگ سیاهها
 انولایت با انگلیسها عهدنامه داشت و این تجارت را
 موقوف کرده بود کسی دیگر که در آن سمت بود چون تجارت
 مزبور منفعت زیاد داشت حکم آن لا قوسس را بیرون
 و خود بنای فروختن و بیرون فرستادن غلام و کینز سیاه
 گذاشته بود قشون سحری انگلیس که در آن سمتها بودند
 حمایت بجز آن لا قوسس نموده و او را دو باره بجز
 لا قوسس برقرار کردند و نامدتی فروختن غلام و کینز موقوف
 شد و تجارت زیاد در پنبه و روغن درختی که در انولایت
 بعمل می آید که در عرض کرده مصرف می کنند و فلفل و ادویه
 آلات و نسل و سایر محصولات انولایت داشتند
 روزها بعضی از سیاههای آنجا میخواستند دوباره
 تجارت غلام و کینز را برقرار نمایند و لکن قشون سحری
 انگلیس حکم آن لا قوسس را محافظت کردند و نگذاشتند
 از قوا حساب رنج غلام که در روزنامه لندن نوشته اند
 در ماه صفر پانزده گزشته غلام در لندن ترقی داشت کدم
 در آنوقت تخمینا هزار و ششش تومان و دو هزار بود و در
 آنروز نام او هزار و سه غلام شده بود و سبب این ترقی
 چندین چیز می گفتند یکی این بود که کدم بجهت مملکت
 از انگلیس میخریدند سبب دیگر هم این بود که لوبیا و
 ماش و غله که اکثر اوقات از فرانسه با انگلیس می آوردند
 درین اوقات قدغن شده بود که از مملکت فرانسه بیرون
 نبردند سبب منینسی هم ترقی داشت چونکه سبب

لوبیا و غیره که خوراک خلق است ترقی کرده بود این
 ترقی در کدم هم رسیده بود کشتی تجارانی هم
 بجهت حمل و نقل غلام باب بود و صاحبان کشتی گرانند
 میخواستند و کم شدن کشتی باین سبب بود که تجارت
 در هر جای روی زمین فراوان بود و الله کشتی داشتند
 که کفایت حمل و نقل بارهای تجارانی و غلام را بکنند

اعلانات

کتابهای چاپی دار الخلافه طهران که در کارخانه حاج
 عبدالمجید با سمسچی در محله نزدیک دروازه دو لایب
 الطباع شده از اینمرا فروخته میشود

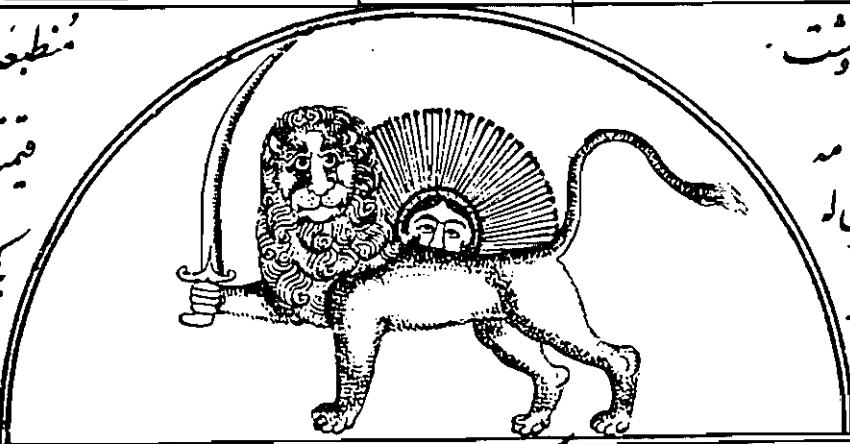
- ۱۰۰۰ قرآن مجید اعلی دو تومان
- ۱۰۰۰ قرآن مجید وسط یک تومان
- ۱۰۰۰ قرآن مجید از زبان سه هزار
- ۱۰۰۰ کتاب شرح بکیر دو جلد شش تومان
- ۱۰۰۰ کتاب تفسیر صافی یک جلد دو تومان
- ۱۰۰۰ کتاب شرح بلذ یک جلد سه تومان
- ۱۰۰۰ کتاب قوانین یک جلد دو تومان
- ۱۰۰۰ کتاب شرح الزیاده یک جلد سه تومان
- ۱۰۰۰ کتاب تصریح پانزده هزار
- ۱۰۰۰ فردوسی چهار تومان و نیم
- ۱۰۰۰ معراج الساده پانزده هزار
- ۱۰۰۰ قاموس سه تومان
- ۱۰۰۰ مجمع البحرین سه تومان
- ۱۰۰۰ زبدة المعارف دو تومان و پنجاه
- ۱۰۰۰ تحفه الزائر یک تومان

و کینز از آنجا تا اینجا
 صفحات موقوف کرده اند
 در آنجا بزرگ سیاهها
 این تجارت را
 چون تجارت
 حکم آن لا قوسس را بیرون
 غلام و کینز سیاه
 در آن سمتها بودند
 دو باره بجز
 موقوف
 در انولایت
 ادویه
 داشتند
 نوشته اند
 کدم
 و در
 ترقی
 مملکت
 سبب
 انگلیس
 سبب
 بیرون
 سبب

۱۰۰۳

روزنامه قایع اتفاقیه پنج یوم شنبه یازدهم ماه جمادی الاول مطابق سال اوین ۱۲۷۰

نزه صد و پنجاه و هشت
قیمت روزنامه
یک نسخه به شایر یک
صفتان و چهار هزار



منطبعه دارالخلافه طهران
قیمت اعلانات
مکته
یک سطر الی چهار سطر
بسیار با برنجی

اخبار و احداث ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز دوشنبه هجدهم این ماه اعلیحضرت پادشاه
بجهت تقسیر و تماشای شکارگاه اطراف دارالخلافه
طهران سوار گردیدند و تا حوالی عصر در آن اطراف
و تقرب و کشت فرموده نزدیک بغروب اقیانوس
مبارک سلطانی و مقر خلافت عظمی مراجعت فرمودند

چون در انجام خدمات محوله بنحود لازم بود و بعد از
بعل آورده و خدمات او مقبول و حسن خاطر ملوک کاش
افتاده بود لهذا درین اوقات نظر بطهور رحمت شایان
در باره مقرب الخاقان مشارالیه بکثرت کلیچه ابره
ترمه لطف نه خراز طبوس تن مبارک برسم خلعت
در حق او عنایت گردید

چون مراتب خدمتگذاری حسن ارادت و خلوص
عقیدت مقرب الخاقان شیرخان ناظر و طرز صداقت
مشهور رای اقدس بایون گردید و خاطر ملوک کاش را
از سعی و استقامت در انتظام خدمات مرجوعه بنحود
راضی و خورسند داشته بود لهذا درین اوقات
بر حسب امر اقدس اعلیحضرت پادشاهی ببلقیث
و رتبت نبیل عین الملکی سرفراز و در ازای لقب مزبور
یک قطعه کل کر مرصع از جانب سنی ایچو اب خیمه و
با و رحمت عنایت گردید

مقرب الخاقان آقا محمد حسن صند و قدر چون مسوول
اوقات در انجام خدمات مرجوعه بنحود و کمال استقامت
و کفایت و کاردانی را معمول داشته و خدمات او
مقبول و حسن خاطر بایون اعلیحضرت پادشاهی
افتاده لهذا درین اوقات بملاحظه بطهور رحمت
عنایت ملوک کاش در باره مقرب الخاقان مشارالیه
بیک ثوب لباده ابره ترمه لطفانه پوست از طبوس تن
مبارک در حق او التفات فرمودند

افواج قاهره نظام سنجیه ایگز در میدان شش برف کل است
مشورتشان نیست و لکن صاحب منصبان آنها همه روزه

۱۰۰۴

در سه دارالقون مشول درس میباشند و بعد از آن
از دارالقون باطاق نظام حاضر شوند

چنانکه در هفته گذشته در روزنامه نوشته شد بوی دار
ظهران باز بسیار برودت دارد اگرچه در خود شهر ظهران
در ثمانی برنی که آمد چندان زیاد نبود و لکن در کوهپایه
شمیران و دوات آنجا برف زیاد آمده است و حال میت
روز میشود که برف در زمین است و عابرین و متردین
که از اطراف می آیند همه میگویند که در هر طرف برف زیاد

از آنجا که منظور اولیای دولت علیه نظام امور و رفاه
و آسودگی عموم رعایاست که از هر قسم و هر صنف که باشند
کارشان خوب از پیش برود و در هر باب مزه
آسوده خاطر باشند خصوصاً جماعت تجار که محافظت
و نظم امور آنها بر ذمت اولیای دولت قاهره است
لهذا درین مفعه بجایگاه آقامهدی ملک التجار حکم نمود
که در روزهای معین در هر هفته اعیان تجار را در اطراف
در کار و اسنای دولت جمع نموده در باب امورات
تجارتی مذاکره و مصلحت نمایند و روزنامه امور تجار
و ترقی و تنزل هر جنس و بهر متاعی را هفت هفته بنظر
اولیای دولت قاهره برسانند که هم اگر احیاناً
کسی ظلم شده باشد در روزنامه هفت هفته معلوم و
دولت علیه روز در رفع ظلم آنها را نمایند و هم کم و کیف
امورات تجارت هفت هفته معلوم باشد که اگر از
دیوان اعلی باقتضای وقت فراری لازم باشد

بگذارند و امید است که این قرار داد فایده کلی به تجارت
تجار داخله و خارجه بکنند سببه اینکه امور تجارتی بعضی
آنکه گاهی در روزنامه کزت انطباع یا بدسم بمالک
محموسه و هم بدول خارجه میرود و عموم تجار را از
امور تجارتی استحضار حاصل شود

اعلانات

در روز یکشنبه آینده که چهار دسم ماه جمادی الاول است
اموال و متروکات موسیو چارلوطا معلم علم معون
که درین روز فوت شده است در منزل خودش
که در پشت بدنه دم در و از شمیران در نزدیکی خانیا
سردار و سپهدار و شبرالدول است هراج میشود
و ابتدای هراج دو ساعتش از ظهر است

سایر ولایات

آذربایجان در روزنامه این ولایت نوشته شد
که چون نواب استطاب بنزاده والا تبار حشمت الدوله
حکمران مملکت آذربایجان در باب وجه نظام اهتمام
تمام دارند که زود بوصول برسد قدغن کرده اند که تا
حساب کمند پرداخته نشود کسی بحساب تازه مدخلت
نماید و همه حکام و باشترین آذربایجان تا کید
نموده اند که از وجه نظام چیزی باقی نماند و همه را
عاید عالیجاه میرزا رضالدشکر نویس نمایند که با این نظام
برساند و عالیجاه جاسمخان که این روزها در تبریز
بوده است الترام نه هزار تومان وجه نظام را از

تفاوت

او گرفته اند که چند روزه ایصال دارد

دیگر نوشته بودند که یک کشتی که تجار اردبیل و غیره در او بودند تی بود که در روی دریا نامعلوم بود و میند استند در کجاست درین اوقات کشتی مزبور سلامت با صل رسیده و چند نفر از تجار اردبیل که در او تشریف بودند صحیحاً و سالم با و طمان خود رسیده اند

مازندران

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند لواء مستطاب شاهزاده مصطفی قلی میرزا حکمران مازندران انجام خدمات دیوانی اتمامی کامل دارند از جمله نگر اشرف و توابعی و سورتی (سرخ کشتی) را که احضار بدر با جلا شده بودند تدارکات لازمه آنها را تمام و کمال سرکار و سان آنها را دیده روانه رکاب حضرت شاهزاده با لوان داشته اند و همچنین نوکر عمرالمو را تدارک دیده بصره استرآباد فرستاده اند و نوکر عرب را نیز تدارک کرده با خلومی بار فروش فرستاده اند

دیگر نوشته اند که ناخوشی و با که در بار فروش (بازر) کرده و شدت بهم رسانده بود درین اوقات کلی یافت است و بعضی مردم که از آنجا متفرق شده بودند حال اطمینان از کم شدن ناخوشی مزبور بهم رسانده و با و طمان خود مراجعت کرده اند

دیگر نوشته بودند که درین اوقات در مازندران چهار شب بارندگی شدید شده و بطوری برف آمده است که در شهر ساری و در بعضی جا بهای کنار دریا تا نیم ذرع برف بزمین افتاده است و هوای آنجا

درین اوقات نهایت برود را دارد

بروجرد و عربستان

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند محمد علیا بختیاری هفت لنگ که بزدی و شرارت معروف بود در یکی از قلعه های سخت و صعب آنجا تحصن بسته و بقوافل و مترددین و غیره دست اندازی می کرد و اهل آن صفحات از تعدیات او آسوده نبودند لواء مستطاب شاهزاده و الا تبار حشام الدوله خانلر میرزا حکمران عربستان و بروجرد و بختیاری و مضافات لواء ابراهیم میرزا نایب الحکومه عربستان را با بختیاری و با جلان و فوج لرستان بگرفتن او مامور نموده بودند مشارالیه بنمای خود سری و خیرگی گذاشته نامه تی باطمینان و پشت گرمی آن حصن حصین با قشون ماموره جدال میکرد تا درین اوقات که کجلی مستاصل و منکوب گردیده خود مشارالیه جنبهائی از آنجا فرار کرده و سجان جناب شیخ جعفر مجتهد به بست نشسته و قطعه مزبوره تصرف قشون دولت علیه افتاده و بعضی از کسان و عنو بان مشارالیه را که در دزدی و شرارت و قطع طرق با او همدست بوده اند دستگیر نموده اند

کرمانشاهان

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند لواء مستطاب شاهزاده و الا تبار عماد الدوله بجهت مزینظم امور شهر با خود قدغن کرده اند که هر شب با داروغه هر یک سی نفر کزب و فراسش همراه خود برداشته بمحافظت و یک شهر مغول با

فارس

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند چون قرار
نواب استطاب هزاره والای استارمویه الدوله طهای
حکمران فارس بر فاه حال عابرین و سردین و اینست
و انتظام راهبانت لهذا درین اوقات مقرر داشته اند
که عالیجاه محمداشم خان یوزباشی با جمعی غلام بصره
آباد و اقلید و ایردخواست رفت و محافظت آنجا را
نمایند که قوافل و سردین از تسویش دزد و قطاع
فارغ و آسوده خاطر از آن راهها عبور و مرور نمایند و همچنین
عالیجاه فریدون خان تولی را با جمعی غلام مأمور نموده اند که
محافظت راههای سرحدات سمن کرمان و شهر بابک
نمایند و همچنین سایر راهها و سرحدات را که محل تسویش
عبور قوافل و سردین بود مستحفظ و تفنگچی روانه
و فرستاده اند که محافظت آن راهها را نمایند و اگر
کسی در آن راهها بصره برود مقررات که مستحفظین
مورد مواخذة باشند و از عهده اموال مسروقه برآیند
و همچنین عالیجاه میرزا مادی خان جهرمی از جانب نواب
سعزی الیه مامور صفحات لارستان گردیده که با نگاه
امور آن صفحات مشغول باشد
دیگر نوشته بودند که در میت دو و نیم ماه صفر مظفر نواب
استطاب مویه الوند از شهر شیراز بیاض نو که در
خارج شهر است ر مکان کرده اند که از آنجا بکرمیرا
و بنادرات رفته با امور آنجا رسیدگی نمایند
و انتظام در کارهای آنجا بکنند
دیگر نوشته اند که سابقا در شیراز رسم بود که هر

خلاف قاعده دبی حسابی و شرارت می نمودند
کرده به بقاع مستبر که امانت را میبرفت و بستان
درین اوقات نواب استطاب هزاره مویه الدوله
فرستاده خدام و عمده جانت شاه چرخ و سایر
امانته را احضار فرموده و التزام از آنها گرفته
که اگر بعد ازین دزد و محارب و خونی و شریر و مفید
و کسی که مال دیوان را میخورند و بستان میروند اگر
انها را در بقاع مستبر که راه بپسند مورد مواخذة باشند
زیرا که بستان از بستان این بود که اگر کسی منطوم می
بعضی اوقات اتفاق می افتاد که بداد او میرسیدند
حالا که مداحمد در همه جا کمال عدل و انصاف در حق
مطلوبین جاریست دیگر چه بقاع مستبر که وجه جانی
دیگر لزومی ندارد که مردم رفت بستان نشین باشند

خراسان

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند از اردوی
نواب هزاره والای استارمویه الدوله طهای که در ارب
بودند خبر رسیده بود که یک هزار سوار قریبانی که در نزدیکی مرو
بودند خبر رفتن عساکر منصوره رسیده بسر راه آنها اند
و در یکمتری مرو با آنها رسیده بودند و روز دیگر در مقام خود
و جبارت برآمد بنیامی مجاوله را کذاشته بودند بیت نفر
از آنها مقتول و چند نفر مجروح و زخمی شده بودند چون تا
مقاومت کردند منصوره را نیاورده و در وجودشان حالت استیصال
و مشکوبی مشاهده کرده بودند فرار برقرار خستیا کرده مغلوبا و شکوبنا
مراجعت کرده و بعد از نه زبنت آنها عساکر منصوره یک شب در کن
آب مرو توقف کرده و صبح آفتاب را داخل شدند و لازم استقبال از آنها

۱۰۰۷

اخبار و اول خارجه

انگلیس تاریخ کاغذ آخر که از این ولایت رسید
 غرّه ماه ربیع الاول بود از فرایب که نوشته اند کمان داشتند
 که در میان وزرای این ولایت تغییر و تبدیلی بشود
 لاری پارسین وزیر داخله از خدمت خود استعفا
 بود و لکن بعد از چند روز بحکم پادشاه باز برقرار
 گردید و صحبتی بوده است که لاری در بدین وزیر اعظم بنا
 استعدا داشته است بل مشورتخانه از خوانین و
 وکلای رعایا بنور در مشورتخانه دولتی جمع شده بود
 و معلوم نبود که تا اول مرستان در پای تخت جمع شود

لاری و آفرینستان که یکی از خوانین انگلیس است درین وقت
 بحکومت بنیانی هندوستان مامور گردیده و از لندن
 روانه شده است که از راه فرانسه و مصر محل حکومت

خود برود

فرانس

امپراطور این ولایت در عمارت سنت کلود بود
 و بنا داشت در آنجا تا اول مرستان که ایام عید
 فرنگیهاست توقف نماید

در فرانس بنا دارند که در سال آینده عمارتی بجهت
 گذاشتن بنویه امتعه و اجناس کل روی زمین برپا
 نمایند مانند آنکه چند سال پیش ازین در لندن و اسال
 در ایرلند برپا کرده بودند و درینکی دنیای شمالی نگرند
 بودند و عیالجات فرانس تدارک زیاد میدیدند که
 امتعه و اجناس خوب است از هر ولایتی در آنجا جمع

نمایند و از دول خارجه نیز اجناس با آنجا و نمانده

چینکه در روزنامه های چند وقت پیش ازین نوشته
 که از روزنامه های فرنگستان ترجمه شده بود منیر کرد
 که با که اشتر زنت بروی او چرخ میخورد سبب آنرا
 مناسبتی که در چرخ الماس است میدانستند در ملک
 فرانسه زیاد مشغول چرخ دادن نیز باین طرز هستند

در مملکت انجریه که در تصرف فرانس است نوشته
 که قشون آنجا که نزدیک به آوران بودند با اعراب
 آنست جنگ کرده بودند و از عرصه با صد و پنجاه نفر
 کشته شده بود و از قشون فرانس هشت نفر و فرانسها
 دویست و پنجاه قبضه تفنگ و نیزه و شمشیر و اسب و
 چهار صد ریس کوفتند و دویست نفر از دست اعراب
 گرفته بودند

درین روزها اولاد لوی فلیپ پادشاه سابق فرانس
 با نازی سینگ که موافق قاعده ارثی وارث تاج و تخت
 فرانس است آشتی کرده اند اینها هر دو ادعای سلطنت
 فرانس را میکردند و وایم الاوقات با هم میکردند
 داشتند درین اوقات با هم آشتی کرده اند و اولاد
 لوی فلیپ حق سلطنت نازی سینگ را از دعان نمود
 و سلم داشته اند اگر چه تا بحال باین سبب اغتشاش
 شده است و لکن چونکه بعضی از مردم مایل به برقرار
 اولاد پادشاهان قدیم هستند این گذارش را باعث
 ضعف دولت لوی ناپلیان میدانند

دیگر نوشته بودند که اطبای آن ولایت چند نفر دیده اند
 که ناخوشی و باک گرفته و فوت شده اند خوف مردم درین
 ناخوشی دو قسم است یکی آنکه زیاد میگویند مثلا اگر پنج نفر
 از این ناخوشی بگریزند چاه نفر میگویند یکی دیگر اینکه از سر
 بهدیگر میگویند که ناخوشی میت و بودن ناخوشی را آنجا
 بنمایند و این هردو خوف بیچکدام خیال عاقلانه میت بلکه
 کار عاقلانه آن است که به پاکیزه نگاه داشتن شهر و کوهها
 و خانهها و جایهای میان شهری و کوشش نمایند که ناخوشی

کمتر تأثیر بکند

درین روزها در مملکت فرانسه بعضی کمر کها که سابق از
 اجناسی که از خارج می آوردند دریافت می شد کمتر کرده
 خصوصاً در کمرکی که از ذغال سنگی و آهن می گرفتند
 از صاحبان معادن و صاحبان کارخانههای آهن و فولاد
 در مملکت بلژیک این بر حمله راضی شده بودند چون پیش ازین
 این قسم اجناس با کمترین خرابی داخل فرانسه میشد و
 این قسم اجناس از انگلیس که می آوردند کمترین
 داشت حال از بین اجناس که از انگلیس می آید کم
 کم میگیرند

باز درین ولایت ارکانی که گمان میکردند که خیال
 بر قسم زدن دولت را دارند زیاد می گرفتند اما بعد از
 تحقیق اکثر آنها را مستخلص میگرداند اکثر مردم در فرانسه
 راضی به دولت و سلطنت امپراطور لوی ناپلیان هستند
 گله که حالا در فرانسه دارند از گرانفروخته و آذوقه است
 و آنها نیز اگر شان درست جنوب آن مملکت

اسپانیول

مابین امنای دولت این ولایت و امپراتور انگلیس گفتگوی
 شده است در خصوص اینکه از راه عداوت دینی که
 اهل اسپانیول با اهل انگلیس دارند وقتیکه یکی از اهل انگلیس
 در آن ولایت فوت می شد نمی گذاشتند که موافق قاعده
 خود انگلیس او را دفن نمایند و نمیکند اشتد که انگلیسها
 در آن ولایت جائی بجهت قبرستان خودشان بخرند که
 قبرستانشان علامه باشد با اهل اسپانیول عیسوی اند

مذهب کتولیک و اکثر اهل انگلیس عیسوی اند از مذنب
 پراستند و کتولیک با پراستند عداوت تمام دارند
 حال درین باب عهدنامه بسته اند و قبرستان علیحده
 گرفته اند بجهت دفن کردن اهل انگلیس که در آن مملکت میباشند
 و اذن داده اند که کیش انگلیس موافق قاعده خود انگلیس
 اموات آنها را دفن نماید و لکن یک شرط این عهدنامه
 این است که کیش در میان کوه لباس کیشی بنوشند
 و در کوه لباس او مانند لباس بر خلق باشد
 لباسی که مخصوص کیش است وقتیکه قبرستان بر
 در آنجا بپوشد و در قبرستان انگلیسها نیز باید پوشیده
 کشیده شود و در آنجا موافق قانون خودشان اموات

خود را دفن نمایند

اطالیه

یکی از راههای آهن که با این شهرهای طوری و روفو آسان
 کم مانده بود که با نام برسد تا بحال راه آهن که بجهت تردد
 کالسکه بنجار و عرابه با کیش می ساخت معمول بود که
 همواره مسلح باشد و اگر سر اشیب یا سربالابود
 چرخ بنجار کار نمیکرد اما این راه را ارتفاع داده اند

قرار بیت وشت ذرع یکذرع که در هر بیت وشت
 ذرع و نیم مسافت یکذرع ارتفاع داده اند و تا بجای
 راه آهن که این طور بالا بروند ساخته بودند بجهت استحکام
 شش کال که را که پراز یک ماسه کرده بودند
 بستند و وزن آنها صد و شصت و شش خور بود
 بود و اینها را بدو چرخ بخار بستند و وزن این دو چرخ
 با ذغال سنگی و آب که در میان شان بود شصت و شش
 خور بود اینها را برای راه منور انداختند و بیالای در
 ساعت چهار فرسخ و نیم بلکه پنج فرسخ مسافت طی کرده
 چون راه منور نازه بود و قدری رطوبت داشت
 داشتند و قتی که بخار چرخ بخار ازین هم تند تر
 برود و راه آهن دیگر هم در فنکستان که جنلی

ارتفاع دارد راهی است در مملکت هتریه که سیمینک
 میماند اما در آن راه در هر چهل ذرع مسافت یکذرع
 ارتفاع داده اند با بجهت و قتی که این راه مابین شهرها
 طویین و در نوا با تمام برسد و کشوده شود کمان دارند
 که کل سیاحان فنکستان که مابین فرانس و ایتالیا
 تردد می کنند ازین راه عبور و مرور نمایند

سنگی دنیای شمالی

در روزنامه سنگی دنیای شمالی نوشته اند که گفتگویی
 مابین دولتین انگلیس و اسپانیا نول شده بود در باب
 موقوف کردن خرید و فروش و نگاه داشتن غلام و کنیز
 سیاه در جزیره کوبه که میخواهند قرار بدهند که هر
 اسیر یا نولایت آورده اند بعد از ده سال آزاد بمانند
 و بعد از پنجاه سال قاعده غلام و کنیز نگاه داشتن

بالمه موقوف باشد و لکن این عهدنامه تا بحال جاری
 نگرفت است سبب اینکه ترسیدند که اگر این عهدنامه
 بشود انگلیسها تسلط زیاد در آن جزیره بهم برسانند

کشتی از ولایت انگلیس به نیویارک میکی دنیا رسید
 بود و در آن کشتی صد نفر از ناخوشی و بامرده بودند
 و قتی که کشتی با بخار رسید شصت نفر ناخوش در میان
 او بودند و درین ایام که این ناخوشی در ولایت انگلیس
 بروز کرده است معلوم شده است که در روی کشتی که
 جمعیتش زیاد و جالش تنگ است این ناخوشی بیشتر
 با آنها که در میان کشتی می نشینند بیشتر سراپت می کند

یکی از اهل نیویارک که کارخانه کشتی سازی دارد و
 بکشتی خوب و تیز رو ساختن متعهد شده است که بجهت
 دولت روس کشتی سازد با چرخ بخار بزرگی کشتی
 نه هزار خور بار باری که داشته باشد و صد عراده توپ در
 میان آن باشد و دو چرخ بخار داشته باشد که در هر
 چرخ روزی پانصد اسب باو کشتی مزبور را قرار گذاشته است
 که تا مدت دو سال تمام نماید

هندوستان

در روزنامه این ولایت در خصوص جنگ برمه نوشته اند
 که چند وقت پیش ازین خیال میکردند که جنگ این مملکت

تمام شده است و لکن حال معلوم می شود که اهل برمه و بنگال
 جنگ را بر پا کرده اند و میگویند که چاکران دولت بر
 پادشاه آنجا زور آورده اند که دوباره با قشون نخلیس
 جنگ کند جنگ بزرگی در این اوقات در مملکت مبرور
 شده است و لکن دسته دزدان که چپو داخت می کنند
 از اهل آن ولایت زیاده و یک سبب زیاد شدن
 دزدان مبرور این است که بجهت قشون کشی رعایا نتوانند
 که محصول خود را جمع نمایند بی چیز شده اند و از لابلای
 سرودند و در هر جا و هر چه بدستان می افتد داخت و غارت

بنام سینه احوال متفرقه

از جمله اتفاقات غریب که بجهت ترکیب چرخ بخار درین
 اوقات اتفاق افتاده است نوشته اند که در یکی از شهرهای
 ولایت نخلیس دیک چرخ بخار ترکیب بیگبار مانند تکرار
 مکان بجهت بستن کرده و دیوار خانها را سوراخ کرده و گذشته
 سنازه نوشت دیک مبرور چهار ذرع طول و یک ذرع و نیم
 قطر داشت و بسیار هم محکم ساخته بودند اما کهنه شده بود
 و میخواستند عوض نمایند و قشون ترکیب دیوار را که نزدیک
 او بود خراب کرده از کوچ گذشت و بطول به خورد او را
 شکافته گشته و سنازه نوشت خانهای آنجا همه دیوارشان
 از سنگهای بزرگ است که با آهک سبانی می کنند و نهایت
 استحکام و ستانت دارند کسی که در آن کوچ بوده و دیده بود
 میگفت است که دیک مبرور وقتی که از کوچ رد شد مانند
 کلوه بود که از توپ بیرون بیاید
 پادشاه بجز بعضی از پردای نقاشی مشهور این ایام را

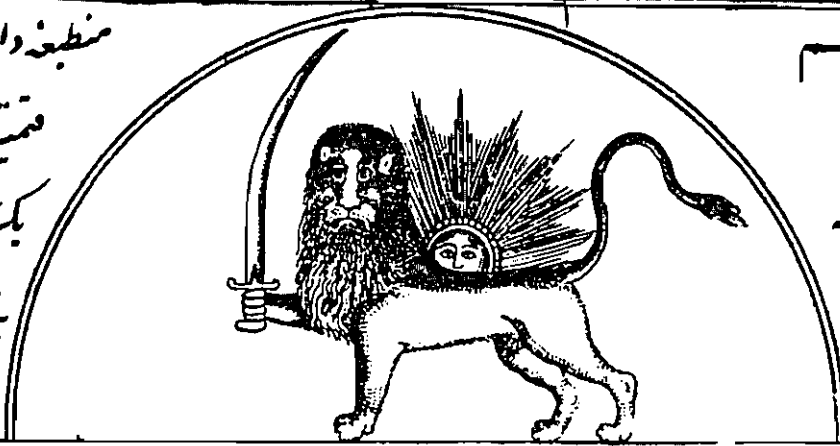
که بسیار گرانها هستند و قیمتشان زیاد است و این
 پرده را بولایت نخلیس فرستاده بود که مردم تاشان
 اول در شهر دبلین پای تخت ایرن گذاشته بودند و بعد
 از آن یکماه در لندن نگذاشته بودند که مردم تاشان
 نمایند و نقاشان از روی آنها می کشند

در سمت کره شمالی ارض که بحر منجمد در آنجا است در اوقات
 چند ماه شب است و اقباب هیچ طلوع نمی کند و شنائی
 رنگارنگ در روی هوا پیدا می شود درین اوقات شب
 این طور در شنائی غریب هم در ولایت نخلیس هم
 در ولایت فرانسه دیده اند و سبب او را تا بحال کسی
 تعین نکرده است

چون درین اوقات در ولایت نخلیس نان نسبت قیمت
 سابق قدری گران شده است بنا گذاشته اند که نان
 از برنج و گندم ترکیب نمایند باینطور که نه سیر برنج را در
 میان آب میجوشانند و بعد از جو شیدن میگویند و دو من و
 چهار سیر آرد گندم با مخلوط نمایند و خمیر مایه زود میگذرانند
 تا بالا بیاید و بعد از آن نان می پزند و چهار من و نیم نان
 از این قدر آرد گندم و برنج حاصل میشود چون این طرز نان
 پختن را دیده اند که از نانی که از آرد گندم خالص پخته میشود
 زیاد تر رطوبت می کشد کمان دارند که بسیار بجا رفقا بیاید
 علاوه بر این که بسیار خوش طعم و سفید نیز است
 در روزنامه هندوستان نوشته اند که جنگ در مملکت چین باز بود
 و میگفتند که خاقان چین که ریخته و میان طایفه تاتارستان
 رفته است

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم چهارشنبه بیستم ماه جمادی الاول مطابق اول سنه ۱۲۷۰

مره صد و پنجاه و نهم
قیمت روزنامه
یک نسخه شش ماهه
صحتان و چهار هزار



منبعه دارالخلافه طهران
قیمت اعلانات
بکسره چهار سطر یک روز
بیشتر با هر سطر

اخبار داخله مالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز شنبه سیزدهم این ماه اعلیحضرت پادشاهی کرم
تفرج و کشت سمت قصر جاو و آن اطراف سوار شدند
تا نزدیک عصر تفرج و سیاحت آن اطراف مشغول بودند
ز نزدیک بغروب آفتاب بارک مبارک که سلطانی محبت فرمودند

و هم چنین روز دوشنبه پانزدهم نیز نسبت شکارگاه
کوچه های پشت دوشان پنه و آن اطراف سوار شده و
تا حوالی عصر مشغول تفرج و شکار و تماشای آن صفحات
بوده نزدیک بغروب آفتاب بتسلطنت عظمی محبت فرمودند

در روز یکشنبه چهاردهم این ماه اعلیحضرت قوی کن
پادشاهی از راه کمال رحمت و التفات در حق تفرج و سیاحت
نظام الملک اوراد اسلام عام بلقب جلیل جناب بلقب و
بتخص و وی می مخاطب فرمودند و منصب ارجمند بنیاد
عظمی و وزارت نواب مستطاب ولیعهد دولت امیر
برای مزید افتخار و اعتبار جناب نظام الملک محبت فرمودند

و بلفظ مبارک فرمایش کردند که امالی ایران بنوعی که
از جناب صدر عظم اطاعت می کنند من بجز بدین
تفاوت از جناب معزی البه اطاعت نمایند و تشریفاتی
احترامی که از جناب معظم الیه میگردند از جناب معزی البه نیز
بعل آورند و درین باب دستخط مبارک که اشرف از
فرمان هایون است بجلاده فرمان مرحمت بنیان شرف
صدر ریافت و سواد دستخط هایون این است که درین
ورق ثبت شد

چونکه جناب صدر عظم از بدو مأموریت منصب صد
الی حال آنی از خدمات دولتی فارغ نبودند و زحمات
کثیره شب و روز متحمل بودند و بحق تا بحال در ترقی و شکوه
و آبادی مملکت و دولت کار را بطور رسانیده که در حق
هیچکس نگردد بود بنا بر این خدمات و زحمات مسواری
نظر پادشاهی است که التفات و رحمت جدید حق
ایشان بطور رسانیم و از برای این که قدری از خدمات
و زحمات آسوده باشند و فکر و خیال خود را آسودگی
مشغول انجام مهم امور خطیره و منافع کثیره دولت نماید

۱۰۱۲

نظام الملک اینصیبات صدارت و شخص دویمی و نوبت
 سلطان معین الدین میرزای و لبعده نشان صورت های
 و حامل مخصوص شخص دویم سر او از فرمودیم و مقرر میفرماییم که
 جمیع اهل ایران خاصه و زرا و انمای دولت و اهل نظام و غیره
 او را بهین منصب شناسند و احترام او را منظور دارند و جمیع
 امورات دولتی و غیره که جناب صدر اعظم از جانب
 مایون ماذون بودند و ارسسی نمایند همان اذن را بنظام
 هم عطا فرمودیم که در حضور و غیاب جناب صدر اعظم
 مشغول مهات دولتی باشد ^{بنام} با شهادی لاولی
 چون منظور نظر مهات ارا علیحضرت پادشاهی آن است که
 اسباب سودگی و آسایش کام انام و عباد در هر بلاد که
 انانافا نامرتب شده بحال اراش مقرون باشند
 این اوقات بر حسب امر علیحضرت پادشاهی جمیع حکام
 ولایات ممالک محروسه امر و مقرر شده فراین قضایا
 سرف صد و یافت که بعد ازین هر وقت از تو گور عتبت
 تقصیر و بیانی صادر شود و در خور توبیه و مواخذة باشد
 حبه و دیناری با اسم جریمه و ترجمان از یکدینار الی هزار
 تومان از آنها بگیرند و اگر تقصیر مجربین باشد از سه مرتبه
 که بمان توبیه فقط اکتفا توان کرد مراتب را با ولایای دولت
 علیه عرض نمایند بهر قدر و قرار حکم صادر شد از انقرار قیام
 نمایند و بی حکم اولیاد دولت دیناری جریمه نکنند
 نظر بخدمات مقرب انخاقان میرزا جعفر خان شیر الدوله
 و ظهور القاست ملوکانه در باره او درین اوقات
 یک ثوب خرقه ابره ترمه بطانه خراز جانب
 اندکس مایون شاهشاهی با فتح مقرب انخاقان رالیه میرزا

چون مقرب انخاقان حاجی علیخان حاجب الدوله
 مسواره اوقات در خدمات حضور و غیاب کمال
 اهتمام را معمول دارد درین اوقات بجهت ظهور نوبت
 توجه ملوکانه در باره مقرب انخاقان مشارالیه با عطا
 یک ثوب خرقه ابره ترمه بطانه پوست از طپوس
 او را قرین منافع و مسایات فرمود
 چون مقرب انخاقان فضان آقای میرنچ بسبب فوت
 پسرش که در آذربایجان بود تعزیه دار بود انمای دولت
 علیه حب الامر اقدس مایون او را از لباس تعزیه
 بیرون آورده و یک ثوب جبه ترمه از جانب نسبی
 ملوکانه با وحمت گردید
 عالیجاه محمد رضاخان نوه مرحوم محمدخان امیر نظام قدیم
 اوقات منصب سپهسپه سرافرازه و رازای منصب نوبت
 یک ثوب جبه ترمه از جانب اعلیحضرت پادشاهی
 مرحمت گردید
 افواج قاهره متوقف دار اسخلاف مبارکه که چون بجهت برف
 کل بودن میدان مشق چندی بود که مشق نمیکردند لهذا در روز
 شنبه شانزدهم این ماه که برف و کل میدان مشق برخواست
 شده و زمینها خشک گردیده و هوای نسبت به برودت چند
 روز قبل ملائمت هم رسانده است حب احکم بنای مشق
 نظامی شده و سرگردگان و صاحب منصبان نظام
 مشق حاضر گردیدند و بعد ازین همه روزه در میدان
 مشق خارج دروازه دولت مشغول مشق میباشند و صاحبان
 همه روزه بمدرسه دار الفنون بدرکس حاضر میشوند

۱۰۱۳

تعمیر اجناس ماکولات و غیره دارا اخلاذ مبارکه درین هفته
 بقرار مسطور ذیل است
 کد م ساجیل یکخوار نوزده هزار
 کد م غریب یکخوار هفده هزار
 نان یکخوار دو تومان و پنجاه پوله
 برنج عنبر نو چهار من دو هزار و یک عباس
 برنج کرده چهار من دو هزار
 روغن چهار من نه هزار
 گوشت یک من شش عباس
 مرغ یک قطعه ده شاهی
 تخم مرغ ده بیضه یک عباس
 جو یکخوار یک تومان
 کاه یکخوار چهار هزار و پنجاه
 سنجد یکخوار دو تومان و پنجاه
 لوبیا یکخوار سه تومان
 عدس یکخوار دو تومان و پنجاه
 ماش یکخوار دو تومان و دویست
 ارزن یکخوار یک تومان
 سکنک یکخوار دوازده هزار
 حنا چهار من دو هزار و شصت
 کشمش طعام چهار من یک هزار و صد
 شیره شهد چهار من یک هزار و صد
 پیه که اخته چهار من شش هزار و صد
 کشک چهار من یک هزار و شصت
 شمع یک من دو هزار و بیست

۱۰۱۲

مات چهار من یک هزار و شصت دینار
 پنر شور چهار من شش هزار و بیست
 همیشه وسط یکخوار هفت هزار و بیست
 همیشه خوب یکخوار یک تومان
 ذغال یکخوار دو تومان و دویست
 صابون یک من یک هزار و چهار صد
 بل یک من بیست دو هزار
 میخک یک من دو هزار و پنجاه
 دارچینی یک من نه هزار
 زعفران ده سیر پانزده هزار
 فلفل یک من سه هزار و ده
 زیره یک من دو ریال
 زرشک بیدانه یک من دو هزار
 لیموی عمانی یک من دو هزار و پنجاه
 زرشک تبریزی یک من سه هزار
 قذارسی یک من شش هزار و صد
 فدی زدی یک من چهار هزار و صد
 نبات یک من چهار هزار و پنجاه
 شکر یک من سه هزار و صد
 سکنجین یک من سه هزار
 حلویات یک من چهار هزار
 تنباکوی سبزی اعلی یک من شانزده هزار
 تنباکوی وسط یک من هشت هزار

سایر ولایات

میرد

از قرار یک در روزنامه این ولایت نوشته اند امیرالاعظم
 محمد حسن خان سردار حکم آن یزد و کرمان در ایام توفیق
 در دارالعباده یزد تخواهی داده بود که شرح اما مزاده و
 شاهزاده فضل را فولاد نام سازند درین اوقات شرح
 مزبور با تمام رسیده و بجای خود استوار نموده اند پس
 شرح طولانی و با صفا و جلاست و در سایر غیرات بقصه مزبور
 نیز اهتمام شده و صورت تعمیر گرفته و الحال جای با صفا
 و زوآرا از هر جانی بزیارت می آیند و بملاحظه آبادی آنجا
 به عای دوام دولت جاویدت علیه اقدام میمانند
 و دیگر نوشته بودند که داروغه قصبه اردکان سه نفر بجا
 و محارست بازار آنجا فرستاده بود یکی از رعایای آنجا
 شب از خانه یکی از خویشان خود بیرون آمده و سجنه خود
 میرفته است یکی از نایبهای داروغه باو برخورد و سجنه
 او را بزد داروغه ببرد مشارالیه از رفتن امتناع نمود
 آدم داروغه دست بگلوی او گذاشته بود فوراً آن
 جان تسلیم نموده مقرب الخاقان محمد یوسف خان پسر
 نایب الحکومه یزد بمحض شنیدن سیاه دل فرستاده و در راه
 مزبور با آن سه نفر نایب حاضر نموده و بعد از تحقیق یکی
 از آن نایبها که حسین نام ز زینت معلوم شده بود که
 قاتل است و خود او نیز اقرار کرده بود باینطور که من دست
 بگلوی این شخص گذاشتم و لکن منظورم هلاکت او نبود
 حکم شرع بقصاص مشارالیه صادر شد و لکن در مشغول
 او را بخشیده و مطالب خون بها نیز نموده اند اما بجهت
 تبعه فی مقرب الخاقان مشارالیه آن سه نفر تا دیوبند

دیگر نوشته بودند که مقرب الخاقان نایب الحکومه
 یزد نهایت وقت و اتهام را معمول دارد در اینکه وقت
 نقدی و خلا و حساب بهیچوجه در آنجا اتفاق نیفتد خصوصاً
 بنو کر با ب از قبیل توپچی و سرباز و غیره قد عن کسب
 شده است که اگر یکی از آنها در نوکر با ب مصدر نقدی و
 خلاف حسابی بشود فی الفور مقبیه کامل از او بعل اید و بجا
 عموم مالی آنجا دعا گو و شکر گذار این دولت قوی مکنند
 دیگر نوشته اند که در محله خلف خانه علی من محلات دارالعباده
 یزد شخصی عروسی داشته در شب زفاف شخصی بنام
 چادر زانه سبر کرده و بجمع انانیه داخل شده بهلوی
 عروس نشسته و باو کفنه بود که این شوهر از برای تو خوب
 نیست من شوهر بهتر این از برای تو پیدا می کنم و ذای
 آن شب این کیفیت معلوم و مقرب الخاقان نایب الحکومه
 مشارالیه را حاضر کرده و مقبیه مضبوطی از او بعل آمده است
 دیگر نوشته بودند که در نفر قزوینی از شش برابر داده بوده اند
 آقا محمد طاهر نام تاجر قزوینی آنها را در کار و شترانی که حججه داشته
 منزل داده بود شبی مشارالیهها تاجر مزبور و اولان در کار و نفر را
 بجائی خوردن سحره حدان خواسته بودند یکی از آنها حججه تاجر قزوینی
 غلام او را کفنه بود آقای تو در منزل ما ترا میجوایم غلام را دست سبر کرده
 حجری که دو بیت و چهل تومان و چند نقد و قدری اسناد تجارت داشته
 بردشته و رفته بود و رفیق او هم تاجر و اولان در کار کفنه بود که بی مقیم
 میروم و بیرون آمده بود مراتب را ما تاجر مزبور عرض دادیم
 ما مورد نظر باد که دوازده نفری هرات آنها را آورده خواهی دید تاجر و اولانها

۱۰۱۵

اخبار دول خارج

انگلیس

از فرار که در روزنامه اینولایت نوشته است
وزرا حسب حکم پادشاه بعمارت ویتیزا که کشیدند
رفته بودند که در مصلحت خلوتی اجلاس و مراجع شدن
خوانین و وکلای رعایا را در مشورتخانه دولتی بنده
کی جمع شوند بعد از اجلاس و مصلحت متفق الزامی است
برجع الشانی را قرار دادند که خوانین و وکلای رعایا کلاً
در لندن جمع شوند و از جانب پادشاه نیز تعیین
حکم صادر گردید

در روزنامه سابق نوشته بودند که لاردر پارستون از
وزارت استعفا کرده بود و حسب حکم پادشاه دوباره
بر فرار که در روزنامه نوشته اند که استعفا
و زیرمربور از شغل خودش این بود که در بعضی مصلحتهای
دولتی رأی او با سایر وزراء موافق نبود

فرانسه

در باب مصاحبه کردن اولاد پادشاهان قدیم در
در روزنامه که تازه رسیده است این موال نوشته است
که وقتی که دوک دوه مورپر لوی فلیپ پوتینه رسیده بود
مازری سینک یک صاحب منصب بنزد او دستاورد
بود که قرار ملاقات فیما بین را بدو وقتی که دوک دوه مور
نزد یک بیمارانی که مازری سینک در آنجا بود رسیده
گام که نشین خود را دستاورد که دوک دوه مور سوار شده
بعمارت مزبور بیاید و در حین ورود و ملاقات کمال اغراض
و احترام از او بجل آورده بود و در ضمن گفتگو دوک دوه
مذکور داشته بود که من از جانب خود و برادرانم بحضور

مازری سینک بجهت القای این مطلب آمده ام که با اولاد
لوی فلیپ هشتم یک سلطنت را در فرانسه قبول و مسلم دانستند
که سلطنت مازری سینک است و به بزرگی خود خست بایستیم
و امید داریم که بزرگ سلسله ما عقب بیساج و تحت سلطنت
مملکت فرانسه برسد اگر چه در بعضی روزنامهها نوشته است
که از صلح کردن اولاد پادشاهان قدیم این مملکت احتمال
نقص وضعی در استقلال و استقلال دولت امپراطوری
ناپلیان میرود زیرا که بعضی اشخاص در فرانسه بایست
اولاد پادشاهان قدیم آن مملکت هستند خصوصاً خوانین
قدیم و رعایای زراعت کار و این مقدمه سبب مزید میسر
آنها میشود و لکن در بسیاری از روزنامههای دول خارج
که درین باب اشعار شده است نوشته اند که اغلب اکثر اش
فرانس کمال رضامندی از لوی ناپلیان دارند و دولت
اوستا مستقل و مستحکم میباشد مابین دولت فرانسه و دولت
استریه درین باب گفتگوئی شده است چونکه این
کذا را شش در خاک استریه شده است دولت استریه
در جواب گفته اند که ما باین گذارش تعلیت بدستیم
و چیزی نبود که آشکار باشد که ما بتوانیم منع بکنیم و گذاریم
ملاقاتی بود مابین اولاد پادشاهان قدیم فرانسه که با هم
خوبش بودند و این ملاقات نیز مخفی بود بعد از آن مجبور
بنارنج پنجم ربیع الاول در شهر پاریس مای تخت فرانسه
مینه و بخار گرفته و هوا چنان تاریک شده بود که تا دو ساعت
بظلمت مانده و در قرقهاها چراغ روشن کرده بودند و بعد از
ظلمت قدری روشن گردید

۱۱۶

پروسیه

اهل مشورخانه این ولایت در برلین پای تخت مملکت
 پروسیه جمع شده بودند و لکن خود پادشاه بسلام
 مشورخانه نرفته بود یکی از خواین را وکیل خود کرده بود که
 فرمایش او را بابل مشورخانه ابلاغ نماید و از جمله فرمایشات
 پادشاه بابل مشورخانه این بود که حال که ایامی است که پیش
 برسم خوردگی صلح و فکستان احتمال میرود باید امنای
 دولت سعی و کوشش و اهتمام تمام نمایند که در هر قسم اتفاق
 که روی بدید میآید با ما باشد سعی نمایند که صلح و
 دوستی که مابین دولت برسم بخورد و در هر نوعی که
 اتفاق بیفتد پادشاه بغیرت و شجاعت و حمیت اهل
 پروس کمال اطمینان خاطر جمعی دارد

سوئد

مشورخانه این مملکت نیز در آخر ماه ربیع الاول در
 پای تخت جمع شده بودند و فرمایشات پادشاه
 این مملکت هم بابل مشورخانه در همین مواد بود که درین
 اوقات که احتمال برسم خوردگی در فکستان
 میشود تکلیف ما این است که بی تدارک نباشیم و با
 مشورت تمام چنان اخراجات کنیم که قشون ما در هر
 نوع اتفاقی که بیفتد همیا و آماده باشند

احوال صفر

در مملکت بعد آن که یکی از ممالک کوچک نیست است حکمران
 آن ولایت حکم کرد که فتن چند نفر از کشیشان بزرگ آنجا کرد
 بود و بسبب اینکه دخل و تصرف در امورات دولتی کرده بودند
 بعضی از اشخاص آنجا که غیرشان قبول این معنی را نمیکردند که

کیش و بزرگ دیشان دستگیر و محبوس باشند
 بمالعت گرفتن کشیشان و جنگ با چاکران دیوان اجماع
 و اقدام کرده بودند ولی در هر طرف چاکران دیوان
 غالب آمد هم کشیشان مزبور را گرفتند و محبوس کردند
 و هم اشخاصی را که بمالعت اقدام کرده بودند و از سایر
 ولایات آن اطراف که هواخواه کشیشان مزبور بودند و از
 گرفتن آنها خوششان نیامده بود در میان خودشان پول
 جمع کرده و بجهت کشیشان در دستار بودند

در روزنامه اسلامبول که بزبان فرانسه چاپ میشود
 نوشته اند که مستر مارش و زیر مقیم از جانب دولت
 جمهوری نیکی دنیای شمالی در اسلامبول همسر آه
 سفارتخانه و صاحب منصبان کشتی جنجی نیکی دنیای شمالی
 که در آنجا هستند بکجهت سلطان رفته بود
 که رخصت انصراف حاصل کرده بولایت نیکی دنیای شمالی
 نماید و در مقام رفتن مستر بران نایب اول خود را کنار
 بلقب شازده دفتر بجای خود باقامت در اسلامبول معین
 کرده و بنا داشت که در آن روزگاز اسلامبول مملکت
 ایتالیا برود که زیستان را در آنجا بماند و چونکه تلخی
 مزبور در ایام توقف در اسلامبول هم با امنای
 و هم با عموم خلق آنجا با نهایت خوش فیساری و
 مهربانی سلوک و معاش کرده بود همه کس از رفتن
 مشارالیه متأسف بودند

هم درین روزنامهها نوشته اند که فضل بانیر کز
 در جزایر یونان بسیار کم بارندگی شده و هوای خشک
 که نشسته بود و از اینجهت اهل آنجا تشویش کم آمدن حاصل
 شده

هم درین روزنامهها نوشته اند که فضل بانیر کز
 در جزایر یونان بسیار کم بارندگی شده و هوای خشک
 که نشسته بود و از اینجهت اهل آنجا تشویش کم آمدن حاصل
 شده

و کرانی آذوقه را داشتند اما در موسم قوس بسیار
زیاد شده بود و در هر جای مشغول کاشتن غله
بودند و از تسویش کرانی سال آینده بیرون آمد

از حلت نوشته بودند که حاصل پنجه سال گذشته
در آنجا بسیار کم آمده بود چونکه حاصل عن آن وقت
پنجه است این مرحله ضرر زیاد بر عایای آنجا وارد
بود که نوشته از آنکه بجهت کم آمدن حاصل پنجه ضرر زیاد
بر عایای آنجا رسیده و زخمشان به در رفته بود

سلم فروشی دارند که این قاعده بیشتر با چنارت و
ضرر آنها میشود هنوز مدتی به برداشت حاصل مانده
اطلاک و زراعت حاصل خود در پیش فروش کرده

میکیند و چون این نخواهد را ششما پیش میگیرند
صد تومان چهل تومان بلکه بیشتر نفع پول با آنها حساب
میکنند در چنین سالها که حاصل بعل فی این سبب
سلم فروشی ضرر زیاد با آنها میرسد

از اصمیره نوشته اند که لسنکر گاه روبروی شهر مزبور
پراز کشتیهای تجاری بود و ششاد و چهار فرود کشتیهای
بزرگ و کوچک تجاری در آنجا بودند از این کشتیهای فروخته
سجده ملک تار و تینه و سایر مالک آن اطراف غله
آذوقه بار کرده بودند و کشتیهای دیگر نیز بودند که بنا
بود بیایند غله بار نمایند که آنها را نیز بربرها یک
فرنگستان بپزند و در هر خصوص تجارت آنجا رواج کلی
در شب دو تیم ماه ربیع اشانی طوفان زیاد در اطراف

اصمیره شده بود و امواج شدتی بر زور بود که اغلب کشتیها
که در دریا ساخته بودند ضرب امواج کم و بیش شکسته و
خراب کرده بود و امواج در پامیان کم کمانه آنجا ریخته
بسیاری از مال تجاری که در آنجا بود ضایع و نابود گردید

و چند قایق و زورق بهد یک خورد و شکسته و غرق شد بود
دکشتیها که در میان آنها بودند غرق شدند شش کشتی
کشتیهای جنگی و اول خارج در آنجا بود یک کشتی که چهل تن
عزاده توپ در میانش بود از دولت فرانسه و دو کشتی

بهمان بزرگی و هفتاد توپ با یک کشتی کوچک از دولت
استرلیه و یک کشتی که پنجاه توپ در میانش بود با یک
کشتی کوچک از دولت پروسیه

اشخاصی در اسلامبول تدبیر خوبی کرده اند از برای حمل
آب شیرین بجهت کشتیها که در لنگرگاه آنجا هستند از دولت
انگلیس یک کشتی کوچک آورده اند که با چرخ بخاری
که زور دارد و از ده آب دارد راه میرود و در میان کشتیها
که ششاد خرد را بگیر آنهاست و طولبه سجه خالی کردن
و پر کردن حوضهای مزبور نیز در روی کشتی است که آن طولبه
نیز با چرخ بخاری حرکت می کند و این کشتی را میریزند بجا
که آب فراوان است و با طولبه مزبور حوضهای کشتی را
از آب شیرین پر می کنند بعد می آورند نیز یک کشتی
آب آردا با طولبه در میان حوضها یا چلیک و ظروفی
که بجهت آب در کشتیهاست میریزند چونکه اکثر اوقات
در اسلامبول در فصل تابستان و پانیز آب کم می آید
و باید از جاهای دور بیاورند کشتی که کوچک مزبور جنبی
بجا کشتیها مان میخورد و منقعت زیاد هم بجهت حساب

اشخاصی در اسلامبول تدبیر خوبی کرده اند از برای حمل
آب شیرین بجهت کشتیها که در لنگرگاه آنجا هستند از دولت
انگلیس یک کشتی کوچک آورده اند که با چرخ بخاری
که زور دارد و از ده آب دارد راه میرود و در میان کشتیها
که ششاد خرد را بگیر آنهاست و طولبه سجه خالی کردن
و پر کردن حوضهای مزبور نیز در روی کشتی است که آن طولبه
نیز با چرخ بخاری حرکت می کند و این کشتی را میریزند بجا
که آب فراوان است و با طولبه مزبور حوضهای کشتی را
از آب شیرین پر می کنند بعد می آورند نیز یک کشتی
آب آردا با طولبه در میان حوضها یا چلیک و ظروفی
که بجهت آب در کشتیهاست میریزند چونکه اکثر اوقات
در اسلامبول در فصل تابستان و پانیز آب کم می آید
و باید از جاهای دور بیاورند کشتی که کوچک مزبور جنبی
بجا کشتیها مان میخورد و منقعت زیاد هم بجهت حساب

اشخاصی در اسلامبول تدبیر خوبی کرده اند از برای حمل
آب شیرین بجهت کشتیها که در لنگرگاه آنجا هستند از دولت
انگلیس یک کشتی کوچک آورده اند که با چرخ بخاری
که زور دارد و از ده آب دارد راه میرود و در میان کشتیها
که ششاد خرد را بگیر آنهاست و طولبه سجه خالی کردن
و پر کردن حوضهای مزبور نیز در روی کشتی است که آن طولبه
نیز با چرخ بخاری حرکت می کند و این کشتی را میریزند بجا
که آب فراوان است و با طولبه مزبور حوضهای کشتی را
از آب شیرین پر می کنند بعد می آورند نیز یک کشتی
آب آردا با طولبه در میان حوضها یا چلیک و ظروفی
که بجهت آب در کشتیهاست میریزند چونکه اکثر اوقات
در اسلامبول در فصل تابستان و پانیز آب کم می آید
و باید از جاهای دور بیاورند کشتی که کوچک مزبور جنبی
بجا کشتیها مان میخورد و منقعت زیاد هم بجهت حساب

اشخاصی در اسلامبول تدبیر خوبی کرده اند از برای حمل
آب شیرین بجهت کشتیها که در لنگرگاه آنجا هستند از دولت
انگلیس یک کشتی کوچک آورده اند که با چرخ بخاری
که زور دارد و از ده آب دارد راه میرود و در میان کشتیها
که ششاد خرد را بگیر آنهاست و طولبه سجه خالی کردن
و پر کردن حوضهای مزبور نیز در روی کشتی است که آن طولبه
نیز با چرخ بخاری حرکت می کند و این کشتی را میریزند بجا
که آب فراوان است و با طولبه مزبور حوضهای کشتی را
از آب شیرین پر می کنند بعد می آورند نیز یک کشتی
آب آردا با طولبه در میان حوضها یا چلیک و ظروفی
که بجهت آب در کشتیهاست میریزند چونکه اکثر اوقات
در اسلامبول در فصل تابستان و پانیز آب کم می آید
و باید از جاهای دور بیاورند کشتی که کوچک مزبور جنبی
بجا کشتیها مان میخورد و منقعت زیاد هم بجهت حساب

اشخاصی در اسلامبول تدبیر خوبی کرده اند از برای حمل
آب شیرین بجهت کشتیها که در لنگرگاه آنجا هستند از دولت
انگلیس یک کشتی کوچک آورده اند که با چرخ بخاری
که زور دارد و از ده آب دارد راه میرود و در میان کشتیها
که ششاد خرد را بگیر آنهاست و طولبه سجه خالی کردن
و پر کردن حوضهای مزبور نیز در روی کشتی است که آن طولبه
نیز با چرخ بخاری حرکت می کند و این کشتی را میریزند بجا
که آب فراوان است و با طولبه مزبور حوضهای کشتی را
از آب شیرین پر می کنند بعد می آورند نیز یک کشتی
آب آردا با طولبه در میان حوضها یا چلیک و ظروفی
که بجهت آب در کشتیهاست میریزند چونکه اکثر اوقات
در اسلامبول در فصل تابستان و پانیز آب کم می آید
و باید از جاهای دور بیاورند کشتی که کوچک مزبور جنبی
بجا کشتیها مان میخورد و منقعت زیاد هم بجهت حساب

میکند و بنا دارند که چند فرزند اینطور کشتی از ولایت بخلیس
 بیآورند که هم آب شیرین بجهت کشتیهای لنگرگاه ^{سول}
 بیآورند و هم بجهت محلات و خانمانی که بر بیازندیکه
 و این کشتی را که حالا آورده اند تقایمانند
 در بعضی ممالک و نیکستان اشخاصی هستند که خوردن براس
 و عرق و هر چه از مشکرات باشد حرام میدانند و این ^{سول}
 در ولایت انگلیس و نیکی و بنای شمالی و دینارک ^{بعضی}
 از ممالک کوچک نیستند زیادند درین اوقات رعایای
 مملکت دینارک جمعیت زیاد کرده و رفته بودند بکارخانها
 که عرق می کشند صاحبان کارخانها که مشاهده این جمعیت
 زیاد را کردند تشویش نمودند که مبادا خرابی با آنها برسانند
 پیش رفته و با آنها پول داده بودند که نزدیک کارخانها
 نیایند آنها قبول کرده بودند و گفته بودند که ما آمده ایم که
 نگذاریم ازین شوربای جنم یعنی عرق بکشید درین اوقات
 که غله و سیب زمینی که خوراک خلق است کم یابند و
 وضع فاجعگی و مشورت میکند از صاحبان کارخانها عرق
 هر چه غله و سیب زمینی بستان می آید بخرند که این آب
 زقوم و دوزخ را که زهر جانگزا می خلق است از او کشند بجهت
 جمعیت مزبور هر جا که رفتند آتش کمل کارخانهای عرق کشی
 خاموش کردند اما بغیر از خاموش کردن آتش کارخانها
 بجز دیگر مطلقاً رض نشده و بقدر حجت ضرر و خرابی کارخانها
 مزبور رسانده بودند

درین اوقات چونکه کار خود را با تمام رسانده بود
 اراده مراجعت داشت در بین توقف این شخص در مملکت
 مزبور جمعیت زیاد از غله و عمله در زیر حکم او بود و چون
 همیشه با کمال خوش سلوکی و محبت با آنها رفتار کرده بود
 وقتی که میخواست برود اشخاص مزبور یک طرف بزرگ
 کار اعلی از نقره بجهت احترام شارالیه و اظهار رضامندی
 خودشان از او با یک پیشکش کرده بودند
 در لندن نیز مکرر هوا چنانچه در پاریس نوشته شد
 و بخار گرفته مانند شب تاریک کرده بود چونکه در شهر لندن
 ذغال سنگی زیاد میسوزانند در فصل پاییز و زمستان
 وقتی که بیه و بخار زیاد باشد و ذغال مزبور با این بخار
 و مه مخلوط میشود و هوای زیاد تاریک و غلبه می کند
 در روز مزبور که هوای این طور تاریک کرده بود کشتیها
 در رودخانه زیاد بهم خورده بودند و تیرهای کشتیها
 و چند ذوق کوچک نیز غرق شده بود و هوای نیز در آنجا
 قدری سرد گردیده که مانع تردد کالسکه بخار شده بود
 وقتی که هوا سرد می شود و بخی می بندد و چرخ آهن بر روی
 بخار درست گیر نمی کند و دیر میرود
 از سنت پترزبورغ نوشته اند که تباریخ جیت و هم
 رودخانه نیووا که از پای تخت مزبور میگذرد تمام یخبندان
 بود و ازین اوقات که رود مزبور یخ بسته است تا
 بهار سال آینده رود کشتی سوخت

۱۱۹

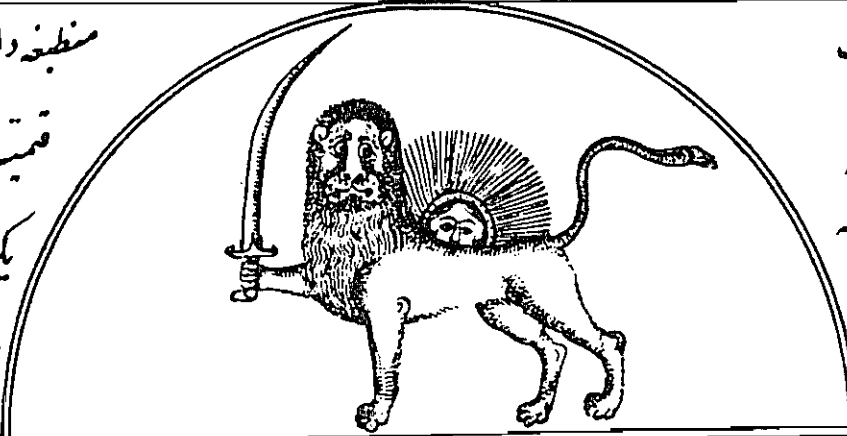
روزنامه وقایع الفایده تاریخ یوم شنبه بیستم جمادی الاول مطابق اول اسفند ۱۲۷۰

مذمه صد و شصت

قیمت روزنامه

یک نسخه شاه پریا

هر تان و چهار هزار



منطقه دار انخلاف طهران

قیمت اعلانات

یک خط ایچهار خطی

بیشتر با هر خط

اخبار و اخلاص مالک محروسه پادشاهی

دار انخلاف طهران

در روز چشنبه گذشته که بیستم این ماه بود
 اعلیحضرت پادشاهی عزیمت شکار کرد شکارگاه
 کوه سه پایه سمت دوشان تپه فرمودند و چون
 شکار کرد رسم سلاطین قدیم دولت علیه است
 و فی الحقیقه تفریح و تماشای خوبی است لهذا در روز
 سه روزی کوکب شکارگاه مرزبور جمعی از اقوال
 نظام باطل و بلبان و غیره و سوار بسیار از فلام و
 و سایر خدام درگاه سپهر حشام اطراف کوه مرزبور
 گرفته و هر چه شکار از وحوش و طیور بود پیش کرده
 بغراز کوه راندند و از آنجا بطرفی که موکب هایون بود
 سرازیر کردند و اعلیحضرت پادشاهی اولاب سوار
 از بزکوهی و سایر شکارها و غیره به تفنگ زده شکار کردند
 و بعد از آن تفنگچیان چای یک دست از اطراف بز
 شکار را مورد شکار بسیار از بزکوهی و سایر شکارها
 و کبک و غیره زده بعضی حضور هایون آوردند
 مورد انعام لوطخانه گردیدند و موکب هایون بعد از

فراغت از شکار و تفریح شکارگاه مرزبور وقت غروب
 آفتاب مبارک مبارک سلطانی و مقولت عظمی
 مراجعت فرمودند
 درین اوقات باقتضای رای جهان آرای هایون
 شایسته ای امر خطیر حکومت مملکت خراسان
 و زمانه فرمانی بنواب هزاره و الاتبار فرزند
 و زمانه فرمانداری ابر حلیل پیشکاری آن مملکت
 متولی باشیکری سرکار فیض آثار علیه التحیه و السلام
 بموجب فراین هایون بعهده مقرب انخلاقان
 میر افضل الله وزیر نظام سابق اذربایجان
 مرحمت و معوض و خلعت آفتاب طلعت هایون
 نیز در ازای حکومت و پیشکاری هر یک از
 شاهزاده و مقرب انخلاقان مشایخ غایت
 و اعطا گردیده و این اوقات حسب الامر قدس
 اعلیحضرت پادشاهی از دربار جهاندار مجمل حکومت
 و ماموریت روانه خواهند کرد

۱۰۲۰

نظر بطور رحمت و التفات ملوکانه در باره مقرب الخاقان
 حسین خان نظام الدوله درین اوقات یک نوب
 جبهه ترمه سفید از جانب سنی ابوجانب آفوس هما یون
 برسم خلعت بافتخار مقرب الخاقان مشارالیه رحمت
 و عنایت کردید

نظر بخدمت مرحوم محمد رضا خان فرامانی در عایت بر
 اولاد و بازماندگان او درین اوقات در حق هر یک
 از قرار تفصیل ذیل منصب خلعت رحمت کردید

عالیجاه سردارالدخان منصب سرهنگی قورخان مبارک خسته
 سرافراز و یک طاقه شال کرمانی برسم خلعت مشارالیه
 کردید

عالیجاه محمد حسین خان منصب علامه شیخ متی سرافراز
 و یک طاقه شال کرمانی نیز برسم خلعت با و عنایت
 کردید

عالیجاه میرزا حسن منصب سررشته داری در قراچه
 سرافراز و یک طاقه شال کرمانی برسم با و خلعت
 رحمت

عالیجاه رضا قلیخان در سردار القنون تحصیل علم میند
 برقرار و یک طاقه شال کرمانی برسم با و رحمت کردید

عالیجاه میرزا علی پسر مرحوم میرزا احمد خان برسم بلاخط
 خدمات با عطای یک طاقه شال سرافراز کردید

عالیجاه امیر اصلاخان سرکرده سواره جسته که با هزار نفر
 سواره ابو اجمعی خود ما مور خدمت خراسان بود درین
 اوقات که اخبار بدبارهایون شده بودند وارد

دار اسخلاق و مبارک کردید ند و لشکریان عظام
 سان آنها را دیده و بلاخط خدمات و زحمات آنها
 حسب الامر اقدس ما یون یکبار تو مان لغذار خزانه
 عامره برسم انعام بسواره مزبوره التفات شده خود
 عالیجاه مشارالیه نیز شرفیاب حضور مهر ظهور خسته و
 و مورد نوازشات ملوکانه کردید

چون کوههای طهران بسیار تنگ و کیف مستند و احتمال
 میرود که همان عفو منت کوچه مایه عفو منت هوای شهر و با
 حصول امراض مذمونه شود لهذا اولیای دولت علیه مجتهدین
 ملاحظه این معنی قراری درین باب داده حکم خویند فرمود
 که اولاً آن کوهچانی که بسیار تنگ هستند در هر جا که ممکن
 باشد وسیع نمایند ثانیاً کثافات حبسج کوچه چار بار
 کرده سنگ قشش نمایند که همیشه پاک و منقح باشد
 خصوصاً فصل زمستان که اگر کوهچاسنگ فرسش شده باشد

کثافت و کل کوهچاسار کم خواهد شد و عبور مردم
 خالی از زحمت و سخت خواهد گشت

چند شب قبل از خانه حاجی عبدالکریم قنداری در محله
 بازار از قرار تقریر آنها که در خانه مزبور بوده اند بسیار زیاد
 سرفت شده بود صبح بعالیجاه میرزا رضا که خدای محله
 مزبور خبر داده بودند و مشارالیه رفته ملاحظه نمود و بود
 رد پای بیخارج نداشته و معلوم نموده بود که از خارج کسی
 با آنجا نیامده بعد از دو روز خواسته بود آدمهای مشارالیه را
 آورده حبس نماید که اموال مسروقه را پیدا کند حاجی عبدالکریم
 برادر او ضامن توکرمای او شده بود که یک شب با آنها
 جهلت داده شود اگر بسیار مسرود قید انوار وقت

۱۰۲۱

آنها را بس نماید شبانه اسباب سر و قد را نگاه آورد
بجانه مر بوز انداخته بودند و اشیا سر و قد پنج ساعه
آنچه خود بکند هذا سیاه داده بودند بود که خود اهل خانه
خبر نداشتند و کمان کرده بودند که در صند و قهای دیگر
د نبرده اند

و اسم چنین جانمده خان قدما ری مذکور نموده بود که
آمده دیوار اطاق مرا سوراخ کرده و نقد و جنسی سبقت
برده اند عالیجاه میرزا رضای که خارقه ملاحظه نموده بود
که پشت دیوار مر بوز طویل خود مشارالیه بوده و مالها
در آنجا بسته بود آدم او را گرفته و بعد از تحسین کرده
لاند جنس سر و قد در نزد آدم خود عالیجاه جانمده خان
برده است تمام و کمال از او استرداد و بعضا تسلیم نمود

سارولایات

استرآباد از فراریکه در روزنامه اینولایت
یشته اند عالیجاه مقرب انخاقان محمد و لیجان بکیرگی
استرآباد با جمعیتی اغسا که منصوره سجهه انتظام امور
طالبه کولگان و میوت در یکمتری استرآباد نزدیک ناوچه
ترکانان مر بوزار دوزده است و راههای آنجا درین
بسیار است که یک نفر دود و نفر خالی از شوش عبور
مرور می نمایند و احدی از ترکانان جرئت دست انداز
ندانند در لبش سعیدان ترکان نیز نیز و مقرب انخاقان
مشارالیه آمده و بجایت این دولت قوی گنت پایدار
ستفله و امیدوار و اظهار کمال طاعت و انقیاد نموده
دیگر نوشته بودند که در استرآباد چند وقت پیش ازین

۱۲۲

شدید پاریه و هوا بش تی سرد شده بود که اکثر درختهای
نارنج و لیمو و غیره را چه برف گشته و چه سرما زده و بیخ
کرده است و در شب میت و نفتم ربیع الشانی ساعت
الطلوع صبح مانده زلزله در آنجا اتفاق افتاد اگر چه
مردم آنجا وحشت زیاد کرده بودند ولی یک حرکتی نداشتند
نبود و خرابی بجائی نرسید و کسی تلف نشد

خراسان

از فراریکه در روزنامه اینولایت نوشته اند
سیر خسی که از رؤسا و محترمین خراسان است اگر چه
خودش خدمت نواب مستطاب نیراده و الا اعتبار
نرسیده بود ولی منکام عبور قشون دولتی بطرف مر و
منتهای خدمتگذار بر نسبت بجا که منصوره بعن آورده که
وسیویات زیاد از خود بقشون مأموره داده بودند
سرگردانی عا که منصوره از طرز حرکات و حرکتکاری آنها
بسیار اظهار رضامندی کرده بودند و نواب مغزی لب
نظر بم اسم خدمتکاری مشارالیه یک قبضه شتر علف
طلابجهه او فرستاد با تلفات اولیای دولت علیه امیدوار
ساخته بودند

از فراریکه نوشته بودند طالبان فیول تن که در پنج فرسخی مر و
دارند و وقت رفتن قشون مأموره بهر و کمال خدمتکاری از
انها بعن آورده بودند و از خودشان گندم وجود بونجه از
هر یک بقدر هزار باره و دو بیت ریس کوسفند مبر و فرستاد
بودند و پانصد نفر سواره و پانصد نفر پیاده
لقنکچی هم روانه کرده بودند که بقشون مأموره
ملحق شوند

۱۶۰

از قراریکه نوشته بودند چندی پیش ازین قافله از بخارا
 وارد مرز شده بود درین اوقات از مرز حرکت کرده
 بودند که بارض آمدس بیاید سواره قره یابی خبردار شد
 سر راه قافله را گرفت بودند و ثت بارشتر آنها را
 غارت کرده بودند خبر بقئون و سواره مانوره رسیده
 بود فی الفور بر سر سواره مزبور تا حته شت نفرشتر را
 با بارش از آنها است داد و بقافله رسانیده وجود
 مراجعت کرده بودند

دیگر از قراریکه در روزنامه شهد مقدس نوشته بود
 چندی پیش ازین هوای آنجا سرد شده بود سجدیکه
 چند نفر از شت سرما تلف شده بودند از جمله
 نوشته اند که هفت نفر از شهر بیرون رفته بودند که
 شاید از زیر برف قدری همی بسیار و زنده تخمیناً یک
 فرسخ از شهر که رفته بودند سرما آنها را اچمال کرده
 مراجعت نموده بودند و سه نفر از آنها در وقت مراجعت
 از صدمه سرما وفات کرده و چهار نفر آنها هم که خود را
 بشهر رسانده بودند یک نفرشان در شهر از همان
 صدمه سرما تلف شده بود و هم چنین نوشته بود
 که قافله که از نیشابور می آمدند سه نفر آنها از شت
 سرما تلف شده بودند

مزمزه

از قرار روزنامه این ولایت که در غزه اینجا نوشته
 هوای آنجا تا چند روز بشدت سرد شده است که
 بچکس از پیر مردان و مومنین چنین سرما بنجا حتمی است

یک روز و یک شب برف شدید آمده است
 بطوریکه در شهر بقدر نیم ذرع بلکه بیشتر برف زمین
 آمده است و در بلوکات و سیلاقات زیاد تر با یکدیگر
 بعد ازین برف هوا صاف شده و آفتاب تا افتا
 با زمانه روز با وصف آفتاب بطوری هوا سرد
 یخ بدان شدید بوده است که تا سه روز جمیع بار
 و دکا کین رسته بودند و احدی قدرت و طاقت
 بیرون آمدن و کار و کسب نداشته است از جمله و نفر
 از کرتهای بازار که در بازار خوابیده بوده اند از شت

سرما سیاه گردیده بودند و هم چنین دو نفر غسل که
 استادان شان آنها را بکار واداشته بودند از سرما
 بی طاقت شده و دستشان از کار مانده بود بعد از آنکه
 آنها را اینجا آورده و گرم کرده بودند تلف شده است
 و اگر شیشهای آب لیمو و سرکه و کلاب و غیره با آبیکه
 در جاهای محفوظ بوده اند مگر پنج بسته شیشها فروخته و آن
 در شیشها بوده تبریک همان شیشها منجمد سخت شده بودند
 حتی در خانهای تجار نوشته بودند که سه چهار اقامتین
 که آب داشته اند بطوری یخ بسته بودند که ظرف آنها
 سه چهار پارچه شده بود و هم چنین از حول و حوش
 شهر نوشته اند که سرما در آنجا بیشتر ظهور داشته است بطوریکه
 آدم و اشتر و غیره هر چه در راه بوده اند اغلب از سرما و
 تلف شده اند و در بافق بقدر سه هزار و در ارکان بقدر

یک هزار و سی که سفد از سرما تلف شده اند و در نفر هم در قریه
 نیت تا ملک دچار کرک شده و کرک آنها را پاره کرده بود
 با جمله سال در آن صفحات هوا را بشدت هر چه تا تهر سرد کرده است

۱۲۳

اخبار دول خارجه

انگلیس تاریخ کاغذ آخر که از این ولایت رسید
 دهم ربیع الاول بود و نوشته بودند که که توک ده پیرا
 ولعهد دولت بلر که بار و جاش بریدن پاوشا
 انگلیس آمده و مدتی در آن ولایت اقامت داشتند در
 ششم ماه ربیع الاول از لندن بیرون آمده بودند که پونا
 خود مراجعت نمایند
 دیگر نوشته بودند که کانت ولوسکی سفیر کبیر از جاب
 اعلیحضرت امپراطور فرانسه مقیم لندن که چند وقت بود
 پاریس رفته بود درین اوقات بلندن مراجعت کرده

فرانس

در فصل پانزیم سال در مملکت فرانسه بجهت کاشتن
 تخم پانیزه هوا بسیار خوش و مناسب کاشته و در
 جانی تخم زیاد کاشته بودند و بعد از انعام کاشتن
 تخم پانیزه رعایای زیاد بیزار ما و قصبات و ابو کات
 شهرهای فرانسه می آمدند و داد و ستد غله در آن ولایات
 فراوان می شد و غلّه هم که از خارج به بنا در است
 فرانسه آورده بودند بسیاران ولایت رسیده و بفردش
 رسیده بود و این جمله باعث مزید اطمینان انانی آن ولایت
 گردیده و در اکثر جایهای آن ولایت زرخ غله رو بتزل بود

در باب کشتی کردن اولاد پادشاهان قدیم فرانسه نوشته
 که والده نوه لوی فیلیپ که کانت ده پاریس میباشد
 وقتی که درین باب با مصلحت کرده بودند گفته بود که کبیر
 صغیر است و لکن کم مانده است که کبیر بشود من حالایم

جواب این مطلب را بدسم و لکن از قراریکه میدانم هر وقت
 سپرد من کبیر بشود و اختیارش بدست خود س با
 سجدت نیزی سینگ خواهد رفت

در کشتی سازخانه که در بعضی شهرهای کنار دریا در مملکت
 دارند درین روزها در کشتی بزرگ تازه ساخته و با
 انداخته بودند و در شهر برت نیز یک کشتی دیگر که جای
 صد عاوه توپ دارد و با آب انداخته اند و چرخ بخار
 روز ششصد و پنجاه اسب دارد و اسمش انی بال است
 و در شهر طولان نیز کشتی که جای صد عاوه توپ دارد
 تمام کرده اند و اسمش فلاروس است و بچرخ بخار
 و در کل اعمال کشتی سازخانه و قورخانهها کار زیاد
 میکردند

سنگی و نیای شمالی

تاریخ کاغذ آخر که از شهر نیویارک سنگی دینار رسیده
 بیت و چهارم صفر بود و نوشته اند که آتش بشهر نیویارک
 افتاده بود و در دو جا در یک جایش باب خانه سوخته
 بود و در جای دیگر نه باب خانه و دولت هزار تومان
 سحاب پول ایران اموال مردم در سوختن این خانهها
 تلف گردیده بود
 احوالات صفر

از اسکندریه مصر در ماه صفر نوشته بودند که چون در کشتی
 مالک سمت جنوب فرنگستان اسال غله کم آمده بود
 و کشتیها از فرنگستان بمصر می آمدند و غله زیاد بار کردند
 از آنجا میبردند و چاکران دیوانی مصر توشش کردند که از
 آن ولایت غله کم یاب شود قدغن کرده بودند که غله از آنجا

سجای نبرد تجار مقیم اسکندریه از جد و راین حکم چون
 بسیار متضرر میشدند پاشای مصر عرض کردند که قرار بند
 غله که تجار خریده اند و در انبارشان موجود است اذن
 بیرون فرستادن داشته باشند و درین باب این
 دولت چند بار مشورت کردند آخر الامر پاشای مصر
 داد که غله که در خود اسکندریه دارند بیرون بفرستند
 و لکن قدغن کرده بود که من بعد غله بجهت خارج فرستادن
 از مصر با اسکندریه که کن رآن مملکت نیارند تا مایح
 صد و راین حکم هر کشتی که غله بار داشت و داخل محمودیه
 شد بود اذن داده شد که با اسکندریه بیاورند
 بعد از آن قدغن شد که کشتیها که بارشان غله است
 بنهر مزبور داخل نشوند
 در بعضی راههای نزدیک بشهر پاریس میلهای این
 مانند این که در راه آهن بجهت تردد کالسکه بخار میکشند
 و کالسکه بروی او گذاشته اند و لکن در عوض خرچ
 و داسب بجای که منور بسته اند چونکه خرچ که در روی
 میل آهن حرکت بکند بسیار آسان میرود و داسب کالسکه
 بزرگ را که مشقت و پنج نفر در آن می نشینند راه میرود
 و بسبب اینکه این کالسکه خرچ و داسب و یک آدم
 ندارد و این اخراجات بسیار کم است لکن پولی که از
 بجهت نشستن در کالسکه منور میکشند مبلغ جزئی وارد داده
 در شهر پاریس بعد رینم فرسخ ازین راه را ساخته اند
 و رآن راه کار میکند و چونکه منفعت میکند گمان دارند که در
 جایهای دیگر پاریس نیز این راه را ساخته و متداول
 نمایند و در نزدیکی شهر لندن نیز بنا دارند اینطور از آنها

در ساختن کشتیها در فرنگستان و در یکی دینای
 درین لها زنی زیاد کرده اند در قدیم کشتیها را بر یک
 مرغابی می ساختند آنوقت تند رو نبود و وقتی که دریا
 موج میکرد کشتی با امواج بالا میرفت و پائین می آمد
 حال کشتیها را دراز و باریک می سازند بر یک
 و بزور خرچ سنجار که دارد امواج را می شکافد راه میرود
 و کشتی سنجار که درین ایام می سازند متشدد و زرع بلکه بعضی
 نو و زرع طول دارند سابقا کشتی سنجار که بدینا میرفت
 بروی سم بیشتر از ساعتی سه فرسخ مسافت طی نمیکرد
 اما در این اوقات چنان ساخته اند که در سفر هزار و
 پانصد فرسخ در هر ساعتی پنج فرسخ مسافت طی کرده است
 اکثر کشتیهای تجار تیز رو را حالا از چودن می سازند
 اینکه چودن نسبت بچوب خرچش بسیار کمتر است
 میتوانند از چودن کشتی دراز سازند اما کشتی که
 خیلی طول داشته باشد از چوب ساختن بسیار مشکل است
 در خصوص ساختن کشتی بطرح نوهند سین کشتی سازان
 در شهر لندن جمع شده اند و در آنجا کشتیها بنا
 که بجز محیط اطلنبتیک که محوش از همه دریاها بلندتر
 و بیشتر است سفر کرده بودند و در جاهای بزرگ که در ربع
 ارتفاع دصد و چهل و زرع طول است در آنجا دیده بودند
 و معلوم شده بود که هر چه کشتی دراز تر باشد بجهت
 شکافتن امواج بزرگ بهتر است
 شخصی در مملکت انگلیس سبابی ساخته است که بجهت
 راهها و کندن سنگستان و کوهها بسیار بکار میجورد

۱۰۲۵

کالکه بخارا که راه ریاد ارتفاع داشته باشد نیتوا
 کار کند و در بعضی جاها لابدند که کوه را بشکافند که زمین
 هموار و مسطح باشد و شکافتن کوهها بابل و کلنگ و
 بار و ط و غیره اجزای زیاد است و بسیار مشکل بود
 حال این شخص چرخ ساخته است که کوه و سنگ زنا
 سختی که باشد میسکافد و چهار ذرع و نیم قطر اسواخ
 می کند و در هر دو ساعت نزدیک بیک ذرع میسکافد
 با چرخ بخارا کار می کند و چهار نفر آدم می خواهد که چرخ میزور
 راه ببرد و شبانه روزیم کار می کند معطلی که دارد در
 که باید بعضی اوقات اسباب آن که از تراشیدن
 سنگ کند و شکسته می شود عوض کرد و تیز نمود و
 در ولایت انگلیس خوب امتحان شده است
 در جزایر قبرس در روس و سایر جزایر یونان آن سمت
 چون غلبه سبب آنکه فرنگها زیاد از آنجا بخارا میسکافند
 کم یا بیشتر بود قدغن شده است که بعد از این از آن
 جزایر غلبه بخارا میسکافند در جزیره قبرس فراج جمع شده
 و اعتشاش نیز کرده بودند و لکن چاکران دیوانی رزق
 نایزه افتشاش را خاموش کردند خلق در آنجا رسیدند
 بودند که غله کم یا ب شود و تنگی بکشند جمع شده بودند
 که گاه از غله بخارا میسکافند در فصل پائیز نیز هوای خشکی گذشت
 و بادندگی درستی نشده بود و باین سبب تشویش
 خلق در باب محطی زیاد بود بعضی از جزایر که چک یونان
 که غله بقدر کفاف خلق در آنجا باطل نمی آید و باید از
 خارج سجزند ازین سبب بسیار تنگی کشیدند چون که نیتوا
 بودند سبب این قدغن از سایر ممالک نزدیک غله

۱۰۲۶

بیاورند حال اذن داده اند که سجزایر میزور غله که لازم باشد
 از سایر ولایات آن اطراف که نزدیک است میسکافند
 یک نفر سیاح که روزنامه سیاحت خود را نوشته است
 درین روزها سجزیره ماژینیگ رفته بود و در کوههای
 دهنه حسته بود که گویا در کل دنیا دهنه باین بزرگی نبوده
 و از قواری که نوشته بود مانند شقیق هارود بود و طاق
 و ستون و اطرافها و غیره داشت که همه در زیر کوه مانده
 بود و از زمین که در روی دهنه میزور بود معلوم می شد
 که زلزله او را در زیر خاک کرده است بطوریکه در ایام
 طوفان حضرت نوح که کل کوه زمین را آب گرفته بود
 آب با آنجا نیز رسیده بوده است و مانند شهر بزرگی بوده
 که روشنائی آفتاب و ماه و ستاره و غیره در او نمود
 باشد و در قوه هیچکس از اهل این زمان نیست که طاق
 و ستون و بالاخانها و بیوتات بآن طود بسازد
 در شهر پاریس خانها آتش گرفته بود اگر چه نظام
 آتش خاموش کن که در آنجا بسیار جایک و ما هر
 هستند زود جمع شده بودند و لکن با جمع شدن آنها
 هفت خانه توبرک سوخته بود
 در روزنامه سابق نوشته شده بود که در یکی از
 کوهک من که بعدن می نامند کیشان را می گرفتند
 و حبس دیوان میگردند همیشه را درین روزها
 نوشته اند که باین کیش بزرگ آنولایت و چاکران
 دیوانی سحشی شده بود و آن کیش دولت را نفرین

کرده بود حکم بکشیشان کرده بود که در وقت نماز خان
دولت را تفرین نمایند و کیش که دولت را تفرین میکرد
چاکران دیوان اورا گرفته حبس میکردند و چون در بعضی
جایها خلق میخواستند که از چاکران دیوان کیش را
گرفته محبوس نمایند این مرهله باعث اغتشاش خلق
آنجاشده بود

در روزنامه اصمیر نوشته اند که درین روزها در اسلامبول
بسیار پول قلب در میان خلق رواج بود نظام صلبیه
اسلامبول نامتی نتوانستند تحقیق این مطلب را نمایند که این
پول قلب از کجایم آید و در کجا ساخته میشود تا آخر معلوم
نشده بود که مردمی که این پول قلب را میزدند در جزیره
سیره که یکی از جزایر کوچک یونان است بودند ایلی یونان
که در اسلامبول بود مراتب را پادشاه یونان عرض
کرده و پادشاه حکم کرده بود که در آنجا تجسس میکنند
خیلی جستجو کردند در بار اول کسی را پیدا نکردند و لکن ضحاک
در اسلامبول این پول قلب را بیخ می دادند و رواج میکرد
دستگیر و محبوس گردیدند بار دیگر که در جزیره سیره جستجو
کردند چند نفر بدست آوردند حبس کردند که تحقیق شود
یکی از آنها با اسلامبول رفته بود و سبب رفتن اورا
نتوانستند که آشکار نمایند لکن داشتند که بجهت رواج کردن
پول مزبور رفته باشد چنانکه معلوم میشود حال سال
که این پول قلب را در جزیره سیره میزدند و این پول
بسیار زده و بخارج فرستاده اند و باعث ضرر زیاد
در میان خلق شده است

ایضا در روزنامه اصمیر نوشته اند که شخصی بکوشش
س

رفته و چند نفر بدو خود جمع کرده و بنای دزدی و چاق
کذاشته بود چاکران دیوانی آنجا بعقب مشا را بر گرفته
بودند که اورا بگیرند چونکه عرصه را تنگ دیده بود نیز چاکران
دیوان پنعام فرستاده بود که از او دست بکشند و از
بنیاد داشت که بنزدیکی اصمیر برود باز چاکران دیوان اورا
تعاقب کرده بودند که بگیرند شب خودش و همراهانش دو
ر زورق کوچک از ماهی گیری در دیده و از آنجا بنزدیکی اصمیر
رفته بودند پاشای اصمیر مطلع شده و آدم عقب آنها فرستاده
بود که آنها را بگیرند

گفتگوی مابین عکجات و صاحبان کارخانهای بعضی
شهرهای انگلیس باز در میان بود و ضرر کلی بهر دو طرف
میرسید و لکن بر سر خوردگی و اغتشاش در میان
نشده بود در بعضی شهرهای مملکت ایرلند خصوصاً در شهرهای
کارک و لمونچین سیل آمده و آب در کوچهها بالا گرفته
از رودخانه زورا آورده بود که در کوچههای شهر زورق کاه
میکرد و در ذرع آب در کوچههای شهر بالا آمده بود و اطفا
تحتانی وزیر مینستی خانهای آنجا همه در زیر آب مانده بود
و بجهت مردمی که در بالا خانهای آنجا لکن داشتند نان و
ادویه و غیره بزورق گذاشته برای آنها میبردند و لکن
ازین سبب بیشتر از یک خانه در آنجا خراب شده بود
و نصف پل رودخانه که از شهر مزبور میکند و نیز خراب
شده بود

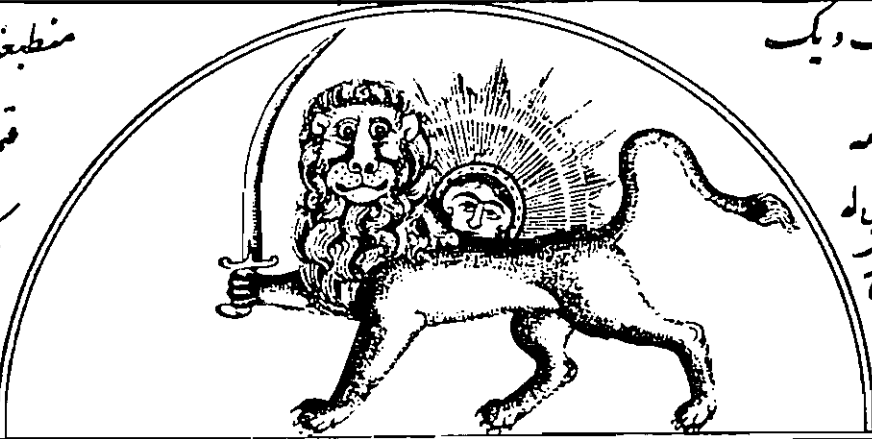
۱۰۲۷

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم شنبه دوم ماه جمادی الثانی مطابق سال اول ۱۲۷۰

نمره صد و هشتاد و یک

منطقه دارالخلافه طهران

قیمت روزنامه
یک نسخه ده هزار
وقایع چهار هزار



قیمت اعلانات
کلیه احوال مطبوعه از
بیشتر به هر چه

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

اعلیحضرت پادشاهی در روز یکشنبه گذشته بوقت
کشت و تفجیخ اطراف دارالخلافه مبارکه سوار شدند
و چون درین اوقات هوای دارالخلافه طهران و اطراف
نهایت خوبی و اعتدال راهم رسانده است موب
هایون تا نزدیک غروب آفتاب بتفجیخ و کشت اطراف
دارالخلافه مشغول بودند و نزدیک بغروب آفتاب
بارک مبارکه سلطانی و مقدر سلطنت عظمی بر
فرمودند

۱۰۲۸

رسیده باشد و نیز جمله اینکه در شب این مکرک باریک
در اطراف دارالخلافه خصوصا در کوهپایه های شبانه
مکرک پنج سبت و اگر روز بود احتمال سیل و خرابی میرفت
و مکرکی که در شهر بارید در بعضی جاها که آفتاب کبر نبود
تا سه روز دوام کرده بود که سقایان جمع کرده بجای
یخ و برف مصرف میکردند

چون نواب مستطاب شاهزاده و اولاد با رمویله الله
طهاسب میرزا حکمران مملکت فارس در اسطخام ام
مملکت فارس در کرسیات و بنا در ات آنجا تمام
کافی و سعی و انی عمل آورده و مراتب استقامات نواب
معزی الیه مشهود خاطر اقدس هایون پادشاهی
و امنی دولت علیه گردید لکن درین اوقات
نظر بطور رحمت لمکانه در باره نواب معزی الیه
یک قطعه نشان امیر تومانی با حایل مخصوص این بر
و یک شوب حبه ترمه برسم خلعت از جانب
سنی ابجوان حضرت اقدس هایون پادشاهی
با عازاد و افتخار نواب معزی الیه غایت گردید

در شب جمعه هفتگانه گذشته طوفان و رعد و برق در
دارالخلافه مبارکه شدت کرده و بعد از آن مکرک باریک
بطوریکه درین سنواة کمتر این طور مکرک بدارالخلافه مبارکه
آمده بود و آن مکرک به بزرگی فذق بلکه درشت تر بود
شبها و پنجره های اطاقها که بست غریب باز می شدند
بسیار برایشان کشته و در بعضی جاها دیوارها از شدت
باد و مکرک خراب گردید ولی چون شب بود از تیار
وحیوانات نرسید و شنیده نشده است که کسی ایست

امورات قشونی

افواج قاهره نظام متوقف دارا محلا و مبارک درین اوقات
که هوا خوش گردیده است همه روزه در میدان مشق خارج
در وازة دولت مشغول مشق نظامی هستند و صاحب منصبان
افواج قاهره و معین کمال مراقبت و اهتمام در مشق و انتظام امر
آنها دارند

و هم چنین سوار نظام نیز همه روزه استمرا در میدان
خارج در وازة دولت مشغول مشق میشوند
فوج دوم و فوج چهارم تبصری را درین اوقات ^{بسیار} کثرت
عظام سان دیده و موجب آنها را حسب الامرهای یون
در اطاق نظام دادند

عالیجاهان مادی خان سررب فوج تربت و ^{علیجان} نیشابوری و
سرربک فوج تربت با اتفاق نواب مستطاب شاهزاده
والا تبار فریدون میرزا فرمانفرمای مملکت خراسان مأمور
و این روزها در خدمت نواب معزی الیه روانه مقصد ^{خود} شدند

اعلانات

المعالم ستر و کات موسیوزنظی صاحب منصب ^{مندی}
که چند وقت پیش این فوت شد در روز شنبه
اینده که هفتم ماه جمادی الثانی است بقاعده هراج
در خانه که منزل خودش بود نزدیک بدر وازة فروین
فرخته میشود و ابتدای هراج دو ساعت قبل از ظهر
روز نبرد است

سایر ولایات

ازر بایجان درین هفتة اخباری از اذربایجان
نرسیده است که در روزنامه نوشته

مازندران

از فرار یک در روزنامه این ولایت نوشته اند
رستان اسال در آن ولایت نیز بارندگی زیاد شده
در برف بسیار آمده و هوا بشدتی تا چند روز سرد
بوده است که اکثر درختهای نارنج و لیمو و سایر ^{گیاهات}
سرمای صایح کرده و راههای مازندران ^{بسیار} بست
همه جاتا سرخ حصار برف سنگین بوده و در گردن ^{فرورد}
چند نفر مکار را با چند رس قاطر سرما و بوران
کو لاک تلف نموده بوده است

قسم

از فرار یک در روزنامه این ولایت نوشته بودند
دوازدهم ماه گذشته عالیجاه مظفر الدوله سردار
سلطانعلی خان که از دربارهای یون حضرت انصاف
حاصل کرده از راه یزد و کرمان روانه قندهار ^{بود} و
قسم شده و عالیجاه مقرب انخاقان ذوالفقار خان
کمال احترام از او بعل آورده و جمعیت زیادی ^{ارکس}
اصناف و نوکر با استقبال او فرستاده بودند و بعد
وارد شدن با آنجا برای تهنیت ورود چند مجموعه شیرینی
بمزل او فرستاده و خود هم بیدین اورقه بود و
سیورات او را نقد و اجتناباً موافق حکم اولیای
دولت علیه بطور شایسته رسانده بود

دیگر نوشته بودند که در پانزدهم ماه گذشته حجاب
که از دارالایمان قسم زیارت بیت الله الحرام ^{رفت}
بود و یکی صحیحاً و سالماً با وطن خود برگشته
دیگر نوشته اند که عالیجاه مقرب انخاقان ذوالفقار خان

۱۰۲۹

در رفاه حال رعایای آنجا نهایت اهتمام معمول
دارد و هم چنین در حسن سلوک و روانسم محبت
با نامورین دیوان که از آن ولایت میگذرند کمال
مراقت را بعل می آورد و امانی آنجا زیاد می شود
و عاکوی این دولت قوی گشت پایداری در خصوص سبب
تحقیق که سبب شکستی احوال و نقص زراعت آنها از
دیوان اعلیٰ محنت شد است

دیگر نوشته بودند که چند وقت پیش این شب خان شخصی
سینه گر را با دو خان دیگر در سیاهی روز زده و در
سبب از آنها سرقت کرده بود شخص مزبور در وقت
خبر نموده و دار و نه شخص اموال سر و قد آدم با طراف

فرستاده بود در بیرون شهر آدمهای دار و نه طفلی را
دیدند آن طفل از آنها جو یا شده بود که عقب چه
میگردد گفته بودند که عقب در زاده ایم آن طفل گفته بود
که در خرابه که درین نزدیکی است شخصی بچه رخوتی در کار است
می بند و آدمهای دار و نه رفته بودند او را بگیرند آن شخص
بچه رخوت را در هاجا انداخته و خود فرار کرده بودند آنها
اسبابها را بر داشته بنزد دار و نه آورده بودند و
طافه شال بوده است که در نزد سینه گر مزبور بگردد
بوده است و بعضی اسباب دیگر که مال همان سینه گر
و متاسفانه او بوده است همه را بصاحبان تسلیم کرده

فارس

از فرار یک در روزنامه این ولایت نوشته بودند
مستطاب بنزاده دالاتا بموید الدوله طهاب میرزا
حکمران مملکت فارس که سبب انتظام امور که میرات رفته

بودند درین اوقات در صفحات لایپ پاسند
عالیجاه حاجی محمد رحیم خان هم که در جزیره مزبور بود
این اوقات از آنجا به بندر آمده و از آنجا سجدت نوشت

معرفی الیه آمده بار دو ملحق گشت

دیگر نوشته بودند که عالیجاه مقرب انخاقان عبداللہ خان
صارم الدوله فوج خود را با کمال نظم و انضباط راه
که بهیچوجه از احدی از احاد سر باز در آن صفحات خلاف
قاعده ناشی و صادر نشده است ولی از فرار یک نوشته بودند
سبب است سر مای عن ایشیر از چهار نفر از سبب رفته اند
چند نفر هم با ایشان مجروح شده بود که در شیراز معاینه
مکنند

پرو

از فرار یک در روزنامه این ولایت نوشته اند چند وقت قبل این
اموال شخص صرافی را بربقت برده بودند عالیجاه میرزا کوچک خان
پیشکام حسب حکم مقرب انخاقان محمد یوسف خان سر جنب سبب
قیمت از اشتهاد بک تمان از خود داده و از دار و نه و که خدا با
الترام گرفته بود که اموال سر و قد را پیدا نماید از آن دو نفر سارق قزوینی
تاجیرا برده بودند بیت آمدند مال تاجر سر داد و بصیال تسلیم و آنها را در سبب
که شاید مال صرف هم در نزد آنها بر روزگار درین اوقات با چه از مال صرف
در دست طفلی دیده بود عالیجاه میرزا کوچک خان دو نفر بزدلی که ک
آن طفل بودند گرفته با آن دو نفر سارق قزوینی که در سبب بودند حاضر
قد عن نموده بود که اگر اسب مال صرف پیدا نشود چهار نفر
سیاست خواهند شد سبب آن اموال صرف را تمام و کمال
آورده در شارع علم بخت بودند صبح صرف مزبور را حاضر
کرده و مال او را با جماعت تسلیم نموده بود ولی سارق اموال
مزبور هنوز معلوم نشده است گشت

اصفهان

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند چند وقت قبل از
 چند روز هوای اصفهان بطوری سرد شده بود که برای مردم
 بیرون آمدن از خانه شان بسیار صعب و مشکل بوده است
 و چون در سال گذشته هوای آنجا سرد نبوده است و
 نتوانسته بودند در پنجاهها درست بخت بیدارند و در تمام
 سال مردم قدری بدگذشته بود و امسال هم که در
 چند روزه هوا سرد شده بود پنجاهها بانان ملاحظه شد
 سرما و شفت اهالی در انداختن بخت داشته اند و در این
 خیال بوده اند که در سال آینده بسبب قلت بخت
 آنها زیاد باشد لهذا علیجاه چرافعلی خان نایب الحکومه
 اصفهان ملاحظه رفاه حال عموم اهالی آن ولایت تمامی که در
 محله را حاضر کرده الترام گرفته بوده است که سه روز
 تمام پنجاهها را مملو از بخت نمایند و اگر عمده کم باشد از اهل همان
 محله چهل نفر عمده ادا نمایند که روزی در پنج بیدارند و خود پنجاه
 مشارالیه در آن دو سه روزه در دو سه محله بر سر
 پنجاهها حاضر شده در مدت سه روزه پنجاهها را مملو
 از بخت کرده بودند و از اتفاقات بعد از آن هوای آنجا چنان
 اعتدالی بهم رسانده بوده است که در هیچ جا آب بخت
 دیگر نوشته بودند که علیجاه چرافعلی خان نایب الحکومه
 در انتظام امور ولایت و تحصیل رفاه و آسودگی اهالی هر یک
 از بلوکات اصفهان و نظم امور جبهه خانه و قراولخانه
 آنجا کمال استقامت دارد و همیشه خودش بهر یک از بلوکات
 سرکشی می کند و اگر بر عیت اجمالی شده باشد رفع می نماید

و دیگر نوشته بودند که در این اوقات در فزیدن یک نری
 وضع حمل کرده بیک شکم دو پسر و دو دختر و همان ساعت
 که وضع حمل نموده یک پسر و یک دختر با خود ضعیف
 فوت شده اند و یک پسر و یک دختر از نرد بوده
 و هنوز زنده میباشند

اجبار دول خارج

انگلیس گفتگویی که مابین بعضی از عمده جات
 و صاحبان کارخانهها و معادن و غیره در میان بود
 تفصیل آن در روزنامه های سابق نوشته شده است
 در اکثر جایها باز در میان است و رفع شده است
 مگر در ویکن که در اینجا نیز سابقا معادن پنجهان ذغال سنگ
 کار میکردند و مزد زیاد از صاحبان معادن و اوقات
 خود میخواستند اما در این اوقات بهمان فرار داد
 سابق راضی شده و مسئول کار گردیده اند چونکه
 که صاحبان معادن بیش از و آرد اد سابق نمیشدند
 بدینند از آنچه بهمان فرار راضی شده اند و در شهر
 پستین که شهر بزرگی است در سمت شمال ولایت
 انگلیس و کارخانه های زیاد از ساختن قماش و پنجه
 و پشم در آنجا است این گفتگو باز در میان عمده جات
 و صاحبان کارخانهها بود و لکن با اینکه در شهر بود
 و اطرافش بقدری هزار نفر عمده بسبب این گفتگو
 و مطالبه اجرت زیاد بی کار مانده بودند و صاحبان
 کارخانهها بیش از و آرد سابق نمیدهند مع ذلک هیچ
 بر سر خوردگی و اعتدال در آنجا شده است

۱۰۳۱

در باب مملکت ایرلند در روزنامه های انگلیس می نویسند که
 اوضاع اهل این مملکت نسبت به ایالت های سابق بسیار
 کرده است با توجه کثرت خلق و کم بودن زمین استعجاب
 رعایا و زارعین بتسکی و عسرت میگذرانند حال که
 از خلق ایرلند بسیاری بخارج رفته اند خصوصاً پیشکین دنیا
 شمالی و معادن طلای کلی فارینا و استرالیان از برای
 آنها که در ایرلند مانده اند وسعت و رفاهیتی حاصل شده
 و آنها که بمعادن طلا رفته اند کم و بیش پول از برای اقوام
 خود که در ایرلند مانده اند میفرستند و اقوام آنها نیز چون
 می بینند که برای آنها پول می آید خودشان نیز طالب
 تحصیل پول شده معادن مزبور میروند و یک سبب
 ترقی و خوب شدن احوال و اوضاع خلق ایرلند هم این است
 که ترقی و در اغلب راههای دنیا در این روزها آسان شده
 و با اخراجات جزئی میستوانند بولایات بعید برفتند

۱۰۳۲

سبب بسیار فایده بخشیده است و لکن در بعضی شهرها
 که جمعیتشان زیاد است پاک نگاه داشتن هر جانی
 بطوری که لازم است پاکیزه نگاه بدارند بسیار مشکل است
 وزیر مختار دولت انگلیس که سی و هفت سال مفیم مملکت
 بود حسب انخواستش خودش درین روزها بولایت
 انگلیس مراجعت کرده است چونکه مدتی بود که در آن مملکت
 اقامت داشت و بحسن سلوک و تدبیر مشهور بود هم
 در آن ولایت از مراجعت وزیر مختار مزبور بسیار متعجب بودند
 و خود پادشاه و بنامرک او را بمهمانی طلبیده بود و در وقت
 رفتن و بعد از آن مملکت و کل ایلیان و صاحب منصبان
 سفارتخانه های دول خارجه که در آن مملکت بودند تا کنون
 در پامشارا به رامشایق نمودند

فرانس

در بین تحقیق که در خصوص مقصرین دیوان درین ولایت
 کرده اند که بنیاد استند لویی ناپلیان را بگشاده معلوم
 بود که در میان این مقصدین خبیث از هر قسم مردمان
 بودند بعضی از آنها بودند که را ایشان بد و باره بر ما
 دولت جمهوری بود و بعضی هم طرفداری اولاد لویی
 منظور داشتند و برخی هم سلطنت اولاد پادشاه
 قدیم فرانسه مایل بودند اما در کشتن لویی ناپلیان
 فرانسه همه با هم اتفاق کرده بودند و در میان اینها
 اشخاصی نیز بودند که امپراطور فرانس بقا تقصیر آنها را
 عفو فرموده بود درین اوقات باز دوباره بقصد کشتن
 با این مقصدین متفق شده بودند حال اگر آنها را گرفته مجبور

ناخوشی و با باز در مملکت انگلیس بود و در بعضی از شهرها و قصبها
 روزی ده نفر ازین ناخوشی میروند اگر شهرهای آنجا که این
 ناخوشی در میان است در سمت شمال ولایت انگلیس اند
 از فرار تحقیق و تفریر کل اطبا در آنجا که این ناخوشی زیاد
 تاثیر می کنند میان خانهای فقراست که جایشان کثیف
 و جمعیتشان زیاد است از جانب دیوان حکم شده است
 بجهت پاک کردن شهرها و کوچه ها و خانه ها و سفید کردن اطفا
 و هر کس بعد از شنیدن این حکم دیوان خلاف از او بکند
 دیوانیان او را جریمه می کنند و کوشش دیوانیان درین

سینکی و نیامی شمالی

در بعضی شهرهای این مملکت آتش زیاد در این ایام افتاد
 و در یک شهر خانهای زیاد سوخت است و پانصد هزار
 دالار که تخمیناً دولت هزار تومان بحساب پول ایران است
 اموال مردم تلف گردیده است و در شهر دیگر یازده
 بزرگ سوخته است و بعد بمشاد هزار تومان اموال مردم
 تلف گردیده است و در لویسویل بیت ابار سوخته و
 اموال تلف شده است و در شهرهای دیگر هم کم و بیش
 خانها آتش گرفته و سوخته است

احوال متفرقه

در روزنامه مملکت اند نوشته اند که شب روشنائی
 غریب و آبخا دیده اند مانند فشک آتش بازی و در
 یک جانی هم یک سنک از آسمان افتاده است
 از اطباء در فلکستان خیال می کنند که این روشنائی
 در آسمان مناسب بناخوشی و بادارد

شخصی مهندس که مدتی در مملکت روس سیاحت کرده بود
 درین اوقات بشهر پاریس که وطن او بود مراجعت نمود
 بود بشهر که رسیده بود یک دزد چابک دست سجدان
 او را که رخوت و غیره در میانش بود سرقت نمود چند
 مزبور بنظام ضبطیه که پولیس میامند اجبار کرده و گفته بود
 که چندان در قید رخوت و غیره که در سجدان بود نیم و گن
 نقشه و کاغذها در میان سجدان بود که کم شدن آنها
 حیف است زیرا که در مدت چند سال سیاحت اینها را
 جمع کرده ام و خیلی بکار می آید بعد از چند روز سجدان مزبور
 نزد یک بقرال خانیه ضبطیه پیدا کردند و نقشه ها و کاغذها

در میانش بود و لکن رخوت و سایر چیزها که قیمت داشت
 در میانش نبود و برده بودند و دزد مزبور کاغذی نوشته
 و در میان سجدان گذاشته بود که من رخوت و هر چه قیمت
 داشت از میان سجدان بردم که رفع احتیاج خود را نمایم
 و لکن کاغذها و نقشه ها را پس فرستادم بجهت اینکه بگویم
 که ضرر زیاد بصاحب این سجدان رسانده باشم

در نزدیکی شاه جهان آباد هندوستان راههای زیاد
 بهم رسیده اند و بسیاری از مردم رازده اند اطبایی
 آنکلیس که در آنجا بودند مار کردند مار معالجه کرده اند بطوریکه
 جانی را که مار زده است قدری از گوشت آن عضو آورده اند
 که خون خوب بیرون بیاید بعد از آن با تیزاب کمر سوزانند
 اگر چه راههای هندوستان به زهداری مشهورند و لکن
 با اینطور که اطبای مزبور این مار کردند مار معالجه کرده اند
 شده و به چکله ام نموده اند

از اسکندریه مصر نوشته اند که در فصل آخر پائیز گذشته
 آب رود نیل بالا آمده بود بطوریکه تا آنوقت کسی اینطور
 طغیان آب در رود نیل در آن موسم نجاظر نداشته
 و طغیان آب مزبور ضرر زیاد و بعضی حاصل اتولایت
 رسانده بود خصوصاً بحاصل زرت که قوت غالب
 اهل اتولایت است

در روزنامه فرانسه نوشته اند که در فصل آخر پائیز بارندگی زیاد در
 جنوب آن مملکت شده بود و بعضی از رودخانهها آب از سر خود بالا آمده و
 در زیر آب گرفته بود خصوصاً در رودرون که آب خیلی بالا آمده و اولاً
 اطراف نیم زیر آب رفته بود

۱۰۳۳

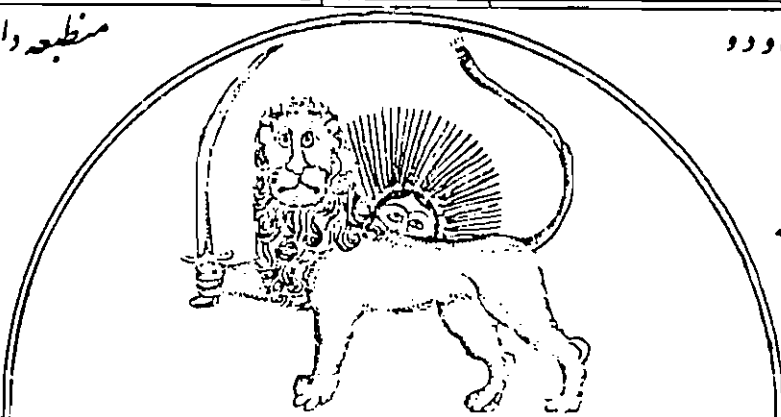
روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم شنبه پنجم ماه جمادی الثانیه مطابق سال اوایل ۱۲۷۰

نزه صد و شصت و دو

منطبه دار انخلاق طهران

قیمت روزنامه

قیمت اعلانات
یک سطر چهار خطی هر
خطی هر
بسر با هر خطی



یک نسخه ده پیر کمال
و قاف و چهار پیر کمال

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دار انخلاق طهران

در روز سه شنبه گذشته اعلیحضرت پادشاهی
بیدین جناب سرزاعکری امام جمعه ارض مقدس
که درین اوقات بدر بارها یون آمده تشریف فرما
گردیدند و اظهار کمال احترام و تفقدات ملوکانه در باب
جناب معزنی الیه فرمودند

و هم چنین در روز چهارشنبه گذشته تشریف فرما
مردم دار الفنون گردیده معلمان و متعلمین شرفیاب
حضور مهر لهور خوانی شدند و هر یک هر یک از
شاگردان در علم خود امتحان گردیده و خوب از
عمده جواب و سؤال برآمدند و اهتمامات آنها
خاطر اعلیحضرت پادشاهی شده مورد التفات
ملوکانه گردیدند

و هم چنین در روز شنبه چهارم ایماه میان افواج
قاهره نظام که در میدان مشق خارج دروازه دولت مشغول
مشق بودند تشریف فرما گردیده و توپچی و سرباز و سوار
نظام بقاعده نظامی مشق جنگ و شیلیک توپ و تفنگ

نمودند و مشق آنها مطبوع و مستحسن خاطر ملوکانه گردید
صاحب منصبان و عموم احاد و افراد افواج مورد
التفات خسروانی گردیدند و اعلیحضرت پادشاهی
بعد از تماشای مشق و شیلیک افواج قاهره بیابغ
لاله زار تشریف بردند و بنهار را در آنجا صرف فرمود
و از آنجا مبارک مبارکه سلطانی و مقرر سلطنت عظمی

مراجعت فرمودند

در روز چهارشنبه ششم ایماه نواب شاهزاده قاسم
که سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی منصب جلیل امارت
نظام برقرار فرموده بودند جناب صدر اعظم نواب
شاهزاده را بر داشتند بمیان میدان که بسیج
صاحب منصبان و توپچیان و افواج حاضر رکاب
مبارک حاضر بودند برده بعموم مالی نظام شربت
و شیرینی و انعام مرحمت فرمودند و از جانب نواب
امیر جناب صدر اعظم همه تنبیت و مبارکباد گفتند
و از آنجا با طاق نظام تشریف برده با کل میرنچگان
و سربازان و مسکنان و لشکرنویان و اعیان

۱۰۳۴

وارکان دولت نشسته شیرینی و نهار صرف فرمودند
و تهیت و مبارکباد گفته برخاستند

نواب مستطاب شاهزاده و الا تب رنصره الدوله
فیروز میرزا که سابقا حاکم فارس بودند درین اوقات
حب الامراضس مایون علیحضرت پادشاهی
بنیابت نواب مستطاب کامیاب و لیعهد دولت جاوید
مدت علیه مامور حکومت مملکت آذربایجان گردیدند
و از جانب سنی ایچانب ملوکانه بک ثوب جتبه ترم
شده مرصع برسم خلعت بنواب معزی الیه مرت
گردیده درین روزها روانه آذربایجان میشوند

و نهم چنین مقرب الخاقان میرزا صادق مستوفی
درین اوقات بلقب جلیل قائم مقامی سرفرازو
به پیشکاری کل امور آذربایجان اعم از کار نظام و
محاسبات ولایات آذربایجان مامور خلعت
مه طلعت ملوکانه منخلع و مباهی گردیده روانه آذربایجان
میشود

سایر ولایات

مازندران از قرار یک در روزنامه این ولایت
نوشته اند ناخوشی و با که در شهر بارفروش بروز
و اشتدادی داشته است در عینه جمادی الاول
موقوف و بالمره تمام شده است و با اینکه اسال
بواسطه ناخوشی و با که متوالی در آن ولایت بروز کرده
بود مردم زراعت دستی مانند سالهای سابق
نکرده بودند مع ذلک هر چیزی کمال و فوروز
دارد

دیگر نوشته بودند که در یازدهم ماه گذشته
نواب مستطاب شاهزاده و الا تب مصطفی قلی میرزا
حکمران مازندران سمبت بندر شهید سررفته و بامور
آنجا رسیدگی نموده و انتظام کامل داده اند و امر
که کجانه آنجا را مضبوط نموده و بمباشه کر کجانه آنجا نیز
خلعت داده اند

دیگر نوشته بودند که در اوقات توقف نواب شاهزاده
مصطفی قلی میرزا در مشهد سرعایای قریه ملاکلای دابو
تبولی عالیجاه میرزا محمد خان فاجار بنزد نواب شاهزاده
آمده از تعدیبات علیچه خان نام صنایط قریه مزبور
شکی شدند که بک نفر از در زیر چوب مقتول نموده

و نهایت اجحاف و تعدی با سایر رعایا و سکنه
آنجا نیز کرده است نواب معزی الیه در احضار
و بعد از تحقیق معلوم نمودند که عرض عارضین معرون
بصدق است اولاً او را از صنایط قریه مزبور معزول
و قریه مزبور را بر حسب استدعای امانلی آنجا بنواب
اسدالدین میرزا و اگذار نمودند که در صد آبادی آنجا
برآمده و بحسن سلوک تفرقه آنجا را جمع آوری نموده
شکستگی و پریشانی رعایا و سکنه آنجا را نماید و ثانیاً در
قتل یک نفر از امانلی آنجا نیز حکم فرمودند که علیچه خان
با دره مقتول بحکم حاکم شرع حاضر شده در صورتی
دره مقتول بدیه بگذرانند و بعد ازین علیچه خان مترنم
خدمت نواب شاهزاده بوده بقریه مزبور و آن اطراف
مطلقاً جوعی و سرکاری نداشته باشد

دیگر نوشته اند که درین اوقات که نواب شاهزاده
مشهد سرآمده

۱۰۳۵

بودند حکومت بارفروش را بر حسب عای این
بارفروش حکومت بارفروش را بجایگاه قبای
مغرض دخلت حکومت او را داده اند

کردستان

از فراریکه در روزنامه کردستان نوشته اند
رستان آنجا بسیار خوش گذشته است و در
برف کم آمده و لکن هوا برودت زیاد بسم رسانده
و هر چیزی از تن و فزادان است

دیگر نوشته بودند که در خاک اسفند آباد و در نهر
کردستانی و چند نفر هراتی را جمعی از ظالمه مصطفی خان
چار دولی برهنه کرده و اسباب و اموال آنها را برده
بودند مقرب انخاقان والی کردستان بعد از اطلاع
بر این غمخس نایب اسفند آباد را که در شهر بود مرخص کرده

سارین را با اموال مسروقه حکما از او خواسته بود
مشارالیه نیز با اسفند آباد رفت و چند نفر از سارقین را
گرفته و مالهای مکاربهای کردستان را از آنها
و بصاحبان رسانده است ولی اموال و اسباب بر آنها
هوز داده اند و در دما محبوبس اند تا اموال بر آنها
نیز از آنها استرداد و بعد از آن حکم آنها بشود

دیگر نوشته بودند که میرزا مراد نام پسر یوسف که بود
که از مفدین مشهور و سالها بفرقت و شرارت اقدام
داشت درین اوقات مقرب انخاقان والی کردستان
او را با چند نفر از دستیاران او گرفته و چند
بودند درین روزها مقرب انخاقان مشارالیه التزم
از او گرفته است که بعد ازین ترک سرفقت و شرارت

و افتاد نموده در خانه خود بنشینند و او را با همراهانش
مرخص کرده است

دیگر نوشته بودند که عالیجا میرزا عبد الرزاق که از دیوان
اعلی مامور بدیدن سان سرباز کردستان و تشخیص
سه لاله آنها بود در این اوقات خدمت حوزر با انجام
رسانده و روانه دربار پاپون است

دیگر نوشته اند که علی نامی در بلوک اسفند آباد ساکن
بمزدی و شرارت اشتغال داشت و اهل آنجا
تعدیات او بستوه آمده بودند درین اوقات نایب
اسفند آباد او را بلطایف اخیل بدست آورده نیز در مقرب
والی فرستاده و حسب احکام مشارالیه او را سیاحت
کرده اند

کرمان

از فراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند از
امیر الامراء العظام محمد حسن خان سردار حکم آن بر
و کرمان امنیت و انتظام کامل در برده و بلوکات آنجا
حاصل است و کافرا را با بجهت حصول امنیت و اسود
به عاکولی دانت اقدس بجایون د دوام دولت
روز افزون اشتغال دارند

دیگر نوشته اند که در فرستان اسال هوای آنجا نیز
شدت سرد شده بوده است بطوریکه تا یک هفته
کسی در بیرون و کوچها از شدت سرما عبور نکرده است
بکند و در مان بقدر پنجهزار که اسفند از سرما تلف شده است
حتی در بلوک جیرفت که ولایتی است که مسیر و تا بحال
کسی بخاطرند نوشته است که برف با آنجا آمده باشد

در او اخر جدی شبانه روز برف متصل با آنجا آمده
 و در بعضی جایها که برف کمر بوده است بقدر دو ذرع
 برف بزین افتاده است و هر چه کاوه کوسفند
 از شدت سرما تلف گردیده اند و اغلب حیوانات
 و شتی از قبیل آهو و غیره از زور سرما حوز را نزدیک
 به آبادیها کشیده و در آنجا تلف شده اند
 و یک نوشته بود که ولد سالار محمدنجان و ولد ملک
 و سالار لاله بوچستانی که بجهت اظهار اطاعت و انقاد
 خدمتگذاری این دولت قومی بنیاد بنزد امیرالاعظم
 سردار آمده بودند در ششم ماه جمادی الاول هر یک
 بخلعتی شایسته مملعت و بتفقدات اولیای دولت علیته
 انهار امید واریگی کل واده روانه نموده

و یک نوشته اند که راههای آنولایت بسبب اتها
 امیرالاعظم سردار همه جا امن و در نهایت مصیبت
 و قراول خانها در هر جانی ساخته شده مستحظین
 سجا است زوار و قواغل مشغول اند و در دوازدهم
 جمادی الاول قافلہ یزد و وارد قافلہ خراسان روانه
 گردیده اند

دیگر نوشته بودند که در شهر با یک بقدر پانصد ریس
 که سفند در آغال بوده اند و چوپانان بجهت سرما در گوشه
 آغال آتش روشن کرده بودند اند که گرم بشوند درین
 باد شت کرده و آتش بهیزم آغال انداخته و همه
 آغال آتش گرفته بود چوپانان حوز را بیرون انداخته
 بودند و کوسفند با همه در آن شدت سرما در میان
 آتش بلغمه و سوخته بودند

یزد

در روزنامه این ولایت نوشته اند که درین اوقات
 که امیرالاعظم سردار از کرمان آدم به یزد بجهت
 وصول وجه شاهی اشرفی فرستاده بود بمقرب انخان
 محمد یوسف خان سرتیب و نایب الحکومه یزد حکم کرد
 بود که وجه شاهی اشرفی را بر رعایای جز و حواله نماید
 در هر بلده و لمبوکی اعیان و صاحبان مکت و مسابین
 استجا این وجه را از خود کار سازی نموده و بعد در
 معامله مالیات سال آینده از رعایا دریافت نمایند که
 علی الحساب نوع رفاهیتی از برای رعایای استجا
 شده باشد

و در نرسار قزوینی را که تفصیل آنها در روزنامه
 نوشته شده بود درین اوقات مقرب انخان
 محمد یوسف خان سرتیب و نایب الحکومه یزد بعد از آنکه
 اموال مسروقه بسیار از آنها استرداد و بصاحبان
 اموال رد نموده بود مشارالیه را در دیوانه استخانه
 تنبیه و سیاست نموده و حسب احکم مقرب انخان
 انهار را در کوچهها و بازارها و در محلات گردانیده و خارج
 بلد کرده اند

یک نفر از سربازان فوج جدید کرمانی در یزد از زخمه آتش
 سنجال امینکه ریز زمین است درون رفته و میان
 افتاده بود کارش شش هلاکت کشیده اما چون شنید
 میدانسته دست و پانی رزده خود داری کرده بود
 تا اینکه مردم خبردار شده آمده او را بیرون آورده
 بودند و آسبی با او رسانیدند

۱۰۳۷

اخبار دول خارجه

انگلیس تاریخ کاغذ آخر که ازین ولایت رسید

سپتم ربیع الثانی بود و چونکه حکم شده بود که درین روز

اهل مشورتخانه از خوانین و وکلای رعایا بچته راه بردن

امورات دولتی در پای تخت جمع بشوند بعضی از آنها

باجا آمده بودند ولیکن چون پیش خبر کرده بودند که جمع

اهل مشورتخانه مزبور تا دویم ماه جمادی الاول موقوف

باشد اجزای مشورتخانه کم باجما جمع شده بودند و چون

پادشاه نیز بشورتخانه مزبور نیامده بود سه نفر از خوا

بزرگ از جانب پادشاه وکیل شده بشورتخانه آمدند

و چند نفر از اهل مشورتخانه و وکلای رعایا را بحضور طلبیدند

و بعد از آن دستخط پادشاه را خواندند که حکم کرده بود

که جمع شدن مشورتخانه تا روز دویم جمادی الاول موقوف

باشد و در آن روز حکم پادشاه چنین بود که کلا جمع

بشوند بچته راه بردن امورات دولتی و از اتفاقات در

روزها بسیار سرد و سخت بود و ککن بسیاری از خوا

عمده از زن و مرد باجا آمده بودند بچته شنیدن فرمان

پادشاهی

موافق حساب جمیع و خرج مالیات دیوان که سه ماه

سه ماه درین ولایت چاپ میزنند مالیات سال گذشته

نسبت به الهامی پیش شش کرد و سصد هزار تومان

بجای پول ایران ریبا داده بود در اول سال گذشته

در بعضی اجناس که توجیه میکردند وزیر محاسبات

تحقیق کلی داده بود و میدانت که درین باب مالیات

کمتر خواهد آمد ولیکن انقدر که اجاب کرده بود تفاوت

بود و در جمع و خرج کل سال چنانچه نوشته شده است

شش کرد و سصد هزار تومان مالیات ریبا داده بود

دیگر در روزنامه این ولایت نوشته اند که ریبا از بدو

که در مملکت ایراند دارند کمتر نمایند بچته اینکه انقدر قشون را

در آن مملکت لازم ندارند که نگاه بدارند

فرانس

تاریخ روزنامه آخر که ازین ولایت آمده است بزده

ربیع الثانی است در باب سخن کشتیهای تازه و

وتدارکات قورخانه بچته قشون بحری وزیر قشون بحری

بچته امپراطور فرانس دستور العملی نوشته و فرستاده

بود و چونکه دستور العمل مزبور پسند و مرضی خاطر امپراطور

فرانس بود نشان لژان دایر با دستخط رضامندی

بوزیر مزبور داده بود و یک مضمون دستخط امپراطور

این بود که از فرانس دستور العملی که وزیر قشون بحری فرستاده

معلوم می شود که در وقت ضرورت و لزوم میتوان

کشتیها و قشون بحری فرانس را در مقابل بلکه مقابل

مود

چونکه درین اوقات تردد مابین مملکت فرانس روز بروز

زیاد میشود جمعیتی از اهل فرانس ریبا دارند که کشتیهای

بزرگ و تیز رو از شهر مسیگز با سلا بول روان میکنند

بوعده معین از شهر بشهر وارد شوند و بیرون بیایند و

کشتیهای مزبور را بسیار بزرگ می سازند آنکه کوچکتر از

همه است جای سه هزار حردار بار گیر دارد و آنکه بزرگتر

جای چهار هزار و پانصد حردار بار گیر دارد و جای چرخی

حرکت بکشتی میدهد در عقب کشتی است و بطوری ساخته اند

که هم جای نشین سیاح زیاد داشته باشد
جای بارهای تجارتی

در اول ماه ربیع الاول که اول سال بحجاب فرکیهاست

کلی ایلیان دول خارج ساکن پاریس تجارت طویله

رفته بحضور امپراطور فرانسه شرفیاب و مبارکبادی سال

نور گفته بودند امپراطور فرانسه اول با پلیچی با پای رفته

و بعد از آن هر یک از ایلیان با کمال التفات تکلم نمود

بود در باب مبارکبادی سال نو و آنها خوشترند

خاطر امپراطوری که از حضور ایلیان بهرسانه نموده بود

در روزنامه دولتی این مملکت که با نیتیه مبنا مند

که از سر باران جدید که موافق قاعده که در آن ولایت

دارند باید بگیرند صد و بیست هزار نفر قرار داده و گرفته

بودند و جنر کرده بودند که هر یک ازین سر باران جدید

آمده داخل افواج خود کرده و بده سجدات مرجوعه

باشند

در روزهای اول سال امپراطور فرانسه چند ضیافت

سکین با اوضاع و زینت و تجمل تمام کرده بود ایلیان

دول خارج معیم پاریس دوزرا و خوانین همه در آن

مکانها حضور داشتند و از فراتر بر آنها که در آن

بوده اند چنین نیت و اسباب در کمتری از معاینهای

دولتی اتفاق افتاده بوده است و وقتی که امپراطور فرانسه

با امپراطور روس خود در بالای تخت فرار گرفته بودند

وزرا و سرکردگان قشون بر تری و سبزی در دو طرف تخت

ایستادند و اهل سفارتخانههای دول خارج در مقابل

تخت رو بر بودند و درین مجلس بعضی از سباحتا

مشخص که در شهر پاریس بودند یکی یکی سخنور امپراطور فرانسه

اسپانیول

در مدرد پای تخت این مملکت اتفاق غریب افتاده

و تفصیل آنرا در روزنامه فرانسه باین طور نوشته اند

که ایلیچی فرانسه در آنجا معانی کرده بود و در آن معانی

اگر خوانین شهر مدرد و ایلیان دول خارج بودند از

حمله روسیو سوله وزیر مختار از جانب دولت جمهوری

امریکای شمالی و رئیس و پسرش در آن معانی بودند

و پسرش جو اینت سن بیت و سال در این معانی بودند

فرانسه و یکی از خوانین آنجا که نامش دوک ده آلبه است

با هم دیگر صحبت میباشند و می خندیدند بجهت لباس زن

وزیر مختار دولت جمهوری امریکای شمالی که تبرک غیب

بود و جوان مرزور که پسر آن زن بود شنید که ما و او را بجهت

آن لباس استهزای گشتند صبح دو نفر صاحب منصب

پیش آن شخص که از خوانین اسپانیول بود فرستاده

و او را بجنک دول طلبیدند و دوک ده آلبه کاغذ آن

جوان را نگه داشته بود و بروی میز گذاشته و عذرخواهی

کرده و نوشته بود که هرگز منظور من این نبود که چرتی و

استهزای نسبت بوالده ایلیچی را ده بکنم بجز از آن که کاغذ

آن جوان را نگه داشته بود دیده بود که با کمال بی حرمتی نوشته است

دوک ده آلبه جوان مرزور را بجنک طلبیدند و بنا گذاشته

بودند که با شمشیر جنک نمایند اول بنا بود که با شمشیر سوار

نظام جنک نمایند بعد پسر وزیر مختار خواهش کرده بود که

باشیر کو چک جنگ نمایند و جنگ کرده بودند و در حین
پس روز مختار زخم جزئی برداشت بعد پدرش ازین معنی
مطلع شده با ایچی فرانسه کاغذی نوشته بود که تکلیف
جنگ با پسر من نبود و بنایت پسر من با دو کوزه لیم
جنگ نماید تکلیف جنگ با خودم بود که نسبت بزین
حرف جبر منی زده شده است و از آنجمله خواهش می کنم
که ایچی فرانسه بچنگ حاضر بشود ایچی فرانسه نیز قبول
کرده و بیرون رفته بودند که با هم جنگ بکنند و
قرار شده بود که با هم جنگ طپا سنج نمایند جنگ
کرده بودند ایچی فرانسه کلوله پاشین حوزوه بود قدیر
از رانوی پانین ترامنای دولت اسپانول خوانسته
بودند که توسطی نمایند که این جنگ نشود و با صلاح بگذرد
و لکن مشارالیه با بلوری که نوشته اند مخفی فیس و
با هم جنگ کردند جنگ سیم هم بنا بود بشود و لکن
آنرا نوشته اند و این جنگ سیم با پسر پرنی
نایب اول وزیر مختار دولت جمهوری سیکلی دنیای سیکلی
و قونسول فرانسه میقم شهر سنت اندر بنا بود بشود
امنای دولت اسپانول حب احکم پادشاه آنجا
سبار کوشش کرده بودند که جنگ مابین ایچیان
و لکن آنها صبح روز بیرون رفته و جنگ کرده بودند
بطوری که کسی خبردار نشده بود

پیدا مانت

درین ملکت جزئی اعتشاشی شده بود در سر سیکلی دیوان
سیخاستند توجیه تازه بگذارند نظام در آورده اند که
رفع اعتشاش را نمایند و کمانند داشتند که این

زیاد بشود و در آنجا کافت شده بود نظام ارتسم
ردیف و سر باران قدیم که خانه نشین بودند رونج
شده و با اعیان آنجا کذا داشتند که معش بن آشوبی پرا
نمایند و در روزنامه پیدا مانت و روزنامه ژنوا که در
این خصوص نوشته اند می نویسند که دوریت که این
افتشاش تحریک کثیفان باشد و یک سبب این
افتشاش نیز کرانی ادوات و درین خصوص گفتگونی
در شهر طورین که پای تخت ملکت پیدا مانت است
و زبرد داخله در جواب سوال بعضی از اهل شورتخا آنها
فاخر جسمی داده بود که این افتشاش با آشوب همراه
کشد

سیکلی دنیای شمالی

کاغذ آخر که از شهر نیویورک این ولایت رسید
هشتم ربیع الاول بود و از جمله اخباری که در روزنامه
آنجا نوشته بودند این بود که میخواستند قسطنطنیه
زیاد بکنند کل قسطن که داشتند تحمیت داده هزار نفر بودند
و اینها اکثرشان بجهت محافظت حصارها و قلعه جات
هستند و بنا گذاشته بودند که کشتیهای جنگی را بران
بکنند و دو کروزر بحباب پول ایران درین خصوص
کرده بودند و موافق حساب وزیر قسطن سحری اگر لازم
باشد بیشتر از نهل فونذ کشتی نمی توانند براه بیاورند
از اهر تا مدت سه ماه میتوانند فراهم بیاورند
از آنجمله صلاح درین دانستند بود که شش فروند کشتی جنگی
دیگر بازند که با چرخ بخار حرکت بکنند و کشتیها که میخواستند
بازند هر یک پنجاه عراده توپ در میان کمان گذاشته

۱۰۴۰

کردید یکی از عمده جات دیگر که در آنجا بود حوض منور رفت
 که او را بیرون بیاورد او نیز افتاده و مدیهوش گردید
 یکی دیگر هم رفت که آن دو نفر را خلاص نماید او نیز بهمان
 طور مدیهوش گردید بزرگ کارخانه منور که ازین کیفیت
 مطلع گردیده بود بمیان حوض رفت که آنها را بیرون بیاورد
 خودش نیز افتاد کسی دیگر که در آنجا بود پائین رفت و پناه
 همراه خود برده صاحب کارخانه را بطایب سینه بردن
 آورد و خودش نیز سلامت بیرون آمد اما آن سه نفر
 که اول در آنجا افتاده بودند هر سه تلف گردیدند

می شود و در خصوص گرفتن کمرگ از اجناسی که از دول خارج
 باین ولایت می آورند در بعضی چیزها تخفیف میجو استند
 از جمله چائی و قهوه را میجو استند از آن بینه که بدون
 کمرگ داخل آن ولایت بشود و در بعضی چیزهای دیگر هم
 قرار گذاشته بودند که کمرگ را کمتر نمایند و با وجود این
 حساب کرده اند که مایات کمرگ سالی سی شش کرد
 حساب پول ایران می شود و حساب جمع و خرج سالها
 گذشته را که مشورتخانه آورده و در آنجا خوانده اند باین
 تفصیل نوشته اند که جمع مایات سال گذشته چهل
 که در حساب پول ایران بود و خرج آن چهل و سه کرد
 و از قرار این حساب شش کرد و از مایات اضافه شد

احوال متفرقه

در یکی از روزنامه های فرانسه نوشته اند که بنا دارند کشتی
 کوچکی از شهر پاریس الی شهر لندن روانه نمایند بحال
 کشتیها که بدربار میباشند بشهر پاریس نمی آمدند مگر بعضی کشتیهای
 کوچکی و این چندین سبب داشت یکی اینکه رودخانه استن که از
 پاریس میگذرد نسبت کشتیها که باید بدربار بروند کوچک و کم عمق است
 و سبب دیگر این است که رودخانه منور پل ریاضه دارد کشتی که
 بدربار میبرود و باید تیر پلند داشته باشد با آن زبر چشته پل میگذرد حال

در شهر تنس که یکی از شهرهای بزرگ مملکت فرانسه است
 بتاريخ نوزدهم ربیع الاول نوشته بودند که زلزله
 شده است و صدای زلزله مانند صدای عراب سنگین بود که
 در روی سنگ حرکت نماید و لکن خرابی بجائی نرسیده بود

کشتی منور را چنین ساخته اند که آب رودخانه سین بجهت حرکت
 او کفایت می نماید و تیرهای در بطوری ساخته اند که تو
 از زیر پل عبور می نمایند پائین می کشند و بعد از گذشتن
 دوباره بالایی نمایند و جای مقصد و چاه خود را بار
 دارد و بیخج بخار راه میرود و کلاً از آهن ساخته شده است

در یکی از کارخانهای فرانسه که بخار ذغال سنگی بجهت
 مصرف روشنائی میگیرند اتفاقی افتاده است که باعث
 اتلاف چند نفر از اهل کارخانه منور گردیده است در کارخانه
 حوض آب داشتند که لوله در میانش بود و بخار میان
 آن لوله میرفت حوض خالی بود و یکی از عمده جات میجو
 نزد بان در آنجا بگذارد نزد بان به لوله حورده و بخار سرد
 آمد چونکه این شخص ترسید که از او بازخواست نمایند
 مطلب را بکسی نداده در میان حوض رفت از بخار منور پاره

۱۰۴۱

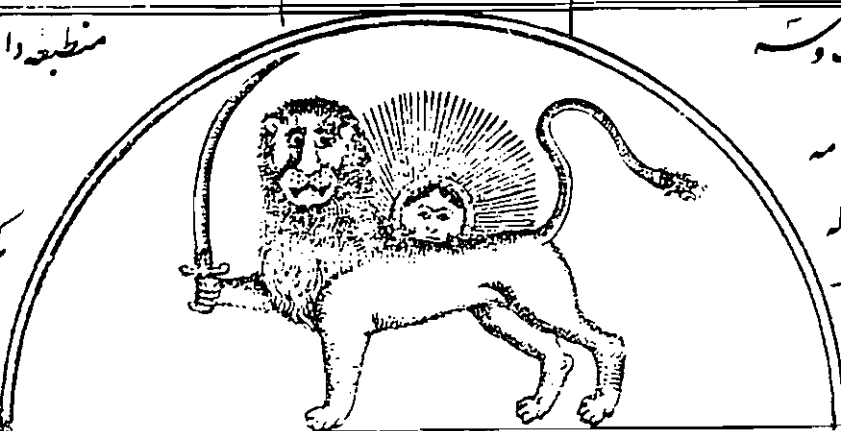
روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه یازدهم ماه جمادی الثانیه مطابق سال اول ۱۲۷۰

روزه صد و شصت و سه

قیمت روزنامه

یک ششده و چهار کماله

هفتاد و چهار هزار



منطقه دارالخلافه طهران

قیمت اعلانات

بک سطر الحجا و چهار خط دیگر

بسیار با هزار

احزاب داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

اعلیحضرت پادشاهی چنانچه سه ساله نزد یک بعید قرار است که بقصر قاجار تشریف برده چند روز توقف میفرمایند در روز جمعه گذشته از دارالخلافه مبارکه حرکت و تشریف فرمای قصر قاجار گردیدند امنا دولت علیه و معارف چاکران در بار شوکت و انیز ملایم رکاب هایون و در اطراف قصر قاجار چادر رزده متوقف میباشند و اعلیحضرت پادشاه چند روز در آنجا توقف خواهند فرمود

در روز نیکشنبه گذشته حسب الامر اقدس هایون پادشاهی توپچیان چند عراده توپ سپردن برده و مسئول تیراندازی گردیدند و کمال چابکدستی در تیراندازی بعل آوردند

درین اوقات که چند روز بعد مانده است هوای دارالخلافه طهران بنوعی سرد شده است که کمره سالی درین موسم هوا باینطور برودت بهم میرساند شبها آب یخ می بندد و روزها نیز هر جا سایه است

آب یخ می بندد بلکه آنجا نیز که افتاب کبر است یخ آب نمی شود و لکن برف و بارندگی درین چند روز نمانده است

در روز سه شنبه چهارم اسب ایماه افواج قاهره نظام حسب الامر اقدس هایون اعلیحضرت پادشاه در میدان پانین قصر قاجار جمع گردید و هفت فوج از افواج قاهره و هیجده عراده توپ با توپچی و سواره نظام مشق جنگ مغلوبه نمودند و میر شیخ کاظم و سرتیپان و سربازان در صاحب مضربان در جای خود حاضر بودند و فوج قهرمانیه ابوالمجمع علیا علیه السلام سر تیپ که از کرمان وارد رکاب هایون شده اند در کنار راه کجاستان صف کشیده بودند

در شب چهارشنبه گذشته که چهارشنبه آخر سال بود چنانچه معمول است اول این دولت علیه است که درین شب عموم خلق جشن می نمایند حسب الامر اقدس هایون با تشریف بازی بقصر قاجار حاضر کرده و آلت را در حضور کشتی بازی و چغان نمودند

۱۰۴۲

اعلیحضرت پادشاهی که چند روز در قصر قاجار توقف داشته
در عصر در چهارشنبه با نزد بهم این ماه از آنجا حرکت
مبارک سلطانی و مصلحت غلطی تشریف فرما گردید

چون نواب طباطبائی هزاره و الا بتا مصطفی قلی میرزا حکم ان مازندران
در انتظام امور ولایت و انجام خدمات ایوانی مرتب اتومات
خود را مشهور ای امنای دولت علیه و آله و خاطر اتمس تایون
از حسن اینامات خود خویند داشته بودند لکن بلاخطه کفایت
و کفالت حسن متکذاری و صداقت نواب معزی الیه در
این اوقات از جانبی انجوان طوکانه یک قطعه نشان
از مرتبه اول با حایل مخصوص این مرتبه حمت و فرمان
مبارک مبنی بر التفات به افزاری نواب معزی الیه شرف
تایون یافته ارسال گردید

در روز جمعه گذشته که اعلیحضرت پادشاهی تشریف با
قصر قاجار گردیدند حاجی سید بهاء الدین چاوشی شاهی سببه
بردن حجاج زیارت مکه منظره زاده الله شرفا و تقیما بقانونی
که معمول و متداول این دولت علیه است محل سینه و جاری
از جانب امنای دولت علیه حب الامر تایون اذن حاصل گردید
که حجاج کس طالب باشد بطواف بیت الله الحرام روانه
معصد شوند و اینر حله سببه اخبار و اعلام بانای مالک
محدوده در روزنامه نوشته شد

سایر ولایات
مازندران از فرار که در روزنامه این ولایت
نواب شاهزاده و الا بتا مصطفی قلی میرزا حکم ان مازندران
در اوقاتی که نسبت مشهور آمده بودند از آنجا معادن
کلوله ریزی مانچ رفته و امر کلوله ریزی معادن مازندران

انتظام کامل داده اند که کار خانهای کلوله ریزی همیشه
در کار باشند و معطلی در کار آنها روی نهد و خود
نواب معزی الیه بکار خانها رفته و رسیدگی در کار
آنها نموده کلوله ریزها در حضور نواب شاهزاده کلوله ریزها
نواب ریخته بودند و بسیار صاف و خوب و بی عیب
ریخته شده بود بهر یک از آنها انعام و خلعت حمت نمودند

دیگر نوشته اند که در ایام شدت و با چند نفر از
رسیده در آمل دوسه خانه را بریده بودند درین اوقات
که نواب شاهزاده با مل آمده اند سه نفر از دزدانهای
بدست آمده حسب حکم نواب معزی الیه آنها را بجز
نموده باری فرستاده اند که بعد از استراحت و ادوا
مسرد و حکم سیاست آنها بشود

دیگر نوشته اند که نواب شاهزاده کمال استقامت و سبکی
سخنی و کلی امور ولایت دارند از جمله قاپوچی را از
درب دیو استخوان برداشته و قدغن کرده اند که هر
عرضی داشته باشد از عالی و ادانی بدون عتاب
و مزاحمت حاجب و دربان آمده بخود نواب معزی الیه
عرض نماید که در کار عارض از روی حقیقت و غوررسی
نموده باقتضای عدالت و احقاق حق حکم از آنها میزند
از صبح تا دو ساعت بجزوب آفتاب نماند اوقات خود را
صرف رسیدگی بعبایض مردم و انتظام امور ولایتی میمانند

از فرار روزنامه که از نوکران مورد سمت سرحد استرآباد آید بود کنار فرضا
محمد جاسمن دیباجا پاشا بتعلی خان بانو کریمه مشغول است آن زمان پنا
شدند

۱۰۴۳

یزد

ارقراریکه در روزنامه یزد نوشته اند مقرب انخافان
 محمد یوسفخان سرتیپ و نایب الحکومه آنجا در رسیدگی
 بعد ایض مردم و رفاه حال عیبت و حصول ایت الولا
 سعی و استقامت تمام دارد و عموم انالی و سکنه آنجا خصوصاً
 عجزه و ضعف از احقاق حق و دادرسی مقرب انخافان
 شکر گزار و دعاگوی دولت قوی مکتب باید باشند
 در ضمن روزنامه اینولایت نوشته بودند که رزوجه شخصی
 تاجر دختری را بجهت خدمتکاری نکاه داشته بود است
 و بسبب تقصیر جزئی دختر مزبور را داغ نموده گمان
 اند ختم مراتب را بدیو آنجا یعنی حسب الحکم مقرب انخافان
 نایب الحکومه رجوع بحکم شرع مطاع کرده و چون ارتکاب
 این عمل از رزوجه مزبوره بی سببی که مستوجب سبکدوش
 تعذیب باشد در محضر حاکم شرع آنجا تحقیق پیوسته
 و ثابت گردید از فرار حکم شرع مطاع مقرر گردید که در
 نوشتن داغ دختر رزوجه آن شخص تا جریذ
 دیگر در باب سرباز متوقف دارالعباده یزد نوشته
 که هر روز مشغول مشق میباشد و صاحب منصبان
 آنجا حسب الحکم مقرب انخافان محمد یوسفخان سرتیپ و
 نایب الحکومه یزد کمال استقامت در مشق و انتظام امور
 آنها دارند و احدی از اهل نظام و عموم نوکران باب
 قدرت خلاف حساب ندارد و با نهایت حسن سلوک
 با انالی آنجا رفتار مینمایند
 در بیست و نهم ماه گذشته از قراریکه نوشته بودند امیر
 سردار حکم ان یزد و کرمان چراغ علی بیک نایب

۱۰۴۴

کاسکه خان را بجهت وصول وجهی اشرافی عیدی یزد
 دستاورد حسب الحکم مشغول انجام و مدارک تحویل
 کرمان

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند
 یک نفر از سربازان جمعی عالیجاه میرزا کوچک خان
 سربنگ متوفی شده بود امیرالامرا العظام سردار
 حکم کرده بود که عوض او گرفته شود و حسب الحکم حواله
 کرده بودند شخصی بنزد مشرف فوج مزبور آمده و گفته بود
 که ده تومان بتمسید هم این سرباز را از قلم بیدار
 و موقوف بکن مشرف مزبور این حمله را قبول نگرد
 در این باب را بعض سردار رسانده بود حسب الحکم مقرر
 شد که ده تومان را از آن شخص گرفت مشرف مزبور
 بدینند و خود آن شخص را بجای متوفای مزبور سرباز
 نوشته هر روزه داخل فوج در مشق حاضر نمایند

دیگر نوشته اند که دزدی مشهور در یزد بود که سالها
 بدزدی و شرارت اشتغال داشت و بسبب هتور
 و بی باکی او نمیتوانستند او را بدست بیاورند درین اوقات
 مقرب انخافان محمد یوسف خان سرتیپ و نایب الحکومه
 یزد او را دستگیر کرده و بنزد امیرالامرا العظام
 بکرمان فرستاده بود چون همه انالی یزد از تعذیبات
 و شرارت او بگوشه آمده و بکرات شرارت او مسموع
 سردار گردید بود لهذا حکم بیاست او نموده و کل اهل یزد از بیست
 شدن او شفق و خورشیدی تمام داشتند

شال بافی در کرمان نسبت بقدرتی کرده و چینی خوب و تمیزی بافید و در طرح و محاسن
 تمیزیت و درین اوقات امیرالامرا العظام در شمشیر تقویت مجاهد مبارک فرستاده

از فرار یک نوشته بودند امیر الامراء العظام محمد خان
سردار حکمران یزد و کرمان اوضاع قورخانه کرمان
مضبوط نموده و قورخانه آنجا همه روزه در کار
مشغول ساختن اسباب بستند و اغلب روزها خود
رفت رسیدگی بکار قورخانه نموده و انعام با آنها

دیگر نوشته اند که ملا علی نام اصفهانی که در
نیریز فارس سکنی داشته است از آنجا مدار العباد
برآمده و چندی در آنجا بر وضع خوانی مشغول بود
و از آنجا بکرمان آمده متعاقب او نوشتجات محمد
وسایر علمای یزد و نیز امیر الامراء العظام سردار
رسیده بود که مشارالیه از مشاییر بابتیه در
میان آن طایفه مشهور بحضرت ذکر است امیر الامراء
سردار فرستاده او را حاضر کرده اند و در حضور
علمای کرمان تحقیق عقاید او شده معلوم گردیده
که بانی است و دو جلد کتاب عقاید مختصره با بهیانت
از منزل او پیدا شده لهذا حسب احکام سردار او را
در میدان سیاست کرده اند

دیگر نوشته اند که دو نفر دزد در کرمان مدتها مشغول
سرفت بودند بکدغه سرفت کرده و بدست آمده
بودند و امیر الامراء العظام سردار آنها را تهنیه کرده
و مرضض نموده بود مشارالیهما در ثانی مرکب دزدی
شده بودند قدغن آید باروغه و کدخدایان در
باب گرفتن آنها شده آنها را بدست آوردند و بعد
از استرداد اموال و اسباب سرودند که از مردم

برده بودند آنها را در میدان کنجعلی خان سیاست
موندند

و هم چنین شخصی در بلوک را بر دو درسیادیان در
بود مراتب بعضی سردار رسیده فرستاد و زود
رفت و مادیاها را از او دریافت و بصاحبش رد
موندند و سارق مزبور نیز در همان میدان مورد
سیاست گردید

دیگر نوشته اند که چند وقت قبل ازین نواب ستطاب
شاهزاده و الاسبار رمونید الدوله طکاسب میرزا
حکمران فارس عالیجاه فریدون خان یوزباشی را محافظ
سردار فارس که نسبت کرمان است نموده بودند که در ذوق
آن سامان را ممانعت و آن راهها را امن داشته باشد
تعبوت این کار امیر الامراء العظام سردار نیز عالیجاه محمد
خانزاده را بجهت محافظت سردار کرمان که نسبت فارس است
مأمور و فرار داده اند که در قطع و قلع دزد و قطاع لوطی
و حصول ایمنی آن راهها با عالیجاه فریدون خان طرف
موانعت و ممانعت مسلوک دارد و از طرفین کمال حفظ
و حراست آن راهها را بکنند که قوافل و عابریین و تزار
بدون تشویش و مخافت آمد و رفت نمایند و هم چنین
بضبط شهر باکب و سیرجان نیز که متضمن شاک فارس است
این خصوص تأکیدات آید شده است

دیگر نوشته اند که چند وقت قبل ازین ضعیف در کرمان
بوده و وضع محل نموده است و هم دختر بیک شکم زائیده
امیر الامراء العظام سردار مخارجی بجهت آن ضعیف
شورش فرار داده اند که با آنها

۱۰۴۵

اخبار دول خارج

انگلیس تا پنج کاغذ آخر که این ولایت
بنام رجب الثانی بود و در آن تاریخ اهل مشورتخانه
از خوانین و وکلای رعایا منوخرج جمع شده بودند و لکن
در همان روز بنا بود که جمع بشوند و علیاحضرت
پادشاه نیز مشورتخانه تشریف فرما شود

چونکه قشون خاصه را که در مملکت ایرلند دارند درین
اوقات بخارج میفرستند قشون ردیف را که در آنجا
بودند خبر کرده اند که آید بجای قشون خاصه که بخارج
میفرستند مشغول خدمت باشند و این قشون را
که خبر کرده اند سی هزار نفرند و سوای اینها ده هزار نفر
قشون ردیف نیز در آنجا تدارک امور خدمت اند و قشون
سجری را نیز زیاد میگردند و بسیاری از جوانان معتم
سهمای کنار دریا داد و طلب شده بودند که داخل
قشون سجری پادشاه شده مشغول خدمت باشند

فرانس

در یکی از روزنامه های فرانسه نوشته اند که برادرزاده
امپراطور این ولایت که پرنس ناپلیان مینامند
بنا داشت بملکت بلژیک بدین پادشاه آن ولایت برود
و در خصوص رفتن پرنس مر بول بملکت بلژیک درین روزنامه
نوشته اند که معلوم است منظور از رفتن پرنس ناپلیان
ولایت این است که دوستی مابین دولت فرانسه
و بلژیک است حکام بلژیک بفره سرحد مملکت فرانسه
و قانون و قاعده این ولایت مناسبت بقانون فرانسه
مملکت فرانسه دارد و خیر هر دو مملکت این است که دوستی

و اتحاد کامل در میان شان باشد

دیگر در روزنامه این ولایت می نویسند در باب
استی کردن اولاد پادشاهان سابق فرانسه که
که پیشتر در لیان و والده نوه لوی فیلیپ راضی باین
استی کردن نبود زیرا که داعیه سلطنت این مملکت را
برای پسر خود دارد اگر چه اشکارا همانقت این استی
بمی کرده ولی با اینکه برادرانش باین عمل راضی بودند خود
اورضامندی نداشت

عثمانیه

در روزنامه اسلامبول تاریخ چهارم رجب الثانی
نوشته اند که رضا پاشا وزیر قشون سجری منصب وزیر
منسوب گردید و محمد پاشا حاکم ادرنه وزیر قشون
سجری شد و چون محمد پاشا در اوقات حکومت
در ادرنه با کمال سلوک و خوش رفتاری با اهل
آنجا راه رفته بود و نظم تمام در آن ولایت داشت
الاهلی آنجا از ما موریشا را البته بجای دیگر بسیار
مناسف بودند و موافق خبر آخر در آن روزنامه که
میدید که باسلامبول بیاید

دیگر نوشته اند که مستر پینس وزیر مختار از آنجا
دولت یونکی دنیای شمالی باسلامبول وارد
شده و بحضور اعلیحضرت سلطان شرفیاب گردید
و کمال اظهاراتفات از جانب سلطان نسبت به
شده بود

دیگر نوشته اند که چون بعضی از تجار و فرنگستان
ساکن بنا در ات ممالک عثمانیه بارعایا و زارعین

و صاحبان املاک آنجا در خصوص غله معامله میکردند
و حاصل آنده را سلم پیش خرم میکردند و این مرحله
ضرر رعایا و باعث گفتگو مابین آنها و امالی دول خارج
میشد لهذا پاشای سلاطینک اعلام کرده بود که اگر بعد
ازین گفتگو مابین تجار دول خارجه و رعایای مزبور
بشود و یو اینان درین کار مداخله نخواهند کرد و در حقی
سخا خواهند داشت مگر اینکه مکات آنها صبیح و قریحانه

حاکم باشد اسپانیول

بعضی از خوانین این مملکت را که عداوت بوزرا داشتند
و کار و زار را معشوش میکردند بطوریکه امورات دولتی
خوب پیش میرفت در این اوقات حسب الحکم پادشاه
اسپانیول اخراج بلد کرده اند بعضی از اینها را بخارج
کناری فرستاده اند و بعضی را بجزیره کوچکی که مجا
میسانند و در دریای آق دکنیز واقع است و بعضی
نیز بجای دیگر فرستاده اند

چین

این مملکت نوشته اند که در شهر امانی جنگ میان
یاغیان و قشون خاقان چین در میان بود و مردم
ورد و در خانهای خود لنگه پنبه میزدند که سپر
کلول باشد و کلولا را آن رد نشود و در نزد یک
شکافی که آنهم شهری بزرگ است در کنار آن مملکت
جنگ در میان بود پسکن پای تحت چین هنوز بدست
یاغیان نیفتاده بود و لکن بچنان داشتند که بگیرند در
کانتان و فوج قشون دولتی زیاد بودند و اگر شایان

از اهل تاتارستان بودند و بی جنگ سخت مشکل بود
که این دو شهر بدست یاغیان بیفتد در شهرکانشان
که ششم اکثر فرنگیها که بچین میروند آنجاست اینست بود
و لکن در اطراف مردم از دولت خود ناراضی بودند
و اگر یاغیان نزدیک با آنها میرفتند و در بنود که
آنها نیز همسته یاغیان گردیده و با آنها متفق بشوند
چانی از دست مملکت چین فراوان آمده بود و بفرنگستان

و سایر ممالک روی زمین فرستاده شد و
بجهت تنگ دور میزدند استند که راه آنجا بریده نشود
و مقلد میکردند که چانی که سال از چین بخارج رفته است
باید کفایت دو ساله را بگذراند سال آینده یقین است
که چانی در کانتان کم یاب خواهد شد مگر جنگ تمام
گردیده و ولایت این و آرام بشود در خصوص جنگ
یاغیان با قشون دولت در نزدیکی امانی شخصی نوشته است
که قشون خاقان که این شهر را محاصره کرده بودند که
شاید از دست یاغیان بگیرند کم کم محاصره را رخت
میکردند و از طرفین آدم ریا و کشته شده بود بسیار
بی پول بودند ضرر زیاد بر رعایا و اهل آنجا حوزده است
چونکه هر دو طرف مایات از رعایا می گرفتند که
قشون خاقان دولت تو مان بیکی از صاحب مضیان
در وازنا فرستاده بود که در وازنه را بکشاید که قشون
خاقان داخل بشوند بعد ترسیده بود که او را فریب
داده پول بگیرند و در وازنه را بکشاید باین ملاحظه
قشون خود را با آنجا بیاورد و از هر سبب با اهل آنجا

بسیار بد میکند

۱۴۷

احوال متفرقه

در روزنامه اسلامبول که بزبان فرانسه چاپ
میزند نوشته اند که متاسفانه چهارم جمادی الاول
در شب جمعه آتش در محله خاص کوفی افتاده بود
چونکه باد شدید میوزید تشویش داشتند که این آتش
زیاد خرابی بکند اما نظام آتش خاموش کن رزود
خبردار شدند و با کمال چابکی آتش را رزود خاموش
کردند و اتفاقاً بعد از بروز کردن آتش با دهم
شد و یک باب خانه و پنج باب دکان بیشتر سوخته

و هم در آن روز طوفان زیاد در قرا دگیر شد
برف و باد دم ریاد آمده بود اما چندان طولی نکشید
کشتی فرانس که در قرا دگیر بود ضرب این طوفان
دیده و صاحب کشتی یکی از کشتیها را بالای سر
کشتی فرستاده بود که باد با آنها راه بندد دیدن
کشتیان پانین طول کشید و چسبیده است بالای
تیر کشتی صد کرد که پانین باید جواب ندان کشتیان
دیگر بالا رفت دید که کشتیان اول از شدت سرما
زبانهاش بده آمده است و بطوری بیشتر کشتی چسبیده
مانند اینکه نخ بسته باشد طناب بایسته
اورا پانین داد و کم کم بحال آوردند تا با اسلامبول
رسیده او را به بیمارخانه فرستادند که اطبای آنجا
معالجه نمایند و لکن دست و باروی او چنان بیخ
سببه و سیاه شده بود که می گفتند مشکل است خوب
بشود و خواهد افتاد

۱۰۴۸

ایضا در همین روزنامه نوشته اند که درین اوقات
چند نفر قلابی که پول قلب سکه میزدند بدست نظام صلیبه
افتادند در محله بیکی شهر پنج نفر ازین اشخاص گرفتند
که اسبابی که پول قلب بان سکه میزدند در نزد آنها
بود و پولی که سکه میزدند یکی پول عثمانی بود که هر یک
بیت پاره داد و ستمی شد و یکی هم پول استری
بود که هر یک بیت فروتر بود پولهای قلب و اسباب
سکه زدن پول قلب که در نزد آنها بود بدوش خود
گذاشته و در تمامی محله یک او غلی کرده اند بعد از آن
بر وجهیس انداختند اهل کسبه و فقره از ذکر فاش شدن
این اشخاص بسیار خوشحالی میکردند زیرا که این پول قلب
که اینها سکه میزدند چون کم قیمت و پول خورده بود
در میان کسبه و فقره ادا دست شده و ضرر زیاد
بآنها رسیده بود

در باب انعقادش در مملکت پیدانت نوشته اند
که باز مغربین در کوهستان آن مملکت بودند و معلوم
شده بود که کشتیان آنجا خلق را تحریک کرده بودند
شش نفر کشتیان آنجا را گرفته محبوس کرده بودند
و بعضی از اعیان قصبات و کدخدایان دولت
نیز گرفته بودند و در کوهستان آن مملکت هم در
نزدیکی شیطان جنگ جزئی مابین باعیان و قشون
دولت شده بود از باعیان سه نفر زخمی شدند
و بدست چاکران دیوان افتاده بودند که آنها را به
بیمارخانه بردند
دیگر نوشته اند که متاسفانه پنجم ربیع الآخر

امل شورخانه و کلای رعایا و خوانین مملکت بلر سببه گذران
امور دولتی در پای تخت آنجا جمع شود

در کنار مملکت مالند مردابی است که بر آن تمیسانند
این روزها بند ساخته و آب این مرداب را بر

کشیده اند حال مدت ده سال است که دولت مانند
مشغول خشک کردن این مرداب هستند و تا بحال

بقدر چاه شصت هزار حوض و بذر افکن از آنجا خشک
کرده اند که زراعت می کنند درین روزها مرفعه

در خصوص این زمین اتفاق افتاده است اعیان
شهر لیدن ادعا از دیوانیان دارند که زمین این مرداب

موافق فرمان پادشاهان سابق مال کامیاب
نه مال دیوان و تاریخ فرمان آنها دولت هوشاد

یک سال پیش ازین ایام است دیوان قبول ندارند
و مسکونین جانی بود در زیر آب دریا و لم یزرع ما

در آورده ایم و مرفعه آنها بهمین پنج سوز در میان
در خصوص صرخ و سبالی که سببه سوراخ کردن کوهها

ساخته اند که تفصیل آن در روزنامه سابق نوشته
درین روزها خوب امتحان کرده اند و از قرایک نوشته
بجهت چنین کارها بسیار خوب است و خیلی بجاری
چهار نفر آدم او را راه می برند و شب و روز هم کار می

قدیم یونان بعضی از تنهای قدیم که در تنها نهادند
با شکل مردوزن و سببه بطوری جاری کرده اند که در قوه

حجار ان این ایام نیست که با نظریه تصویرات از سنگ در
بیاورند و بعضی از آن تنها را از مرمر سرخ و مرمر سبز

تراشیده بودند مدتی بود که معادن این مرمر الوان را
نمی دانستند که در کجاست چند وقت پیش ازین شخصی

سنگ تراشیده بمملکت یونان رفته بود که شایسته
معادن مرمر را پیدا نماید درین اوقات هر دو معین را

پیدا کرده است مرمر سرخ را در حوض کوههای مملکت
حسبه است و مرمر سبز را در جزیره طینسوس که یکی از جزایر

یونان است

در میان بعضی از رعایای کوهستان مجار قاعده غریبی است که زرنج
بجوزاک کم میخوردند و سبب یکی اینکه رنگشان سرخ بشود و فربه بشوند

سبب دیگر اینکه در بالای کوهها رفتن که نفس آدم تنگ می شود
نرم میکند نفس تنگ نمی شود بعضی از دخترهای این مملکت زرنج میخوردند

که سرخ و فربه و خوش گل بشوند طبیعی که با آنجا رفته بود نوشته است که دیدم
که دختری خوش گل بود و نامزد پسری از اهل آنجا بود اما لاغری بود و رنگش هم

خوب نبود خواست خودش را خوش گل نماید هفته چند خوراک زرنج خورد و در
خوب سرخ و فربه گردید اما بعد خوراک زرنج را زیاد کرد و نقشه کشی
میخواستند بالایی کوه بودند کمی زرنج بدین می اندازند با سانی بالای کوهها
سخت میزند و مردمی که بخوردن زرنج عادت دارند ظاهر اضری از او
نمی بینند مگر وقتی که ترک میکنند آنوقت سمیت آن با آنها اثر می کند
کله ایشان گرفته می شود و شکشان سوزش بهم میرساند و
سم حوزگی مانند کسی از سموات خورده باشد در آنها ظاهر میشود
و علامت این است که دوباره زرنج بخورند

۱۰۴۹

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم شنبه بیست و نهم جمادی الثانیه سن ۱۲۷۰

شماره صد و شصت و چهار

قیمت روزنامه

یک نسخه در هر یک

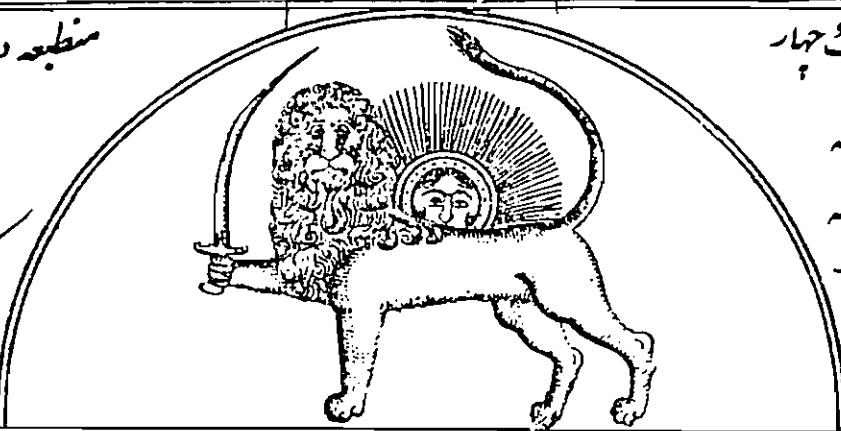
و قان و چهار هزار

منطبعة دار الخلفه طهران

قیمت اعلانات

یک خط از چهار خط یکبار

بیشتر با هر خط



اخبار داخله مالک محروسه پادشاهی

دار الخلفه طهران

در شب شنبه بیست و یکم این ماه هفت ساعت و هفده دقیقه از عزت گذشته آفتاب از برج حوت برج محل تحویل نمود امنای دولت علیه و مقربان حضرت گردون بطلت سینه و علمای اعلام در حضور اعلیحضرت پادشاهی بودند و در وقت تحویل مبارکباد عید نوروز را گفته شاهی اشرفی عیدی بهر یک بدست مبارک مرحمت فرمودند و صرف شیرینی و شربت نمودند و سال تحویل در هفت ساعت اتفاق افتاد و اعلیحضرت پادشاهی و امنای دولت علیه بیست و شش ساعت از شب رفقه پدید آمدند و فرمای آن بسلام عید را موقوف چاکران در بارهایون را معاف نمودند و در روز چهارشنبه بیست و دوم این ماه چنانچه معمول است اول این دولت علیه است تحت مراد و بواستخانه بزرگ بودند و ایون زیب و زینت یافته با سلام عام دادند و سائزادگان عظام و امنای دولت علیه و امرا و خوانین و میرانچه کان و صاحب منصبان نظام هر یک در مرتبه مقام خود طبع بنجایع فرمودند و سپهین از نوکر و افواج حاضر را بعبودت که وارد بواستخانه

سبار که دست و کنجایش است از غلام شیخ زنتان و علمایان عظام حضور از نسبی و جارچی و غیره کلمه هر یک در مقام خود آواز دادند و مجلس هایون تحت مراد شیلک توپ و زنبورک در میدان ارک گردیده و بعد از آن عالیجاه خطیب شاهی در حضور مبارک ادا خطبه طبع بجهت تنبیت عید نوروز فیروز سلطانی نموده بعد از آن عالیجاه میرزا سر و شمس الشرافیه عماد روح اعلیحضرت پادشاهی گفته بود معروض پیشگاه هایون دست که نخوان در روزنامه این هفته در صفحه علیحده مرقوم میگردد اگر چه سایر شعائر و قصاید غزالی خوب عرض کرده بودند ولی چون قصیده عالیجاه شایسته در سلام عید معروض افتاد لهذا در روزنامه بیست و شش ساعت موقوفین حضور مبارک با اعطای شاهی اشرفی عیدی سر او از صرف شربت نموده بعد از انقضای سلام دیوانخانه اعلیحضرت پادشاهی ببارت سردرب دیوانخانه که مشرف میدان ارک است تشریف فرما گردید و هموم مالی دار الخلفه مبارک که از وضع و تصرف و صغیر و کبیر بجهت زیارت وجود فانی موجود ایون در میان هر دو جی شدند و افواج قاهره نظام از پوچی و سر باز مریه سیران نظامی کشیدند و باطنی در حضور مبارک بر پا نمودند و صاحب طبیب تیممورد نام ملوکانه گردیدند

۱۰۵۰

سایر ولایات

حضرت از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته
 مقرب الخاقان امیر اصلا سخا حاکم محنت در نظم ولایت
 و تحقیق آسودگی عینت کمال مراقبت و اهتمام را در
 و از هر کس که خلاف قاعده و بی اعتدالی صادر شود فوراً
 بمقام رفع آن برمی آید از جمله از قراریکه نوشته بودید
 از رعابای قریه دیزج ساکن رنجان بود و در رنجان
 نامزدی داشت شش رالیه عروسی کرده بعد از چند روز
 رفتی داشته است او را باز نش بهمانی دعوت
 کرده بعد از آنکه بخانه رفیق رستم بودند صاحب خانه

که میزبان بوده است خواسته بوده است سردامان
 و زن او را صاحب نام بصیغه از قصد او مطلع شده
 و شوهرش را از چنگ میزبان ربانی داده بود و
 بمقرب الخاقان امیر اصلا سخا حاکم محسبید . آن
 شخص را دستاورد آورده اند تمبیه کامل نموده و بعد از آن
 اخراج بلد کرده است
 اصفهان

از قراریکه در روزنامه اصفهان نوشته بودند حاج
 چو اعلی خان نایب الحکومه در انتظام امر آنجا کمال اهتمام
 را دارد و در نظم امر شهر و انتظام قرا و لجانها و
 جبه خانه نهایت سعی و مراقبت را دارد و اکثر اوقات
 خودش بجه خانه رفتن استادان و صاحبان
 صنایع را در کار خودشان تشویق مینماید و همچنین
 پیشق سر بازان آنجا هم رسیدگی کرده لازمات تمام را
 بعمل می آورد

عالیجاه علیستی خان سرتیپ فوج قهرمانیه که با فوج
 از کرمان بدر بارها یون احضار شده بودند در روز
 چهارشنبه گذشته که موکب های یون در قصر قاجاریه
 داشتند با فوج خود شرفیاب حضور مبارک گردیده و
 در جلوسه در ب قصر قاجاریه بنظر اعلیحضرت پادشاه
 رسیدند چون در کمال آراستگی و شکوه بودند
 خاطر آهنگس های یون گردیده عالیجاه شش رالیه با صاحب
 و عموم آحاد و افراد فوج مزبور در محسین و نوازشات
 شدند و انعام با آنها مرحمت گردید

فوج اصفهان ابو اجمعی عالیجاه میرزا عبد الواب خان
 سه بنک که احضار بدر بارها یون شده بودند در روز
 پنجشنبه شانزدهم اینماه در میدان ارک حاضر شده
 صف نظامی کشیدند و اعلیحضرت پادشاهی بمیان
 فوج مزبور شریف فرما گردیده و فوج مزبور در خصوص
 مشق کردند و حرکات آنها در آراستگی و انتظامشان
 بسیار مقبول و مستحسن خاطر ملوکانه افتاده و خوب
 کرده مورد تحسین اعلیحضرت پادشاهی گردید

در روز شنبه بیستم اینماه فوج قهرمانیه که در قصر قاجاریه
 شرفیاب حضور مبارک شده بودند در میدان ارک
 حاضر شده و صف نظامی کشیدند جناب جلالت
 صدر اعظم بمیان فوج مزبور آمدند و رسیدگی با آنها
 نمودند چون کمال آراستگی داشتند مورد تحسین
 جناب معظم الیه گردیدند

۱۰۵۱

مضمون

در روزنامه سابق نوشته شده بود که دزدی از خانه شخصی شیشه کر و متایگان او قدری شال و اسباب صرفت کرده و در خرابیهای بیرون شهر میخواست پنهان نماید آد مهیای داروغه بسر وقت اورسیده بودند اسبابها را بجا گذاشتند خود فرار کرده بود و اشیاء مسروقه را آورده بصاحب آنها تسلیم نموده بودند دزد مزبور صغیر نامی بوده است از آنجا که فرار کرده بود بفرود رفت و در آنجا دوری الاغ از شخص فرودی در دیده بود صاحب الاغها بتعاقب او رفته و او را گرفت الاغهای خود را تصاحب نموده و دزد را بشهر آورده بست دروغه سپردند

و الآن مجوس است اجبار دول خارجه

تاریخ کاغذ آخر که از پاریس پای تحت فرانسه رسید بیستم شهر ربیع الثانی بود و در روزنامه این ولایت نوشته اند که رشتان در آنجا بسیار سرد و سخت شده بود و در خانه سین که از پای تخت میگذرد چنان بخیل بسته بود که مردم از روی بیخ عبور میکردند و بجهت کرانی نمان بعضی از فقرا در شهر پاریس سایر شهرهای فرانسه قدری تنگی می کشیدند در شهر بورخ که شهریت در کن رودریای تنگ مابین فرانسه و انگلیس واقع است سکونی در میان دریا ساخته و درین روزها با تمام رسانده اند بجهت محافظت کشتیها در هنگام طوفان هفتاد و یک

۱۰۵۲

سال پیش ازین ایام بنای ساختن سکوی مزبور را گذاشتند چونکه میدانستند که کشتیهای جنگی و غیره که در ساحل صفیات کشت می کنند پناه گاه بی که از ضرب امواج محفوظ باشند در آنجا لازم دارند بعد از آن در مملکت فرانسه اعتناش شد و بجهت اعتناش آن ولایت این کار عمده معوق ماند و طریش را شخصی و بان نام که مهندس مشهور آن ایام بود کشیده بود بعد از آن باز در ایامی که امپراطور ناپلیان بزرگ در فرانسه سلطنت میکرد مشغول ساختن سکوی مزبور گردیدند تا اینکه پادشاهان قدیم فرانسه که سلطنت اولیا برقرار کردند بجهت اخراجات ربا و ساختن سکوی مزبور را موقوف کردند تا در این اوقات که ایام لوی ناپلیان امپراطور فرانسه است سکوی مزبور با تمام رسیده است و هفت و هفت طبلان و سیصد هزار فرانک پول فرانسه که تخمینا سیزده کتوزوسی هزار تومان بحساب پول ایران باشد از آن ایام هفتاد و یک سال پیش ازین تا بحال خرج این سکوی شده است و در کل ردی زمین در بیچ ایامی چنین سکونی ساخته نشده است کشتیها که سابق کشتیهای غرق شدن داشتند حال در طرف سکوی مزبور لنگری اندازند و هر چه طوفان در دریا باشد بانها تاثیر می کند که در سیصد هزار فرانک در محاسبه فرانسه خرج تمام سکوی مزبور را بر آورد کرده بودند و هندسین قابل آن ولایت مشغول این کار بودند و بطوری تمام کرده اند که صد و پنجاه هزار تومان کمتر از آنچه بر آورد کرده بودند خرج شده است و تمام کردن این

عمل بیا دکاری سلطنت لوی ناپلیان امپراطور است
 اعیان مملکت استرالیاجا رصد بود که تخمیناً
 بمشاه تومان بجات پول ایران باشد بصاحب
 یک کشتی انعام داده اند بسبب اینکه از ولایت انگلیس تا
 استرالیاد شصت روز آمده بود و در میان خود
 سخاوت جمع کرده و قرار گذاشته اند از آن روز تا دو سال
 دیگر هر کس کشتی در شصت و هفت روز از انگلیس
 بیاورد کشتی او حامل کتوبات باشد با همین انعام را با او بدهند

اگر بنا در ات شهرادر کنار دریای بالتیک در اول
 ریح الاول پنج بسته اند و با بنجه تا اول ابن بهار
 زد کشتی بجهت حمل و نقل غله و غیره موقوف گردیده
 و در شهر استین چهل و شش کشتی که غله بارشان
 بود در میان پنج مانده بودند

در وینچ که قورخانه دولت انگلیس است توپها را بطرح
 دیگر اختراع کرده اند که از ته پرمی شود پنجاه بار با کلوله
 بجهت امتحان انداخته اند و خوب از امتحان بیرون
 آمده است و میگویند که با اینطور و نفر میستوانند توپها
 سکین را که در روی کشتی هستند در هر دقیقه پنج بار
 پر کنند و خالی نمایند و توپهای جلور او هر دقیقه شش بار
 و توپ هم چندان گرم نمی شود

در یکی از روزنامه ها سن پادشاهان فرنگستان را
 باین تفصیل نوشته اند پادشاه انگلیس سی چهار سال
 و از هم بزرگ هفتاد و یک سال بلژشت و دو سال بود
 پنجاه و هفت سال امپراطور روس پنجاه و شش سال

پادشاه نازوی پنجاه و سه سال وینمارک چهل و چهار
 سال امپراطور فرانسه چهل و چهار سال پادشاه
 ناپولنی چهل سال بواریه چهل سال هونورسی و سه سال
 سلطان عثمانیه سی سال امپراطور استرالیاجا سی و سه سال

در روزنامه منته نوشته اند که چهار نفر از اهل مصر که چند
 سال است در مدرسه مونیخ پای تخت بواریه درس
 میخوانند منصب معلم الاطبا گرفته اند و غیر از درس در
 علم طب زبان کرک و لاطین و منه را نیز یاد گرفته اند
 و در علم موزیکان و علم نقاشی هم کار کرده اند
 از آنکه از ولایت زدشان بیرون بیایند زبان
 فرانس و انگلیس میدانند بسیار قابل و صاحب
 ذکاوت هستند و بیشتر از پنج سال در مدرسه
 نمانده اند

اعلانات

کتابهای چاپی دار اخلاق طهران که در کارخانه حاج
 عبدالمحمد با سمسره چی در محله نزدیک دروازه ذوق
 الطباع شده از اینهار و وجهی شود

حمه لطایف که تازه رده شده است بخط خوش
 قطع و زیری و بسیار خوب و صحیح الطباع شد یک جلد است
 و قیمت آن

سرار	دو تومان	۰۰
زبدۃ المعارف	دو تومان	۰۰
معراج السعاده	یک تومان	۰۰
صدقۃ السبع	هشت هزار	۰۰

فقدید دایست که عالیجاه میرزا سردس شمس الشیراز
سلام عهد نور در عهد اعلی حضرت پادشاهی عرض نمود

ایر از است...
بارت باغش...
منع غاشق...
مدرک...
مردل زاده...
تاریخ...
است...
فرد...
ار...
بهر...

تاریخ...
دلت اور...
تاریخ...
لاجم...
تاریخ...
کتاب...
تاریخ...
تاریخ...
تاریخ...
تاریخ...
تاریخ...

تاریخ...
تاریخ...
تاریخ...
تاریخ...
تاریخ...
تاریخ...
تاریخ...
تاریخ...
تاریخ...
تاریخ...
تاریخ...

تاریخ...
تاریخ...
تاریخ...
تاریخ...
تاریخ...
تاریخ...
تاریخ...
تاریخ...
تاریخ...
تاریخ...
تاریخ...

عهد تو فرخنده باد و ملک تو پایدار
ایکبار از منت پرچم خضر کرک

از جمله اخباراتی که در وزید سعید در وقت سلام بعضی خاکپای مبارک
رسید حکایت بندر عباس است که همیشه در جزایر ابراهیمی مملکت
فارس حکومت آن از جانب دولت علیه بعمده شیخ خان محول و
مفوض بود در سینه ماخیزد که شیخ سیف خان مرحوم شیخ عبدالرحمن و
و بعضی از شیخ بندر بزرگ بخیال خود سری افتاده صید نوبینی پسر امام
به بندر آورده با او عهد و میثاقی در میان نهادند بعد از آنکه نوب
سویه الدوله حکمران مملکت فارس نسبت کر میرات برای نظم آن صحیح
رفته بود ندانای بندر و در قلعه را خندق حفر نموده آذوقه و توپ و قوا
و جمعیت و استعداد از امام مسقط و صید نوبینی برای خود آورده است
عاده توپ بزرگ در بروج و بدنه داشتند سوای توپهایی که در چهار
سعدیه از امام مسقط در روی دریا بود و بسنگر قشون دولت علیه
می انداختند نواب میوید الدوله اسم امیر زاده ابوالقاسم خان را
با توپخانه و فوج کلپایگانی ابوالجمععی عالیجا نصر الله خان و فوج قشانی
ابوالجمععی عالیجا لطفعلی خان با مصطفی قلیخان بوباشی و تفنگچی لاری مأمور
بمحاصره بندر نمودند چند روز ایام محاصره طول کشید و قشون دولت
سنگر ها و خانهای بیرون شهر را تصرف آوردند از آن طرف مسم صید محمد
برادر زاده امام مسقط با چند جهاز و جمعیت و زیاد از چاه عاده توپ
بانداد آنها آمد تا روز هشتم همین ماه جمادی الثانی روز روشن افواج
قاهره و قشون پوشش برده بقعه و غلبه شهر را تصرف آوردند و قشون
بانداد اهل بندر آمده بودند بطوری سرسپرده شدند که اغلب از بیم جان
نخواستند خود را به بنجله و جهاز برسانند بدریا انداخته غرق شدند
و هم چنین در روز ششم این ماه عالیجان رضا قلیخان با فوج عرب
و امامعلی خان با فوج کرمانی که از طرف کرمان حسب الامر اولیای
دولت علیه امیر الامراء العظام محمد حسن خان سردار حکمران یزد در کرمان
مأمور نموده بود قلعه کبیر را که از قلعه های بسیار سخت کر میرات بود

بوای بندر عباس آنها هم بنای خود سری گذاشته بودند
بیورش و قهر و غلبه تسخیر نمودند که این دو فتح نمایان درین روز
عید سعید خضر رسید و سجا کپای ها بون معروض افتاد
از جمله عطایای معطره که درین عید سعید از جانب سی
سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی بجناب جلالت مآب
اجل اکرم صدر عظمیٰ مخمس مرحمت شد یک قطعه
نشان امیرنویانی اعظم است با یک رشته حایل سبز
که اول نشان این دولت علیه است و مختص شخص اول
دولت قوی است تا حال مسم در حق و ذرا
سابق بکسی مرحمت نشده بود مگر اینکه حال در حق جناب
معتدی الیه مرحمت شد و یک قطعه شراب بند کاغذ شکل به
الماس و مروارید که ریش آن مرواریدهای بسیار
درشت ممتاز و قبه های آن مکمل بالماس برلیان است

۱۰۵۵

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم شنبه غزه ماه ربیع الثانی سن ۱۲۸۱

نزد صد و شصت و پنج

قیمت روزنامه

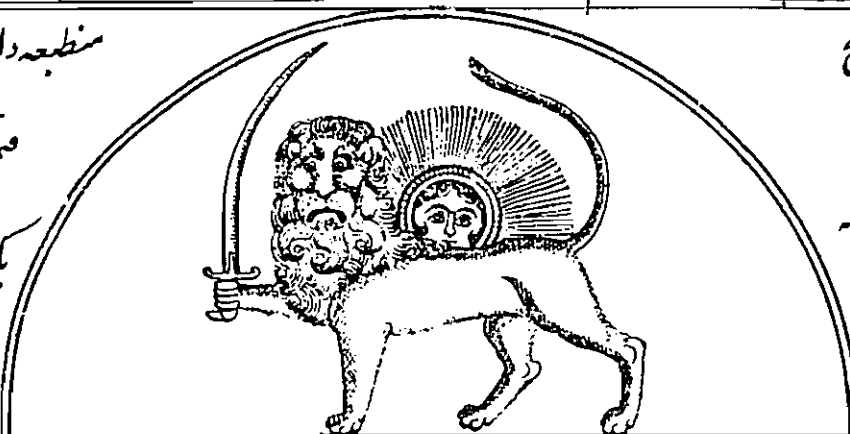
یک نسخه شش ماهی

صفتان و چهار هزار

منظومه دارالخلافه طهران

قیمت اعلانات

یک سطر الاجاره یکم هزار
بیشتر با هر سطر



اجبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

اعلیحضرت پادشاهی در روز یکشنبه گذشته
بعزم تفریح و کشت اطراف دارالخلافه مبارکه سوار گردید
و تا حوالی عصر بکشت و تفریح آنجا مشغول بودند و نزدیک
بغروب آفتاب بارک مبارکه سلطانی و مقتر
سلطنت عظمی جهت فرمودند

در این اوقات که ایام گردش عبدالعزیز است
حسب القانین این دولت علیه امنای دولت و جا
در باره جایون سخته دید و باز دید یکدیگر از الزام شد
و در خانه معاف و مرضی میباشند و هم چنین افواج
قاهره نظام نیز درین چند روزه از مشق کردن معاف
و مرضی هستند که یکدیگر را دید و باز دید نمایند همچون
کسب بازار نیز اغلب دکانین خود را بسته و مشغول
دید و باز دید یکدیگر میباشند

در روز یکشنبه بیت و ششم ماه گذشته لوآب
مستطاب هزاره و الا بتا بصره الدوله فیروز میرزا
که بنیابت نواب مستطاب کامیاب و لعیبده

ابد مدت علیه بجمومت مملکت آذربایجان سرفراز
شده است با اتفاق مقرب انخاقان میرزا صادق
تایم مقام که به پیشکاری کل امور آذربایجان سرفراز است
از شد دارالخلافه سبب انکارستان نقل مکان گردید
چهار روزه اند و درین روزه حسب الامرهایون روانه
آذربایجان خواهند شد

چون فوج سه دهبی البواججی مقرب انخاقان میرزا
سربت نوری بعد از ورود به دارالخلافه مبارکه که از
نظر انوراعلیحضرت پادشاهی در میدان ارک چنانچه
در روزنامه مضمون پیش نوشته شده است بوده و چنانچه
جلالت آما ب صدر اعظم فوج مزبور را ندیده بودند
لهذا در روز دوشنبه بیت و هفتم ماه گذشته در میدان
مشق خارج دروازه دولت صف نظامی کشیدند و
جناب معظم الیه میان فوج مزبور فرستاده رسید که
با آنها نمودند و در کمال راستگی و شکوه بالبوس سلیمه و
دستکش سفید و دستمال سیاه کردن بند نظر رسیدند
مقبول و مستحسن مورد نوازشات جناب معظم الیه گردیدند

۱۰۵۶

و بسیار خوب پیش کردند و جناب معظم الیه العالی هم
بآنها دادند

در روز سه شنبه بیست و هشتم ماه گذشته آعلیحضرت
پادشاهی بیابغ سردار شریف برده و تا حوالی عصر
بتفریح آنجا مشغول بودند و نزدیک عروب آفتاب
بارک مبارک که سلطانی شریفه فرما کردند

در روز دو شنبه گذشته جناب جلالت آاب
صدر اعظم بیابغ بخارستان برای دیدن نواب نصره
و دستور العمل کارهای آنرا بایجان که نواب معری
و مقرب آنجا قان قایم مقام میدادند تشریف بردند و
تا چند ساعت از شب گذشته در آنجا تشریف
داشتند و بعد معاودت نمودند

سایر ولایات

اصفهان از فراریکه در روزنامه اصفهان نوشته
بودند از حسن مراقبت اولیای دولت علیه و همایا
عالیجاه چراعلیخان نایب الحکومه اصفهان کمال مینت
و انتظام در آنجا حاصل است و ابدا کسی از زردی
و هرزگی مینت و کمال نظم را دارد

گروس

از فراریکه از بنولایت نوشته اند کمال امانت در آنجا
حاصل است و عالیجاه زین العابدین خان حاکم
گروس در انجام خدمات دیوانی و حسن سلوک با
آنجا مراقبت تمام بعمل می آورد و درین ولایت نهایت
فراوانی و ارزانی و وفور نعمت حاصل است و هر چیزی
از آذوقه در آنجا ارزان و فراوان است بطوری که گندم

در آنجا خرداری سه هزار دینار خریدار ندارد و سایر
اجناس را کولات نیز از همین قرار در نهایت وفور
ارزانت

اجبار دول خارج

انگلستان تاریخ کاغذ آخر که از لندن پانچ

اینولایت رسید بیستم ماه جمادی الثانی بود و در روز
سه شنبه دویم ماه مزبور مشورتخانه خوانین و کلای
رعایا بحکم در پامی تحت جمع شده بودند و خود
علیاحضرت پادشاه مشورت خانه مزبور تشریف آوردند
و بروی تحت قرار گرفت و در خصوص بعضی امورات دولتی
بابل مشورتخانه فرمایش نمود و بعد از آن اهل دو مشورتخانه
هر یک در جای خود نشسته مشغول گذرانیدن امور دولتی
شدند و از جمله گفتگوئی که در مشورتخانه و کلای رعایا
بود این بود که ملت یهود نیز مثل سایر رعایای انگلیس
اذن داشته باشند که از آنها نیز و کسلی در مشورتخانه
دولتی بنشینند و لکن این قرار وادامه منجزی نشده است

در دریای اطراف مملکت انگلیس طوفان زیاده بود
و کشتی زیاده غرق گردیده بود از جمله نوشته بودند که
از اول ربیع الثانی تا چهارم ماه مزبور دولت و سبب دجای
کشتی تجارت چه از آنجا را انگلیس و چه از آنجا سایر
دول در آنجا غرق شده بود سواهی کشتیهائی که در
امواج بکنار دریا انداخته و شکسته و صیوب نموده است
و از اول تا آخر ماه مزبور هوا چنان سرد شده بود که موا
درجه هوا که دارند مشتا و پنجال بود که در مملکت انگلیس هوا

با بن طور سرد شده بود و راهها بطوری برف و یخ
 گرفته بود که تردد سیاح بسیار مشکل بود
 در بعضی ملوکات انگلیس چجه گرانی نان اغتاشش
 شده بود و مردم جمع شده سنگ بجانها و دکانین
 جباران انداخته بودند و در پنجه آنها را گشته بود
 اما چاکران دیوان رفود اغتاشش موقوف کرده
 و مقصرین را که مصدر اغتاشش شده بودند گرفته
 محبوس کردند

تجارت تجار و شغز کارخانها در ولایت انگلیس
 خوب راه میرفت و معلوم بود که کار خلق بجهت رواج
 کارخانها و تجارت رو بترقی بود و مالیات دیوان
 زیاد تر از سالهای گذشته عاید شده بود بطوریکه
 نسبت بسنه ماضیه داخل عایدی دیوان زیاد تر
 از مخارج آمده بود

در هشتم ماه جمادی الاول وزیر مختار دولت روس
 مقیم لندن از انجمن بیرون رفته بود که بولایت خود
 مراجعت نماید

فصل
 تاریخ کاغذ آخر که ازین ولایت رسید است و از
 ماه جمادی الاول بود و قرار بوده است که در چهارم
 ماه جمادی الثانی مشورتخانه دولتی در پای تخت جمع شود
 و زیر محاسبات انولایت محاسب سال گذشته
 دستور العمل سال نوزدهم امپراطور آورده بود
 و جمع و خرج ولایت را بطوری نوشته بود که مالیات
 تمامیت مخارج رامی کرده و جمع امسال از جمع سال گذشته

۱۰۵۸

زیاد تر آمده بود
 پارس ناپلیان که بر و سیز پای تخت مملکت پذیرفته
 بود در پنجم ماه زبور از انجمن اجتهت پای تخت فرست
 نموده است

درین نستان سردار مملکت فرزند شدت نام
 داشته است و در بعضی جاها رود خانها می که بر کن
 کسی بخاطر نداشته است که پنج سبته باشند درین
 نستان پنج سبته بودند آفتی در میان تاک انکور افتاده
 بود بطوریکه در بعضی جاها تاک انکور بالمره ضایع شده
 بود که دیگر جمیع فمید استند و بجهت همین در می آورده
 دور هر کجا که ضایع شده بود رنگ چوبش سیاه
 گردیده بود اما بعد از سرمای شدیدی نستان دیدند که
 در بعضی جاها که تاک انکور سیاه و ضایع شده بود
 دوباره برنگ اصلی خود برگشته است و چنان دانستند
 که شدت برودت رفع آفت از میان تاک انکور کرده ما
 لهذا تا کمائی که برنگ اول برشته بود دیگر نکند چون
 حاصل زیاد در دست جنوب مملکت و امان از انکور است
 کمان داشته که این شدت سرما رفع آفت از تاک
 انکور کرده و کمان جایای آنجا نفع نموده باشد

وزیر مختار روس مقیم پاریس نیز در هشتم ماه جمادی
 از پاریس بیرون رفته است که بولایت خود برود

ما بین دولتین انگلیس و فرانسه دوستی و دوستی و دوستی
 نام بود و در هر سبب و هر جهت مصلحت و مشورتان
 یکی بود و هر دو دولت قشون خود را اعم از قشون بزرگی
 باجری زیاد میکردند

بلش

از فراری که در روزنامه پای تخت این مملکت نوشته اند
 پرنس ناپلیان در آنجا بود و مهمان پادشاه بلش بود
 و بجهت حرمت پرنس مزبور کمال اوضاع و اساس دولت
 در محالینا فراهم آورده بودند و وزیر مختار فرانسه
 بر ویسترا بلچیان دول خارج را که در نزد پادشاه بلش
 بودند یکی یکی بخدمت پرنس مزبور آورده و معرفی آنها را
 بود و در هنگام مراجعت که از آنجا بولایت فرانسه میخواست
 برود و در کوه برآفتاب و لیعهد مملکت بلش پرنس
 مزبور بشالیت رفته بود تا بجائی که سوار کالک کاشد بود
 دست خسته روانه گردید بود

در روزنامه لندن نوشته اند که لیعهد پادشاه بلش
 و رضل بهار امسال بنیاد دارد که بولایت انگلیس برود
 و چند ماه در آنجا همان پادشاه انگلیس

پنومات

از فرار روزنامه این مملکت قشون استجار از یاد میگرد
 و بسیار سعی و کوشش میگردند که قشون و قورخانه و سایر
 لوازمات جنگ را حاضر و جمیع نمایند

اسپانیول

درین مملکت چونکه دیدند قاعده مذکره وادن بجهت خلق که از
 شهرت اسه در میان ولایت عبور میگردند باعث اذیت
 مردم بود حسب احکام دیوان درین روزنامه موقوف کرده اند

ایضا از مدرو پای تخت اسپانیول نوشته اند که بعضی
 مردم در آنجا میخواستند او و برسم زدگی در دولت

نمایند چهارده نفر از آنها را گرفته اخراج بلد کردند
 ایلیچی فرانسه که در جنگی که همسراه وزیر مختار دولت
 سنیکی دینای شمالی کرده بودند کلوله پایش خورده بود
 و تقصیل آن در روزنامه سابق ترجمه و نوشته شده است
 کلوله را از پای او در آورده اند و خورش رو بخوبی بود

از سایر ممالک فرنگستان روزنامه درین مملکت است
 و از فراری که می نویسند زمستان در آن صفحات بسیار
 سخت شده بود و طوفان زیاد در روی دریا شده
 بود و بسبب طوفان مزبور کشتیهای بسیار غرق و تکت
 شدند مال التجاره زیاد تلف شده و مردم زیاد
 آب غرق شده بودند و هم چنین در خشکی بسبب
 برف تودکا که در راه آهن بسیار شکل شده بود و در سست

بعضی ممالک غربی فرنگستان بجهت کم شدن اذو و خصوصاً
 غله تنگی و عسرت می کشیدند از مصر که جای غله خیر بجهت
 بعضی ممالک فرنگستان است قوغن شده بود که غله بیرون
 نبرند و چونکه بعضی ممالک فرنگستان در سالهای که حاصل
 ولایت خودشان کفایت خوراک خلق نمی کنند نیاز درین غله
 از مملکت مبر باعث ترقی جنس در بعضی ولایات آن قسمت بود
 و سبب دیگر کران شدن غله این بود که دریای بایلتیک
 یخ بسته بود چنانکه در هر زمستان یخ می بندد و تا فصل بهار
 یخ آنجا بازمی شود که غله با کرده در کشتیهای آنی که لازم است
 ببرد و لکن چونکه دریای سنیکی دینای شمالی یخ نمی بندد و دائم
 کشتی در آنجا کار می کند غله از آنجا می آوردند امیدواری برای
 خلق بود

۱۰۵۹

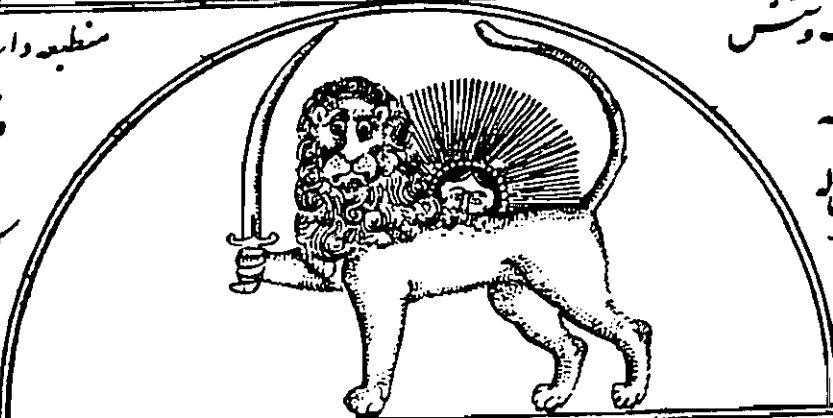
روزنامه قایم اتفاقیه تبایخ یوم چہ شنبہ شہ ماہ حجب المرجب مطابق سال پارس سن ۱۲۶۰

نزد صد و شصت و شش

قیمت روزنامه

یک نسخه شش کرایه

در تان و چهار هزار



منظوبه دارالخلافه طهران

قیمت اعلانات

یک خطه الا چهار خط یک هزار

بیشتر با هر خطی

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز شنبه هفتم گذشتہ که اعلیحضرت پادشاه
 بیاض امیر الامراء العظام سردار تشریف بردند عالیجاہ
 میبذالہ محمد آدم امیر الامراء العظام مشارالہ از جانب
 او تقدیم پیشکش دپای انداز و قربانی و ضیافت نمود
 و لوازم خدمتگذار پر معمول داشت و خدمات او
 مستحسن و مقبول خاطر ملوکانه اقتدارہ اظهار عنایت و التفات
 خسروانی نسبت بہر وار فرمودند و بعد از صرف چای
 و عصرانہ نزد یک عذوب آفتاب بارک مبارکہ سلطانی
 معاودت نمودند

چون نیت پاک و فطرت تابناک ما یون اعلیحضرت
 پادشاهی پیوستہ طالب سائیش و ارتش کا و عبادت
 لہذا بجلی سیوریات گرفتن در منازل عرض راہ ما لہذا
 موقوف فرمودند خواہ صد نفر یا پنجاہ نفر یا پنج فرج یا زیادتر
 ہر قدر قشون ماموری شود اولیای دولت قاہرہ حکم
 فرمودند کہ از ہر ولایتی بولایتی میرود حاکم آن ولایت
 منازل عرض راہ را حساب کردہ قیمت سیوریات
 قشون مامورہ را بسجد و وجہ نقد از بابت مالیات
 آن ولایت بدہد کہ دیگر در منازل عرض راہ در مسج جا
 سیوریات مطالبہ نمایند

چون روز سیزدہم شہر حجب المرجب موافق اجنبہ صحیحہ روز
 مولود جناب ولایت آتب مولی المتقین امیر المومنین علی علیہ السلام
 و تا بحال احترام این روز سعید ظاہر امری و منظور شدہ بود
 و لوازم عید را در این روز بعل بنی آوردند و در بواطن سلیمان
 و مومنین مستور و کتوم ماندہ بود لہذا اعلیحضرت پادشاه
 نظر باقتضای نیت پاک ملوکانہ چنین امر و مقرر فرمودند کہ
 سیزدہم ماہ فروردیماہ سال در جمیع ممالک محروسہ پادشاہ

در روز یک شنبہ چہارم اینماہ کہ روز سیزدہم عید بود
 چون قانون این دولت علیہ است کہ عموم خلق نکتہ
 و تفریح باغات و بائین مبرودند لہذا اعلیحضرت پادشاہ
 بیاض دولت آباد کہ در سمت ہزارہ عبد العظیم است
 تشریف فرما کردیدہ تا حوالی عصر در باغ مزبور بعباش و لغز
 بہر بردہ نزد یک عذوب آفتاب بارک مبارکہ سلطانی
 مراجعت فرمودند

۱۰۶۰

عید بزرگ قرار داده مثل سایر اعیان و بهینه جشن و شلیک
شود و بجمع حکام ولایات مالک محروسه حسب الامر فرمایند
قضا این شرف صد و یازده ارسال شد

چون نواب مستطاب نیز آمده و الا بتاریخیه الدوله لعل
حکمران مملکت فارس در انتظام و انضباط امور آن صحیفه
و نظم کرسیات و منع و اخراج مستخدمین بندر عباس
و قلعه کبیر خصوصاً لازمه مراقبت و اهتمام را بعمل آورده بودند
در امر استیجاب خدمات نواب معزنی ایله زیاد از اندازه
و مقبول خاطر حضرت پادشاهی افتاد لهذا
مخصر محنت یک قطعه نشان تمثال هائون مکتل بالباس
که بالاترین نشانها و اجل عطایاست بافتخار نواب معزنی
مرحمت و عنایت فرمودند و از اینقرار نیز در باره سنجاب
در خدمت بندر عباس و آسپلای بر آنجا و قلعه کبیر نشان
و جلادت ظاهر کرده بودند منصب خلعت نشان
کردید

عالیجاه لطفعلی خان سرتیپ فوج قفقازی که در تخییر بندر
عباس با فوج بود نشان و حایل از مرتبه اول سرتیپی باو
مرحمت شد

امیرزاده ابوالقاسم خان پسر نواب مونس الدوله که در
قشون لبرداری مامور بود و بسیار اهتمام نمود منصب
بروآر و نشان و حایل از مرتبه اول سرتیپی باو مرحمت
شده

عالیجاه نصر الدوله خان سرتیپ فوج کلپایجان که در بندر عباس
خدمت کرده بود منصب سرتیپی سرافراز شده یکتوب جبهه
برسم خلعت مبارک اید مرحمت کردید

عالیجاه رضاقلیخان سرتیپ فوج عرب سرتیپی چون
در تصرف قلعه کبیر خدمت کرده بود منصب سرتیپی سرافراز
گردیده یکتوب جبهه رزمه برسم خلعت مبارک اید

عالیجاه عباس خان غلام پیشخدمت چون در بندر
عباس و نظم آن صحیفات خدمت کرده بود یک قطعه
نشان از مرتبه دوم سرتیپی بافتخار اید

عالیجاه امامعلی خان سرتیپ فوج کرمانی که در خدمت
قلعه کبیر اهتمام نموده بود نشان و حایل از مرتبه اول
سرتیپی باو مرحمت شد

مصطفی خان تسکی که در بندر عباس خدمت کرده بود
یکقطعه نشان از مرتبه اول سرتیپی باو مرحمت شد

مصطفی قلیخان یوزباشی نیز که در بندر عباس در خدمت
شده بود با عطای یکقطعه نشان از مرتبه اول سرتیپی
رزنی سرافراز گردید

مصطفی خان بیک نایب اول توپخانه که در بندر عباس
بود منصب لطانی توپخانه سرافراز شد

عالیجاه میرزا نعیم شکر نویس چون در قلعه و قلعه طایفه
ضالده بابیه نیز اهتمام نموده و با اینکه از ارباب علم است
کمال رشادت و جلادت بعمل آورده آنها را بجای قلعه
دفع نمود لهذا یک قطعه نشان و یک رشته حایل
از مرتبه اول سرتیپی در حق او مرحمت شده و بموجب
اورا هم موافق مواجب سرتیپان مرحمت فرمودند

چون نواب مستطاب عماد الدوله امامعلی میرزا حکمران
کرمان در انتظام و انضباط امور آن ولایت که

۱۶۶

تاریخ

عراق عجم است مسواری کمال است تمام را بجز آن
محاسن خدمات نواب معزی الیه سخن و مقبول
پیکاه حضور با هر الموز بما یون افتاده اند محض
مرحمت یک قطعه نشان از مرتبه اول میرنچی کی
با یک رشته حایل سرخ و سفید که مخصوص این مرتبه است
با افتخار نواب معزی الیه محنت و عنایت فرمودند

در روز سیزدهم عید که عموم حشوق بجهت تفریح بیرون
سند و باغات و باغین رفتند از دحام داشتند
از انهام واحساب انسانی دولت علیه از احدی محنت
خلافی شنیده نشد در از منته سابقه در چنین روزها
بی آن نمی شد که در میان جبال و او با باش احداث
زراع و شرارتی نشود لکن در این ایام فیروزی ارشام
قدرت حرکت خلاف ندارد بطوریکه با آن همه حمیت
و کثرت مردم در بیرون در دانه و باغات و سبزی کارها
از احدی صدائی که مسببی بر زراع و شرارت باشد
بلند شده بود

افواج قاهره نظام ارتوپچی و سرباز و سوار نظام
هر روز در میدان ارک و میدان مشق خارج در دانه
دولت مشغول مشق نظامی می باشند و معلمین و صاحبان
نهایت اهتمام در مشق و انتظام امر آنها دارند و بعد از
فراغت از مشق افواج قاهره طرف عصر نیز هر روز
صاحب منصبان افواج در میدان مشق خارج در دانه
دولت مشغول مشق و تسلیم قواعد نظامی میباشند
در روز سه شنبه گذشته دو نفر دزد که یکی از آنها سابقا

در خانه نواب فرمان فرما دزدی کرده و گرفتار شده
یک دست او قطع شده بود و درین روزها باز مصد
سرفت کرده بود و یکی دیگر نیز سابقا در قریه کن مصد
سرفت شده و الاغی در آنجا دزدیده بود و دست آمده
و یک دست او نیز قطع گردیده بود و درین روزها باز در آنجا
دزدی کرده و دست آمده بود و در روز فروردین هر دو
بعض سیاست در آمده حسب الاشارة العلیه حکم نمودند
ستباب شاهزاده و الایثار و شیر میرزا حکمران
و در انجلا فطهران و توابع دستهای دیگر آنها را نیز قطع
نموده و چهارشان نموده در کوهها و بازارها گرداند و در
اخراج بلده نمودند

سایر ولایات

افزربا بایجان از قزاق که در روزنامه این ولایت
نوشته اند امیر الامراء العظام مقرب الخاقان سردار کل
در انتظام امور آن ولایت در غیاب نواب نصره الدوله
نایب الایاله آذربایجان کمال اهتمام دارد و مقرب الخاقان
جعفر قلیخان میرنچیم که حسب الامر تصدی امور نظام آنجا
ما مور شده است در لوازم خدمت متوجه قهای است تمام
دارد و هر روز در اطاق نظام نشسته مشغول امورات
نظام است و خلقی هم که سابقا با او مرحمت شده بود
رسیده لازم توفیر و احترام را بجز آورده است و برای
تهنیت و احترام خلعت مه طلعت پادشاهی جمیع اعیان
صاحب منصبان در روز خلعت پوشان مشارکیم
حاضر شده اند و تهنیت و مبارکباد خلعت بپوشان
گفته اند

۱۰۶۲

همدان

از قراریکه در روزنامه همدان نوشته بودند امر آنست که
کمال نظم وارد و عموم مالی آفولیت از مجتهدین و علی بعد
وصول فرمان مهرلعان که در خصوص قوفی جرایم غاصد
یاخته بود کمال شکر که از راجع آورده و بدعا کونی ذات
اقدس هاپون و دعای دوام دولت روز افزون قیام
و اقدام نموده اند

دیگر نوشته بودند که زخ اجناس و ماکولات آنجا در
و مردم در کمال رفاه و آسودگی گذران مینمایند و
اسد الله خان محتمد الملک در نظم امر و ولایت و رسیدگی
بکار رعیت منتهای اهتمام را دارد و در رفع هرزگی و بیجا
کمال دقت را بعمل می آورد و اگر کسی مصدر شرارت و حلا
حسابی شده باشد فوراً در مقام مقبیه و تادیب آن

برمی آید
کسیلان

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته بودند بعد
موقوفی جرمیه و زجران با پنجاهم رسید است در
جامع خوانده و مضامین آن را که مشعر بر کمال رفعت و رحمت
ملوکانه در باره عموم رعایا و برای مالک محروس است
که شش زده خاص و عام کرده اند و کمال امیدواری بر
مالی آنجا حاصل شده و ازین حکم معدلت این نهایت
شکرگذاری و دعا کونی را بعمل آورده اند

دیگر نوشته بودند که مقرب الخاقان عیسی خان دایلی
در نظم امر و ولایت و انجام خدمات دیوانی و شخصی بسیار
آسودگی رعیت نهایت اهتمام را دارد و بعد از این مردم

ورسب کی تمام عینا بد و کمر اتفاق می افتد که از کسی غلام
حساب و شرارتی ناشی و صا در بشود و مردم در کمال
آسودگی و ذاعت مشغول زراعت و عیبتی خود و دعا کونی
این دولت علیه بیجا
کرمان

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند امیرالامرا
محمد حسن خان سردار حکم ان یزد و کرمان بعد از وصول
فرمان مهرلعان مبارک که در باب موقوفی جرمیه و زجران
شرف صد دریا یافته بود در لادس منابر و صد مساجد
فرمان مبارک را داده است خوانده اند و عموم مالی بی
و بلوکات کرمان از صد در این حکم هاپون نهایت شکر گذار
و دعا کونی را بعمل آورده اند و زیاده مشوف و امیدوار
بعواطف این دولت پایدار گردیده اند

دیگر نوشته بودند که درین اوقات در کرمان باد سختی
وزیدن گرفته است سجده ای که بقدرده ذرع از بدنه شهر
که دروازه سلطانی باشد خراب کرده است و رنگها
در او آفرمیدل بفریزی بوده است
یزد

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند چنانچه در روز
سابق نیز نوشته شده روز در دارالعباده یزد چنان
سرما می سخت شده است که آنچه سرد و خنجر بوده است
سرما زده است و درین سه روزه سجده ای سرد بود و
که مردم قوه بیرون آمدن از خانه ها مشغولت بکار و کسب
و مردمان مسمان ببلد میگفتند که تا مجال این شدت سرما
این ولایت خیزد و بخاطرنداریم

اجبار دول خارجه

فرانس در زمستان گذشته چنان برف و دین ولایت آمده بود که در راه آهن مابین سترزبورگ و پاریس تا مدتی تردد نمی شد و در بعضی جایها نظام و بار آورده بود و برف را بهار پاک می کردند که کالک تر و نماید و نیز بلون وین یکدفع و نیم برف داشت مابین شهرهای وین و یوزم تردد مشکل بود اما این معطلی بیشتر از سه روز نکشد

ایتالیا

در بعضی روزنامه های این ولایت نوشته بودند که چند پیش ازین مکان بود که قشون فرانس را که در روم هستند یا کمتر نمایند یا بجای از آنجا بردارند بعد معلوم شد که این گفتگوها بی اصل بوده است و قشون فرانس را در روم نگه نکرده اند بعضی افواج اجبار اعوض کرده اند همان سه رقصون که در آنجا داشتند باز دارند و در زمستان گذشته معلوم شده بود که بعضی از اهل آنجا باز بنای برسم زون دولت پایار داشتند بعضی شان خیال داشتند که پادشاه بجهت ایتالیا برقرار شود که کل ممالک ایتالیا در زیر حکومت یک پادشاه باشد و بعضی هم خیال این را داشتند که در آنجا دولت جمهوری برپا شود و آرا می مغتدین مخالف یکدیگر بود بسیاری ازین مردم را گرفته حبس کرده اند و اکثرشان از چاکران دیوان و اعیان عمده آن ولایت اند و پر معلوم شده است که در هر حال دولت فرانس قوتی که در آنجا دارند کمتر نخواهند کرد

اسپانیول

از مدتی پای تحت اسپانیول نوشته اند که درین زمستان گذشته هوای آنجا بشتی سرد و سخت شده بود که آبها یخ بسته بودند بطوریکه مردم بروی یخ عبور میکردند و یخ و این طور یخ بندان در آن ولایت بسیار جای تعجب است اکثر ولایات اسپانیول که مسیبر و جای محل آمدن مرکبات خوب و میوه جات که مسیبریت و اما لی آنجا اینگونه سرما در آن ولایت هیچ سالی نجا طرند داشته اند

سینکی دنیای شمالی

حکمت کلی فاریناد دست است یکی کلی فارینای علیا یکی کلی فارینای سفلی و کلی فارینای علیا حالا بحسب عهد مانده که دارند در دست دولت سینکی دنیای شمالی است بقا هر دو در دست دولت میکسکو بود حالا همان کلی فارینای سفلی در دست دولت میکسکو مانده است در این اوقات چند نفر از اهل سینکی دنیای شمالی خود سر و بدون اینکه دولت از اراده آنها با خبر شده رفته اند یک قصبه اهل کلی فارینای سفلی را گرفته و تصرف کرده اند و بنا دارند که این ولایت را از تصرف دولت میکسکو بیرون بیاورند که با دولت جمهوری جدا گانه بشود و با جزو سایر ممالک سینکی دنیای شمالی باشد خود امنای دولت سینکی دنیای شمالی ازین عمل غماز کرده اند و لکن دور نیست که اهل آنجا بی اذن دولت انقدر با آنجا بروند که شکست باین میکسکو داده آن ولایت را دولت جدا گانه بکنند و از اینهم شورش دارند که اهل میکسکو بان چند نفر که با آنجا رفته اند غالب آمده آنها را بجاک نمایند آنوقت اهل سینکی از روی غیرت بطوری با آن ولایت هجوم آورند که دولت

۱۶۴

سنگی دنیای شالی تواند جلو آنها را بگیرد

از بر سبب کار اهل سنگی دنیا و تهرتی بود مردم و لایا
و ننگسان که نسبت بسخت و لایان آبادی و جمعیت زیاد
و از بس بسیار با نولات رفته شکنی میکیند و جایحانی را که
آبادی نداشت آباد و دایر میکنند و آوردن طلسم از
کلی قارینا سبب دادوستد زیاد و رواج تجارت و آبادی
این مملکت شده است اگر چه اکثر این طلا در آنجا نمیکند

در وانه مملکت انگلیس میشود

احوال متفرقه

شخصی در شهر نیویارک شیر و بتر تربیت کرده بود و با
آنها بازی میکرد و یک روزی اینها را بیرون آورده بود و بر
آن شخص را بر زمین زده و سینه او را بندان گرفته بود
شیر که در آنجا بود بروی بر پرید که مگذار دینچه نسبت بر
انداخت عوض اینکه آنچه او به بر بگیرد بان شخص گرفت
شیر بانان دیگر او را ایتفاس پرورن کشیده حلال کرد
و این شخص مجروح بسیار تعجب میکرد از بتر که این حرکت را
نموده بود چونکه خیلی خوب تربیت شده بود اما چون دوا
بود که او را بیرون نیاورده بود کمان میکرد که از بدن جمعیت
زیاد و روشنائی چراغ متوحش شده و باقتضای طبیعت

سباعی انحرکت را کرده با

حساب کرده اند که کل آدمهای سرخ رنگ که اهل قاره آمریکا
شالی مستند بیشتر از چهار صد هزار کس نمیشاند و از اینها
هیچکس نیز از فقر دست شرقی رود و پیشی مستند در جا
که حالا اولاد فرنگها آنجا را آباد و معمور کرده اند و چنانچه
در آن صفحات اولاد فرنگها سال بسال زیاد می شوند

اولاد اهل قدیم آنجا سال بسال کم میشوند

از حجاب حیوانات غریب که در مملکت استرالیایا پیدا میشود
از قسم طيور مرغانی بسیار غریب یافت میشوند از آنجمله
الوانع طوطی زیاد است و گوششان نیز بسیار ماکول و لذیذ
و بطوری زیادند که یک صیاد با تفنگ در دو ساعت
میتواند میت سی طوطی بزند و قستی نیز از طوطی بسیار خوش
زیادند که رنگشان زرد است و کامل دارند و اینها بقایه
زیادند که ضرر کلی سبب حاصل آنجا میسازند و بسیار هم چو
و مترصد شکارچی و شکارچیان آنها را با شکل میتوانند

نماینده

شخصی در مملکت فرانسه یک پول سیاه که دوشاهی قیمت
او بود برده بود و در کانی که چیز جزئی بگیرد شخصی دیگر که در آنجا
بود از شک و ترکیب این پول خوش آمده بود و دیده بود
که سکه قدیم است و دوشاهی داده و خریده بود و بعد برده
رسیدگی کرده بود فهمید بود که بطور قاطع ساخته اند و چیزی
و دیگر در میان او تشبیه است و قتی که گشوده بود دیده بود
که در میانش اثری هست که از ایام لوی پانزدهم
پادشاه مملکت فرانسه تاریخ دارد و چنان اثری را
در میان پول سیاه تعبیه کرده بودند که فهمیدنش مشکل بود
بسیار فکر کردند که ابا این عمل کیت بعضی چنان کمان کردند
که در وقتی که پادشاه فرانسه مجوس با عیان بود کسانی که
طرف گیری پادشاه را میکردند با بنظر اثری در میان پول
سیاه کرده و برای او میفرستاده اند و بعضی دیگر چنان
میدانستند که در ایام سلطنت ناپلیان اول که اولاد پادشاهان
قدیم فرانسه ادعای سلطنت آن مملکت را می کرد با بنظر

پول میفرستاد بجهت آنها که طرفداری او را پادشاهان
 قدیم می کردند و با قشون ناپلیان جنگ می نمودند
 شخصی در نیویارک سیکی دنیا در اطاق خوابیده بود ناگهان صدای
 افتادن ظرف چینی از طاقچه بذا طاق بکوشش خود در طاق
 روشن کرد دید که ماری بایلاف اطاق رفته و گردنش در میان
 حلقه کوزه که در آنجا بود بطور غریب گیر کرده است بالای
 سخم مرغ بود یکی از این تخمها را مار خورده بود بعد کردنش را
 از حلقه کوزه گذرانده و تخم دیگر را خورده بود چون سخم
 بزرگ بود از حلقه کوزه رد نمی شد در همانجا بند شده
 و نتوانست بود که در آن خود را از حلقه بیرون بیاورد
 در بعضی جاها در مملکت انگلیس وقتیکه ماهی صید می کنند
 او را وزن نموده و حلقه باومی اندازند و نشان کرده باز
 میان آب رها می کنند و تا پنج گریز ماهی را با نشان
 یابد اشت می کنند یکی از این ماهیها از قسم قزل آلا که نشان
 کرده بودند بگیر آمد بود که سه هفته پیش از آن گرفته بودند
 و قتی که کشیدند و زرش میت و مفت سیر بود سه هفته
 پیش از آن که کشیده بودند و زرش پانزده سیر بود و معلوم
 شده بود که در مدت سه هفته پانزده سیر زیاد شده
 مردمی که در بن روزنا از استرالیا بملکت انگلیس آمده اند
 میگویند که گمان هست معدن طلای استرالیا تا چند سال
 دیگر بهین طور مفت نماید یکی از این اشخاص نزدیک پیت
 طلا داشت و سایر مردم نیز که در آن کشتی بودند همه کم
 طلا داشتند و در میان شان کسی که از دو هزار تومان کمتر
 طلا آورده باشد نبود و قسم طلا در آوردن آنجا این است

۱۰۶۶

که در زمین چاه می کنند از زمین ذرع تا بیت و پنج ذرع
 و بعد از آن خاک او را که در آورده اند میسوزند و طلا را از
 مس آن خاک در می آورند
 در جنگلهای کلی فارینا بست که هستان که از مقدار ذرع
 ناهشتاد ذرع ارتفاع دارند قسمی از درخت سرسبز است
 و وایم برشان سبز است و شت ذرع قط آنهاست
 پوست این درختها را در بعضی جاها بیکبارچه در آورده و بشیر
 سنت فرنیسکو برده در آنجا اطاق ساخته اند و در
 دیگر نیز در آن جنگلهای افتاده و میانش خالی بود و چنان
 بزرگ بود که یک سوار با اسب از سر تا سر و حن سواره
 عبور کرده بود کسی که سر رسیده از اشجار دارند چنان
 میدانند که این درختها سه هزار سال عمر کرده باشند
 در مملکت مصر درین فصل نستان آب رود نیل چنان
 بالا آمده بود که قدری از راه آهن را که در آنجا ساخته اند
 آب زد گرفته بود حال راه مذکور را بلند تر میسازند و میل
 دوباره در آن راه میگذرانند و گمان بود که تا اول فصل ببار
 که این اوقات است بجهت تردد و خلق متوجه باشند
 از اسکندریه مصر تاریخ سیم ربیع الثانی نوشته اند
 که چون بنا داشتند که نهر محمودیه را تعمیر نمایند تا چهل
 کشتی از آنجا عبور نمایند کرد و بایست از سمت نزدیک برود
 کشتی بخار فرانسه نزدیک شهر اسکندریه بسنگ خود
 و غرق شد و کشتی مذکور از مملکت شامات با اسکندریه می آید
 هوای بسیار طایم بود و باد و امواج بنورد ولی بخار و میوهوارا
 چنان تاریک کرده بود که راه پیدا نبود قتی که کشتی بسنگ
 خورد بسیار جان بار خود را از کشتی بیرون آوردند اما با تجارت

که در میان کشتی بود نتوانستند بیرون بزنند بسبب سنگ
درین بین طوفان شد و کشتی بارچه بارچه گردید

بجهت زیاد شدن محبت هر یک به تومان بفرست
میرود از آن جهت کمان مست که بیشتر کوه سفید را در این
ولایت بجهت خوراک بفرود شدند و کمر آنها را بجهت شش نگاه دارند

جماعت اطباء و مملکت انگلیس در خصوص مردم آنجا که جنگها

در شهر فرعی بروج که شهرت در یکی از ممالک کوچک است

یا از ناخوشیها میمیرند باینطور نوشته اند که در مدت یک

چنانچه در روزنامه سابق نوشته شده است گفتگویی بود

سال نوزده هزار و هفتصد و نود و شش نفر در جنگ کشته شدند

ما بین کیشان آنجا و دولت چند نفر از کیشان را گرفته

و هفتاد و نه هزار و هفتصد و نه نفر زخمی که از در اسالی مشتند

و مجوس کرده اند و این گفتگو هنوز در میان است

نوزده نفر کشته و سه هزار و ششصد و بیست و سه نفر

بعضی مردم در سایر ولایات که هوا خواه و طرفدار کیشان

زخمی میشوند و در دمای چهار و سه سال پیش ازین در مملکت

هستند پول جمع می کنند و بجهت آنها میفرستند و لکن جا که

انگلیس در دو سال هفتاد و دو هزار و یکصد و شصت و نه نفر

دولت در محل خود سخت سیاده و نظم سخت داده اند

و یکصد و چهل و چهار هزار و سیصد و شصت نفر ازین ناخوش

و هر کشتی که خلاف حکم دیوان می کند او را فرستاده و مجوس

گرفته اند از اطباء که در میان ناخوشها که با گرفته بودند

می نمایند

کار می کردند از هر صد نفر و از ده نفر تطیب میبردند و در

افتخاش جزئی که در بعضی جا بهای مملکت پیدا نمائند در

بعضی جا بهای از هر صد نفر تطیب بیت نفر میزدند ازین جا بهای

خصوص کرانی نان شده بود از قرار روزنامه آخر که از

معلوم میشود که ناخوشی و با جنینی بیشتر از جنگهای عظیم

این ولایت آمد تمام گردیده بود و مشورتخانه آن ولایت جمع

مردم را تلف میکند

شده بودند و در هر نظر تمام داشتند

از جمله حاصل زیاد و تجارت عمده ما بین مملکت استرالیای

اعلانات

انگلیس ششم کوه سفید است در دو سال پیش ازین در یکسال

کتابهای چاپی دار استخلاف طهران که در کاخ خان حاجی عبدالحمید باچی

هیچده هزار پوند بوزن انگلیس ششم از استرالیای انگلیس

محلله نزدیک دروازه دولابک نطباع شده از این قرار و خفته میشود

آورده اند و در سال که شصت و بیست و یک هزار پوند بود

خدمت نظامی بیست و چهار

انگلیس شش سربوزن ایران است اگر چه درین سالها

سرایر دو تومان

ترقی کرده است اما کمان دارند که بعد ازین انقدر ششم

زبده المعارف دو تومان

ولایت انگلیس نفرستند بسبب اینکه قیمت کوه سفید در این

معراج السعاده یک تومان

ولایت درین سالها جنینی زیاد شده است اول کوه سفید

حدیقه اشبه هشت هزار

فره را در آنجا یک تومان و دوازده هزار میفرستند حال

۱۰۶۷

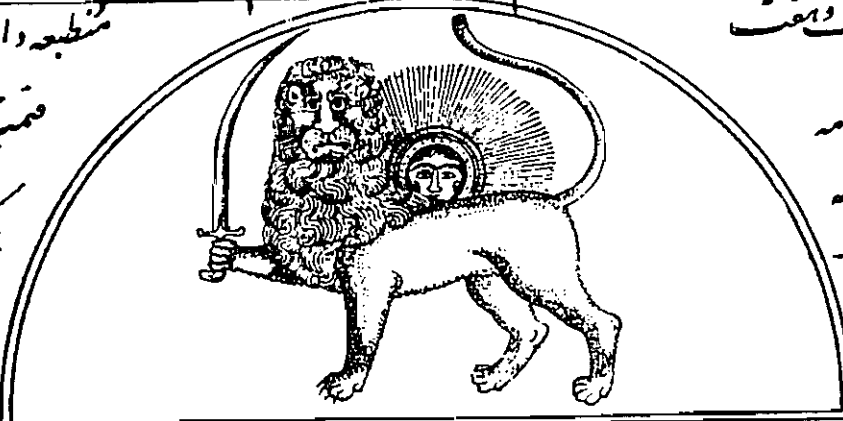
روزنامه وقایع اتفاقیه بنا بر پنجشنبه هجری پنجم ماه جمادی الثانی ۱۳۷۰

نمره صد و شصت و هفت

قیمت روزنامه

یک نسخه ده پیریکله

مردان و چهار پیریکله



منشعبه دارالخلافه طهران

مفتی اعلانات

یکسره اجباری بکلیه کسبها

بیشتر بهر پستی

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز پنجشنبه ششم اعلیحضرت پادشاهی بسبب ظهور ووزغایت لموکانه دربار و جناب جلالت مآب صدراعظم بخانه ایشان تشریف فرما گردیده جناب معظم الیه و جناب نظام الملک نایب صدارت عظمی و شخص دو تیم دولت علیه ایران تقدیم پای انداز و قربانینها و پیشکش مقدم بهایون را بطورشائیه نمود و امروز اعلیحضرت پادشاهی نهار را در خانه جناب معظم الیه صرف فرموده جمیع اعیان و مقربان دربار بایون و میران پنجه و سایر صاحب منصبان نظام در ضیافت جناب معظم الیه بودند و نهایت تکلف و اوضاع بعمل آمده بر وجود مبارک بسیار خوش گذشت و بعد از صرف چای و عصرانه بآک مبارک که سلطانی معاودت فرموده در روز سه شنبه سیزدهم اینماه که روز عید مولود جناب ولایت مآب امیرالمؤمنین علی علیه السلام بود چنانچه در گذشته اشعاری با منیطلب در روزنامه شده بود که این عید عزیز که روز خورسندی و شادمانی عموم اسلام خصوصاً

انالی دولت علیه ایران است در خاطر مسلمین و مؤمنین منجی دکتوم بود اعلیحضرت قوی شوکت پادشاهی باقتضای کمال ارادت بنجاب ولایت مآب این عید را مانند سایر اعیاد بزرگ و تالی عید مولود جناب خاتم الانبیاء ص قرار دادند و شب آنروز را اساجین در چراغان و آتش بازی در حضور مبارک فراموش آوردند و آنروز را اعلیحضرت پادشاهی در دیوانخانه بزرگ باسلام عام داده و تحت مرمرا بوجود بایون ریب و زینت بنجودند و امنای دولت علیه و چاکران حضرت کردون لبیک سینه و میرنچکان و صاحب منصبان نظام و سایر اهل سلام با نقاد سلام عام هر یک در مرتبه و مقام خود ایستاده و خطیب ادای خطبه بلوغ و تهنیت کفنه و در میدان ارک افواج قاهره نظام از تو سخی و میر سرتاسر میدان صف نظامی کشیده و اجرایی بلیک توب و زنبورک بقراریکه در سایر اعیاد متداول است گردیده و اهل سلام بتهنیت عید و ظهور مرآسم طوکان شاد کام شدند و بعد از انقضای سلام عام اعلیحضرت

پادشاهی بھارت سردرب در اتحانہ مبارکہ کہ
شرف میدان ارک است شریف فرما کریدند و عمدا
خلق و اراخانہ اصغیر کبیر بجهت زیارت وجود ہمایون
در میدان ایک و بالاخانہ و باہمای میدان جمع
کریدہ آروز بہرہ و دمانی بسر برد

در روز یک شبہ کہ شتہ علیحضرت پادشاهی
عزیمت کشت و تفریح اطراف و اراخانہ مبارکہ را کرد
ایام بہار صفادارد فرمودہ سوار شدند و تا حوالی عصر
مشغول بودند و نزدیک غروب آفتاب ہمہ تسلط عظمی
مراجعت فرمودند

نظر بطور ہم اسم ملوکانہ و بارہ مقرب الخاقان حاجی علیخان
حاجب الدولہ و اعلیٰ مدارج اودرین اوقات کہ حسن
اہتمامات صدقت مقرب الخاقان شارالید و خدا
محولہ بخود مشہود رای قدس ہمایون کریدہ و مستحسن
افتادہ لہذا یک قطعہ نشان از تہ تیہ سپہی با حایل مخصوص
این مرتبہ با فتحی را و حمت فرمودند و فرمان ہر لعلان
مبارکہ ہم درین باب شرف صدویافت

در روز چہار شبہ کہ شتہ نواب مستطاب شہزادہ
نصرت الدولہ فیروز میرزا نایب الایالہ اذربایجان با تفاق
مقرب الخاقان میرزا صادق قائم مقام از دربار ہمایون
روانہ اذربایجان کریدند

در روز دوشنبہ دوازدم ایامہ نواب مستطاب شہزادہ
والا تبار شتہ الدولہ حمزہ میرزا کہ از اذربایجان احضار
بدربار ہمایون شد بود و اراخانہ و اراخانہ

درین ایام ازین اقبال و توجہ علیحضرت پادشاهی و اہتمامات

اولیای دولت قاہرہ طرق و شوارع ممالک محروسہ
ہمہ جا امن و منظم و در اول خانہا مضبوط و مستحفظ
بمجاہت راہما مشغول و قوافل و مترددین با کمال اطمینان
و خاطر جمعی عبور و مرور می نمایند خصوصاً از راہہای
خراسان کہ درازنہ سابقہ خیرہ سری طایفہ ضالہ گران

سجدی بود کہ از ولایات نزدیک حتی قم و کاشان آمد
تاخت و تار میگردند و اسیر میگردند درین اوان فیروزی
و قرآن دست تقدی این فرقہ ضالہ کوتاہ و پای جلاد
تا حد و در و بریدہ و اگر احیاناً بعضی از آنہا باقتضای
شرارت فطری بسر راہہای خراسان بیایند مستحقین
و اولان طرق و شوارع کہ پیوستہ مترصد اند فوراً بمقام
دفع آنها برمی آیند از جملہ نوشتہ بودند کہ درین اوقات
جمع این طایفہ بسر راہ قافلہ و در خراسان بغرم تاخت
و دست اندازی آمدہ بودند عالیجاہ مطلب خان نیکو افغان
کہ حسب الامر ہمایون بسر کردگی سوارہ و نیکوچی کواری و نظامی
و عرب و عجم منصوب و بمجاہت آن راہہا مامور است خبر
شدہ بانو کہ عرب و عجم بمقابلہ شتافتہ و سکت بانہاد
وہ نفر از ترکمانان را کہ در جنب کشتہ شدہ اند سر فرودہ
و چہار نفر نیز زندہ دستگیر کردہ اند باقی سرخویش و راہ
پیش گرفته فرار برقرار اختیار نمودہ اند عالیجاہ مطلب خان
وہ نیزہ روس منجوس مقتولین را بدربار ہمایون فرستادہ
بود و درازا این خدمت یک قطعہ نشان سہنکی سنجہ
شارالید و چہارہ قطعہ نشان نقرہ برای چہار دہ نفر از
نوکران نوکر کہ در جنب ترکمانان شادت و جلادت بعمل آوردہ
بودند با انعام ملوکانہ القات و انعام کردید

مراجعت فرمودند
نظر بطور ہم اسم ملوکانہ و بارہ مقرب الخاقان حاجی علیخان
حاجب الدولہ و اعلیٰ مدارج اودرین اوقات کہ حسن
اہتمامات صدقت مقرب الخاقان شارالید و خدا
محولہ بخود مشہود رای قدس ہمایون کریدہ و مستحسن
افتادہ لہذا یک قطعہ نشان از تہ تیہ سپہی با حایل مخصوص
این مرتبہ با فتحی را و حمت فرمودند و فرمان ہر لعلان
مبارکہ ہم درین باب شرف صدویافت
در روز چہار شبہ کہ شتہ نواب مستطاب شہزادہ
نصرت الدولہ فیروز میرزا نایب الایالہ اذربایجان با تفاق
مقرب الخاقان میرزا صادق قائم مقام از دربار ہمایون
روانہ اذربایجان کریدند
در روز دوشنبہ دوازدم ایامہ نواب مستطاب شہزادہ
والا تبار شتہ الدولہ حمزہ میرزا کہ از اذربایجان احضار
بدربار ہمایون شد بود و اراخانہ و اراخانہ
درین ایام ازین اقبال و توجہ علیحضرت پادشاهی و اہتمامات

۱۶۹

نظر بطور مرحمت لمو کانه در باره مقرب انخاقان ^{خاندان} ^{نیز}
 ایشیک آقاسی باشی و امتیازات او در خدمات محوله
 بخود حضورش و نظم و ترتیب انعقاد سلامهای عیاد
 که خدمات او مستحق و مقبول خاطرهایون افتاده لهذا
 درین اوقات یکطایه شال زرکشیری بر خلعیت
 بافتن مقرب انخاقان مشارالیه مرحمت و عنایت
 فرمودند
 چون مهدیخان که صاحب جمع و جوه صرف مجرب بود
 درین اوقات مرحوم شد و عالیجا مقرب انخاقان
 درخ خان از جمله قدیمی خدمتگذاران این دولت بود در
 لیاقت و شایستگی عالیجا مشارالیه سواره در
 پیشگاه حضورهایون و نزد اولیای دولت علیه مشهور
 مکشوف افتاده لهذا نظر بلاخط شایستگی و کار آگاهی عالیجا
 مشارالیه مضرب زبور را بعهده او محول و مغفوض فرموده
 در خور این خدمت خلعتی هم از جانب اعلیحضرت
 پادشاهی بافتن عالیجا مشارالیه مرحمت و عنایت
 کردید
 زوجه جناب پرسس دو الغار و کی دیزر مختار دولت
 روستیه که چند ماه قبل ازین بجهت تعمیر آب و هوا حاج
 ضعف و نقابت خود از دار الخلافه طهران روانه انگلیس
 این روزها در آنجا وفات نموده است هر کس از دور
 نزدیک بر معقولیت حسن خلاق او معرفی و است بر
 وفات او بسیار افسوس خورد چرا که او در مدت
 سال توقف در این ملکت سحر تعریف و توصیف
 یاد کاری نگذاشت

سایر ولایات

از فر بایجان از فراریکه در روزنامه آذربایجان
 نوشته بودند روز عید سعیده سلطانی امیرالامرا به نظام ^{میرزا}
 ابودان باشی سردار کل در اطاق نظام نشسته لوازم عیاد
 از قبیل صوفیه بنی و شیلیک توپ معمول داشته است
 و در کمال اعزاز و احترام خطبه بنام نامی هایون اعلیحضرت
 پادشاهی خوانده شده است و بسج صاحب مضبان
 نظام و غیر نظام در روز عید زبور در اطاق نظام حاضر شده
 و بیکر نوشته بودند که عالیجا مقرب انخاقان میرزا محمدخان ^{بیک}
 در تمام دول خارجه در امورات متعلقه بدول متحابه سواره
 کمال اهتمام دارد و همه روزه در نهایت وقت و خوبی
 با مورر عالیبای دول متحابه رسیدگی نموده و فیصل میدهد
 عالیجا قنبر علیخان در ۲۸ ماه جمادی الاخری دار تبریز
 شده و بخدمت محوله بجا میامد و اقدام دارد
 از فراریکه نوشته بودند سر بازان جدید خلقی همه روزه در ^{خاندان}
 بیرون شهر تبریز مشغول مشن میشوند
 از فراریکه از فر بایجان نوشته بودند و یک صاحب منصب
 از دول خارجه نیز تفریری نمود توپچیان منوقت تبریز روزهای
 پنجشنبه را در هر هفته بیرون شهر رفته مشق تیراندازی می کنند و بسیار
 خوب مشق نمایند بطوریکه صاحب منصبان دول خارجه که در آنجا بودند
 چابکدستی آنها را در تیراندازی بسیار پسندیدند و تعریف مینمایند
 که کمزری از توپچیان سیر دول باین جلدی و چابکدستی و خوبی
 تیراندازی می کنند

۱۰۷۰

فارس

از قاریکه در روزنامه فارس نوشته بودند امیرزاده
 عبدالباقی میرزا در غیاب نواب استیلا شهبازاده و امیر
 سویدالدوله طهاب میرزا حکم ان مملکت فارس کمال
 مراقبت و اهتمام در نظم امور شهر و سایر مهمات دیوان
 دارد و خلعتی که سابقا از جانب سنی اجوابن هایون
 بافتخار امیرزاده مغزی الیه محبت شده بود این اوقات
 رسیده مبادات کلی حاصل نموده است و تا یک فرسخ
 خارج شهر با استقبال خلعت هایون رفته بعد از آن
 باغ نوح خلعت مبارک رازیب و دشمن اعتبار خود ساخته
 و لوازم توقیر و احترام را در استقبال خلعت هایون بعل
 آورده است و هم چنین در روز عید سعید نوروز سلطنت
 نیز مراسم و ملذومات عید را از شیلک و غیره بعل
 خطبه بنام نام مبارک اعلیحضرت پادشاهی خوانده است
 در صفحات بنا در و سحر العجم فارس قرار آن است که
 بخله کشتی در دریا غرق بشود بار آن کشتی در هر جا که
 بر یاریخته باشد اهل آن بندر و جزیره که در حوالی آن
 میروند از دریا بیرون می آورند و خودشان تصاحب
 می نمایند از جمله این اوقات از قاریکه نوشته بودند
 از شیخ عبدالمجلیل نام که از بندر ممبئی بارگیری نموده بودند
 که به بندر ابوشهر رسیده و نزدیک سی هزار تومان مال
 از حضرات تجار در آن بوده است در مخاری محال کشتی
 بخله مبروره باصطلاح بخله کیان لاهمی شود یعنی بکل فرو میرود
 اما لی دستی بخمال و طبع اینکه این بغای غرق شده است
 رفته و بخله را از نعل بیرون آورده و شکسته اند و خواه آنرا

بنا بر رسم معمول بغیر حق غارت کرده اند و حضرات تجار
 مراتب را خدمت نواب شهبازاده موید الدوله نوشته بودند
 که در مقام رفع این امر خلاف برآیند

کرمان

از قاریکه در روزنامه کرمان نوشته بودند امیرالامرا
 محمد حسنخان سردار حکمران یزد و کرمان در روز عید سعید
 لوازم عید را از شیلک توپ و غیره بعل آورده و در با
 هر یک از اعیان و اشراف و صاحب منصبان در خور کرام
 جبه و شال ترمه داده است و عالیجا مظفر الدوله سردار
 سلطانعلی خان هم که از رکاب سپایون اذن انصراف حاصل
 نموده روانه قندهار گردید در ایام عید در کرمان بوده است و در
 سردار لازم پوشش و مهمانی را در روز ورود از او بعل آورده و در
 عید چند طاقه ل برای تهنیت بعالیجا پشمار الیه فرستاده و بکیر
 هم بیازدید آورفته بود

دیگر نوشته بودند که این اوقات حکام محلی بهر آب سید و محمد بارشده امیر
 سردار بمقام تحقیق برآید معلوم بود که طایفین نام طلبه که از امانی بلوک نامی بودند این
 محلی را خنده پشمار الیه در مجلسی که جناب آقا سید جواد حضور داشته حاضر کرده بودند
 خود او بالاخره خطا و بیستانت عمل خود اعتراف کرده بود که این حکام را من ساخته ام
 چون حکام تیره راجحه آقا علیضای نامی ساخته بودند لذا خود طلبه را پس گرفته و
 آقا علیضارا بهم آورده بودند چون شب عید بود مواخذه نکرده و او را هم حبس کرده بودند
 در شب بوقت مهم ماه جادی الاخری هر دوئی نمانس دیوار سوراخ کرده و پنجسردن
 بدیوار و برج قلعه سینه بودند و فرادان خبردار شدند از بالای برج آنها را گرفته بودند
 نوشته هم بهر امیرالامرا نظام سردار از آنها باز پرسیدند که کاندی که مراد داشته است
 خطش را پاک کرده بخاطر خواه خود حکم نوشته بودند لذا طلبه بوزر سردار رسیدن باز پرسیدند
 بیستی که منبری عمل بود در نزد آقا علیضارا چون ناخوش بود و مورد تعرض نشدند

۱۷۱

اخبار دول خارجه

انگلیس در مشورتخانه وکلای رعایا در این ولایت گفتگونی شده است در خصوص قرار و قانون تعیین وکلای شهر قصبه بلوکات مملکت مزبور نوزده قصبه که جمعیت هر یک بیشتر از پنجاه کس نبود وکیل فرستادن آنها موقوف کردند و سی و سه قصبه دیگر که جمعیت هر یک کمتر از ده هزار بود وکیل فرستادن آنها همسپاسخت موقوف نمودند و در عوض آنها از شهرهایی که جمعیت آنها از صد هزار کس بیشتر است قرار داده اند که از هر یک یک وکیل زیاد تربیای تخت بیاید از هر چه شش نفر از قصبه های مزبور وکلای رعایا که در مشورتخانه پای تخت می نشستند می شوند و شصت و سه نفر از شهرهای بزرگ که جمعیت و آبادی زیاد دارند در عرض آنها پروا خواهد شد

از جمله سفر غریب که کشتیها در روی دریا کرده اند در اوقات یک کشتی بادبانی از شهر لورپول که در مملکت انگلیس میباشد تا ملبورن که در مملکت استرالیات در پنجاه و هشت روز رفت و درین پنجاه و هشت روز نصف راه را طی کرده است

ایضا در روزنامه انگلیس نوشته اند که شخصی در مملکت بلوط از کلونله بجهت تفنگ اختراع کرده است که نصف باروط که در کلونله های دیگر بکار میرود درین قسم کلونله کفایت و تفاوت کلی در انداختن تفنگ می کند بطوریکه هر قدر تفاوت که تفنگ نسبت ب دیگران دارد آنقدر تفاوت در تفنگهایی که ازین کلونله ساخته میشود با تفنگهای سابق دارد

و در خصوص این کلونله ها چند نفر صاحب منصب از دیوان ما مورثه بودند که امتحان نمایند و در مملکت انگلیس نیز در این روزها این کلونله را امتحان می کنند صاحب منصبان که جبهه امتحان این کلونله ها در ولایت انگلیس تعیین شده اند هنوز تصدیق در خصوص کلونله های مزبور نکرده اند و لکن در روزهای می نویسند که چنانکه اختراع باروط در خصوص قاعده و اصول جنگ در دنیا فرق کلی کرده است اختراع کلونله های مزبور چنین فرق خواهد کرد

هندوستان

ازین ولایت خبر از راه مصر مملکت انگلیس رسیده است تاریخ کاغذ آخر که از کلکتة آمده بود چهارم ربیع اشانی بود و از شهر آمانی چین بیت و دویم ربیع الاول و از خبریه سینک پور چهارم ربیع اشانی از امورات چین نوشته اند که در شهرهای کانتان و نینگ پو هیت و آرامی بود و در آمانی که سابقا جنگ بود این اوقات نظم گرفته و تجارت باز داد و ستد میکردند بسیاری از شهر جنگ های در جنگ ما بین یانغان و قشون پادشاه سوخته شده بود دسته از یانغان بسینک پور رفتند و در شش فرسخی آنجا بودند پادشاه مملکت یپان که یکی از ولایات تابع چین است نوشته بود که کشتیهای بیکی دنیای شمالی در آن اطراف بودند و میخواهند عهدنامه ببندند که قرار شود تجارت و ستاع و غیره اذن تجارت و آمد و رفت در آن ولایت داشته باشند و کمان داشتند که در بین آنها شش بجهت فوت پادشاه آنجا اهل بیکی دنیا مجال یافته خواش

خود را پیش ببرند

فرانسه

کارخانهای بزرگ تفنگ سازی مملکت فرانسه در شهر
 ایتین است و در روزنامه فرانسه نوشته اند که درین روز
 عملیات آنجا پرکار شده اند و مکان دارند که هر چه تفنگ
 بمکملت فرانسه لازم باشد بتواند بسازند و اگر سالها
 سالی بیت هزار یا بیت و پنجاه تفنگ از آنجا بیرون
 آید در هنگام ضرورت و احتیاج سالی صد و پنجاه
 هزار قبضه تفنگ از آنجا بیرون آورده اند و پیشتر از آن
 هم اگر بخواهند میتوانند بسازند

چون شهر پاریس پای تحت فرانسه شهرت بسیار
 خوب و بجای عیش اکثر اوقات از خارج مردمان بکنت
 و دولت مند با آنجا رفته توقف می نمایند خصوصاً در فصل
 اما سال از طوری که در روزنامه بلژون نوشته بودند کمتری
 از دولت مند ان خارج در شهر پاریس توقف داشتند
 و در فصل چله که کمک رستان بسیاری از شهر پاریس
 بیرون می رفتند هم از اهل خود فرانسه که بجا نمانی کرده
 بلوکات داشتند می رفتند و هم از اهل خارج که در
 پاریس توقف داشتند

استریه

بر قتل رودنکی که سردار کل قشون استریه در مملکت ایتالیا
 و حاکم ولایت مزبور با اهل آنجا اعلام کرده است که بعضی
 از منفین این ولایت جناب دروغ در میان خلق منتشر
 کرده اند که سبب اغتشاش در میان خلق بشود و این
 اخبار را که به ضرر کلی نسبت بکسب و تجارت میرسد از آنجا اعلام

میشود که بعد ازین پرس اخبار دروغ منتشر نماید تنبیه کامل
 خواهد شد

از نویته پای تحت این مملکت تاریخ چهار دهم ماه جمادی
 نوشته اند که اعلیحضرت امپراطور استریه بناد است
 که بشهر مونیخ بیدین نامزد خود که یکی از اقوام پادشاه
 بواریه است برود و در بعضی از روزنامه های این ولایت
 می نویسند که عروس اعلیحضرت امپراطور یک ماه از عید
 گذشته در فصل بهار امسال میشود و بعد از عروسی مدتی خود
 و عروسیش در عمارت لگسنبورخ خواهند ماند و بعد از آن
 بلا مبار دنی که جزو ممالک ایتالیا است میرود و مدتی هم
 در شهر وینر توقف خواهند کرد اگر امورات دولتی
 اتفاق نیفتد که مانع این سفر بشود

در مملکت لامبار دنی کمان داشتند که اغتشاش
 بشود و از آنجخت نظام قشون استریه را که در آن ولایت
 بودند بسیار سخت میکردند

چون پاریس تاریخ ۱۱ ماه فوریه تاریخ فرنگیهار روز
 بود که شخصی قصد کشتن امپراطور استریه را کرده بود اما
 بناد داشتند که بیاد کاری دشمنان آن روز که پادشاه
 سلامت مانده و آسبی بوجوش نرسید عبد بگیرند و
 مشغول کاری نشد و دفتر خانه و غیره را ببندند اما در یکی
 روزنامه ها نوشته اند که خود امپراطور راضی باین مرحله

وا ذن نداد

سایر ممالک

در دینارک حسب الحکم پادشاه مشورتی منعقد شده بود
 حکم شده بود که قشون سبوری را زیاد بکنند که هر کونی

۱۰۷۳

اتفاقی که روی بدید مملکت بی تدارک نباشد و در بعضی
حصارهای آن که قشون ساخورد در میان آن بود قشون را
زیاد میکردند

از مملکت سویس نوشته اند که در آن ولایت نیز قشون
خود را زیاد میکردند و حاضر و همیامی نمودند و فشنگ

جنگی نیز در آن ولایت زیاد می ساختند ساختن اجزای
این فشنگ جنگی در اکثر ممالک مخفی است و بروز نمی کند

حالت شخصی از اهل مجار مدعی این است که این اجزا را بهتر از
همه می سازد و پول زیاد از اهل سویس گرفته است که

این فشنگ جنگی را سازد و شخصی دیگر هم سبابی آن
کرده است بجهت خواب کردن برج و باستان که در

جنگ نفی بزرگ و باستان میزند و بار و ط در آنجا
گذاشته آتش میزند و بار و ط را در میان ظرفی که

از صمغ ساخته است میگذارد که رطوبت نکشد و این
صمغ را در زبان فرنگیها گفته اند که میماند و بعد هر وقت

که میخواهند آتش بزنند با چرخ آتشی و سیم آتش میزنند
و بجهت امتحان این ظرف را که از صمغ ساخته است دو هفته

پراز بار و ط در میان آب انداختند بعد که آتش زدند
دیدند که بار و ط آن هیچ رطوبت نکشید بود و طح

ساختن این ظرف صمغ که بار و ط در میان آن رطوبت
نمی کشد مخفی است و این شخص بروز نمی دهد

در تاریخ نهم جمادی الاول مشورتخانه مملکت سویس منعقد شد
و در خصوص تدارک و محافظت ولایت خودشان در جنگی
که با دولت استریه دارند گفتگو میکردند
از شهر برن تاریخ دهم جمادی الاول نوشته اند که

که یکی از رزاهای قابل مملکت فرانسه مملکت سویس می نامند
که سر کرده قشون آن ولایت باشد و میگفتند که دوستی
و یگانگی ما بین دولت فرانسه و دولت سویس

این روزها سمرقند کمال است
ناپولی

بنابر تاریخ ۸ ربیع الثانی پادشاه ناپولی بشهر پای تخت
آن مملکت که بهین اسم موسوم است داخل شده بود

شش سال پیش ازین در آن ولایت کمال انقشاش روی
داوه بود و از آن وقت تا بحال پادشاه در شهر پای تخت

توقف نمیکرد و در عمارتی با صفا که چند فرسخ از شهر دور است
توقف داشت اما در زیستان گذشته وارد شهر نور

شده و در عمارت خود اعیان آنجا و ایلچیان دول حاضر
مهمانی نموده و کمال اسباب و زینت در آن صیافت

برپا نموده بود و مردم از آمدن پادشاه مزبور بسیار
شادمانی میکردند و بیالای باهما و بالا خانها رفته بودند

که در وقت عبور پادشاه را تماشا نمایند و در هر جا
شهر که گشت میکرد مردم صدای عا کونی پادشاه بلند
میکردند
و در مملکت ناپولی امتیاز نام بود
روومه

تجهه نظم و محافظت این مملکت کو حکم سوا ی قشون فرانسه
که در آنجا هستند پایا بنا داشت که چند هزار نفر قشون دیگر

از تمام صنعت کاران و اصناف بگیرد و بزرگ آنها
باید یکی از خوا این عمده آن ولایت باشد
یشکی و بنای شمالی

این دولت با دولت جمهوری یکنگلو که هم سرحدند عمدتاً

۱۰۷۲

تازه بسته اند و موافق این عهد نامه بسیاری از خاک
 مکنکو دولت جمهوری یسکی دنیای شمالی و اکثر شده است
 و در عرض این مملکت بیت لیمان دالار که تخمیناً شازده بود
 بحساب پول ایران باشد دولت سکی دنیای شمالی
 بدولت مکنکو بدهد و این مملکتی است مابین ممالک امریکاک
 نزدیک جوا طلبنگ است و سمت مغرب آنولایت که در
 سحر محیط معتدل است و راهی است بجهت خلق که از سمت شرق
 تا مغرب آنولایت بروند و یک سبب خریدن این مملکت
 این بود که اهل آن مملکت راهی داشته باشند که از
 سراسر ولایت مابین بحرین بروند و بنا دارند در آنجا
 راهی بازنند بجهت تردد عابداً بارکش و اسب و کاسکه
 و غیره و در سر این عهد نامه گفتگوی زیاد در مشورتخانه
 آنولایت شده است و اهل مشورتخانه میخواستند
 که در آنجا دالار بحساب پول آنولایت باشد بجهت ولایت
 مزبورین سبب اینکه اگر چه مملکتی وسیع است لکن تا
 بحال زراعت و آبادی ندارد
 در باب اشخاصی که از یسکی دنیای شمالی کلی فارسیای
 خود سرفه بوده اند نوشته اند که اشخاص مزبور سوار
 در آنجا دوامی کرده بمانند و دولت اعلام کرده است که
 چنین رفتن خلاف قانون دول بود هم مورد موافقت
 از دولت خودشان می شوند و هم اگر بدست اهل
 بیفتند بایشان از دست کلی خواهد رسید
 در تاریخ بیت و یکم ربیع الثانی سن ۱۳۰۳ باز در شهر نیویارک
 افتاده بود و عمارتی که اعیان شهر در آنجا می نشینند که
 نظام منبسطه در دست ایشان است سوخته بود و یکی

عمارت عدالت خانه بود و چند عمارات دیگر هم
 سوخته بود
 وزیر مختار روس مقیم و اسشین تن با پی تحت دولت سکی
 شمالی فوت شده بود هفتاد سال داشت و شازده سال
 بود که وزیر مختار بود و یکی دینی شمالی
 در بعضی روزنامه های یسکی دنیای شمالی نوشته اند که
 سنت آتا بزرگ دولت جمهوری این مملکت ادعای پادشاهی
 در آنجا میکرد و بعضی از خلق را رضی باین بودند که قاضی
 پادشاهی در آنجا برقرار شود و اگر این قرار در آنجا
 داده بشود لقب پادشاه آنجا امپراطور مکنکو شود
 اعلانات

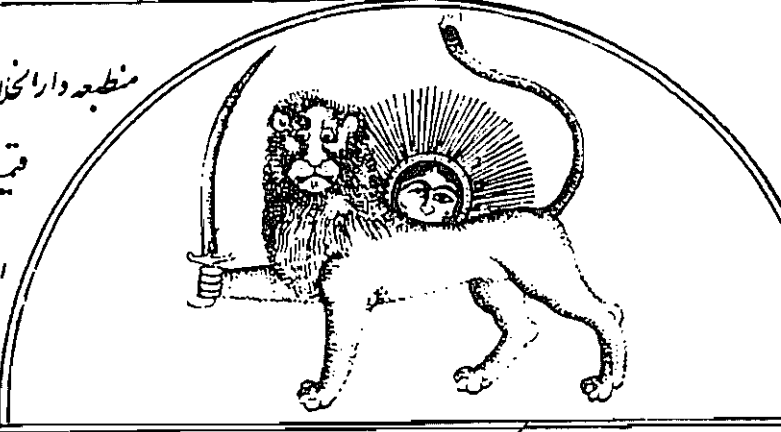
کتابهای چاپی دارالخلافه طهران که در کارخانه چاپی
 عبدالمحمد باسچی در محل نزدیک دروازه دولت
 انطباع شده از این قرار فروخته میشود

تخت نظامی بیت و پنج هزار	۵۰۰
سرایر دو تومان	۵۰
زبدۃ المعارف دو تومان	۵۰
معراج العباد یک تومان	۵۰
حدیقه پیشیه هشت هزار	۸۰۰
کتاب شرح کبیر دو جلد شش تومان	۶۰۰
شرح لمعه یک جلد سه تومان	۳۰۰
شرح الزیاره یک جلد دو تومان	۲۰۰
تقریج پانزده هزار	۱۵۰۰
فردوسی چهار تومان و نیم	۴۰۰

۱۰۷۵

روزنامه وقایع الثاقبه بتاريخ یوم پشنبه بیست دوم شهر ربیع الثانی سن ۱۲۷۰

نزد صد و شصت و شصت
قیمت روزنامه
یک نسخه ده شاهی کیل
دو تومان چهار هزار



منطبه دارالخلافه طهران
قیمت اعلانات یک سطر
الی چهار سطر یک هزار
پشتر باشد هر سطر یک سطر

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز چهارشنبه گذشته افواج قاهره نظام
متوقف دارالخلافه مبارکه بحسب الامرهای یون در
خارج شهر نزد یک میدان اسب دوانی نسبت اکبر
ترتیب مشق حکم منطوبه نموده توپچی و سواره نظام
سرباز فوج فوج دسته دسته میهای مشق کردند
اعلیحضرت پادشاهی میان افواج قاهره نظام
و توپچی و سرباز و سواره آغاز شلیک و پورش
و ساز جنگ مفت نکرد نموده کمال جلدی و چابکستی
در حرکت و شلیک بعمل آوردند و مشق آنها بسیار
متحسن و مقبول خاطر طوکانه افتاده از انتظام دارشکنی
و حرکات آنها تعریف و توصیف فرمودند و بعد از
تمام شدن مشق افواج قاهره و بذل الغام طوکانه دربار
آنها موکب هایون مبارکه که سلطانی و مقر
سلطنت عظمی محبت نمودند
چنانچه هر سال رسم و قانون این دولت علیت است
که چند روز از عید سلطانی گذشته که اوایل مبارک است

اعلیحضرت پادشاهی میدان اسب دوانی تشریف فرما
گردیده در حضور مبارک اسب دوانی می شود درین
سال نیز از اسبهای اعلیحضرت پادشاهی چندس
اسب که بجهت اسب دوانی معین شده بسوقان گذاشته
و سایر انامی دولت علیه و خواجین عظام نیز هر یک یک
اسب و دو اسب بسوقان گذاشته بودند در روز سه شنبه
بیتم اینها اسبهای مزبور را در میدان اسب دوانی حاضر
کرده و موکب هایون بیرون شهر تشریف بردند و
معمول شلیک زنبورک و در اول حرکت و میان راه
و ورود بهارت میدان اسب دوانی گردیده و با کمال
زیفت و هاس این سلام و صاحب مضبان نظام در
حضر مبارک حاضر شدند و سواره نظام و افواج قاهره
صف نظامی کشیده و عموم خلق دارالخلافه مبارکه از حضرت
و کبیر رسم تجیه زیارت وجود هایون و رسم تجیه نام
اسب دوانی دور تا دور میدان مزبور که قریب پنجاه
مسافت است جمع گردیدند و بحسب الامرهای یون بیرق

۱۰۷۶

و پول انعام کیسے بچتے ہر کسی کہ پیش بیاید کہ شہد
و بہان قاصدہ کہ چہ معمول و متداول بود اسبہا شکر
پیش آمد انعام و مرسومی کہ مقرر بود در حق آنها
کردید

نواب مستطاب شاہزادہ والا تبار حمت الدولہ کہ از
آذربایجان آمدہ بودند و روز خوشی کہ خبک ہفت شکر
بود شرفیاب حضور ہمایون کردیدہ مورد نوازش
و رحمت ملوکانہ شدند و مبلغ دولت تو مان جسم
انعام سربازان پیشکش حضور مبارک علی حضرت پادشا
نمودند و نظر نورا یون بوضع قبول و سخنان با

چون حاجی عین خان کہ از قدیمی خدمتگذاران این
علیہ بود درین روز ناموشہ نظر سجدا تبار ایو رہا
باز نامذکان او بعد از پرچیدن مجلس فاستح او عالیجا
فریدون آقا سپہ اوراکہ در دربار ہمایون بود اخصار حضور
مبارک و مورد نوازش و عنایت ملوکانہ ساجدہ
پیش خدمتی سہرا قرار و بجلت آفتاب طلعت پادشاهی
فرمودند کہ بامید واری مشول منگداری باشند

عالیجاہ علیستی خان سرتیپ فوج قہرمانیہ کہ با فوج خود
بر کاب ہمایون آمدہ بود بچہ اہتمامات مشارالہ در
فوج و خدمات صفیات کرمان درین روز نامورد عنایت
ملوکانہ کردیدہ بک قطع نشان از مرتبہ اول سیرپی
ہمایون سرخ در حق او مرحمت کردید

سایر ولایات

آذربایجان از قزاق کہ در روزنامہ این ولایت
نوشتہ اند در شب سیزدہم شہر رجب المرجب کہ روز

مولود جناب ولایت مائب بود امیر الامراء العظام
سردار کل پرچم حکم ہمایون عید بزرگ قرار داد و پینہ
لوازم جشن و شادی و اسباب چراغان پر دست
روز بروز را بطور خوب عید گرفتہ اند و لوازم شیلک و

شادمانی را بھل آورده اند

بروجرد و عربستان

از قزاق کہ در روزنامہ این ولایت نوشتہ اند در ابام
برد البحرز کہ چند روز قبل از عید سلطانی بود بخلاف اقتضای
فضل برنشہ پد آمدہ و سرمای سخت کردہ بودہ اسب بطور
قدری از زراعت و مات سیلا خور را سہارزدہ بود

دیگر نوشتہ بودند کہ از اول میزان تا این اوقات بعضی
ناخوشیہای مزمنہ از قبیل باد سنج و قولنج و حماکی
غش و مطبقہ و محرکہ در میان خلق بود و این امراض
بعضی از شاہسایرینا س تلف شدہ بودند و لکن بعد
از آنکہ در آن چند روز نزدیک عید ہوارا سرد کردہ و
باریدہ بود از قزاق تحصیل اطبا تخفیف کلی درین امراض ہم

مازندران

در روزنامہ این ولایت نوشتہ اند کہ فرمان ہمایون کہ
بچہ عبد مولود جناب ولایت مائب با فقہار نواب شاہزادہ
تبار مصطفی قلی سرزادگان ما تہران شرف صد و پانزہ
وزمان مبارک رازیارت و جناب حاجی ملا محمد تقی محمد
در بالای منبر مضمون از اکوش زو خاص و عام الہی
ولایت کردہ کمال شکر گذار را بھل آورده اند و روز سیزدہم
کل الہی آنجا عید گرفتہ و اظہار مسرت و شادمانی بسیار نمودند

۱۰۷۷

کرمانشاهان

از قراریکه در روزنامه کرمانشاهان نوشته بودند عالیجناب الله
خان که در حدود زمانب نوشته مشغول خط و حراست آن حدت
در خدمت محول کمال اهتمام دارد و نواب عمادالدوله حکمران کرمانشاهان
قرار دادند که هر وقت قافله از آنجا رود عبور میکند عالیجناب الله
خان سوار و سربازها را آنجا کرده آنها را بدون اسب بکنند
که در عرض راه از قطاع الطریق دست بردی با آنها نرسد از قرار
نوشته بودند این اوقات شخصی از رعایای دولت علیّه عیاشی
چند بار تنباکو، سمره خود داشته بخانین میرفته است در میان
قصر شیرین و خانقین که مشهور بقبله بنبری میساشد و همیشه مقام
اشرار و سارقین است یک بسته اسباب تجارنی که خیراتی داشته
داشته می افند قراولان سرباز ابو بکری عالیجناب الله خان

می پسندد و در میان بقاعده نظام قراول میشوند که شاید صاحب
پیدا شود و کسی را قدرت آن نبوده است که مال از جای خود
حرکت بدید شخص صاحب مال در نزدیکی خانقین حنبر میشود که بسته
تجارنی او مفقود شده مراجعت بقبله بنبری میکند و چون
اقتاده در اطراف او قراول استاده محافظت مینماید بسته خود
برداشته با کمال خرمی واد میشود

از قراریکه نواب عمادالدوله نوشته بودند در یکی از مزارع کرب
شخص رعیتی در جای زرعش که شیار میکرد دست یک لوله توب
بزرگ از توپهای قدیم از زیر خاک پروان آمده است که چهار تن
قدانت بعرض حضور همایون رسیده سپار بغال میمون گرفته
مقرر فرمودند که سوار کرده در آنخلا فدا و روند

کرمان

عالیجناب مظفرآندوه سردار سلطانی خان نیز این اوقات از کرمان

قدما شده اند

از قراریکه نوشته بودند فوج مخبران قراکوز لوبو ابوبکری عالیجناب
سرمهنگ بانهایت سلوک رفتار مینماید و هر روز در میدان حاضر
مشق میشوند تا دو سه ساعت از روز گذشته مشق می نمایند

از قراریکه در روزنامه کرمان نوشته بودند در ایام بروز العجز بود
انچه و بختی سرور شده بود که در اغلب جا های آنجا که گریه بوده
و هرگز برف ندیده بود از پستل حنیض و شهر باکب بطوری هوا سرد شد
و برف آمده است که جمع درختهای میوه آنجا را خشک کرده است
امیر الامراء العظام محمد حسن خان سردار محض ملاحظه این آفتی که با آنجا
تخفیفی با مالی آنجا داده آنها را آید و ارسا شده بود

خراسان

از قراریکه در روزنامه خراسان نوشته بودند طرقت و شوارع
هر یک از ولایات متعلقه با آنجا کمال نظم دارد خصوصاً این اوقات که
نواب مستطاب شاهزاده و الایات سمرمانفرا و مقرب نجاتان فریر
نظام با آنچه و در قندهار از ماوریت ایشان هر یک از منازل نظم گرفته
و مردم بکمال آسایش مقرون بوده اند از قراریکه نوشته بود خاندان

نواب مغزی الیه عرض کرده بود که دیروز از ظرافه ضاله ترکمانه چند
آمده یک نفر ساربان را با هفت شتر برده اند نوار مغزی الیه بجز اطلاع
بر این کیفیت عالیجناب مطلب خان سر کرده سوار نظام را خواسته
حکم کرده بودند شته و ساربان را از توپنجوا هم باید بر جا هست
گرفته پاوری مشار الیه هم سوار شده با چند نفر از سواران خود
ترکمان رفته بود در نزدیکی محال جردته با آنها رسید و دعوی خوبی
با آنها کرده بود چهار نفر ترکمان را با چهار اسب گرفته بود و ترکمان
از آنها پس گرفته آورده بصاحبش و نموده بود و شتاب نواب مغزی

اجنار دول خارج

انگلیس در روزنامه لندن بتاریخ اول جمادى الثانیه نوشته اند که عیبا حضرت پادشاه بنیاد شد در نهم ماه فروردین از لندن بعبارت خود که در کنار دریاست و از بوزن میان بروند و چند وقت در آنجا توقف نمایند و چون که بنیاد دارند قشون بحری انگلیس و فرانسه را در آن نزدیک جمع نمایند کمان دارند که رشتن پادشاه بعبارت کنار دریاست بجهت آنست که قشون بحری و لیتن انگلیس و فرانسه را ملاحظه و تماشا نماید

فرانس

در روزنامه پاریس پای تخت این مملکت نوشته اند پادشاه پورتو قال که فوت شد دست شوهرش درین وز میخواست بمملکت فرانسه پاید و پیشش نر که پادشاه مملکت فرورست همراهِ اوست و میکشد که بجهت پیشش دختر پادشاه بلژرانا فرزند کرد چونکه پسر پادشاه پورتو قال صغیرست و بسوز کز شده است موافق قاعده انولایت پدرش بمملکت داری حکم انی انولایت برقرارست تا پیش بخدر شد برسد

سایر ممالک فرنگستان

در مملکت اسپانیول اغتشاش بود بسبب آنکه بعضی از اهل آنجا رضامندی از وزرای آن مملکت نداشتند و بنای بیغی کری میخورد سری میکشد و بعضی بلوکات بم برجم خورد کی این قشون پادشاه و یاعیان شده بود و لکن رهبر جانی قشون پادشاه غالب آمد و از یاعیان بسیاری گرفته و مجبوس کرده بودند تا در خواست پای تخت برجم خورد کی نشده بود

در بندرات مملکت انگلیس غله رو بیشتر بود بسبب این که غله زیاد از خارج با آنجا آورده بودند در لندن بعضی شهرهای دیگر هم خازان قیمت مان را گستر کرده بودند از سایر شهرها است عزبی فرنگستان که درین وز ما غله در آنجا با ترقی داشته است بسبب زیاد آوردن غله شترل کرده بود و تجارت کمان نداشتند که دوباره ترقی نماید بسبب اینکه خبر داشتند که از ممالک بعید غله زیاد بشهرهای غربی فرنگستان می آورند عیاسپانیا حکمران مملکت مصر تا چند وقت پیرون فرستادن غله را غله کرده بود بعد خودش بمصر عیار شده و حساب کل غله مملکت مصر را نموده بود و دیده بود که غله از مصر بدون این که ضرر بان لایت بخورد میستوان پیرون فرستاد از آنجست عرض تجارت را قبول کرد بود و قدغن که بحکب خارج بردن غله کرده بود شکسته و دان که مانند سابق غله بیج بفرستند و این هم بسبب شترل قیمت غله در شهرهای فرنگستان است

بخلاف اگر ممالک فرنگستان دولت مانند قشون خود را کفر نمایند و در بعضی حصارها که قشون داشتند قشون را از آنجا با بر میدارند دولت بلژرود دولت پرویس که هم سرحد دولت مانند میباشند درین خصوص بدولت مانند گفتند و باز خواست دارند پادشاه پیدمانت بجهت کشودن راه آهن بمملکت شرنوهره رفقه بود و چونکه مدتی بود که پادشاه فرور با آنجا نیامده بود اهل آن اطراف از آمدن پادشاه کمال فرح و شادمانی داشتند و کوجای شهرها که از آنجا عبور میکرد با و بختن مغل و پارچهای کراهنها را پیش تمام داده بودند و شبها نیز شهر را چراغان کرده بودند

در شهرهای فرنگستان است
در شهرهاییکه در مملکت انگلیس ناخوشی با برور کرده بود درین وقت بسیار گستر شده بود و امید داشتند که بالمره رفع بشود

تعییر اجناس دار الخلاء و طران

۱۷۰۰	حما چارمن دو هزار و شصید تار	۱۷۰۰	برنج غنبرو چارمن دو هزار و شصید تار
۱۷۰۱	قداری یک من پنجرار و پانصد	۱۷۰۱	برنج رسی چارمن یک هزار و نهصد و نمان
۱۷۰۲	قد بزدی یک من چهار هزار و چارصد	۱۷۰۲	برنج آکوله چارمن سه هزار و شصید و نمان
۱۷۰۳	بنات یک من سه هزار و چارصد	۱۷۰۳	گوشت یک من شش عباسی
۱۷۰۴	شکر یک من سه هزار	۱۷۰۴	نان یک من هفت پول
۱۷۰۵	آب لیمو چار من هشت هزار	۱۷۰۵	کندم و رامینی یک خرد هفت هزار
۱۷۰۶	آب نارنج یک من سه هزار	۱۷۰۶	کندم غریب یک خرد بیت و یکد
۱۷۰۷	کشک چارمن یک هزار و شصید تار	۱۷۰۷	کندم دور شهر یک خرد نوزده هزار
۱۷۰۸	ماست چارمن شش عباسی	۱۷۰۸	جو یک خرد ده پال
۱۷۰۹	پیر شور چارمن پنجرار	۱۷۰۹	کاه یک خرد چهار هزار و دویست
۱۷۱۰	تباکوی شیرازی چارمن چهار ده هزار	۱۷۱۰	بیزم طاق یک خرد هشت هزار
۱۷۱۱	تباکوی وسط چارمن هشت هزار	۱۷۱۱	بیزم متفرق یک خرد پنجرار
۱۷۱۲	کرچک یک خرد سه تومان و پنجرار	۱۷۱۲	ذغال یک خرد دو تومان و دویست
۱۷۱۳	روغن پنجرار چارمن چهار هزار	۱۷۱۳	سخت و قزوینی چارمن دو هزار و سیصد
۱۷۱۴	پیه چارمن هشت هزار	۱۷۱۴	سخت و رسی چارمن شش عباسی
۱۷۱۵	شع یک من دو هزار و چارصد	۱۷۱۵	عکس قزوینی چارمن هشت عباسی
۱۷۱۶	چارمن هشت هزار	۱۷۱۶	عکس رسی چارمن چهار عباسی
۱۷۱۷	یک من شانزده هزار	۱۷۱۷	ماش چارمن شش عباسی
۱۷۱۸	سیخک یک من دوازده هزار	۱۷۱۸	لوبیا چارمن یک هزار و سیصد
۱۷۱۹	واچینی یک من هشت هزار	۱۷۱۹	شیره شهد چارمن یک هزار و سیصد
۱۷۲۰	طفل یک من سه هزار	۱۷۲۰	شیره سفید چارمن دو هزار
۱۷۲۱	زعفران ده سیر دو تومان و چار هزار	۱۷۲۱	کشمش سبز چارمن سه هزار
۱۷۲۲	حلویات یک من چهار هزار	۱۷۲۲	کشمش قرمز چارمن شش عباسی
۱۷۲۳	پسته تاج چارمن شش هزار	۱۷۲۳	کشمش طعام چارمن یک هزار و سیصد
۱۷۲۴	پسته وسط چارمن چهار هزار		

۱۰۰	خمسه نظامی بیت و چهار	۱۰۶	چهار من هفت هزار	مقرسته
۱۰۰	سرایر و دو تومان	۱۰۷	چهار من یازده هزار و ده	منقر بادام
۱۰۰	زبده المعارف دو تومان	۱۰۸	چهار من پنجاه	فندق
۱۰۰	معراج السعاده یک تومان	۱۰۹	یک قطعه ده شاهی	مرغ
۱۰۰	حدیقه اشعه هشت هزار	۱۱۰	یک قطعه پنجاهی	جوجه
۱۰۰	شرح کبیر دو جلد شش تومان	۱۱۱	دوازده بیضه یک عباسی	تخم مرغ
۱۰۰	شرح لمعه یک جلد سه تومان	۱۱۲	یک س سه هزار و ده شاهی	بره
۱۰۰	شرح الزیاره یک جلد دو تومان	۱۱۳	یک عدد سصد دینار	ماهی
۱۰۰	تصحیح پانزده هزار	۱۱۴	صد عدد سه هزار	نارنج
۱۰۰	شاهنامه چهار تومان و نیم	۱۱۵	چهار من یک هزار و ده	سکه
		۱۱۶	چهار من هشت عباسی	آب غوره
		۱۱۷	یک من یک هزار دینار	ترشی آلات
		۱۱۸	یک نخوار شش هزار	یونجه خشک
		۱۱۹	یک نخوار پانزده هزار	خلر
		۱۲۰	دو تومان شش هزار	آرد کندم
		۱۲۱	یک نخوار شانزده هزار	آرد جو
		۱۲۲	یک دو آنکه دوریال	چاقی
		۱۲۳	یک من سه هزار	سر کلکین
		۱۲۴	چهار من هشت هزار	خرمای خارک
		۱۲۵	چهار من هشت هزار	تخم کدو
		۱۲۶	چهار من نه هزار و ده شاهی	روغن

اعلانات

کتابهای چاپی دار اسخلاف طهران که در کارخانه چاپی
عبدالمجید با سبب چندی در محله نژد یک دروازه و در
الطباع شده از این قرار فروخته میشود

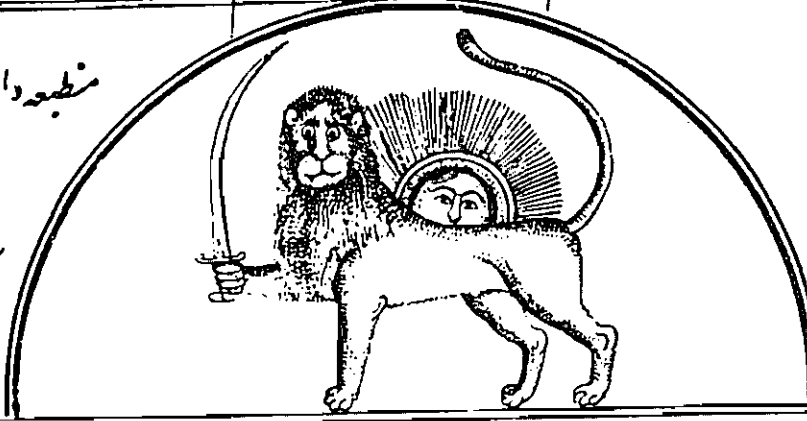
روزنامه و قلیع اتفاقیه بتاریخ یوم پنجشنبه بیستم و پنجم ماه جمادی الثانی سن ۱۲۸۰

نزد صد و شصت و نه

قیمت روزنامه

یک نسخه شش ماهی

هفتاد و چهار هزار



منطبعة دار اختلاف طهران

قیمت اعلانات

یک خط از چهار خط هر روز

بیشتر از پنج خط

اجبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دار اختلاف طهران

در روز پنجشنبه گذشته اعلیحضرت پادشاهی بفرمودند و تفریح شمیرانات که در این اوقات فصل صفا و خوبی آنگاه است سوار شده و تا در بند و آن صفحات تشریف فرما گردیدند و تا حوالی عصر در آن اطراف تفریح مشغول بودند و نزدیک غروب آفتاب مبارک مبارک که سلطانیه معاودت فرمودند

عالیجاه نیجه اخوانین العظام حسنعلی خان افشار پیشینت خاصه اعلیحضرت پادشاهی حب الاشارة العظمی با بلاغ خلع عبدی نواب مستطاب هزاره و الالباب فرمودند و تا فرمای مملکت خراسان و مقرب انخاقان میرزا فضل وزیر نظام و پیشکار خراسان و سایر حکام و صاحبان مستوفین آنجاست و چند روز دیگر عازم محال اموریت خواهند

چون مراتب قابلیت عالیجاه محمد حسین خان پسر مقرب انخاقان علیخان سرتیپ و اکوز لو مشهود نظر مهر ارشاد و انی گردیده این اوقات مشارالیه را منصب سرمنکی فوج و اکوز لو سرافرا و بکلا و شال کرمانی برسم خلعت با ارحمت فرمودند

چون توقیر و اعزاز و احترام علمای اعلام سواره اوقات منظور خاطر اقدس همایون اعلیحضرت پادشاهی است لهذا در روز شنبه گذشته بیدین جناب میرزا ابوالقاسم امام جمعه و جماعت دار اختلاف طهران تشریف فرما گردیدند و جناب معزئی الیه را مورد تعقیبات ملوکانه فرمودند و از آنجا بیدین جناب شیخ رضا و بناب شیخ عبدالحسین تشریف فرما گردیدند و آنرا نیز مشمول عطف ملوکانه فرمودند

عالیجاه عمده اخوانین محمد رحیم خان نقی باشی را این اوقات امنای دولت علیه حب الامر همایون بحکومت بنام و نه سرافرا نمودند و این روزها بجل اموریت خود روانه می شوند

در روز دوشنبه گذشته نیز ملوک همایون بفرمودند و کت اطراف دار اختلاف فریب بیرون شهر تشریف فرما گردیدند و حوالی عصر مبارک مبارک معاودت فرمودند

دست چین عالیجاه میرزا ششم خان را که سابقا بحکومت بنام و نه سرافرا بود در این اوقات بحکومت سراب و کرمان و دامون فرمودند

مظفر کلا خط مراتب لیاقت و شایستگی حسن بیک را در عیال
میرزا علی اکبر خان سرنگ قورخانه که سابقا منصب ^{تظاظ}
داشت و ظهور خدمات عالیجا به شاریه این اوقات
حسب الامر منصب یوری قورخانه مبارکه سه افزار کرد

سایر ولایات

اورده سیجان ازین ولایت در این چند اخباری
از نذران

از نذرانیه در روزنامه این ولایت نوشته اند نواب ^{تظاظ}
شاهزاده دالاتیامه طغی قلی میرزا حکمران مازندران
در نظام امر نوکر و رعیت و انجام خدمات دیوانی آنها
تمام دارند و از حسن مراقبت نواب معزنی الیه کمال ^{تظاظ}
در انولایت حاصل است و عموم کینه آنجا در نهایت
آسودگی و امیدواری بعبوات این دولت علیه مشغول
رعیتی و کار و کسب خود میباشند و نواب معزنی الیه
در جزئی و کلی امور انولایت سیدی کی کامل دارد

و یک نوشته بود که شانی که از جانب سنی احوال ^{تظاظ}
بنوا محسری الیه رحمت شده بود و بیکر و بجه نور و زمانه نشان
مرحمتی با بنجار سیده و نواب معزنی الیه لوازم استقبال و توقیر و احترام
بعل آورده آن منور را زیب بیکر افتخار خود نموده اند

عراق

از قراریکه از ساوه نوشته بودند سن درین اوقات ^{تظاظ}
بروز کرده بود و لکن نوشته بودند از تقصبات حساب باری تعالی
در اینجا پیدا شده است بقدر چهار چرخه قطعه که از کبوتر بزرگتر است و کوش
سفید پای می بندد و در زیر گلوش چیزی مانند خرطوم ظاهر است چون ^{تظاظ}
وقتی که زراعت را امید سن برده ای آب میریزد در همان وقت این مرغها

بسیار آب میریزند و این سنها که در وی آب بوده اند فرو برده و در خرطوم خود
جمع کرده میبردند و در جامای و در خارج از زراعت و بر زمین تجمیع نموده ^{تظاظ}
هر که ام آن کرده بوده اند می کشته اند و بر می کشته اند با اینطور جمیع سن ساوه
تلف تمام کرده از آنجا تقیم گرفته اند لکن از قراریکه در ثانی نوشته بودند بعد از
رفتن این مرغها بقم و باره در زمین ظاهر شده و امید دارند که ^{تظاظ}
مرغها اگر بر اجب و گامیند این دفعه کلی بلیه سن را از آنجا مروج ^{تظاظ}

فارس

بوزار آنکه از اکیان امام سقراط که بنده عباس را میخواستند
عقب تصرف کنند تا بمقامت با قسطن این دولت نیاید
وزار بر قرار اختیار نمودند و قسطن دولت بقره و غلبه بنده عباس را
بصرف آورده با فتح و سیر و زنی در بند عباس نشسته بود
بکشتیها و قایقها نشسته و آنچه هم از رعیت و تجار بند عباس
بود جزیره اگر کویا سیده سجزیره قسم و بزرگ در میان دریا
رفته اند اگر چه آن جزایر هم خاک این دولت و متعلق باین دولت است
لکن با طینان اینکه این دولت آن بحال اسباب حربیه سجزیره
در آنجا ندارد با عوای شیخ عبدالرحمن قسطنی آن دو جزیره را
برای خود مامن قرار داده اند کشتیها که با تجارتی تجار بند ^{تظاظ}
از قسطنی بند بوشهر و بند عباس می آورند چون باید از
مابین آن دو جزیره بگذرند در میانجا جلو گیری کرده میزند با
آنرا در جزیره قسم خالی کرده سفاین و بنجد را نگاه
میدارند و اموال تجار را محجوس و منجر میازند و در وی
در بابنای اعتناش و بی نظمی که داشته اند اولیای این
دولت البته متحمل این حرکات نا بهنجار نخواهند شد
و قراری خواهند نمود

کرمان

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند از تخم بلخ که پارسا
 در آن ولایت افتاده بود امسال بلخ فراوان درآمده و بحاصل
 ضرر کلی میرساند امیرالاعظام محمد حسن خان سردار حکمران
 نیرد و کرمان قدغن کرده است که در هر جامشول کشتن این بلخ
 که هستوز به پرواز نیامده اند باشد و در اغلب بلوکات آنجا
 نوشته اند که روزی سیصد من و چهارصد من بلخ کشته شود
 و دو نفر توپچی هم برای آوردن آب سار فرستاده اند و تقصیل
 این آب سار بطور سیت که از چشمه مشهور که در بلوکات فارس است
 آب بر میدارند و بجهر ولایتی که بلخ افتاده باشد می برند و سار فراوان
 در عقب آن آب پر دازی آیند تا آن ولایت میرسند و هر چه بلخ در آنجا
 باشد می کشند و دعوی این سار با بلخ تیر تاشای خوشت

و دیگر از قراریکه نوشته بودند عاچاه موسی خان قاجار درین وقت
 قلعه دیزک و دوسه قلعه دیگر از بلوچستان را که خاک این دولتست
 چندی بود که اطاعت نمیکردند بلکه آن صفحاً ترا بجهت تاخت و تاز
 از جماعت بلوچیه ظاهر میشد مشغولش کرده بودند تصرف آورده
 از جمله در قلعه سرابستان خنک خوبی نمود و قشون ناموره کمال
 رشاد ترا بعجل آورده اند و درین یورش پنج نفر از قشون نامور
 کشته شده و بقدری نفر از تشکیک آن که در قلعه بودند قتل رسید
 و قلعه مزبور به جبر و قهر تصرف قشون پادشاهی درآمده جهایکه
 خان دوسه نفر دیگر دست گیر کرده اند و عاچاه میر علم خان از جانب
 او یاسی دولت قاهره بجهت قلعه جات و نظم امورات آنجا
 کرده است

از قراریکه نوشته اند در این وقت امرشال مانی در کرمان پسر
 کرده است و امیرالاعظام سردار در تشویق شال مانی در خوبی

استقام تمام دارد و اغلبی که شالهای سنگین و خوب باقیه اند اعظام
 و خلعت داده و آلان شالهای خوب را این ولایت باقیه میشود که
 به دولت تومان شالهای سنگین از اوقات میبایند و بطوری خوب
 میبافند که کمتری از شالهای کیشیری فرق میسوان نمود و در آن
 بخت خوب با شال کرمانی خرید و فروش شال کیشیری را هر وقت

پیر و

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند سالهای سابق
 بوده است که حکام بجهت تدارک عید نوروز و جوی از جماعت اصناف
 و کسبه بازار میکشیدند امسال مترب انخاقان محمد یوسف خان پسر
 و نایب الحکومه نیرد حسب الحکم امیرالاعظام سردار قدغن کرده است
 که دیناری از صنایف مطالبه نشود و این مرحله سبب مزید عاقل
 اصناف و کسبه آنجا گردیده است

اصفهان

در روزنامه این ولایت نوشته بودند که در ایام بره العجور در آنجا
 سرمای سخت کرده هوا سپاس سرد شده و در بعضی جاها در خجتهای میوه
 خشک شده است و بجهت همین آفت جمعی از امانی آنجا بدر باره های
 آمده اظهار پشیمانی خود میکردند

خراسان

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند نواب مستطاب
 و الا تبار سردیدون میرزا فرمانفرمای مملکت خراسان سبزوآ
 که وارد شده بودند سه روز در آنجا توقف کرده اند و روز حرکت
 از سبزوآ در مترب انخاقان زیر نظام سفارش کرده بودند که
 از راه بالارقه معدن مینر و زج را سرکشی نمایند و خود از راه
 دیگر تشریف بردند و در مترب انخاقان مشارالیه بهم رفته معدن
 سرکشی کرده نظم دستوری را مآنجاداد و بودند

۱۰۸۲

بروجرد و عربستان

دو روز نوشته اند که دزدی سرقت که در بروجرد سابقا زیاد
در این اوقات از اتهامات نواب مستطاب شاهزاده و الاتبان
احشام الدوله و مراقبت و رسیدگی نواب جلال الدین میرزا
نایب الحکومه پسر کم اتفاق می افتد که دزدی بشود و اگر بر
سپیل ندرت از جانی سرقتی شده باشد دزد را پسند او مول
سروقه بصاحبش رد و دزد چپینه و سیاست میشود از جمله در
عید از خانه آقا علی نام بقدر پانزده تومان اسباب سرقت شد
بود صبح آن شب بمقام تفتیش برآید و دزد را پیدا نمودند
کلیا کافی بود اسباب سروقه بعل و بعضی اسباب که در
ایام ناخوشی از خانه های دیگر سرقت کرده بود از او استرداد
بصاحبانش تسلیم شده و دزد فرورآید و حبس

دو روز نوشته بودند که عبداللہ خان نایب بختیاری و اسد اللہ خان
نایب جلیق را نواب نایب الحکومه بروجرد خواسته و امینی
در جزو بجا بلیق و بختیاری فرستاده شد که در عمل مشارایه با
رعایا رسیدگی و تحقیق نماید اگر با حسن سلوک بارعایا رفتار
باشد در سال جدید پیشتر بر سر شغل و عمل خود منصوب شوند
اگر برعایا اجاف و زیادتی کرده باشند آنها را معزول

دو روز نوشته بودند که چون اجارات بروجرد و سیلاخور که بته
بشهرت با عالچاه نور محمد خان فرہ شہاشی بود و مشارایه
کثرت مشغله با نظام امور اجارات نمیتوانست رسیدگی نماید
و اغلب اصناف بفر شغل و کسب خود داخله بجاریکد گیر میکردند
و شغال در کار آنها بر سید بود نواب نایب الحکومه در این اوقات
میرزا خدای محمد خان را که مدعی کامل و کاروان بود کجا تر صناف
قرار داده و مشارایه امر آنها را کمال نظام داده است

دو روز نوشته بودند که در اول تابستان گذشته محمد علی بک غلام
سفارشانه بکلم امنای دولت علیه محصل و مامور بود که محمد قلی خان
و عبدالعلی خان آیتوند را که خانم چا پاپر دولت بهیہ انگلیس را طرف
نماندند در میان بل خزل برهنه کرده بودند کرشمه بدر بار همایون
چاپورند نواب احشام الدوله مشارایه را بنزد نواب ایدرم میرزا
فرستاده بود به نشر چون آن و نفر سارق در میان نبودند و
کسان آنها در مقام انکار برآمده بودند که چا پاپر مزبور را طایفه خزل
برهنه کرده اند لهذا نواب ایدرم میرزا قیمت اسب و اسباب او
از خود داده و چا پاپر را محبت کرده بود در این اوقات حکم مجدداً
امنای دولت علیه شده بود که همان زدمار نواب ایدرم میرزا
باید حکماً بدست آورده بدر بار همایون روانه نماید نواب مغزی
محض امتثال حکم امنای دولت علیه از کر میر سبت سیلاق که نزد
برسین و مکان زوان مزبور بود حرکت و با چار صد نفر سواران
کرده شش منزل ادر دو شب طی نموده و قتی که بر آنجا رسیدند
انها نیز قبل از وقت خبردار بوده با جمعیتی از کسان و همستان خود
در جای محکمی از کوه دامن کرشمه بودند و بجهت سختی راههای آنجا از چاه
سوار شتر از سی چهل نفر همراه نواب مغزی ایبه بودند با قتی در عقب
هنوز رسیدند بودند نواب مغزی ایبه معطل رسیدن سوار نشده باهمان
جمعیت قیل بر بر آنها تاخت آورده از طرفین بستینرو آویز مشغول
و سه چار نفر از اشرار آنها مقتول و از جمعیت نواب مغزی ایبه
نیز هشت راس اسب به تیر آمده و چند نفر زخمی دار شده بالاخره
مامورین غلبه و آن و نفر حیرت آفرینگر نموده و آنان زخمی
مجموعاً اند تا حکم او ایامی دولت علیه بهر قرار که صادر شود

معمول دارند

۱۰۸۵

اخبار دول خارج

انگلیس در روزنامه های این ولایت نوشته اند که بیست و هفتون ردیف بجهت مملکت آیرلند و ده هزار قشون ردیف بجهت مملکت اسکاتلند خبر کرده اند که فوج آمده جمع شوند و مشین نامی مشغول هر خدمتی که با آنها جوع شود باشند و هم در آن روزنامه ها نوشته اند که بنا دارند بیست هزار قشون ردیف از سرزمین کورنوال و در راه چهار هزار نفر از این کشتی ها بفرستند

بجز کشتی های بزرگ که درین روزها در مملکت انگلیس ساخته اند یک کشتی تجاری است که دوازده هزار جزو بار در او حمل شود طول این کشتی نود و نه ذراع است عرض چهارده ذراع و ارتفاعش نه ذراع و اگر لازم باشد در وقت ضرورت سه فوج سرباز در آن کشتی میتوان گذاشت و این کشتی را بجهت تردد ما بین انگلیس و اسکندریه مصر ساخته و کل این کشتی را از آهن ساخته اند چرخ بخارش روزی سیصد اسب دارد و بسیار هم تند است در اطرافها و سایر جاهای کشتی زینت و آرایش تمام داده اند و درین روزها کشتی مزبور روانه مصر شده است که سیاحان و بازرگان تجاری بجهت بندوستان ببرد در راه طوفان زیاد شده بود و کلن کشتی هم تند رفته بود هم در طوفان غیبی و نام این کشتی را حملایا موسوم کرده اند که اسم کوهها بلند ما بین بت و هند است

فرانس

در یکی از روزنامه های این ولایت نوشته اند که شخصی از قبیل ایسناغایب شده بود و تا سه روز هر چه جستجو

کردند پیدا نشد تا یکی از نظام ضابطه آن اطراف که شغل او گرفتن مقصرین بود سکی داشت که بهوش و تعلیم مشهور بود را در میان جنگل برده و با وحکم کرد که جستجو نماید اندک مدتی سک سجالی رسیده بود که زمین او را تازه شکافته بودند و آنجا را به نیجه شروع بکنند نموده بود پس کل آن آورده زمین مزبور را کند و نثر شخص مفقود را در آنجا

نقل برده اند و درین کتاب چند بار ذکر کرده اند کاره کرده است چند وقت پیش ازین یک مقصر از آنجا گریخته بود و اهل آنجا نمیدانستند که بکدام طرف رفته است آوردند و سک رد پای او را گرفته و برابر او داده اند تا بمقصر مزبور رسیده از جنت او چسبید و خود او را گرفته بود که زخم ناید و این غریب است که این سک بکسی دست نهد مگر بصاحب خودش و نظام ضابطه که در قواول خانه هستند قائل این شخص را که کشته در میان جنگل دفن کرده بودند بنویسد بیاید رسیده اند

از فرار روزنامه این ولایت در ایام سلطنت لوی ناپلیان امپراطور فرانسه تا بحال بقدر شصت و پنج فرسخ راه آن بجهت تردد کاسک بخار و عبور و مرور سیاح و حمل و نقل بارهای تجاری و غیره ساخته اند و باز در کارند و روز بروز این راهها را زیادتر نمایند دیگر نوشته اند که قشون فرانسه را که چند سال است ساخورد و مریع باشند درین اوقات بنا داشتند زیادتر نمایند و می گفتند که دولت فرانسه تا بهیاز قشون با خلوی رفته برقرار خواهند کرد

و بچه مرتبه آسان روز و در وقت می شود

سویس

در مملکت بزین که یکی از بلوکات سویس است تاریخ نوزدهم
 ربیع الاول نوشته اند که زلزله سخت شده بود چنانچه بعضی
 مردم که در سر پا ایستاده بودند بر زمین افتادند و در ولایت
 اندلس مملکت اسپانیول نیز زلزله شده بود و چند خانه افتاد
 بود در تاریخ سیزدهم ماه مزبور و یک عمارت قدیم هم که
 بسیار محکم و کار آن ایام بود که مسلمانان از طایفه عرب در
 این ولایت سلطنت میکردند از زلزله افتاده و خراب گردید
 و در بعضی کوهها نیز زمین شکافت شد هشتاد و چهار نفر
 در زیر خاک و در زیر خرابی خانهها مانده بودند و تکیه آنها
 از زیر خاک در آورده همه مرده بودند مگر یک دختری که
 چند بار حرکت کرد با صدای مینب مانند رعد حاکم آن سمت
 خواش کرده است که تنخواهی بجهت فقر که درین زلزله متضرر شده

منظور داشته بوند

پلر

شخصی از اهل این مملکت درین روزها فوت شده است
 و بسکوندمردی بود از همه اهل ولایت ولتمند تر و از قراب
 حساب کرده اند بعد از وفاتش چهل طیان با پنجاه طیان
 فرامک پول آنولایت که تخمیناً هشت کرو ریاده کرو پول
 ابران باشد و ج نفه و اطاک داشت و با اهل شهر با
 طرزنی و آت و لوز پولهای زیاد وصیت کرده است
 که در راه احسان بفقرا و مسکین و ارباب استحقاق
 مصرف نمایند یا در ساختن بیار خانهها سایر اعمال
 خرج نمایند

استریم

دولت استریم درین اوقات قون خود را در سرحدات
 جنوب آنولایت زیاد می کنند و تا بحال چهل هزار نفر
 در آنجا با تدایکات لازم جمع کرده اند و روز بروز قون
 آن اطراف را زیاد می کنند

اسپانیول

در باب جنگی که مابین باغیان آنولایت و قون پادشاه
 انجام شده است در روزنامه مردد باین طور نوشته اند که
 در جنگی که نزدیک شهر سمره کوشه شده بود صد و پنجاه
 نفر از باغیان کشته و زخمی شده بودند اما اهل شهر
 بکار باغیان مدخلیت نداشتند باغیان بعد از جنگ
 تاب مقاومت نیاوردند و گریخته و متفرق شدند و
 پادشاه اسپانیول بفرقیب آنها رفته اند و کمان و آه
 که اکثر باغیان را دستگیر نمایند و چون این اقتشاش
 نزدیک سرحد غزاف اتفاق افتاده است بسیار
 سعی و کوشش می کنند که نگذارند از آن سرحد عبور
 نمایند

پسکی و نیای شمالی

شخصی که در پسکی چرخ بجهت دو ضمن رخوت و غیره اختراع کرده
 بگمانی که بتماشای چرخ مزبور رفتند بودند مذکور شد
 بود که بادبان یک کشتی بزرگ که بیست و چهار هزار
 گری باس داشت با این سباب چرخ در شش روز دوخته
 شد که بحساب بر او روکار هزار و دویست نفر خیاط بود اگر
 میخواهند بدست بوزند و ازین حساب معلوم می شود
 که دو ضمن رخوت و غیره با چرخ مزبور چند تفاوت می کند

صحن

از قراریکه در روزنامه ما مکان صحن نوشته اند شهر نیکایی مدتی در دست یاغیان بود و قشون پادشاه او را محاصره کرده بود و بسیار خراب شده است تا رنج ما اربع اول قشون پادشاه که در این شهر بودند هم از دست دریا و سم از خشکی حمله بشهر آورده و لکن از قشون یاغیان شکست خوردند و کشتی جنگی که در آنجا داشتند جزا شد قشون پادشاه چونکه دیدند که شهر فرور میستوان گرفت خود عقب کشیدند و لکن بسیاری از خانها که در پیرون قلعه بودند با آتش زدند و خرابی زیاد بجهت این جنگ در آن شهر شده است و بخار و کوبه بسیار متضرر گردیده اند لاجی فرانسه که در سرحد چین بشهر ننگین رفته بود بدین بزرگ یاغیان که یک سبب رفتن لاجی فرانسه بشهر ننگین است که بزرگ یاغیان را بپند و بهمان عهدنامه که دولت فرانسه با پادشاه چین از انداز او خواش نماید که او هم همان طور شده و یک فقره ازین عهدنامه این بود که بسبب دین بهکس اذیت نکنند از قشون شمالی یاغیان خبر دهند که در پانزده فرسخی پای تخت بود و شهری گرفته بودند که جامی عیوب غلبه بجهت پای تخت بود و اگر تو بهند آنجا را نگاه بدارند شهر پای تخت بی آذوقه میماند خود خاقان چین در سر قشون آمده بود چون آن نفر هم را داشت که بجنگ یاغیان می آورد سمت کانتان و بعضی از سمتهای جنوب مملکت چین نطش پشته از سابق بود بجهت اینکه اکثر قشون که در آنجا بود سمت شمال که پای تخت باشد رفته بودند کشتیهای جنگی روس نزدیک بشهر نیکایی بود و لکن نباد داشتند که سمت پان بروند کشتی جنگی نیکایی شمالی که پارسال از آن ولایت سمت پان روانه شده بود در آن مکان بود و معطل جواب کاغذ بودند که دولت جمهوره

نیکو دینای شمالی حکمران مملکت بیان نوشته بود

احوال متصرفه

در روزنامه مملکت بفر نوشته اند که در ساختن ذغال از فلان سنگی درین وزنا بسیار بی اختراع کرده اند که بسیار بهتر و از سابق تمام میشود ساختن ذغال از ذغال سنگی این طور است که ذغال سنگی را در میان یک بزرگ آهن تبرکپ اینتق میریزند و زیر یک آتش میخندند ذغال سنگی بعد از آنکه گرم شد آب میشود و دو دزد پسرون میرود بعد از آنکه دو دواپرون رفت او را خن میمانند و باره بسته میشود و آنکه میماند بسیار سبک و زشت و خوب میوزد و بخار و دود ندارد بجهت کار خانها که چرخ بخارند در میان شهر کشتی بخار که در رود خانها که از شهرهای بزرگ میگذرد مانند پاریس و لندن غیره قدغن است که این قسم ذغال مصرف کنند که از دود و بخار ذغال سنگی نخلق اذیت نرسد و هوای شهر را را بد نماید ازین جهت این طور ذغال سنگی در چین شهرهای فولکستان بسیار مصرف میشود

در مملکت بفر سابقا قدغن بود که ذغال سنگی بی گرگ و لعل آن ولایت نشود و این قدغن بجهت این بود که کار معدن چیان در بفر خوب پیش برود حال این قدغن را برداشته اند و ذغال سنگی از ولایت انگلیس با بنجای آرند تجیه اینکه در مملکت انگلیس از آن تر و فراوانتر

در بر و سیزد پای تخت بفر شهرت داشت که پادشاه بفر منجو است و بدین امپراطور استریر برود و مکان داشتند که سفر پادشاه فر بود بجهت این باشد که قرار اصلاحی از مورات فولکستان به در مملکت ریوژ نیکو نیکو دینای جنوبی یک غلام سیاه و یک لاس جته است که دویت و پنجاه قیراط وزن دارد و این لباس را

بجای داده اند و بلندن فرستاده اند و پسارصافت و بی
رویت و هشتاد هزار پوند که بحساب پول ایران تخمیناً یک گزده
صد و چهل هزار تومان میشود قیمت کرد و اند و غلامی که امس
پیدا کرد است او را آزاد کردند

وزیر و کمی شهر راک در معدنی معدنچان معدن تازه می کنند
بجبت در آوردن فیغال سنگی سنگ سخت رسیده اند و او را
سوراخ کرده رو شدند بالای فیغال سنگی یک رک از کهر با
جفتند و کهر بای زرد بود و خوب و پارچهای او را در آوردند
که بعضی نزدیک به نیم من زن داشت چونکه در آن سمت مملکت
بسته معدن کهر با نیت کمان دارند که معدن مزبور در
آنجا زیاد صنعت بخت

در مملکت کرته که یکی از بلوکات مملکت اسپانیول میباشد
در قصبها و محشرهای اطراف دریا ناخوشی بروز کرده مانند
و با که دو ثلث از کسانیکه این ناخوشی را میگزند میسند لیکن
مردم آنجا میگویند که این ناخوشی از خوردن بای صدف
بهم میرسد که در آن اطراف بجبت اینک که کنار دریاست مرد
ازین بای صدف زیاد میخورند

مشهورست میان عوام در فرنگستان که موشها از خانه که
میخواهد که خراب شود و سفتد یا از کشتی که میخواهد غرق بشود خود
بخود میروند در این روزها این مرحله بطور غریب امتحان شده
بود کشتی بود در لسنگر کاد که بار میگرفت یک روز مانده که
بریا میندازند اهل کشتی دیدند که موشها بلبه کشتی بریده
شده است با اینکه پیش از آن هر روز موشسپارد کشتی
مشاهده میکردند تا آن وقتیکه کشتی بر ادا قادی عیب و بی
نقص بود و سه روز دیگر در میان این غرق

در هندوستان تخته ناز چوب صندل بریده اند و ازین تخته
چهار تخته بلند آورده اند که طول هر یک شش ذرع و یک
و عرض هر یک یک ذرع و نیم چسری با گاو قطرش چهار کرد
نیم از درختی بریده اند که در کوهستان هندستان

اعلانات

در تبریز فروخته میشود در کار و انشای مرحوم میرزا اتقی خان در حجره
جعفر خان پیک

و در خرج بجبت بالا کشیدن آب از رودخانه یا از چاهها که در
پن بالا کشیدن آب از چاه یا رودخانه برنج یا کدو می گوید و خوش
زور است اسب دارد

چند عدد کتان آهین بجبت زراعت

خرج بجبت کاشتن تخم

تخم پنبه نی و نیاسیاه و سرخ و چرکه و سفید

هر کس خریدار این اسباب باشد از جعفر خان پیک مزبور امتیاع

کتابهای چاپی دارالخلافه طهران که در کارخانه حاجی عبدالعظیم با سیمه
در محله نزدیک دروازه دولا ب انطباع شده ازین قرار میباشد

- ۱۰۰ — حقه نظامی پست و پنجرار
- ۱۰۰ — سیر دو تومان
- ۱۰۰ — زبده المعارف دو تومان
- ۱۰۰ — معراج السعاده یک تومان
- ۱۰۰ — حدیقه اشعه هشت هزار
- ۱۰۰ — شرح کسپه دو جلدشش تومان
- ۱۰۰ — شرح لعه یک جلد سه تومان
- ۱۰۰ — شرح الزبایره یک جلد دو تومان

روزنامه وقایع اتفاقیه سیاحت یوم شنبه هشتم ماه شعبان المعظم پنجاه و یکمین سال پارس میل ۱۲۷۰

مژده صد و هفتاد

منطبعه دارالخلافه طهران

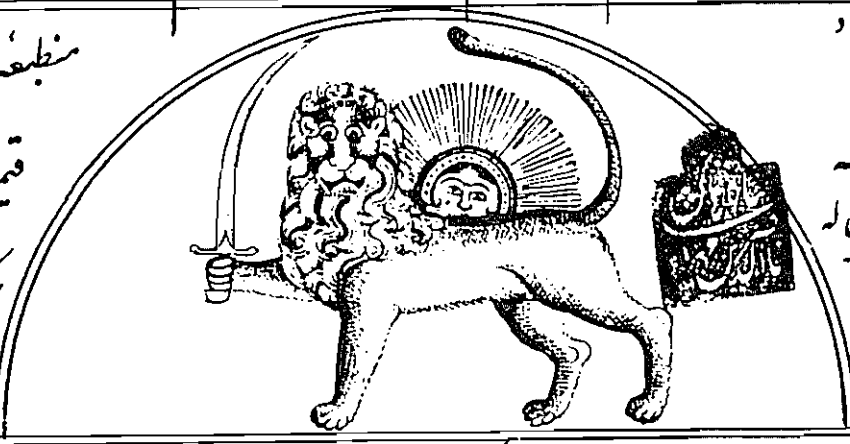
قیمت روزنامه

قیمت اعلانات

یک نسخه ده شاهی

وقوت چهار هزار

لیکتر الاجرای مطبعه روزنامه
بیتد بهر مطبعه



اجبار و احسانه مالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز یکشنبه دوم این ماه اعلیحضرت پادشاهی
بغیرمگشت و تفریح شمیرانات سوار شدند و تا نزدیک
عصر تفریح آن ساعات مشغول بودند و حوالی غروب
آفتاب مبارک مبارکه سلطانی مرجع فرمودند

در روز چهارشنبه گذشته نیز نظریه توقیر و احترام علیاً
اعلام اعلیحضرت پادشاهی بیدن آنحضرت تشریف فرما کرد
اول بیدن جناب آقا محمد لیسر مرحوم آقا محمود و از انجمن
سخانه جناب شیخ عبدالرحیم و از انجمن سخانه جناب حاج میرزا
رفیع کیلانی تشریف فرما گردیده و لوازم توقیر و احترام را
از آنها بعلی آورده مشمول عواطف و تقفقات ملوکات
گردیدند

و اسلحه آنها رسیدگی نموده بکلی در کمال شکوه و نیت
و آراستگی سان دادند

نظر بانیکه محاسن خدمات و ایتمانات توابست طایفه
شاهزاده و الاتبار احتشام الدوله خانلر میرزا در انتظام
امور ریاستان و لرستان و برورد و بختیاری و آن
صفحات در حضور آقدس همایون اعلیحضرت پادشاهی
معلوم و مشهور گشته لهدا اموازی یک قطعه نشان تمثال
همایون مکلل بالماس در حق او حرمت فرمودند و فرمان
مبارک درین خصوص شرف صدور یافت

چون درین اوقات در دروازه بعضی جایهای بدنه شهر
قدری خرابی درخته بهم رسیده و راه تر و آلود بود
استطاب شاهزاده و الاتبار در شیر میرزا حکمران دارالخلافه
طهران و توابع قدغن آکید درین باب نمودند که راه درختها
شهر را گرفته و خرابیهای هر جای بدنه و دروازه را که لازم
باشه تعمیر نموده و بدست دروازه بانان و تحفظین رسانند

در روز دوشنبه سیم اینماه جناب جلالت مآب صدر
بجته ملاحظه و سان غلامان حاضر کاب همایون بیرون
شهر رفتند و مقربو انخاقان کشیکچی باشی و لشکریان
و لشکریان عظام حاضر بوده در حضور جناب معظمت
بدقت ان غلامان حاضر رکاب همایون را دیده بودند
چون عالیجاه میرزا سعید حسن مباحثه چایا رخانه در انجا

۱-۹۰

خدمات دیوانی مراتب امتحانات خود را مشهوری اولیای دولت کرده
گرفته لکن درین اوقات مبلغ بیست تومان بر موجب سابق او افزوده
فرمان محرم لسان مبارک در باب اصل و اضافات و مواجبات فتحی شریف
صد دریافت

سایر ولایات

از رباب ایجان از قراریکه در جزو اجناس تیر نوشته شده بود بعضی
او قهقهای مفت پاره شکر تها داد اند که منافی دوستی دوستی این
دوست است اولیای دولت این خبر را همی با مکتوبات خاطر خود
مخالف دیدن این ارجیف اعطای ناسن بنا بر اعتمادی نمایند
دوستی دوستی و کمال استحکام است البته پیشکار و ماسریر با
بنا بر رضی و محفل باین اجناس ارجیف جعلی شوند

اصفهان

از قراریکه در روزنامه اصفهان نوشته اند غایب چراغعلی خان
اصفهان به بلوکات آمد مشغول کرده فرستاده است که در
صیغی کوتاهی نشود و مرد را آنجا امید داشته اند که در تن صیغی
کم کاشتن کند آنها که بسبب واهمه انیس خوارکی بود بشود از
قراریکه نوشته بودند احمد مدثری انیس نیست دو عده بیرون
آمدن انیس گذشته است و مرد پیشان شده اند که چر کند
زیاد نکاشته اند

چندی قبل ازین در سده و در مجلس تفریح جناب خامس آل عباس
اموالی ارضاجی حسین باجر برفت برده بوده اند این اوقات
چراغعلی خان دزد را دستگیر کرده بعد تحقیق معلوم کرده بود که
سرو قزاقباشان برده لکن دزد را بهر ای یک فقر غلام روانه
کاشان نموده کاغذی بکالم کاشان نوشته بود اسباب
آورده بصاحبش در کردند

فارس

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند امیرزاده عبدالکام
در غیاب نواب مؤید الدوله حکمران فارس کمال مراقبت و اهتمام
در خدمات دیوانی دارد و مسواریه با مقرب الخاقان حاجی قوام
مراقب نظم امور ولایت است

دیگر نوشته بودند که در بندر ابوشهر مسال میج بارندگی شده است چون
حاصل آنجا از آب باران آب مسخورد بسبب نیاید باران اغلب حاصل
آنجا خشک است و از قراریکه نوشته بود بزرگ میرات فارس نیز
همین حالت را آورده مردم از این جهت کمال اضطراب را دارند

کاشان

از قراریکه در روزنامه کاشان نوشته بودند شکر چا پاری بجهت
برگرداندن مال چا پاری خان را بکاشان میفرستادند در نیم فرسخ
دید بود نشی در میان صحرا افتاده و خم بیاری بر او زده اند و
کرد و لباس لوگری در بردارد عالیجاه محمد ابراهیمخان حاکم کاشان
بعد از اطلاع بر این کیفیت و در نفر فرستاده آن لغش را بکاشان
آورده اند و همچنین چند نفر از ریش سفیدان قهر و در آنچه تحقیق
خواسته از آنها تفحص و از اهل کار و اندر اما و عمل جات چا پاری
استفسار کرده بود بعلت تغییر رنگ و آماس اهدی ادر
شاخه است چون قدری از آن قهر و در جیب او بوده
و بعضی قزاقان دیگر القه معلوم شد است که از شیر ازیا
اصفهان مراجعت کرده است و کویا چند نفر از هم
دانشه است بعلت داشتن پول با عداوت او را کشته
و لکن معلوم نیست که مقتول کسبت و قاتل کدام مگر اینکه
از ولایات در روزنامهها اعلامی کنند تا بعد ازین معلوم
بشود

خراسان

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند نواب مستطاب شاهزاده والا بتبارش فرمانفرما در
 والا بتبارش رسیدون میرزا فرمانفرمای مملکت خراسان در نهم ماه
 رجب وارد ارض اقدس گردیده و جوه معارف با اعیان چاکران
 دیوان لوازم استقبال از نواب معری لیه و بعد از آن مقربان
 وزیر نظام که بقدر ضرورت قدم متعاقب نواب معری لیه می آمدند
 آورده و مورد نوازشات و تفقدات نواب شاهزاده و مقربان
 وزیر نظام گردیده اند و بعد از زیارت روضه متبرکه که حضرت رضای
 نواب شاهزاده بهمارتارک بسلام نشسته و بجهت تنیث شلیک تو
 نموده اند و اما لی این ولایت را بعوان اولیای دولت قاهره امید
 واری کامل داده اند

نواب مستطاب شاهزاده والا بتبار حسام السلطنه والی سابق خراسان در
 روز چهاردهم ماه رجب از ارض اقدس بمصلاهی سپرون شهنش
 مکان کرده در روز بیستم ماه فروردین از آنجا روانه دربار هسایون
 پادشاهی گردیده اند

در روزنامه این ولایت نوشته بودند که شخصی مشهدی فقه از دکان
 شخصی پنج قبضه تفنگ سرقت کرده بود و متروان قراونخانه نیابان
 بالا جلوه او را گرفته اند که این تفنگها را کجا میری جواب داده اس که کن
 قذاق سازم و این تفنگها را پریم قذاق نمایم اگر باور میکنند تفنگها را
 نزد شما باشد تا من شه شاید پا درم تفنگها را بفرماید و خود از
 میان باین بجهان بدر فرست

دیگر نوشته اند که در این اوقات از تفصلات آلهی باری بزرگی زیاد در ارض
 اقدس و اکثر جاهای خراسان شد است تا چند شب در روز سجده ای که
 بعضی از خانهای ارض اقدس از شدت بارندگی خراب گردیده
 و صاحبان اطلاق و زراعت کاران از آمدن این باران زیاد بسیار

مشوف و خورسند گردیده اند

دیگر نوشته اند که نواب مستطاب شاهزاده والا بتبارش فرمانفرما در
 قرار در ب خانه و محاسبات نولایت اشطامی کامل اود و عاچاه
 میرزا مصطفی قلی را قرار داده اند که هر روز صبح تا شام در وقت
 نشسته و اما لی تحریر و محاسبات حاضر شد و مشغول انجام خدمات
 دیوانی میباشند

دیگر نوشته بودند مقربان خان وزیر نظام قرار مقرر می و مستمریات
 خدام و مخارج روضه متبرکه که رابطوریکه در زمان تولیت مرحوم چا
 میرزا موسی خان معمول بود برقرار نموده و امر آن سرکار را نظام
 کامل داده اند و حق التولیه خود را قرار داده اند که دو باب حمام ساخته
 وقف روضه مطهره رضویه نمایند و بر اجارات املاک و قینه سرکای
 فیض آثار تا بحال بقدر پنجمین تومان افزوده و مطبخ و دارالاشاد
 قهوه خانه سرکار فیض آثار را مخارج مقرره بهتس از سابق میرسد
 و عموم خدام شاکر و دعاگوی این دولت قوی گنت یابند

دیگر نوشته بودند عاچاه محمد رحیم خان برادر مقربان خان خرم قلی
 ایلیانی به قیسه اشراطیه میوت رفته بود طایفه مزبور به کسند
 قابوس رفته و مشارایه متعاقب آنها تا آنجا ایجا کرده بود و آنها
 چون خبر داشتند از آنجا نیز فرار کرده بودند عاچاه مشارایه در
 مراجعت به میت نفر سوار ترکان بر خورده بود که سمت عباس آباد
 و میان شت بناخت و تا ز آمده بودند با آنها خجک در پوستین نخر
 آنها مقتول و باقی هیند زنده و شکر شده در منزل شیا بور مشایر
 سر بار با آنها که زنده دستگیر کرده بود خدمت نواب فرمانفرما
 آورده مورد بخشین و نوازشش گردیده یک ثوب جبه ترمه لاک
 با خلعت مرحمت فرمودند

این ولایت اخبار دیگر که چون روزنامه گنجایش است و عده اند که

۱۰۹۲

بسطام

در روزنامه این ولایت نوشته اند که در شب عید مولود جناب ولایت مآب امیرالمومنین علی ابن ابی طالب علیه السلام که حسب اقدیس مهابیون در همه ولایات چراغانی کرده بودند از جمله شخصی چکه دوزور بسطام که بصفت امانت و دیانت موصوف بود در شب مزبور بعلت ناخوشی زوجه اش نتوانسته بود بدکان رفته چراغ روشن نماید صبح پسرش رفته در دکان را کشوده دید بود چراغی در دکان مزبور روشن است و روشنائی او زیادتر از همه چراغها و مشعلهاست بطوریکه معلوم میشود که این روشنائی نسبت بروشنایهای دیگر ندارد پدر خود را اجاز نمود و چراغ را بجر خانه و دکانیکه برده بودند خاموش شد بود و هر کار کرده بودند روشن نشده بود تا باز همبماندگان که آوردند بودند خود بخود مشتعل شده بود صاحب دکان بشکر از این سعادت نقد و جنس از اموال خود بفقرا و شیرینی و شربت بر مردم داده است

دیگر نوشته بودند که چون در رنستان نزدیک عید نوروز و ایام تکون دو سه بار سرمای سخت در بسطام شده بود گمان میکردند که سردختی را کلا سرمازده باشد ولی در این اوقات که اشجار به برگ و بار نشسته اند معلوم شده است که چندان آفتی از سرما بر سردختی آنجا نرسیده است مگر بعضی از درختها را فی الجمله سرمازده است و همچنین حاصل غله آنجا چون در سال گذشته کم آمده بود تشویش داشتند که امسال در آن ولایت گرانفی غله باشد ما در این اوقات که بسنوز حاصل تازه بدست نیامده است و باقصای فصل باید غله تعمیر داشته باشد در آن ولایت

کمال فراوانی و ارزمنیت

دیگر نوشته بودند و قایتکه نواب مستطاب شاهزاده و الایثار فریدون میرزا فرمانفرمای مملکت خراسان بسطام رسیده بودند

عالیجاه مطلب خان سرکرده سواره گودار می بسطامی حسب الحکم تعمیر قلعه جات منازل عرض راه را بر آورد نموده صورت آنرا باستصواب نواب مغزی لیه خدمت او لبائی دولت فرستادند و جناب جلالت اجل اکرم صدر اعظم فخرم این وزنا آدمی بخصوصه با وجه تقدروانه خوانند فرمود که آن قلعه جات عرض راه را تعمیر کرده قواش از اشقیه نمایند که باعث سهولت امر ترودین شود

مروجرد

در روزنامه این ولایت نوشته اند که بعد از عید بارانیکه بایست پدید نیامده و مردم زراعت کار و احشامی قدری تشویش خشک شدن داشتند اما گمان بود که در آن وزنا باقصای فصل بارندگی زیاد شود که مردم از تشویش بیرون آیند

دیگر نوشته بودند که عالیجاه عبداللہ خان نخبستاریرا که نواب جلال الدین میرزا ناپا حکومت بر مروجرد خواسته و در جزو امینی بجهت تحقیق محال او بار عایا فرستاده بودند چون معلوم نمودند که مشارالیه نسبت بر عایا اسطفا احجاف و زیادتی نکرده و با کمال سلوک و رفتار با آنها راه رفته است لهذا او را مجددا خلعت داد و به نیابت محال نخبستار روانه نمودند

دیگر نوشته بودند که فرمان موقوفی جریمه و ترجمان که از مصدر خلافت شرف صدور یافته بود با نجا رسیده اگر چه در آن ولایت جریمه و ترجمان معمول نبود ولی صدور این حکم مهابیون سبب فزاید دعا کوئی نالی آنجا شده بشکر گذاری دعای ذات اقدس مهابیون اقدام نموده اند

دیگر نوشته بودند که نواب جلال الدین میرزا ناپا حکومت مروجرد در اشطام امر ولایت و انجام خدمات دیوانی لازمه اهتمام را معمول دارد و اگر نبردت نزدی خلاف حسابی واقع شود فوراً در مقام رفع آن بر می آید

لرستان و عربستان

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند نواب میرزا
ایدرم میرزا در آن کجایان اردو دارد و چون بنجام حرکت ایلان
کمال مراقبت و موافقت را دارند که از ایلات نسبت بیکدیگر تعدی
و خلاف حسابی واقع نشده هر یک بامان و ایلات خود حرکت
نمایند و بعد از وصول ایلات مزبور به ایلات خود نواب
معزی الیه بنادارند بجزم اباد بروند
دیگر نوشته بودند که امسال ناخوشی در میان کوسفندان
صفحات افتاده و اغلب کوسفند کمسیرات آن است و
بروج و بختیاری ازین ناخوشی تلف گردیده و ضربه
کوسفنداران رسیده است

دیگر نوشته بودند که نواب سطات برادره و الایبار حشام
خان میرزا در چهارم ماه رجب از شوشتر بدزفول وارد
شده و امورات آنجا را انتظامی کامل داده اند و در هجدهم
ماه مزبور اراده داشته اند که از آنجا روانه بروج
فوج سیلاخوری ابو اجمعی مغرب انخاقان دینخان میرزا
که ساخلو صحره بودند در واسط ماه رجب وارد شوشتر شدند
و در عوض آنها فوج امرانی لرستانی ابو اجمعی عالیجاه بروج
مامور ساخلوی آنجا هستند

فوج زرنندی ابو اجمعی مغرب انخاقان محمد مراد خان میرزا
درین اوقات حب احکم نواب سطات حشام الدوله مامور
خدمت عربستان اند که در زرنوناب برابیم میرزا
نایب الحکومه در شوشتر و دزفول و خویزه و غیره هر جا که لازم
باشد ساخلو بشوند

دیگر نوشته بودند که امسال بجهت نیامدن باران غله در آن

ولایت تعبیر هم رسانده است چنانچه در شوشتر و خویزه
جو خرواری بدو تومان و پنجاه و کدم خرواری ببه تومان
رسیده است

اخبار دول خارجی

انگلیس از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند
بنادار شدیدی از خوانین عمده و معتبر ولایت انگلیس را
مملکت استریه نمایند بلقب سفیر گیر که از جانب علیاحضرت
پادشاه انگلیس در عروس علیحضرت امپراطور استریه که یک
از دخترهای خویش پادشاه بواریه را میگرد و حاضرنا

فرانس

در یکی از روزنامه های این ولایت نوشته اند که حسب احکم
امپراطور فرانس بعضی از انسانی دولت معین شده بود
که اجلاس نمایند در خصوص کمک مال التجاره که از خارج
می آید گفتگو و مشورت نمایند که بلکه فرانس خفیفی در کمک
آنها بدون اینکه ضرری بدیوان برسد بکنند

از جمله احکامی که درین روزها در پاریس پای تخت این مملکت
شده است یکی این بود که در باب قصابان سابقا قاعده
داشتند که هر کس بخواهد قصابی نماید باید اذن از دیوان
داشته باشد و مبلغی معین در دست دیوانیان آنجا بگذارد
برحسب امانت که اگر خلاف حسابی بکند دیوانیان جریمه او را
از همان پول امانت بردارند حال این قرار سابق را موقوف
داشته و بخواه امانت قصابان را پس میدهند و اذن
که هر کس بخواهد گوشت بفرودشد و چون که قرار قدیم سبب
گران شدن گوشت بود حکم تازه باعث ارزانی گوشت
و رفاه خلق میشود

امپراطور فرانسه بابل شهر و سیلزمینتی که بسیار باصفا
 و مشحون باشجا بود بجهت تفریح گاه اهل واکذا کرد و اندو
 آن شهر نیز بنا دارند که در آنجا حوض و غیره سازند و در
 از دیاد صفا و زینت و خرمی آنجا پرداخته تفریح گاهی بجهت
 خود قرار دهند

شخصی در نزد یکی شهر پاریس بازمی غریب در آورده است و
 تفصیل آن این است که پانصد ششصد مثانه کوسفند را از
 پر کرده است که بسیار سبک است مانند نجاشتی هوا
 که بلون میسازند و این مشاهرا به بدن خود می بندد و
 بسیار سبک میشود بطوریکه چهار دزغ و پنج دزغ جستن
 می کند اطراف شهر پاریس را با اینطور جت و خیر طی
 کرده و بمنزل خود رفته بود

در روزنامه این ولایت نوشته اند که در این اوقات
 ما بین دولتین انگلیس و فرانسه در هرباب و بر مواد
 و اتحاد تام بود

از فراتصدیق اطبانا خوشی و با که جزئی در شهر پاریس تا
 اوقات بود درین اوقات از آنجا رفع گردیده است و لکن
 ناخوشیهای دیگر در آن شهر بسیار بود خصوصاً ناخوشیها
 مسری از قبیل تب حبه و محرقه و مطبقه و آبله نیز در آنجا
 بسیار بود

سختی زمستان گذشته در پاریس ضرر زیاد به بعضی
 از عمارات آنجا رسانده است که بعد از آنکه بخی شکسته
 آب شده بود دیوارها و غیره بجهت شدت برودت
 و رطوبت عیب کرده و افتاده بودند و در بعضی بلوکا
 و راهها و عمارات و غیره نیز ازین سختی زمستان ضرر

و خرابی رسیده بود و پلی که در رودخانه رون که باین
 مملکت فرانسه و سوای میگذرد ساخته بودند خراب شده
 بود و سبب خرابی پل مزبور این بود که سنگی که در روی او
 ساخته بودند فرو رفت فقرات نیز در پای سخت و بعضی شهرها
 بزرگ بسیار سختی می کشید اما حال که هوا طایم شده و بنا
 و عله و غیره کار می کنند او ضاعشان قدری بهتر شده بود

مجلسی که در خصوص آرایش شهر پاریس مامورند بنا داشتند
 پانزده کوچه از کوچهای تنگ و کهنه شهر مزبور را خراب
 نمایند و در جای شان میدان وسیع بسازند بجهت بازارها
 بسیاری از بناهای قدیم پاریس خراب خواهند کرد
 و لکن شهر وسیعتر و پاکیزه تر خواهد شد

درین مملکت قانونی است که هر کس بخواهد کشتیان باشد
 باید چهار سال بدیوان خدمت نماید حال چونکه دولت
 بجهت قشون سحری کشتیان میخواهند کشتیانهار را خبر کرده
 که هر کس که چهار سال بدیوان خدمت نموده است از
 سن بیست و یکالی الی چهل و پنج سالگی باید بیاید و بدیوان خدمت
 نماید بعضی از کشتیانها که در رودخانهها زورق کوچک داشتند
 و صاحب عبال بودند از صد و در این حکم رضامندی ننهادند
 بجهت اینکه ازین معامله ضرری کردند

پورتو قال

درین ولایت بجهت کشتیها که از مالک و دیگر می آهند گرا
 گذاشته بودند درین اوقات این کراختین را برداشته
 مشروط باینکه سیاح خواه از راه دریایا از راه خشکی بآید
 بکراختین بیاید و بنظر اطبای آنجا رسید معلوم بشود که

۱۹۵

ناخوشی ندارد بعد از آن بدون محطی که شسته بمقصد عام
می شود

پادشاه مملکت پورتو قال که نور ظفر و در صحن سن پیا
د پدرش نیابت او متکفل امور سلطنت مملکت داری است
است در این اوقات بنا دارد که یکی از بنات اعما خود
نامه کرده عروس سی نماید

کشتی جنگی دولت انگلیس در رودخانه طا کونس روبرو
شهر لزبون پای تخت مملکت پورتو قال لنگر انداخته بود

اسپانیول

در روزنامه این ولایت نوشته اند که دختر پادشاه
اسپانیول بسیار ناخوش بود و چون که بهین یک اولاد
از او مانده بود اگر بپیرد خواهرش باز وارث تاج تخت
آن مملکت میشود و خواهرش زن دوتک ده نمور سپر لوی
فلیپ پادشاه سابق در آن است

فرینمارک

پادشاه این مملکت حکم کرده است که نه فرزند کشتی جنگی
با د بانی حاضر نمایند و ازین نه فرزند کشتی آن هر یک
پنج عاده توپ دارد و سه کشتی دیگر هر یک پت عاده
و سه کشتی دیگر هر یک شش عاده توپ دارند و
پنج فرزند کشتی بنجار نیز که هر یک دو عاده یا چهار عاده توپ
دارند و پانزده هزار قشون نیز بنا دارند جمع آوری نمایند

سوید و ناروی

در مشورتخانه این مملکت گفتگونی شده بود در خصوص اینکه
پادشاه حکم کرده است که قشون این مملکت را از بری
و سحری زیاد بکنند و مشورتشان در سمر این بود که آیا لازم

باشد که این اخراجات را بکنند یا نه و خود پادشاه
حکم کرده بود که مشورتخانه جمع بشوند و درین خصوص نیابتی
بگذارند بعد از مکالمات زیاد و قرار دادند که حصار را
لنگر کاههای کنار مملکت و سایر جاها را تعمیر نمایند و
برتی و سحری را هم حاضر و مهیا بکنند

بنکی و نیای شمالی

در روزنامه نیویارک بنکی دنیای شمالی نوشته اند
که در آنجا بعضی مردم جمع می شوند که با سلا مول پیا
و در قشون دولت عثمانیه خدمت بکنند

در مملکت اوهمیوی بنکی دنیای شمالی در زمستان گذشته
طوفان غرپی شده بود بارعد و برق و تگرگ و یک
بالمه خراب کرده بود و چون که آب رودخانه بالا آمده
بودند سبلا سیم ضرر زیاد رسانده بود و از آنجا که
این طوفان میگذشت بیشتر از هفصد دزغ عرض داشت
اما هر چه پیش می آمد خراب میکرد درختهای قوی را اینچ
می کند و خانهای محکم را از بنیان می افکند و چرا
میکرد

بعضی از اهل این مملکت عداوت تمام بعیسویها که از مذنب
کتولیک پیاشند دارند و چون که یک کیش بزرگ از
جانب پاپا که پیسویای مذنب کتولیک پیاشد بالولای
آمده بود مردم جمع شده چهرتی نسبت با دیگر دارند
در یک قصبه که کیش مزبور با آنجا رفت بود مردم آنجا
جمع شده بودند با موزو کا پنجه بمنزل کیش میرفتند چونکه
اعیان آنجا حکان داشتند که اشخاص مزبور را راه سحری
نسبت بان کیش داشته باشند از نظام ضبط در خواست

رو بروی منزل کیشش زبور جمعی را مامور نموده بودند و در سخامی که
 این مردم با آنجا رسیدند قراولان بیرون آمدند و بسیار
 ازین اشخاص را گرفتند و بقر او لجان بر دند مفیدین هم جنگ
 میکردند و از طرفین تیر تفک خالی می شد و بعضی مردم هم
 زخمی گردیدند و یک سبب عداوت اهل یمنکی دنیای
 شمالی با پای پای رومه این است که پایا را نسبت بر عایای
 خودش ظالم میدانند ازین جهت نایب پایا که یکی دنیا آمده است
 بجهر جامیر و اهل انولایت نسبت باو بخلاف احترام رفیایان
 و مشکل است که دولت یمنکی دنیای شمالی اهل انولایت را
 از این منعی مخالفت کیشش زبور را محافظت نمودند بکنند

احوال متفرقه

چنانچه در روزنامه های سابق نوشته شده است در شمال
 که شته در بعضی ممالک غربی فرنگستان بسیار هوا سخت
 و سرد شده بود خصوصاً در مملکت انگلیس و در آخر ماه ربيع الثاني
 که آب یخ می بست در بعضی جایها سیل ریزا آمده بود از جمله
 در روزنامه انگلیس نوشته اند که در قصبه دالکستر آید بود
 بطوریکه آب رودخانه که از آنجا میگذرد در کوهها بیشتر از
 دو دوزخ بالا آمده بود اما کسی درین سیل و طغیان آب تلف
 نشده بود

در مملکت استرالیا سوای معدن طلا که درین سالهای نزدیک است
 معدن مس هم در این اوقات تازه پیدا کرده اند و در او نیز کار
 می کنند و خوب منفعت بر میدارند در این روزها یک پاچه
 مس از معدن آنجا در آورده اند که سخر و او وزن او بوده است
 معدن چنان که در آن معدن مس کار می کنند هر یک نفر در
 ده تومان و یا زده تومان اجرت می گیرند

سابقاً در اکثر ممالک فرنگستان بازی لاتاری که قسمی از
 قمار است متداول بود و چون ده یک آن عاید دیوان می شد
 دیوانیان این وجرا از جمله مالیات همیشه دند و مانعت نمیکردند
 در این اوقات چون دیده اند که قاعده قمار بازی در هر
 ممنوع و غیر ممدوح است در اکثر جایهای فرنگستان این قاعده
 موقوف کرده اند از جمله در مملکت پدانت حب الحکم دیوان
 درین روزها موقوف نموده اند

در روزنامه روس نوشته اند که شخصی درین اوقات در شهر
 مسکو نوشته است که از جمله سادات بود و صد و بیست و دو
 سال و یکجا و میت و پنج روز عمر کرده بود

یکی از روزنامه نویسان شهر طبرین که پای تخت مملکت پدانت است
 جرمی نسبت با پیر اطراف فرانس نوشته بود او را بعد از
 کشید و چون تقصیرش ثابت گردید او را حبس و جریمه نمودند
 چونکه در مملکت لدا ذوق ترقی کرده بود از تاریخ اول ربيع الثاني
 قذغن شده بود که هیچ قسم آذوقه از آنجا بیرون نبرند

اعلانات

کتاب شرح بدن انسان از تالیفات عالیجاه حکیم پولا
 معلوم علم طب و جراحی که بزبان فارسی نوشته و چاپ شده است
 در مدرسه دارالفنون فروخته میشود هر جلدی شهریه

روزنامه وقایع اثنایه بتاریخ یوم پنجم شبه سیرده ماه شعبان سنه ۱۲۷۰ مطابق سن ۱۳۰۰

نزد صد هفتاد و یک

منظوبه دارالخلافه طهران

قیمت روزنامه

قیمت اعلانات

یک نسخه شش ماهی

یک سطر ایچهار سطر یکدوازده سطر

حوتان و چهار هزار

بیشتر باشد سطر پز



اجبار و اجساد مالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

چون عالیجاه میرزا محمد حسین احکام نویسن نظام ده انجام شد
مخوله مراتب صداقت و کفایت خود را مشهور در ایام قدس هایلون
و ملحوظ نظر اولیای دولت قاهره ساخته و خدمات او در ایام
رسایل خاصه و تقدیم و نمایشات علمیة تحسن و مقبول خاطر طوکانه
افتاوه یوماقیوماطر کار کردانی خود را بیشتر در پیشگاه هایلون ظاهر
نموده نظر با اعتدای مدارج او درین اوقات بجلا و منصب
نظام بقب نبیل دبیر الملکی از فرمان مرهلعان مبارک سرور
و یک ثوب چبه ترمه برسم خلعت در حق او رحمت و عیادت
کردید

در روز شنبه هشتم این ماه اعلیحضرت پادشاهی سوار شد
بقصر قاجار تشریف فرما گردیدند و در آنجا سان غلامان
سرکاری را دیده بکلی با اسب خوب و اسلحه و اسباب تکامل
شکوه دار استکی بنظر اقدس هایلون رسیدند و از آنجا
موکب هایلون بکشت و تفریح مست عباس آباد و آن صبح
تشریف برده و تا حوالی عصر آن اطراف رکشت و تفریح فرمود
نزدیک غروب آفتاب باز که مبارک سلطانی و معبر
عظمی مراجعت فرمودند

درین روز ناوالده عالیجاه علی خان سیستانی برکات مبارک
آمده بود و از سرکار اقدس هایلون محض التفات طوکانه خلعت
در حق عالیجاهان علیخان و ابراهیمخان و دو دسترخوان
رحمت فرمودند و فرمان هایلون شرف صد و ریافته فرمودند
هم در حق آنها داده شد و بخودش را الیهانیر خلعت و انعام
التفات کردید به مرض کردید

در روز چهارشنبه پنجم این ماه جناب جلالت ناب المیرزا
دولت علیه عثمانیه بحضور اقدس هایلون اعلیحضرت پادشاهی
شرفیاب شده مورد اشفاق و مرحمت طوکانه کردید

بعضی از اشرا حول و حوش قاینات تباحت و نماز قاینات
آمده بودند در دفعه اول غفله آمده مال و کوفتد بسیار بردند

درین سال بعد از عید لوز و زنا بحال نسبت بالهای سابق
بخشکی گذشته و بارندگی بسیار کم شده است و هوا نیز
بالهای گذشته قدری گرم گردیده و لکن زراعت کاران
امیدوارند که درین روزها با قضای فصل بارندگی بشود

در دفعه ثانی میر علم خان پسر امیر سداد الله خان امیر قاپان مجرب شد
 با اینکه آنها بحسب جمعیت زیاد بودند و اینها کم دعوی مردان
 کرده و شکست آنها داده است و دویزه سر و چند نفر است
 و اسب از آنها گرفته سه بار اینجا کپای مبارک شاهنشاهی
 بودند و در از این خدمت رالیه یک قبضه شیر کل مرصع
 و مان مهر لجان بنی بر اظهار رحمت ملوکانه شرف صد و یازده
 بهر ای فرستادگان رالیه انقاد داشتند
 نظر بنظر رحمت ملوکانه در باره عالیجاه آقا اسمعیل شریف
 سلام که همواره اوقات خاصه در سلامهای عام مرتب
 حسن خدمتگاری او مشهود و ملحوظ پیشگاه حضورهایون گردید
 درین اوقات یک قبضه خنجر دستگیر ماهی غبت و سرتیغ
 مرصع بعالیجاه مشارالیه محبت نمودند

چون عالیجاه داود خان سرجم اول دولت علیه ایران از
 ابتدای نوکری این دولت الی الان خدمات مهمه مامور شده
 و آثار صداقت از خود اظهار داشته بود در ماموریت سفر
 بطرز بوعنهم که باقتضای ارادت خدمت کرده و علائم
 استعداد و قابلیت خود را بدرجه بروز و ظهور رسانید و سفیر
 دولت علیه را از رفتار و سلوک خود قرین رضامندی داشت
 لهذا باقتضای رای انورهایون بمنصب سرتیپی و از دیار
 موجب و اعتلاء منصب مترجمی اول مفتخر و سرفراز گردید و فرمان
 هایون درین باب شرف صد و یازده

عالیجاه مقرب الخاقان شفیق خان که از جانب دولت علیه ایران
 سفیر مقیم لندن بود و درین اوقات بدربارهایون معاودت
 نموده در روز یکشنبه ۱۹ تپماه که وار و در انحلاف مبارک که پیش
 حب الامرانای دولت علیه عالیجاهان میرزا عبدالغفار خان

نایب وزارت دول خارجه و چند نفر از نمایان اجدان پاشی
 و صاحب منصبان نظام و غیر نظام از غلام و غیره باستقبال شاهنشاهی
 رفته و لوازم اعزاز و احترام را معمول داشته و او را وارد
 نمودند

درین روز ما جعفر نامی که بکرات و در انحلاف دزدی کرده و دود
 که در سرقت گرفته شد بود حسب حکم نواب مستطاب هزاره والا
 او را دستگیر نموده در انحلاف طارن و توابع در هر دو وجه
 رسیده بود درین روز ما باز مجدداً بمرکتب سرقت شده بود
 مستحفظین او را گرفته خدمت نواب معزئی الیه آوردند اگر چه این
 مستوجب سیاست کلی بود و لکن نواب معزئی الیه حسب الامرهایون
 مقرر داشتند که یک دست دیگر او را هم قطع کرده و او را بعد از
 اخراج بلد گردند

سایر ولایات

اور با ایجان از قراریکه در ضمن روزنامه این ولایت
 نوشته بودند نواب مستطاب هزاره والا بتا نصرت الدوله
 نایب الالباله آذربایجان که با اتفاق مقرب الخاقان میرزا صادق
 قائم مقام از دربارهایون روانه آذربایجان شده بودند در
 عرض راه مقرب الخاقان قائم مقام پیش افتاده و در روز
 بیت و نیم ماه حجب وارد خلعت پوشان گردیده و در روز
 سلخ ماه مزبور امیر الامرا اعظم ام سر در کل راطاقات
 نموده و از طرفین لوازم اعزاز و احترام را در حق یکدیگر
 آورده اند و مقرب الخاقان قائم مقام عازم تبریز و
 امیر الامرا اعظم ام سر در کل بدربارهایون شاهنشاهی

روان شده است
 کرمانشاهان

فوج کوران قلعه بخیری و سوار سنجابی ابوالجهمی عالیجاه ^{خان} الله
 و فوج کردی ابوالجهمی عالیجاه حیاتقلی خان در مدت چهار ماه
 که در سرحد زاب مشغول مشق بوده اند در کمال نظم حرکت کرده
 و هیچوجه از احدی خلاف قاعده ناشی و صادر نشده است و عالیجاه
 پشکن صاحب که معلم افواج دارالدوله است در رعایت
 و اهتمام در تحصیل مشق آنها سعی نموده و درین اوقات مشق آنها
 بنهایت کمال رسیده است و جمیع حرکات و آداب نظام را
 بطوری فرا گرفته اند که عالیجاه پشکن صاحب زیاده از حد
 مشق و نظم آنها را رضی بوده است و معتقدیکه فیه روزنامه جزئی
 و کلی مشق افواج و نظم اردو را بنواب برادره عمادالدوله
 سرحد دار عرافین عرض فرمایم و احکامی که لازم بوده است
 بایشان صادر مبر کرده اند و عالیجاهان اسد الله خان و
 ملک نیاز خان پسر حیاتقلی خان بسیار سعی در مشق و نظم
 بوده اند و از حسن سلوک و قاعده دانی عالیجاه پشکن صاحب
 و مراقبت او از مشق افواج زیاده از حد عموم افواج و دیگرگان
 راضی بوده اند و باین جهت از اولیای دولت علیه احکام التفات
 نسبت بایشان صادر شد

طریق و شوارع دارالدوله اگر ما نشان که همیشه از شهرت
 اشرا محل تسویش بود و خصوصا منازل قصر شیرین و قلعه سیر
 که نامنی آنجا در ازمنه سابق مشهور بود درین اوقات از محرم
 اولیای دولت قاهره حسن مراقبت و استقامات بواب
 مستطاب شاهزاده والا تبار عمادالدوله سرحد دار عرافین
 بطوری منظم شده است که درین دو ساله دیناری از قوافل
 مترو دین تلف نشده است و در کمال اطمینان یک نفر دود و نفر

از آن منازل عبور و مرور نمایند و چندین دفعه اشرا می گردانند
 ظرایف جاف و احمدوند در خاک دولت علیه عثمانی هستند و
 کار آنها قطع الطریق بوده است بر سر راه قوافل آمده اند و
 بواسطه جلالت و رشادت و مراقبت ساخلو مستحفظ آنجا
 از فوج قلعه بخیری ابوالجهمی عالیجاه اسد الله خان متنا
 مخد و لا و مشکو با بر کشته اند و عالیجاه اسد الله خان و نظم ساخلو
 و حط مترو دین کمال اهتمام و در زبده و از جمیع مترو دین نوشته
 رضانا مه گرفته در بر ما می دو بار بنزد نواب شاهزاده عمادالدوله

میفرستد

طوائف عشایر کرمانشاهان که همیشه از واسط عقب تابان
 حمل سبالی بغداد و مندرج بعلف خواگی میروند امسال در کمال
 نظم بر اتع خود رفته و مراحت کرده اند و هیچوجه خلافی از آنها
 نیست بقیه خارج واقع نشده است و با اینکه اکثر آن طوائف
 با هم عداوت دارند و در کمر میگردانند محل اجتماع آنهاست اکثر
 اوقات مفاسد می واقع می شود از استقامات نواب برادر
 عمادالدوله بطوری حرکت نموده اند که از احدی با حدی عداوت
 قاعده صادر نشده است و لکن بواسطه کمی علف و سردی
 هوا کوسفند و حیوانات زیاد را را آنها بمرصه تلف در آمده

دیگر نوشته اند که از استقامات نواب برادره عمادالدوله مالی آنجا
 در امر زراعت و آبادی و بعل آوردن درخت بریشم که تازه
 در اولایت متداول شده و ساعی میباشند و از قراریکه پارسال بریشم آنجا را
 تخریب کرده اند آنقدر که بعل آمده بود خوب مانده بریشم شست و بهتر از
 یزد و کاشان بوده است چون علات در آن صفاست پارسال از آن است و چون
 نفع نمی کند امید دارند که عمل آمدن بریشم نفع کلی بجان املاک آنجا عاید شود

۱۱۰۰

کرمان

از فرار یک در ضمن تحریرات کرمان نوشته بود که قافلای یزدی از کرسی آمده جمعی از ظایفه زرگری ساکن فارس بر سر آنجا آمدند اموال آنها را برده بودند میرزا اسد الله واقف شده سوار شد چهار نفر آنها را دستگیر نموده تمام اموال آنها را که سرقت کرده بودند گرفته آورده بصاحبش رسانده بودند و قبض الواصل آنها امیر الامام اعظام محمد حسن خان سردار حکمران یزد و کرمان نزد اولیای دولت قاهره فرستاده بودند و اولیای دولت حکم کردند که سارقین را بدو بخلاف بیاورند

خراسان

از فرار یک در روزنامه این ولایت نوشته بودند که نواب شاهزاده والا با فریدون میرزا فرمانفرمای مملکت خراسان برای رولت ساختن قشون برود در زمینت و یکم ماه حبس از ارض اقدس بطرف آق در بند حرکت نموده اند و یک فوج از افواج قشار با عالیجا عسکر خان میرتب برای فراد مشهور نزد مقرب اسحاقان وزیر نظام در شهر گذاشته و مقرب اسحاقان غلغلی خان میر پنجه و اسحاقان المغانی را بانو نصرت و یک فوج فشار و توپخانه و سواره برداشته و باقی در بند نشریف بردند افواج فرامانی هم از همان وقت در آق در بند میباشند منظور نواب فرمانفرما این است که در آق در بند اجتماع قشون بشود که از اسحاق قشون معتد بهی با کوفه معتبری با توپخانه و قورخانه و هزار خوار و غلغله روانه گردانند که از رفتن این قشون معاندین مروج قلع و قمع و مضمحل شوند

امیر حسین خان برادر مقرب اسحاقان اسحاقان المغانی را نواب

حسام السلطنه بادولیت نفر سواره و وجه نقد برای سیور قشون موقوفه فرستاده بودند در یک منزلی مر و سواره قریبا پنجشنبه دو هزار سوار آمده آنها را محاصره کرده بودند چهار روز محصور و بی آب و آذوقه مانده بودند از روز چهارم بنام دولیت سوار یک مرتبه یورش بشکرهای آنها برده شکرها را ارتصرف آنها گرفته و شکست فاحشی بانها داد پانزده نبره سوار آنها گرفتند که سر را با بار خنجر فرستاده بودند بجهاد خان دره جبری سم با قشون در مرو است بعد از آنکه محصور شدن امیر حسین خان را شنیدند با یک فوج و توپ باندا و آنها حرکت کرده وقتی رسیدند که دولیت نفر سوار با کمال تهور و جلالت جمعیت قریبایی را شکست داده بودند مشا را البته نیز با جمعیت و استعداد خود آنها را تعاقب و بقدر سیصد نفر از سوار قریبایی مقتول و بجز پانصد نفر نیز زخمی شده و بقیه اسیر منج و اولاد مشکو با فرار کرده اند و از سواره امیر حسین شصت نفر مقتول و بیست نفر مجروح شده اند از فرار یک نوشته اند عالیجا امیر حسین و سواره ابو الجحی او درین جنگ نهایت شادت و جلالت بعل آورده اند

فارس

از فرار یک در روزنامه بندر ابوشهر نوشته بودند در ماه جماد یک فروند چهار که شکر بار داشت از بطاوییه با سه فروند کشتی دیگر که احسان سنجاری با رهنه از بمبئی وارد بندر ابوشهر کرده و بارهای خود را در بندر مزبور خالی نموده و بجای آنها اجناس باب بطاوییه از انجا با کبری کرده روانه بمبئی شده اند که از انجا بطاوییه بروند

۱۱۰۱

اخبار دول خارجه

فرانسه سیاحتی که درین روزها بشهر تولان رفته بود در خصوص
 تو رخانه کشتی سازخانه دولت فرانسه در آن شهر بسیار تعریف
 خصوصاً در نظم و پاکیزگی توخانه فرموده هزار نفر عمده درین اوقات در آنجا
 دارند که شب و روز کار می کنند که کشتیهای جنگی و اذو و وسایل
 فرودات و دکانات جنگ و سفر حاضر نمایند این ده هزار نفر عمده
 نصفشان مقصد دیوان اند که بجهت سرعت یا تقصیرت دیگر حکم مجوسی دارند
 و در عوض اینکه حبس باشند آنها را بعلی و کار و امیدارند بسیاری
 این مقصربین حکم حبس ای می دارند و بعضی نیز دوباره مقصر گردیده و بعضی
 اتفاقاً دیده اند مقصربین لباس سرخ دارند و لکن آنها که دوباره مقصر
 شده و حکم حبس دارند یک چنین قبای آنها زرد است کشتیها که
 در آنجا حاضر میگردند باین تفصیل بود یک کشتی صد و بیست توپ و چهار
 کشتی هریک نود توپ و دو کشتی هریک شصت و چهار توپ و یک کشتی
 هشتاد و دو توپ که همه جهت مقصد وسیعی عماره توپ درین کشتیها
 است
 وزیر رجبات این ولایت را امپراطور فرانسه خواست کرده است که اذن
 دویت و پنجاه میان فرانک پول آنجا که تخمیناً پنجاه کرو پول ایران
 بشود قرض نمایند امپراطور هم قبول کرده و اذن داده است
 و این پول از تجار پاریس و لندن و بعضی از شهرهای بزرگ است غیر
 قرض خواهند کرد از فرانسالی صدمان چنان توان منفعت
 درین لهاسرینج و بعضی کرمیرات ملکت فرانسه کاشته اند خصوصاً
 نزدیکی شهر برز دو و بسیار خوب بعل آید است و سال بسال زیاد
 بطوریکه بکمان دارند که چند سال دیگر ملکت فرانسه بجهت برنج محتاج
 بمالک خارجه نشود و چونکه این برنج را در جانی می کارند که گندم در آنجا
 کاشته نمی شود و زراعت دیگر نمیکردند کاشتن برنج در آنجا منفعت

۱۱۰۲

کلی بجهت اهل فرانسه خواهد کرد

در روزنامه فرانسه که ما پیشتر مینامند نوشته اند که موسیو دلاکوز از
 جانب امپراطور فرانسه مامور شده است که با بلژیکی بملکت ناپولی برود
 بقلب ایلچی کبیر
 حکم آن ملکت سگس کو تو رنج که یکی از مالک کوچک است است بسیار
 پای تحت فرانسه بیدن امپراطور فرانسه آمده بود و یکی از عمارات
 دیوانی پاریس را بجهت منزل اومیقین کرده بود و فستیک بمنزل فرود
 شد امپراطور فرانسه بیدن او رفته بود

استریه

در روزنامه این ولایت نوشته اند که اعلیحضرت امپراطور استریه
 بتاریخ ششم جمادی الاخر از پای تخت وینه بیرون رفته بود که
 بشهر موئنج پای تخت بواریه برود
 هم درین روزها ما نمائند نوشته اند که دولت استریه بنا دارند که
 میان فلارن که تخمیناً بیست کرو پول ایران میباشد بجهت اخراجات
 زیاد که درین روزها دارند قرض بکنند و منفعتی که میدهند از فرای
 صد تومان چهار تومان است و بنا دارند که این پول را در ملکت
 خودشان قرض بکنند و تدارک قشون زیاد میدهند بجهت
 سرحد میفرستادند و بنا بود و هشتم جمادی الاخر از وی آنها
 تا ما مهیا و آماده باشد

اسپانیول

در اقصای که درین ملکت است بعضی از قشون پادشاه اسپانیا
 عمل یا عیان بودند و معلوم شده است که درین اوقات بنا
 که دولت اسپانیول را بر هم بزنند و دولت اسپانیول و
 پورتو قال هر دو در زیر حکومت یک پادشاه باشد بسیاری از
 خانیان این ولایت را با محسوس با اخراج بل کرده اند از با عیان چنین

بمملکت فرانسه که رسم سرحد اولایت است که بخت اند و حاکم نور که یکی از بلوکات اسپانیول است صاحب منصب نجاک فرانسه فرستاده است که بحاکم آن طرف سرحد گفتگو نمایند و خصوصاً با عیان که با آنجا کرجتند

حرب سخته خارج نخرد و بخارج نفرستد و در مملکت بلر نیز چنین حکمی جاری کرده اند و اگر ممالک نیست نیز این حکم را داده اند

از قراریکه در روزنامه پورتو فال نوشته اند پادشاه اولایت که هنوز جوان و در صغر سن است و موافق قانون آن مملکت تا سجد شد به آنوقت مملکت را نمی تواند بکند درین اوقات بنا دارد بممالک خارج سفر و سیاحت نماید و کس تعریف و توصیف از فهم و طاعت و دکاوت پادشاه مزبور ننماید

در روزنامه اسلامبول نوشته اند که از دمشق کاغذی رسیده بود که تاریخ او سیزدهم جمادی الآخر بود و نوشته بودند که در آنجا نسبت بانولایت مرستان بسیار سخت شده بود باران زیاد و برف بسیار باریده بود و بجهت شدت بارندگی آن فصل امید داشتند که امسال حاصل از بهر قسم در آنجا فراوان بیاید

سینکی دنیای شمالی

در یکی از روزنامه های نیویارک سینکی دنیای شمالی نوشته اند که مردم آنجا که بکل شهرهای اولایت رفته و هر چه تفنگ سر باری در آنجا می بستند میخریدند و تعمیر میکردند و بشهر نیویارک میفرستادند و کسی نمیدانست که این تفنگها را بچه چه میخرند و با آنجا میفرستند بعضی مردم مکان داشتند که خلق با زمینها میخریدند که بر روند و لکن بقیه نداشتند که تفنگهای مزبور را برای چه میخرند و تعمیر نمایند چندان پیش ازین یک بار و ط خانه در اولایت تیس گرفت بعد شهرت کرد که عمده آن بار و ط خانه مشغول ساختن دو کور و فشنگ جنگی بود و سبب ساختن فشنگ جنگی نیز مخفی بود و معلوم نبود که برای چه میخرند

قافله بزرگ که از بغداد بایست بیاید هنوز نرسیده بود بجهت اینکه از راه بیرزرقه بود صاحب منصبی که از دولت فرانسه مرستان عبور شده بود که اسبهای عربی اصیل و خوش ذات بجهت الحقی دولت فرانسه بخرد و بعد در رسیده بود و مشتکی است اسب از مملکت بخردیم و سه راه خود آورده بود و از آنجا که بود که بموصل برود

احوال متفرقه

حکمران مملکت پاره کی از ممالک کوچک ابطالیامی با بتایخ بیت و بقم جمادی الآخر کشته شده است و قاتلش هنوز بیست چاکران دیوان نیافته و نتوانسته اند بگیرند و تا بحال معلوم نشده است که او را از چه سبب کشته اند

مدتی میشود که اهل انگلیس و اهل سینکی دنیای شمالی بنا دارند نهری بسازند مابین بحر محیط اطلنیک و بحر محیط معتدل که کشتی که بایند از سمت شرقی سینکی دنیای سبت غربی اولایت برود لازم نیاید که کل اولایت را دور بزنند که دو ماه بلکه سه ماه راه است چونکه خشکی مابین بحرین مزبور بیشتر از شش فرسخت است امید دارند که بتوانند نهری بزرگ بسازند که کشتی از آنجا عبور نماید و این روزها از دولت انگلیس و از دولت سینکی دنیای شمالی عهد بستن فرستاده اند که راه مزبور را ملاحظه نمایند جانی مابین بحرین و این که بیشتر از پنج فرسخت نیست و از قاعش از بحر محیط بیت و بقم فرسخت چونکه اشکالی که در ساختن نهر مزبور ملاحظه نمی شد این بود که از کوه

۱۱۰۳

بایست بگذرد حال چونکه این راه چندان ارتعاعی ندارد
 امید دارند که ساختن راه مزبور چندان مشکل نباشد و بنا
 گذاشته اند که هر کس که میسر و آسان باشد تخواه در ساختن این
 نهر بگذارد و شریک منفعت او باشد و چونکه بسبب معدن
 طلای کلی فارس که این نهر کلی از راههای عمده آنجا میشود تدریجاً
 بسیار ازین نهر خواهد شد کمان کلی دارند که نفع زیاد بر آن
 آنها که تخواه در ساختن نهر مزبور میکنند عاید بشود

از فراریکه در روزنامه لندن نوشته بودند خلیل یک
 پسر نامق پاشا وزیر تجارت که در آن ولایت سیاحت
 میکرد درین اوقات در لندن مرحوم گردیده است

از فراریکه در روزنامه های فرنگستان نوشته اند باز مردم
 زیاد از مملکت انگلیس و بعضی ممالک متوسعه بینک دنیا میروند
 در زمستان گذشته بسبب طوفان و تشویش دریا کمتر
 میرفتند و کمان داشته که در فصل بهار مردم زیاد ازین
 ممالک بولایت نیکی دنیا بروند و از همه جا در کار رفتن بودند
 بطوریکه در بعضی بلوکات مملکت ایرلند زراعت کاران کم با
 شده بودند که اغلب بولایت نیکی دنیا رفته اند بخلاف آن
 که ولایت ایرلند چنان جمعیت وافر داشت که کدزان مردم
 بصورت می شد

ولی پاشا ایچی مخصوص و وزیر مختار از جانب دولت عثمانیه تدریجاً
 پادشاهان فرانسه و بلژیک مامور شده است و در پارلمان
 جلای الاخر از پاریس پایتخت فرانسه وارد بروکسل
 پایتخت بلژیک شده و محصور پادشاه بلژیک را اعتماد نامه خود را

۱۱۰۴

از جانب اعلیحضرت سلطان پادشاه بلژیک داده بود
 و هم در روزنامه بلژیک نوشته اند که مشا را به بلژیک
 رفته بود که کارخانه های آن شهر را سیاحت و تماشا
 نماید

در بین نوشتن روزنامه از فرنگستان روزنامه مجدود رسیده
 و تاریخ آنها از پاریس پایتخت فرانسه است و جمعی
 بود و از لندن بمیت و دویم ماه مزبور و از سایر پایتختهای
 فرنگستان نیز روزنامه رسید در باب اغتشاش مملکت اسپانیا
 درین روزنامه نوشته اند که از هر طرف که باغیان باغش
 برخاسته بودند چاکران دیوان با آنها غالب آمده و نظم
 در آن ولایت گذاشته بودند تا بر او اغتشاش را فرو
 و قدری قشون نیز بسره فرانس فرستاده بودند که کدازند
 باغیان از آن سرحد بولایت فرانسه بگریزند اکثر باغیان
 بکوهستان آن ولایت فرار کرده اند و بعضی شان بولایت فرانس
 رسیده اند و در خصوص آنها که رفته اند گفتگویی مابین دو
 شده بود و چونکه دوستی و اتحاد مابین دو رئیس فرانسه تخواه
 ریاضت درین باب قریب آری خواهند داد

دیگر در روزنامه ها نوشته بودند که بتاریخ هجدهم حب
 در اسلامبول چهار ساعت از شب رفته طوفان زیاد
 شده بود اول هوا قدری ابر داشت و بعد از آن ور شد
 باد صاف شده بود و مادامیکه باد باین شدت میوزید
 هوا خیلی صاف بود و دو ساعت این شدت باد طول
 کشید بسیاری از دودکشس نجارها و پنجره و غیره از شدت
 باد شکسته بود و ضربکشتها نیز که در لکرگاه اسلامبول
 لنگر انداخته بودند ازین باد رسیده بود

در یکی از روزنامه های هند نوشته اند که در هنگام اقصاش پنج سال سابق بر این فرنگستان با عیان ولایت بعد از اسباب حرب از ایام قدیم تصرف کرده بودند و بعد از آنکه آن ولایت نظم گرفت و قانون دولتی که داشتند برقرار شد این اسباب غایب بود چونکه اسباب فربور یاد کار جنگ دوستی و سی سال پیش ازین بود منق از کمر شدن این اسباب بجایت متاسف بودند در این روزها کاغذی بزویکی از اسباب این ولایت آمده است پمهر دستخط که معلوم نیست که نوشته است و دوین کاغذ نوشته اند که اسباب فربور برقرار است و اگر دولت فرور پانصد فلارین پول آنجا که تخمینا سیصد تومان پول ایران میباشد بدید اسباب فربور کلا رد میشود ازین جهت امید دارند که اسباب فربور باز بدست پاید

در ایام جنگ در میان دول فرنگستان قاعده بود که هر کشتی از دشمنان که در روی ریامید بند تاخت و غارت مینموده و خود تجارت ازین از خود میکشیدند و کشتی تیز و دو کچک پرازتوب و تفنگ و سایر اسباب بدریا میفرستادند که کشتی دشمنان را تاخت ماسند چون این عمل قاعده جنگ دولت که هرگز در خشکی مال مردمیکه دخل بجنگ نداشتند و غارت میکنند حال بنا دارند در دریان نیز این قاعده را موقوف نمایند در این باب هم ما بین دول فرنگستان کشکونی شده است و دولت جمهوری نیکی و نیای شمالی نیز داخل این عهد نامه میشود و متحد شده اند که نگذارند اهل خودشان کشتی جنگی ساخته بروند بطرف دولتیکه با دولت دیگر جنگ داشته باشد جنگ نکنند و کشتی تجار را تاخت و غارت نمایند

در مملکت پورتو قال را خرمستان گذشته بود بطوری سرد شد بود که بسیاری از مرکبات از سرما خشکیده بودند و از آن راه که

گذران اهل آن ولایت از مرکبات است که هم در ولایت خودشان بمصرف میرود و هم زیاد تجار میفرستند گمان از آنکه خلق ازین سبب ضرر زیاد بکشند بد رخت زیتون نیز ازین سرما ضرر رسیده است

در روز سه مردم سپارتنکی بجهت کرانی آذوقه میکشند و مفیدین از بنج افشاد داشتند از جمله یک نفر که گمان میکردند که جاسوس بود در روز روشن در کوچه کشتند و قاتل آن هنوز بدست نیامده است مردم دیدند که دو نفر جوان هر دو کار دبینه اوزده و چند زخم با وزده گرفتند و این مرخله بر معلوم شده است که قشون فرانسه که در آنجا نظم نگاه میکنند برهم خوردی کلی را آنجا میشد و در این روزها چند نفر از آنجا که دولت با ایشان گمان داشتند گرفته و مجوس کرده اند و شهر مرد

از قراریکه در روزنامه استاکوم پای شمت مملکت سوید نوشته اند پادشاه آنجا حکم کرده است که پنج فوج بروند بجزیره کاتلند که روبرو آن مملکت و در دریای بالتیک و اجعتت و مشورتخانه آن ولایت قرار داده اند که دو از دوطیمان فرانک که شنیدند و کور و رود و است هزار تومان پول ایران مپساشد در تعمیر حصار و حاضر کردن قشون خرج بشود که اگر جنگی اتفاق بیفتد آن ولایت بی تدارک نباشد

اعلانات

کتاب تشریح بدن انسان از تالیفات عالیجا حکیم لولا علم علم طب و جراحی که بزبان فارسی نوشته و در دارالطب چاپ رده است فروخته میشود در مدرسه دارالفنون هر یک جلد شهرار دینار

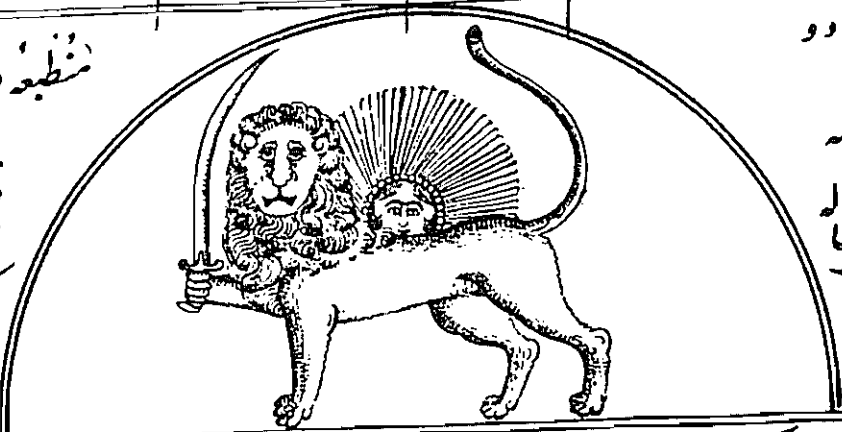
۱۱۰۵

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ پونجم بیستم ماه شعبان المعظم مطابق سال ۱۲۲۰

نمره صد و هفتاد و دو

منظومه دارالخلافه طهران

قیمت اعلانات
یک خط از چهار خط یکبار
بیشتر با هر خطی



قیمت روزنامه
یک نسخه ده بریکس
هفتاد و چهار هزار

اخبار واحسانه ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز چهارشنبه دوازدهم این ماه اعلیحضرت پادشاهی غنیمت تفرج شمیرانات فرموده بعمارت نیوران که در اوقات که ایام بهار است کمال صفا و خرمی دار و تشریف فرما گردیده و هنار را در آنجا صرف فرمودند و تا عصر در آن مکان ختم تشریف داشتند و بعد از صرف عصرانه و چای حوالی غروب آفتاب سوار شده ببارک مبارک که در آنجا مراجعت فرمودند

پای انداز از جانب جناب معظم البه تقدیم شد تا هنگام عصر اعلیحضرت پادشاهی در آنجا تشریف داشتند و وجود مبارک بسیار خوش گذشته نزدیک غروب آفتاب بارک مبارک که مراجعت فرمودند

در روز شنبه گذشته نیز اعلیحضرت پادشاهی بجزم زبارت امامزاده لازم التعظیم جناب شاهزاده عبدالعظیم دکت و تفرج آن اطراف سوار گردیدند بعد از زیارت روضه متبرکه بیابان دولت آباد تشریف فرما گردیده و چای نمودند و حوالی غروب آفتاب بمرسلت عظمی مراجعت فرمودند

علیه و صاحب منصبان نظام باستقبال مشارالیه رفته لوازم اعزاز و احترام را معمول داشتند و از جانب سنی ایچوانب ملوکانه خلعت عیدی که باقیار او رحمت و انقاد شده بود در عرض راه بخلعت همایون منحل گردید

در جمعه پنجم در روز یکشنبه نیز غنیمت تفرج شمیرانات فرموده بعمارت داوودیه بمهانی جناب جلالت مآب صدر اعظم تشریف فرما گردیدند و لوازم قربانی و پیشکش

نوشته بودند عالیجاه اسدالدخان سردنک فوج کوران و نظام و انضباط حدود زمام و حفظ و هو استوار و شوارع و نظم امور اوج ساخلوزمام کمال مراقبت و اهتمام

بطور رسانیده آنقدر از برکت و برحمت قیام مفسر
 داشته است و مراتب خدمات او مشهود و مکشوف است
 او بیای دولت علیها فادله اندک قطعه شان از مرتبه
 اول سرمنکی و یک بند جمیل سفید بافتار او رحمت کرد
 چون عالیجا سلیماخان پسر مقرب انخاقان محمد و لجان
 بیکریکی استر اباد در دفع و رفع طایفه ضاله ترکمانیک
 رشادت و جلالت خود را بطور رسانده بود و مراتب
 حسن خدمت عالیجا مشارالیه منظور نظر اولیای دولت
 علیها فادله اندک قطعه شان از مرتبه دوم سرمنکی با
 مبارک بافتار مشارالیه رحمت کردید

تسعیر جناس دار انخلاق

گندم ساوجبلای بیکخوار بیت و یک هزار ۵۰۰
 گندم غریبه بیکخوار دو تومان ۵۰۰
 روغن چهارمین نه هزار و ده سی
 برنج منبرلو چهارمین دو هزار و یک عباسی
 برنج کرده چهارمین یک هزار و نوزده شاهی
 گوشت یکمین شش عباسی
 نان بیکخوار بیت و سه هزار و پونصد
 آرد بیکخوار دو تومان و چهار هزار
 بیمه بیکخوار نه هزار
 ذغال بیکخوار بنفده هزار و پانصد
 مرغ یک قطعه ده شاهی
 تخم مرغ پازره بیضه یکعباسی
 سنج بیکخوار بیت و دو هزار

لوبیا بیکخوار سه تومان
 عدس بیکخوار بیت و پنج هزار
 ماش بیکخوار بیت و پنج هزار
 خما چارمین دو هزار و نصد
 شیره شهد چارمین یک هزار و نصد
 پسته کداحه چارمین نه هزار
 شمع یکمین دو هزار و چهار صد
 روغن چرخ یکمین شش عباسی
 پنبه شور چارمین دو هزار و عباسی
 ماست چارمین شش عباسی
 هل یکمین بیت و سه هزار
 سنجک یکمین چهار هزار و ده شاهی
 دارچینی یکمین نه هزار
 زعفران ده سیر دو تومان
 فلفل یکمین چهار هزار
 زیره یکمین دو هزار و نصد
 زرشک بیدانه یکمین دو هزار
 زرشک تبریزی یکمین چهار هزار
 قندیزدی یکمین چهار هزار و نصد
 قندارسی یکمین هشت هزار
 تنباکوی علی یکمین شانزده هزار
 تنباکوی وسط یکمین دوازده هزار
 آبجو یکمین دو هزار و پنج شاهی
 سکنجین یکمین سه هزار و ده شاهی
 سایر ولایات

۱۱۰۷

خراسان

از قرار یک در روزنامه این ولایت نوشته اند نواب مستطاب خان
والا تبار نسیریدون میزافرا نغزای مملکت خراسان زرد رود
بارض اقدس الی لآن اشظام کلی در امورات مهمه آن ولایت داده
بایک فوج افشار و دو فوج منیران یک فوج نصرت و توپخانه
و استعداد شریف فرمای آق در بند شده از آنجا سام خان لیکن
باقشون و آنه مرو نمودند

دیگر نوشته بودند که در صفحات مرو پسر از طایفه قریانی کسی تا
دولت علیه مخالفت ندارد و آنها هم در مقدمه دعوی با امیر حسین خان
برادر سام خان اینجانی که قبضل آن در روزنامه سابق نوشته شده
پساری کشته کشته و شکست فاحش از سواریه مشارالیه و افواج
و سواره مامور مرو خورده بطوری پریشان متفرق شده اند که نوشته
بودند شکست بتواند دوباره در قلعه قریانی زسیت نمایند و از آنجا
استیصال آنها یکی اینکه نوشته بودند بعد از شکست خوردن آنها که
خزوار غله بقلعه قریانی بجهت فروش میپرده اند قشون مامور خردار
شده و غله را بر گردانده بمرو برده اند و در میان قشون دولت علیه در
غله این اوقات فراوانست و سایر احشام و ایلات آن حدود کال
و اشیاء را باین دولت علیه دارند و در کال اطمینان خاطر جمعی از هم
آذوقه بار و آورده میفرشند

دیگر نوشته بودند که اجناس با کولات و غیره در ارض اقدس کمال
و فور و از این دارد و درین بجا که بارانهای متوالی با نولایت آمده است
سبب میداری صاحبان املاک در زراعت کاران شده و اگر کسی حیوانات
غله و آذوقه ذخیره داشت درین اوقات در قیبت نزل کرده است

کرمان

از قرار یک در روزنامه این ولایت نوشته اند عاچا موسی خان قاجار

که با شظام بلوچستان مامور بود بعضی قلعه جات آنجا را چنانچه در روزنامه
سابقه نوشته شده تیغ و اشظام کلی در آن صفحات داده است و از آنجا
هم و نیز مایشیر مراجعت نموده و از آنجا علی رضا سلطان اباسر بی اشیر
در فتح قلعه جات سر کرده بودند نزد امیر الامراء العظام محمد حسن خان سرور
حکمران نیر و کرمان فرستاده و در وجا و خلعت و انعام داده اند
در پیچیدم ماه رجب عاچا موسی خان باقشون بواجمعی خود وارد کرمان
کر دیده اند و امیر الامراء العظام سردار از جانب اولیای دولت علیه نیابت
الکات در حق آنها نموده است

دیگر نوشته بودند که عاچا اصمغان خان در توپخانه مبارکه که بر شاد
و جلادت موصوفت در سروریش قلعه کین خود و برادر او نهایت
بعل آوردند و برادر مشارالیه در جنگ مقتول گردید بود بعد از مراجعت
کرمان امیر الامراء العظام سردار خلعت بجهت عاچا مشارالیه فرستاده
او را بوظیف دولت علیه میدواری داده

دیگر نوشته بودند که مقرب انخاقان سردار سلطان علی خان مظفرالدوله
پسر سردار قندار که از دربار همایون معاودت بگندار نمود در کرمان
مادام توقف مشارالیه امیر الامراء العظام سردار لوازم اغاز و احترام
و ممانی و تکلفات را از او بعجل آورده و در بیت و یکم ماه رجب که بنای
حرکت از آنجا بگندار داشته است ممانداریتین نموده اند که تا
که خاک کرمانست اخراجات مشارالیه و همایان وارد داده کال احترام
در باره و بعجل پاورد

دیگر نوشته بودند که پورطبخ که امسال از زمین بیرون آمده اند بجدی
فراوانند که جمع رها یا مشغول تلاف آنها هستند مع ذلک تفاوتی نکرده
و روز بروز زیادتر میشوند و باین جهت و سبب یکسردشی ریزش سرازده است
رعایای آنجا سپار پریشان احوالند

گرماتشان

از فراری که در روزنامه گرماتشان نوشته بودند فرمان
 همایون و حمایت نشان از مرتبه اول میرنجکی که با فتحاری
 شاهزاده و الاتباعادالدوله محبت شده بود در دست
 رجب با آنجا رسید و نواب معزی الیه با عموم مالی و
 آنجا و افواج قاهره و توپخانه با استقبال از شهر بیرون
 در عمارت قلعه که درین دولت علیه در کمال صفاساخته
 حمایت نشان همایون را زین برود و شش اعتبار و
 بر اسم شکرگزاری را بعل آورده و عموم مالی آنجا بدعا
 ذات اقدس همایون شاهشاهی مبادرت نموده اند و بعد
 از صرف شربت و شیرینی نواب معزی الیه بشه
 مراجعت نموده اند

و تربیت درخت ثوت سررشته داشته باشند از کیلان
 کوچانده بزهاب نبرستند و امید دارند که اگر هتاهمی دین
 کار بشود چند سال کمزرد که منافع کلی از ابریشم کاری
 آنجا حاصل شود

عالیجاه اسدالدخان و ابراهیم پاشا که بجهت فرار ^{خانو}
 و اسورات زهاب به ارالدوله گرماتشان آمده بودند
 این روزها نواب عمادالدوله با آنها خلعت داده و محبت
 نموده اند و حسب الامر اولیای دولت قاهره در بده ^{سینه}
 کما فی سابقین خلوی زهاب بعالیجاه اسدالدخان ^{جوع}
 شده است که با یکفوج و سید سوار و توپخانه که لازم است
 در زهاب متوقف باشند

از فراری که در روزنامه آنجا نوشته اند عالیجاه پشن صاحب
 درین اوقات با توپخانه و افواجی که در زهاب مشغول ^{مشق}
 بودند از آنجا به ارالدوله مراجعت نموده اند و نواب عماد ^{الدوله}
 کمال رضامندی از شت رالیه داشته و خلعت با و داد
 و نوازش کلی کرده اند

دیگر نوشته اند که در او اخر جماع او ایل تور عوامی دارالدوله
 بدت سرد شد که چند شب آبهانچ نسبت و پرف و مگر که ^{باز}
 اگر درختها از نگرک سراسیم دیدند

گروس

در روزنامه این ولایت نیز نوشته اند که بیت روز بعد از عید ^{هوا}
 آنجا شدت سرد شده و برفی آمده بود که در همه جا بعد ^{چهار}
 برف زمین آمده بود و در یکی از دما آنجا از شدت سرما یک ^{نفر}
 با پنجاه صفت رسک و انواع که در صحرا بوده اند تلف شده اند و در
 بیت و نیم جیب نر محمد و ابا ز بقدر یک چارک برف با آنجا آمده

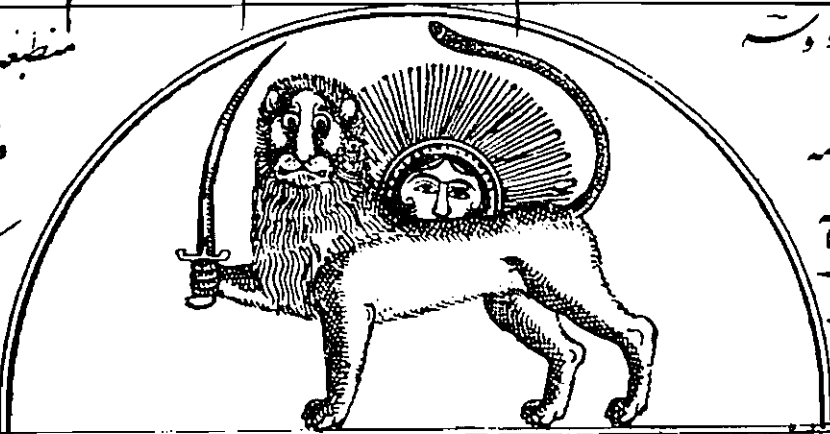
دیگر در روزنامه آنجا نوشته اند که از اتهامات نواب
 عمادالدوله آبادی زهاب تجدی رسیده است که میماند
 که قریب سی سال بود که زرع نشده بود درین اوقات کلاً
 زراعت شده است و روز بروز بیشتر آباد می میگردد
 چون نواب معزی الیه قرار کرده است که از رعیت و در ^ع
 زهاب خمس زراعات را مطالبه نمایند و غیر آن خمس ^{زراعت}
 و بکری هیچ رسم چیزی از آنها گرفته نشود باین وسط
 روز بروز آبادی آنجا در تری است و بقدر مقصد شت ^{خفا}
 زیا و ترک سکنه قدیم آنجا بوده اند با جفت کا و اواب ^{عزت}
 از خارج بوطن اصلی خود مراجعت نموده اند و از فراری که شخص ^ع
 شده است آب و زمین زهاب بسیار مستعد و قابل هر ^{نوع}
 زراعت است و محصولات آنجا بسیار ریح دارد و حسب ^{الله}
 اولیای دولت قاهره مقرر شده بود که چند خانوار که از عمل ^{بر}

۱۱۹

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم شنبه بیست و هفتم شعبان المعظم مطابق با سن ۱۲۷۰

نزد صد و هفتاد و دو

قیمت روزنامه
یک نسخه ده پیریکله
چو تومان و چهار پیریکله



منظومه دارالخلافه طهران
قیمت اعلانات
بک سطر الاجراء سطر
بیشتر بهر سطر

احبار و اخذ مالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز یکشنبه بیست و هفتم اینها علیحضرت پادشاهی
از عمارت مبارک که در کربلا تشریف برده بیایند لاله زار
نزول اجلاس فرمودند و دو سه روز در اینجا توقف فرمودند و در روز
سه شنبه بیست و نهم آباء و بیایند مقرب الخاقان حسینعلی خان معبرالما
که جای بسیار با صفا تشریف فرما گردیدند و لازم پیش و پایی اندازید و قریب
موتک تیاون بعل آید و بخانه دارالخلافه فرمودند و تا عصر در آنجا تشریف
داشتند و حوالی عصر عمارت را دیدند که متعلق بجناب جلالت صاحب
تشریف فرما گردیدند و دو شب در آنجا تشریف داشتند و در جمعه را از آنجا
نزول اجلاس بنیادوران میفرمایند

درین اوقات حکومت عراقی سلطان آباد حب الامراء سنهاون بنو اب
شاهزاده و الا تبار معینی میرزا رحمت گردید و فرمان مهران معلمان مبارک
شرفضد و یافقه از جانب سی جوانب طوکانه یکسوی جبهه زمزم پولک دویس
اعلی از بلوس بن مبارک برسم خلع بافتار نوامعنی ایبه رحمت گردید

در سه خین حکومت قرین درین اوقات بنو اب سیف المیرزا از قزاقان
رحمت گردید درین اوقات مجلس میوزر روانه میشود

اعلیحضرت پادشاهی در روز حرکت بیایند لاله زار نوامعنی شاهزاده
والا تبار و شیریز حکمران دارالخلافه طهران و توابع را بر احم طوکانه سران
و بمقتضای حکمرانی دارالخلافه سفارشات بلنج و نظم و نسق شهر و بلوکات
فرمودند که در کمال استمال مشغول حکمرانی شوند
چون منظور نظر علیحضرت پادشاهی و امنای دولت علیه اینست که از هر فرقه
و طبعی در دولت علیه کمال آسودگی و آسایش داشته باشند با و بقرابت بکنند
از جمیع جماعت نصاری عیسوی از هر فرقه که عیب دولت علیه است و چون
بجهت رسیدگی امور و انجام و انجام لشکران لازم بود که یک نفر آدم کافی
وافی بکارند که بعرض امور آنها رسیدگی کند لهذا عالیجناب مقرب الخاقان
میرزا زین العابدین ملک الکتاب که بحسن کفایت و صوفی است تعیین فرمودند
که با امور کل عیسویین عرت دولت علیه که در هر جا با رسیدگی نمود اینها
از رعایات و اجامات مصون و محروس داد و هر یک از جماعت عیسوی
ادور روز یک عرضی بخدمت اولیای دولت علیه داشته باشند
مشار البعض و حالی نمایند که در مقام خاص بعض اولیای دولت
در عهد انجام و انجام بعض عارض بر آید

مبارک
نواب شاهزاده و الا تبار حاکم سلطنته والی بن حاکمان که اجزاء بکتاب
شده بود در روز چهارشنبه بیست و هشتم شعبان وارد دارالخلافه

از جمله بنامی تازه که درین دولت علیه برافقاده است مدرس
 دارالفنون است که در ارک مبارک سلطانی حب الامهاتس عالون
 شاهشاهی برقرار و دابر شده است و خود اعلیت پادشاهی در ترویج
 تعلیم و تعلم فنون حریبه و غیره و نشر علوم در مدرسه نوبه ای تمام می کند
 در فصل با نیر یا سال عالیجا کانت قراچای صاحب منصب
 از دولت شریکه که مدتی در قشون آن دولت خدمت کرده بود و در
 هایدن آمده و نوزده نفر از شاگردان قابل با ذهن و ذکاوتش را
 سپرد و شاگردان مذکور در اندک مدت کمال قابلیت را بنظر رسانیدند
 خصوصاً در کشیدن نقشه نظامی که نقشه زمین را می کشند هم از
 روی نقشه و هم از روی هر زمین و محلی که بنظر می آورند عالیجا
 میرزا ملک سیرنگ مترجم دارالفنون درین علم کتابی ترجمه کرده است
 که بسیار خلق خواهد آمد و در ترجمه کردن کتاب مذکور کمال
 توضیح قواعد مهارت و فطانت و دانش را اهل آورده است و از استخفا
 در مدرسه مشغول پیا شد یکی عالیجا حکیم پولاک معلم علم طب
 و جراحی است که وقوف و مهارت کامل سنی و تمام نام دارد و
 اطبا و جراحان قابل ایشا گردانی که در نزد عالیجا مشاوران
 میخوانند بهم خواهند رسید کتابی نوشته است در علم تشریح
 انسانی که چند هفته است در روزنامه اعلان می شود و تا بحال
 چنین کتابی بزبان فارسی نوشته نشده است و بسیار بکار
 جراحان این دولت علیه خواهد آمد و همچنین عالیجا میوه فوکی در
 در علم و وسازی پچند نفر از شاگردان دارالفنون در سینه
 و اینهم علمی است که بسیار اهل این ولایت خواهد آمد و همچنین
 عالیجا قلوب مضره استو معلم در حرکت دادن قشون کمال مهارت
 و وقوف را دارد و افواج قاهره را در مشق و حرکت بسیار چابک
 نموده است و چند نفر شاگرد خوب تربیت کرده است که هر یک

حالا منصب اظامار و نوری دارند و همچنین عالیجا میوه فوکی
 معلم سواره نظام سواره که با وسپرده اند آنها را خوب مشق
 داده و در حرکت تعلیم شایان گرفته اند و چونکه اهل ایران در سوار
 خوب و مشهور و ورزیده هستند و اسبهاشان نیز نیک است و تعلیم
 مشهورند مشق سواره نظام را زودتر از اهل بعضی دول یاد میکنند
 و بیکر عالیجا میوه فوکی شیش معلم علم توپخانه در مشق توپچیان بر
 سعی و اهتمامات خود را معمول داشته و سعی و اهتمامش را
 مفید فایده خوشبخت است که توپخانه مبارک در مشق و حرکت
 تیراندازی کمال چابکی را بهرسانده اند و خود اعلی حضرت پادشاهی
 زیاده مایل بانظام توپخانه مبارک میباشد و بیکر عالیجا میوه
 فوکی مهندس که در یکی از مدارس مشهور پاریس پای تخت فرانسه
 که موسوم بکدر عقالی پالی تکنیک است بزرگ و تربیت شده و بعد از
 در مغرب زمین در قشون فرانسه خدمت کرده است در پایه گذار شده
 دار اخلافا آمد و از آنوقت در علم مهندسی در دارالفنون درس میدهد
 و سعی و کوشش تمام می کند درین روزها فوج مهندسین را جابجا خواهد
 موسیو چارلوظا صاحب منصب مهندسیان در نستان گذار شده
 فوت شد اما بجای او صاحب منصب دیگر از وینه پای تخت
 استریت خواهد آمد و چونکه کل اعمال دارالفنون مشهور نظر اقدس عالیجا
 شاهشاهی و اولیای دولت قاهره است در اندک مدت ترقیات کلی
 بهر یک از تعلیم حاصل شده بحد کمال خواهند رسید
 درین روزها پنج نفر و زده که مصد سرفقت شده بودند آنها را گرفتند
 نیزه نواب مستطاب هزاره و الا تبار و شبر میرزا حکم آن
 دار اخلافا طه ان و توابع آوردند و حسب حکم نواب مغزی الیه تمیبه
 و بیات کامل کردیدند که عبرت سایرین بشود
 سایر ولایات

سایر ولایات

اصفهان

از قراریکه در روزنامه اصفهان نوشته بودند عالیجاه چراغعلیان
 نایب الحکومه اصفهان در نظم امور رعیت و زراعات بلوکات و توفیق
 از سق غله و صیفی کمال اهتمام دارد و دقیقه غافل نیست که خدایان
 ریش میدان بلوک را در حضور ضابطه با بنجاده بسته حاضر نماید
 و در امور جزئی و کلی صیفی کاری قرار خالصه و اربابی را میدید که
 پلغ مینماید که از امور زراعت و جمع آوری رعیت تغافل نمیند و در
 هر قریه از قرار خالصه که در سنه ماضیه بسبب ناخوشی رعیت آنجا فوت
 شده است و امر زراعت آنجا اختلالی داشته رعیت آنجا را مشخص
 بقدر ضرورت مساعد داده است که با اطلاع ضابطه و کد خدایان
 عاید رعایا شده در کمال دلگرمی مشغول امر رعیتی و زراعت خود باشند و
 آنچه بذری صیفی باید در اختیار خالصه زراعت شود مطابق دستور العمل
 بروز بدست رعیت بدهند که مزرع نمایند و بجهت بازو صیفی کاری
 و غله کاری چند نفر مستحق صاحب و قوف پیغرض در هر جا که لازم
 بود دست روان نموده که معلوم شود و قرار و سوار عمل انجام میدهد

و همچنین رتقیه مادیهای بلوکات و قنوات آنجا کمال اهتمام دارد که بکله
 صیفی کاری زیاد بشود و تلفاتی ضراشمارا بشجاری را که سرمازده است
 بکند

از قراریکه نوشته بودند چندی قبل ازین در عرض راه و حوالی فرغانه
 از شخص نیردی بسرقت برده بودند صاحب مال بر مال را بفرغانه برده
 مینوده است کنجی خان ساکن فرغانه از اندیشه اینکه با ادراتت بعلاج
 چراغعلیان نایب الحکومه برسد و مواخذ نماید برادرزاده خود را نزد حاج
 سید محمد برقوی فرستاده قرار غرامت مال را با صاحب مال مبلغ پانصد
 تومان گذارده بود که سیصد تومان را نقد بدهد و ویت تومان
 در مدت دو ماه جنب از تجا قرض کرده برساند بنیواسطه کمال امینند

بجهت صاحب مال امانی اصفهان حاصل شده است

غلام سیاهی از شهدی آقای نایب فرانشانه مبارک فرار کرده بود
 مراتب را بعالیجاه چراغعلیان معلوم داشته از کد خدایان دروغ
 اثرام گرفت که او را پسدا نماید بعد معلوم شد که در راه فارس او را
 بودند عالیجاه مشارالیه بخیف غلام روانه دشت رفته و اگر که بان غلام
 دیگر که او را فریب داده بود با اصفهان آورد و بود عالیجاه مشارالیه
 قینیه کامل از بر دو بعیل آورد و بصاحبانش تسلیم کرده بود

کرمان

از قراریکه در روزنامه کرمان نوشته بودند امر آنحد و در نهایت نظم
 و انضباط را دارد و امیرالامرا العظام محمد حسن خان سردار مکران نیرد و کرمان
 در تحصیل اسباب آسودگی مالی آنجا کمال اهتمام دارد از قراریکه نوشته بود
 این اوقات کندم آنجا نسبت بسابق و فوری نداشته جماعت خزان
 و کاکین خود را بسته بودند مقرب آنجا قان مشارالیه بعد از اطلاع بر این معنی
 جماعت خزان را خواسته از سبب بستن و کاکین خود استغنا کرده بودند
 چون جماعت خزان مذکور داشته بودند که کندم قدری گشت چنان
 خوار کندم از انبار پرور آورد و بخزان داده بودند که و کاکین خود
 که بسته بودند باز کرده مشغول فروختن نان شوند و بدو هم آنجا بگذرد

از قراریکه نوشته بودند عالیجاه میرزا شیخ مستوفی کرمان همه روز در
 آنجا مشغول رسیدگی بحساب ضابطه است کسانیکه سال گذشته بار رعیت
 حسن سلوک داشته خوب حرکت کرده بودند و از آنجا تعدی بر رعیت
 نشده بود امسال هم آنجا را ضابطه بلوکات کرده اند

سر بار و کوز لوجه روز در میدان مشق حاضر شده در نهایت
 نظم و انضباط و خوبی مشغول مشق هستند و با امانی ولایت بهم کمال
 حسن سلوک را دارند

اخبار دول خارج

فرانسه
از قرار روزنامه این ولایت که در دویم ماه جیب نوشته بود
پرنس مورس که یکی از اقوام لویی ناپلیان امپراطور فرانسه است
درین اوقات عروسی نموده است و خود اعلیحضرت امپراطور
با کل اقوام خود در آن عروسی بوده اند و اس و تجل و زینت
در عروسی مزبور برپا نموده بودند

دگر از قرار یک در روزنامه فرانسه نوشته اند دولت عثمانیه
بنیاد اند ستجوابی از دول فرنگستان فرض نمایند و ستجوابی که
میخواهند فرض بکنند قرار نفع و وعده ستخواه را در شهرهای
پاریس و لندن گذاشته اند و از بابت این ستخواه اعلیحضرت
امپراطور فرانسه حکم کرده است که ده مینان فرانک که در
تومان بحساب پول ایران است از خزانه فرانسه نقد به دولت
بدهند و این پول با انتفاع است و بنا گذاشته اند که از
پولی که دولت عثمانیه از تجار فرنگستان فرض می کنند
پول رپس بدهند

دگر در روزنامه این مملکت که مابینه میانم نوشته اند بیات هشتم
رجب که چند روز شهرت داشت که دولت فرانسه بنا دارد که
صد هزار قشون جدید بکیر و حال معلوم شده است که صد هزار
نفر قشون جدید ستخواهند گرفت در این مملکت سه سال قاعده دارند
که کل اشخاص در مملکت مزبور که اگر لازم باشد باید سرباز بشوند
حساب می کنند و در وقت ضرورت خبر می کنند که آمده در
قشون بشوند از اشخاص مزبور که در سال گذشته اسامی آنها
نوشته بوده اند شصت هزار کس خبر کرده اند که حاضر گردیدند
و اخل قشون بشوند

احوال متفرقه

چنانچه در روزنامه دو هفته پیش نوشته شده بود حکمران
مملکت پرتگال که یکی از ممالک کوچک ایتالیا می باشد درین اوقات
کشته گشته است شخصی در روز روشن کار و شکم او زده و
کرده بود تا بحال این شخص بدست نیامده و ندانند که کشت
این حرکت را کرده است حکمران مزبور از سلسله برابان بود که از
پادشاهان قدیم فرانسه بودند و از اولاد لوی چهاردهم پادشاه
مملکت پرتگال سی و یک سال از عمر او گذشته بود و چهار طفل دارد
و دو پسر و دو دختر و پسر بزرگ او وارث اوست و مادام که در
صغر سن است و والدش دکیل اوست که معات دولتی را برین
وقت نماید و پسر مزبور سن هشت ساله است و حکمرانی این شخص
شده است چندان مدتی طول کشید در ایام عثمانی خجبال
پیش ازین فرنگستان درین مملکت کوچک نیز با عیگری و
شده بود در آنوقت حکمران مملکت مزبور از حکومت خود استعفا
بود و پیرش که درین اوقات کشته شده بجای او حکمرانی میکرد
در عهدنامه وین نیز بعد از جنگ ناپلیان بزرگ که وکلای
در آنجا جمع شده عهدنامه بستند این مملکت کوچک را بزین
ناپلیان و اگزار کردند که مالیات آنجا عوض مخارج او برقرار
و مادام الحیوة حکمران آنجا باشد و موافق این قرار چند حکمرانی
این ولایت باشد را ایها بود بعد از فوت او باز موافق عهدنامه
ولایت مزبور را بحافی السابق با اولاد پادشاهان قدیم فرانسه
و اگزار کردند

در روزنامه اسلامبول نوشته اند که ایچی کبیر از دولت
که مقیم اسلامبول است بتاریخ دو شبته بیت و ششم ماه
که در روز عروسی اعلیحضرت امپراطور بود مهمانی سنگین در اسلامبول

نموده بود بسیاری از اعیان دولت علیه عثمانیه و کل
الچیمان دول خارج درین وقت حضور داشتند

موافق حسابی که در روزنامه های فنکستان نوشته اند گشته است
که از دولت انگلیس و فرانسه و نیکی دنیای شمالی و ریشیات در
اطراف آن مملکت مشغول بای گیری میباشد باین تفصیل اند
انگلیس سه هزار و هفتاد و پنج کشتی و از نیکی دنیای
سه هزار و یکصد و شصت کشتی و از فرانسه پانصد و شصت کشتی
بمبای گیری مشغول اند و سخاوی که اهل این سه دولت درین
سیلانات مایه گذاشته اند اهل نیکی دنیای شمالی شانزده
هزار و سیصد و شصت و هزار و پانزده دالار و انگلیس هفتاد و
چهارصد هزار و صد و هفتاد و پنج دالار و فرانسه دو هزار و
دویست و پنجاه و پنج هزار دالار است و قیمت مایه که اهل این
سه دولت در سال گذشته فروخته اند باین تفصیل است
اهل نیکی دنیای شمالی شصت و شش هزار و سیصد و سی و دالار
و انگلیس هفتاد و سه هزار و دویست و سیصد و سی و دالار
سیصد و چهل هزار دالار و بر داری تخمینا چهار هزار و پانصد

دینار پول ایران است

در روزنامه نیکی دنیای شمالی نوشته اند که در مملکت
که جزو ممالک نیکی دنیای شمالی میباشد انقدر راه آهن سخته برده
کال که بنجارساخته اند که قدغن شده است درین روزها دیگر
راه آهن درست نکنند بجهت ایند سخاوی که دران ولایت
دارند بهن قدر میشود که کفایت تمام کردن راههای مزبور را

ناید

در روزنامه انگلیس نوشته اند که سیر جیمز و آلی که مدتی حکیم با
اعلیحضرت امپراطور روسیه بود درین روزها فوت شده است

شصت چهار سال بان دولت خدمت کرده بود اول خدمت
حکیم فرج بود بعد از آن حکیم خود امپراطور چاول شده بود و

همراه امپراطور فرزند پورسنگو و غازان کرده بود و بعد از
حکیم باشی امپراطور الکندر شده بود و در مسکام و قاش
منصب وزارت داشت و صاحب منصب چندین نشان
روس و استریه و نشان لژیون دانه از دولت فرانسه
و منصب بر وقت از پادشاه انگلیس نیز داشت صاحب
اموال بسیار بود چون واریتی نداشت در روزنامه
که امپراطور روسیه را وصی خود کرده است

امیر آل روسین که یکی از سرداران مشهور قشون سحری
فرانسه بود درین روزها فوت شده است و هفتاد و
سال عمر کرده بود در سن دوازده سالگی اول خدمت
در روی کشتی و در بیس الکی در کشتی منصب یکزادگی رسید
در جنگها که در آن ایام مابین انگلیس و فرانسه بود نیز شاد
کرده بود و خصوصاً در دریای هندوستان و یک قتی هم
در جنگ دستیکه انگلیسها شد و خود انگلیسها تصدیق از شاد
و جلالت صاحب منصب مزبور کرده بودند و از آن وقت تا

آخر عمرش دایم الاوقات مشغول خدمات عمده بود و
از شانهها که از دولت داشت از جمله خوانین مملکت فرانسه
از جمله اجنابری که از مملکت انگلیس نوشته اند این است که بعضی
از قشون که در جزایر هند غربی دارند درین روزها حکم کرده
که مملکت انگلیس اجبت نمایند و از قراریکه نوشته اند که بادران

سستها چندان قشون لازمند باشد

از قراریکه در روزنامه جدید اخبار نوشته اند در آنی
 قیلوزو فورم نام اطبا و جراحان فرنگستان از اجزائی چند
 ترتیب داده اند بجهت کسانی که در جنگها زخم میشوند یا مرض
 شقاق و سوس و امثال آن مبتلا میگرددند و در وقتی که میخواهند عضوی
 که لازم است ببرد این دو را بدم و مانع آن شخص میگرددند
 استقامت چنان مدهوش می شود که هیچ المی از بریدن آن عضو
 با و نمیرسد اما تا بحال که اطبا و جراحان این عمل را میکردند
 گاهی اتفاق می افتاد که آن شخص مجروح از استقامت این دو
 چنان بجزو میشد که در همان مدهوشی در میگذشت و استعمال
 این دو را بلاخط شدت و ضعف قوه و بنیه مریض و مجروح احتیاط
 تمام داشت و اطبا باین ملاحظه ازین دو اصراف نظر کرده بودند
 و استعمال او را منع میکردند تا درین اوقات شخصی مشغول
 ویه لا بار نام طبیب فرانسه که بجدت موصوف است تصریحی
 تازه در این دو را کرده است که استقامت آن بجهت کسانی که تا
 عضوی از آنها بریده شود لازم نیست که تشویش هلاکت آن
 اشخاص محتمل باشد بلکه هر عضو را که میخواهند ببرند ازین دو
 قدر بکار آن عضو سیر بزنند و آن عضو چنان بی حس میگردد
 که مجروح از بریدن آن متالم نمیکردد و چند نفر مجروح را تا بحال
 باینطور امتحان کرده اند

آتش باد باروت آتش گرفته و دزدان منور را بفرای
 عمل خودشان رساند هفت نفر آنها فی الفور آتش گرفته
 و هلاک شده اند و دو نفر دیگر نیز نیم سوخته و قرب الموت
 بوده اند

و دیگر نوشته بودند که در پنجم ماه جمادی الثانی در هوجبیک
 طوفانی شدید ظهور کرده بود بطوریکه ارگشتهها که در لکرگاه
 آنجا بوده اند پهل پناه کشتی کابین خرابی و سکتی روی
 داده و سه کشتی بالمره از ضرب امواج سگشته و غرق
 گردیده است

و دیگر نوشته اند که درین اوقات عباس شاه حکمران مملکت
 پنجاه و چهار نفر از جوانان و کسان قابل با استعداد و بجهت
 تحصیل علم طب و بر قنون پاریس پای تحت فرانسه
 روانه کرده است که در آنجا تحصیل نمایند

اعلانات

کتاب تشریح بدن انسان از تالیفات عالیجاه حکیم پولا
 معلم علم طب و جراحی که بزبان فارسی نوشته و چاپ شده است
 در مدرسه دارالقون فروخته می شود یک جلد ششزار سه
 کتابهای چاپی که در کارخانه حاجی عبدالمجید باسپی در نزدیکی
 دروازه دولاب الطباع شده از اینقرار فروخته میشود

نظم نظامی	بیت و پنجاه	۱۰۰
سر ابر	دو تومان	۱۰۰
زبدۃ المعارف	دو تومان	۱۰۰
معراج العباد	یک تومان	۱۰۰
صدقه شیعیه	هشت هزار	۱۰۰
پانزده هزار		۱۰۰

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم چهارم شهر رمضان المبارک مطابق سیال یوم میل ۱۲۷۰

نمره صد و هفتاد و چهار

منطقه دارالخلافه طهران

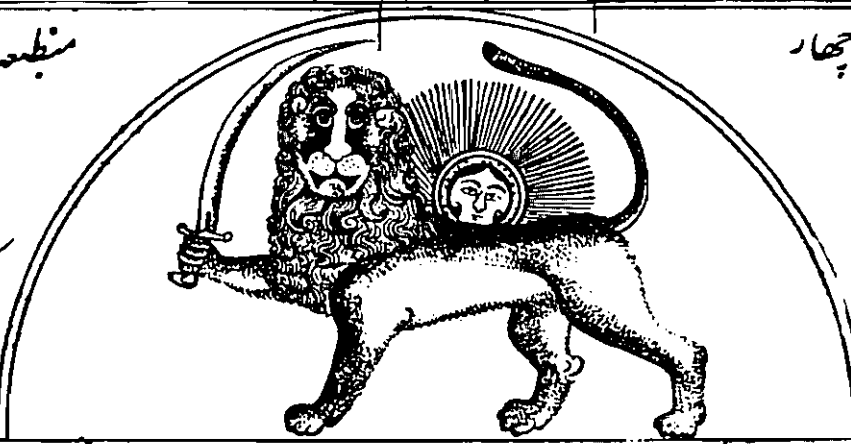
قیمت روزنامه

قیمت اعلانات

یک نسخه و سه پیریکه

یک سطر از چهار سطر یکبار و دو سطر
بیشتر با هر سطر پنج خط

هفتاد و چهار



اخبار و احادیث ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

چنانچه در روزنامه منقده گذشته نوشته شد اعلیحضرت پادشاهی
چند روز در او دیده که متعلق بجناب جلالت ماب صدر اعظم
تشریف داشتند در روز جمعه بیت هشتم ماه شعبان
از انجا بعبارت نیاوران نزول اجال فرمودند

در روز یکشنبه سلخ ماه شعبان اعلیحضرت پادشاهی عتبت
گشت و تفریح شیرازات فرموده بعد از ظهر از عمارت شاهنشاهی
سوار شدند و آن اطراف را تفریح و سباحت فرموده و چون
غروب آفتاب بعبارت نیاوران مراجعت نمودند

نظر بطور خدمات امیر الامرا العظام سردار کل و دو فوریت
کامله خسروانی در حق او در روز شنبه بیت ونهم ماه شعبان
اعلیحضرت شاهنشاهی یکثوب قبای زمره نظامی از لبوس بدن مبارک
با و مرحمت فرمودند

چون امیر الامرا العظام محمد حسن خان سردار حکم ان یزد و کرمان
در خدمات انصفیات خاصه و تصرف و نسیخه قلچات بلو
و انظام معایر و لک ان سبب خدمات خود را اظهار ساخته
لذا موازی یکثوب قبای زمره نظامی از لبوس بدن مبارک و یک
قطعه

مکل که مکل بالباس از جانب سنی بجا بستن هایدون در حق او
مرحمت کردید

نظر بطور خدمات عالیجاه مقرب انخاقان مصلحی خان
اعلیحضرت آقدس هایدون شاهنشاهی موازی یک ثوب کلبچه از
لبوس بدن مبارک در حق و خلعت مرحمت فرمودند

چون مقرب انخاقان حاجی علیخان حاجب الدوله در تعمیر عمارت
نیاوران کمال اهتمام نموده مطبوع خاطر خیر اعلیحضرت شاهنشاهی
شده بود لذا موازی یک ثوب کلبچه از لبوس بدن مبارک
خلعت با و مرحمت کردید

چون مراتب اتمات عالیجاه مقرب انخاقان میرزا رحیم محمد
و محصل کل محاسبات در اتمام کتابچه ای دستور العمل دلا یا
مشود و لمحوظ خاطر آقدس هایدون شاهنشاهی گردید و جناب
جلالت ماب صدر اعظم نیز در حضور مبارک زیاده اظهار خیرات

از سعی و اهتمام مشار الیه در کزداندن محاسبات و انجام
خدمات دیوانی نمودند لذا حسن نسیگذاری او مستحسن و مطبوع
خاطر ملوکانه افتاده بسبب دوست تو مان تقدیر بصیغه انعام و
موازی یک ثوب جبه خوب ممتاز برسم خلعت در حق او مرحمت فرمودند

۱۱۱۶

منوده اند لهذا درین روزنامه نوشته میشود

و اپوسر کار میستی بار و اما روز ترک بمبئی را می کند
چهارم رفته پنج خلیج فارس از برای آوردن باره اخبارات
از اخبارات خود خلیج فارس با نزدیک بانجامیر از حیث
قنول دولت علیه ایران که مقیم این بندر بود حضرت شاه
حاصل نموده است از اولیای دولت خود بجهت مرهبت برطن
مالوف خود و فرصت حبه در چین و اوردن روانه است در

بودن جناب ایشان در میان ما رفتار کرد و در سلوک
و معقولانه او او را محبوب جمیع ما نمود و امید داریم که تا
ایام مسافرت او طول کشیده و بزودی بمقام مورث خود
مرحمت نماید بعضی اشخاص را حیف و صاحب عداوت خوان
قنول منور را در چنین وقتی حل بر باره امورات نرا عمیه
منوده اند لکن ما مطالعه کنندگان این روزنامه و عامه
الطنان و خاطر جمعی تمام میستوانیم داد که حرکت جناب ایشان
از بمبئی بجهت انتظام امورات شخصی خود ایشان است و میرزا
صادق نام منشی کارپرداز خانه در غیاب ایشان مشغول انجام
امور کارپردازی خواهد بود

سایر ولایات

آذربایجان از نیولایت اخباری تازه نرسیده است
که در روزنامه نوشته شود

اصفهان

از قریب که در روزنامه اصفهان نوشته بود نذا سال در
سجده شدت سرمای بی وقت جمیع باغات و اشجار آنجا را سز
زده که از خیز انتفاع افتاده بود علاوه بر آن این اوقات سین
بسیار هم رسیده که اغلب از محصول وزراعات آنجا تلف

مقرب الخاقان محمد رحیم خان نسچی باشی بحکومت خاوند سرافراز
گردید و یوم شنبه بیست و دویم ماه شعبان از دربارهای
مرخصی حاصل کرده روانه خواهد شد که چهارم پنج ماه در آنجا
و امر انولایت را انتظامی داده نایب از جانب خود در آنجا
تعیین نماید و خود بر کاب مبارک معاودت نموده در دست
خود باشد

عالیجاه مقرب الحضرة العلیه میرزا حسین خان کارپرداز
علیه ایران مقیم بند بمبئی که حسب الاستدعای خود احضار
بدر آنجا نموده و میرزا صادق کاشی منشی اول خود را بمبئی
امور کارپردازی گذارده و خود عازم دربارهایون شده
در روز یکشنبه شانزدهم شهر شعبان که وارد آنجا شد
حسب الامرائی دولت علیه عالیجاه مقرب الحضرة العلیه میرزا
عبد الوهاب نایب دویم وزارت دول خارجه با عالیجاهان
باشخان سرینک مد یعلینخان و ترانجان نایبان خود
و بعضی دیگر از نوکران دیوانی و جمعی از غلام و غنمه با استقبال
عالیجاه پشرا لیه رفقه لازم اغراز و احترام معمول داشته
و او را با اسبان بدکی و سواری وارد و از آنجا فرمودند
اول ورود و بقرار رسم دولت بمنزل جناب مقرب الخاقان
میرزا سعید خان وزیر دول خارجه آمده از آنجا با اتفاق حد
جناب جلالت تاب صدر اعظم مشرف شده و جناب معظّم
کمال القات و اظهار رضامندی و خوشنودی از خدمات
مشار الیه فرمودند

ترجمه روزنامه مکران که در بمبئی چاپه چون در روزنامه
اظهار رضامندی زیاد از حسن سلوک عالیجاه میرزا حسین خان

ساخته است و از اینجهت امر آنجا کمال پشانی دارد

خراسان

از قراریکه در روزنامه اینولایت نوشته بودند اردوی
 نواب مستطاب هرازه و الاتبافزیدون میرزا فرمانفرما
 مملکت خراسان در آق در بنداست و چادرهای ترکمانان
 خرس نشین در دو فرسخی اردو واقع است چون بعضی از
 آنجانی بجهت حشمتی داشته اند ریش سفیدان طایفه مزبور
 انبار اطمینان داده اند که مارعایا و خدمتگذار این دولت
 علیهمستیم و مطلقا تسویس نکرده از جای خود حرکت نکنید
 بعد از اطمینان دادن به شام مزبور ریش سفیدان خدمت
 نواب هرازه فرمانفرما امن اند و نواب مغزی الیه نیز آنها
 بهو اطف این دولت قوی گنت علیهمید و اینگونه کمال تقاضا
 در حق آنها مبذول داشته است و ریش سفیدان هم
 کرده اند که سایر ترکمانان خرس نشین را هم بخدمت نواب
 معزی الیه آورده بلوازم اطاعت و انقیاد و ایلیت و چاکر
 این دولت علیهم اقدام نمایند

۱۱۱۸

دیگر نوشته اند که دولت بارفورخانه که از دارالخلافه مبارک
 بخراسان فرستاده شده بود در غره شهر شعبان قورخان
 مزبور وارد ارض اقدس گردیده است

و همچنین مبلغ ده هزار تومان وجه نقد که مصحوب لشکر اران
 پادشاهی از دارالخلافه بخراسان اعفاد شده بود هم در آن اوقات
 وارد ارض اقدس گردیده و تنخواه رسانده اند

دیگر نوشته اند که مقرب انخاقان میرزا فضل الله وزیر نظام و
 متولی باشی و پیشکار خراسان در انتظام امر آنولایت و موقوفات
 حضرت فیض آثار کمال اهتمام را معمول دارد و بعراض رعایا

به وقت تمام رسیدگی می نماید و عموم انالی آنجا سببه احتیاج حق
 و رفع احمقافات مقرب انخاقان مشا رالیه نهایت رضایت
 و شکر گذاری این دولت علیه دارند از جمله رعایای طایفه
 بزرگی که از اگراد میباشند سابقا مباشر آنها بانها زیاد و کمی کرده
 بوده است درین اوقات نیز مقرب انخاقان مشا رالیه آنرا
 از دست مباشر خود عارض شده اند یکی از ارباب تجار
 مقرر داشته است که بحساب جزو عمل آنها رسیه کی نماید
 بعد از رسیدگی معلوم شده است که مباشر مزبور بقدر صد و
 تومان زیاده تفری بانها کرده است رعایا عرض کرده اند که منظور
 ما این بود که بحال رعایای خراسان اطلاعی بهم رسانند و این
 تنخواه را پیشکش دیوان اعلی می کنیم مقرب انخاقان مشا رالیه
 در جواب آنها گفته است که دیوان اعلی احتیاج باین پیشکش ندارد
 و منم از عواطف این دولت علیه چشم باین منفعتها ندارم
 مبلغ مزبور را از آن مباشر حکم کرده است گرفته آورده اند
 موافق فرد حساب از هر یک از رعایا چه گرفته بوده است بانها
 رد نموده و رعایای مزبور از اینمغنی زیاد کرده عا کوی دولت علیهم
 دیگر نوشته بودند که در صحن مبارک ضمیمه اطراف خیابان بعضی اوطاق
 و اشرا و کاکین کسوده و سکنی گرفته مرکب قمار بازی و خلاف شرع
 دیگر میشده اند مقرب انخاقان مشا رالیه دکاکین مزبور را بجای کوبیده
 داخل خیابان کرده است و اشخاصی را که مرکب اعمال ناشایست و
 سرقت و غیره می شده اند تمهیهات کامل نموده و این اوقات
 مطلقا کسی از زدی و قمار بازی و غیره برده نمی شود
 و هر کس مرکب خلاف شرعی بشود گرفته نیز داومی آورده و
 بزمی شود و باین سبب کسبه و معجزه که گرفتار تپاول اشرا
 بودند کمال آسودگی و رفاه را دارند

دیگر نوشته اند که در صحن عتیق روضه ضویه علیه الاف شمس
و النجده چون ایوان طلا سالها بود که جلاد داده شده بود و درین
اوقات مقرب الخاقان شاربیه آدم گذاشته منجین و اسباب
ساخته مشول پاک کردن و جلادادن طلای ایوان بر بورد
و پنجمین بعضی موقوفات سرکار فیض آمار که در تصرف خدام
بود و وجوهات آنرا بصارف خود میرسانند از بد آنها اتراغ
و قرار داده است که وجوهات آنها صرف تعمیرات و مخارج محکمات
و غیره خود سرکار فیض آمار بشود و از حق التولیه که از قدیم قرار بوده است
بتولی باشی از موقوفات حضرت میرسیده است قرار گذاشته است

که حکام و بازاری برای حضرت ساخته شود و خود دخل و تصرف
نمزد است از خط و در رب صحن عتیق زباطی خواب مشهور است
که از موقوفات سرکار فیض آمار و در تصرف اولاد متولی باشد
قدیم بود و وزیر و رست خرابی یافته تا این اوقات کجایی
علیه آبادی افتاده بود و با طم زبور از تصرف آنها اتراغ نمود
و قرار گذاشته است که خراب نموده و کاکین بازند که اجارا
بصارف سرکار فیض آمار برسد

کرمان

از قرار یک در روزنامه این ولایت نوشته اند امیرالاعظم
محمد سخنان سردار حکمران یزد و کرمان در انتظام امور سرحدات
و دونه جات و فرادینها اهتمام کامل معمول داشته و اول
و سردین از هر طرف در کمال اطمینان و خاطر جمعی عموماً
قافله فارس و قافله بندر عباس درین روزها از راه بلوچ
سیرجان وارد گردیده اند

دیگر نوشته اند که این اوقات در بلده و بلوکات کرمان پناه آبادی
روز سوزانده بود امیرالاعظم سردار حکم کرد و جار کشیدند

که هرگز پناه آباد دارد بفرانجان برده صاحبقران سکه نماید
چون باز رسم فایده نموده و مردم پناه آباد بفرانجان نمی برود
حکم شد که پناه آباد که چهل و چهار عدد دیکتومان است بخواهد
بیک تومان رواج باشد باین ملاحظه هرگز پناه آباد
بفرانجان برده صاحبقران سکه کرد و چون پول کرمان در آن
و پناه آباد بود حکم کردند که نیم قران و ربع قران نیز سکه
که پناه آباد طلب دیگر داد و ستد نشود و کمان است که پناه آباد
بجلی از میان مردم برداشته شود

اجبار دول خارج

انگلیس در شهر لندن از قدیم قاعده دارند که مالیات و اجرات
خود شهر در دست حاکم و چند نفر از اعیان است و جمع و خرج این
مالیات دخلی بدیوان ندارد و این قاعده موافق فرمان ایام قدیم است
که از پادشاهان سابق انگلیس دارند و حاکم شهر از خود اعیان شهر که از
صنعت تجارت و کسبند رضای اهل شهر هر سال برقرار میشود از آن پادشاه
حکومت اورا ممضی میدارد اعیان شهر لندن اطلاق زیاد دارند و چون
لرک از بعضی چیزها میگیرند از خط از فعال سکی و توجیحات بازارها
و غیره جمع زیاد و بعد چند کرورد دارند و درین روزها اهل شهر از
اعیان خودشان کله دارند و بدیوان عرض کرده اند که در خصوص
عمل ایشان تحقیق شود و درین روزها در مشورتخانه پادشاه تخمین این
مطلب شده است و معلوم می شود که در بعضی چیزها اجراجات یا
میکنند خصوصاً در مهمانیها که چنین اوضاع و احوال سکنین بر پا
نمایند که گویا کمتر از خوانین یا سلاطین روی زمین اینطور است
داشته باشند از جمله ساسی که حسب فرمان پادشاهان قدیم دارند
این است که یک فوج سبزه و یک فوج سواره نظام و توپخانه نگاه
میدارند و این غیر از نظام ضبطیه است که بجهت نظم شهر برقرار است

۱۱۱۹

باشد میگرد و حرف خلق این است که این اخراجات لازم نیست
 و بهترین است که این پول را در قمبر شهر با عتن نهد و راهبها
 و سایر اخراجات لازمه که خیر عام در آن است خرج بشود در سیر این
 مطلب در روزنامه لندن که مکتوبی باشد است و کوبا قواری درین
 خصوص خواهد شد و لکن مشکل اینست که این تسلط که در دست اعیان
 شهر لندن است موافق فرمان پادشاهان سابق انگلیس است که بر
 او قدری اشکال دارد

در خصوص سیاهبها که اول غلام کنیز بودند و جزایر هند العری
 که چند سال پیش ازین جب انگلیم دولت متشاور کرد و
 پول بصاحبان آنها داده و آنها را آزاد کردند در روزنامه
 این اوقات لندن باین طور نوشته اند که در هنگامی که این غلام و
 کنیز را آزاد میکردند مردم خیال میکردند که بسیار عمل خیر و منفعت
 کل خلق است زیرا که چنین هستند که غلام و کنیز سیاه آن مملکت
 بعد از آنکه آزاد شدند مثل رعایای سایر جایهای روی زمین
 شغل عیسی میشوند و کز آن خود را از مرعستی درمی آورند حال
 در بعضی جهات دیدند که اینطور شده است هوای انولایب بطور
 که این سیاهها چندان رحمت لازم ندارند خویشان از میوه
 جنگلی واهی فراوان بدستان میرسد درین صورت اقدام
 بر عیسی و عمل کی نمیکنند و سیاههای مغرب زمین بالذات
 تامل اند و برضای خوشان کاری نمیکنند ازین دلیل بسیار
 از سیاههای آن جزیره که سابقا غلام و کنیز بودند حال
 در کوهستان و جنگلهای آن مملکت بی کار مانند آدم و حی میگرد
 و اطاک مردم سم در آن جزیره که از قدیم زراعت آنها کلاً
 غلام و کنیز بود و شکر و قهوه و پنجه و چندین حاصل دیگر فراوان
 بهمی آوردند از زراعت افتاده و منزل زیاد کرده است و

بجمله طلاج این ضرر از بند و چین فعلها آورده اند چونکه اینها
 کارکن با غیرت مستند خصوصاً این چین فی بحره تلافی آن
 ضرر را کرده و فرق جزئی بجهت صاحبان اطاک در آن مملکت
 کرده است و لکن باز بسببها که پیش نوشته شده است اطاک
 آنجا رو بتزل است

فراش

درستان که نشسته در شهر پاریس شکل مرشلی را که یکی از سرکار
 ناپلیان بود از سنگ تراشیده و در میدان باصفائی گذاشته
 و کل رزالمها و صاحب مضبان و خوانین عمده در میدان
 مزبور حاضر شده اند

شهر پاریس چونکه بسیار باصفا و نخل عیس است عمر با از خان
 بسیار با نجا میروند بطوریکه بعضی اوقات منزل بسیار گران
 میشود و بجهت یک جانی که چندان خوب نیست باید اجرت
 زیاد داد و ازین جهت درین روزها چند نفر از دولتمندان اولاد
 بنا دارند که با هم شریک بشوند و مهاجرت بسیارند که چند
 هزار نفر در او جا بگیرند و از فوراً طرحی که کشیده اند بسیار جا
 بازیت و اس خواهد شد و چونکه تخوا این اشخاص بسیار
 و از هر قسم آذوقه و ما بحتاج کلبه میکنند که قمیض ارزانتر شود
 اجرت از غربانی که با نجا میروند بسیار کمتر خواهند گرفت
 قراریکه طرح این مهاجرت کشیده اند میانش چنان بزرگ است
 که کالک با اسبها در میان آن راه میروند مانند اینند
 میدان باشند و میانش بترکیب کنند بزرگ است و میان
 کنند از شیشه بسیارند مانند پنجره که در روز روشن باشد
 و در شب با چهل چراغ و قنادیل دیگر از بخار و فعال سنگی روشن
 و میانش حوض خانه و فواره و درختها نیز دارد

از فراد روزنامه فرانسه خوراک اهل پاریس از گوشت و ...
سال گذشته باین تفصیل است

۱۸۵۰ ۱۸۵۱ ۱۸۵۲

کار	۱۲۲۶۵	۱۴۶۶۵	۸۸۲۴۲
ماده گاو	۱۵۸۲۶	۱۷۵۸۰	۲۲۹۹۵
گوسار	۷۵۲۶۶	۷۵۳۷۲	۷۴۴۴۱
گوسفند	۴۱۲۸۲۷	۴۹۱۶۸۰	۵۲۱۷۵۷

و حساب سال گذشته را که بتاریخ فرنگی ۱۸۵۲ عیسوی بود نوشته اند و در ماه ربیع الاول آخر سال مزبور بود و لکن از قراریکه مختصر در روزنامه نوشته اند زیادتر از سایر دیگر گوشت بمصرف رسیده است و ازین حسابها معلوم که اوضاع خلق در شهر پاریس رو به برقی است و اینها غیر از گوشت مرغ و ماهی و شکار و غیره است که از این لحوم نیز

زیاد بمصرف میرسد

احوال متفرقه

در حکام اعمشاش چند سال پیش ازین رومه که باغبان آن شهر پای پای رومه را بیرون کرده و دولت را برسم زده و دولت جمهوری برپا کرده بودند و بعد قشون فرانس آمد بجنگ و غلبه باغبان را حاصل و شهر بمصرف شد و پاپا را باز در آنجا مستقل و برقرار کردند بجای از خوانین مملکت رومه بزرگ ساخته است بجهت اهل قشون دولت فرانسه که در آن جنگ کشته شده اند و این مقبره را در جانی باصفا بیرون شهر ساخته است اینست که مرصفاست و باکمال دقت است و استقامت ساخته اند بعضی از اهل رومه از اعمشاش آن ایام جنگ آمده بودند و خیلی رضامندی از آمدن قشون فرانس را

داشتند که باز نظم در ولایتشان گذاشته شخص مزبور که این مقبره را ساخته است از جمله اشخاصی بود که رضامندی از فراد دارد و این مقبره را در راه ثواب از پول خودش ساخته است

از جمله اخبار غریب که در خصوص دزدان شهر پاریس نوشته است اینست که بسیار دزدان کبسه برانزدن پاریس آمده اند بسبب اینکه میگویند در لندن کارشان از پیش میرفت و نمیتوانستند کزدان خود را پیدا نمایند و از فرار تقریر دزدان دو باعث داشته است یکی اینکه در لندن دزد بسیار بود و مثل دزدی کم بجای دیگر آنکه کسب کجیان دیوان بسیار هوشیار بودند یکی این دزدان در شهر پاریس بدست چاکران دیوان افتاده بود معلوم شد که تتواء معقولی اند و تخته است و اکثر پولش در نزد صراف بود و در آن محله که سکنی گرفته بود و بچسب میزدند که کزدان او را دزدیت همسایگان او حکان میبردند که مردی معتبر است یکی

اینجا که دزدیش ثابت شد و حکم حبس او را دادند وقتی که او را بحبس میبردند در راه با خود حرف میزد و می گفت چه بجهتستم الله مال بدست من آمده بود که دیگر احتیاج بدزدی ندارم و با خود فرار گذاشته بودم که اگر این دزدی آخر بخیر بگذرد تو بکنیم که دزدی نکنم اما چه فایده که حال گرفتار شده ام و چاره ندارم

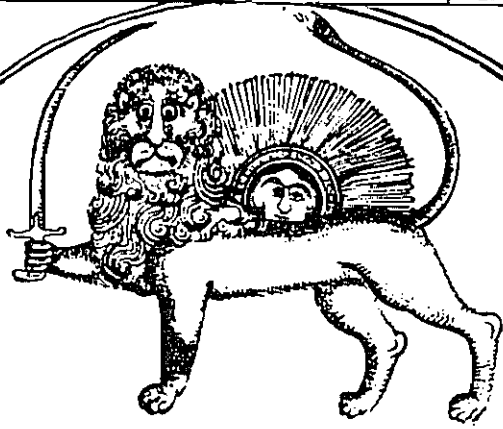
اعلانات

کتاب تشریح بدن انسان از تالیفات عالیجاه حکیم پولاک معلم علم طب و جراحی که بزبان فارسی ترجمه و در دارالطباعت تهران روزنامه انطباعت شده است در سردار القشون فروخته میشود هر جلدی شش هزار دینار

روزنامه وقایع اتفاقیه بتاریخ یوم شنبه یازدهم رمضان المبارک مطابق سال ۱۲۷۰

بزه صد و هفتاد و پنج

منطقه دارالخلافه طهران



قیمت روزنامه
یک نسخه ده هر یک له
در قاف و چهار هزار

قیمت علامات

یک سطر از چهار سطر که در دنیا
بیشتر با هر سطر بخانی

اجتبار و احسانه ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

درین روز که ماه مبارک رمضان و ایام صیام و عبادت است
اعلیحضرت پادشاهی درینا دوران تشریف دارند و انوار
و اعیان دولت علیه و چاکران حضرت گردون بطنت
روزنامه را تا وقت عصر بجهت سیراحت و عبادت و تلاوت
از تقدیم غذا و یوانی حب الامرهایون مرخص و معاف
و هنگام عصر نزدیک بغروب آفتاب شرفیاب حضور مبارک
گرمده بعد از آن در خدمت جناب جلالت اب اصغر اکرم
صدر اعظم شهباز آما صبح هر یک در مرتبه و مقام خود بخدمت
مرجوعه اقدام دارند و همچنین افواج قاهره بطعام نیز درین
ایام صیام بجهت تقاضای روزنه داری از مشق و سایر
معاف اند مگر در دست که بقراولی ما مورند در سه فرادلی خود
میباشند و جناب جلالت اب صدر اعظم شهباز را
می نشینند و مشغول گذراندن امور دولت علیه میباشند
فوج دماوندی که در اصفهان متوقف بودند درین اوچون
یرکاب هایون احضار شدند در روز شنبه ششم این ماه محرم
میرزا فتح الله شکر نویسن باشی در بالای نیادران آنها را

بوقت یکی یکی سان و دیده در سبیدکی نمود و همگی در کمال
اراستگی و شکوه سان دادند و بعد از آن حسب الامر
هایون مرخص غایب شدند که چندی رفته در او جان خود آسوده
باشند
در شب چهارشنبه سیم ماه رمضان باد شدید در دارالخلافه
و سایر اطراف دارالخلافه وزیدن کرد
بارعد و برق و بارندگی زیاد سجدی که توش خرابی
و کندن و سنگتن اشجار میرفت تا صبح چند نوبت با آن
شدید و تکرر آمد و از آنوقت آب رود و قنوا که از کوه جبار
نفاوت کرده و زیاد تر شده و امیدست که بحال در آن
فایده کرده باشد از جمله اتفاقات در آن شدت طوفان
سربازی از فوج چهارم از شهر به نیادران می آمد خودش
با الاغشن سچای که در آنجا بود افتاده و بعد از چند روز
که آنها را پیدا کردند الاغ تلف شده بود و آن سرباز
بنم جان بود که بعفوتت کردید
و هم درین روز که آب رود خانه جاجر و شدت دار

۱۱۲۲

مجلسی تا جبار تجار تی داشته و از مازندران به اراک
 می آمد است و چند کس پول نیز برسم امانت از تجا
 و یک در میان بار آورده در عبور از رودخانه بار او را آب
 برده و بدست نیاورده بود چون ایل بر او اند که با اجمع
 حاجی مبارک خان سرتیپ میباشند در اطراف رودخانه
 بزور سکنی دارند عالیجاه مشارالیه از کذا ارش مستخرج شده
 آدم میان ایل بزور فرستاده بود اموال آن شخص را نقد
 از میان آب بیرون آورده تا آنجا بصاحبش تسلیم و قبض رسیده
 از او دریافت کرده بودند

چون درین اوقات موکب هایون در نیاوران تشریف داشتند
 با شش روز نامه نیز بجهت شرف کار روزنامه در نیاوران
 هر کس با شش روز نامه کار داشته باشد در نیاوران
 و در باب تقسیم روزنامه ها آنچه در طهران مستند موافق است
 روزهای پنجشنبه روزنامه با نهایه و آنجا نیز که در موکب هایون
 میباشند در روز بزور روزنامه با نهایه سه تا آنجا که در سایر
 شهرت شیران منزل دارند اعلان می شود که در روزهای پنجشنبه
 با نیاوران فرستاده روزنامه خود را بیکدیگر یا یکی محول و آن
 که روزنامه آنها را در نیاوران از فرشان روزنامه دریافت
 نموده با نهایه برساند

سایر ولایات

آذربایجان درین هفته نیز اخباری ازین ولایت
 نرسیده که در روزنامه نوشته شود

مازندران

از فرار یک در روزنامه مازندران نوشته اند نواب شاهزاده
 و اولاد میرزا علی میرزا حکم آن مازندران در انتظام امر ولایت

و تقدیم مهمات آنجا کمال اهتمام را دارند و خلعتی که از جانب
 سنی اسحاق بن علی حضرت پادشاهی با فتح نواب مغزی الیه
 مرحمت شده بود در اواسط شعبان مرده آن شاهزاده پیش
 روزه مدسم برای خلعت پوشان ساعت سه تعیین کرده
 با جمعی از خوانین و سرکردگان برای حفظ شرایط احترام خلعت
 آفتاب طلعت تا دو فرسخ با استقبال رفته بعد از ادا ای لوازم
 جشن و شادی خلعت هایون را زینب دوش خود ساخته
 معاودت بشده کرده بودند

از فرار یک نوشته بودند در نیاوران بقدر سه چهار هزار
 سکر در کارخانه های دولتی بده ساری و بار فرودش سفید
 و مدد رسیده است و شکر بزور و حاجی تمام تمام در اول
 دارد و مردم مایل و غیبت با طراف میبرد

از فرار یک نوشته بودند یک نفر از جماعت اوصاف نواب
 شاهزاده عرض کرده بود که بعضی اجناس از دار اسخلاف
 اتیاع کرده آورده بودم که در بده ساری بفروش
 منتفع شوم شب را در بازار توقف کردم اسباب بزور را
 از من سرت کرده تمام و کمال برده اند نواب مغزی الیه
 نیز بعد از اسخلاف بر این معنی محصل معین کردند که رفته مال
 از داروغه بازار گرفته بصاحبش رو کنند محصل بزور
 رفته مال را استردا کرده بان شخص داده بود

خراسان

از فرار یک در روزنامه عرض راه خراسان نوشته بودند از
 اتهامات اولیای دولت علیه هر یک از منازل عرض راه
 نظم را دارد و کفایت ایت در آن راهها حاصل است و
 مردم از روار و قوافل و عابرن و سترودین با کمال ذمت عبور

۱۱۲۳

۲

می کنند و این اوقات از سه هزار نفر بیشتر از اهل آذربایجان
و اصفهان و قرمان و شیراز بعزم زیارت شهید مقدس
میرفته اند

نواب شاهزاده والا تبار فریدون میرزا فرمانفرمای خراسان
که باقی در بند تشریف برده بودند قلع آق در بند و فرود
که جای سخنی است و برای حفظ و قراولی مملکت بسیار کجا
می آید بنای تعمیر و آبادانی آنرا گذاشته اند و بعد از آبادانی
امید دارند که برای حفظ و حراست مملکت خراسان بسیار
مفید و نافع باشد

عربستان و پرورد

از فرازیکه در روزنامه این ولایت نوشته اند
حکومت مابون اعلیحضرت پادشاهی که از دربار
جهاندار بافتخار شاهزاده والا تبار احتشام الدوله
صاحب اختیار پرورد و بختیاری و عربستان و
ارستان الفاد شده بود در روز بیت و سیم
شعبان حلف نوبور عربستان رسیده و نواب
شاهزاده از باغ شاه با استقبال حلفت مابون
پیاده بیرون آمده و لوازم توقیر و اعزاز و احترام
را معمول داشته و بخلعت پوشان مراجعت نموده
بخلعت شامشاهی مخلص گردیده اند و خلفهائی نیز که بجهت
نواب امیرزاده نایب الحکومه عربستان و عالیجاهان
نور محمد خان و دلی خان و سید علی خان سر قیپ
مرحمت شده بود نواب شاهزاده احتشام الدوله
بدست خود با نهاد داده و زیب پرورد و شش اعتبار و
افتخار خود نموده اند و بنده نوکر در رعیت که در آنجا بودند

۱۱۲۴

شربت و شیرینی داده و دو شب نیز عهدهم نوکران
در آنجا ضیافت نموده اند

دیگر نوشته اند که جناب شیخ سعد خویزه که از اعیان
معروف عربستان است بعزم زیارت علی ابن ابی طالب
علیه السلام از آنجا روانه گردیده و در حرم آباد نواب
ایدرم میرزا کمال اعزاز و احترام را از اول بعبار آورده
و اورا با کفائی که همراه داشته ضیافت معقول
نموده اند و هم چنین در ورود جنابش را الیه بهر جود
نیز حسب الحکم نواب شاهزاده والا تبار احتشام الدوله
جمعی از علما و فضلا و معارف چاکران دیوانی و اعیان
ولایت اورا استقبال نموده اند و عطا مزار لعین گردیده
ده روز در پرورد جرد توقف داشته و از آنجا روانه مقصد
شده اند

چند نفر از حجاج که از پرورد جرد بعزم زیارت مکه معظمه رفته بودند
بجهت احتیاط قشون کشی در ممالک عثمانیه و ممالک جناب
امام جمعه تبریز از تبریز باو خان خود مراجعت کرده اند و از
قرار مذکور باقی حاج ارزاه سلیمانیه بنیاد داشته اند که بمقصد

فوج البواججعی عالیجاه و لیجان که در حرم آباد هستند چون نواب
کم بودن غله در آنجا چهره آنها از آنجا داده نمی شد نواب
احتشام الدوله حسب الاستدعای آنها مقررداشته اند که جیره دو ماه
شعبان و رمضان آنها از سیلا خوجل و نقل شود و آمدن غله
از آنجا هم باعث اطمینان فوج و هم سبب سکین طوبیائی آنجا گردید
نوشته اند نواب احتشام الدوله بعد از ورود از عربستان قدری لغات
و نشر داشته ولی این روزها صحت یافته و در کمال انعام با پرورد دیوانی میگردانند

کرمانشاهان

از فرار یک در روزنامه کرمانشاهان نوشته بودند امر اولایت
 در نهایت انتظام است و نواب شاهزاده و الاتبار عمادالدوله
 فرانسوی خود را با چهل نفر بحفظ و حرمت بازارها و محلات
 نگاشته اند که شبها بازارها و کوچهها را گردیدند مقربانند که از
 احدی نسبت بآل و حال مردم بی اعتدالی غایب شود
 در روزنامه این ولایت نوشته اند که این روزها بعضی قبایح
 جعلی در آنجا ابراز شده و کسی نمیدانست که جعلی است
 این عمل کسب نواب عمادالدوله بر این کیفیت اطلاع یافته بعد از
 تجسس و تحقیق بسیار معلوم کرده بودند که سید یا قریب
 اصغری قباجات جعلی را درست کرده بدست مردم میداده
 مشارالیه را خواسته بعد از رسیدگی باین امر بطریقی
 او فرار دادند که بعد از این جهت آنجا یک کوه انوشیروانی
 دیگر نوشته بودند که عالیجا عباسعلی خان سرسنگ فوج بر جلوه
 سردار مبارک ابو اجمعی خود و عالیجا پشن صاحب علم فراج
 همه روزه در بیرون شهر مشغول شت هستند و عالیجا پشن صاحب
 در مشق سرباز کمال وقت و اهتمام را دارد و توپچیان نیز در
 الی چهار ساعت از روز گذشته در میدان توپخانه مشغول
 و آداب مشق را بطور خوب فر گرفته اند
 دیگر نوشته بود که وزیری در کرمانشاه پیداشده اموال مردم را سرقت کرده
 و معلوم نموده است که مالی شهابت لقب فرانسوی نواب شاهزاده اظهار کرده بود
 اتفاقا رالیستی آن زوارخانه خود بیرون می آید و کوچ جوانی بیست و
 باسلام کرده و در پس سلام نکستش تغییر نموده و سرخ گردید و فرانسوی است باقی
 که باید در روز بروجین جوان او را بخانه برده و بعد از تحقیق و تفتیش فرار
 بود که این در دیحان کرده ام و بعد از او مشارالیه اموال مردم را
 غلب

بعینها گرفته بصاحبانش رد کرده و خود او را نیز بحکم نواب شاهزاده

تمیبه نموده و حبس کرده است
 اجبار و دول خارجه

فرانس

پرنس ناپلیان که بحسب حکم امپراطور فرانسه روانه اسلامبول بود
 پیش از رفتن خوانین و دوستان خود را در پاریس معانی کرده بود
 و در دسام ماه جب از آنجا روانه شد که باسلامبول بیاید
 در شهر مسیله منتحالی حرمت و خدمت نسبت بنواب شاهزاده
 کرده اند
 میگویند که دولت فرانسه بنا دارند که در خصوص خوانین آن
 مملکت و حق آنها و لقب خانی یا تیمه قاعده ارثی یا آنچه حکم دیوان
 این ایام تحسین و تحسین بکنند و هر کس که نتواند نجابت خود را
 ثابت نماید قدغن باشد که لقب خوانین با و داده نشود و همچنین
 خصوصشان که از دول خارجه داده شده است و مردم در
 فرانسه میزند چون سنجاب در فرنگستان هر یک ثانی بنجه سله خود
 دارند و بعضی مردم این ثانی را بر میدارند در روی کاس که مهر
 و غیره خود میگذارند که حق آنرا ندارند درین خصوص نیز بناست
 که تحقیق شود و هر کس که ثانی که مال سلسله او نیست زده باشد
 قدغن شود که نرزد و اگر بعد از این خلاف این حکم بکند جریمه میشود
 ابلاغ این حکم میگویند بسیاری از مردم که حالا لقب خانی دارند
 باید این لقب را موقوف نمایند که حق آنرا ندارند و بسیاری از اشخاص
 که از دروغ نشان دول خارجه میزند بعد از تحقیق معلوم میشود
 که حق این نشان را ندارند حکم میشود که دیگر این نشانها را نرند
 بنند و چین
 از فرار یک در روزنامه مندوستان نوشته اند جنگ مملکت

۱۱۲۵

برمه باز بود و لکن حال از طرف این برمه میدان جنگ نمی آید
که ایستادگی بکنند جنگ گریزمی کنند میان جنگها بود و زد
و چپاول زیاد می کنند از چین هم نوشته بودند که چنان
باز شهر شکست می آید در تصرف داشتند و تا میسر می
پای تحت رفته بودند و بنا داشتند که در آنجا هم کام میستانند
که قشون کشی میشود توقف نمایند

احوال متمرقه

از فراری یک در روز نامه فرانسه نوشته اند در شهر پاریس
و شصت نفر انگلیس کربانند بغیر از اطفال مشورتخانه در مملکت
فرانسه در کارند که بنائی بگذارند و در باب مکتوبات که مردم
می نویسند و بیان ولایت میفرستند بجز طرف مملکت فرانسه
که بفرستند چهار شاهی اجرت آن باشد در صورتیکه آن شخص
که کاغذ می فرستد پول آن پیش بدهد و اگر پولش پیش
ندهد پیش شاهی اجرت قرار بدهند

در شهر لندن بنا دارند که پل تازه در رود طوس بسازند و مقادیر
سید هند بعماران و از فراری یک نوشته اند بقدر یک کرو پول
ایران خرج ساختن پل میزور میشود

درین روزها در شهر نیویارک یکی دیناشش دفعه شرفنا
و قیمت خانها و اموالی که در آنجا سوخته است چهار کرویم
پول ایران میدانند

خوراک اهل شهر پاریس از برنج اکثرش درین اوقات از
خود مملکت فرانسه بعضی آید هم ارز آنرا از برنجی که از خارج
است و هم بهتر از برنج هندوستان و مملکت پیدانت است
و این کار را تازه براه انداخته اند سابقا بعد از مملکت فرانسه
برنج متداول بود که بکارند

راه آسن بجهت تردد کالک بکار در پانامه مابین سحر محیط
و سحر محیط معتدل درین روزها قریب با تمام است و وقتی که
با تمام برسد کمان دارند که مفتت زیاد بجهت آنها که درین راه
تجوازه گذاشته اند بکنند

در مملکت آسن موش بیابانی جهان زیاد شده است که ضرر
کلی بجای آنجا رسانده است دام و تله موش گیری برای گرفتن
موشهای مزبور ساخته و در زمینش که بعد از پنجاه روز هم
بود درسی شش روز پانزده هزار و سیصد و پانزده موش گرفتند

در روزنامه یسکی دنیای شمالی نوشته اند که از جمله حیوانات
غریب که در کلی فارینا جسته اند قستی از خار شست یافته اند که
دزغ درازی اوست

در ساختن راهی در مملکت ایرلند فعله ما که در آنجا مشغول کار بودند
بسیار سباب طلا از کافتن یم از زیر خاک بسته اند و همان سباب
خود فعلها برشته اند یکی از آنها که احق بود کلاه خود را ازین طلا
پر کرده بود و از راه نادانی شخصی بسنج سی پوند پول نخلیس که
تخمینا شصت شش تومان پول ایران باشد فروخته بود و
طلای مزبور را کشیدند صد و ده شش نیم بود که بوزن ایران
شصت و سه مثقال است و طلای سپار صاف و خوب بهتر
از طلای پول نخلیس بود و این سباب اکثرش دست بند بود
و غیره بود از کارایام قدیم

دولت انگلیس بنا دارند که قشون سوار نظام که با سلاح
چماقند از راه فرانسه بفرستند و راهی که باید بروند باین
از لندن تا دور که کنا مملکت انگلیس میباشد دست و دفرسج
دور ناکن که اول خاک فرانسه است بروی دریا شش فرسج

۱۱۲۶

و یک ربع و از کلنس تا پاریس پای تحت فرانس پنجاد
فصح و از پاریس تا شانس پنجاه و نه فرسخ و نیم و از آنجا
پنجاه و چهار فرسخ و یک ربع و از او یکنان تا سیرلیز پنجاه
فرسخ و سه ربع که جمیع این راه دو بیت و بیجده فرسخ
سه ربع می شود و از آنجا بکشتی می نشینند و از راه آبی و کبیر
با سلا بول می آیند

از قزاقیکه در یکی از روزنامه های نوشته اند باز بعضی
مردم خیال یا غمگیری از دولت استرلیه در ولایت لامبارد
داشتند و بسیاری مردم از آنجا گرفته و مجوس کرده بودند
مشکل روشنی سر کرده کل قشون استرلیه در آن مملکت و جان
اها را طوری به شصت هزار قشون ریاد ترا آنچه در آنجا بود
خواستند بود از برای ساختن آن ولایت و نگارستان نظم

در روزنامه یونانی و نیای شمالی نوشته اند که گفتگوی با این
دولت اسپانیول در خصوص این مطلب شده است که این
دولت اسپانیول یکی از کشتیهای یونانی و نیای شمالی را
در نزدیکی جزیره کوبه گرفته بودند دولت یونانی شمالی
کشتی مزبور را پس خواسته بودند و آنجا داده بودند و این گفتگو
نزدیک بیان کشید بود که بین دولتین بچنگ نیجا

جمعی از مملکت برازیل بنا دارند که کشتی در رودخانه آمزان
براه بندازند و بجهت این کار دولت و چهل هزار تومان پول
ایران جمع کرده اند و بنا دارند که کشتیها در رودخانه مزبور
بندازند که سر تا سر رودخانه مزبور کار بکنند و این رود در
رودهای روی زمین است از قزاق قشیل آن که در جزایر
از مملکت ایرجای جنوبی میگذرد و چند رودخانه های بزرگ داخل

یکدیگر کرده باومی پیوندند و در آنجا که داخل دریای می شود
چهل و پنج فرسخ است آب این رود خانه شیرین است و در
مستحق که تنگ با ریاد است و این تنگها بسیار درنده
و تا هفت ذرع و شش ذرع درازی آنها را دیده اند و حکما
که در دو طرف این رود خانه واقع اند از حیوانات پرند
گراز و میمون قسی از ببر و مارهای زبردار بسیار و آهو از جنس
و مرغهای بسیار خوش رنگ و خوش نخل و در وقت سیل آب
این رود و چند مملکت را فرو میگیرد و در زیر آب میبرد و
که داخل دریای می شود زیر خط استوا

در روزنامه هندوستان نوشته بودند که حاصل قهوه سال
گذشته در جزیره سرانندیب سی و یک هزار جزو اربوزن
است عباسی شده بود و این زراعتی تازه است که در آن جزیره
براه انداخته اند سابقا اگر قهوه از مخا و جزایر یونانی دنیا بعین
می آمد چند سال پیش ازین تخم قهوه از مخا آورده و در جزیره
سرانندیب کاشته اند و بسیار هم خوب بعین آمده است
از برای این کار کم داشتند و الا بیش از این هم بعین می آوردند

اعلانات

کتابهای چاپی و اصلاحی طهران که در کارخانه حاجی عبد
باسمچی در محله نزهت یک دروازه دولاب نطباع شده
از این قرار فروخته میشود

- ۱۰۰ — حتمه نظامی بیت و پنجاه
- ۱۰۰ — سرایر دو تومان
- ۱۰۰ — زبده المعارف دو تومان
- ۱۰۰ — معراج السعاده یک تومان
- ۱۰۰ — هدیه اشید هشت هزار

۱۱۲۷

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم پنجشنبه هجرت ماه رمضان المبارک مطابق سال ۱۲۷۰

مذمه صد و مفاد و شش

منظومه دارالخلافه طهران

قیمت روزنامه

قیمت اعلانات

یک نسخه ده پیریکله

یک سطر الاجه سطر یکله در روز

و فاق و چهارمیلر

بیشتر با هر سطر پنج خط

اجبار و احسانه مالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در شب شنبه ساردهم ماه رمضان المبارک پادشاهی بهمانی جناب جلالت آب صدراعظم بهمان بناوران که در جنب عمارت سلطانی مخصوص جناب معظم الیه است تشریف فرما گردیدند و لوازمات پیشکش و پای انداز و قربانی و تکلیفات ضیافت بطور شایسته بعمل آمده در آنجا اقطاع فرمودند و بر وجود مبارک بسیار خوش گذشتیم خدمتگداری کنان جناب معظم الیه مقبول و مستحسن خاطر طوکانه افتاده مورد نوازشات خسروانی گردیدند

جدید جلوه دروازه ارک مشهور به سبز میدان که تا سابقه شده و بسیار جای باصفا و خوب و مشحون بحجرات تحسانی و فوقانی است حسب الامر مایون کسبه و صنایع جمع شده حجرات ترتیب میدهند و سباب و امتعه از هر جنس و هر قسم در آنجا چیده دادوستد بنمایند و آنجا بجهت تفریحگاه روزه داران بعد از فراغت از طاعات و عبادات مساجد که هنگام عصر و ضعف و انقضا روزه بجلو بسیار بنمایند خاصه در این ایام که منتهای بلندی در میان منور و تماشای دکا کین و دادوستد و جماع خلق در آنجا مشغولیتی شده است که چند ساعت بعد از نماز ماه مبارک رمضان اصناف کتبه جمع شده دکا و حجرات ترتیب میدهند و از هر قسم اقسام و امتعه و ظروف و بلورالمات و غیره در دکا کین خود گذاشته دادوستد بنمایند تا چند سال پیش ازین جلوه مسجد آرایش میدادند و در آنجا اسباب گذاشته و دادوستد مینمودند بعد از آن دو سه سال هم در صحن امامزاده زید قرار گذاشته اسباب می چیدند اما سال را در میدان

۱۱۲۸

چون همه ساله معمول دارالخلافه طهران است که در ایام ماه مبارک رمضان اصناف کتبه جمع شده دکا و حجرات ترتیب میدهند و از هر قسم اقسام و امتعه و ظروف و بلورالمات و غیره در دکا کین خود گذاشته دادوستد بنمایند تا چند سال پیش ازین جلوه مسجد آرایش میدادند و در آنجا اسباب گذاشته و دادوستد مینمودند بعد از آن دو سه سال هم در صحن امامزاده زید قرار گذاشته اسباب می چیدند اما سال را در میدان

درین اوقات که ایام ماه مبارک رمضان است مالی دارالخلافه درین اوقات خود را در مساجد صرف طاعات و عبادات و نماز جماعت و تلاوت کلام الله مجید بنمایند و علما و فضلا

درین اوقات که ایام ماه مبارک رمضان است مالی دارالخلافه درین اوقات خود را در مساجد صرف طاعات و عبادات و نماز جماعت و تلاوت کلام الله مجید بنمایند و علما و فضلا

درین اوقات که ایام ماه مبارک رمضان است مالی دارالخلافه درین اوقات خود را در مساجد صرف طاعات و عبادات و نماز جماعت و تلاوت کلام الله مجید بنمایند و علما و فضلا

در منابر و معابد بخوانند عید و موخظ و دعای ذات اقدس
همان استعال دارند

این اوقات سرکار اعلیحضرت پادشاهی محض و فوز
مرحمت ملوکانه در باره نواب مستطاب هزاره و الایبار
حشمت الدوله حمزه میرزا ایک ثوب کلچیه از بلوس تن
مبارک بافتخار نواب معنی الیه حضرت و عنایت فرموده

سایر ولایات

ازربایجان از قرائیکه در روزنامه اوزربایجان
نوشته اند نواب مستطاب هزاره و الایبار نصره الدوله
فیروز میرزا و مقرب الخاقان میرزا صادق قایم مقام و
پیشکاکل اوزربایجان از روزیکه وارد انولایت شده اند
انتظام کلی در امورات انولایت داده اند و عموم مالی
در عایا و سکنه انولایت آسوده خاطر و مرفه الحال گریس
بکار خود مشغول و امورات انولایت بجهت در کمال انضباط

و سایر ایام هفته را اهل نوکر باب از خوانین و اهل سلاح و
نظام و اهل تجیر و ارباب قلم بدر خانه حاضر شده پیر
بشغل و عمل و لوازم نوکری و تقدیم خدمات موجود بخود
مشغول میباشند

دیگر نوشته بودند که حلفت تایلون که از جانب سی سوجا
ملوکانه بجهت نواب هزاره نصره الدوله حمت شده بود
در روز سه شنبه بیت و چهارم ماه شعبان بر تو وصول
انگنده نواب مغزی الیه با همه خوانین و اعیان و مشرف
ولایت و اهل نظام و غیر نظام دوده عرازه توپ و سه فوج
سرباز و تدارکات شایسته تا حلف تایلون با استقبال
شائفه و حلفت مبرطلعت ملوکانه را بعد از اقامت بلوازم
توقیر و احترام زیب برود و شش اعتبار و افتخار خود نمودند
و خطیب ادای خطبه بنام حضرت اقدس بایون شایسته
نموده بعد از صرف شیرینی و شربت لبهر تبریز جهت

نموده اند

از جمله قرائلی که نواب نصره الدوله و مقرب الخاقان قایم مقام
داده اند یکی اینکه روزهای پنجشنبه را در بالای باغ سما
چند عرازه توپ بیرون برده و توپچیان مشغول تبریز
نشان می شوند و کمال جلد دستی و چابکی و مهارت را
در تیراندازی و زد و کشتن بعمل می آورند و همچنین فوج
قاهره نظام نیز ایام هفته را در روز نوروش شیلک میباشند
در روزهای دیگر مشغول سایر تعلیمات و قواعد مشق
نظامی می باشند و یکی با کمال سکوه و آراستگی و نظام
حرکت می کنند و روزهای جمعه و دو شنبه از ایام هفته
نیز ایام تعطیل است که اهل در خانه از تقدیم خدمات مخصوص

از قرائیکه در ضمن روزنامه اوزربایجان نوشته بودند
چند یوم قبل ازین جمعیتی از طایفه اکراد حکاری آمده دی
از دوات چهریق را تاحت و نماز کرده بودند پس سحری خان
ایلیخانی خبردار شده با چند نفر سواره از آدهای خود
معاقب و زردان مرنور رفته بود که اموال منسوبه را
از آنها پس بگیرد و قتی که با کرا در مرنور رسیده بودند
انها نیز بقدم منازعه پیش آمده اند و درین مجادله و زد و خورد
طوفین کلوله لعنک از طرف اکراد حکاری بیسته پس
ایلیخانی حوزده و متحول شدست

دیگر نوشته اند که امورات سرحد خوی انتظام کامل دارد

۱۱۲۹

چهار صد نفر توپچی و دو فوج سرباز و توپ و دولت
پنج در سس اسبان توپخانه که همه چاق و فربه باشند
در سر حد مزبورستند

دیگر نوشته بودند اما بوردی پیک امیر اخو را صطلیل تو
مبارک که در خوب و چاق و فربه نگاه داشتن اسبها
تو پخانه مبارک که اهتمام کامل معمول داشته است بیکه
سجال باین فزیمی و چاقی اسب تو پخانه در اینجا ملاحظه

دیگر نوشته بودند که چند وقت پیش این دکان مشدی
آقا جان نام برادر بریده و بقدر دولت تومان اسباب
از او سرقت کرده بودند و دزدش معلوم نبود تا اینکه
تا در این روز یک طاقو شال کرمانی و یک ثوب قبا
نوا زمان مشارالیه دلال بازار فروخته بود و محمد صادق
دارنده بازار خبردار شده مشخص نموده بود که شال و
قبای مزبور مال مشدی آقا جان نام است دلال مزبور
گرفته در مقام تحقیق برآمده بودند ضحیفه را نشان داد
بود که این شال و قبا را ضحیفه مزبوره بمن فرستاده است
داروغه زن مزبوره را حاضر نموده بعد از تحقیق معلوم
شده بود که مرکب این عمل اکبر نام دست بریده بوده
که پیش ازین توپچی بود و بجهت عمل سرقت دست او بریده
شده و از توپخانه اخراج گردیده است بعد از آنکه خبر
شده بود که دزدی او بروز کرده است فرار نموده و از
مسروقه قدری پیدا شده و بصاحبش تسلیم گردیده
و بقیه اسباب بجهت فرار کردن دزد مزبور پیدایست

دیگر نوشته بودند که عاشق علی نام سوخته و دیوانه شده بود

افوام او چند روز او را در خانه بنجیر کرده و محبوس نموده
محافظة او را می کرده اند روزی کسان او غفلت کرده اند
و مشارالیه بنجیر را پاره کرده و بیرون آمده پس در سال
از مسایگان او در جباط خانه بوده و بوانه مزبور با چوب سنجی
آن طفل را زده و طاک نموده است مردم خبردار گردیده
و فرایشان او را گرفته حضور نواب نصرة الدوله آورده
بودند نواب معزی حکم نموده بود او را محبس برده و حبس
کرده بودند و روز در محبس بوده و نوشته است

تعیین اجناس تبریز

۱	پول	نمان یکم هزار مثقال
۱۰	شش عباسی	گوشت بوزن ایضا یکم
۱۰	چهار هزار	روغن یکم هزار مثقال
۱۰	شش عباسی	برنج عنبر بیک من ایضا
۱۰	شش عباسی	برنج مشکین یک من ایضا
۱۰	هفتصد دینار	برنج رسی یک من ایضا
۱۰	شش هزار	قداری یک من بوزن عباسی
۱۰	پنجاه پنجای	قد بزدی یک من بوزن عباسی
۱۰	چهار و چهار	بنات یک من بوزن مثقال
۱۰	چهار و یک عباسی	عسل بوزن هزار مثقال
۱۰	سه هزار و ششای	چای خوب پنج سبر
۱۰	بمجهه هزار	گندم بوزن هزار مثقال یکجودار
۱۰	دوازده هزار	جو بوزن ایضا یکجودار
۱۰	هفت هزار	کاه بوزن ایضا یکجودار
۱۰	ده بال	بیمه بادام بوزن ایضا یکجودار
۱۰	سه هزار و یک عباسی	شمع بوزن ایضا یک من

عربستان

از فراری که در روزنامه این ولایت نوشته اند نواب مستطاب شاهزاده والا بتبار چشم الام ولد خان میرزا صاحب اختیار عربستان و لرستان و بروجرد و بختیاری در انتظام آن صفحات و حصول امنیت و رفاه حال رعیت آنها کمال دارند و بامور ولایت و احوال رعیت دقت و غور سی تمام کرده اگر اجحاف و زیادتی نسبت بکسی شده باشد در مقام رفع آن برمی آید از جمله حاجی جابر خان که ب حکومت محبزه و آن اطراف مامور بود نسبت با مالی آنجا سولوک داشته و بعضی بدعتها و عوارضات تحمیل رعایا و کسبه نموده و مردم آنجا از تعذبات ادبسته آمده بودند ب بعض نواب معزی الیه رسیده مشارالیه را از حکومت آنجا معزول نموده و حکومت آنجا را بشیخ حاکم که محصل بیانات سطر العبد و بحسن سلوک موصوف است مفوض داشته بهر ای عالیجاه فتح الدخان یا و فوج امرائی لرستان و سته سر باز از فوج مزبور با انتظام آنجا روانه نموده اند مالی آنجا از این معنی زیاده راضی و شاکر و دعاگوی این دولت قوی بنیاد گردیده اند

چشم چنین سایر سرحدات آنجا از اتهامات نواب معزی لیس انتظام تمام یافت در بهر حال ادمی عادل کافی کاروان تعیین نموده اند که مراقب امور مالی و رعایای آن صفحات باشند و مالی آن ولایات مرفه بحال و آسوده خاطر مشغول رعیتی و کار و کسب خود پیشند

دیگر از انتظام فوج امرائی لرستان نوشته اند که بجهت مشغول مشق اند و بانظم تمام حرکت می کنند و مالی آنجا

کمال رضامندی از حسن سلوک فوج مزبور دارند که بکرات تخواه نقد جنس که از مردم کم شده بوده و سر بازاران فوج مزبور پیدا کرده اند در سر آن اموال فراوانی نموده و خیر کرده اند تا صاحبان اموال رفقه نشانی اموال خود را داده و دریافت کرده اند

فارس

از فراری که در روزنامه این ولایت نوشته اند چون شهر و قلعه شیراز بواسطه زلزله سال گذشته خرابی بهم رسانده بود و تعمیر درستی لازم داشت لهذا در این وقت نواب مستطاب شاهزاده والا بتبار مؤید الدوله کجهان حکم آن مملکت فارس قدغن نموده اند که بنای تعمیر آنجا را بگذارند و چندیت که مشغول تعمیر آنجا میباشند

دیگر نوشته اند که بواسطه بلخ خوارکی که چند سال متوالی است در فارس می شود کندم در آنجا این اوقات نسبت به مدت اول خیلی ترقی بهم رسانده است بطوری که خروا پنجمان دارد و می شود

دیگر نوشته اند که در ماه گذشته شعبان رمضان نامی شیرازی با یک نفر سر باز دیگر که از جمله الواط شهر بوده اند بیرون دروازه رفقه مشغول شرب شده اند درین مستی با قضا حالت سکر و شرارت فطری رمضان مزبور کار دی بشکم رفیق خود زده او را مقتول ساخته است مراتب بجهت امرای عبد الباقی میرزا ایب الحکومه رسیده بعد از تحقیق و بیوت با استدعای ورثه مقتول رمضان نام قاتل نواب معزی الیه حکم بقصاص نموده و حسب حکم او را سیاست کرده اند

۱۱۳۱

اجبار دول خارجه

احوال مشرفه در آخر زمستان گذشته مشورخانه کانا
 یکی دینای شمالی آتش گرفته و سوخته بود و از قرار یکدین
 خصوص در روزنامه فزان نوشته اند درین پنج سال
 دو مرتبه مشورخانه مزبور آتش گرفته است پنج سال پیش
 اعتاشی در میان خلق شد و اهل آنجا مشورخانه مزبور را آتش زد
 و سببش آن ایام این بود که اهل مشورخانه حکم کرده بود
 که بروقت که در ولایت اعتاش شود و خلق متضرر نشود
 خلق از غم متضررین بر این آنجا از صد و این حکم رضایت
 نداشتند در بین آشوب و برسم خوردگی عمارت مشورخانه
 آتش زدند در آن اوقات متضررین را گرفتند و دوباره
 نظم در آنجا گذاشتند اما درین اوقات که مشورخانه مزبور
 دوباره آتش گرفته است عمارت آتش برده بلکه از قصایا
 اتفاقیه بوده است و دو کس بخار بجا پرگرم شده بود و بعضی
 از چو بجا که نزدیک بود کس بود آتش گرفته و عمارت مزبور
 سوخته بود و در وقت آتش گرفتن عمارت مزبور و چنان
 برودت داشت که آبها کلا نایب شده بود و از طولیه سایر
 اسباب آبی پاشی نیز ممکن شده بود که آب پاشیده
 خاموش نماید و باین سبب خاموش نمودن آتش آنجا
 مشکل شده بود عمارت مزبور از جمله بهترین عمارت های دینا بود
 و تقاضای چهل وزع از سایر زمینهای شهر بزرگ بود و چون که
 لگت در کنار رودخانه سنت لارنس است که از جمله رودها
 معظم دیناست صفا و نظرها از خوب داشت و خرج
 عمارت نزدیک بی صد هزار تومان پول ایران شده بود پیش
 از آنکه این ولایت تصرف آنجا میسایید در تصرف پادشاهان

۱۱۳۲

فزان بود بعد آنجلس با جنگ از فزان گرفته و در اوقاتی که
 این ولایت در دست پادشاه فزان بود درین شهر کتا
 بزرگ داشتند و این کتا بجا و بعضی از پردای کرانجا
 در عمارت مزبور بود درین روزها ماها نوشته اند که ای کتا بجا
 و پردای مزبور نیز سوخته بایمانه

در روزنامه مالتا نوشته اند که کشتی تجارتی از آن ولایت از
 انگلیزیه مصر بجزیره مالتا می آمد که بولایت آنجلس برود در آن
 طوفان شدید شده و جلوه کشتی ضایع گردیده و بی اختیار بزرگ
 دریا افتاده بود بطوریکه بهر طرف که ضرب امواج اورا حرکت
 میداد میرفت درین کشتی بخار دولت عثمانیه که طایفه
 سحری میمانند با و راست آمد و صاحب منصب کشتی عثمانیه
 از دور دیده بود که کار کشتی مزبور معسوس است و بقاعده
 حرکت میکند کشتی با باد رانده و طغاب کشتی خراب شده
 اورا بلاست بشهر مالتا آورده بود و از او مها و بار کشتی مزبور
 هیچ یک تلف نشده و عیب نگرفته بود اهل تجارت مالتا
 از این معنی بسیار اظهار امتنان از سر کرده کشتی عثمانیه که این
 کشتی را با اهل و اموش از غرقاب با اهل تجارت رساند
 نموده بودند و کاغذی مبنی بر خردخواهی و اظهار رضایت
 بسیار با و نوشته بودند سر کرده مزبور نیز در جواب آنجا
 نوشته بود که تکلیف آدمی این است که همیشه بقدر امکان بطرف
 انسانیت را امری دارد و ما دام که از دستش براید نسبت
 بخلق خوبی نماید و من بسیار خوشند می شوم از اینکه بتوانم

بکار اهل کشتیها بیایم

در روزنامه اسلامبول نوشته اند که کدوگ دیده که پنج پسر
 پادشاه آنجلس با اسلامبول در دست است همسایگی

از اعلحضرت سلطان و از امنای دولت عثمانیه دیده است
و در همان روزنامهها نوشته اند که پیرس ناپلیان نیز چنانچه
در روزنامه سابق نوشته شده است وارد اسلامبول
شده بود و از جانب سلطان و امنای دولت عثمانیه کمال
محبت نسبت باو عمل آمده است

از فرار روزنامه شهر باریس نوشته اند که موافق حساب
آخر که در آنجا کرده اند محبت آنجا در کرد و پنجاه و دو نفر
دولت و صفت و دو نفر است حساب اظهار کرده اند
شهر مذکور باین تفصیل نوشته اند اجبای اول یک هزار و سیصد
پنجاه و یک نفر اجبای دوم صد و صفت و چهار نفر و اسامی
چهار صد و شش زده نفر درین صورت موافق این حساب در
بمقصد و مقادیر نفق خلق یک نفر طبیب اول است و در
شهر اردو چهار صد و بیست و دو نفر خلق یک نفر طبیب دوم
و در هر دو هزار و پانصد و سی و یک نفر خلق یک نفر دوا

از جمله غرایب که در ناخوشی و با ملاحظه کرده اند روشنائی
که در آسمان مانند تیر شهاب کشیده میشود بلکه بعضی اوقات
بردی زمین هم می افتد درین روزهای این زمین رویشانها
بگوچهای شده لذن افتاده بود و لکن ناخوشی و با در آن
بسیار کم شده است

در فصل چهارم سال رودخانه و ستوله که از داریش میگذرد
بعد از واشدن بخر آب او چنان بالا آمده بود که چند کوزه
انجار او و کوزه و بیزاب برده بود
در یکی از روزنامه های انگلیس نوشته اند که بنا دارند درین وقت
بازی هزار نفر قشون انگلیس را بنامند

در روزنامه هندوستان نوشته اند که اهل چین
پیوسته زیاد از آن مملکت بملکت کلی فارسیا میروند و
چونکه مردمان کارکن اند در آن ولایت خوب گذران میکنند
و گشتی که در میان شان شصت نفر از اهل چین بودند شهر
سنت فرانسکو که در مملکت کلیفارسیا است رسیده بودند

ایضا در روزنامه هندوستان نوشته اند که قیمت طلا
که در سال گذشته از استرالیا بیرون فرستاده اند
بیت ملیان پونداست که تخمینا هشتاد و هفت کروزه بجا بول
ایران میباشد

جماعتی از دولتمندان اهل مملکت بنیاد دارند دریاچه که در کنار
مملکت هند است آبش را بیرون میکنند که جای زرع بسیار
و بند ساخته اند که آب دریا داخل آنجا نشود و خرج بسیار
طولی که آب آنجا را بیرون بکشند حساب کرده اند که اگر
توانند زمین دریاچه را بر آب خشک نمایند زمینش نزدیک
به چهار هزار تخم افکن است

موافق حساب جمع خرج مالیات مملکت انگلیس که سه
سه ماه چاپ میزند مالیات این مملکت نسبت بدیال
پیش ازین نزدیک بیست کروزیم زیادتر شده است

در شهر سنت سبتیان در مملکت اسپانیول در روز دوازدهم
ماه حیب زلزله سخت شده بود و لکن خانه در آنجا نیفتاده
بود و در کل سمت شمال مملکت اسپانیول این زلزله تا
کرده بود و این زلزله دویم است که درین شهر در شهر
سبتیان و انطرف مملکت اسپانیول واقع شده است

۱۱۳۳

روزنامه قایم انقاییه تبایح یوم شنبه پنجم ماه رمضان المبارک مطابق سال بائیس ۱۲۷۰

نمره صد و هفتاد و هفت

منبع دار الخلافه طهران

قیمت روزنامه

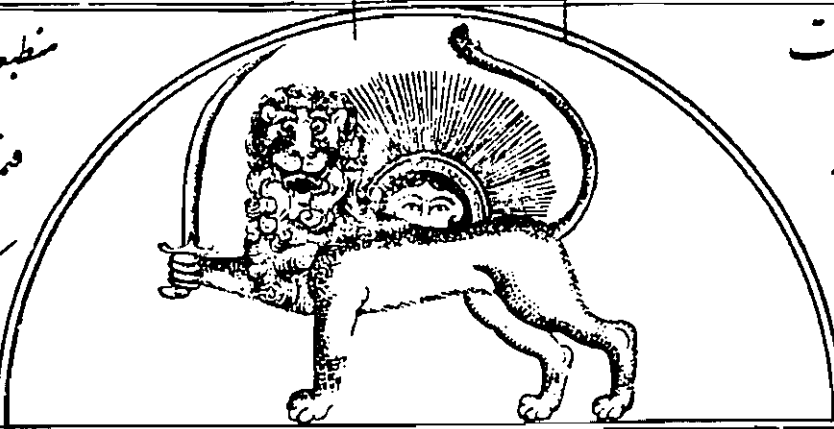
قیمت اعلانات

یک ششماه یکسال

یک سطر چهار سطر یکمتر

هفتان و چهار هزار

بیشتر سطر پنجاه



اخبار و احداث ممالک محروسه پادشاهی

دار الخلافه طهران

در روز یکشنبه بیست و یکم اینماه علیحضرت پادشاهی از عمارت نیاوران بعزم زیارت جناب امامزاده قاسم سوار شدند و بعد از زیارت روضه ششبه که واقف در آن آن اطراف نزدیک غروب آفتاب بعمارت نیاوران معاودت فرمودند

رفته و در آنجا که چادر زده و شیرینی و طرزومات مهیا نموده بودند جناب عالی را ملاقات نمودند و از آنجا با اتفاق با احترام لازم وارد دار الخلافه گردیده در روز پنجم ماه مزبور با جناب پرنس دو العاویکی وزیر مختار سابق و صاحب سفارتخانه در حالتیکه از روزم لارنات پزیرانی و احترام

عمدی فراموش آمده بود شرفیاب حضور همایون انحضرت پادشاهی گردیده مورد اعزاز و لوازشات ملوکانه شد و جناب پرنس دو العاویکی بعد از عرض احضار خود و منضمیت جناب شریف و فرزند حضور بامر النور خردانی نامه علیحضرت امیرالطوایف تقدیم پیشگاه حضور علیحضرت شایسته داشت و از آنجا بمنزل جناب جلالت آب صدر عظیم آمده جناب معظم التی کمال اکرام را با قضای مواعدت دولتی از ایشان بعمل آورد و از آنجا ملاقات جناب وزیر دول خارجی آمدند و بشهر معاودت نمودند و جناب جلالت آب صدر عظیم محترم نیز روز شنبه بیستم را برای بازدید جناب مغزی الیه بشهر تبریز فرمودند

جناب موسیو انجکوف شریف و دولت بیبه روس در روز شنبه شانزدهم ماه رمضان المبارک که وارد دار الخلافه الباهره می شد اولیای دولت علیه با تقاضای دوستی و مواعدت دولتی علیتین لوازم توقیر و احترام جناب مغزی الیه را بعجل آورده مقرول انخافان محمدخان و علیخان سر تپ قره کوزلو و عالیجا محمدخان کلانتر و کفر یوزباشی با پنجاه نفر غلام و اسبان سواری دیدک بایر قباکی طلا از جانب شیخو انب همایون و عالیجا محمدخان و سرنگ از جانب جناب جلالت آب صدر عظیم افخم و عالیجا میرزا غفارخان نایب وزارت امور خارجه از جانب جناب وزیر دول خارجی تا طرشت که یک فرسخی شهر است با استقبال

۱۱۳۴

چون درین هفته لیلی احیا در پیش بود و روز نهم و بیست و یکم و بیست و سیم و بیست و چهارم تقریه دایره و طاعت و عبادت مشغول بودند و کسی اقدام بخل و کاری نمود در این روزها مابین این سه روز کار کرده اند و روزنامه که در هر هفته روز پنجشنبه از دارالطبایع تقسیم می شد در این هفته در روز شنبه تقسیم گردید

سایر ولایات

اصفهان از قراریکه در روزنامه اصفهان نوشته بود عالیجا چراغعلی خان نایب الحکومه اصفهان در انتظام امر اولاد کمال راقبت و اهتمام را دارد و بسبب آفتی که ارسن و سما خوردگی محصولات آنجا رسیده است و محصولات شیورا ضایع کرده کمال سفارش و تاکید را بهر یک از ضابطه و که خدایان و رعایا نمایند که انکاصیغنی کاری تغافل بکنند که بلا نشاند ارضیغنی کاری نفعی عاید آنها شود که بتوانند از عهده زراعت برآیند و از قراریکه نوشته بودند خودچاه مشارالیه برای سرکشی آفات بلوکات و قرار فیصغنی در چهاردهم ماه مبارک میضان بلوکات قضا است

طاعت عمیدی که از جانب سنی احوال علیحضرت پادشاه بافتخار عالیجاه مشارالیه مرحمت شده بود عالیجاه پسر او رسانیده خود عالیجاه نایب الحکومه با جمعی از ضابطه میضان و ضباط و عمال و اعیان بخارج شهر استتقبال گرفته

لازمه توقیر و احترام را بعمل آورده بود و خلعت جامیون را نیز برودش اعتبار و افتخار خود ساخته بشهر مست کرد و بود

از قراریکه نوشته بودند چند نفر از اهل علم و فضل از آنجا که جرقویه بسرقت برده بودند عالیجاه چراغعلی خان بر این کیفیت اطلاع یافته در همان ساعت آدم خود را روانه محال جرقویه نمودند و در راه سارقین را پیدانموده حاکم بیاوردند از قراریکه معلوم شد بلو سارقین نیز پور هفت نفر بوده اند و اگر گفته نزد عالیجاه مشارالیه آورده بود بعد از آنکه تمام بحال معادل یکصد تومان از اموال مسروق استرداد کردند و سارقین را بر حسب مورد است که تمه اموال را نیز از آنها استرداد و بصاحبان ردیاد

دیگر از قراریکه نوشته بودند شخص سیدی از راه فارس عبور میکرده است در حوالی منزل مقصود بیک قاطری از او مفقود شده مشارالیه باصفهان آمده سر را عالیجاه چراغعلیخان نایب الحکومه حالی کرده بود عالیجاه مشارالیه هم آدم با خود و فرستاده قاطر او را پیدا کرده آورده بصاحبش رد کرده قبض گرفته بود

دیگر نوشته بودند که چند نفر از سر بازانی که فرار کرده و از جانب اولیای دولت حکم شده بود که عالیجاه مشارالیه آنها را جمع آوری نماید این اوقات آنها را بهر جا که فرار کرده بودند جمع آوری کرده بدست عالیجاه مصطفی قلیخان

سر تپ سپرده است

دیگر نوشته بودند که عالیجاه نایب الحکومه در آبادی مادیهای بلوکات و توابع و قرار خالصه مراقبت و اهتمام دارد که رعایا در نهایت امیدواری و خاطر جمعی مشغول زراعت خود باشند بخصوصه در آبادی مادی هزار جزیر

۱۱۳۵

و معموریت هزار جریب که محل تفریح و زرد خاص و عام است
کمال استقام را یعل آورده یک نفر آدمی مخصوصه کمال
که مراقب تنقیه فادی آنجا و آبادی هزار جریب شود که
نزمت و صفرا بهرساند

فارس

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند نواب
شاهزاده و الا تبار مویده الدوله لطاس میرزا حکمران
مملکت فارس که بسفر کمیرات لار و نظم بنادر رفته
بعد از فتح بنا در عباسی و غیره انتظامی کامل در امور آنجا
داده و ساغلو و مستحفظ و تهنیکی بهر یک از سرحدات
قطعه جات که لازم بوده گذاشته اند و مواجب و یورات
انهار امقر و داشته اند که با آنها رسیده مراقب حفظ
هر است باشند

۱۱۳۶

دیگر نوشته اند که جدا از آنکه نواب شاهزاده مویده الدوله
از بند عباس مرحت کرده بودند شیخ صید بن سلم که
از اشرا مشایخ اعراب است غزیت تجیر و تصرف
قطعه بند عباس را کرده چند کشتی جنگی آورده بود چند
تو چسبست قلع مزبوره انداخته بود ارتشون دولت
که در قلع مزبوره بودند مطلع شده چند توپ خالی کرده
و کل کشتی آنها را سگسته و آنها مغلوبا و مگوبامرحت کرده
بودند

دیگر از قراریکه نوشته بودند مشایخ اعراب مال زیاد
از تجارت به این دولت برده در قشم و هرگز بخلاف
حساب محجر کرده اند البته اولیای دولت علیه در صد
رفع این عمل خواهند برآمد

دیگر نوشته اند که نواب شاهزاده مویده الدوله که از سفر
بند عباس مرحت کرده بودند در نوزدهم ماه شعبان
وارد شهر شیراز گردیده اند و حلفت عهدی که از جانب
سنی ابجواب علیحضرت پادشاهی بافتخار نواب معزی
مرحمت شده بود در نوزدهم ماه مزبور بعد از لواریم
و استقبال و احترام زیب پرودوش اعتبار و افتخار
خود ساخته بتقدیم شلیک و سایر طرذوات تهنیت و
شادمانی پرداخته اند

دیگر نوشته اند که نواب معزی الیه در انتظام امر
آن مملکت کمال مراقبت و استقام را دارند و مسواره
ادفات خود را صرف رفیع اشرا آن صفحات بنمایند
از جمله نوشته بودند که رئیس خسر و نامی چندی بود که
بنای خود سری گذاشته مصدر قتل چند نفر شده بود
و در عهد شیخ حاکی پایچاده خدمتگذاری نمیکند است
درین اوقات نواب شاهزاده او را گرفته سزای اعمال
خودش رسانده اند

عربستان

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند فوج
سید خوری ابوجعفی عالیجاه و لیجان سر متیب نواب
مستطاب شاهزاده و الا تبار هشام الدوله خان میرزا
حکمران عربستان در وجود و نجسباری
ما موربوشتر کرده اند و فوج مزبور در دویم ماه گذشته
شعبان روانه محل ما مورب کرده اند
دیگر نوشته اند که نواب شاهزاده هشام الدوله عالیجاه
میرزا ابوالفضل و شیخ فارس خان را با انتظام امر محکم

و آن اطراف و آن سر باز امرانی روانه داشتند و جناب
شیخ ابراهیم مجتهد و دو نفر دیگر از شیخ آبخارا نیز برون
لوازم القات در باره آنها که یکصد و پنجاه تومان استری
بانهاده اند بمسرا ایشار الیهار و آنه ساخته اند و
عالیجا میرزا ابوالفضل سان سر باز امرانی را در نیم و سخی
محمده دیده طومار بمهر سرنگان آنها گرفته بنزد نواب معزی

فستاده است

دستم چنین بیت و شت نفر بلوچ مستحفظ که من العدم
و حراست آبخارا مشغول بوده اند عالیجا مشار الیه بیان
آنها را دیده آحاد آنها را نفری دوازده تومان و یک نفر
سردسته آنها را بیت و چهار تومان موجب معین نمود
و برای فراولی کوت محرمه و خود محرمه و تدکره خاسی
آبخارا نوشته است و در امورات آن صفحات نوشته
که مشار الیه اهتمام کامل معمول داشته است

کرمان

از فراری که در روزنامه کرمان نوشته اند خلعت عبیدی
امیر الامراء العظام محمد حسن خان سردار حکمران بزرگوار
که با آنجا رسیده بود لازمه استقبال و توقیر و احترام از
جایون بعل آورده و در شب جمعیت و نیم شب جان در
باغ آقا که در خارج شهر است خلعت با و شاهی را زینت
دوش خود ساخته تیر لاشکر گذار بر مقدم بیان

از فراری که نوشته اند تو سچی و افواج متوقت کرمان همه روز
در توپخانه و میدان ارک مشغول مشغولند و با کمال نظم
قاعده حرکت می نمایند و از احدی امریکه دلیل بر بی نظمی با
ناشی و صبر در می شود

دیگر نوشته بودند که بعد از آنکه کتابچه قانون های یونی
امیر الامراء العظام سردار رسیده بود تحدیدات آنرا
نوشش زد خاص و عام کرده و جمیع صنوف و طبقات
آن صفحات قدغن کرده بود که از انقزار رفتار نمایند
و داده بود جار کشیده بودند که هر کس کلاه خود را با
که در آن کتابچه مقررات کوتاه نماید و کلاه بلند بکنند

اجبار و دل خارجه

درین هفته از دول خارجه اجباری که بروز نامه مناسبت
داشته باشد نبود مگر آنچه در اجالات متفرقه نوشته میشود

احوال متفرقه

از فراری که در روزنامه لندن نوشته اند در تاریخ دهم
ماه رجب قیمت اجناس و ماکولات شهر لندن ازین مقدار بود
نان چهار پوند که بیت و چهار سیر بوزن ایران باشد

نوزده شاهی

نان وسط چهار پوند هفده شاهی
گندم یک پون و دو شش و چهار
گندم وسط یک پون و دو شش و چهار
جو یک پون و دو شش و چهار
باقلا یک پون و دو شش و چهار
ماش یک پون و دو شش و چهار
گوشت گاو و شتر پوند یک من و شش سیر
گوشت گوسفند پوند یک من و شش سیر
گوشت بزه پوند شش هزار و دو
گوشت گراز پوند چهار هزار و یک
قد ۱۱۲ پوند که یک من است و بیست و چهار تومان هر پون

۱۱۳۷

شکر ۱۱۲ پوند که سازده من و بی دیگر چهار تومان له
 از فرار روزنامه مجلس که بتاریخ ۱ حیب چاپ زده شده است
 عباس شاه حکم آن مملکت مصر تنخواهی که از جماعت تجار و دولتمندان
 انگلیس که صاحبان کشتی میباشند که از انگلیس مصر تردد نمایند
 قرض گرفته بود درین اوقات رد نموده است و تمامه این تنخوا
 که مانده بود صد و ششاد پوند پول انگلیس بود که تخمیناً صد
 نود و شش هزار تومان پول ایران باشد و سبب قرض کردن
 تنخواه مزبور این بود که چند وقت پیش از این دولت عثمانیه از
 پاشای مزبور تنخواهی خواسته بود و چون منظور پاشای این بود
 که در فرستادن این تنخواه معطلی حاصل نشود تنخواه را از
 اشخاص مزبور قرض کرده بود و باسلامبول فرستاده بود
 حال تنخواه را سرانجام نموده و بصاحبانش رد کرده است
 درست جنوب بنگال هندوستان تجار است در میان
 هند و ما مشهور و هم آن جگه نجات است و در میان این تنخوا
 بی بزرگ است که در روی عراده گذاشته اند و سالی یک مرتبه
 این بت را بیرون می آورند و بگردن تنخواه میگردانند و خلعی
 از بند و با بزیارت آدمی آیند و بعضی در بین عبور عراده بت مزبور
 خود را بر چرخ عراده او انداخته جان خود را فدای می کنند و
 آنها شکسته و خورد می شود دولت انگلیس چند سال است که
 سعی بسیار کرده اند که این قاعده را موقوف نمایند و نوشته
 در بین روزنامه نوشته اند که عراده بت مزبور که از چوب بود
 آتش گرفته و بالمره سوخته است
 در روزنامه باستان یونانی و یونانی نوشته اند که انبارهای

۱۱۳۸

اطراف آن مملکت از هر قسم غله وارد و سایر ماکولات
 پر بود که چای ریختن غله انداخته و بسیاری از غله بیرون
 مانده بود و کشتی در آنجا کم بود که آذوقه و غله مزبور را بار کردند
 بفرنگستان ببرند و سبب زیاد شدن غله در شهرهای اطراف
 مملکت یونانی دنیای شمالی این است که مملکت مزبور جای بسیار
 حاصل آورد و غله خیر است و مردم آنجا چون شنیده بودند
 که غله و سایر آذوقه در فرنگستان ترقی دارد و قیمت اعلی
 غله و آذوقه خودشان را بکنار دریای فرستاده بودند و
 از آنها بفرنگستان روانه شده است و لکن از فرار یک کشتی
 انقدر کشتی نبود که همه آنها را بار کرده بفرنگستان ببرند و
 این آذوقه فراوان بفرنگستان برسد البته تفاوت کلی در
 قیمت اجناس فرنگستان خواهد کرد

در مملکت یونانی دنیای شمالی بسیاری از رودخانه های عظیم
 از سر تا سر آن مملکت میگذرد و در روی رودخانه های مزبور
 کشتیهای تجار تیز رو بر راه انداخته اند هم سخته تر و در سیاح
 و سم سخته بارهای تجارتی چون که صاحبان کشتیهای مزبور
 بحد یکدیگر کشتیهای خود را بسیار تند میرانند بسیار اتفاق
 می افتد که در سرعت حرکت کشتی یک بخارش می ترکند
 مردمی که در او نشسته اند تلف می شوند از جمله در روزنامه
 انولایت نوشته اند که از کشتیهای مزبور در یک مغتصب
 پنجاه نفر تلف شده اند سبب ترکیب چرخ کشتیها با
 سبب آتش گرفتن و غرق شدن کشتی
 در مملکت فرانسه مانند اکثر ممالک فرنگستان قاعده است
 که هر کس شغل تازه اختراع بکند فرمان میدهد که بی اذن
 او کسی دیگر در آن صنعت مداخله نکند شخصی درین روزنامه

۱۰	سراپه دو تومان	فرانس ساختن قدر از که و اختراع کرده است و فرمان
۱۰	زبدۃ المعارف دو تومان	بضمون مزبور از دیوان گرفته است و قدیمی که از که و میانه
۱۰	معراج العاده یک تومان	مانند قدیمت که از شکر ساخته میشود
۱۰۰۰	حدیقه ایشیه هشت هزار	نواب غلام محمد خان و پسرش درین روزها از زند وستان
۲	شرح کبیر دو جلد شش تومان	بلندن وارد شده اند و نواب مزبور از اولاد پتو صاحب است
۴	شرح المعه یک طبع سه تومان	گویا سلسله مزبور تا سه پست مستمری از دولت انگلیس داشته اند
۱۰	شرح الزیاره دو تومان	حال نواب مزبور بولایت انگلیس آمده است که بلکه طوری
۱۰۰۰	توضیح پانزده هزار	نماید که این مستمری مدامی بشود
۱۰۰۰	فردوسی چهار تومان و نیم	پرنس دوه رو انویل پسر لوی فلیپ پادشاه سابق فرانسه
۱۰	تفسیر صافی یک جلد دو تومان	از پادشاه اسپانیول خواست کرده است که اذن بدو
۱۰	قوانین یک جلد دو تومان	خودش بازن و سایر عیالش در شهر غرانا ده سکنی بکنند
۴	قاموس سه تومان	پادشاه اسپانیول آنجا را اذن نداده است و لکن اذن
۴	مجمع البحرین سه تومان	داده است که در شهر سولون میشیند
۱۰	شحفه الزائر یک تومان	در مملکت انگلیس معدن طلا تازه بکار انداخته اند سنگ سفید را
۱۰۰۰	قرآن ارزان سه هزار	خورد می کنند و طلا از او بیرون می آورند و چرخ و اسباب
۲	مجمع البیان شش تومان	بجهت خورد کردن سنگ مزبور ساخته اند و این سنگ سفید از
۱۰	جوهری شش هزار	قسم سنگ چغنی است و از قسم سنگ عقیق نیز قیمت از سه
۱۰۰۰	زینت المجالس ده ریال	این سنگ شش مثقال طلا بیرون می آید و چرخهایی که با جا
۲	مسالک شش تومان	ساخته اند و در هر جا ساعت حرور از این سنگ خورد میکنند
۴	مدارک سه تومان	و بجهت آنها که نتوانند که داشته اند نفع دارد
۱۰	تفسیر امام حسن عسکری یک تومان	اعلانات
۱۰۰۰	کشورل هفت هزار	کتابهای چاپی و از انجمنه طهران که در کارخانه حاجی
۱۰	تاریخ پطر کبیر دو تومان	عبدالمجید با سه چی در محله نزدیک دروازه دولاب انطباع
		شده است از این مقدار فروخته میشود
		خدمت نظامی بیت و پنجاه

۱۱۳۹

روزنامه وقایع اتفاقیه بتاریخ یوم پنجشنبه ماه شوال المکرم مطابق سال یاسین سنه ۱۲۷۰

نمره صد و هفتاد و هشت

قیمت روزنامه

یک نسخه شاهی

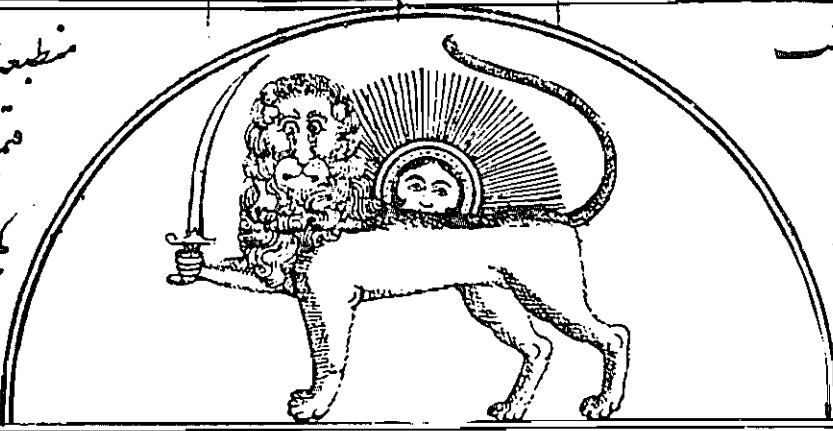
و هزار و چهار هزار

منطبعة دارالخلافه طهران

قیمت اعلانات

بسطر الاجار مطر کتبه در حیات

بیشتر با هر طریقی



اجبار و احکام محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در شب شنبه بیت و هفتم ماه رمضان المبارک
اعلیحضرت پادشاهی بمنزل جناب نظام الملک نایب
صدارت عظمی و شخص دویم دولت علیه ایران که در کاشان
نزدیک نیاوران است تشریف فرما گردیدند و لوازم
و پای انداز و قربانی سجه مقدم بجا یون بعل آمده و افطار را
در آنجا صرف فرمودند و بوجود مبارک شاهشاهی بسیار خوش
گذشته تقدیم خدمات جناب معظم الیه و تکلفات ضیافت
بسیار مقبول و مستحسن خاطر ملوکانه افتاده مورد تحسین و
لوازش گردیدند

اعلیحضرت پادشاهی در نیاوران شمشیران باسلام
عام دادند انسانی دولت علیه و مقربان حضرت گردون
سبط سینه و خوانین و امرا سرکردگان عظام و صاحب
نظام با خلع و نشان شرفیاب حضور هر ظهور خسروانی
گردیده هر یک در مرتبه و مقام خود ایستاده سلام
انقاد یافته اجرای شلیک توپ و زنبورک بقاعده
معمول شد و خطیب در حضور مبارک خطبه بنام اعلیحضرت
پادشاهی ادا نموده شرایط مبارک با دعید در حضور مبارک
تقدیم گردید

۱۱۴۰

در روز شنبه بیت و هفتم اعلیحضرت پادشاهی بعزم
تفرج از نیاوران حوالی عصر سوار شدند و بطرف جلگه شمشیران
و دماوند واقع در آن اطراف حرکت فرموده تا نزدیک
غروب آفتاب بتفرج و تماشای آن صفحات مشغول بودند
و نزدیک غروب آفتاب بعبارت مبارک نیاوران
مراجعت فرمودند

و رسم در روز عید فطر ایچیان دول محتایه بمقیم دارالخلافه
طهران در نیاوران شرفیاب حضور هر ظهور خسروانی
گردیده و مبارکبادی عید فطر اقام نمودند و از جانب
سنی اجواب اعلیحضرت پادشاهی هر یک از آنها تعاقب
ملوکانه مبذول گردید

در روز عید فطر چنانچه در همه اعیاد رسم این دولت علیه

حاجی محمد تاجر تبریزی که بر حسب امر اولیای دولت علیه
چند نفر از ارباب صنایع ایرانی مدت سه سال که مسعود

و بطرز بزرگ برای کتاب صنعت قه بودن این اوقات
 مراجعت نموده اند و اشخاص مفصل از این قرار اخذ فرمایند
 بطور ساز نجات شکر ریز هرگز چیلانگر ریخته که چون
 و با اتفاق حاج مشارالیه بدر بارهایون پادشاهی
 نموده و جناب جلالت آب اجل اکرم صدر عظیم آنها را
 احضار کرده از صنایع آنها تحقیق نمودند و کمال نوازش
 در حق آنها نموده همگی آنها را احلت دادند و مقرر دادند
 که عجلانه دو دستگاه چرخ دستی کاغذ سازی که نه راه
 کارخانه ساخته و آنها را برآه بیدارند و بجایگاه
 مصلحت گذار بطرز بزرگ نیز نوشتند که دو دستگاه
 از زمان چرخ کاغذ سازی از آنجا خریدار روانه نماید
 و خود حاج مشارالیه از دربارهایون بازندان معاد
 نموده که بنای کارخانه شکر ریزی و شکر سزی برادر
 بگذارد و بسیار امیدوار هستند که دستگاه شکر ریزی
 آنجا طوری بشود که تا عرض مدت دو سال بعد کفایت
 همگی ممالک محروسه دولت علییه شکر ما زندان لعل
 بیاید و از همان شکر ما زندان در وقتی که بمانند
 آید صاف کرده بودند نمونه از آنجا جناب جلالت
 صدر عظیم آوردند بهتر از شکر و وزیر بسیار خوب
 درین اوقات عبانی در کاشان از ابریشم لعل آورده
 مثل عبای خوب ابریشی که بلا و نجف عالیجاه محمد ابراهیم
 حاکم کاشان سه ثوب ازین غبایا تمام کرده و بدریار
 هایون فرستاده بود بنظر مبارک اعلیحضرت پادشاه
 رسیده پس استحسن و مطبوع افتاده بجهت ملبوس مبارک

برداشتند و مقرر فرمودند که باز هم این عبایا سازند
 و یکی از آنها را هم بامیر الامراء العظام سردار کل حضرت فرمودند
 سابقا اموالی از تجار زنجانی در میان صایقعه و سنقر
 کردستان برده بودند عالیجاه محمد رضا بیک شریف
 جناب جلالت آب صدر عظیم از دربارهایون بزرگ
 حکم اولیای دولت علیه محصل پیدا کردن اموال سرور
 بود مشارالیه کمال اهتمام را در خدمات مرجوعه نمود
 معمول داشته بعضی از سارقین را بدست آورد و حکام
 آنجا سپرده و اموال سرور و قرا در یافت نموده و
 بصاحبان آنها داده قبض رسیدگی دریافت نموده
 و بنظر اولیای دولت قاهره رسانده و خدمات او بسیار
 مقبول و استحسن افتاد
 عالیجاه دلاورخان فرستاده نتیجه الامراء العظام سردار
 رحمدل خان برادر سردار کهندل خان سردار قدا که
 عریضه بنجاک پای مبارک شاهنشاهی آورده بود در روز
 شنبه بیت و منعم ماه رمضان المبارک وارد دربار
 هایون گردید
 سایر ولایات
 از بابیحان از فرار یک در روز نامه از بابیحان
 نوشته بودند نواب مستطاب چهزاده و الا بتبار نصره
 و مقرب انجاقان قایم مقام در انتظام امور ولایت
 انجام خدمات دیوانی ریاده اهتمام دارند بعضی از حکام
 که شایسته و قابلند هستند از قبیل حاکم ارویل و
 ارومی و قرا داغ و شتر د و تغییر داده عالیجاه حاجی محمد
 نقی خان

۱۱۴۱

قاجار را بکومت ارومی و عالیجاه حیدرعلیخان شاد لوزی
بکومت ارومیل و عالیجاه اسداللهخان قاجار را بکومت
قزاق و اعان مشغوب نموده و بیشتر و در انیز ابو اجمع عالیجاه
یحیی خان ایلیخان حاکم مراغه کرده اند

عربستان

بطوریکه حیوانات سرداده و چرانده اند چون اشجار
باغات را هم تخریب سختی و شدت رستان سردار زده بود
و عابای آنجا ازین جهت بسیار شوش و پریشان حالتند

چون مباشرین سابق میزان از عمل میزان باقی دار بودند
و افراط و تفریط در عمل آنها شده بود لهذا وحشت کرده در آنجا
نماندند بعد از آمدن آنها مقرب انخاقان قایم مقام عالیجاهان
آقا سید اسماعیل تفرشی و حاجی رضای اصفهانی را بر سر
میزان گذاشته است که مشغول خدمت میزان باشند

از قراریکه در روزنامه اینولایت نوشته اند حاجی جابر که
سابقا در محرمه بود و نواب مستطاب هزاره و الا با نام
خان میرزا حکمران عربستان و لرستان و بر و جرد و
اورا بسبب سوء سلوک و تعذبات که نسبت بکنه آنجا
کرده بود معزول و بنزد خود خواسته و نگاه داشته بودند

درین اوقات بجهت قطع امید او از محرمه که دیگر خیال
در آنولایت نداشته باشد و سکنه محرمه از جهت آسودگی
اهل و عیال او را نیز از محرمه کوچاندند مصحوب حاجی زمان
بشوش آورده اند و حسب احکام در آنجا سکنی داده اند
دولت علیه رسانده حکم محکم بایون صادر کردید که نوکر
و سر باز نیز مثل رعیت فرج مالیات دیوانی را موافق
قرار داد دیوان از عهد براید

درین اوقات بجهت قطع امید او از محرمه که دیگر خیال
در آنولایت نداشته باشد و سکنه محرمه از جهت آسودگی
اهل و عیال او را نیز از محرمه کوچاندند مصحوب حاجی زمان
بشوش آورده اند و حسب احکام در آنجا سکنی داده اند

اصفهان

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند عالیجاه
چراغعلی خان نایب الحکومه اصفهان چون این اوقات
عبور و مرور و طوایف قفقازی و بختیاری از راههای اصفهان
بجهت نظم راهها بهر جانی سوار فرستاده است که در روی
هرزگی نشود و کمال اذیت بجهت مراقبت عالیجاه بشار الیه
آن راهها حاصل است

و یکروز نوشته اند که نواب برهیم میرزا نایب الحکومه
در تقدیم خدمات دیوانی و انتظام امر آنولایت تمام
دارند و بحسن سلوک و مردم داری اغلب مالی آنجا را بار
و شاکر خدمتگذار این دولت علیه دارند و کسانی که
اکثر اوقات اقدام بخدمتگذاری میکردند درین اوقات
همگی شایق و طالب خدمتگذاری شده اند که بخدمت
معزنی البه آمده بشوایط اطاعت و بخدمتگذاری اقدام نمایند

از قراریکه تسعیر اجناس ماکولات و غیره شوشتر را نوشته
اگر چه نسبت سابق قدری ترقی دارد ولی باز هم جری
کمال و خور و زانی را دارد از جمله کذب و تخمینا بیچ من بکند
و جوده من بکند و دیار و سایر اجناس نیز از اینقرار فرود
است

از قراریکه نوشته بودند سن بسیار به بلوکات اصفهان
ریخته و پاره ارزومات و بلوکات آنجا یکجا تمام کرده است

و برنج و روغن و حرمان نیز نهایت و فوراً دارد

دیگر نوشته اند که نواب ابراهیم میرزا نایب الحکومه بمرستگان عالیجاه علیه در خان جانکی و سواره ابوالفتحی او را احضار فرموده اند و مشارالیه نیز با سواره خود در کمال استیجاب آمده و سان داده اند و مامور بحفظ و حراست آن صفحات گردیدند که آنجا را از لغدایات و زد و قطاع الطریق و غیره محفوظ داشته باشند

و هم چنین در انتظام و آبادی آن ولایت و زراعت سمت بسند ناصری و نهزا و قرارهای آنجا است تمام کامل نموده اند در عیال آنجا آسوده خاطر مشغول زراعت میباشد و عالیجاه میرزا علی پیشکار عربستان دیرین با بها حسب الحکم نواب الحکومه ایتمانات کافی بجا آورده است

دیگر در انتظام امر شهر شوستر و موقوف نمودن پارکها و خلاف اقبیل قمار بازی و غیره نواب نایب الحکومه قدغن اکیه نموده اند و بعضی خزاها و سردابها که محل اجتماع الوط و اشترار سر باز و غیره سر باز بود که در آنجا بناهای تکب میشدند آنجا را موقوف و اشترار را تبیه کامل نموده اند که بعد از آن تکب اینگونه طای و سنای نشوند و هم چنین زمینهای فاحشه را نیز که مشهور و مشغول بهره کاری بوده است اخراج بلاموده اند

دیگر نوشته اند که عالیجاه محمد حسن خان در فوئی که سابقاً فراراً بعبات عالیجات رفته بود درین اوقات از حسن سلوک نواب نایب الحکومه خاطر جمعی حاصل نموده بدز فول مر حبت کرده است و نواب معزی الیه نیز التفات بسیار با نموده

و خاطر جمعی داده اند که مشارالیه را مورد التفات نواب شاهزاده جهشام الدوله نمایند و عریضه بنویسند و شاهزاده نوشته مشارالیه را روانه بر وجه نموده اند

فارس

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند نواب مستطاب شاهزاده و الاتبار موید الدوله لکهاکب میرزا حکمران مملکت فارس بعد از مراجعت از سفر کرسیه ات لار و بنادر چون خوانین و صاحب منصبان قشون را

که در آن سفر خدمت کرده بودند بوعاطف اویلی و لیت قاهره و تشریفات فاخره سه روز از کرده بودند و همچنین آنها را نیز که در غیاب نواب معزی الیه و شیراز نیراسم خدمتگذاری و تقدیم خدمات و بوان مشغول بودند بشمول خلعت و التفات کرده بودند لئذا در عمارت دیوانخانه

مجلس شیلان و شیرینی ترتیب داده و یکی اهل درخانه از اعظام و خوانین و صاحب منصبان نظام در آن صیانت حاضر شده و بعد از آن همه مجلس بخلع فاخره بحضور نواب معزی الیه رفته اند و نواب معزی الیه از جانب سنی ابجانب اعلیحضرت پادشاهی و امنای دولت علیه بهر یک یک التفات فرموده است

چنانچه در باب بنادر عباسی و غیره سابقاً نوشته شده بود که نواب شاهزاده لوازم است تمام را معمول داشته است و از جمله چهار صد نفر سر باز از فوج قشقایی و کلپایکانی و کلهزار نفر تلقیحی که مسیری تپه ساخلو و کوه توالی قلعه بندر عباسی در وقت مراجعت تعیین کرده و گذاشته اند و حکومت بندر نور و شمل میناب را با عالیجاه عباس خان غلام پیشخدمت

۱۱۴۳

تفویض نموده اند و بعد از ورود بشیر از یک دسته توپچی
و چهار صد نفر سرباز از فوج حومه قرار داده اند که به بند عباس
بروند که آن توپچی و سرباز سابق که در آنجا هستند مرخص خواهند

دیکر نوشته اند که در اوقات توقف نواب شاهزاده در کربلا
که قرار نظم انجمن را میدادند عالیجاه رضاقلیخان سرتیپ را با

فوج عرب ایلاتی ابو ایسمعیل و با خلوی بندر عباس معین کرده
بودند فوج مزبور با غوای بعضی مفتین از صاحب منصبان و

جان فوج با عالیجاه رضاقلیخان مخالفت نموده و بی حکم بشیر از
آمده بودند نواب معسری الیه بعد از مراجعت درین باب مستحقان

نمود معلوم شد و بود تحریر بعضی صاحب منصبان فوج مزبور
بوده آنها که مصدری بودند بعضی را اخراج و برخی را تنبیه کامل نمودند

و خانباها خان یا و را که زیاده مصدری تحریر فوج مزبور شد
از فوج بیرون نموده اخراج کردند و چند نفر سلطان و صاحب

دیکر را که مقصر بوده اند حسب حکم بقول انداخته اند و بعد از
الآن حبس اند و این معنی که دلیل بر تنبیه نواب شاهزاده بود زیاد

و در خاکهای جایون شاهنشاهی تحسین پسندیدند افتاد
دیکر نوشته اند که اوقات مراجعت نواب شاهزاده از سفر مزبور

در منزل جهرم معصوم خان قورت چهار نفر وزیر گرفته حضور آورد
بعد از تحقیق و در حضور یکی از آنها را که معلوم شده بود سالهاست

قطع طرق اشتغال دارد حکم بیاست نموده و سه نفر دیگر
بمحسوس فرستاده اند

دیکر نوشته اند که مصطفی خان بستکی را که در بن سفر علامات
مخالفت و خیانت از او ظاهر شده بود و نوشته است مقید گیرند

او بست افتاده بود حسب حکم نواب شاهزاده مقید و در فوج

تشتانی با قراول وارد شیراز کردند

دیکر نوشته اند که قافلہ از بندر بوشهر با تجاراتی به شیراز می آید
جمعیت از سارقین بر از جانی و غیره همدست شده بودند که

در پنج فرسخی بوشهر قافلہ را غارت نمایند قاسم خان ^{بند}
که مامور خلوا آنجاست جبردار شده و پنجاه نفر سرباز با قافلہ

همراه کرده بود و زردان غافل از اینکه سرباز همراه قافلہ است
در زیر چنار و کبک پنج فرسخی بوشهر بر سر قافلہ ریخته بودند سربازان

بعد م مقابله پیش رفته سه نفر از زردان را دستگیر کرده
بودند و یک نفر از سربازان نیز زخمی کرده و دیده بعد از دو

روز فوت شده بود نواب شاهزاده دو نفر از آن دزدان
حکم کرده بودند در بوشهر نیزه بچ نمایند و یک نفر دیگر را نگاه

دارند حسب حکم معمول داشته اند

دیکر نوشته اند که شخصی از اهلیت در وسط روز در بازار
شیراز راه میرفت ناگاه دفعه افتاده وقتی بهش رفتند

جان تسلیم نموده بود از قرائیکه نوشته بودند ناخوشی ^{خفتگان}
داشته است

دیکر از بلخ خوارکی سال نوشته اند که بجاصل آنولایت
بسیار ضرر رسانده است حتی حاصل بعضی دانات و بلوگان

بالمه تلف کرده است

اخبار دول خارجه

درین هفته نیز اخباری تازه از فرانکستان نیست مگر آنچه در
احوال متفرقه نوشته میشود

احوال متفرقه

از قراول نظام جنبطیه شهر پاریس در آخر ماه جمادی
در پاریس بای تحت فرانسه دو هزار و شصت نفر ^{نظاری}

سوی اطفال که بحساب آورده اند

دست که مزینتی نام که چند سال پیش ازین در مملکت ایتالیا
 میکرد و بزرگ باغبان آن مملکت بود بعد از فرار از آنجا مخفی است
 و محلی معین ندارد و بعضی از مردم گمان میبرند که در ریتش است
 دوباره از مملکت ایتالیا ظاهر شود که باز در آن ولایت قتل
 در مملکت فرانسه تدارک میدهند که در سال آینده عمارتی
 مانند عمارت بلور لندن بجهت گذاشتن نمونه اجناس کل
 زمین برپا نمایند و چونکه این شغل محول به پرسن ناپلیان بود
 او هم مامور با سلا حول شده است حال این کار از جانب
 لوی ناپلیان بر طرفی از ویکی از وزرا رجوع خواهد

در جزیره سنت دمنکو که یکی از جزایر خط استوا میباشد
 آنجا میجو استند بزرگ شورتخان را بلند و شهرت با
 آتش بزندان اهل آنجا خنداشند و کذا

موافق حساب عمارات ولایت خود انگلیس از جمله چهار
 بغداد و بعضی کلیات که بحساب آورده اند

درین روزها در شهر بالتیمور یکی دنیای شمالی ملی از تجار
 آنجا فوت شده و اموال او را که در میان ورثه او تقسیم کرده
 یک ملیان دلار بود که تخمیناً یک کرو پول ایران با

در فرنگستان در خصوص کسانی که در راه آهن با کالک
 سفر می کنند و بجهت هم خوردن کالکهای مزبور که کاهی اتفاق
 می افتد گشته و زخمها میشوند قاعده گذاشته اند که اگر وراثت
 آن شخص که گشته شده یا خود آن شخص که زخمها شده است
 ثابت نمایند که بر سنجو کی کالکها از احوال عجایب این کار بود
 از صاحبان راه آهن و کالک بخارتاوان و ویدیا اورا میگیرند

از جمله درین روزها وراثت شخصی که در راه آهن گشته شده
 بود سه هزار پوند که تخمیناً شش هزار و شصت تومان پول
 از صاحبان راه آهن گرفتند

اشخاصی در مملکت انگلیس و یکی دنیاستند که شرب مسکرات
 حرام میدانند و منع می کنند بسیاری ازین اشخاص در یکی دنیاستند
 شمالی مستند در روزنامه یکی دنیای شمالی نوشته اند که
 در یکی از بلوکات آن مملکت خلق در مسویرتخانه قاعده گذاشته
 بودند که ساختن مسکرات از دیوان منع باشد و بنا داشتند
 که هر کس ظروف و غیره بجهت ساختن مسکرات داشته باشد
 شکسته و بر طرف نمایند و لکن دیوان در آنجا این حکم را مجری
 نداشت زیرا که در آن ولایت قانون آزادیت و این عمل
 قانون آزادی بود

از فرار روزنامه مند و ستان ندر بزرگ در نزدیکی رودخانه
 لنگ که بجهت ترود کشتیهای سازند کم مانده بود که با تمام برسد
 و بنا داشتند که در ششم ماه رجب بجهت ترود کشتیهای بسازند
 داین کار در هندوستان کار بسیار عمده است و گویا تا بحال
 در آن ولایت در عهد بیچیک از پادشاهان آنجا چنین کاری
 با تمام نرسیده باشد و قتی که تمام شود و عبور کشتیها از آنجا متوقف
 نفع بسیار هم بجهت رعایا و صاحبان املاک آن اطراف و هم بر
 کسانی که تنخواه در ساختن این بن خرج کرده اند خواهد کرد

۱۱۴۵

روزنامه قایع اتفاقیه تبایخ یوم پنجم ماه شوال المکرم مطابق سال بر سن ۱۲۷۰

مده صد و هفتاد و نه

منطقه دارالخلافه طهران

قیمت روزنامه

قیمت اعلانات

یک نسخه در هر یکسال

یک سطر اچهار سطر که از

بیشتر باشد سطر پنجم

و تان و چهار هزار



اخبار واحده ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز پنجشنبه سیم انیماه اعلیحضرت پادشاهی از نیوا
 عزیمت شهر دارالخلافه فرموده سه ساعت از روز گذشته
 شدند و جناب جلالت آباء صدراعظم و پسران عظام
 و امنای دولت عالی و مقربان حضرت گردون بطن
 و سایر خدمتگزاران و زراد در رکاب مبارک شرفرستند
 و چنانچه در روزنامه سابق نوشته شد قانون دارالخلافه
 که در ایام ماه مبارک رمضان کسبه و اصناف شهر و جا
 معین جمع شده اسباب بلور آلات و امتعه گرانها و اقش
 از هر قبیل در حجرات که ترتیب داده اند چیده آرایش میدهند
 محل تفرجگاه و خرید و فروش و داد و ستدی شود امسال چون
 میدان جلور و ازاره ارک مبارکه مشهور بزمیدان حبیب الاشراف
 تازه با کمال شکوه و صفا ساخته شده است تجار و کسبه و اصناف
 و ارباب صنایع در میدان مزبور حجرات ترتیب داده و بیا
 و امتعه آرستند و چونکه در ایام ماه مبارک رمضان اعلیحضرت
 پادشاهی بشرف تشریف فرماتند بودند معترف فرمودند که اقش
 و نفایس میدان مزبور را برچینند و بهمان قیمت ویرت

باشد تا روز مزبور که موکب هایون تشریف فرمای شهر گردیدند
 بمقرع میدان حد تشریف برده تجار و کسبه و صنعتکاران
 از سه و بلور آلات و نفایس در جلو حجرات خود داشته
 بعضی عرض حضور مبارک آوردند و خود اعلیحضرت پادشاهی از آن
 پسند خاطر هایون افتاد از آنها خریداری فرمودند علاوه از آنکه
 تجار و کسبه از فروش امتعه خود و نفع بردند از زمان
 وجود نفایس ایچو مبارک کمال خرمی و انبساط بجوم مالی دار
 حاصل گردیده زبان بشکرانه این موهبت و دعای دوام
 دولت جا دیدت علیه کشود و اعلیحضرت پادشاهی بعد
 تفرج و تماشای آنجا در همان روز نزدیک بغروب آفتاب
 بهارت مبارک بناوران محادثه فرمودند
 وزارت و ظایف و موقوفات کل ممالک محروسه پادشاهی
 صان الله عن لیسهای از جانب سنی ایچو انب اعلیحضرت آید
 شاهنشاهی بموجب صد و فرمان لازم الاذعان هایون
 مفوض و مرجوع بمقرب انخاقان جناب سرزاد محمد حسین عضدالملک
 و بمقتضای حکم اولیای دولت قوی شوکت علیه ثبت
 و ظایف و موقوفات از دفتر خاتمه مبارکه عمده سبب انخاقان

۱۱۴۶

مشاور الیه تجویز تسلیم شد است و حسب الامر مقرر است که
 پشت فرین و احکام مطاعه که داخل محل وظایف و موقوفات
 دار و خطه همدان را به محل اعتبار و بی خط و مهر او از دفاتر
 خلود نکند و بامه استوفیان عظام نزد چون انضباط امور
 وظایف و موقوفات زیاده از حد منظور نظر میون است لهذا
 بر عموم متولیان و اشخاصی که داخل امر موقوفات در مالکیت
 میباشند امتیالاً الامر الاعلی لازم می آید واجب است که بی اطلاع
 مقرب الخاقان شایر الیه یا مباشر او داخل در امر موقوفات ننمایند
 و همه له ثبت و سرشته و دخل خود را به شایر الیه برسانند که بطاعت
 اولیای دولت عتده رسانند همه محاسبات موقوفات
 نیز در جزو وظایف باد و اینان عظام پرواز و بدیهی است
 که هر کس اقدام بر نقاری نماید که منافی حکم هایون باشد
 مورد مواخذة خواهد شد

چون منظور علیحضرت پادشاهی از دایر نمودن در ^{الظنون} دار
 و آوردن محلیت از فرنگستان ترویج قوانین نظامیه و قواعد
 حربیه و سایر علوم هندسه و طب و غیره است و بحق از وقتیکه
 در سه منور و دایر شده هر یک از میران بچه و سترسیان و
 صاحب منصبان نظام کمال سعی و اهتمام را در مشق و حرکت دادن
 نظام و اقسام حرکات حربیه معمول داشته و ترقیات کلی
 نموده اند از جمله عالیجا بمقرب الخاقان علیخان سرتیب فرار کوز
 کتابی در علم نظام و اسلح جنگ و قواعد مشق قشون تالیف
 نموده و عالیجا کلون صاحب تصدیق کرده بود بتوسط امیر الابرار
 سردار کل بجنوب هایون علیحضرت پادشاهی معروض داشت
 و بسیار سخن و مطبوع خاطر ملوکانه افتاده شایر الیه را مورد
 تحسین و التفات خسروانی فرمودند و از حضور هایون از آن

مخصی حاصل نموده درین روزها بهمدان روانه گردید که در
 سرفوج ابو اجمعی خود بوده امر آنها را قطع بداد تا هر وقت
 که احضار فرمایند بدینجا یون و دست نماید
 درین اوقات که موکب هایون در نیاوران تشریف دارند
 امورات دار اختلاف طهران با مقامات وانی و مرافقت
 کافی نواب سطا شایر زاده و الاتبار اردو شیر میرزا حکمران
 و مقرب الخاقان میرزا موسی و زید در اختلاف طهران و تواج کمال
 انتظام است و اشخاصی که مقرر و مراقب نظم شهر و محلات
 از قبیل عالیجا محمود خان کلانتر و که خدایان و صاحبان
 نظام قرا و نجانها و داروغه و کزنها و غیره همگی در عیانت موکب
 هایون نهایت خدمتگذاری را در انجام خدمات مرجوعه
 معمول داشته اند

از فرار یک در روزنامه شهر نوشته بود نزدیک نفع ضعیفه
 یزدی بقدر ششصد مفسد تومان اسباب از مردم بد بیج
 سرت نموده بود عالیجا میرزا رضای که خدا او را گرفته است
 نواب شایر زاده آورده بود معلوم شده بود که ضعیفه بزور
 سه سال قبل نیز در طهران بدزدی گرفته شده بود و بعد از آن
 اموال مردم او را از دار اختلاف اخراج و بدین فرستاده بودند
 این اوقات در ثانی بطهران آمده و بنای سرت را گذاشته
 بعد از آنکه اموال مردم تماماً از او استرداد و بصاحبان
 اموال تسلیم کردید نواب شایر زاده حکم کردند که او را است
 نایب چا پان خانی سپرده الترام بگیرند که برده در نزد بنای
 یزد سپرده قبض گرفته بیارند

سایر ولایات

۱۱۴۷

آذربایجان

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند امورات
 آنجا از اهتمامات نوابش بزرگوار و الا بتا برضه الدوله
 فیروز میرزا و مقرب الخاقان قایم مقام کمال انتظام
 دارد و حکام جزو نیز بعضی چنانچه در مفته گذشته نوشته
 تغییر و تبدیل یافته و همگی روانه مقر حکومت خود شده اند

استرآباد

در روزنامه استرآباد نوشته اند که بعد از آنکه مقرب الخاقان
 محمد ولیخان بیکری یکی از کوهگان مراجعت کرده بود خلعت
 هاپون رسیده لازمه احترام را از خلعت مهر طلعت
 بعل آورده بود و با جمعی از سرکردگان و صاحب منصبان
 و توپچی با استقبال خلعت رفته بعد از ادای مراسم شکر
 گذاری خلعت هاپون را بزرگوار و در پیش آنها جود نمود

خراسان

از قراریکه در روزنامه خراسان نوشته بودند نواب
 مستطاب بزرگوار و الا بتا فریدون میرزا فرمانفرمای
 مملکت خراسان بمقام ماه رمضان المبارک از آق در بند
 مراجعت کرده تا روز خلعت عیدی اعلیحضرت پادشاه
 پوشیده لازمه احترام را در استقبال خلعت آفتاب طلعت
 بعل آورده بودند و روز ششم ماه فروردین داخل شهر شده بجهت
 تنبیت و توقیر و احترام خلعت روز و در بیشتر چند توپ
 شده اعیان شکرگزار با استقبال نواب مغزی الیه رفته بودند
 و بعد از آنکه نواب مغزی الیه بزیارت روضه منوره رفته و
 مراجعت کرده بودند چون در سنگهای نزهتخانه خرابی مشاهده
 کرده بودند دستور العمل داده و قدغن کرده بودند بزودی

تعمیر خرابیهای آنجا را نموده آب بندازند و مقرب الخاقان
 میرزا فضل الله وزیر نظام متولی باشی و پیشکار خراسان
 قدغن کرده بودند سنگهای قوی صحن کهنه را بکلی کنده اند
 سنگ فرش نمایند و طلاکاریهای ابوان کهنه را که ضعیف
 شده بودند استناد کاشته اند که پاک کرده کلزار اند
 و سقاخانه و باره طلاکاری نمایند و هم چنین مسجد کهنه
 هم بنا گذاشته اند که درست تعمیر نمایند و دیوارهای
 بنا انداخته و درست تعمیر نموده اند و جنسی خوب و متحرک
 شده است

سمنان

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند یک کرک
 با چند کلاغ دیوانه شده اند و آن کرک چند نفر در صحرا باره
 کرده بوده است بعد مردم اجماع کرده و او را با تفنگ کشته
 و لکن آن کلاغها بیجا با سه تعب آوهای میکنداشته اند
 و متعاقب هر کس که میرفته اند دیوانه می شده است
 بهین طریق سی چهل نفر دیوانه شده بودند و بعد در وقت
 روز کلاغها در آنجا بودند اند بعد رفته اند و از آنها خبری
 نشد

کرمان

از قراریکه نوشته اند امیرالامرا العظام محمد حسن خان سردار
 حکم آن بزرگوار کرمان کمال اهتمام و تا نگید در نظم و نسق
 شهر و بلوکات و جوانب دارند و امر رعیت بسبب اهتمامات
 سردار کمال نظم را دارد و اشعار را تمبیه کامل مینماید از جمله شخصی
 خور و همسجده جامع رفته بود او را گرفته بنزد سردار آورده بودند
 از اینکه مست بمجد رفته و در کتب چنین چهره می شده بود
 اورا حبس کرده و تمبیه کامل نموده بعد از آن اخراج نمودند

اخبار دول خارج

انگلیس

تا پنج کا قاعده آخر که از لندن رسید چهار ماه شعبان بود در مشورتخانه آنولایت گفتگونی شده بود در بعضی اشخاص که یکی از مالک کوچک ایتالیا رفته بودند و در بعضی اشخاص که در آن مملکت مجوس بود با منهای دولت آنجا گفتگو کرده بودند و همچنین بعضی اشخاص دیگر از اهل انگلیس که چند وقت پیش ازین به پترزبورغ رفته و بنجدمت امپراطور مشرف شدند که ممانعت از جنگ نکنند چونکه گفتگوی مابین دولتین مخصوص پادشاهان است این اشخاص که رفته مطالب خود را پادشاهان دول خارج گفته اند خلاف قانون دولتی کرده اند قاعده چنین بود که عرض مطالب خود را به دولت خود نمایند و ایلیان و امنی دولت از جانب دولت این گفتگو را با خارج در میان بیاورند و چون قاعده دولت انگلیس این است که اگر کسی از اهل آن مملکت در خارج تقصیر کند چاکران دولت انگلیس تسلط ندارند که او را متبجح کنند موافق قانونی که داشته تنبیه کردن این اشخاص قدری مشکل بود حال درین باب حکمی صادر کرده اند که هر کس از اهل انگلیس برود و پادشاهان دول خارج مطلبی بی اطلاع ایلیان و چاکران دیوان بگوید مورد مواخذة خواهد شد

درین روزهای یکی از کشتیهای پادشاه انگلیس که در دست دول بود که بکنار مملکت افریقیه رفته بود بولایت انگلیس مراجعت کرده و درین دو سال بچاکس از اهل این کشتی مرده اند و بسیار غیر سبب اینکه با قاعده آن ستمها را بسیار بد آب و هوا پیدا کنند سهل است بسیار اتفاق می افتد از اهل کشتیها که با بنجا میفرستند و سخته بدی است و هوادر آنجا تلف میشد بسیار تعجب میکنند که در این دو سال بچاکس از اهل این کشتی تلف و قوت شده است

و باین سبب میدانند که حالاک فی که با بنجا سفر میکنند خود را که بهوای آنولایت مناسبت داشته باشد بگذرند و اندک بلکه معالجات ناخوشیهای را نیز که در آن ستمها عارض میشود بهتر از سابق قبیله اند اکثر ناخوشیهای آن ستمها از سبب ولزاست که در عرض چند روز آدم را تلف میکند و لایق مزبور که سیر است و در زیر خط استوا واقع است جنگلهای سخت دارد و درود خانهای عظیم از آنجا میگذرد که در آنجا داخل بحر محیط میشود و بجهت شدت حرارت و رطوبت غمغمی که در هوا از پوسیدن درختها که در چمنها و مردابهای پوسیده حادث می شود ناخوشیهای بسیار در آنولایت بهم می رسد بطوریکه اهل دلایات دیگر مشکل در آنجا می توانند زیست نمایند

باز درین اوقات از مملکت انگلیس سبت دوم پیوسته میفرستادند از آنجمله یک کشتی بنجار بزرگ حاضر کرده بودند که غیر از کشتیها نمان هزار و دو سبت نفر قشون و شانزده سبب و ششصد طلیک بار و در میانش بود

در خصوص قشون ردیف مملکت انگلیس که بجهت صلح و نظم خود آنولایت اند سا بقا حکم چنین بود که سالی یکده سبب مشق جمع بشوند و بعد از آن مرض خانه باشند حال چونکه قشون کجا بریاد بنجار میفرستند حکم داده اند که قشون ردیف بعضی دایم حاضر باشند و مرض خانه نشوند و بقدر پانزده هزار یا بیست هزار نفر ازین قشون در بعضی از حصارها که در آن مملکت برقرار بشوند و بعضی ازین افواج را هم خبر کرده اند که تا مدت شش ماه و بعضی تا یک سال حاضر بوده و مشغول حصارها که از دولت رجوع میشود باشند

۱۱۴۹

در اوایل ماه شعبان در مملکت انگلیس جوانی نسبت به فصل بسیار سرد
کریده و بارندگی زیاد شده بود با مکرک آما بچه حاصل گندم
و غیره بسیار نفع کرده بود

دیگر نوشته اند که بحث و گفتگویی که مابین عملجات کارخانجات
پنبه و صاحبان کارخانها در شهر پرتین بود درین اوقات کم
مانده بود که تمام بشود و عملجات مزبور لابد شده بودند که کلیف
صاحبان کارخانها را قبول نموده بهمان اجرت که آنجا میدادند

مگر بعضی که شغل آنها راه بردن چرخ ریمان تابی بود آنها نیز
چنین گمان داشتند که درین روز گفتگوی خود را تمام کرده مشغول کار
خود باشند

دیگر نوشته اند که در شهر پرتین مملکت انگلیس آتش و کارخانجات
سکر ریزی و قند سازی افتاده و بالمره سوخته و بقدر شصت و چهار
هزار تومان اموال در آنجا تلف کرده بود و نزدیک به یکصد و پنجاه
نفر عمده که در آنجا کار میکردند بسبب آتش گرفتن کارخانه مزبور کشته
مانده بودند و تا بحال هیچکس سنجاطر نه ارد که چنین آتش در شهر
مزبور بجای کارخانه افتاده باشد

در روزنامه پاریس تاریخ چهارم و پنجم شعبان نوشته اند
که ایلمچی کبیر انگلیس مقیم پاریس بنا داشت که بشهر لندن مراجعت
نماید و چند روز در لندن مانده بعد بجل ماموریت معاودت

بکند فرانس

تاریخ کاغذ آخر که از پاریس پای تخت فرانسه نوشته اند
شعبان بود و نوشته بودند که دولت فرانسه حکم کرده بود
که در سمت شمال مملکت فرانسه اردوی قشون جمع بشود نزد یک
سنت عمر و درین خصوص از قرار روزنامه گفتگونی شده است

مابین دولتین فرانسه و پروتیه دولت پروتیه از
جمع شدن قشون فرانسه در آنجا خیال دیگر کرده اند بسبب
در ایام ناپلیان بزرگ قشونی در همان اطراف نزدیک شهر

بلون جمع کرده بودند و همان قشون مانور جنگ مملکت نموده
و حمله با تولايت برده فتح مشهور بهینه را در آن جنگ نمودند
درین اوقات نیز که قشون فرانسه در آن طرف جمع شده
شهرت دارد که درین خصوص گفتگونی مابین دولتین پروتیه
و فرانسه شده است

دیگر نوشته اند که درین اوقات اسبمت جنوب مملکت فرانسه
و از مملکت جزیره العرب که در تصرف فرانسه است پیوسته
قشون اسبمت اسلامبول میفرستادند

دیگر در روزنامه این ولایت نوشته اند که ایلمچی فرانسه مقیم
اسلامبول را خواسته بودند و بنا داشتند که سر کرده
قشون سنت عمر نمایند و لکن این خبر چندان یقین و محتمل
از جمله وزدیهای غریب که در روزنامه فرانسه نوشته اند
این است که بعضی اشخاص با اذن دیوان در بازار ماوجاها

محل اجتماع مردم بودند کسی از قمار بازی که لا تاری میناسند
میکردند و در هنگامی که مردم جمع کرده سرگرم بازی شدند
دزدان کبیر بر می میکردند و ثابت کردن این دزدی بکردن
اشخاصی که مرتکب سرقت میشدند بسیار مشکل بود بقدری چاه
بزرگ دیوانیان آمده بودند که در باب دزدان شهادت میدادند
و لکن از شهادت آنها چیزی بکردن دزدان ثابت نشد بود
که بتوانند آنها را تنبیه نمایند تا یکی از دست دزدان مزبور را
ببست آوردند و بودند که بعض خود و همسرمان خود اقرار کرده بود

۱۱۵۰

آنوقت این دردی بگردن آنها تاب شد اکثر این مردم که
بسرقت اقدام می نمودند صاحب چیز بودند و بعضی قدری
اطاک داشتند از اینها بعضی را بعهده یک سال و بعضی را
دو سال و بعضی را سه سال و بعضی را چهار سال باندازه
آنها حکم حبس دادند

سایر دول فرنگستان

در مملکت اسپانیول که چند وقت پیش ازین خبری افتش
بود و بعضی از خوانین و سایر مردم آنجا را گرفته و فرج
بودند حال آنولایت ظلم گرفته است ممالک ایتالیا نسبت
سابق آرامی و امانت داشت و بعضی از مردمان صاحب
اطاک که در خصوص یاغی شدن از دولت املاکشان
دیوان شده بودند و مشتادونه نفر بودند حال که چند
سالست آرام گرفته اند مثل ریشگی سر کرده قشون
استریه و نایب سلطنت آن مملکت حکم کرده بود که اطاک
آنها را پس بدهند

در مشورتخانه ساردینیه گفتگویی در خصوص امورات فرنگستان
شده بود و مصلحت آنها با اینجا انجامید بود که دولت مزبور
هیچ مدخلیت سنجکی که حالا در فرنگستان داشته باشند
و صلاح دولت را درین دیده اند که بآله در کن استیفاء
باشند

از فرار خبری که در روزنامه کویتن پکن پای تخت دینارک
نوشته اند در اول ماه شعبان پنج روبروی شهر میان
رودخانه ریگ آب شده بود رود بنوه نیز که از پای تخت
و از قزاقستان و میکذرخش شکسته بود و لکن بجهت زیادتی سیخ
که در میان آب بود تا چاره رود و عبور در آن رودخانه

بجهت کشتیها مشکل بود
در مملکت مادینه که آنهم یکی از ممالک کوچک ایتالیا است
چند نفر بودند که بفرار بهای آن مملکت خبر فرستاده بودند
گرفته مجبوس کرده بودند و لیکن هر سخوردکی در آنولایت
اتفاق بقصداده بود

سینکی دنیای شمالی

در روزنامه سینکی دنیای شمالی که بتاریخ پانجمین اول
شعبان نوشته اند در مشورتخانه آنولایت باز گفتگویی
در خصوص جزیره کویت شده بود و اهل آنجا زیاد از دولت
اسپانیول دلخوری داشتند که چاکران دولت اسپانیول
از فرار گفتار اهل سینکی دنیا کمتر نسبت با اهل آن مملکت
تقدی و بی حسابی کرده اند کاغذی نوشته بودند که از
پیچیدال قبل ازین تاکنون چند بار با اهل سینکی دنیای شمالی
از چاکران دولت اسپانیول مقیم جزیره کویت بی حسابی و
ظلم شده است و با اینکه با کمال ظلمت رفع ظلم مزبور را
خواهش کرده بودند دولت اسپانیول قبول نکرده اند و
بدا اهل دولت سینکی دنیا نرسیده و رفع ظلم از آنها
موافق روزنامه های سایر ولایات این گفتگو با همه علامت
جنگ است که دولت سینکی دنیای شمالی در آن سمتها
پرزورند بهانه جوئی بجهت جنگ می کنند و اینمضی بر ظاهر است
که اگر ولتین انگلیس و فرانسه نمی شدند تا سجال با خود
دولت سینکی دنیای شمالی یا از اهل آن دولت بی
اذن دیوان جزیره کویت که سخته آب و هوا و حاصل
بهترین جامای روی زمین است از تصرف دولت اسپانیول
در می آوردند ازین گذشته هم چند وقت پیش ازین کشتی

۱۱۵۱

یکی دنیای شمالی از شهر موته می آمد و توب سلام که قاعده است
 بجهت حرمت بیدق آن شهر خالی می کنند خالی نکرد و موسی
 وزیر مختار بجانب دولت یکی دنیای شمالی مقیم پای تخت
 اسپانیول بجهت اینکه بعضی مطالبی که داشت دولت اسپانیول
 قبول کرده بود کم مانده بود که دوستی و موافقت بین دولتین
 برهم بزند و باعث بولایت خود نماید دیگر کسی کوچک که مال
 دولت نبود اما مال خلق بود و پراز تفنگ و اسباب جنگ
 چند وقت پیش ازین از شهر نیویارک روانه شد و نزدیک
 شهر نیویارک رسیده بود و کسی نمیدانست که این کشتی را
 بجا خواهند برد و لکن چونکه شهر مزبور نزدیک جزیره کوبه است
 منطقه کلی دارند که با آن جزیره روانه شود و قنول اسپانیول
 مقیم شهر مزبور بجا ک جزیره کوبه خبر فرستاده بود که چنین کشتی
 نیویارک رسیده است چاکران دیوان در جزیره کوبه خبردار
 و هوشیار باشند که اگر کشتی مزبور با آنجا بیاید او را بگیرند
 از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند در یک هفته
 پنجاه و پانصد نفر مرد و زن از دولت فرنگستان خصوصاً از
 دولت انگلیس داخل شهر نیویارک میکی دنیای شده اند و یکصد
 یکصد نفر بشهر قله تلفیه آمده بودند
 بعضی از صاحب منصبان قشون بحری روس در نیویارک
 بودند و پیوسته کشتی سازخانه آنجا می رفتند کمان داشتند
 که میخواهند کشتی از دولت یکی دنیای بجهت دولت روس
 بکشند در شهر چارلستون افتاده و خانها و انبارها سوخته
 بودند و نزدیک بدست و پنجاه هزار تومان بر دم صدمه خوردند

در یکی از شهرهای آنجا هم بر سحر و کی شده بود در خصوص اینکه
 بعضی از اهل منت تصدیق کرده بودند چاکران دیوانی آنها
 گرفته و مجبوس کرده بودند سایرین که بقدر سبب نفر بودند
 میخواهند در ب مجبوسخانه بکشند و رفقای خود را بیرون
 بیاورند یکی از چاکران دیوان کشته و یکی زخمی شده بود
 چاکران دیوان جمع شده و بسیاری از معتصرین را گرفته
 و مجبوس کردند

بعضی از تجار فرانس از یکی از دول کوچک یکی دنیای جنوبی
 طلبی داشتند و این دولت حق تجار مزبور را میدادند شش
 کشتی جنگی از دولت فرانسه بان است آمده بود که حق تجار
 خود را از دولت مزبور بگیرند

سابقاً قاعده دول این بود که محل و نقل بار از شهر تا شهر ولایت
 در دست خود اهل آن دولت بود و نمیکند استند که اهل دول
 خارجه از شهر تا شهر میان ولایت بار بگیرند و حمل و نقل میکنند
 حال دولت انگلیس حکم کرده اند که اگر اهل دولت یکی دنیای
 شمالی بخواهند بار از لندن بگیرند که بشهرهای دیگر انگلیس ببرند
 اذن داشته باشند اهل یکی دنیای شمالی ازین حمله
 بسیار راضی خوشنود بودند و لکن معلوم نیست که آنها نیز این
 اذن را بجهت اهل انگلیس بدهند

احوال متفرقه

در روزنامه فرنگستان در اوایل جمادی الثانی و اوایل حبس
 تفصیل ستاره دنباله دار را نوشته اند که در آن ایام پیدا
 بود و در بیت و چهارم جمادی الثانی نزدیک بکره افتاب شده
 بود و بعد از آن چنانکه قاعده این ستاره است تراجیح نموده و بعد

۱۱۵۲

خبر روز عایب کرد به

لاشک واجب نقل میداند و می کنند

اعلانات

کتابهای چاپی طهران که در کارخانه حاجی عبدالعزیز
در محله نزدیکی دروازه دولا ب الطباع شده از اینقر
فروخته میشود

- ۱۰۰۰ خم نظامی بیت و پنجاه
- ۱۰۰۰ سه ایر دو تومان
- ۱۰۰۰ زبده المعارف دو تومان
- ۱۰۰۰ معراج السعاده یک تومان
- ۱۰۰۰ حدیقه الشیخ هشت هزار
- ۱۰۰۰ شرح کبیر دو جلد شش تومان
- ۱۰۰۰ شرح لمعه یک جلد سه تومان
- ۱۰۰۰ شرح الریاره دو تومان
- ۱۰۰۰ تصریح پانزده هزار
- ۱۰۰۰ شاهنامه چهار تومان و نیم
- ۱۰۰۰ تفسیر صافی یک جلد دو تومان
- ۱۰۰۰ قوانین یک جلد دو تومان
- ۱۰۰۰ قاموس سه تومان
- ۱۰۰۰ مجمع البحرین سه تومان
- ۱۰۰۰ تحفه الزائر یک تومان
- ۱۰۰۰ مجمع البیان شش تومان
- ۱۰۰۰ جوهری شش هزار
- ۱۰۰۰ زینت المجالس دو ریال
- ۱۰۰۰ مسالک شش تومان
- ۱۰۰۰ مدارک سه تومان

درین روزها دولت روس بنا دارند که کشتیهاست
مملکت بیان بفرستند و کشتی ازینکی دنیا با نولایت رفته است
از قراریکه در دو نامه انجلس نوشته اند منظور این دو دولت
این است که مملکت بیان من بعد مانند سایر جایهای روی زمین
بجبهه تجارت کل روی زمین مفتوح باشد تا مجال اهل دولت
بیان نیکد اشتند که اهل دول خارج داخل ولایت آنها
و چند کشتی که بجبهه تجارت با نجامیرفتند اذیت زیاد میدیدند
در روز و کشتیها توپ و تفنگ و هر چه سلاح حرب بود از آنها
کشتیها می گرفتند در قدیم الایام بسیاری از اهل این مملکت
عیسوی بودند و چونکه اهل بیان حال عداوت بملت عیسوی
داشتند چند وقت پیش ازین هر چه عیسوی در آنولایت بود
همه را کشتند اهل این جزیره بسیار ضعیف جنبه و حیوان
از جنگ بسیاری ترسند قشون رکابی که دارند صد و پنجاه
بزرگ فرستاد و در هنگام ضرورت تا سیصد بزرگ میتوانند
بگذارند و جمع بکنند و لکن آنها که با نولایت رفته اند گمان
که با وجود این قشون زیاد اهل آنجا بتوانند در مقابل قشون
فرنگستان وینکی دنیا ایستادگی نمایند و بسیاری از اهل
آن جزیره مذمبی دارند که بعضی از قانون آن شباهت بسیار
عیسوی دارد و چونکه اشخاصی که این مذمب را دارند در
اهل نولایت مظهر اند و درینست که اگر از دول فرنگستان
که عیسوی هستند با نجام بروند اشخاص مزبور بطرف آنها مایل
شده با اهل بیان جنگ نمایند از قراریکه می نویسند اهل این
جزیره چند ان سفک دماء و بیجا نشان محمول نیست و بجبهه
تقصیری بسیار نمی کشند که کبیر از کجای بکنند که عیسویست او را

۱۱۵۳

روزنامه قایح اتفاقیه تاریخ یوم چشنبه مفهده ماه شوال المکرم بقیال برسن سنه ۱۲۷۰

نزه صد و شصتاد

قیمت روزنامه
یک نسخه ده تبریکه
و نان و چهار هزار



منصبه دار انخلاقه حدان
قیمت اعلانات
یکمطرا چهارمطرا که هزار
بسته با هر طریقی

اجبار و احده مالک محروسه پادشاهی

دار انخلاقه طهران

۱۱۵۴

گذشته نزدیک غروب آفتاب بعبارت مبارکه نیادان
معاودت فرمودند

عده الامراء العظام سید محمد خان ظهیر الدوله حاکم بهرات
عالیجاه سردار صالح خان رابا چندر بس اسب پیشکش بجای
همایون فرستاده بود در روزیک شنبه سیزدهم
ایناه وارد شده در سیاق نیادان شرف اندوز خاک
مبارک گردیده مورد شمول الطاف و مراسم ملوکانه شد

در روز دوشنبه چهاردهم ایناه یسعیت بغروب مانده در
هوای انقلابی پیدا شده طوفان در عدد برق سرگرد و بعد از آن
بنای باریدن باران گذاشته و از سر سبالی صبح بکرات
باران ریاد بار عدد و برق شدید آمد بطوریکه درین موسم
بسیار کم اتفاق افتاده بود که این طور بارندگی درین ولایت
بشود و غوز از اطراف خبر میدادند است اما دور نیست که بعضی جاها
سین بر راه افتاده باشد

در روز شنبه گذشته اعلیحضرت پادشاهی بفرموده تفریح
سمت سو مانگ و آن اجراف سوار شدند و تشریف فرمای
سردار آباد که جانی است با صفا امیر الامراء العظام جنجیان
سردار ساخته است گردیدند چون بیدستان و جیبان
اسطوخ اتجا چند روز قبل هم که موکب همایون بان ستمها
تشریف فرما گردیده بودند بنظر مبارک رسیده و سخن
خاطر ملوکانه افتاده سفارش فرموده بودند که انجارا صفا
داوه تمیز نمایند و حسب المقرر همول داشته در روز فرورد که
موکب همایون با تنجا تشریف فرما گردیدند سر پرده چوین
پوشش متحد در بیدستان انجار زده بودند امنای دولت
علیه و بعضی از خواص مقربان حضرت کرده و ن لسط سینه
در رکاب بودند عالیجاه میرزا محمد کاشته امیر الامراء العظام
سردار در وقت ورود موکب ششاهی لوازم پیشکش و قربانی
مقدم همایون را بطور شایسته تقدیم نمود و اعلیحضرت پادشاهی
تا عصر در آنجا تشریف داشتند و بر وجود مبارک بسیار خوش

در روز جمعه یازدهم این ماه شوال المکرم که عید مولود و صلوات
امیر الطور مالک دوست بود جناب موسیو انجکوف ^{شاه قزوین}
دولت روسیه در قریه زرکنده که محل سیاق سفارت است
در یکفرسخ و نیمی دار انخلافه ان واقع است بقاعده معموله
سفر او ماورین سابقه دولت روسیه مجلس ضیافت و جشن
فراهم آورد جناب نظام الملک و امیر الامرار العظام
سردار کل و جناب وزیر امور خارجه و مقرب الخاقان ^{الدوله}
و اشخاص مفضلّه با چند نفر از صاحب منصبان دول دیگر

مقرب الخاقان مقرب الخاقان عالیجاه ^{علی میرزا عباس}
فرخ خان محمدخان بیرونجه سرکنج ^{نهاد} و خاصه امیر خارجه
چاکران این دولت علیه نیز حسب الوعدّه بالباس ^{بار}
و نشان و حامل از بابت اخبار احترام حضور بهم رسانیدند
و بملزومات حسن مزبور از هر حیثیت از قبیل پیش بادی ^{سنگین}
و غیره اقدام رفته با کمال ابتساط و سهولت ضیافت مزبور

بانتها رسید

افواج قزوینی که در قراولخانه های شهر بحفظ و حرمت ^{مستوفی}
بودند این اوقات مرخص خاز شدند و حسب الامر
موج خلیج ساهه ابو اجمعی عالیجاه جانمحمدخان ^{سنگ}
بجای آنها بحفظ و حرمت شهر و محلات ماور قراول ^{خان}
گردیدند

سایر ایالت

اور با یکجان از واریکه در روزنامه اوز با یکجان
ز سرشته از امرات انولاستان و قتی که نواستجاب
شاهزاده امانتبار سوره الدوله فیروز میرزا و مقرب ^{خان}

قایم مقام با بخار فته از انتظام کلی یافته و سخنیا ^{کلیات}
امور انولایت اعم از کار نوکر و رعیت و نظم معاملات و قرا
محاسبات رسیدگی کامل مینمایند و اگر کسی بندت
مرتب خلاف حسابی شده باشد فوراً در مقام ^{تنبیه}
او برمی آیند و هم چنین در مشق و انتظام امور افواج ^{قاهره}
مستوفی آنجا از توپچی و سه باز کمال اهتمام رادارند
و افواج آنجا همه روزه مشغول مشق میباشند و بانها
نظم و درستی حرکت مینمایند

دیگر نوشته بودند که فوج ماکونی را که احضار ^{تاج}
شده بودند در هشتم این ماه مقرب الخاقان قایم مقام در
اطاق نظام مواجب آنها را تمام و کمال داده و تارکات
خود را دیده اند و در نهم ماه مزبور از تبریز بیرون آمده و ^{روا}
در باره یون گردیده اند

اصفهان

از قراولیکه در روزنامه این ولایت نوشته بودند ^{چند}
پیش ازین نظایف بختیاری و فزانه چند نفر قالیسیر جانی و
شهر بابکی را در راه یزد برهنه کرده و مبالغی نقد و ^{تقد}
چهار صد و پنجاه تومان از آنها برده بودند عالیجاه چراغعلی ^{خان}
نایب اکبرمه اصفهان بعد از اطلاع بر این معنی یک نفر ^{علام}
بزرگنهی خان بختیاری و نرخ جان فزانه فرستاده ^{نوشته}
بود که اموال مسروق را حکماً بدست آورده تسلیم ^{علام}
اموال را بد کرده بچشم ^{حساب} دوز آورده ان تسلیم ^{کرده}

۱۱۵۵

بروجرد

از قراری که در روزنامه این ولایت نوشته اند امسال بجهت کمی باران محصول دیمی سیاه و سفلی با لمره تمام شده اغلب از دانات که زراعت دیمی داشتند بسبب غل نام حاصل متفرق شده اند که قوه و بضاعت شخم و شخم پاشی سال آینده را داشتند نواب مستطاب بنزاده و الابر چشم اله و دلاخان میرزا درین باب نوشته اند که مزایا و اتمام زیاد دارند که برای سال نو زراعت دانات مزبور موقوف نشود

دیگر نوشته بودند که نواب المیرزا بجهت نبودن غله در خانه و خاوره و نور حرکت میان ایلات نموده اند و در خرم آباد دارند و بعضی از طوایف که بسبب خشکی بنای تفرقه داشته اند نواب معزئی الیه در صد و اصلاح کار آنها برآید و آنها را بخواه او لیای دولت علیه امیدواری داده اند که متفرق شوند

دیگر نوشته اند که از سی و اتهامات نواب معزئی الیه سیرت و چجابی که سابقا در میان طوایف آنجا معمول بود درین اوقات بکلی موقوف است

یرو

از قراری که در روزنامه این ولایت نوشته اند سه نفر معلم که از دربارها یوان بجهت مشق فوج جدید آنجا رفته بودند چند نسبت که با آنجا رسیده اند و درین اوقات همه روز مشغول مشق دادن هستند و سر باز کرمانی موقوف در العبادت یزد و روزماران نزدیک ظهر در میدان ارک مشغول مشق اند و با کمال نظام حرکت می نمایند

دیگر در روزنامه آنجا نوشته اند که جعفر نامی از سربازان متوقف بزرگاناگاه مرضی عارض گردیده که تشخیص آن معلوم نبود تا دو روز بعد هوش بود و در روز ششم از خواب او را بوس کشته بودند و رنگ او سیاه گردیده با غلظت و اضطراب زیاد دست و پامیزد نزدیک عصر روز سیم بیکبار از آن حالت بصحت منقلب گردیده برخواست و فریاد میکرد با امام رضا روحی فداک تقضیل را که از او جویا شده بودند مذکور داشته بود که او پاپس چشم سیاه شد و بعد دیدم دو نفر شخص سیاه رنگ بصورت

میبیب و بیت عجیب دست بکلوی من کذا اشتند و نزدیک بسلامت شدم که شخص بزرگوار می ظا بر کردید و بان دو نفر خطاب فرمود که کرمنید ایند منم امام رضا ضامن غریبان آن دو نفر بجنس استماع این سخن دست از من برداشته و از نظر غایب گردیدند آن بزرگوار من فرمودند بر خیز چون بخواهی کسی را ندیدم با بچو سر باز مزبور یک روز بعد از صحت اذن مرضی بجهت زیارت حاصل کرده روانه ارض مقدسه است

دیگر نوشته بودند که علی نام یزدی شبانه رفته و دو کانی را کشته بود و او را آنجا ادوات بخاری از آنه و قیسه و غیره برداشته و رفته دکان عطاری را کشته اسباب زیاده از آنجا فرستاده بود و صبح عطاری مزبور بدو آنجا عارض گردید و شخص دزد برآمد بعد از سه روز دزد را و یکی از فرار حومه بدست آورد و بدو دند که اسباب عطاری سر راه داشت او را گرفته بیزد مقرب انما فان محمد یوسفیان سرباز ناچار بیزد آورده اند بعد از استرو اموال مسروقه او را تمیله کامل نموده اخراج بلد کرده است

کرمانشاهان

از امورات عجیبه چیزی که در روزنامه کرمانشاهان نوشته
 خیفه در قریه صحنه حاطه بوده درین روزها وضع محل منوطه طفلی
 سر او در سینه بوده و کردن نهشته و گوشهای او هر یک
 بقدر بزرگی کف دستی و دو شاخ داشته است و بقدریم
 که از شاهنای او بسیار سفید بوده است و هر دو پایش هم
 چسبیده و واضح تابشام زنده بوده است بعد فوت کرده

چون که وکب بسرخ در سنواه سابقه محل اشرف و قطاع الطریق
 بوده و اذیت و آزار بقوافل میرسید است نواب شاهزاده
 و الایبار عمادالدوله امامقلی میرزا حکمران کرمانشاهان قدس سره
 که سی نفر سواره نامحلی بقطاع و حرست سر راه آن که وکب با
 و نگذارند احدی از اشرا و قطاع الطریق دست اندازی بقوافل
 عابری نمایند و از سواره مزبور الترام حسب احکام نواب میرزا
 گرفته اند که اگر بقوافل دستزدین دیناری خسارت و ضرر برسد
 بالمضاعف از عهده برآید و ند و دیگر مسموع بنا

دیگر نوشته بودند که عمارت دیوانی و باغ نواب محمد علی میرزا
 که در عهد حکام سلف خرابی بهم رسانده بود درین اوقات نواب
 شاهزاده عمادالدوله بقصد تفریب و عله بانجام انداخته
 و بنا و عله و بنجار و حجار و غیره همه روز مشغول کارند و عمارت
 و باغ مزبور خوب دایر و معمور گردیده اند

دیگر در روزنامه آنجا نوشته اند که امسال از کرمانشاهان
 که عزیمت طواف بیت الله محترم کرده بودند از سمت کرمانشاهان
 که از راه جبل عازم مقصد شوند و در مرایب از منازل متعین بحال
 دولت علیه نواب عمادالدوله آورده رسانده اند که آنجا

نموده با کمال اعزاز و احترام از آن منازل بگذرانند و از خود
 کرمانشاهان نوشته بودند زیاد از پنجاه نفر عزیمت طواف
 بیت الله محترم نمودند و بجا خط امینت و انتظام ولایت از پنجاه
 عیال و خانه و املاک خود اطمینان و فراغت بهم رسانده بنجا جمعی
 عازم زیارت شده اند

دیگر نوشته اند که در چچمال در نزدیکی مرز غنما و آباد یکی از جا
 اوزر با یحسانی بمیان دیکه در رفته بود که مرغ خنجر و کبسه پولی که بخت
 محتاج عرض راه همراه داشته است و وجه معتد بهی در او
 بوده بعد از گرفتن مرغ خنجر اموش کرده بجا گذاشته بود بعد از
 بمنزل تلفت شده بود که پوشش بجا مانده بانها تاضطرر

پیش حاجی نوز علی میر حاج آمد که از اشرا مذکور داشته بود
 مشارالیه باتفاق صاحب شخواه سجوالی دیکه مزبور رفته و
 با بل آنجا اعلام کرده بودند که کبسه پول در اینجا مانده و اگر نیک
 شود بعرض نواب عمادالدوله میسازیم اما با آنجا ساعه وقت
 خواسته و بعد از تفحص کبسه پول را پیدا کرده آورده است که
 بودند و صاحبش شنیده بود و جهش بدون کم و زیاد بود معلوم

شده بود که در نهان وقت که آن شخص کبسه پوشش را فراموش کرده
 رفته بود و دختری بسنه دو از ده ساله او را یافته و بنجا
 برده بود و پدر و مادر او جرئت تقرب و رسیدگی در آن
 نگزیده بودند و این حمله از احشام و سکنه آنجا بسیار غریب است

فوج کلهر در غلته را خبر نموده بودند که در بیستم سوال وارد
 دارالوله شده و عالیجا پشن صاحب در مشق آنها رسیدگی
 کامل نماید و یک دو ماه مشغول مشق باشند چون این دو فوج
 هنوز مشقشان کامل نشده بود مقرر شد که مشق نمایند تا کامل گردند

۱۱۵۷

اخبار دول خارجه

انگلیس

تاریخ کاغذ آخر که از این ولایت رسیده
شبان بود از جمله اخباری که نوشته بودند که پادشاه
انگلیس با قوم خودش مبعوثی ایلیچی فرانسه در لندن رفته بود
و درین مهانی ایلیچی فرانسه کمال تکلفات و اساس
و اهدای کرده بود و مردم قسطنطنیه را بضمیمه
ایلیچی فرانسه علامت کمال دوستی و موافقت و دوستی

یکی از جنرالهای قدیم انگلیس که نام او گریس انگلیس بود درین
وقت شده است و چونکه از سرکردگان قدیم انولایت بود
جنکهای بسیار دیده بود و یکپای او را در جنگ کلول پوپ
بروه بود مردم با و حرمت بنا میکردند

فرانسه

در روزنامه این ولایت نوشته اند که کمان داشتند
درین تابستان پادشاه انگلیس مبعوثی امپراطور فرانسه
پاریس بیاید اما چونکه منکام بهار تا نصف تابستان
وقت اجلاس مشورتخانه انگلیس است اگر پادشاه انگلیس
پاریس رود بعد از مرض کردن مشورتخانهی خویش
و کلای رعایا خواهد بود

دولت فرانسه بنا دارد و بجهت قسطنطنیه سه هزار
در مالک روم خریداری نماید و سبب خریدن اسپ
اینست که اگر اسپانولایت فرانسه حل و
بولایت عثمانیه نمایند عروج و زحمت زیاد دارد بهمردان
در اولویت عثمانیه سبب بجهت قسطنطنیه مأمور خود
خریداری نماید

روزنامه آخر که از این مملکت رسیده تاریخ او بیت و یکشنبه
بود نوشته بودند که اکثر مردم از جمله خوانین و مردمان
از شهر پاریس بیرون میرفتند و در دما و بلوکات
انجا تا که عمارات تابستانی برای خود داشتند ساکن
و میگفتند که امپراطور فرانسه بنا دارد باره وی است
برود و اراده دارد که یک بنفخه در آرد وی مژبو تو قضا

در روز مولود امپراطور فرانسه در پاریس مجلس صیانت
بازینت و اساس و تخیل تمام بر پا کرده بودند و در آن
چهل و شش سال تمام است
احوال است مقرر

در عروسی امپراطور استریتیه شصت نفر از مقصرین دیوان
که مجوس بودند امپراطور تقصیر آنها را عفو فرموده و ازین
مرض کرده است و بسیار بر این که تازه مجوس کرده و در
تقصیر آنها تخمین میکردند آنها را نیز خب حکم امپراطور
بدون تحقیق مرضی کردند

در روزنامه اسپانیول نوشته اند که بسیار خنک
در انولایت شده بود بطوریکه کل اهل اسپانیول بجهت
باران بیرون آمده و بچلیسا میرفتند و شوش کرانی داشتند

در مملکت سوید بقا از غله وارد که از خاک جوی آوردند
میکرفتند حال این مکرک را برید و در شکار غله از دست
یا ر بدون مکرک داخل آنجا میشود

ایلیچی فرانسه پاریس از آنکه
توجه اجتناب کرده بود در عروسی هزار نفر جمعیت

در مملکت کاناده بقدر سی و پنج هزار نفر غلام کهنه می‌سند
 که از خاک دولت نیکی دینای شمالی مانجا کر نیجه اند و از
 اینها اکثرشان در آن ولایت فعلی می‌کنند و کذا نشان
 خوب می‌شود و چونکه کاناده جزو ممالک انگلیس است و در آنجا
 انگلیس خرد و فروشن غلام کهنه ممنوع است از ولایت
 خودشان که در آنجا از خرید و فرار می‌کنند و بملک کاناده
 می‌آیند و بعضی شان در آنجا صاحب املاک شده اند
 کارشان خوب پیش می‌رود

در مملکت سرامید در این اوقات معدن مس تازه پیدا
 کرده اند و کار می‌کنند و از فرار یک نوشته اند بسیار
 خوب منفعت می‌کند

ضعیفه از ملت موسوی که سوهرش تاجر بود و درین روزها
 در شهر پاک مملکت منفوت شده است و در سی و
 سشت و دو هزار فرانک که تنجنا بیت و شش هزار و دو
 تومان پول ایران می‌شود داده است که بیار خانه در آن ولایت
 بر پانمانند

در مملکت سوید تازه حکم شده است که در پول و وزن و
 اندازه همه بحساب ده و ده معین شود و این را بجهت روشن
 شدن و آسانی حساب کرده اند که مراتب یک نشو با

در روزنامه اسلامبول نوشته اند که در ماه شعبان
 بارندگی زیاد در آن اطراف شده بود و چونکه سمت
 بسیار جای حاصل آور است و غله زیاد در آنجا می‌کارند
 آن بار دن مزبور منفعت زیاد در آن اطراف بجهت
 غله

کرده بود از سایر ولایات آن اطراف تا رود نوب
 هم نوشته اند که بارندگی کامل کرده بود و منفعت بسیار
 آنجا رسیده بود

ایضا در بیان روزنامه نوشته اند که پاشای سلاویک
 با چند نفر هندسان که از اسلامبول آمده بودند در شهر
 سلاویک گردش کرده بودند که رودخانه که از آنجا میگذرد
 ملاحظه نمایند چونکه آب رودخانه مزبور در آنجا پهن می‌شود و
 چمن و مرداب در آنجا بسیار است میخواستند بطوری بکشند
 که آب رودخانه مزبور در یک نهر برود که چمنهای مزبور را
 خشک نمایند و گفتگویی شده است میان دولت سوید و
 دولت انگلیس و فرانس و منصوص می‌گردد چون اکثر اهل آن
 مملکت مشغولیت زیاد در سببات دارند و قاری باشد که
 در هنگام جنگ ممانعت نسبت بابل آنجا نشود و اگر نه
 اهل آنجا ضرر کبلی خواهند کشید آنها نیز فرار گذاشته اند که
 مانع مشغولیت و وارد و ستد مردم مزبور نشود

از فرار روزنامه وینیه که بتاریخ ۱۱ شعبان نوشته اند
 از جانب امپراطور حکم شده است که نود و پنج هزار نفر
 قشون جدید بگیرند که در هر حال دولت مزبور بی تدارک
 نباشد

از شهر لوز پل مملکت انگلیس در یک هفته منب و شش هزار
 شصد و پنجاه و چهار نفر از آنجا بیرون رفته اند که بمالک
 خارج بروند

بتاریخ ۱۱ ماه شعبان در روزنامه فرانس نوشته اند که
 حاصل غله در آن ولایت خوب بعلل آمده بود و امیدوارند که
 غله امسال در آنجا فراوان بیاید که رفع معطلی آنها بشود

۱۱۵۹

در بعضی ممالک و گنجان و در جزیره مدیره معلوم شده است
که آفتی که چند سال است در میان ناگ انکور افتاده است
امسال نیز افتاده بود و اگر اینطور باشد امسال ضرر زیاد
وارد خواهد آمد

از جو حاصل عمده بعضی بلوکات سبب شمال ولایت انگلیس
کلابیت که در آنجا فراوانست و از آنجا شراب میسازند
و میفروشند امسال بسبب سرمای که در فصل شکوید
رذه است در حتمای کلابی را بالمره سرمازده ضایع کرده

در یکی از روزنامه های نیکی دنیا نوشته اند که موافق قاعده
سرشماری که دارند در شهر کلید قدسی سال پیش این پانصد نفر
خلق بودند و تا پانزده سال جمیع آنجا بشتر برافزاید
نفر سید و حال چهل و پنجاه هزار و نهصد و شتاد و دو نفر
جمیعت در کلید قدس بود

در رنستان گذشته عباس شاه که آن مملکت مصر منجه است
توسیس کرده بود که مبادا در خود آن مملکت غلگم یاب شود
قدغن کرده بود که از آنولایت غلگم خارج نبرد در این اوقات
این قدغن را برداشته است و بجهت اعلان خلق این مطلب را
در کل روزنامه های و گنجان چاپ کرده اند

از جمله در حتمای غریب که در میان عمارت بلور در شهر لندن
کاشته اند و در بیرون در مملکت انگلیس بس می آید و در حتمای
و بیت و چهارمحل خزا از مصر آورده و در آنجا نشاندند و بکار
آورده

سیرم چرخ آتشی که بجهت دست دادن خبر از شهر تا شهر در و گنجان
در اغلب شهرها مداولت درین روزها در هندوستان

اگره تا کلکت که دو سبت فرنیج است کشیده در آن
تمام کرده اند

در روزنامه اسامبول نوشته اند که در جزیره پرتگالین در آن
منج بیرون آمده بود و توسیس داشتند که امسال نیز ضرر زیاد
بجاصل آنولایت برسد

درین روزها در مملکت فرانسه شخصی که در علم زبان مهارت
داشت و عالم غلب لهنه و نام او موسیو کار و مترجم اول
امپراطور فرانسه بود فوت شده است و از فراری که نوشته اند
گویا در روی زمین کتک کسی مانند او پیدا شود که عالم اینقدر
حال بجای او موسیو دیگر اثر را منصب ترجمی اول امپراطور
فرانسه داده اند

دیگر از شهر اصمیر نوشته اند که نسبت سابق وزدی و بجای در آن
بسیار کم شده بود و پیش این بود که اکثر رزوان آنولایت
اهل یونان بودند حال که آنها رفته اند شهر ارام است اما چند
روز پیش از آن قدری سنگ جوهرات معادل چهل هزار و
که تخمیناً هشت هزار تومان پول ایران باشد از یکی از تجار
آنجا در زیده بودند

دیگر نوشته اند که طوفان زیاد در آن نزدیکیها شده
باد شدید و وزیده بود و یک کشتی بان در دریا کشته شده بود
و یک موزن نیز که بالای مناره بجهت اذان گفتن رفته بود
اورا بر توده خنجر کرده بود

در روزنامه فرانسه نوشته اند که چونکه قاعده ولایت
این است که بجهت حمل نقل کاغذ سربازی اجرت بخرند از دولت
حکم شده است که چنانچه در ولایت اجرت نمی گرفتند در خارج
ولایت نیز اجرت بخرند چایارای انگلیس کاغذهای سربازان

انگلیس فرانس را بی اجرت بردارند و چاپا فرانس نیز گانند
سر بازان هر دو دولت را بی اجرت برد

در عرض اینکه به یکی دنیای شمالی و سایر ولایات بروند
بولایت کا ناده میروند

در افاغشی که چند وقت پیش این در مملکت اسپانول شده بود
یکفوج از سر بازان که فوج کار دوه میگویند از پادشاه کشته
و سه کی عمل باغیان شده بودند بعد که جنگ آمد بجاک فرانس
که بختند امپراطور فرانس از پادشاه اسپانول خویش
کرده بود که از تقصیر آنها بگذرد پادشاه اسپانول نیز
توسط امپراطور فرانس را قبول کرده و تقصیر آنها را عفو
نموده بود و بناست که این روزها بولایت خود را محبت نماید

در یکی دنیای شمالی شصت و نود و چهار کتابخانه دارند که مال غنا
و درین کتابخانهها حساب کرده اند چهار کرو و دو سبت و یک هزار
شصت و بیت و سه جلد کتاب است و کتابهایی که تازه در
مملکت یکی دنیا بنویسند تخمینا سالی چهار صد و پنجاه جلد میشود
از قرار روزنامه انگلیس نوشته اند که پادشاه پورتو قال بنیاد
در اول تابستان بمملکت انگلیس میاید بیدین پادشاه انجام
پرنس البرط که برود مشرب با هستند و بعد از آنکه چند روز
در لندن توقف نماید بر سر و سر میروید بیدین پادشاه بزرگ
و از آنجا بنیاد در پاریس پای تخت فرانس و وینه پای تخت است
سفر نماید و در آخر تابستان از آنجا بولایت خود مراجعت
نماید

حساب کرده اند که در مملکت انگلیس سی هزار و پانصد و بیست و چهار
مدرسه بجهت اطفال است که اخراجاتان از خوشان است
و مقصد و بیت و یک هزار و سیصد و نود و شش نفر در آنجا
درس میخوانند حساب مدرسهای بزرگ که وقف اند
و اخراجات دارند پانزده هزار و پانصد و بیست و چهار
میدانند و در میان آنها ده کرو و چهار صد و بیست و دو نفر
هفت و شتاد و دو نفر اطفال درس میخوانند

جماعتی از تجار غیره که کشتیها مانند چاپارخانه از ولایت این
هند غربی برآه می انداختند حال این کشتیها را بدیوان اجاره
داده از بجهت حمل و نقل قشون و ماهی پنجاه و سه هزار تومان
از دیوان اجرت میگیرند

شخصی در یکی از شهرهای یکی دنیای شمالی قولنامه با
بجهت خاموش کردن آتش اختراع کرده است بطور غریب
که در عرض اینکه با دست کار بکند با چرخ تجار کار می کند و در
هفت دقیقه او را برآه می اندازند

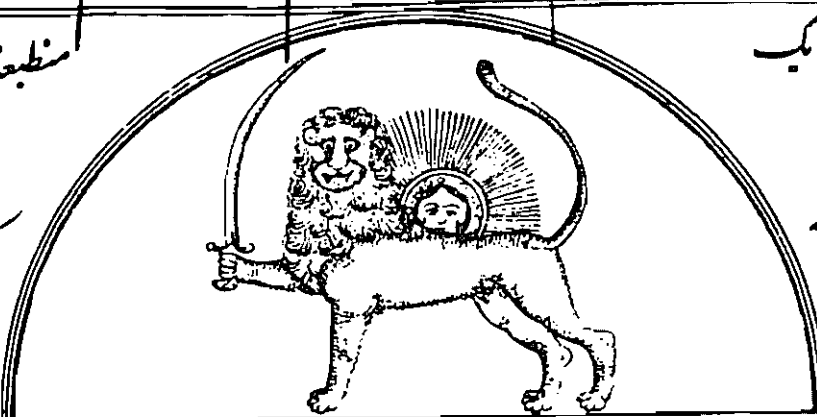
در روزنامه نوشته اند که دولت پورتو قال میخواهد از تجار و
فرنگستان مشتگردد و قرض نماید از قرار تو، فی و بر بهر ماهی کیشای
منفعت و این پول را بجهت ساختن راهها و سایر اعمالی که خیر
در آن است میخواهند و دولت پورتو شبه نیز شانزده یا بیست
کرو و قرض میخواهد اما نوشته اند که برای چاین سخاوه را
قرض میکنند

در یکی از بلوکات مملکت انگلیس نوشته اند که حال هیچ فقیر
آن بلوک نمانده است مگر آنکه کوروش و اطفال کوچک که در آنجا
اطفال متیم اند
باز مردم از مملکت ایرلند زیاد بنیاد بنیاد ج برتند اما حالا اکثر

در آن است میخواهند و دولت پورتو شبه نیز شانزده یا بیست
کرو و قرض میخواهد اما نوشته اند که برای چاین سخاوه را
قرض میکنند

۱۱۶۱

روزنامه وقایع اتفاقیه سیاحتی و محلی و غیره

<p>منطقه دارا خلف طهران قیمت اعلانات یک سطر الا چهار سطر یکروز بیست و پنج سطر بسیار با هر سطر</p>		<p>نزد صد و شتاد و یک قیمت روزنامه یک شش ماهه یک ساله هفتاد و چهار هزار و سیصد</p>
---	--	--

اخبار و احداثیه ممالک محروسه پادشاهی

دارا خلف طهران

در بقیه گذشته جناب جلالت آب صدر اعظم از دربار
بها یون اذن مرضی حاصل کردند که بقریه آنچ که در
این اوقات کمال بیلافت را دارد و متعلق جناب
معظم الیه است بروند و چند روزی در آنجا بجهت
تغییر آب و هوا توقف نمایند حسب اشارت
در روز پنجشنبه گذشته با آنجا رفتند و دو سه شب در آنجا
توقف نموده در روز دوشنبه بیت و دویم از آنجا
بدر بارها یون معاودت نمودند
چون مدتی است که امر محافظت و اول خانهای دارا خلف
مفوض با فوج قزوین ابوالجیمی عالیجاه عمده انجمن اعظم
مقرب انخافان عباسقلیان بود و در مدت فراولی
مناسبت اهتمام در انتظام امر فراوانها و شده و در آنجا
از مقرب انخافان مشارالیه و افواج ابوالجیمی ابولطور
رسید و این اوقات که مدت فراولی افواج مزبور
بهنایت انجامیده از دربار معدلت مدار مرضی خایسته اند
محض ظهور کمال عاضفت لوکانه در باره مقرب انخافان
عباسقلیان سر قیپ افواج ثلاثه قزوین و فشار و سواد
فشار رگیبوب کلیجه نرزه اعلی از طبوسر خاصه بدن ک
اعلی حضرت شاهنشاهی برسم خلعت مرحمت شد که
رنیب برودش اعتبار خود ساخته بیشتر از پیشتر ملوآم
خدمات محوله اقدام نماید و همچنین یک طاقه شال کشمیری
اعلی برسم خلعت در وجه نتیجه انجمن العظام
سر اسک فوج قدیم قزوین مرحمت و عنایت گردید

جناب حاجی ستید اسد اللدیر مرحوم حاجی سید محمد با
اعلی اللد مقامه که بزیارت بیت اللد الحرام رفته بودند
درین اوقات که بعثتات عالیات معاودت نموده
امنای دولت علیه لوازم توقیر و احترام جناب الیرام

۱۱۶۲

داشته از جانب سنی بحوائب طوکانه یک ثوب عبا
 ترمه و رحن او بجهت و ارسال گردید
 عالیجا جعفر خان کابلی را که جناب امیر الامرا العظام
 از کابل با عرضه بخاک پای هایون فرستاده بود در روز
 شنبه دوازدهم اینماه از خاک پای هایون مرخصی حاصل
 خلعت و انعام شایسته در حق او و مسرا ایش حضرت
 و موازی یکثوب جبه ترمه پولک و در ششم مرصع و یکس
 اسب عربی بسیار ممتاز اعلی از اصطبل خاصه بانضمام زین و
 براق تام طلای بسیار سنگین با جمیع اسباب برای جناب
 امیر معزی الیه رحمت فرمودید و موازی یک ثوب جبه ترمه
 بنجیره دار سخته محمد افضل خان پسر جناب امیر معزی الیه که در
 سمت ترکستان است و یکثوب جبه ترمه بنجیره دار
 برای غلام حیدر خان پسر دیگرش رحمت فرمودید بصحابت
 عالیجا هشار الیه انفاذ گردید

چون جناب جلالت تاب صدر اعظم معلوم شد که کتبه
 همناف تراز و دار غالباً سنگهای وزن سبک سنگین
 دارند که وقت خریدن سنگین میخیزند و وقت فروختن سبک
 میفروشند و خود مزید استامی فرموده پنهانی آدم کشانند
 و در بعضی و کانهها معامله کرده صدق اینمطلب بوضوح رسیده
 قدغن نمودند که سنگ آهنی مهر و موافق وزن سنگ
 مبارک از قرار یک من ششصد و چهل مثقال بدینموجب خسته
 یک من نیم من یکچارک و دوسه و نیم یک سیر
 چند ترازه و اراصناف و ارااخلافتمت کنند که فرو
 و خریدار سنگ و مهر آنرا شناسند و ملاحظه مهر آنرا کرد

معامله نمایند و باین جهت عمده مردم علی الخصوص فقرو اضعفا
 شکر گذاری و دعا کونی دولت قاهره را میسپارند که هم
 این نقص از غلظت پادشاه رفع شد و قسم نفع مردم رسیده

سایر ولایات

از بابایجان از فرار یکروزه در روزنامه این ولایت
 نوشته اند نواب مستطاب اشراذده و الا تبار نصره
 فیروز میرزا و مقرب انخاقان میرزا صادق قایم مقام در تمام
 مهم دیوانی و نظم ولایت و رفاه رعیت سعی و اهتمام
 دارند و در ایام ماه مبارک رمضان هر یک از علماء اعلام
 دیدن نموده و توقیر و احترام آنها را مرعی داشته اند
 و مالی آنولایت آسوده خاطر در مساجد و معابد عبادت
 و طاعات و دعا کونی ذات اقدس هایون اشتغال
 دارند و مقرب انخاقان قایم مقام نظر باینکه در ایام ماه
 مبارک رمضان روزها بسبب روزه داری سجدات
 دیوانی رسیدگی کامل نمی شد شبهارادرا طاق نظام فطام
 نموده و بعد از آن تا صبح بانجام مهم دیوانی و رسیدگی
 بکار رعیت و ولایت مشغول بوده اند

و بکرنوشته اند که بجهت فی الحقیقت تیسری که در بعضی اجناس
 خوی بهم رسیده بود نواب نصره الدوله قدغن نموده اند
 که اجناس از آنولایت بخارج نبرند و عالیجا خلیفه
 و محمد آقای سر تنگ که مامور خوی بود تاکیدات آیکه
 نوشته اند که درین باب مراقب باشند حسب احکام
 و رعایت بر نیز آدم کنند که جنس از آنجا بخارج
 دیگر نوشته اند که سبب عارض الطریق در بعضی جایها

۱۱۶۲

انولایت بسیار بودند از قراریکه نوشته اند درین قاف
از اتهامات انسانی دولت علیه نظم تمام حاصل است
اعم از شهر باطرق و شوارع و مسیح جا سرت و دزدی
اتفاق نمی افتد و اگر بندرت سرقت یا خلاف حسابی
اتفاق بیفتد و مقام رفع آن برمی آید

دیگر در روزنامه خوی نوشته بودند که در ماه شعبان که
فصل مقتضی باران بود در آنجا بارندگی نشد و مردم از
این معنی توشن کلید استند چند نفر از در اویش که در یک
نفر بودند سبجه استغاثه و طلب باران بصلی رفته بودند
از تقاضات جناب باری تعالی باران زیاد از آنوقت
بکرات آمده و می آید و برتبه بارندگی شده است که تیار
قدیم رسایل آمده جواب کرده است

از قراریکه در روزنامه نخلخال نوشته اند در اواسط
ماه رمضان المبارک در جو انقلاب هم رسیده و
بارندگی زیاد شده بود و بعد از آن بخاری از بعضی کرمیر
آنجا مضاعف گردیده اعداات بعضی امراض حاده و حاره
از قبیل غلبه خون و سوداوت و لرزد میان مردم نمود
و بسیاری از اهل آنجا باین امراض مبتلا گردیده اند
اما اغلب معالجه میشوند و صحت می یابند

دیگر در روزنامه آنجا نوشته اند که زنی دیوانه بیابان کرد
چند سال در آن حوالی بوده است بشدت مصروع و عا
از عقل و شعور درین اوقات کسان او او را در صحرا حبسند
و بقیعه شریفه اما مزاده دانیال که در نزدیکی هرآباد واقع
انداخته و در بقیعه راهل کرده بودند صبح که مجادین
رفته و بقیعه را گشوده بودند ضعیفه نر زوره را در کمال صحت

۱۱۶۲

و عقل و شعور دیده و بخانه همش برده بودند نواب عباس سیر
مسجدی در آنجا بنا کرده است که مردم در جوار اما مزاده
مشغول عبادت باشند

فوج تخمه قاپوی قزاقه داغ ابوالجهمی عالیجاه محمد علیخان
سرتیپ که احضار برکاب جابون شده اند مقرب النخاقان
قائم مقام قرار داده است که در پانزدهم شوال در
تبریز حاضر شده و مواجب خود را در اطاق نظام دریافت
نموده مدارک خود را ببینند

فوج پانزدهم شقانی که مشغول حفظ حراست قراول خانیا
شهر تبریز بودند درین اوقات مرض خانه گردیده اند و فوج
نخلخال را بجای آنها در قراولخانه بنا کرده استند و همچنین
فوج شانزدهم شقانی جمعی عالیجاه رحمت الدخان
سرنیک را نیز احضار به تبریز کرده که در جای فوج پانزدهم
شقانی جا در زنده بنشینند

دیگر نوشته بودند که در روز عید فطر نواب شاهزاده و
نصرت الدوله بقاعده معموله سلام نوشته و مقرب النخاقان
قائم مقام و خواتین و صاحب منصبان نظام و مالی د
اعیان حاضر شده و اجرای شیک توپ نموده و بنا
نامی علیحضرت پادشاهی خطبه خوانده شده بابل سلام
شریفت و شیرینی داده اند

دیگر نوشته بودند که مقرب النخاقان قائم مقام مستوفیان
آذربایجان را در دفتر خانه آذربایجان سبجه دستور العمل
دهه اسنه بارس نیل آذربایجان حبس نموده هر روز
در حضور مقرب النخاقان مشارالیه مشغول نوشتن دستور العمل
نر زوریه باشند

کرمانشاهان

از فراری که در روزنامه این دلالت نوشته اند حاجی محمد
 رشتی که غزیت مکّه داشته است در خارج شهر کرمانشاه
 در سر مقبره که محل انداختن قوافل و زوار است در میان
 قافله حاج منزل داشته است با اینکه غلامان ابروانی
 که مستحق حاج بوده اند تا صبح مشغول کشک بوده و بحال
 مراقبت رایجا آورده اند صبح مذکور داشته است که یکبار
 ابریشم من که وجه نقد نیز در میان آن بود مفقود شده است
 بعد از تجسس بار ابریشم را در ها بنجا با صدها چهل پنجاه
 وزع پیدا نموده اند و لکن میگفته است که بیت و شش
 تنخواه مرا از میان بار من بر برده اند چون در آن بیت
 زیاد از مالی شهرت یافت حاج رفته بودند آنچه شخص
 نمودند یکی کمان این مطلب زلفت لهند نواب مستطاب شاهزاده
 و الا تبار عماد الدوله حکمران کرمانشاهان از خود مبلغ نوب
 بحاج مشارالیه داده اند تا بعد تفحص درین امر نماید و چون
 در سر مقبره محلی که زوار منزل مینمایند متصل به باغات
 کرمانشاهان و اطراف آن بلند یها و پستیها دارد که ترا
 مردمان و زرد و شریر راه فرار و پنهان شدن اسان است
 لهند نواب عماد الدوله در آنجا قرار قراول خانه گذاشته اند
 که بیت نفر سر باز و یک نفر نایب همیشه در آنجا باشند و
 شبها قوافل را جمع نموده متوجه شود که در خارج شهر
 و شرارتی واقع نشود و زوار و قوافل ازین رکمد آسوده
 باشند
 دیگر نوشته اند که امورات شهر کرمانشاهان از اهمات
 نواب شاهزاده عماد الدوله در نهایت انتظام است و بحال

افیت حاصل است بطوریکه اغلب کسبه شبها و کاکین
 خود را در کشوده میکنند و زردی و خلاف حسابی اتفاق
 نمی افتد و مدتی است که حسب احکام نواب شاهزاده عماد الدوله
 و اول سر بازم از محلات برداشته شده است
 و همه مردم در رفاه و آسودگی و افیت لعل و کار خود در
 دولت علیه اقدام دارند
 دیگر نوشته اند که از قدیم رسم بوده است که از طایفه
 یهود که بغزیت زیارت بیت المقدس یا ذی الکفل می رفتند
 در شهر و ارالدوله و منازل عرض راه از هر نفری دو هزار
 دینار باج می گرفتند که شهر نفری از یهود در شهر و منازل
 عرض راه یک تومان گرفته می شده است بعد از حجاب
 دیگر نیز بانامی شده است چون نواب شاهزاده عماد الدوله
 اهتمامات اولیای دولت علیه را در آسایش عموم متجدد
 علیه فمیده را این امر خلاف انصاف دانسته اند از بسا
 که گ و شهر و باج کیران جمیع منازل و مباشرین بلوک
 التزام گرفته اند که بهیچ وجه متعرض طایفه یهود نشوند و دینار
 از آنها مطالبه ننمایند که مثل سایر رعایای این دولت
 علیه مرفه الحال و آسوده خاطر بمقصد عبور و مرور کنند
 فوج کلیانی ابوالجمع نواب علی میرزای سریت و حاکم کلیانی
 در خارج منصبه شکر مدت دو ماه بوده که مشغول مشور
 و محمود آقای معلم را که بجهت مشق آنها تعیین نموده بوده اند بسیار
 ساعی و جاهد و با استقامت بوده است که مشق آنها کامل شود
 و از فراری که نوشته بود بسیار خوب از عهد مشق آنها برآید
 و درین مدت قلیل ترقی کلی کرده اند

۱۱۶۵

اخبار دول خارجه

احوال متفرقه شخصی در مملکت انگلیس زورنی

ساخته است بجهت شین مردم باصل و نقل قشون در میان رودخانه شس سیر زور قهار دیش با راست و با پارو راه میرود و این زورق را از شمع ساخته اند و زیرش مثل تو شک باری است وقتی که بازمی کنند باد بمیانش می دمیگردد که باب فرود برود دولت نفرمیتوانند در میان او بنشینند و یکچاریک در میان آب فرود می نشیند یک عراده توپ نیز در میانش می توان که نشیند

ابومعز که یکی از سرکردگان امیر عبدالقادر بود در جزیره آلب

در سنکامی که در مغرب زمین با فرانسها جنگ داشت

و بعد از آن مدتی در فرانسه محبوس بود درین روزها

داوطلب شده است که با سلا مبول آمد به قشون سلطان

لمحی شده خدمت نماید و از ظایفه خودش قشون جمع کرده

با سلا مبول بیاید و اخراجات این قشون کلاً از دولت

فرانس است

از جمله تماشاگانی که در روز عید خلق بجهت آن در سپاسبول

جمع می شوند جنگ میان حیوانات وحشی است درین روزها

ازین حیوانات از ولایات خارج آورده اند و بنا دارند که

در اینجا جنگ بیند از جمله گفتار با سگهای شبانان

و ببر با کاونرو این حیوانات را هر یک در هوس علیحده نگاه داشته

و نگذاشته اند با انسان انس بکنند تا بحالت سباعیت

مانده باشند

از جمله ذراک قشون که در مملکت فرانسه دیده اند بجهت طوس صاحبان کارخانهای ماهوت طه کرده اند که شصت هزار ذراع ما

برای قشون افواج خاصه بخرند و این ماهوت را از کارخانها

شهرهای سیشن و البوف و لوینر خریدارند

در یکی از روزنامه های وینیه که لایه مینامند در خصوص مملکت

سردیه که سرب نیز مینامند و یکی از ممالک کوچک سرحد فرانس

تابع دولت عثمانیه است نوشته اند با اینکه این ولایت کوچک

معلوم میشود که مردمش چندی هستند و قشون زیاد نمیتوانند که

بر پانامیند ولایت مذکور پنج بلوک است و قشون یگانه که

الآن دارند چهل و شش هزار پیاده و شش هزار سوار و شش

توپچی و صد و پنجاه عراده توپ و در سنکام ضرورت زیاد

ازین هم نمیتوانند جمع نمایند

بزرگ ضرر اینجا مملکت فرانسه حسابی نوشته است در خصوص

مبلغ نقل پول مسکوک از طلا و نقره و مس در کل دنیا از جمله در میان

پول است که بسیار سنگین وزن است در مملکت یکنی و بسیار

شمالی پولی از طلا دارند که بیت و پنج تومان و شش هزار قیمت

و در فلانس پولی طلا دارند که هر عددی هفتده تومان پولی

قیمت دارد و در پورتو قال هم پول طلا دارند که بهر قیمت است

پیدا است پول طلائی دارند که پانزده تومان قیمت دارد و

در مملکت مالذ نیز پول طلائی دارند که شش طلا مینامند و با

تومان و دو هزار دینار قیمت است و در ناپولی پول طلائی دارند

که دوازده تومان رواج است و در ساردینیه پول طلائی

دارند که هر یک ده تومان قیمت دارد و در فرمستان پول

طلا که از همه کوچکتر است با این تفصیل است پول طلای روم

هر یک پنجاه و پانصد دینار و پول طلای فرانسه هر یک پنجاه و دینار و پول طلای پورتو قال هر یک سه هزار و پانصد دینار و در ژنوه پول طلای آنجا سه هزار و پانصد و پول طلا

سویدن هر یک دو هزار و پانصد دینار رواج است
 در یکی از روزنامه‌های ایطالیا نوشته اند که جماعتی از استیا حان
 بسر کوه سوزنده و سئو و پس رفته بودند یکی از آنها قدری
 نزدیک بدین آنجا که آتش بالای آید رفته بود ناگاه زیر پایش
 فرو رفته و به تنوره آتش افتاده بود بلند ما که مسراه او بود
 طناب بگر خود بسته و پانین کوهی بر رفته او را بردن آورد
 بودند اما از شدت حرارت تلف شده بود
 در خصوص گفتگوی مابین دولت اسپانیول و دولت سیکی
 شمالی در روزنامه‌ها که تازه رسید نوشته اند که دولت اسپانیول
 از تکالیف موسوسو و زیر مختاریکی دنیا معین هر روز یکچندم
 قبول کرده اند و از بعضی تکالیف دولت سیکی دنیا معلوم بود
 که میخواهند تعدادی به دولت اسپانیول بکنند یکی از آنها
 دولت سیکی و نیای شمالی این بود که حاکم جزیره کوبه عرض شود
 بسبب اینکه یکی از کشتیهای سیکی دنیا شمالی را در آنجا نگاه
 داشته بودند انسانی دولت اسپانیول در جواب این مطلب
 گفتند که در نگاه داشتن این کشتی حاکم جزیره کوبه حق داشت
 و سایر تکالیف و زیر مختاری را نیز قبول کرده بودند در جزیره
 کوبه دولت اسپانیول مبت و پنجهار قشون داشتند در
 شهر که بزرگترین مملکت خودشان میباشد تدارک میدهد که
 قشون بری و سحری و کشتیها با رسمت آن جزیره بفرستند
 در ایام قدیم اکثر خاک سیکی دنیا و جزایر آن سمت در دست
 اسپانیول بود و آن در هنگام جلال و استقلال دولت
 اسپانیول بود حال نسبت سایر دول از آن جدول و زود
 افتاده اند و در سمت سیکی دنیا از آنجا که ممالک که داشتند

حالا جانی در دستشان مانده است مگر جزیره کوبه جزیره
 کوچکی که بر تو ربیکه عینا مندر حال در سر این دو جزیره که از آن
 ممالک زیاد در دست دولت اسپانیول باقی مانده است
 خوب استادی می کنند و ولتین انگلیس و فرانسه هرگز
 راضی نیستند که این دو جزیره بدست دولت سیکی دنیا
 شمالی بیفتد
 درین روزها دزدان بحری در آق دکنه و سمت مملکت بونان
 زیاد شده اند و چند کشتی تجاری انگلیس بدست این دزدان
 افتاده است نزدیک بکشتیهای جنگی میروند و لکن و کشتی
 کشتی تجاری را می بینند میروند و تاخت و غارت می کنند
 و آدها را که در میان کشتیها هستند می کشند و از اصمیر نیز
 نوشته اند که کشتی از لنگرگاه آنجا میروند بیرون برود
 مگر اینکه کشتی جنگی مسراه او باشد که او را محافظت نماید
 از اینجه بعضی از اهل انگلیس بدولت خودشان عرض کرده اند
 که پادشاه حکم بکند چند کشتی جنگی تیزرو بان استیلا
 که محافظت کشتیهای تجاری را بکند که از صدمات دزدان
 محفوظ باشد
 در مشورتخانه مملکت بلژور باب عهدنامه مابین دولتین
 و انگلیس تازه بسته شده است سبب و مکالمات نموده اند
 و اهل مشورتخانه از وزیر دول خارج خواهش کرده بودند
 که مضمون عهدنامه مذکور را بایشان بیان نماید او نیز تقریباً
 عهدنامه را بجان بجان بایشان حالی کرده و گفته بود که
 بسیار جای فخر و شادمانیت که مملکت بلژور پیش خلیت
 باین جنگ که الان در فرنگستان است گرفته اند و مملکت
 بلژور بر کس صبح و دست دارد و در هنگامی که دول

۱۱۶۷

دیگر مدارک جنگ میدیدند اهل بلخ مشغول کار خودشان بودند
و دولتین انگلیس و فرانسه قرار داده بودند که نسبت به اهل بلخ
اهل بلخ که در روی کشتی میگذارند و در روی دریای مالک
خارج میباشند همانند از آنها نشود و امنای دولت هم
بر عابای خود سپرده بودند که بجنگ دخل و تصرف نکنند

موسیو و بنبر ایلیچی از جانب امپراطور استریه در پایتخت
فرانس درین روزها مورد التفات علیحضرت امپراطور
فرانس گردیده و نشان تاج آهن با ایلیچی مژبور التفات
کرده اند

استخاصی که در خصوص کرانی مان اعتشاش نمودند و چون
آنها را گرفته و مجبوس کرده بودند درین روزها هر یک
نسبت به تعصیر خودشان تمسبه شده اند اما تمسبه ایشان
جز قیمت همین قدر کرده اند که ضرر خستاری که در اعتشاش
مژبور بخلق رسیده بود از آنها گرفته اند

گری بالدی نامی که در ایام اعتشاش مملکت ایتالیا بزرگ
یا عیان بود و بعد از آن صاحب کشتی تجاری شده بود و
گذرانش از محل بقتل بارهای تجاری بود درین روزها
باق و بخیز و مملکت پیه مانت پرکشته است و یکی از
امنای دولت پادشاه ساردینیه بروی کشتی که
ریز حمایت بیدقیسی و نیای شمالی است رفته بود که
ببیند و معلوم نمیشد که گری بالدی دوباره دخل و تصرف
بکار دولتی بکنند یا نه

چنانچه در روزنامه سابق نوشته شده است کشتیهایی
سیکی و نیای شمالی که بملکت بیان رفته بودند با اهل بلخ

عهدنامه بسته بودند و در خصوص تجارت و بعضی مطالب
دیگر که داشتند از جمله یکی از مطالبی که داشتند این بود
که نسبت بابل سیکی و نیای شمالی که بجهت عزق شدن
کشتیهای طوفان دریا که لایه ابان و ولایت می آیند ظلم
نقدی از اهل آن ولایت با آنها نشود حال خبر آمده است که
مطالبی را که اهل سیکی و نیای داشتند اهل بیان قبول کردند
و اینهم معلوم شده است که اگر اهل بیان مطالب اهل
سیکی و نیای را قبول نمیکردند با آنها جنگ میکردند و بزور
بگردن آنها می گذاشتند

در روزنامه هندوستان نوشته اند که بخبری که دولت
انگلیس در رودخانه گنگ تازه تمام کرده اند و در ششم
ماه رجب مفتوح شده است بجهت حمل و نقل آذوقه و بار
تجارتی و تردد دستیاچ سپار بجار اهل آن مملکت آمده است
دولت در نزد مژبور نزدیک بهفت کرو پول ایران خرج
کرده بودند و لکن زیاد بکار خلق می آید کشودن این ندر
و کشودن راه آهن که درین اوقات براه انداخته اند بجهت
تردد خلق منفعت زیاد بجال اهل هندستان خواهد کرد

از چین خبرد استند که با عیان نزدیک پایتخت
رفته بودند و کمانند استند که قشون پادشاه چین در
پیش روی با عیان بتوانند دوام نمایند

در روزنامه اسلامبول نوشته اند که قشون انگلیس و
فرانس نزدیک به اشنتر پایتخت یونان از دوزخه
و همیا بودند و زور پادشاه یونان آورده بودند که
قدغن کند که از رعایای خودش بچکس دخل و تصرف
درین جنگ نکند

شویله بنس الجی از جانب دولت پر وسینه که مدتی مقیم
لندن بود درین روزها از لندن مراجعت بولایت خودش
کرده است

در فصل بهار گذشته در شهرهای نیویارک و فلیدلیفه و با
و سایر شهرهای نیکی دنیای شمالی بسیار سخت گذشته است
و از فرار کاغذها که از آنجا نوشته اند بجا بجا بعد از عبور نوروز
در آنجا باریده بود و معلوم بود که نرستان در بجزر پنجم سخت
بود ازین جهت که گویهای پنج میان در یاد سستیکی دنیای
شمالی خیلی دیده بودند

از جمله دزدیها که درین روزها اهل یونان از کشتیهای
گروه اند اینست که کشتی که در حال سستیکی بار کرده بود و از
مالته با سلا بول می آمد گرفته اند و چهر آدم در میانش
بود کشته اند

و نیز در اول خارجه مملکت بجزیره کرده است که بجهت تردد اهل
الولایت بمملکت بر اریل بنادارند و در وقت معین کشتی از آنجا
بولایت منور روانه بکنند و اخراجات روانه کردن کشتی
از دولت میدهند

از جمله احکام تازه که درین روزها در مملکت فرانسه کرده اند
این است که بعضی افواج خاصه را لقب قدیم داده اند و همان
القب است که در ایام دولت ناپلیان بزرگ داشتند
و در زبان فرانسه کرده امپریال میگویند یعنی قوا و خاصه

باز درین اوقات در شهر نیویارک شش افتاده بود و لکن
تقصیل از او در روزنامه نوشته اند مگر اینکه از افتادن دیوانه

سبزه نفر نظام شش خاموش کن کشته شده و چهارده
نفر زخمی کرده اند طوفان زیاد در آن سمتها شده بود
و یک کشتی در آنجا غرق شده بود که دو سیت نفر در میانش
بودند که از این دو سیت نفر یکی خلاص شده بود و کشتی دیگر

هم غرق شده است که نه نفر در میانش بودند ازین نه نفر
یکی خلاص شده است کشتی دیگر غرق شده است او هم که
در میانش نشته بودند سلامت بیرون آوردند اما بارها
که در میانش بود زیادش تلف شده بود

عمومی امپراطور استریموافق روزنامه و بنه درین روزها
بمملکت انگلیس خواهد رفت

کمان دارند که در مملکت انگلیس کمرک شکر که از ولایت خارجه
می آورند درین روزها زیاد خواهند کرد در ولایت انگلیس در
هر شهری در کمرک انبارهای بزرگ می سازند بجهت کشتن مال
و این انبارها مال دیوانانند تجار اذن دارند که هر قدر که بخواهند

باشان در آن انبار باشد و اجرت جزئی بدیوان میدهند
شهر بریتنل شکر زیاد در انبارهای منور بود تجار چون که شش
کرده بودند که بعد ازین دیوان کمرک شکر را زیاد نمایند درین
روزها اکثر این شکر را از انبارها در آورده اند و در یک هفته
بیت هزار تومان بدیوان از باب کمر منور شده و در آنجا

اعلانات

کتاب موعوم بشهاب ثاقب فارسی تالیف جناب نظام العلماء
چاپ شده در امامت در دکان آقا علی صحاف در جنب
مسجد جامع فروخته میشود هر نسخه شش هزار دینار

روزنامه وقایع اتفاقیه پنج پونجم خنبره ماه ذیقعد و حریم مطابقی سال با رس سبل ۱۳۷

نزد صد و شتادودو

قیمت روزنامه

یک سخته شهریکه

هفتاد و چهار هزار

منطبه دارا خلفه طهران

صفت اعلانات

بکسر الی چهار خط یک هزار دینار
بیشتر با هر خط پنجاه



اخبار داخله مالک محروسه پادشاهی

دارا خلفه طهران

افواج قاهره نظام متوقف دارا خلفه مبارکه در ایام ماه مبارک رمضان حسب الامر مشفق معاف بودند بعد از ماه مبارک رمضان همه روزه بقرار

سابق مشغول مشق میباشند و معلمین و صاحب منصبان نهایت سعی و اهتمام را در مشق آنها دارند

سواره شامسون قورت بیکلو که احضار در بارگایون شده بودند درین روزها برکاب هایون حاضر گردیده و لشکر نوبان عظام حسب الامر آنها را دیده شد و نفره بکلی با اسب و اسلحه و اسباب

تمام سان داده ما در خدمت خراسان گردیدند و این روزها روانه میشوند که در آنجا مشغول انجام

خدمات محوله بجا میباشند

هوای دارا خلفه طهران درین روزها با مقتضای فصل زمیزی گرم شده است و لکن چندان شدت بلبغی که در بعضی سالها داشت ندارد چند روز است که

فی انجمله با دگر کم در شهر ورید است و لکن دیوانه که موکب هایون تشریف دارند و سایر شیمیرانان هوا بسیار خوب است خصوصاً شبها که بسیار خوش است

امورات دارا خلفه طهران از اتهامات امنای دولت علیه در کمال استقامت است و چاکران دیوانی در رعایت

موکب هایون هر یک در انجام خدمات محوله بجا میباشند سعی و اهتمام را دارند و جمیع سکنه دارا خلفه از کسبه و اصناف و غیره مرفه و آسوده خاطر

هر کس بکار و کسب خود مشغول و کسی قدرت حرکت خلا فی ندارد و اگر بندرت کسی مرتکب شرارت یا

خلاف حسابی شده باشد عقوبت کامل میگرداند چنانچه ماکولات و غیره دارا خلفه سجد الدد از هر چیزی فراوان و ارزان است چون آب درین اوقات

بیشتر در زراعات و باغات بیرون شهر مصرف می شود چاکران دیوان درین باب اهتمام نموده اند که خیار که شهر

دارد بقاعده رسیده بجلات تقسیم شود که اهل شهر کم آبی

سایر ولایات اذربایجان

از فراری که در روزنامه اذربایجان نوشته بودند امر خود
 از استقامت نواب مستطاب شاهزاده والا بن نصره اول
 فیروز میرزا نایب الایاله اذربایجان و مقرب انخاقان
 میرزا صادق قائم مقام کمال نظم دارد و مقرب انخاقان
 مشارالیه در رسیدگی با مردم و انتظام امر قشون
 همواره نهایت اهتمام دارد و عالیجاه تیمور پاشا با تو
 با گو و اردو در سلطنت تیریز شد. مقرب انخاقان قائم
 سان آنها را دیده و مواجبتان را در طاق نظام انجا
 داده اند که روانه دار انخاقان مسبار که شده بر کاتب

بیانید

عالیجاه حاجی شریف خان که از دربار هایون مرخص
 شده با وزیر بایجان رفته بود که بر حسب صوابد بایجان
 شاهزاده نصره الدوله و مقرب انخاقان قائم مقام
 مسدود خدمت حکومت شود از فراری که نوشته بودند
 حکومت ارومی را با بد و اکلدار کرده و روانه داشته اند
 که رفته مراقب نظم امر ولایت باشد

از فراری که نوشته بودند اسمال در اذربایجان موقوف
 سردخت کم است و از سر حاجی آفت و اسب
 بیموجات رسیده است

استرآباد

از فراری که در ضمن اخبار استرآباد نوشته بودند
 از اهل تربت عیسی خان از مقصد و پنجاه تومان تنخواه
 مال حاجی علیستغی نام کاشانی را در راه عراق بسر
 برده و فرار با استرآباد رفته بوده است یک نفر

سید مکاری برای جستجوی اموال مسروقه با سید
 رفته مراتب را بمقرب انخاقان محمد ولینخان بیکر بیکی
 عالی کرده بود عالیجاه مشارالیه هم در صد نقص
 مال برآمده بود بقاصد و سه ساعت سارق را
 با اموال مسروقه بدست آورده با تمام فرستاده است
 که آورده در طهران تسلیم حاج علیستغی کاشانی

بروجرد و عربستان

از فراری که در روزنامه بروجرد نوشته بودند نشان
 هایون که با قهار نواب مستطاب شاهزاده والا بن نصره اول
 خان میرزا رحمت و انقاد کرده بود در روز دهم ماه
 با انجا رسیده نواب مغزی الیه با خوانین و صاحبان نظام
 و امانی داعیان ولایت تا باغ شاه با استقبال شتافته
 لازم توقیر و احترام را معمول داشته اند و تمثال ایشان را
 زیب و آویزه پیکر اعتبار ساخته اند و بجهت احترام اجزای
 شلیک نموده بیت و یک تیر توپ انداخته و نقیض سلام
 داده اند بعد از ادای خطبه بنام هایون علیحضرت پادشاه
 و تقدیم شکر کذاری صرف شربت و شیرینی نموده بشهر حاجت
 کرده اند

از فراری که در روزنامه عربستان نوشته بودند جمعی از ظالمین
 بنامه ساکن کبکیلیویه بجهت غارت رعایای دانات را فرار
 آید بودند عالیجاه شیخ فارس خان خبردار گردیده جمعی
 سواره سمره برادرزاده خود فرستاده و نفر از ایشان
 مقتول و سه نفر زخمی شدند و باقی فرار کرده اند

از انتظام فوج امرانی لرستان که در سرحدات آنجا هستند

نوشته بودند که بسیار با نظم حرکت می کنند و عیالها
 میرزا ابو الفضل مابهی یکدفعه سان آنها را دیده صورت
 آنرا بنزد نواب برزاده احتشام الدوله روانه نمایند
 در انجام خدایت یوانی نهایت تمام را محمول میدارند
 و بگو نوشته بودند که درین اوقات در محقره پنج شش خان
 آتش گرفته بود چون خانها را در آنجا بقاعده که اعراب
 دارند اغلب ازنی می سازند از خانه استاد عبد الدنام
 جنازه آتش بروز کرده و بی پنج خانه دیگر سرایت کرده بود
 مردم جمع شده آتش را خاموش کرده بودند و از
 اسباب خانهای مزبور نیز هر قدر که نوشته بودند
 بیرون آورده و نگذاشته بودند آن بی یکسر

کرمانشاهان

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته بودند
 عبدالکریم پیک غلام شیخ مت که از قرار حکم امنای
 دولت علیه بجهت تحقیق رسیدگی موجب سرراز و
 سواره کرمانشاهان مامور بود با بنجار رسیده و نواب
 عماد الدوله حکمران کرمانشاهان تمامی سپاه
 صاحب منصبان و سررشته داران را حاضر نموده
 درین باب مشغول تحقیق و غوررسی بودند تا آنچه معلوم
 گردد بدو عرض امنای دولت علیه برسانند
 و بگو نوشته بودند که قبل از ماه مبارک رمضان یک
 بار تجارنی از قبیل چادرشب رزی و غیره از شخصی از اهل
 مندلیج در منزل طاق کرمی سرفت نموده بودند مشارف
 کرمانشاهان آمده و مراتب را بعض نواب عماد الدوله
 بخاک گزاران قوغن شده بود که در مقام قحط برآیند بعد از

۱۱۷۲

چهل روز عالیجاه فتح الدخان فریباشی نواب برزاده
 در کوچ و دوخته از آن چادرشها و دست شخصی دیده بود
 که میفروشد قیمت آنها را پرسیده بود آن شخص گفته بود
 بی سه تومان میفروشم شارالیه چون دیده بود که چادر
 یکی هفتشت تومان ارزش دارد نفوس اینمغنی را کرده
 بود که باید مال دزدی باشد که با بیع سه شسته قیمت آنرا
 ندارد در مقام تحقیق برآمده بود آن شخص مذکور داشته بود
 که من این چادرشها را زود و نفر کرده ام خردم نام حساب
 مال را آورده بودند چادرشهای خود را شناخته بود
 نواب عماد الدوله محصل فرستاده اند که رفته از کز
 آن دو نفر سارق را حکما با بقیه اموال مسروق سپا و
 که مال بصاحبش تسلیم و حکم سارقین هم بعد از آنجا

شود

کرمان

و بگو نوشته بودند که عالیجاه عبا سفلخان سیرت فوج
 در این اوقات وارد کرمانشاهان شده سه روز در آنجا
 توقف کرده و بعد از آن با فوج خود روانه برود شده بود
 که بنزد نواب احتشام الدوله برود
 از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته امیرالامرا
 محمد حسن خان سردار حکمران یزد و کرمان سواره اوقات
 در اشطام امر آن ولایت نهایت مراقبت را دارند چون
 بجهت کرمی هوا اکثر مردم از دعات شهباه برای معاطله
 بشهر می آیند امیرالامرا العظام سردار حیت نفر سوار
 کرده اند که در بیرون شهر و سر راهها گردش نمایند که
 مبادی حاسی و خلاف قاعده اتفاق افتد

باشد ناشی و صادر نمی شود

از قراریکه نوشته بودند این روزها در سرای کججلی خان
بنای تعمیر گذاشته بودند سردابه در زیر عمارت ظاهر
در آن سردابه دو کله آدمی دیده بودند که از سرهای اهل این
زمان بزرگتر بوده شخص زارعی که یکصد سال تجاوز سر داشته
گفته بود که در ایام محاصره کرمان دو نفر بقال تنومند قوی
بیکل درین سر مشغول بقالی بودند بعد از افتتاح ابواب
شهر که قشون خاقان شهید آقا محمد خان طاب ثراه بنا
قتل و غارت گذاشته بودند افاغنه سبای کججلی خان
ریخته آن دو نفر بقال را با سبای اهل آن سر مشغول
باین دو کله از آن دو نفر بقال میباشند امیرالاعظم
سردار قدغن کرده بود مشرانغل داده فرج

از قراریکه نوشته بودند قنوقی که در کرمان سابقا از
باد وسیلاب خراب شده صاحبان آنها از بی
قوه آبادی نیستند امیرالاعظم محمد حسن خان سردار
بملاحظه اینک رعیت از دست زود و مال دیوان سوخت
مکنذ هر یک از صاحبان املاک بقدر کفاف تنخواهی
داده اند که مشغول آبادی قنوقات بشوند و ببلوکات هم
نوشته اند که بقدر ضرورت مملکت خرج ادا نمایند

از قراریکه نوشته بودند امسال برای کرمان بسیار که
از اول سال الی حال عصر تا دو ساعت از شب رفته
بادهای گرم شدید میوزیده که مردم متاذی می شده است
و درین اوقات هوای آنجا بطریق گرم شده است که قریب
بهرالی دو ساعت از ظهر گذشته اهدی در کوچ و بازار
رد و میستواند که اغلب روزها بر میبود و لکن باران نمی آید

از قراریکه نوشته اند امیرشایباف خانه کرمان زیاد
رواج دارد و امیرالاعظم محمد حسن خان سردار
حکمران یزد و کرمان قدغن کرده است که احدی از تجار
و سکنه کرمان شال کشیری داد و ستد ننمایند از پنجه
امیرشایباف خانه آنجایی رونق دارد و استادان
شایبافخانه خوب از عمده برمی آیند و هر وقت طرح نوشتن
بیرون می آورند و سردار رسم باین ملاحظه در باره
هر یک از استادان یزد و نوارش کرده همواره
و ترعب نماید

دیگر نوشته اند که از اتهامات امیرالاعظم سردار
طوق و شوارع و سرحدات و دینه جات کرمان نهایت
اقت را وارد قوافلی که از یزد و فلدس و سیستان
و زوار مشهد مقدس وارد شده بودند از اذیت راهها
زیاده از حد گرفتار کرده اند اهل سیستان مذکور ساخته
بودند که شخصی دو تومان وجه نقد داشته و در قوافلی
نادری بجا گذاشته بعد از چهار روز معلوم کرده بود که
پولش نیت با اهل قافله بنای مشاجره گذاشته همگی
قسم یاد کرده بودند که خبر نداریم بعد از آنکه خاطر جمیع
شده بود مراجعت بقراول خانه کرده پول خود را بدین
کسر و نقصان در آنجا یافته برد آ مراجعت کرده بود

از قراریکه نوشته بودند افواج قراکوزلو و کرمانی هر روز
در میدان ارک آنجا مشغول مشق نظامی هستند و بکند آنجا
با عالیجاه اصلاخان یا در توپخانه عصر در میدان
مشق می کنند و از هیچیک امریکه خلاف قاعده و ضابطه

۱۱۷۳

اخبار دول خارج

انگلیس

در مشورتخانه وکلای رعایا که بتاریخ ۲۴ ماه شعبان چاپ زده اند نوشته اند که وزیر داخل مشورتخانه در مشورت اجلاس کرده اند بجهت دستور العمل سال آینده و اخراجات سال نوزاد ویت و نصرت و یک کرو و نود و یک هزار و دویست تومان پول ایران بر او رد کرده بودند و این اخراجات را همه از مالیات امسال بجا کرده بدون اینکه دولت فرض بکند و در این باب بحث و گفتگو و مکالمات زیاد در مشورتخانه شده و بعد از گفتگوی زیاد دستور العمل بزبور را قبول نموده و بهمان منوال مجری داشته اند

فرانسه

موافق اخبار روزنامه فرانسه معلوم میشود که راه آهن پاریس پای تخت فرانسه در سبیلز که شهر است در جنوب آنولایت امسال با تمام خواهد رسید پیشتر این راه با حال ساخته شده است اما چون قدری ناتمامی در بعضی جایها دارد و سنو مرتضی بهم نشد است سیاحان در آنجا باید میشوند که از کالک بخار بیرون آید بکشتیها که در رود بنشینند و این رسم رخصت و محظی زیاد دارد و هم اخبار بسیار خصوصاً در حمل و نقل بارها که باید چند دفعه از کانال و ارگشتی کالی که حمل و نقل شود و امید دارند که بعد از تمام شدن این راه از شهر سبیلز که در کن راق و دیگر و قیمت تا کنون پای تخت انگلیس در دو روز بلکه دیگر روز و نیم برودند اکثر سخا که درین راه خرج شده است اخذ است که تجار و صاحبان خواه از برای انتفاع خود مایمیکند از آن ولیکن دیوان قدیمی با آنها امداد کرده اند

احوال متفرقه

در این ایام پول قدیم زیاد از دست شمال مملکت روس و ممالک دوز در یابی لطف حبه اند و اکثر این پولها از ایام خلفای عمر ازین پولها که حبه اند معلوم میشود که در ایام جلال و استقلال خلفای عرب با نولایات تردد زیاد می شده است و تجارت بسیار در کل آن ممالک داشته اند و از کتب تواریخ قدیم نیز معلوم میشود که در ایام خلفای مزبور طایفه عرب چند در روی دریا تسلط و بچه ولایات بعیده رفته اند اما تا بحال معلوم نبود که بولایاتی نزدیک بحر منجم است رفته باشند یا نه در این اوقات بعد از بیست هزار پول قدیم آن ایام تا بحال از شهرها و ولایات آن اطراف پیدا شده است و اکثری طلا و نقره و سایر اسباب هم در آنجا پیدا کرده اند خصوصاً از جزایر اوکند و کاتند و در این مکان دارند که انبارهایی که در آن ایام مال التجاره با آنجا می آوردند در جزایر مزبور بوده اند

در نزدیکی شهر که یز مملکت است پانویس نوشته اند که درین سال بلخ زیاد بیرون آید و خرابی بسیار رسانده است الی آنجا از بلخ خوارکی و آنولایت میکند زیرا که در فوکتان بلخ خوارکی اتفاق می افتد آنهم گاهی اگر باشد در سمت جنوب فوکتان در اجناریسکی و نیای شمالی نوشته اند که حاصل شکر از تواریخ معلوم میشود امسال فراوان خواهد شد و قیمتش در جزایر خکا است جزئی تزلزل است قهوه و پنبه و سایر حاصل کرم بسیار است بسیار خوب بود و چونکه از سال گذشته نیز ازین اجناس انبار بسیار داشتند تزلزل قیمت آنها بهم رسیده است در روزنامه های ایتالیایی نوشته اند که فراریها که مدتی بود از

خود اخراج بلد بده بودند کم دسته دسته بولایت
 ایطالیاجت میگردند و لکن از قرار یکدیگر میگردند اکثر
 بدست چاکران دیوان می افتادند پانزده نفر در کوهستان
 باین مودینه و مملکت لشکر گرفته بودند و اینها از همان دست
 بودند که چند وقت پیش ازین میخواستند در آنولایت آشوب و
 نمایند سید قبضه تفنگ سربازی و تفنگ دولتی
 دست یا عیان گرفته اند و کمان میگردند که بعضی شان از
 روده باشند در سرحد دریا کشیکچیان و قشون گذار
 که مانع عبور این اشخاص باشد و لکن خبر دارند که بعضی از آنها
 از مملکت کوچک مودینه زده شده و بولایت پیلت رفتند

سنگها پیدا میشوند که از قسم مرجانند و بجهت کشتی نشین
 آنها از همه زیادتر است بسبب اینکه بسیار اتفاق می افتد
 در دریائی که سد ذرع یا دوت ذرع عمق دارد این سنگها
 مانند دیوار از ته دریا بسلا کشیده شده است و کشتی ها
 باین سنگ میخورند و می شکند

در رودخانه های بزرگ نیکی دنیا یک تشویش کلی که بجهت کشتیها
 دارند از درختهای جنگلی بزرگ است که بمیان رودخانه
 بسبب سبیل و غیره می افتد یکسر درخت در رودخانه محکم
 و سر دیگرش نزدیک بروی آب کشتی که باو میخورد
 می شکند و غرق شود از جمله درین روزمان نوشته اند که در یکی از
 رودخانه های آنجا یک کشتی غرق شده است که در میانش دو
 بیان و الاطلا که تخمینا دو کرد پول ایران با بود کشتی شکسته
 و غرق گردید و لکن این کشتی سلامت بیرون آمده و صند و قبا
 که طلا در میان بود بیرون آورده بودند

در روزنامه اسپانیول نوشته اند که والده پادشاه آنولایت
 ناخوش بود اول چنان مید استند که ناخوشی آبدار
 حال معلوم شده است که ناخوشی سرچراست و چونکه این
 ناخوشی ناخوشی اطفال است در کسانی که نشان کامل است
 اگر بروز بکند خالی از تشویش نیست از دخترهای پادشاه
 نیز یکی بهین ناخوشی گرفتار است

زوجه لوی قیب پادشاه سابق فرانسه مدتی بود که در مملکت
 اسپانیول توقف داشت و در شهر سول قامت نموده بود چونکه
 درین اوقات میخواست از آنولایت بیرون برود و اینچنین
 مقیم اسپانیول بجهت احترام شارالیهها بدین ادرفته بود

درین روزها دولت فرانسه کشتی بخار بست سحر الاحمر
 فرستاده بود کشتی مزبور در آن دریا گرفتار شده و در
 جد آمده و از تنگنای دریا که باب المندب می نامند بیرون
 آمده به سمت کناره مملکت افریقایه میرفت تا کاه بنک خورده
 و شکست خبر بعد آن آمده بود و سر کرده قشون پادشاه
 دو کشتی با زاد اهل کشتی فرانسه فرستاده بود آذوقه و توپ
 و سایر اسباب آنچنینستند از کشتی مزبور سلامت بیرون
 آورده بودند اما کشتی غرق شده بود در آن دریا

عباس شاه حکمران مملکت مصر بنا دارد که در کوه موسوم بچارب
 عمارت بسازد و بقدر سه هزار نفر عمده در آنجا براه انداخته است
 که راهی از کناره سحر الاحمر تا کوه مزبور بسازد و عمده مشغول کار
 قشونی که در قاهره های تخت مصر داشتند هیچ هزار نفر بود غیر از
 نظام صبیطه درین اوقات حکم شده است که سی هزار نفر قشون
 از ولایت مصر تازه بگردند

۱۱۷۵

روزنامه وقایع اثنایه تبایح کوچه شبیه ماه دی قعد الحرم ابن امطاسان پارس ۱۲۶۰

مزه صد و شانزده

منطبه دار الخلفه طهران

قیمت روزنامه

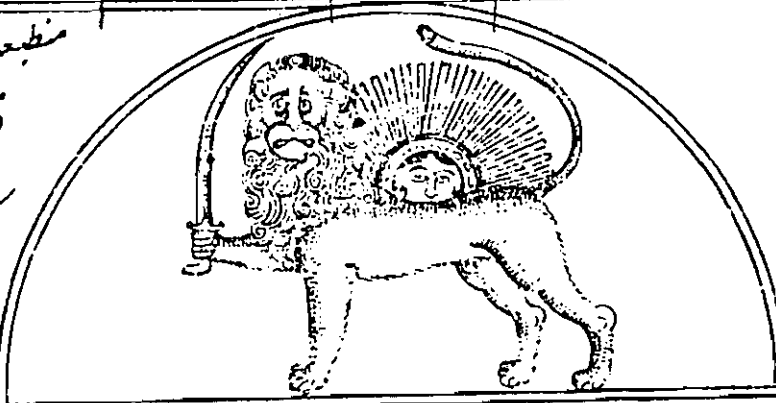
قیمت اعلانا

یک نسخه در شهر یک

یک سطر الاجاره سطر

و تومان و چهار هزار

بیشتر با هر پیر



اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دار الخلفه طهران

در روز شنبه سیم اینماه اعلیحضرت پادشاهی
 عزیمت تفرج سمت در بند و آن اطراف فرمودند و
 ساعت از روز گذشته سوار شدند سوارباشامون
 قوت بجای که در همه سابق نوشته شده بود حاضر کباب
 مبارک گردیده اند در روز مزبور در عبور موکب هایون
 صف کشیده بودند و بنظر اقدس شاهنشاهی رسیده
 ملاحظه آنها را فرمودند و سواره مزبور در تحسین و التماس
 گردیدند و از آنجا موکب هایون بست در بند و آن اطراف
 تشریف فرما گردیده تا حوالی عصر بتفرج و مساحت آن
 مشغول و جناب جلالت تا عصر عظیم هم در موکب هایون
 بودند نزدیک بغروب آفتاب که مراجعت بهمارت مبارکه
 نیادران میفرمودند و جمال آباد بمنزل مقرب انخاقان
 ایشیک قاسمی باشی تشریف فرما گردیده مشارالیه تقدیم
 پیشکش و قربانی مقدمه هایون نموده مورد التفات گردید و
 پادشاهی از آنجا بهمارت مبارکه نیادران تشریف فرما گردیدند

۱۱۷۶

از اخبار شهر چیزی نبود که در روزنامه نوشته شود مگر آنکه
 نوشته بودند در هفته گذشته سه چهار نفر شراب و شرارت
 کرده بودند آنها را گرفته بنزد نواب مستطاب شاهزاده و
 در شیر میرزا حکمران دار الخلفه طهران و توابع آورده بودند
 و حسب احکام نواب معزی الیه تمهیت مخفولی شده چون دو نفر
 ارضینف کسبه بوده اند بعد از تنبیه حکم کرده بودند که بنزد جناب
 اخوند ملا ابو الحسن برده در آنجا توبه نمایند که بعد ازین مرتکب
 شرع نشوند دیگر در روزنامه شهر قیمت اجناس ماکولات
 نوشته اند که در آخرین روزنامه مسطور میگرد

سایر ولایات

از در بایجان درین هفته اخباری از در بایجان
 خراسان

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته بودند بجهت
 راهبها و آری بسیار از اطراف ممالک محروسه بار خراسان
 آمده اند و مع هذا در اجناس ماکولات آنجا تسعیری بهم رسیده

و همه چیز فراوان و ارزانت

دیگر نوشته اند که در روز عید فطر نواب مستطاب شاهزاده
 و الا تبار فریدون میرزا فرمانفرمای مملکت خراسان در دلو انجا
 بزرگ افتخار و سلام عام داده و پرده تصویرهای یون علی حضرت
 پادشاهی را در بالای سر نواب حسنی الیه قراداده مقرب انخاقان
 میرزا فضل الله وزیر نظام و سایر خوانین و صاحب منصبان
 میرنجه کان و سیرپان و غیره در سلام نوب حضور بهم رسانیدند
 شلیک توپ غیره بقاعده معموله کرده و ادای خطبه بنام نواب
 اعلیحضرت پادشاهی نموده صرف شربت و شیرینی کرده
 بودند و در بین سلام فرستاده عالیجاه یزدانیر و بخان
 برادر مقرب انخاقان سامخان الیمخانی بیست تیره سراز اشرا
 ترکان با شش نفر بچه ترکان و دوسه سبب پیش بجنور
 نواب منزی الیه آورده به آورنده سرها و فرستاده پادشاهی
 به یک انعامی داده و یک شوب جبه ترمه نیز بجه عالیجاه یزدانیر
 فرستاده بودند

دیگر نوشته بودند که مقرب انخاقان میرزا فضل الله وزیر نظام
 در انتظام امر سرکار فیض انار فراری دست داده و بعضی
 جایهای ایوان طلا و صحن و خیابان و غیره را چنانچه در روز
 سابق نوشته شده بود در این روز با تمام سبب و سپاه و
 با صفا کرده اند و در ایام ماه مبارک رمضان یالی اجبارا
 علاوه بر طنج مقرری سرکار فیض انار ششی بیت و پنج من
 برنج علاقه برای فقرا و غریبان نموده اند

دیگر نوشته اند عالیجاه میرزا مصطفی قلیخان چون در انجا قدم
 نهانی و رسیدن معاملات و محاسبات و انتظام امر و غیره
 انجا اتمام و انفی مهمون داشته بودند نواب فرمانفرما شرای

مورد التفات نموده یک شوب جبه ترمه با و خلعت داده اند
 و مشارالیه نیز هر روزه از باب تخریر ادر و فرج کوه
 مشغول محاسبات و معاملات انولایت و رسیدن جیره
 موجب نوکر مستیبات لایبی میباشند

دیگر نوشته بودند که نواب فرمانفرما در اوقات محبت از
 اتق در بند حاجی محمد رضای شاد دلو رار وانه نموده بودند که
 رفته سواره و پیاده و خانوار هزاره را آنچه سابقا بشهر نوب
 آمده بودند و آنچه این اوقات آمده اند سان دیده فرات
 جام و با خرز و خواف و کار یزرا هم رسیدگی نماید شرای
 رفته رسیدگی با مورات انجا نموده و در دوازده نفر از
 خوانین و ریش سفیدان هزاره راهس راه خود خدمت
 شاهزاده آورده بودند نواب معزی الیه هم آنها را مورد
 نموده و به و اطاف این دولت علیه امیدواری داده و عرض
 کرده اند

فوج افشار ابو اسمعی عالیجاه مقرب انخاقان عسکر خان
 از فرار یک نوشته اند در پنجم ماه شوال از ارض آند بسین
 آمده اند که بدر بارها یون شاهشاهی روانه شوند و در
 هنگام مرضی نواب شاهزاده یک شوب جبه ترمه دیگر سبب
 مقرب انخاقان عسکر خان و یک رس سبب و یک طاقه
 ترمه بجایگاه پوک خان سرمنگ داده اند

دیگر نوشته اند که قشونی که از مرودمرا حبت کرده بودند نواب
 شاهزاده حکم کرده اند که لشکر نوبان سان آنها را
 بدقت رسیده و مشخص نمایند که درین سفر غایب و فراری
 نوکر نوب و چقدر بوده تا بعد از سان و رسیدگی موجب
 آنها داده شود

دیگر نوشته بودند که شخص مشدی در کارخانه خود سنگ
 من آب سیکرد دست چهار پنج ساعت از شب رفته
 دیده بود که دو نفر در پیش روی او ایستاده اند بجز
 اینکه صد بلند کرده بود یکی از آنها خجری بسینه او زد
 و از کرده بودند و آن شخص بعد از اندک مدت بهان خنم
 در گذشته بود مراتب بعضی نوابان شاه هر از هر رسیده حکم
 کرده بودند که قاتل را بدست بیاورند چند آنکه تقصیر کرده
 تا مجال بدست نیامد است از قراریکه میکفتند زن آن
 شخص بدعل بوده است و رفقای او این کار کرده اند بیستم
 دیگر نوشته بودند که روزی از جماعت اترک از ارض
 اقدس مراجعت کرده بودند در منزل سبزو از بعد
 هفتاد و ششاد تومان اجناس از مال حاجی علی نامی تکران
 سیرت برده بودند مشارالیه مراتب را بجا کم سبزو
 رسانده و گفته بود که اگر مال مرا پیدا کنی در طهران منت
 امنای دولت علیه عرض خواهم کرد حاکم آنجا تخمین کند
 بداروغه و غیره نموده و الترام گرفته بود که حکما مال او را
 پیدا نمایند بعد از آنکه زوار یک منزل آنسبزه از گذشته
 بودند داروغه اموال او را پیدا نموده آدم فرستاده بودند
 و او را بر گردانده مالش را تمامه تحویل نموده و بعد آدم
 او کرده و او را آورده بزوار محس ساخته بودند

فارس

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند لطف الدنام
 شیرازی یکساعت بصبح مانده از منزل خود بیرون آمد بجهت
 منی سحارج شهر رفته بود در نیم فرسخی شه کفتاری باو برخورد
 و بهم در او بخته بودند کفتار او را زخمی نموده بود و مشارالیه

۱۱۷۸

سه روز دیوانه بوده و بعد از سه روز مرده است

دیگر نوشته بودند میرزا علی بن قی غلام پیچید مت از فارس
 می آمد است در منزل ایزدخواست چند نفر سوار بر سر او بخته
 اسباب او را برده بودند مراتب حاجت بفارس نموده مراتب را
 بعضی نوابان سطا شاد براده و ابالار موبد الدوله حکمران مملکت
 فارس رسانده بود نواب معزی ابوالعاجه محمد ششم خان
 که با پنجاه سوار سبجاست آن راهها مشغول بود و خسته مؤاخذه
 و تنبیه بلیغ نموده بودند و مشارالیه نیز الترام سپرده بود
 که اموال مسروق را پیدا نموده بصاحبش تسلیم و قبض گرفته

بسیار توابع معزی الیه رساند

و هم چنین چند وقت قبل ازین قافلہ تجاری از خارج شهر از عمود
 یکبار سگ و پوست از قافلہ مزبور مفقود شده بود آمده بنوا
 مویذ الدوله عرض کرده بودند حکم شده که اهل همان سرزمین که
 بار مزبور در آنجا کم شده است یا پیدا نمایند یا از عهد برآیند
 آن محل در مقام تقصیر برآید بار مزبور را بعینها پیدا کرده بصاحبش
 رد نمودند

میرد

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند امسال در آنجا مرض آبله
 زیاد تر از سالهای دیگر بروز کرده است و لکن عمل آبله کوبی بسیار
 اطفال و غیره فایده می بخشد آنجا که سابقا آبله کوبی شده اند ازین
 مرض سالم اند و مطلقا در آنها تاثیر نمی کند و آنها نیز که تازه آبله کوبی میشوند

از مرض مزبور خلاص می یابند

دیگر نوشته بودند اهل نظام متوقف بر دزدان کوچی و سر بار بجهت
 مشغول مشغول میباشند و در کمال نظم حرکت می نمایند و بیشتر از سایر
 مردم احراز از بی نظمی و خلاف دارند

کرمان

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند اینست
 و شوارع و سرحدات و دهنجات آنجا نسبت با تمام
 تفاوت کلی کرده است بطوریکه در آن ایام باجمیت کلی از
 قوافل جسیع نمی شد عبور از آن راهها میکردند و مع
 باز در آن راهها توشیخ خطر از برای عابرین بود اما درین
 اوقات از اتهامات امیرالامرا العظام محمد حسن خان سردار
 حکمران یزد و کرمان امنیتی حاصل است که دو نفوسه نفر
 هر وقت بخوانند یا نهایت خاطر جسیعی بدون توشیخ
 از آن راهها عبور می نمایند و درین روزها زوار و کاروان
 از ارض اقدس وارد کرمان شده اند و از امنیت منازل
 مخوف بسیار تعریف میگردد

دیگر نوشته بودند که همسال قانون انولایت این بوده است
 که سه ماه بعید نوروز مانده و وجه شاهی اشرفی حواله می شده
 و باین بهانه مباشرین نصف مالیات آینه را می گرفته اند
 و بقیه مالیات را هم تا سه چهار ماه از عید نوروز گذشته
 دریافت مسکوده اند و باین جهت رعایا محتاج به بیع سلم
 می شده اند درین سال بجهت خرابی رعیت از اقسام سرما
 امیرالامرا العظام سردار قدغن نموده است تا آخر ماه
 رمضان از رعایا مطالبه مالیات و وجه شاهی اشرفی ننمایند
 و وجه شاهی اشرفی را قدری خود سردار و قدری سایرین
 از تجارت و غیره قرض کرده داده اند که بجهت رعایا آسودگی
 حاصل شد و در چهارم شوال بجهت قسط حکم به بلوکات صادر
 شده است که انالی بلوکات بدون رفتن محصل وجه مالیات
 قضا اول خود را تا اواخر شوال و اواسط ذیقعه آورده

تحویل نمایند

درین اوقات به سالار محمدنجان بلوچ از بلوچستان
 آمده و عریضه جات از خوانین بلوچ بنزد امیرالامرا العظام
 سردار آورده و همگی اظهار چاکرگی و اقیقاد این دولت نمودند
 بنیاد کرده اند ولی مذکور بود است که از جانب امیر علم خان
 حاکم و بزرگ چهارم سواری بنزد امیرالامرا العظام مستحفظ
 بنیاد آورده و اخبار کرده بوده است که از او خان خارا نی
 فراهم آورده که بسر درگت بیاید عایجه ابراهیم خان بن
 خوانین بلوچیه را در بنپور خواسته و نوکر را اخبار نموده بود
 که با تارک باشند که اگر خبر صریح برسد باجمیت خود
 باید امیر علم خان بروند

از جمله غرایب که در روزنامه کرمان نوشته اند درین اوقات
 و ختری بسن چهار سالگی از خود بشهر آورده بودند که با وجود
 باکره بودن حمل داشت او را بنزد جناب حاجی سید جواد امام
 برده بودند بعد از آنکه چند نفر زنهای قابله آورده و رسیدگی کردند
 بودند گفته بودند که باکره است و لکن حمل دارد و جماعت زن
 گفته بودند که چون این دختر باکره است احتمال میرود که در وقت
 وضع حمل تلف بشود و بقوای علمیای شرع او را شخص آخوند
 عقد لینه بودند اخوند را شب تصرف نموده و عملی انجام
 دختر نموده و وضع حمل نموده پسری از او متولد شده بوده است
 دیگر نوشته بودند که عالیجناب شیرین پیک تفنگدار که از دربار پهلوی
 بجهت سید کیسان و اوجب که توقف کرمان بود در نزد شوال بانجام حکام
 انسانی دولت علیه با امیرالامرا العظام سردار رسانیده بود و همچنین ولی پیک
 نیز که محصل وجه صندوقانه مبارک بود در ۲۹ رمضان المبارک
 با احکام دیوانی بانجام رسیده بود

۱۱۷۹

اجبار دول خارجی

انگلین

در مملکت رتس امید که در سبب خوب
 افریقینه باشد و حال در تصرف دولت انگلیس است
 چند سال پیش این دولت انگلیس با ایشام صحرایش اینجا
 جنگ داشتند و چونکه مردم مزبور در جنگها و کوهستان
 اینجا بودند تمام کردن این جنگ مشکل بود حال جنگ اینجا
 تمام شده و آنولایت نظم تمام دارد و امورش روز بروز
 ترقی است و چونکه امنای دولت انگلیس فهمیده اند که هرگاه
 شورتخا در آنولایت مانند ولایت خود انگلیس قرار بدهند
 خیر خلق است مراتب را پادشاه عرض کرده اند و فرمان
 داده است که در شهر کپستان که شهر بزرگ اینجا است شورتخا
 قرار بدهند که در باب امورات خودشان شورت بمانند
 و حاکم از جانب پادشاه در آنجا بنشیند و احکام تصدیق
 او مجری باشد ولایت مزبور بسیار وسیع است و لکن چندان
 آبادی نداشت چونکه شهر کپستان منزلهها است بچه گشتیها
 و سیاحان که از فرنگستان می آیند یا از یمنی دنیا و بزرگبار
 سحر الاحمر و مالک اطراف سحر الاحمر و آن سستهای عربان
 و هند و چین و مالکی که در آن دریا می آمدند باین جنبه شهر مزبور
 رود ترقی خواهد کرد آب و هوای آنولایت بسیار سالم و خوش
 جنبی حاصل خیز است اصل اهل اینجا که از اولاد فرنگی هستند
 که در اینجا آبادی کرده اند از منبند و از طایفه مالکند

چین

از جمله اخباری که از چین نوشته اند کویا درین اوقات
 جنگ عظیمی مابین یاغیان آنولایت و پادشاه شده باشد
 یاغیان نزد یک بیای تحت نشسته اند و راه بزرگ که آذوقه

از اینجا بیای تحت میرو و در دست یاغیان بود از آنجهت در
 پای تحت که بزرگترین شهرهای روی زمین است بجهت آذوقه
 شکی و عسرت می کشیدند شهرهایی که جای تردد و اهل دول خارج
 میباشد در سمت جنوب آنولایت واقع است و پیشکین که
 پای تحت چین است در سمت شمال واقع است چونکه ولایات
 مابین در دست یاغیان است در شان دور است خبری
 از اینجا نرسیده بود که بولایات خارج بنویسند و لکن
 خبری که یقین و محقق بود این بود که پادشاه چین و قسوس
 جنگ آمده بودند باغیان همه از اهل اصل خود چین میباشند
 و لکن پادشاه و بعضی از قسوس و چاکران دیوان از اهل
 تاتارستان اند از قراریکه درین روزها نامه نوشته اند
 تا سینه نهند و پنجاه عیسوی پادشاهان چین از اهل خود
 بودند پادشاه آن ایام نیز مانند پادشاه این ایام از
 دست یاغیان آن ایام تنگ آمده و مانند این ایام امداد
 از مغولهای تاتارستان خواسته بود و جمیع ریا د از اهل
 تاتارستان بچین آمده و بیایغان آنولایت سگت دادند
 و لکن چون اهل تاتارستان بسیار مردمان شجاع و صاحب
 شمشیر بودند بخلاف اهل چین که شجاعت و رشادتی ندارند
 اندکی طول نکشید که تاتاریها صاحب ولایت شدند و پادشاه
 چین را که با امداد آمده بودند از تاج و تخت انداخته از
 بیخ کن کردند و یکی از اهل خودشان سلطنت چین رسید
 پکن را پای تحت قرار دادند و تاتاریها هزار و سیصد و هشتاد
 شش عیسوی در اینجا سلطنت کردند باز در آن ایام از اهل
 خود چین سلطنت آنولایت را صاحب شدند از سلسله که اسم
 آن سلسله منگ بود و این سلسله تا سینه هزار و سیصد و هشتاد

عیوی سلطنت کرده و در آن تاریخ با زنجکی مابین
 چین با طایفه منول تاتارستان شده بود بعد از سی سال
 جنگ اهل تاتارستان فاین آمدند و سلطنت چین رسیدند
 و از آن ایام که دو بیت و سی و شش سال پیش ازین است
 این سلسله که اصل آنها از تاتارستان است در چین سلطنت
 می کنند حال باغیان از اهل چین میخواستند پادشاه را که
 تاتار است از تاج و تخت بدارند و او هم از تاتارستان
 امداد خواست تا بعد چو شود

احوال اصغر

از و از حساب که در شهرهای فرنگستان نگاه میدارند در
 خصوص بیرون رفتن خلق بولایات بعد از شهر لرزوبون
 مملکت انگلیس در سال گذشته باین تحصیل نوشته اند
 که دو بیت و بیست و چهار هزار و هفتاد و هشت نفر
 در پانصد و هفتاد و شش کشتی نشسته و بیرون رفته اند
 و اکثر اینها یا بسکی و بنای شمالی خصوصاً کلی فارسیا
 یا پاستران رفته اند اگر چه از یک شهر انگلیس آمده جمعیت
 در یکسال پنجای برود زیاد است و لکن نسبت لهائی
 کم است که در سالهای پیش پیش ازین جمعیت از آن ولایت
 بیرون میرفتند

در ولایت انگلیس حیوانات وحشی و قفس بجهت تماشای
 زیاد نگاه میدارند از جمله این حیوانات که در شهرهای
 جزو ممالک انگلیس است نگاه داشته بودند ببری بود ریاض
 درنده اگر چه چند سال بود که او را نگاه داشته بودند
 اما با آدم شش گرفته بود و نزدیک رفتن با و شوش
 زیاد داشت درین روزها ناخن این بر جان درازند

بود که بگوش دست و پایش فرو نشسته بود و نمیتوانست
 بروی دست و پا بایستد و در باب گرفتن ناخن او ناخن
 مانده بودند که چه تدبیر نمایند طبیعی آمده تدبیری اندیشیدند
 که از آن دو اگر جراحت بدم دماغ زخم دار و غیره که میخواهند
 مد هوشش نمایند می کشند و نام او کلوروفارم است بدماغ
 بریزند بزرگشیدند و مد هوشش کردید بعد از آن ناخنها
 او را گرفتند

از جمله تجارت عمده مابین ولایت انگلیس و هندوستان
 و یکی دنیای پنبه است و پنبه در هندوستان فراوان است
 و لکن بعضی از مالک چون از دریا دورند اخراجات
 حمل و نقل آن زیاد است نمیتوانند اکثر زراعات
 آنجا را که پنبه است درست بفرودش برسانند حال بجهت
 راههای آس در دست کرده اند و مردم صنعت این راهها را
 دیده اند سال بسال این راهها را زیاد تر خواهند کرد
 و حاصل آن ولایات خوب بفرودش خواهد رفت خصوصاً
 از مملکت کجوات که بعضی اوقات فرساده و پنبه از آنجا
 بولایت انگلیس میبرد و بسبب اینکه از یکی دنیای پنبه
 فراوان تر وارد است بولایت انگلیس وارد می شد حال که
 راهها را ورکارند در هندوستان درست بنمایند
 امکان دارند که حاصل آن ولایت با کسی حمل و نقل بشود
 و بسیار خوب پیش برود

ایضا در باب چین نوشته اند که معلوم میشود از وقتیکه
 سلطنت چین در دست این تاتار بجات بعضی از اهل
 چین پیوسته درین جنال بوده اند که این طایفه را سلطنت
 آن ولایت بی دخل نمایند و لکن چون زورند اشتند که زور
 بردند

۱۱۸۱

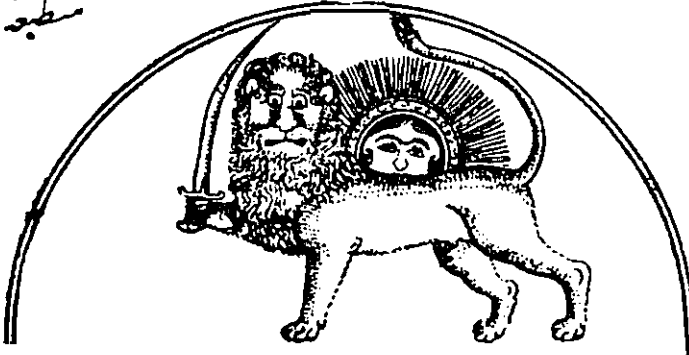
با آنها بتواند جنگ نماید عداوت آنها پنهان بود تا
 درین ایام که زورشان زیاد شده است بنای جنگ را
 گذاشته اند اگر اهل دول خارج را رضی باین جنگ
 بجهت اینکه امید دارند که ولایت چین که ولایتی در بسته است
 و تا بحال اهل دول خارج در آن ولایت راه ندیده اند
 آن ولایت بروند بعد ازین آن ولایت نیز مانند سایر ممالک
 روی زمین بجهت رفت و آمد و داد و ستد تجار غیر مفتوح

باشد و مانعی نداشته باشد
تعییر اجناس و ارا بخدا و طهارت

کندم ساو جلاخی یکخوار دو تومان و سه هزار
 کندم شهری یکخوار دو تومان
 جو یکخوار دو دانه هزار
 گاه یکخوار شش هزار
 لوبیا یکخوار سه تومان
 ماش یکخوار سه تومان و پنج هزار
 عدس یکخوار دو تومان و پنج هزار
 لک یکخوار پنجه
 نخودرسی یکخوار دو تومان و چهار هزار
 ذغال یکخوار شانزده هزار و پنجاه
 نان یک من ده پور
 موشت یک من هزار دینار
 برنج یک من ده شاهی و نیم
 اردغن یک من دربال
 بزم یکخوار هشتاد
 باغلا یکخوار چهارده هزار

شع یک من دو هزار و سیصد و بیست
 هندوانه یک من شاهی
 طالبی و کرک یک من پنج پور
 خربزه یک من یک عباسی
 باونجان شش عدد یک پول
 ماست یک من دو عباسی
 پنیر شور یک من یک هزار و ده پول
 قند یک من چهار هزار و پانزده
 نبات یک من پنجاه
 شکر سفید یک من سه هزار و ده شاهی
 دارچینی یک من یک تومان
 هل یک من دو تومان و چهار هزار
 میخک یک من شش هزار
 فلفل یک من چهار هزار
 ریشه جوز یک من دو ریال
 لیموی خشک یک من دو هزار و پانصد
 زیره یک من دو هزار و پانصد
 زرشک یک من دو هزار و صد
 تنباکوی شیرازی یک من سه هزار
 سکنجین یک من چهار هزار
 آب لیمو یک من دو ریال
 قهوه یک من چهار هزار و ده شاهی

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم چهارشنبه ۱۲۷۰

<p>منطقه دارالخلاف طهران قیمت اعلانات مکتب المطابع مطبوعه بیت سبزه پرنسپال</p>		<p>نمبر صد و شصاد و چهار قیمت روزنامه یک نسخه شش ماهه یکساله در آلمان و چهار هزار</p>
--	--	---

اخبار واحده ممالک محروسه پادشاهی

<p>درب وجود و بختیاری و اتماتی که در نظم اولایات معمول داشته بودند خدمات نواب معزی الیه مستحسن خاطر ملوکانه افتاده درین اوقات یک ثوب کلبه ترمه از بلوسن مبارک برسم خلعت رحمت و طوقه فرمان بان بافتار نواب معزی الیه شرفصدور یافته اند که دیده و هم چنین نواب ایلمردم میرزا فایب الحکومه لرستان که در انجام خدمات دیوانی و انتظام امر آن صفحات استقامت نموده بود یک ثوب جبه ترمه کرمانی اعلی رحمت گردیده با فرمان مبلغان مبارک بافتار اور و آن فرمودند</p> <p>چون در این اوقات عیال نواب مستطاب شاهزاده والا مصطفی قلی میرزا حکمران مازندران فوت شده و عزا و بوند اعلیحضرت پادشاهی محض رحمت ملوکانه یک ثوب جبه ترمه مخصوص بنو امیه سزای الیه القیات و القاد فرموده که بامید واری شمول انجام خدمات دیوانی باشد</p> <p>چون چند منزل از منازل عرض راه سمرقند جناب و کمزور بود و بجهت عابرین و مترددین عسرت حاصل میشد جناب</p>	<p>دارالخلاف طهران در روز شنبه گذشته اعلیحضرت پادشاهی عزیمت نمودند و از بنیاد و ران سوار شدند جناب جلالت آبد صدراعظم افخم هم در کباب هایون بودند و در روز و دیشهر نواب مستطاب شاهزاده والا تبار در حکمران دارالخلاف طهران و توابع و سایر چاکران دیوانه که مقرر خدمت دارالخلاف بودند شرفیاب حضور فرمودند خسر و انی گردیدند و اعلیحضرت پادشاهی تا عصر در تشریف داشتند و بعضی از عمارات مبارک که را نیز که تازه با تمام مقرب اسخاقان حاجب الدوله میسازند و بسیار با طرح تازه است ملاحظه فرمودند و نزدیک غروب وقت به عمارت مبارک که بنا و ران مراجعت فرمودند و جناب جلالت آبد صدراعظم بجهت انجام بعضی مهمات از قبیل تنظیم امر دیوانه و قورخانه و غیره شب را در شهر ماندند و کارهای ضروری را انجام داده روز یکشنبه را بکباب مبارک معاود نمودند</p> <p>نظر بطور خدمات و کفایت و کار دیوانی نواب مستطاب شاهزاده والا تبار احشام الدوله خان میرزا حکمران عربستان در لرستان</p>
---	---

۱۱۸۳

Handwritten mark or signature on the left margin.

صدر اعظم وجه نقدی بقدر ضرورت مصارف آنجا مصحوب
ادمی مخصوص این فرستادند که رفته آب قنواة آنجا را آورد
و منازل مزبوره را تعمیر و آباد نماید که برای عابرین عسرت حاصل
نشود

نشان بجهت سواره خراسانی پنج قطعه
بجهت خوانین بلوچ سه قطعه نشان و قبایر دست

عالیجان محمد حسن خان سپهبد ارعلیخان سیستانی و شاهپنده
و میرکمال خان دزین اوقات از سیستان بدر باره جایون
آمده بودند در حوز هر یک قرار موجب شده مورد التفات
اولیای دولت علیه گردیده ملاحظه نمودند

در روز چهارشنبه ۷ اینماه صاحب جمعیان سرفاهه و قاطران
حسب الامور جایون شترها و قاطرهای سرکار را بنیاد و روان آورد
در نزدیکی رستم آباد همه رسان دادند و یکی در کمال چاقی و دیگری
بنظر اقدس جایون اعلیحضرت پادشاهی جناب جلالت تاب
صدر اعظم رسیدند صاحب جمعیان مزبور چون قاطر و شتر را
خوب و فربه نگاه داشته بودند مورد التفات شدند

بعضی از خوانین و اشخاصی که در قلعه کبیر فارس و قلعه جلیان
خدمت کرده بودند و در حق آنها مجوز التفاتی از اولیای
دولت قاهره نشده بود درین اوقات از اینتر اختلت در
حق آنها رحمت گردید

در این اوقات که مرحوم شیخ خان بشیرالدوله فوت گردیده
محمد اسماعیل خان پسر او در منظم امر چارخانه ساعی دستام تمام
چنانچه درین روزها چارپار و درسی ساعت از اصفهان بطهران

عالیجا امیرعلیخان دیزگی شمشیر بر اوق طلا
خوانین بلوچ شت نفر کار و دست طلا

در روزنامه شهر نوشته بودند که در روز سه شنبه گذشته
و در نزدیکی حاجی آقا نام تبریزی در بکری رمضان نام
بود و سابقا نیز دزدی کرده و نسق شده بود مع ذلک از عمل دزدی

از او خان خراسانی نشان نقره یابوری از نیمه دو نیم قطعه
ابراهیمخان ضابط پور و سر کرده جهازه سوار نشان یابوری قطعه

دست برنده داشته باز مرکب سرقت شده بودند بدست تحفظین
افتاده آنها را نیز ذنواب مستطاب شرازه و الا تبارید
حکمان دار ایحلا و طهران و توابع آوردند چون بکرات دزدیها

سیدعلیخان سر کرده نو کربن نشان مطلقا قطعه
بجهت فرج کرمانی ابو اجمعی عالیجا اما علیخان نشان یابوری قطعه

نموده بودند لهذا نو محبس سزی الب حکم بیست آنها نموده و
در پای قاپوق پروان دروازه بیست رسیدند و
و نفر سارق دیگر که مدتی در حبس بودند در روز مزبور تهنیه
و سیاست گردیدند

نشان سلطانی سه قطعه نشان ناپی پنج قطعه نشان
چهل و یک قطعه

دیگر نوشته اند که ذنواب هزاره فرار داده اند که شبها در چهار

بجهت فرج کرمانی ابو اجمعی عالیجا سرزاکو چک خان
نشان یابوری قطعه نشان سلطانی دو قطعه نشان ناپی

عنه

سایر سیزده قطعه
نشان بجهت غلامان مهاجر هشت قطعه
نشان بجهت توپچی پازره قطعه

۱۱۸۴

طبل بزنند و چهار ساعت و نیم که از شب گذشت عبور و کوچها
قدغن و ممنوع باشد و بعد از چهار ساعت و نیم از شب رفته
فراوان و مستحفظین هر کس را که در کوچه بپسیند خواه فانوس
داشتند بایابی فانوس باشد بگیرند و شبها نهایت تر است
در محافظت شهر و محلات بعل آورده اند

سایر ولایات

افریایجان از قراریکه در روزنامه این ولایت
نوشته بودند نواب مستطاب هزارده و ابارنصره ادد
در امنیت و نظم ولایت و رفاه و آسودگی رعیت مستطاب
و انی دارند که راهها امن و از قطاع الطريق محفوظ باشد
و در ولایت نسبت کبکی اجحاف و زیادتی نشود از جمله
بجال بقدر بیت نفر از دروان مشهور انولایت را که همیشه
در راهها مشغول و زدی بودند گرفته و در حبس دارند
و سوار و مستحفظ بطرق و شوارع فرستاده اند که در هر جا
وزد بپسیند و سکیگر نمایند و در باب مالیات ولایت
و معاطه با رعیت نیز بهر ولایت مستطاب دستور العملی که روا
داشته اند در ورقم فرستاده اند یکی خطاب به رعیت و ایام
ولایت که در منا بر بجهت حملون سوا نند که زیاد از قرار
سنا بد حبه و دیناری از آنها مطالبه شود و اگر حکام و ممالک
سجواهند زیادتی نمایند مراتب را بنواب مغربی اعیان
نمایند آنچه حاکم یا مباشر زیادتی کرده باشند با المصاعف
از آنها استرداد شود و در قسمی دیگر حکام هر ولایت مضمون
که از قرار دستور العمل اگر حبه و دیناری زیاد تر از رعیت گرفته
باشد با المصاعف رد نماید و علاوه بر آن مورد مواخذة و بول

باشد و درین باب الترام نیز از حکام و مباشرین جزو گرفته
امالی انولایت عموماً ازین قرار داد راضی و شاکر و دعاگوی
دولت علیه هستند که کسی تعدی و خلاف حساب منتهی از با کسی

دیگر نوشته بودند که در ششماه قبل بحاری در منصبه بنای
افتاده بود بقدر ششصد تومان مال تجار را از آنجا برده بودند
این اوقات با تمام مقرب الخاقان قایم مقام سابقین
پیدا کرده همان مال تعیینه استرداد نموده تجار روگردان

دیگر نوشته بودند که آقا بابابیک فرانس خلوت با وزیر
میرفته است در کردنه قیلان کوه بقدر سیصد چهارصد تومان
مال او را برده بودند مقرب الخاقان قایم مقام آدم فرستاده
سارق را بدست آورده اند اموال مشارالیه را تمام کمال
استرداد و با و تسلیم نموده اند

مازندران

از قراریکه در روزنامه اینولایت نوشته بودند نواب
مستطاب هزارده و االتبا مصطفی قلی میرزا حکمران انولایت
بجهت انجام مهمات دیوانی در شهر ساری توقف دارند و
یلاق نرفته اند و این روزها مشغول دیدن سان نو کرده
رساندن مواجب نوکران خود استر اباد هستند و در نظام
امر ولایت نیز نهایت مراقبت و اهتمام را معمول دارند
امالی انولایت بسبب مراقبت نواب مغربی الیه استوده خاطر
باید از این سخن تا یون ششغال دارند

اصفهان

در روزنامه اصفهان نوشته اند که چاه چرخ غلخانیان بکلمه در نظم و بنق
صیغی کاریهای بلوکات درین اوقات اتمام نیافته و دارد و خود

۱۱۸۵

۸

در روزنامه اصفهان نوشته بودند که در قره سده نجان
و در هرات و در که زنهای آنها با یکدیگر خصومت کرده بودند
نزاع زنها با هم منارعه نموده و بهم در او تخته اند برادر کوچک
کاروی برادر بزرگ کشیده او هم کار در از دستش گرفته و
پهلوش فرو برده برادر کوچک را مقتول نمود عالیجا چراغ
نایب الحکومه اصفهان فرستاده قاتل را آورده اند خود
قاتل نیز بعلن خود اقرار نموده است و الان مجبوس است که موافق
حکم شرع مطاع بدین یا قصاص هر چه مقرر کرد معمول دارند

دیگر نوشته بودند که درین اوقات سبجه حرکت ایلات نجف
و قشانی فارس راه فارس افشاش بهم رسانده بود
و قدری امثال از عابرین بزور برده بودند عالیجا نایب
محمد پیک غلام را با چند نفر غلام دیگر روان کرده بود که محقق
آن سههار ناسند تا بمقتاد نفر غلام دیگر تدارک دیده
او پرسند مشاریه با غلامان رفته علی اکبر خان پسر علمبردار
بختیار را گرفته و اموال مسروقه بسیار از او استرداد نمود
از غرایب اتفاقات اینکه علی اکبر خان شب بخیلی فرار کرده
ورفته بود در نواحی محال سیم در سر چشمه آبی آب خورد
و در آنجا خوابیده بود همان ساعت که خوابفته بود ماری
اورا گزید و فوراً هلاک گردیده بود

در منزل مورچه خورت نوشته بودند که چندی قبل ازین پاره از
قطاع الطریق بختیاری که در فرید کسبی دارند مالی از تجارت
کرده بودند مستحقین عرض راه که عالیجا چراغ علی خان نایب
لعین کرده بود مخبر شده آنها را تعاقب کرده بودند تا رفته

وزد و مال را پیدا کرده بعضی از مال را استرداد کرده اند
و بعضی بر ابرام محصل در آنجا گذاشته اند که استرداد کند و بعضی
مال برساند

کرمان

از قرار یک در روزنامه این ولایت نوشته اند درین اوقات
پسر میرزا قاسم خان نوزی که طفل بوده از چوبارک
فرسخ تا شهر کرمان است بشهر می آید است در نیمه راه بنای
اسب دوانی گذاشته است درین دو بدن اسب طفل
خورده و یکیش در رکاب مانده و اسب رم برداشته
بهمه جا در راه و بیراهه و پست و بلند دویده و طفل فرور
تا در نزدیکی باغات رقی آباد که بشهر نزدیک است پست
بود اشخاصی که در آنجا بودند رفته اسب را گرفته و طفل را
یافته بودند کان طور شهر آورده جراح و طبیب حاضر کردند
خون او را گرفته بودند بهوش آمده معلوم شده بود با آنهمه
صدمات که با خورده بوده است تفضلات خداوندی
شامل حال او شده عیب و نقصی نگردیده بود بیشتر از دو روز
بستری نبوده صحت یافته و حال در کمال صحت و تندرستی

راه میرود

از قرار یک در روزنامه این ولایت نوشته اند امسال آفت
ملح خوارگی در آنجا نیز بروز کرده بود و مرغ و مرغ خوار نیز در بعضی
بلوکات بهم رسیده بود مغرب انخاقان محمد یوسف خان تبر
فرستاده از ده ساران که از توابع خرقان است آب سار
و بعد از آوردن آب در بعضی بلوکات آنجا سار زیاد آمده
و مشغول تلافی میگردند

اخبار دول خارج

انگلیس تاریخ کاغذ آخر که ازین ولایت سید
 ۲۷ رمضان المبارک بود و در ۱۳ ماه مزبور عمارت
 بلور که دوباره در آنجا برپا کرده اند در جانی بسیار با صفا
 و خوش آب هوا از دیگر بشه لندن با کمال نیت و
 اساس گشوده شده بود خود پادشاه و پرنس البریٹ و
 اعیان در خانه با نجات شریف آورده بودند و زرا و حوا
 ملک نیز اکثر در آنجا بودند ایلیچیان دول خارج ^{جمنصان} **مجلس**
 همه با لباس فاخر با آنجا آمدند و در آنجا سکین خنایچه
 و چین روز فاعده است برپا کرده بودند و در آن دهانی
 گفتگویی که بعضی اهل انگلیس کرده بودند از جمله یکی این بود که
 بسیار جای فخر و شکر است بجهت اهل انگلیس که دوستی و
 یگانگی ما بین ولستین انگلیس و فرانسه درین اوقات ^{سخت} **سخت**
 سالهای سال بود که این دو دولت با هم عدوت داشتند
 و بعضی اوقات هم چه در ایام قدیم و چه در این ایام ^{آخر} **آخر**
 جنگهای سخت شده است و الحق فرانسه در جنگها کمال غیرت و
 رشادت و مردانگی را ثابت کرده اند و امید داریم چنانچه
 ایام مغایرت جنگ و دشمنی قایم بود درین ایام ^{مواحد} **مواحد**
 دوستی و مودت بهمان استحکام و سختی باشد و چنانچه
 و غیرت فرانس مکرر در جنگها معلوم شده است امید داریم
 که در دوستی نیز معلوم شود و چونکه خیر هر دو ^{صالح} **صالح**
 و یگانگی است امید داریم که دایم و قایم باشد چنانچه ^{ایام} **ایام**
 و کلاهی دول که چنانچه افتتاح عمارت بلور از بهر دولت نامور بود
 آن مجلس ^{شستند} **شستند** هر یک از جانب دولت خود با اظهار ^{صفا} **صفا**
 و خورسندی مبادرت نمودند و از جانب آنها ^{لیکن} **لیکن**

و کیل فرانسه با اهل مجلس مزبور گفتگوهایی مبنی بر مودت
 اقدام نموده بود
تاریخ ۲۷ ماه مبارک رمضان پادشاه پورتو قال وارد
 سوش همپطان که اول خاک انگلیس و در کنار دریا واقع است
 شده بود و در آنجا کاسکما و چاکران علیا حضرت پادشاه
 انگلیس حاضر بودند که پادشاه پورتو قال را از آنجا با کمال ^{عزاز} **عزاز**
 و احترام بعبارت پادشاهی بنیز بر او رکوکچک او نیز ^{بر} **بر
 و بنا دارد تا چند ماه در فرنگستان سیاحت کند و چنان
 یازده ماه از پاریس رفته بولایت خود مراجعت نماید از مملکت
 انگلیس بنا دارد و بشه بر و سلسله پای تخت مملکت برود و از آنجا
 پاریس پای تخت فرانسه و از آنجا بولایت پای تخت است
 و از آنجا به بعضی پای تختهای دول کوچک فرنگستان نیز خواهد
 رفت پادشاه مزبور و برادرش برود چون اند و هر یک ^{سخت} **سخت**
 آنها شرفیاب شده است کمال تعجب دارد که با صغر سن بسیار
 قابلند و چندین زبان از دول خارج غیر از زبان خود ^{مشان} **مشان**
 میدانند و تکلم مینمایند و در افتتاح عمارت بلور لندن نیز
 پادشاه انگلیس در آن مجلس شریف ^{داشتند} **داشتند**
 وزیرای دولت انگلیس چیزی تغییر و تبدیل در میان شده است در
 تاریخ ۱۵ رمضان پادشاه همه وزراء را اجنبی خوانسته بود
 و اوگ نیز کسل که سابقا وزیر مالک خارج انگلیس که در تصرف دولت
 انگلیس است ازین منصب معزول شده و در مانی که مخصوص این
 منصب است و در خدمت پادشاه گذاشته و منصب ^{بر} **بر
 منصوب گردید و سر جارج کرتی بجای مشارالیه وزیر ^{مالک} **مالک**
 خارج که تابع و در تصرف دولت انگلیس است اقبیل ^{شدن} **شدن
 گردید و لار دجان ^{مجلس} **مجلس** وزیر کردید منصب وزیر جنگی در******

ولایت انگلیس مدنی متروک بود حالا باز دو باره برقرار شد

اعلیحضرت امپراطور بر داشته شده و اهل مشورتخانه عرض

کردیدند که بجانهای خودشان بروند مگر وزیر در آن مجلس

حاضر بوده اند و امپراطور نسبت باین مشورتخانه فرمایشات

درین اوقات بیدین علیاحضرت پادشاه انگلیس آمد بود

مموده بودند از قبیل اینکه کوشش وسیعی وزیر در خدمت دولت

پیش از آنکه پادشاه بهارت ویتنزارت تعریف بزند و

باعث خیر عامه حشلق فرانسه است

علیاحضرت پادشاه انگلیس با پادشاه پورتو قال و سایر

مکانان عظیم از شاهزادگان فرنگستان که درین ایام

بهمانی پادشاه انگلیس آمده اند با اساس لازمه که متداول

در براردونی دوازده هزار قشون پیاده جمع نمایند و اینها

این دولت است با بدو انی اسکات که نزدیک شهر

رسمت شمال مملکت فرانسه جمع خواهند شد و وعده

لذت رفتن بودند

قشون منور در پانزدهم ماه ژولیه که مطابق نوزدهم

دولت انگلیس خبر کرده اند که سبب و چهل هفت هزار تنگ

سوال است خواهد بود

از برای دولت لازم است هر س میلسی داشته باشد که این معاهده

درین روزها امیرال بودن نام که یکی از سرکردگان مشهور

بگذرند نماید که این تفنگها را از چه قرار میفرستد و در چه وقت

قشون بحری فرانسه بود فوت شده است و دو سپه دار که

سجوبل می کند و تفنگها که خواسته اند باین تفصیل است

یکی نایب المیچی فرانسه مقیم لندن است سر کرده منور میفکاد

سجده سر با قشون رکابی ۱۵۰۰۰۰

سال از عمرش گذشته بود و اول خدمات او پنجاه و پنج

سجده توپخانه ۲۱۴۰۰۰

سال پیش ازین بود که بیکر اکتی بود و چونکه در جنگ آن

سجده قشون رودیسا خلوتی که بجا نمانده ۱۰۰۰۰۰

ایام رشادت کرده بود زودتر می کرد و در اکثر جنگهای

سجده قشون ستری خورخائین که حال دو با مجا و لایب قرار گرفته ۱۶۰۰۰۰

ان ایام بود و صاحب منصب قدیم لژان دانز بود و درین

سجده کشیکچیان سمرهات کنار دریا ۰۱۴۰۰۰

ایام نشان لژان دانز از مرتبه اعلی نیر با و داده بودند

سجده سر باران رودی کشتی ۰۱۲۰۰۰

در میان دولت فرانسه و روسیکی دنیا گفتگونی خواهد

سجده قشون ستری خورخائین که بجا نمانده ۱۰۰۰۰۰

در خصوص که ارشی که در سنت فرنیسکو که شهری از کلی غایر

سجده قشون ستری خورخائین که بجا نمانده ۱۶۰۰۰۰

میتا اتفاق افتاده است موسیو ولان نامی قونسل دولت

سجده کشیکچیان سمرهات کنار دریا ۰۱۴۰۰۰

فرانسه مقیم سنت فرنیسکو را در خصوص مراضه بیهادت

سجده سر باران رودی کشتی ۰۱۲۰۰۰

طلبیده بودند مشارالیه غیرت تا دیده بود که استای دولت

سجده قشون بحری ۰۳۰۰۰۰۰

در میان دولت فرانسه و روسیکی دنیا گفتگونی خواهد

سجده قشون ستری خورخائین که بجا نمانده ۱۰۰۰۰۰

در خصوص که ارشی که در سنت فرنیسکو که شهری از کلی غایر

سجده قشون ستری خورخائین که بجا نمانده ۱۶۰۰۰۰

میتا اتفاق افتاده است موسیو ولان نامی قونسل دولت

سجده کشیکچیان سمرهات کنار دریا ۰۱۴۰۰۰

فرانسه مقیم سنت فرنیسکو را در خصوص مراضه بیهادت

سجده سر باران رودی کشتی ۰۱۲۰۰۰

طلبیده بودند مشارالیه غیرت تا دیده بود که استای دولت

سجده قشون بحری ۰۳۰۰۰۰۰

در میان دولت فرانسه و روسیکی دنیا گفتگونی خواهد

سجده قشون ستری خورخائین که بجا نمانده ۱۰۰۰۰۰

در خصوص که ارشی که در سنت فرنیسکو که شهری از کلی غایر

سجده قشون ستری خورخائین که بجا نمانده ۱۶۰۰۰۰

میتا اتفاق افتاده است موسیو ولان نامی قونسل دولت

آنجا میخوانند و را محجوس نمایند و بزور او را بدو استخوانه آورد
 بودند او هم بیوق دولت خود را پانین کشید بود و امر را
 رجوع بدولت خود کرده بود اکثر روز نامه نویسان خود
 دولت یمنی دنیای شمالی درین روزها طعن و هتک
 بجا کران دیوانی و حاکم سنت فرنگی می کنند و میکنند
 کاری کرده اند که خلاف قاعده دولت است و اینکه قونسل
 فربور را بزور بدو استخوانه خودشان آورده اند درین خصوص
 گفتگونی مابین ایچی فرانسه مقیم و امین تن و وزرای دولت
 یمنی دنیای شمالی شده است و از اینکه وزرای یمنی بنا
 تقصیر اهل سنت فرنگی را بکردن گرفته بودند امید داشتند
 که این گفتگورا بزودی تمام نمایند و چندان طول نکشد

درین مملکت کیشان میخوانند حکم صادر نمایند که در روز
 یکشنبه چونکه روز عبادت اهل عیسویت در آن روز بیچکس شیخی
 پزدان در سر این مطلب گفتگوی زیاد شده بود اکثر مردم این
 قرار را پسند نکرده بودند بجهت اینکه طالب آزادی بودند و میخواستند
 که احتیاج مردم باید در دست خودشان باشد که در روز
 یکشنبه بخواهند مشغول مشغول و کار باشند یا مشغول عبادت

در آخر بهار و اول تابستان در مملکت فرانسه بارندگی زیاد
 شده بود و نسبت بفضول بسیار سرد گردیده بود و بسیار
 از مردم آنجا ناخوش بودند بمرض ناخوشی سینه و تب محروم

مطبوعه و غیره

یمنی دنیای شمالی

در روزنامه نیومارک نوشته اند که مردم در آنجا بناچار
 رفتن بجزیره کوپه را داشتند و روزنامه نویسان آنجا طعن
 عادت بدولت خودشان میکردند بجهت اینکه نظام سختی نگذاشته
 که مردم مفتد و اشرار را نگذارند بجزیره کوپه بروند که باعث
 گفتگوی دولتمندان بکسب جنگ و نزاع نیز نشود

در شهر باستان مملکت مزبور بر سحزودکی اتفاق افتاد
 بود و در خصوص اینکه غلامی که بجهت بود حسب القاعده که دارند میخواستند
 و دوباره بگیرند و حبس کنند و بدست صاحبش بپسند
 اگر چه قانون ولایت بود اما خلاف رای اهل آنجاست که

طالب آزادی کل غلام کنیز سیاه چندان
سایر ممالک فرنگستان

از مملکت بعدن نوشته اند که باز گفتگونی مابین کیشان اولاد
 با بزرگ آنجا در میان بود حکم آن مملکت میخوانند و در آنجا

مردمان شهر پاریس اکثرشان بجهت تابستان که هواد بلوکا
 فرانسه در آن فصل بحال صفار دارد از پای تخت بدگاهت
 و بلوکات آن مملکت رفته بودند و امپراطور فرانسه ببارش
 بیرون رفته و ببارت سنت کلود رفته بودند و ایچی
 انگلیس مقیم فرانسه بنا داشت که ضیافت سنگین نماید
 امپراطور فرانسه را با زوجة اش مهمانی بکند تا آن مهمانی
 که ایچی فرانسه در لندن بجهت پادشاه انگلیس نموده بود

اسب دوانی که سال بسال در شیطلی نزد یکسای است
 فرانسه میکردند درین سال نیز کرده بودند و لکن چونکه در آنوقت
 بارش زیاد آمده بود مردم کم بجهت تماشا آمده بودند
 کل بود و اسبها با اشکال میرفتند و آن اسبها که پرزور

مهم بود پیش آمدند

در امر دین و کشیشان بکند و بعضی مردم چون غیرت دین دارند طرف کشیشان را میکشند جزئی برسم خود را که با این جهت در آن ولایت شده بود و لکن زود نظام در آوردند و گنجانند که معرکه علیط بشود کشیشان اما از دولت استریه حواستریه بودند و بعضی مردم بکمان داشتند که دولت استریه با آنها اما او بکند و لکن دولت استریه بیچ باین امر دخل و تصرف نکرد بود و جواب داده بود دولت پر و بس هم میخواستند و میانجی کری بکنند و لکن حکم آن مملکت بعد ن قبول نکردند و این گفتگو را قرار کرده بودند که در میان خودشان بکنند

دزدان در بای یونان درین روز زیاد شده اند اگر بعضی کشتیهای دول بعضی کشتیهای دزدان را توقیف میکنند و سگته و غرق کرده اند و خود دزدان را بقیه کرده اند باز موقوف نشده است بعضی از مفدین بد عمل فرنگستان نیز با آنجا میروند و شریک عمل دزدان یونان می شوند و ضرر کلی بکشتیها و مال تجار تی میرسانند و درین خصوص گفتگویی ما بین ایلیچی فرانسه و پادشاه پیدمانت شده است چونکه معلوم گردیده است که بسیاری از رعایای او بان ولایت رفته و مشغول بن عمل سرقه شده اند غیر از کشتیهای انگلیس و عثمانیه که در آنجا بجهت تنبیه سارقین و محافظت کشتیهای تجار تی خودشان کشت می کنند از دولت استریه نیز کشتی در آنجاست و درین روز صاحب آنجا بش دولت فرانسه یک کشتی از جانب پادشاه پیدمانت بان طرف رفته و لکن از قراریکه در روزنامه اسلامبول می نویسد مانع شده کامل از دزدان مزبور نشود از عمل به خودون دست بکشند

۱۱۹۰

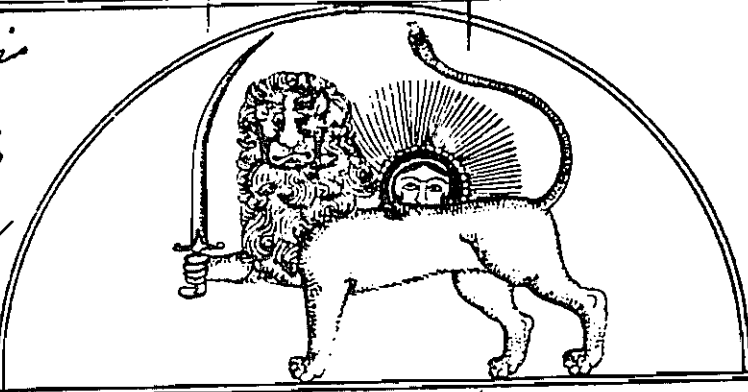
میکویند گفتگویی که ما بین دولت استریه و دولت کوکلیستین شده بود که مانده است که درین روز ما با صلاح بگذرد و قسوس استریه را که روی بلوک تینین گذاشته بودند قرار بود که از آنجا بردارند دولت سویس متعهد شده است که چیزی فراری از دولت استریه در خاک خودشان باشد اما دام که در آنجا هستند نگذارند که مشغول افتاد باشند یکی از خواستهای دولت استریه این بود که فراریهای مزبور را از آنجا بیرون بکنند و لکن دولت سویس این مرحله را قبول نکرده بود چونکه خلاف قانون و منافی غیرت خود میدانستند که آنجا که با تولایت پناه آورده اند از آنجا بیرون نمایند اما متعهد شده اند که وقت بوقت در وعده متین اسامی شخصی را که از استریه فرار کرده و بملکت سویس پناه آورده اند بدولت استریه بگفتگوی دیگر که داشتند در باب کشیشان مذکور که دولت سویس آنها را از خاک خود بیرون کرده بود دولت استریه حواستریه کرده بودند که کشیشان مزبور ازین مراجعت بانولایت داشته باشند این مطلب قبول نشده است و بعضی گفتگوهای دیگر نیز که پیشتر بهمانطور در میان

بمبند

در روزنامه کلکته نوشته اند که بنا دارند در سر در آنجا بنا کنند این دولت انگلیس عم از این خود انجلس یا اهل هند و آن که در حکمت انگلیس چند نفر از اعیان انجلس و هندستان بشراکت این بدسرا میخوبند ر طرح کشند اند و کم بعد ازین دولت انگلیس فرود آید در آنجا تجتنامت از پوپول انجلس که صد هزار تون اول بران بار آورده کرده و سالی ده هزار پوند نیز که دست و دهر از تومان با محتاج یا محتاجین سایر طرفه آنجا آورده اند

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ پوپ ششمین و دویم ماه و یقعد الحرام مطابق سال بارشین

نمده صد و شصت و پنج
قیمت روزنامه
یک نسخه و شش بریکه
هفتاد و چهار هزار



منطبعة دارالخلافه طهران
قیمت اعلانات
یکمتر از چهارم هزار دینار
بیشتر با هر متر پنج م

اخبار و حمله ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

درین اوقات اعلیحضرت پادشاهی عزیمت تفرج افجه که
یلاق خوب و متعلق بجناب جلالت مآب صدراعظم است
فرموده در روز یکشنبه بیستم ایماه چهارم ساعت
مانده از نیایوران حرکت فرمودند آنتب رادکنار جا
توقف و روز و شب تشریفهای فرمودند و در وقت توقف
این اوقات بر حسب امر اعلیحضرت شاهنشاهی
که اسلحه و آلات حربیه که از سلاطین قدیم انار اقد بر این
خرانه دولت علییه ایران بوده است و آنچه درین عهد
علاوه داخل خرانه عامه گردیده است از قبیل لشکهای ممتاز
رومی و فرنگی که اغلب مکمل و براق طلاست و طپا پنجه
فرامینای عمل استادان قدیم و شمسیه ها که اینهای نامی که
بعضی از آنها با التمام مکمل و بعضی مضع تمام براق با تیغهای
هندی و مصری و خراسانی و قدآرهای بی نظیره که مانند آنها
روی زمین کمتر هم میرسد و زرههای مخصوص و کلاه خود
و چهارمین و قوچاقهای جوهری که اغلب آنها زین و کلاه
سناجین با تکمین بوده است و سپرهای مضع و کرک و غیره

و کرزهای دانه شان و تبر زینهای مخصوص و غیر ذلک
آلات حرب که تا بحال در محل معین معلوم مجموع و در این
بنود اطافی مخصوص این سباب ساخته و با کمال نظم و آرا
حرب در آنجا چیده شود کار که از ان دیوان حسب احکام
اطاق مزبور را بوضع خاصی که مناسب و موافق این کار
مراتب و کجینها و خانها بوده باشد و یکی از عمارات مبارکه
سمت انجام دادند و جمیع ادوات جنگ را بعد از پاک
و مرمت شکستگیا که در عهد سابق بقسم رسیده بود
آن اطاق چند و بعضی نظر انور اقدس بایون شاهنشاهی
رسیده کمال تحسین را فرمودند

و همچنین حکم بایون شرف قفا دریافت که کتب و مرقات
خرانه مبارکه از قبیل و آنهای مجید بخطوط خوش نویسان
معروف هر دیار و ادعیه و صحف و کتبهای مخزون از
بر علی و کتب تواریخ و سیر و و اوین شعرای قدیم و غیره
که غالب آنها خط ملا علی الدین تبریزی و میرعماد میرزا رضا
و عبدالرشید و میرعلی و سایر استادان مستعین نویسنده

۱۱۹۱

و در ویش عبد المجید و غیره بودند با مرقعات خطوط استادان هر خط که مثل و مانند در روزگارند از قبیل میرزا احمد نیریزی داتا ابراهیم و غیره از مشقه بین و متاخرین در کتابخانه علیخده مخصوصی چیده شود کارکنان دیوان مسایون اطایق درینا امتیاز که همه مقررند آینه طلا و لاجورد بوضع خاص بوده باشد ساخته و کتب و مرقعات خزان در کمال آرایش و ترتیب در آنجا چیده و سمتهای پذیرفت و بظرف هایون رسیده موقع قبول یافت

درین اوقات اعلیحضرت قوی شوکت پادشاهی جناب جلالت آفتاب صد اعظم افخم ایشان امیر و القاب مخصوص محترم آن که بزبان فرانسه آنست **مرحمت فرمودند**

بملاحظه اخباری که در سنوای ماضیه بتواتر با ولایت دولت علییه از اغتشاش طرق و شوارع و طینان قطاع الطرق اعراب و غیره در راه عسبات عالیا رسید و چون چندی بحکم هایون رفتن زوار با ما مشرفه موقوف بود این اوقات بنا با اخباری که با ولایای دولت علییه رسید بسجده طرق و شوارع بحالت انتظام برشته و فتنه سارق و قطاع الطرق سمیت ایظفا پذیرفته است و نظم کامل در آن صفحات حاصل و جان و مال زوار محفوظ و مأمون خواهد بود و با اطمینان مکن است که عسبات عالیا و فتنه معاودت نمایند لهذا از جانب منی است

همان اقدس شاهنشاهی بجموع تمجید و رعایای دولت علییه اذن و اجازه داده شد که بمسکن خود بی اذن مخصوص هر وقت از اوقات که بخواهند روان عسبات عالیات شوند اما حکم اولیای دولت علییه این است که بی تذکره عبور و مرور از خاک و دولت پایدون نگذارند و در کرمانشاهان از مباشرین این دولت علییه تذکره گرفته با حالت نظام فتنه معاودت نمایند

عایجه میرزا مصطفی خان که سابقا مباشر مهمام خارجه آذربایجان بود و حسب الامر احضار برکاب مبارک شده بود مورد تقدسات ملوکانه آمده با عطای خلعت آفتاب طلعت مفتخر گردیده مرخص گزیده که چندی بانضباط کارهای متعلقه مخصوصه خود اقدام نموده بر حسب احضار اولیای دولت علییه بنحکم رجوع خدمت برکاب مبارک شرفیاب شود

امورات دارالخلافه طهران در کمال انتظام است و نواب مستطاب شاهزاده و الایتبار ارشد شیرمیرزا حکمران دارالخلافه طهران و توابع مراقبت تمام دارند و اینکه سمرق و خلاف قاعده اتفاق نیفتد و سایر چاکران تمام خدمت دارالخلافه بر یک در انجام خدمات مرجوعه بخدمت نهایت سعی و استقامت را دارند و در حفظ و حراست شهر و محلات بسیار مراقب اند افواج قاهره متوقف دارالخلافه بقرار استمرار از توپچی و سربازان مشغول مشق میباشند

چون نیت پاک و طینت تابناک اعلیحضرت پادشاهی
مغفور و مجبول است بر رفاه و آسایش تمامی رعایا و عبادی
که در ممالک محروسه ایران هستند لهذا نظر به پیشانی حال
ارامنه جولا به اصفهان که تبعه دولت علیه هستند و بسیار
مقرب الخاقان میرزا زین العابدین ملک الکتاب از اولیا
دولت قاهره از بنده پنهان با رسم نیل مسیح بکشد و بنیاد
از بابت مالیات دیوانی آرامنه مزبور را از قرار فرمان
همایون تأییدت سه سال تخفیف مرحمت فرمودند که حکام
و مباحثین اصفهان کسب نمایند

و همچنین چون آرامنه تبعه دولت علیه ایران که در بلوک فریه
ساکن و عبرتی مشغول هستند در قیمت جنسی که عوض مالیات
بدیوانیان میدادند متوسط مقرب الخاقان ملک الکتاب
هستند غایب تخفیف نمودند او لیای دولت قاهره بجهت
رفاه و آسایش حال آنها حصول دعای خیر برای وجود
سعد و اعلیحضرت پادشاهی خرداری و دویزار دینار
آنجایه که تخفیف مرحمت کردند

سایر ولایات

اؤز بایجان ازین ولایت درین مفعه اخبار
نبود که در روزنامه نوشته شود

اصفهان

از قرار یک در روزنامه این ولایت نوشته امسال میوه
تابان در آنجا بشدت گرم گردیده است بطوریکه کانی که
در غایت گرمای مندر ابو شهر حرات هوای آنجا را نود و هفت
درجه تخفید نموده بود و درین اوقات گرمای اصفهان را

در درجه نود و دو تخفید کرده اند و روز بروز این گرمی
هوا در تریاید بوده است و بجهت امتحان چند بیضه مرغ در ری
سک فرش عمارات پیش آفتاب گذاشته بودند و نسبت به
و بطوری گرم شده بود و است که دست از حرارت او
مناز میشد و است اما از قرار یک نوشته بودند این گرمی هوا
ضری بکسی نرسید و ناخوشی از همه سالها کمتر است

خراسان

از قرار یک از خراسان خبر رسید و نواب مستطاب نیز از
والا بتا فرمانفرما در طی تخریرات آنجا نوشته بودند این
اوقات طایفه ضاله ترکمانه از آق سقالان قلاع و قرا
و اوتیه حاجات که آنک نشین بسکند و بین مشغول شده اند
بقدر پانصد نفر سواره بجزم تاحت و تا فریه افریزه کانی
از قرار سرحد قوشخانه است آمده بعد از رسیدن آنها
بقریه مزبوره انالی آنجا مستحضر شده بودند مگر امشته بودند
مصرف شوند زود خوردی با اهل آنجا کرده پس از مجاهدت
بسیار مشغول چراندن محصولات آنجا شده بودند خبر بجا
بزدان زودی خان برادر مقرب الخاقان سامخان الیخانی
رسیده بود بجزد استحضار سواره و شنجایی آنچه دسترس
بلاتامل روانه کرده است که خود اسجایی خان بیک نایب
قوشخانه برسانند و باید انالی قریه مزبوره بروند مثالی که
بمخص رسیدن این سواره و شنجایی سواره سرحد قوشخانه را

جمع کرده بنگ انالی قریه مزبوره فرستاده است و قری رسیدن
که طایفه ضاله ترکمانه از گرفتن قلع مزبوره نامید کشته
بهان سوختن خرمنها و چراندن محصولات آنجا کرده بودند
و لکن غایب بزدان و میردینان بفرستادن سواره تمهید

۱۱۹۳

مطمن نشدند قدرت آقا را با سواره و شمشیرچی دیگر و
 ساخته بود که متعاقب آنها بروند از آن طرف قسم طایفه ضال
 ترکمانیه تدبیری بخاطرشان رسیده خواسته اند شوخی
 از سمتی برپا نمایند و از طرف دیگر دست بردی بزنند قریب
 سوار بابل و کلنگ و نزد بانهای ساخته شب بر سر خرابی
 که بخواهد سرحد قوشچان است تاخته و اطراف قلعه را گرفته اند
 نزد بانها بالا رفته بودند در حالتی که مردان آن قلعه بجاوت
 اهل افریژه رفته بودند و بجز زنهای و عیالشان کسی در قلعه نمانده
 باقی نمانده بوده است و قلعه از مرد جنگی خالی بوده است
 همان زمان پس از استحضار از روی غیرت مردان کوشید
 جنگ و جدال کرده بروج را از دست آنها گرفته سی نفر آنها
 رخنه کرده بودند بعد از مجادله بسیار که طایفه ضال ترکمانیه
 از گرفتن قلعه منبوره مقطوع الرجاء و ناپوش شده مر حبت
 کرده بودند بعد از مراجعت آنها قدرت آقا با چاقی
 و سایر سربگردگانی که در قریه افریژه جمع بوده اند بکفایت
 مستحضر شده سواره و شمشیرچی حاضر و مستعد را بر داشته
 بزم جلوگیری آنها حرکت نموده اند طایفه ضال ترکمانیه از
 دیدن بیدقما و رسیدن سواره بسیار متوحش شده
 بعد از مجادله و محاربه تا بمتناهی و در وقت مراجعت
 و سواره یزدان و یزدان شکست فاحشی بان سه هزار
 نفر سواره داده و آنها را مغلوباً و مشکوباً از آن خود و بیرون
 کرده بودند از قراریکه نوشته بودند سواره یزدان و یزدان
 همه جهت قریب چهارصد نفر بوده اند و با این قبیل جمعیت هزار
 نفر سواره ترکمانیه را شکست داده اند چون این خدمت لاجاه
 مشارالیه زیاد از اندازه مستحق و مقبول خاطر اعلی است

۱۱۹۴

شامسای افتاد از اینفرار خلف و نشان جمایل با فتح لاجاه

نشان از مبره اول سر جمایل سفید
 قطعه
 جبهه بر ترمه
 نوبت

عراق

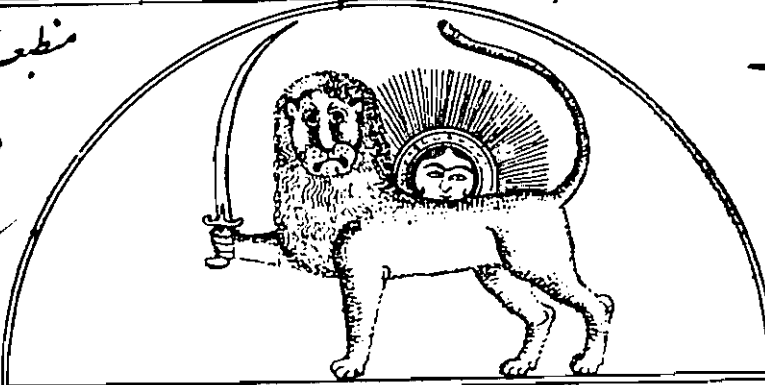
نوآب مهد تقی میرزا که چندی بود در لیس و تب و دار بودند
 درین اوقات تب به یرقان مخرج شده بر حمت ایزدی

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته بودند درین
 که مرحوم مهد تقی میرزا بعراق بودند منتظم کلی مامور
 استخاد داده بودند از قبیل گرفتن دزد و قطاع الطرق
 و انتظام امر سرباز و سواره و سان آنها و قرار کار
 رعیت بسیار استقام داشته اند و بعضی امانی بلوکات
 عراق که از تعذبات حکام و مباشرین بق خودشان
 بوده اند آنها را عوض کرده و حکام و دیگر بجای آنها برضا
 اهل بلوکات نصب نموده و التزام گرفته بوده اند
 که دیناری بر رعیت اگر زیادتی و اجحاف نمایند مورد
 مواخذه باشند و همچنین در وقت ورود بعراق نیز
 در هیچ یک از منازل با اسم سیورت از رعیت
 چیزی نگرفته بودند و هر چه ضرور داشته اند به پول خرید
 بودند و عموم اهل عراق کمال رضامندی از حسن سلوک آن
 داشته اند

روزنامه وقایع اتفاقیه پنج شنبه پنجم بهمن ماه بعد از عید میلاد با سعادت ۱۲۷۰

نزد صد و شصت ناوشتر

منطقه دار انخلاف طهران



قیمت روزنامه
یک نسخه ده پیرکال
در تهران و چهار هزار

قیمت اعلانات
یک خط الاجاره سه پیرکال
بیشتر با هر خط

اجبار دولت ممالک محروسه پادشاهی

دار انخلاف طهران

سرکار اعلیحضرت پادشاهی چنانچه در بنفقه گذشته گذشته نظر باینکه قریه آنچه که متعلق بجناب جلالت آفتاب اشرف جن

بسیار خوب از عهد لوازم خدمتگذاری برآید لهذا اعلیحضرت اقدس هایون موازی یک ثوب جبهه ترمیمه ممتاز با و خلعت مرحمت فرمود

افخه صد اعظم است جائت بسیار با صفا و ایشیت بیلاقت بسیار خوش آب و هوا تشریف فرمای آن صحف شده روز سه شنبه بیستم تشریف فرمای آنچه شده در بین راه نیرد مات با صفا و فضا بسیار بودند در همه جا لوازم استقبال و قربانی و دعا کونی وجود مبارک را بجا آورده در ورودی نیز جناب اشرف معظم آنچه لازم استقبال و پیشکش پادشاه بود بصل آوردند و چون در آنجا از جناب و هوا و فضا بسیار بر وجود مبارک خوش گذشت و مطبوع طبع هایون افتاد پنج روز در آنجا توقف فرمودند و روز یکشنبه را بقریه که آنهم متعلق بجناب اشرف معظم و بسیار با صفا و فضا تشریف فرما گردیده و دو شب نیز در آنجا تشریف داشتند روز سه شنبه ما غریمت

چون ثواب محمد بنی میرزا که حکومت عراق نیابت از جانب نواب اشرف و انا قاسم خان امیر نظام با و حرش بود بر حمت ایزدی پیوست اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی عالیجا مقرب الخاقان میرزا حسنخان برادر مرحوم میرزا تقی خان محض مرحمت بنیابت حکومت عراق منصوب فرموده خلعت و فرمان هایون التفات شد که این روزها خواهد رفت

عالیجا حبیب الدخان پسر خسرو خان کرمانی که سابقا در ایستادگی بلوچیه را بجا کپای هایون آورده بود و در کابینا بود محض مرحمت در حق او موجب عنایت فرموده یک ثوب قیامی رزی و یک طاقه شال ترمه با و خلعت مرحمت و عنایت

چون عالیجا موسی خان ناظر پسر جناب جلالت آفتاب اشرف معظم در ایام تشریف داشتن موکب هایون و آنچه

در روزنامه شهر نوشته بودند که نواب مستطاب هرزاده و ابوالارشد شیرمیرزا حکمران دار انخلاف طهران و توابع بر حسب حکم اعلیحضرت

در روزنامه ما غریمت

۱۱۹۵

پادشاهی مجلس فاسخ خوانی در مسجد سلطانی برای نواب
 صدیقی مرزا منصفه نموده تا سه روز با لباس تعزیت نشینند
 و سایر شاهزادگان عظام و علما و فضلا در مجلس فاسخ حاضر
 شده تعزیت داری شایسته نموده اند و عموم فقرا و مسکینان
 اطعام کرده و روز سوم مجلس فاسخ را بجای وجود مبارک
 اعلیحضرت پادشاهی ختم نموده چیده اند
 دیگر در روزنامه شهر نوشته بودند که جمع نام طهرانی که
 بسبب دزدی سرود دست او قطع گردیده بود با دستها
 بریده باز مرکب عمل سرفقت می و درین کار جری میسر می
 از سابق شده بود او را گرفته حبس محکم نواب شاهزاده
 خود رسانده اند

و همچنین دزدی دیگر سوشتری رضا نام در این اوقات
 مرکب سرفقت شده بود او را گرفته نیز نواب شاهزاده
 بعد از تحقیق که معلوم شده بود بکرات دزدیها کرده است
 حسب احکام نواب معزی الیه او را بتوبه و سیاست و بعد از آن
 مهار نموده در دور کوچهها و بازارها گردانیده و اخراج
 کرده اند

سایر ولایات

از ری بایجان از قراریکه از اور بایجان نوشته
 بودند قبل از تشریف بردن نواب شاهزاده و الایات
 نصره الدوله و مقرب انخاقان قایم مقام با ذری بایجان
 حاج سید احمد تاجر اصفهانی بسرفقت برده بودند
 بعد از تشریف بردن ایشان به تبریز آدم برای تفتیش مال
 حاج مزبور فرستاده مال مزبور را در کنار اسب
 آورده در روز پانزدهم این ماه ذی قعدة آورده بعضی را

که موجود بود بعینه و آنچه مفقود شده بود قیمت از او وصول
 مقرب انخاقان قایم مقام حاج مزبور ذکر کرده اند

خراسان

از قراریکه از خراسان نوشته بودند ترکانان اکت
 در آن صفحات سنای ساحق قلعه گذاشته بودند عالیجا
 محمد رحیم خان نایب الحکومه بخوار دستخیز شده با جمعیت نفوس
 تاخت قلعه رفته بودند چون قلعه نام شده بود نتوانستند
 کاری بکنند بقدرده پانزده نفر اسیر از خارج قلعه گرفته
 معاودت کرده بود ترکانان جمعیت کرده بتعاقب او
 آمده بودند در بین راه رسیده کار بجای اول و محاربه
 گردیده با الاخره بعد از کشتن و کوشش بسیار ترکانان
 شکت فاحش خورده عالیجا محمد رحیم خان سی نفر اسیر
 و چهل تیره سرود بقدر صد ریس اسب از آنها گرفته آنها را
 تعاقب کرده بطوری فرار نموده بودند که بقله خود هم فرصت
 نکرده بودند برودند قلعه را خالی گذاشته کلاً و طراً فرار کرده
 رفته بودند

دیگر در روزنامه نوشته بودند که قافل از بخارا بارض
 اقدس می آمده اند چندی در خراسان معطل بودند بسبب
 ترکانان سرخس نشین در باب فرستادن قافله مختلفه
 بودند طایفه اقمش خیال برسم زدن قافله بخارا را در نظر
 داشتند و طایفه تقتمس منظورشان آوردن قافله بارض
 اقدس بود درین اوقات چند نفر از ترکانان متوقف
 در خراسان اقدس بنیه و تدارک نواب سقا شاهزاده و
 فرماندهای خراسان را در غنیمت بهمت خراسان و آن اطراف
 و اهتمام مقرب انخاقان وزیر نظام را در انجام لوازم

ملاحظه کرده بودند به ترکمانان حسن اعلام کرده بودند که
 نوابش برادر سان قشون می بینند و غربت آن سمت را
 دارند ترکمانان حسن خواسته بودند حسن مستکبری
 خود را ظاهر سازند موازی یکصد و دوازده شتر بار
 بخارا و سایر مال تجارتی را که در حسن بود پنج نفر
 از ریش سفیدان که بر داشته بهمت ارض اقدس
 آورده اند تا اوق در بند رسانند از ایجاد و نفرترنگ
 بجهت اخبار خدمت نواب فرمانفرما و ستاده بودند نواب
 معزی الیه انهار امور و لغات ختم و عالجاه مورخان
 با چند نفر سوار رفتند و آنکه قافل را باطل کردند
 دیگر نوشته اند که نواب فرمانفرما در میدان ارک بجهت
 سان سواره دسته جات خراسانی آمده بودند توپها
 ملاحظه نمودند که عراد های آنها پیش روی آفتاب است
 و چوبهای عرادها از آفتاب سناج می شود و مسخین
 در سایر اوقات برف و باران اسباب آبنبات
 توپها رنگ بر میدارند بمقرب انخاقان وزیر نظام مقرر
 داشتند که در همان سمت که توپها را گذاشته اند در
 چوب بندی نموده و سقف آنرا پوشند که توپها جهت
 در زیر سایه بوده از آفتاب و برف و باران ضرر
 بعد امدای آنها نرسد و حسب الامر درین روزها با تمام
 بجهت توپخانه جای خوبی شد
 و هم چنین خرابیهای برج و باره ارک را مقرر داشته اند
 که تعمیر خوب شده و کنگره ها و منظرها را کج به بند و حسب
 بنا و عمل مشغول کار میباشند و غارات قدیمی ارک را که
 نواب حسام السلطنه تعمیر و تازه سازی میکردند در جها

که نامتومی داشت بنا و عمل انداخته اند که باصفاد پاکیزه
 با تمام پرسانند و قورخانه مبارک را نیز قرار گشته اند که
 بزرگتر باشد از گذشته اسباب قورخانه جا داشته باشد
 و درین اوقات مشغول ساختن آن میباشند

فارس

از فرار بکه در روزنامه فارس نوشته بودند در
 پانزدهم ماه سوال سه ساعت از شب گذشته زلزله
 شدیدی در شهر شیراز واقع گردیده بود و بطوریکه جمیع
 مردم از مکانها و خانههای خود فرار کرده بودند و کفن از
 تفصیلات خداوندی جانی خراب شده و کلبی از بیت
 نرسیده بود

دیگر نوشته بودند که بواسطه زلزله که سابقا در شیراز
 یافته بود خرابی کفی بهارات دیوانی دارک و قلعه شهر
 و مسجد و بازار کربنجانی بهم رسیده بود درین اوقات
 نواب مستطاب مؤید الدوله طرابلس میرزا حکم ان
 فارس و جهی بجهت مصارف بنانی بهر کجا معین و حواله
 نموده اند که باستصواب مقرب انخاقان حاجی قوام الملک
 و میرزا مقیم مستوفی و عبد الله خان معمار باشی خرابیهای
 مزبور بنانی و تعمیر شود و حسب الامر بنا و عمل مشغول گشته

دیگر نوشته اند که نواب مؤید الدوله در سیم ایماه ذی قعدة
 بمیدان درب خانه آمدند و شکر نویسان عظام و در حضور سان
 سه بازان جمعی مقرب انخاقان عبد الله خان حصارم الدوله
 و افواج کلپایگانی و شیرازی و توپچیان ساخلف فارس را
 بوقت دیده و سید کمالی نموده اند

۱۱۹۷

کرمانشاهان

در روزنامه ایولایت نوشته اند که نواب مستطاب نیر
والا بایر عمادالدوله امامقلی میرزا حکمران کرمانشاهان در باب
افیت طرق و شوارع آن صفحات اهتمام زیاد دارند و درین
اوقات سه نفر سارق از جماعت بهمنوی گرفته بوده اند
نواب محسنی الیه آورده و بعد از تحقیق که معلوم شده بود
سالها بصل سرق و قطع الطریق مشغول بوده اند حکم بیبا
آنها نموده اند

دیگر نوشته بودند که از خانه حاجی عبداللہ نام که خود
بر یازت بیت اللہ محرام رفته بود قریب سبب
بودند و بدار و فقه شهر مقرر دغدنغ شده بود که اموال مسرو
پیدا نماید مشارالیه با سخانه رفته معلوم کرده بود که همان
چند نفر در آنجا زعمان بوده اند آنها را حاضر کرده یکی که آثار
سرق و شرارت از او ظاہری شد گمان برده او را بجا خود
برده و بعد از تحقیق مشارالیه او را بوقت اسباب
نموده جب احکم نواب معنی اسباب مسرو و تعیینها از او
و بصاحبش تسلیم شده و سارق را حکم مجسب نموده اند
در ثانی حکم آن بشود

دیگر نوشته اند که سواره احمد و نذر و بهنویر اک احضار برکا
هایون شده بودند نواب عمادالدوله آنها را احضار نموده
و سان آنها را دیده جنشان را از قرار دستور العمل برداش
و در این اوقات روانه دربارهایون حوا
دیگر نوشته بودند که عالیجاه پشن صاحب معلم افواج
کرمانشاهان در مشق آنها نهایت دقت و سعی را محمول میدا
صبح و عصر روزی دو نوبت آنها را مشق میدهد و همچنین

جماعت توپچی جمعی عالیجاه اللہورن خان در مشق کمال سعی را
دارند و هر روز از صبح تا چار ساعت از روز بالا آمده
در میدان مشغول مشق میباشند

دیگر نوشته بودند که نواب عمادالدوله بقدری نفاذ سوار
جمعی عالیجاه آقا سید احمد را در گردن بید سرخ که سابقا
قطاع الطریق و اشترار بود گذاشته اند که متوجه راه باشند
از روز و قطع الطریق استیسی بجابرین و مترو دین نرسد و
الترام از آنها گرفته اند که اگر مال کسیر در آنجا در زبرد اغند
بر آیند

دیگر از فراری که نوشته بودند امسال هوای اتولایت بسیار گرم
شده و ناخوشی زکام و غیره در میان مردم بسر سیده است
و بعضی از اطفال هم بناخوشی حناق شده اند

کرمان

از فراری که در روزنامه این ولایت نوشته اند امیر الامرا
محمد حسن خان سردار حکمران یزد و کرمان در رفاه حال
رعایای آنجا و پیشرفت امور رستی نهایت سعی و مراقبت را
که رعایای آنجا را عیسی باز نمانند

از فراری که نوشته بودند درین اوقات برج و تنساکوی
از سمت فارس بکرمان آورده اند نهایتی و انی و از آنرا
حبیب نامی در کرمان نوشته بودند درین اوقات دزدی
کرده بود او را گرفتند امیر الامرا العظام سردار آورده بودند
بعد از تحقیق شدت او حکم کرده او را است نموده بودند

دیگر نوشته بودند که امیر الامرا العظام سردار در خارج شهر
چادر زده و جایه میرزا شفیع و یرباشین دیوانی همدروزه در آنجا
بجهت رعایات و سخاوت میرزا شام لبهر رحمت می کنند

اخبار دول خارجه

انگلیس تاریخ کاغذ آخر که درین روزها از لندن پای
 انگلیس رسید دویم شهر سوال بود و از پاریس پای تخت
 فرانسه سیوم ماه مزبور و از ویستنه پای تخت آستریتیه
 ۲۹ رمضان در روزنامه انگلیس نوشته بودند که دولت
 فرانسه قرار داشته اند بجهت قسطنطنیه خود که درست شمال
 انولایت جمع کرده و در روزها اند آنچه آذوقه و خوراک که
 لازم داشته باشد از ولایت انگلیس بربند از جمله کاوه
 که سفند از مملکت ایرلند و علف خشک از برای اسبان توتجا
 و اسبان سواره نظام از خود شهر لندن و بعضی چیزها
 دیگر که قسطنطنیه را لازم است از سایر شهرهای اطراف ولایت
 انگلیس بپوش این است که اردوهای مزبور که در سمت
 شمال مملکت فرانسه میباشند در نزدیکی کناره ریا هستند
 بجهت کمی اخراجات حمل و نقل بارها که از مملکت انگلیس در روی
 لستی با بنجامی آورند آسانتر ازین است که از خود ولایت
 فرانسه از راه خشکی بیاورند و اخراجات آوردن آذوقه از
 فرانسه بسیار آسانتر است که از انگلیس بربند
 در شهرهای فرنگستان که ذغال سنگی زیاد مصرف می
 بخار ذغال بوارا بد میکند و هر چه بیرون است بیا می شود
 ازین جهت در شهر لندن حکم شده است که دو کشتی بخار
 خانها را بطوری بسازند که دو ذغال دوباره بمیان آن
 بر کرد و خود بخود سوخته میشود بطریق که بخار او از بیرون
 بیچ محسوم نمی شود و این حکم از چهارم شهر ذی قعدة فرارشته
 که محجری بسود

فرانس

از فرار یک در روزنامه این ولایت نوشته اند بجهت
 امپراطور فرانسه بازوجه خودش بنا دارند که سمت شمال
 انولایت سیاحت میکنند و بار دوهای قسطنطنیه که در آن
 اطراف جمع میشوند بروند و در بیت و چهارم ماه سوال
 از پای تخت حرکت خوانند نمود و بجهت روزها محبت
 پاریس بنمایند

دیگر نوشته بودند که غله در ولایت فرانسه تنزل کرده بود
 از آنرا که در فصل بهار و اول تابستان بارندگی زیاد
 شده بود و حاصل از هر قسم بسیار خوب آمده بود و امید
 بودند که از افراد ان شدن غله امسال تلفاتی ضرر رسال کنند
 را بنمایند بجهت اینکه از ولایات دور غله از هر قسم آورده
 بودند در آن مملکت بجهت آذوقه عسرت و تنگی می کشیدند
 و در اول بهار بجهت نیامدن باران تپوشگی داشتند مردم
 بدعای طلب باران میرفتند حال از فرار روزنامه که می
 تقصیرات خداوندی شامل شده در چند جامی نزدیکی
 پاریس که هر سال در آن فصل اسب دوانی می کردند در آن
 اوقات اسب دوانی کرده بودند و لکن بشتی بارندگی
 شده بود که مردم نتوانستند بودند مانند سالهای گذشته
 زیاد تماشا بیایند و کتبر از سالهای دیگر آمده بود

در شهر پاریس و آن اطراف بجهت تفرج و تماشا روز
 سواری می شوند و بروی آب کشت می کنند و سال سال
 در میان جنلق زیاد تر شده اول می شود سابقا اهل پاریس
 داخل سمت مملکت فرانسه بکشتی در روز و نشتن چند ن

میلی نداشتند اما درین ایام چونکه کشتیها را بهتر و تندتر
ساخته اند مردم آنجا زیاده مایل شده اند که در روی آب
با کشتی و زورق کشت و تفریح نمایند خصوصا اسال کشتی
ساخته اند که از راه رودخانه سین و دریا و رودخانه
طلس کیر از پارس بلندن میرود و اخراجات سفرا این
راه بسیار کثیر از سفرا از راه کشتی است

چنانچه در روزنامه های سابق نوشته شده است درین روز
شهر پاریس را زیاده تعمیر و آرایش و زینت میدهند و کوچه ها
و سیع می نمایند و بجهت وسعت دادن کوچه بعضی خانه ها
عمارات قدیم را باید خراب بکنند از جمله یکی از عمارت
بزرگ است که سابقا محبوس خانه دولتی بود و اسم او
ایه است و همانجا است که در ایام اغتشاشت و دو

سال پیش ازین باغیان و معتدین آن ایام پادشاه را
با عیال و اقوامش در آنجا محبوس کرده بودند در ایام
ناپلیان اعظم حبس آنجا را خراب کردند اما وقتیکه
لوی بیچدسم که از اولاد پادشاهان قدیم فرانسه بود
دوباره بتاج و تخت آن مملکت رسید در جانی که این
بود عمارتی دیگر ساخت مانند جای تعمیر بیا و کاری محبوس
شدن پادشاه سابق با عیال و اطالانش درین روزها
ان عمارت را خراب می کنند بجهت ساختن کوچه های نو
و اسحق برده استن چنین جانی که بیا و کار ایام اغتشاش
و خوزیری ولایت بود بهتر است

چون در فرنگستان هر روزه تردد سیاح زیاد می شود
سعی و کوشش نمایند که از هر سبب محاج کم نشود که مردم
در سیاحت آسوده باشند هم با آنها خوش بگذرد و

مخارجشان کمتر شود از جمله مهاجرتها که بجهت نشستن خلق زمین
بنیاد دارند که در شهر پاریس مانند مهاجرتهای نیکی دنیا
مهاجرتها بسیارند که سیاحان در آنجا منزل نمایند و هر چه
سجواهند از برای آنها نمینا و آماده باشد و مخارجشان نیز کمتر
باشد چند نفر از دولتمندان شهر پاریس شرکت درین
عمل کرده اند و امید دارند که تا سال آینده در مقام فصل
بهار کسوده شود که در آن وقت عمارتی بنامی کمنند بجهت
گذشتن نمونه اجناس کل روی زمین

دیگر در روزنامه پاریس نوشته اند که روجه امپراطور
فرانس بنا داشت که باب کریم شیخ بیان برود و قبل از آنکه
همراه امپراطور و لوی بیچدسم شمال فرانسه برود

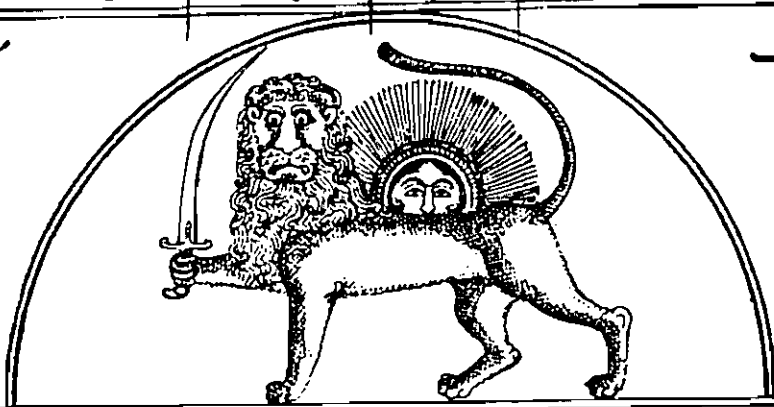
سایر ممالک فرنگستان

در مملکت اسپانیول که درین دو سه ماه گذشته
و پرسم خردکی شده بود و چند نفر از اهل آن ولایت
محبوس کرده بودند از قرار روزنامه آخر دوباره در آن
ولایت نظم گذاشته بودند و ولایت آرامی گرفته بود
و دول فرنگستان سعی و کوشش میکرد که نظم در امورات
سویس بگذارند بطوری که خود اهل آن ولایت راضی شوند و بحث
و گفتگونی که مابین آن دولت با دولت استریت قطع
شود و در میان اهل آن مملکت که دو تیر هستند بسیار
در مملکت ایتالیا نظم سخت نگاه میدهند زیرا که حکام
داشتند که خلق مجال یافته ده باره شوب برپا نمایند ولی
تا بحال معذین نتوانسته اند این نظم را برهم نزنند

۱۲۰۰

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه یازدهم ششماه و پنجمه محرم مطابق سال ۱۲۷۰

پنجمه هشتاد و هفت
قیمت روزنامه
یک نسخه در یکساله
هفتاد و چهار سکه



مطبوعه دارالخلافه طهران
قیمت اعلانات
یک سطر الا چهار سطر یک کلمه
بیشتر با هر سطر یک سطر

اخبار و احسنه مالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

علیهضرت پادشاهی که با فخر تشریف فرما شده بودند در روز چهارشنبه ۲۴ ماه ذی قعدة بعمارت مبارک نیوران معاودت فرمودند چون هوای شمیم انبات است حال نسبت سابق بهتر شده است بعضی روزها در عصر علیهضرت پادشاهی سواری شوند و صحیح است تفریح میفرمایند

روز پنجشنبه بیست و نهم ماه گذشته در قبة کفایت نصاب احمد وفق افندی الی کبیره دولت عثمانی شرفیاب حضور اقدس بایون شد رحمت انصاف از دربار این دولت علیه را بحضور بایون شاهنشاهی صل نمود و عالیجاه مقام مستسرا جدر افندی مستشار خود در غیاب خود بمصلحت گذاری قرار داد کیفیت را رسنا دولت اظهار کرده و هائروز جناب جلالت آباء مجد اشرف صدر اعظم را نیز ملاقات نمود

چون از حس گفت و تمام نواب شاهزاده و الی

نصرة الدوله صاحب اختیار مملکت آذربایجان و میرزا صادق قائم مقام امور آن مملکت در کمال نظام و درستی و مطبوع خاطر دولت ابدت بود و مرتب در خاکهای بایون زیاده مقبول و مستحسن افتاد لکن یک ثوب قبای زری سنگ دار از بوس خاصه تن مبارک برای نواب معزنی الیه و یک ثوب جبهه ترمه از ملابس خاصه بجهت مقرب انخاقان مشار الیه برسم خلعت مرحمت شد

چون مراتب استقامات مقرب انخاقان آقا محمد حسن در انتظام امورات و خدمات مرجوعه بجهت مقبول خاطر ملوکات افتاده درین اوقات محض مرحمت یک ثوب جبهه ترمه برسم خلعت از بوس تن مبارک مقرب انخاقان مشار الیه فرمود مقرب انخاقان حاجی علیجان حاجب الدوله در انجام مراتب مرجوعه مراتب خدمتگذاری و کفایت خود را در پیشگاه حضور بایون ظاهر ساخته مورد عنایت ملوکانه گردید لکن یک ثوب جبهه ترمه از بوس تن مبارک هم مقرب انخاقان مشار الیه فرمود عالیجاه حسنعلی خان افشار پیشخدمت که مأمور خدمت

۱۲۰۱

بود ما مورث خود را انجام داده درین روز ما بدر با هیان
مراجعت نمود

چون این ره ز ما فوج دویم تو مان دویم بسربری باذن
دولت مرخص خانه شد فقط ما بسکه عالیجاه محبوق خان
فوج مزبور در ایام توقف دارا اختلافه هجده قراول ارک عمارت
مبارک بود و در مراسم خدمتگاری اهتمام نمودند بیک قطعه نشان
سرخکی با یکلاف شال باو حجت کردید و حیم چنین یک قطعه نشان
مرتب اول یاوری نیز عالیجاه پابیک باور حجت شد

عالیجاه عباسقلیخان یاور توپخانه و خدمات خود مراسم
معمول داشته است درین روز صاحب الاموال قدس تایون
بمنصب سرخکی توپخانه مبارک مرفوزا کردید

از جمله کارهای ثواب معظم که خیر عامه خلق در آنست که درین
روز ما حکم بساختن آن شده و کم مانده است که تمام بسود
راه کنت بالای افجه است که راهیت از دارا اختلافه بمانند
میرود و بسیار سخت و صعب بود و بجهت عابرین و مستردین

زحمت و صوبت کلی داشت بلکه در کمر جامای روی زمین باین
سختی راه بهم میرسد و راه مزبور راهیت که تردد زیاد از
انراه میشود و برنج و ذغال و سایر چیزها که از آنرا زدن
بدارا اختلافه می آید اغلب از آن راه می آید و هر سال مال زیاد در آنجا

تلف میشود بلکه بعضی سالها آدم نیز تلف می شده درین سال جناب
جلالت تاب اشرف افخم اگر صد اعظم محض رفاه حال عابرین
و رسیدن عاکونی معز و داشته اند که عمل در آنجا گذاشته
راه مزبور را بطور خوب ساخته اند سنگهای بزرگ در کنار
چیده و با سنگهای کوچک حجت بست کرده مانده است

که عبور مال و آدم سهولت می شود و سابقین راه مزبور
باعث دعا کونی کل مردمی است که از آن راه عبور می کنند

و رسم چنین برای حصول دعا کونی تجبه وجود مبارک علی حضرت
پادشاهی امان داده که در لو اسان در قریه باران بود
جناب جلالت تاب اشرف متعظم مفرود داشته اند که شرف یافتن
آن نموده و کمال تبار یافتند

سایر ولایات

فارس از قراریکه در روزنامه فارس نوشته
چون بواسطه آفت سن و ملخ خوارگی رعایا و زراعت کاران
انجا امسال متضرر شده اند مضطرب و مباشترین و صابان
اطلاک خدمت نواب مؤید الدوله حکم آن فارس آمده
مستدعی شده بودند که زراعت آنها را باز دید نمایند و

تزاری بگذارند که از عمده زراعت آینه بتوانند برآید
نواب معزی آینه نیز محض رفاه حال رعایا که سرگرم برین
وزراعت آینه خود باشند تمیر این صاحب قوف بیک
از بلوکات تعیین نموده اند که باز دید محصول هر جا را نموده

عمل هر محل را موافق عدل و انصاف جمع مباحثه و ارباب بکن
نمایند که بتوانند از عمده مال دیوان برآیند از قراریکه نوشته
خرابی محصولات فارس درین سال بیشتر از سالهای گذشته
چنانچه حال که موقع ارتفاع محصولات است و در کمرسیرت و

بند پوشه و اکثر بلوکات آنجا غله کم یاب و ترغی نقلی دار و بلوکات
کمرسیرت کارشن تصحیح کشید است

دیگر نوشته بودند و تفرار کشیان انگلیس بخرم حاجت آینه
ابوشه و اردشیر از کردیدند نواب مؤید الدوله بلاخط
دوستی دولتین آدم باحوال پرسی آنها فرستاده اند

ای

شماره ایها هم بجز نواب حسینی الیه رسیده اند و التماس نسبت ایشان بهی آورده اند

دیگر نوشته بودند که چندی قبل ازین مذکور شد که چند نفر از طایفه شینسی در پنج شش منزلی شهر مرگت سرقت و راهزنی میشوند و بر سر قافله آمده اموال آنها را برقت و غارت میسند

نواب مؤید الدوله عالیجاه محمد ضیاخان کشیکچی باشی خود را با چند نفر سوار فرستاده اشتر از مرز بورا دستگیر کرده بکهنور آوردند بعد از تحقیق چند نفر آنها را که معلوم شده بود بی گناه هستند مرخص نموده و سه نفر آنها که از سارقین و راهزنی مشهور و دردی آنها تحقیق پیوسته بود بقیه و سیات نموده اند

دیگر نوشته بودند که نواب مؤید الدوله نظر بر غایت احیای فقر و صفا و حصول دعای خیر در تعمیر اجناس آنجا رسیده کامل مینماید و نرخ اجناس را هم اکن تنزل داده و مراقبت مستند و فقر از آنجمنی زیاد کرده دعا گویشان

دیگر نوشته اند که در اوایل ماه گذشته ذیقعه با دو طوفان بسیار شدید در صفحات کر میرات وقوع یافت که بقدر صد هزار اصله نخل از نخیلات قیر و کارزین و لار از ریش گنده و هوا بیره و تار شده بوده است بطوریکه روز روشن مانند شب تار گردیده بود و بعد از آن شرع باریدن کرک نموده و سیل در رودخانه های گردیده

خراسان

از فرار که در روزنامه این ولایت نوشته اند خلعت شاهنشاهی که بجهت نواب مستطاب هزاره و الیاباز و دیگران و نامانهای ملکت خراسان مرحمت شده بود عالیجاه

محمد خان حامل خلعت در ۱۷ ماه ذیقعه وارد و بهی معزنی لیه لوازم استقبال و احترام را بجل آورده و خلعت افتاب طلعت را زینت برود و شش مباحات ساخته اجزای شیلک توپ و صرف شربت و شیرینی در خلعت پوشان کرده اند

دیگر نوشته بودند که شاهزاده محمد یوسف که نوکر در خدمت این دولت است و اولیای دولت علیه نظیم حد و درم بعجهه او محول و داند دارد داشته بودند برای رفع و دفع قاحت و تاز و بی اعتدالی ترکان معهودی از سواره و در فرستاده رفته اند بجهت هزار کوسفند و پانزده نفر اسیر از طایفه مرز بوره بدست آورده آنها را سگ حاشی دادند

و در مراجعت ملک بطایفه مرز بوره رسیده در ثانی بنای مجادله که داشته طایفه مرز بوره اینقدر کرده اند که ده هزار از کوسفند خود برگردانده اند و لکن سواره در دریا در مجادله ثانوی هم چند نفر از آنها را بقتل رسانیده و ده هزار کوسفند را با اسیرانی که بدست آورده بودند همه را همراه خود برداشته مرحت کرده اند

دیگر نوشته اند که مغرب الخاقان وزیر نظام و متولی باشی خجند که در خارج ارض اوسانت میرفته در راه امارت خجند خرابه بنظر آورده جو یا شده بود گفته بودند که در قدم اینجا مسجدی بوده و گویا موقوفاتی هم داشته است معمار گداشته بر آورد بنیاتی استجار نموده و تخراب داده است که استجار مسجد خوبی با نند و بعضی زمین بلا مالک لم برع هم در اطراف استجار بوده است از حاکم شرع اجاره کرده و قرار گذاشته باغ بباوند که متعلق بهان مسجد است

۱۲۰۳

چون جعفر آقاي کلاتي چندي بود در ظاهر اظهار اطاعت و انقياد
 خود را نسبت باین دولت جاودینیا و می نمود و لکن در باطن
 بنای مخالفت گذاشته از روی صداقت حرکت نمی نمود
 و پاران جاده خدمت بیرون برده بود لکن اولیای دولت
 علیه بنواب مستطاب شاهزاده و الا بتبار فرما نفرما و مقرب ^{انخافان}
 وزیر نظام نوشته مقرر داشتند که در صد کوشمال او بر آید
 جمعیت و استعدادی لطیف کلمات بفرستند که جعفر آقا
 گرفته کلمات را متصرف شده دیگر نیز در آنجا بگذرانند از
 فراری که این روزها از نواب شاهزاده مغزی الیه خبر رسید
 این اوقات نواب فرما نفرما و مقرب انخافان وزیر نظام
 جمعیت روانه کلات ساخته چون مقدمات تدابیر کار برین
 حسب الاشاره اولیای دولت نواب فرما نفرما و مقرب ^{انخافان}
 وزیر نظام قبل از وقت بوسیله عدیده ارزافت و در بونی
 مردم و اطمینان عامه ناس و امالی آنجا با سوز و غم ^{جعفر آقا}
 در مقابل و همچنین بواسطه کاغذ نویسیهای مذکورانه ^{قصصه}
 حالت وقت چنان فراهم آورده بودند که مقدمات ^{فوقها}
 فراهم شده بود لکن ایچود وصول قشون و توپخانه دولت
 جعفر آقاي کلاتي با اوضاع فراهم شده سابق و لاحق
 تاب مقاومت و خودداری در خود ندیده چاره را در فرار
 دیده با چند نفر از کسانش از کلات بیرون آمده فرار کرده
 و قشون دولتی کاری باین صعوبت را که در جمعیت تخمیر
 کلمات از امور مشکله مشهور میباشد با کمال سهولت و تسانی
 از پیش برده قلعه مزبوره را متصرف شده و امالی آنجا را
 بشمول مرآسم اولیای دولت علیه امیدوار ساخته

و نواب مستطاب فرما نفرما هم بعد از شنیدن خبر حرکت
 کلات کرده بان حد و دتشریف برده اند که قرار و نظم
 درستی در امر آنجا داده یک نفر صاحب منصب صدیق
 خوش سلسله کی در آنجا بگذارند که با امالی آنجا بطور خوب
 حرکت نمایند و نظر بحسن ایتامی که درین خصوص از نواب
 شاهزاده و مقرب انخافان وزیر نظام منظور رسیده
 بود حلقه آفتاب طلعت بافتن نواب مغزی الیه
 وزیر نظام خواهد رفت
 دیگر نوشته بودند که نواب مستطاب شاهزاده فرما نفرما
 در روز دهم ماه ذیقعد بمبزل مقرب انخافان ^{نظام}
 و متولی باشی تشریف برده اند و مشار الیه ضیافت
 سنگینی نموده جمیع خوانین و صاحب منصبان نظام و
 غیر نظام در آن ضیافت حاضر بوده اند
 اخبار دول خارج
 درین هفته از اخبار دول خارج چیزی نیکو آنچه در حواله
 متفرقه نوشته میشود احوالات متفرقه
 درین روزها دولت فرانسه بملکت پانامه که ولایتی بامریکی است
 جنوبی و شمالیت چند نفر صاحب منصب و ادما فرستاده اند
 که راهها را ملاحظه نمایند بلکه نهی بجهت تردد کشتیها در آنجا
 شود که کشتی که میخواهد از سمت مشرق تا مغرب سیر کند و نیاید
 این دو مملکت را لازم نباشد که دور بزنند بدینست که اهل
 فرانکستان خصوصاً انجلس و ونسه در فکر ساختن این راه هستند
 مسافتش از دریای تاندریا بسیار کم است بلکه بیشتر از مسافت
 نیست و لکن از طریق که نوشته اند چونکه راهش که در تحت است
 این نه بسیار مشکل است

جماعت کولی غریبال بند در اغلب جایهای روی زمین
از جمله در فرنگستان بسیارند و در آنجا نیز همه صحرا نشین
مشغول همین کارها که درین ولایات دارند میباشد در
مملکت مجارستان ازین طایفه بسیارند درین اوقات
استریه حکم کرده است که آنچه در مجارستان ذخیره
اختیار کرده مشغول زراعت باشند و از بعضی اعمال
ناشایسته دست بکشند

در ولایت نخلیس و بعضی ممالک فرنگستان که زیاد
نسبت بجمعیت زیاد و وسعت زمین و محل زراعت کم و
علم زراعت را بحد کمال رسانده اند و بجهت قوت دادن
زمین زبیل مرغابی دریایی را کوت میدهند و ازین سبب
مرغابی کشتیها از جزایر و جایهای دور دست بار کرده
می آورند و بزراعت کاران بجهت تمام میفرستند و نفع
میبرند درین روزنامه نوشته اند که بعضی از جزایر کوچک و بزرگ
محوط معدل هسته اند نزدیک پسکی دنیای جنوبی که از
این نسل مرغابی بسیار دارند و کشتیها با آنجا فرستاده
که آنها را بار کرده بفرنگستان ببرند

درین اوقات قیمت ذغال سنگی در سلابول نسبت
ترقی کرده است سابقا یک تن که تخمینا سه خروار بود
هشت عباسی ایران باشد بیست و دو هزار یا بیست
مفت هزار میگفتند حال قیمتش بیست و هفت تومان و
هشت تومان رسیده است بسبب زیادتی برد و کشتیهای
سجاری نخلیس غیره چون معادن ذغال سنگی در آن
ولایت شکار و کشتی بانان ازین داووسند و معنی

بعضی اردو و قلمدان نخلیس سخاوه جمع کرده اند که حساب
لشتی و سایر طرزومات بخزند بجهت شبلیات مملکت
و امید دارند که مفت خوب ازین کار ببرند زیرا که
در آن شبلیات فراوانست و جمعیت آنجا روز بروز
زیاد میشود

معدن بزرگ که در فرنگستان در مملکت ناپولست
و آنهم نزدیک بکوهای سوزنده که نزدیک بان مملکت
میباشد در روزنامه آنولایت چاپ زده اند که پادشاه
ناپولی حکم کرده است که گوگرد مذکور را بابل و دلی که
جنگ اند نبردند

در طوفانی که در اول تابستان در مملکت نخلیس شده بود
درختهای بزرگ از قسم درخت بلوط از شدت باد
کنده شده بود که یک درختش را برادر حساب کرده اند
و دویست و پنجاه وزع مربع چوبت و آنست در و تخمه
از او بیرون می آید که بدویست و میت و بیچ تومان
کرده اند

حساب کرده اند که یک فوج سرباز که میخواهد از کلکته
به پیاد و برود که تخمینا سیصد و شصت فرسخ مسافت است
شش ماه طول می کشد اگر راه آهن و کال که بخار در آنجا
می افتد و در وقتا و ساعت با صدعت این مسافت را
طی میکردند و راه آهن که بجهت ترود کال که بخار در مملکت
ساخته اند و هر فرسخی چهل و چهار هزار تومان خرج شده است

و بعد مملکت کوچک بعدن درین روزنامه مملکت نخلیس آمده است
بجهت ماشای عمارت بلور لندن و همان پادشاه این

۱۲۰۵

نده است و میگویند که بنا دارد یکی از دخترهای اقوام
پادشاه پروسپ را عروسی نماید

شخصی انگلیس در مملکت ایتالیا سیاحت میکرد و یونان
آنجا اورا گرفته و سه روز حبس کرده بودند بجهت اینکه کلاه سفید
در سرداشته معلوم شده بود که کلاه سفید در آنولایت علیا
بوده که باغیان در میان خود قرار داده بودند

جمعیت تجار و غیره که کشتیها سمت مصر و امبول میفرستند
سال بجهت گران شدن دغال سنگی در آن سمت از خراج
زیاد دارند و حساب کرده اند که یک کرو در پول ایران جز
زیادتر از سالهای دیگر است

موافق حساب دیوان که در ولایت استریه چاپ کرده اند
در سال گذشته خرج آنولایت اجمعش پنجاه و شش مایان
فلان که تخمینا میت و دو کرو و دو سبت هزار تومان
پول ایران باشد زیاد تر بود اما سال بنا دارند که یک ربع
مالیات آنجا علاوه نمایند که این باقی را بکنند و مخارج
در بیاید

در روزنامه نوشته اند که چند نفر مقصرین مجوس در ولایت
انگلیس که پادشاه تقصیر آنها را عفو فرموده بود چهار نفر
از آنها از کثرت ششای بزین افتاده و مرده بودند

در روزنامه دولتی در پای تخت اسپانول نوشته اند
که پادشاه فرمان داده است که کشتی بخار بجهت رود استیج
و حل بغسل بار تجاری بازند که بوعده میچین روانه بشوند
و این کشتیها از جزیره کوبلفرانسه و ولایت انگلیس خواهند
رفت

شخصی ایتالیا در مملکت یونانی در باجهان بی چیز شده بود که
برای گذران معطل بود بیک روز برای نماز خود قدری پول خرج
کرده بود روز دیگر یک پارچه طلا پدید آمده بود که چهارمین و دو
بوزن مشت عباسی بود

درین اوقات یک قافله بزرگ از مملکت جزیره العرب فرستاده
می آیند که بمیان مملکت افریقیه بلکه یکسره بشهر تمسکتو میروند
ناخوشی برص در مملکت ناروی بروز کرده است و روز بروز
زیاد میشود سبب چهار صد سال پیش ازین در فرنگستان
این ناخوشی بسیار بود اما در این ایام آخر خیلی کم شده بود
بلکه هیچ نبود حال دوباره در آنولایت بروز کرده است

در روزنامه یونانی دنیا نوشته اند که بتاریخ بیست و هشتم
شعبان تمام جرم آفتاب در آنولایت گرفته بود و چهار ساعت
بعد از ظهر ابتدائی گرفتن آفتاب بود تا شش ساعت و بیست
دو دقیقه که ماه از آفتاب گذشت آنوقت منجلی گردید

در مملکت ناپولی بازاریا شهرهای قدیم مانند آن شهرها که در زیر
جسته بودند تا زحمت اند بعضی ظروف و سباب از ایام قدیم
پیدا کرده اند که ترکیبات غریب داشته اند اهل تاریخ بسیار
طالب پیدا شدن آثار ایام قدیم هستند که اثبات تاریخ
آن ایام را می کنند

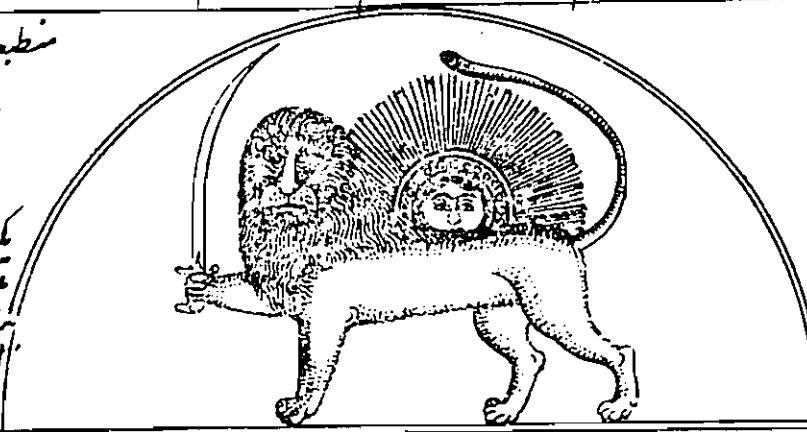
درین اوقات دزدان یونان کشتیهای تجاری را غارت می کردند و در آن
بعضی را کشته بودند و در روزنامه آخر نوشته بود که کشتیهای فرانسوا با بنیافته و
کامل از دزدان غارت نموده حال دیگر بطور بی در آن دیگر اتفاق افتاد

کامل از دزدان غارت نموده حال دیگر بطور بی در آن دیگر اتفاق افتاد

۱۲۰۶

روزنامه وقایع اتفاقیه پنج شنبه روز دهم و پنجمه الحرام مطابین سال بارسیل ۱۳۰۷

نزهت و شادوست
قیمت روزنامه
یک نسخه ده شریک
و نالت و چهار هزار



منطبعة دار الخلف طهران
قیمت اعلانات
یکسطله چاپ و یکسطله کتبخانه
پنجاه هزار

اخبار داخله مالک محروسه پادشاهی

دار الخلف طهران

مؤکب هایون اعلیحضرت پادشاهی بعد از مراجعت ایستادگان
انچه چند روز در عمارت نیاداران تشریف داشتند در
روز یکشنبه نهم ماه ذیحجه از اینجا حرکت فرموده بدو
که هم متعلق بجناب جلالت مآب شرف امجد فخر صدر اعظم
تشریف فرما گردیدند و لوازم قربانی و غیره از جانب جناب
معظم تقدیم شد. فردای یوم منور که روز دوشنبه دهم
ذیحجه و یوم عید قربانی بود اعلیحضرت پادشاهی در همان
عمارت داودیه چنانچه در اعیاد رسم این دولت علیه است
اتقاده سلام عام دادند انسانی دولت علیه و مقربان حضرت
گردون بسطت سینه و خوانین عظام و صاحب منصبان
نظام هر یک در مرتبه و مقام خود ایستاده اجرای شکر
لوپ و زنجورک بقانون متداوله گردید و ادای خطبه بنام
هایون شده و اوقفین سلام سلامتی وجود مبارک تقدیم
شکوه و مبارکبادی عید قربان را تهیت نمودند و سفرای دول
متجا به نیز در آن عید شرفیاب حضور مبارک گردیدند

جناب احمد وفاق افندی ایچی کبیره دولت عثمانیه که از دربار
هایون حضرت انصاف حاصل کرده بود در روز پنجشنبه
اینجا از دار الخلف مبارک که بیرون فرشته از راه بغداد
عازم مقصد گردید و بجهت ملاحظه دوستی دولستین و مزید احترام
جنابش را ایبه یک قطعه نشان مثال هایون مکتل با لباس
که از اجتهادشانهای دولت علیه است با حایل آبی و بعضی
طرزومات دیگر از جانب سنی ایجاب هایون بایشان
و بدین موجب هم نشان بصاحب منصبان سفارت که با
شاهی

عالیجاه عاصم افندی که تبار اول عالیجاهان افندی صاحب مقام سرکار
نشان سرتیپی اول نشان سمرکنی اول

عالیجاه خالد افندی که تبار اول عالیجاهان افندی و جناب سفیر کبیره
نشان سمرکنی دویم نشان یاور اول

ایشان از دربار هایون مراجعت کردند از جانب دولت
علیه اعطاء عنایت شد و در حین سایر اجزای سفارت است

۱۳۰۷

از مزومات لازم و اعطای خلایق فاخره در بیع نکروید

شد البته احدی را بیع و شتری بیفاید و عیب بمقام بیع و سزا
ملکی که استقرار ملکیت آن منوط بشرایط مزبور باشد سخاوت

باقضای حقوق دولت و ملت و موافق قرار داد اصلی و قدیم

چون بجهت سردار خاقان خلدیشیان مبرور نور الله وجهه

دولت علیه ایران و اعلاماتی که از سابق ایام تا بحال کرده است

خوب حسب الامرهایون اعلیحضرت پادشاهی با کمال قیادت

بتجدد دول خارج که درین دولت اقامت و یکسب و تجارت

صفا و خطوط خوش جنبت و جاری شده درین روزها با تمام

دارند نباید مالک ملکی درین ملک از کلی و یا جزئی شوند دولت

رسیده بود در یوم شنبه غره و پنج محرم مقرر شد که سنگ مزبور

ایران از قدیم حقا بر خود قرار داده است که صاحب ملک بودن

از دار الخلاف طهران حرکت داده و صاحب عالیجا میرزا اسد الله

دول خارج درین دولت موقوف بشرطی شده باشد

بدار الایمان قم روانه نمایند و بجهت توقیر و احترام نواب مستطاب

اولا اجازت سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی ثانیاً امضا

شاهزاده و الایبارار و شیر میرزا حکمران دار الخلاف طهران

مالک ثانیاً رضای رعیت که بدون تمامی این شرایط نموده

توابع و جناب امام جمعه و جمعی از علماء و فضلا و شاهزادگان

صورت مغفود بودن یکی از آنها ابراهیم املاک صورتی

عظام و خواین و صاحب منصبان نظام سایر رجال دولت که

سخاوت مریده التناکید و از برای اینکه این معنی کو شتر عموم

در شهر بودند با تفاق سوار شده با چاوش و موصومات

امالی و حسنه و خارج بشود مجدداً اعلام و اظهار شود که هر کس

مشابعت شایسته ببل آوردند و تا آب بنهار قاسم خان

باسم مالکیت صاحب ملک و خانه بشود اگر چه قبلاً اسم موافق

رفته در آنجا خطبه بنام اقدس جایون اعلیحضرت پادشاهی

معمول الای ملک با قرار و اعتراف مالک فقط در دست باشد

خوانده شده بدعای سلامتی وجود مبارک اقدام و از آنجا

چنین ملکی ابد اصحت انتقال پیدا نخواهد کرد و اگر ای که دولت

سنگ مزبور را با اساس اغزاز و احترام روانه قسم نموده

اذن مخصوص داده باشد و اذن دولت هم موقوف باین است

که برده در مقبره خاقان خلدیشیان نصب نمایند

که در دیوانه اعظم دولت علیه ایران و دیوان وزارت

نظر بطور شایسته ایجا اسمعیل خان ولد مرحوم بشیر الدوله

امو خارج مجتبر و مهور کرده و اینکه بعضی اشخاص معین بعضی

مرحمت ملکانه درین روزها اورا منصب چارچی باشیکی دربار

املاک و درین ملک امتیاع نموده اند چون با اجازه مخصوص

جایون سرفراز و یک ثوب قبادیک طاقوشال برسم خلعت

دولت و عمل آمدن شرایط مزبور بوده است باینجه بر سبب حکام

بشار ابرغایت شده و فرمان مبارک شرف صدور یافت

آن قاعدت قدیمه اخلاقی رسانده و نمیرساند پس موافق

که موجب و حیره علق مرحوم بشیر الدوله در حق او برقرار و با

حکم قدیم دولت هر کس از تبعه دول خارج ملکی بدون تمامی

سابق او در حق سایر اولاد بشیر الدوله مرحمت شود و درین

شرطی است امتیاع نماید هرگز ملک او قرار و استقرار نخواهد گرفت

عاجی به مشارالیه است تمام تمام در انتظام امور چاپخانه
 دارد و چاپاران و دولتی در زود رفتن و آمدن و رساندن
 نوشتجات و کاتب سبب مراقبت مشارالیه سعی زیاد دارند
 و اسبهای تازه خوب در چاپخانه بنا شده است
 چاپاری که درین روزها مرده فتح کلات را آورده بود
 سبجه انتظام چاپخانههای راه حران پیش روزه انحراف
 بد را بخلاف طهران آمده بود

سایر ولایات

بروجرد از فرار یک در روزنامه این ولایت نوشته است
 جمعی از اشعار و قطاع الطریق بختیاری که در بیخولهای
 اطراف فریدن و آن ستمنازاری و متواری بودند
 روزنامه ای دزدی و بزرگی گذاشته بر سر راههای آنها
 و اموال مردم را بسرقت و غارت میبردند نواب مستفاد
 شاهزاده و الاستباجت شام الدوله خان میرزا حکم آن بر جرد
 و بختیاری و عربستان و لرستان مقرر فرمودند که چینی
 ریش سفید طایفه مفت لک و چهار لک امامقلی خان برادر
 خود را بادویت نفرسوار از راه کوه بر سر اشرازم زوروا
 نماید و عبداله خان نایب بختیاری نیز با سرباز و سواره
 یار احمدی از سمتی دیگر بر سر آنها بروند و راه فرار آنها را بسته
 و رگه و دشت هر کجا که باشند مامورین حکم آنها را بوسیله
 کرده بنزد نواب معزنی البیبا ورنند و درین باب تاکید زیاد
 نموده اند که از اطراف تاختمهای سقنقات آنها رفته حکم آنها
 بدست بیاورند
 دیگر نوشته بودند که رعایای جاپلق بواسطه کمی غله خدمت
 نواب اجتسام الدوله آمده مستدعی شده بودند که فقط دویم

مالیات آنها را تا اول میزان بانها مهلت بدند نواب
 معزنی البیه نیز نظر بر رعایت حال رعایا و حصول دعاوی
 جهت وجود مبارک اعلیحضرت پادشاهی استدعای آنها
 قبول و تا اول میزان بانها مهلت داده اند که بمدراسا
 بتوانند فقط خود را ادان نمایند

دیگر نوشته بودند که سواره دسته بختیاری را نواب
 اجتسام الدوله در ماه گذشته به بروجرد احضار نمودند
 و سان آنها را دیدند بعضی ناتمامی که در رتبه و مدارک
 بود مقرر داشتند که درست و تمام نموده دوباره سان
 حسب الامر همه اسباب و اسلحه آنها تدارک و انجام و در آخر
 ماه ذی قعدة سان دادند جز آنان زبده چاکبک بسیار
 کار آمد داشتند که کتبی در میان دستجات دیگر اینطور سوارا
 یک دست و اراسته بهم میرسد نواب معزنی البیه طریقی چاکبکی آنها را
 که بعضی در حضور شروع با سبنازی و تبراندازی نمودند
 پسندیده مورد التفات گردید

دیگر نوشته اند که خبر فوت مرحوم مهدعلی میرزا که به بروجرد
 رسید نواب اجتسام الدوله زیاد متالم و غمگین شدند کس
 تعزیت پوشیده مجلس فاتحه خوانی در مسجد مدینه برپا نمودند
 تا سه روزم اسم تعزیه داری اقدام نمودند و جمیع اهل
 و اعیان شهر و بلوکات آن اطراف آنها تسخه خوانی حاضر شدند و بعد
 سه روز مجلس فاتحه سپاسی و جویا دیون خطبه خوانده برجید

دیگر نوشته بودند که میرزا حسن معزنی که از جانب مقرب انخان عضد الملک
 مامور سیدکی با مووظایف آنولایت بود وارد شده و نواب اجتسام
 قدغن نمودند که برواه وظایف را نوشته و بمهر و استحضار البیه
 قبضه ای باب وظایف را دریافت و وظایف آنها را برسانند

۱۲۰۹

عزلستان

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند درین اوقات
 آتش خجانه یکی از رعایای راهبرزاقاده چون خانهای آنجا
 اغلب ازنی میسازند درین بین باو نیز شدت کرده و آتش
 بچند خانه دیگر سزایت کرده بود و از آنجا یک حصاری که جای
 کلکوسفند و کپرنی بجای دیوار محیط آن بوده است در گرفته تا
 مردم خبر شده و آمده اند که آتش را خاموش نمایند آن چند
 خانه و حصاری که سفندان تا ما سوخته اند و نفرمرد نیز در
 میان آن خانها آتش گرفته و قریب بهلاکت بوده اند آنها
 نیم جان بیرون آورده و معالجه کرده اند هر دو خوب شده اند
 اما کوسفند و کلکوسفند سوخته و تلف شده اند

دیگر نوشته اند که درست محرم غله کم بود و کشتی که بجهت آوردن
 غله بجزای کاران رفته بود خالی مراجعت کرده بود اهل آنجا
 تسلیش نمی نمودند و کندم حروری چهار تومان دینیم بود و در
 کرده بشش تومان دینیم رسید عالیجاه شیخ فارس خان
 از بندر هندیان و بندر مشهور و کشتی غله بزودی فرستاد
 بارگیری کردند و بجهت آوردن بعد از ورود این دو کشتی رخ
 غله تنزل کرده بیچهار تومان و دویز رسید و عالیجاه مشارالیه
 درین باب اهتمام تمام دارد که حاکم غله از اطراف حجب
 و سایر جایها اتیاع نموده با ولایت بیاورند که رفع
 کرائی از آنجا باشد الله بشود

دیگر نوشته اند که بجهت اهتمامی که عالیجاه شیخ فارس خان
 در انجام خدمات دیوانی آنجا دارد نواب حشام الدوله
 خدمتگاری او را بدیاریون عرض دارند جانبی بخواه بگویند
 خلعت باو همت شده بود نواب معزی الیه خلعت او را فرستاده در دستم

۱۲۱۰

دی فقهه پر تو وصول آنجا انگذمش را الیه لازم تو قریب حیرام
 در استعمال پس آورده خلعت طایون منج و صبیح و المالی آنجا
 و شیرینی داده او هم خلعتی هم میرزا ابو الفیض نیز صاحب طایون
 ریب برودش معاشرت خود ساخته با المالی آنجا شربت و شیرینی داده

کرمانشاهان

از قراریکه در ضمن روزنامه کرمانشاهان نوشته بودند نواب
 شاهزاده و الا بتار عماد الدوله در انتظام طرق و شوارع
 و امنیت راهها کمال اهتمام را دارند و سی نفر سواره
 نامتکلی را بجهت حفظ و حراست قوافل و مترددین در طرق و
 شوارع گذاشته اند که الی مینون لیلا و نهارا گردش کرده
 مراقب حفظ و حراست آنجا باشند و التزام از آنها گرفته
 که اگر مالی از قافل برود سواره مزبور خود از عمد برآید
 اقا سید احمد که سر کرده سواره مزبور میباشد در حفظ
 قوافل و نظم راه حریب قدغن و تاکید نواب عماد الدوله
 کمال اهتمام دارند و لکن از قراریکه خبر رسید قدری کرائی در
 صفحات کرمانشاهان خاصه در فوائد و حوالی آن بهم رسیده
 نوعی که باعث تنگی معاش مردم شده است

دیگر نوشته بودند که عبدالکدیم بیک غلام پیشخدمت که از جانب
 دیوان اعلی مامور برساندن مواجب نوکر کرمانشاهان بود
 درین اوقات وارد آنجا گردیده نواب شاهزاده و الا بتار
 عماد الدوله در وصول و ایصال مواجب نوکر آنجا بجهت کرائی
 جانب اولیای دولت علیه دستور العمل داده شده است
 کمال اهتمام را معمول داشته اند و قدغن آگید کرده اند
 که مواجب نوکر آنجا از قرار دستور العمل بزودی پرداخت
 نمایند در کار آنجا نماند

ناتمامی در کار آنجا نماند

احوال متفرقه دول خاجه

از جمله کارهای عزیز که درین روزها برآید از آنکه از آن وقت که در روزنامه نوشته میشود همانجا نماند بجهت نشین سیاح خصوصاً همانجا در شهر بویارک یکی و سیاحتی که اسم او سنت نکولا است و جایی شصتصد نفر همان دار و بلکه در سنگام ضرورت میشود هزار نفر از آنجا معافی نمانند و اگر خانها که بجهت همانان ساخته اند از سنگام و آبرقز است دو یک و بسیار خوش بود طرف کوچی بمقتاد و پنج ذرع طول دارد و پنج مرتبه ساخته اند یکطرفش بجهت نشین زنهار و یکطرف دیگر بجهت نشین مردان است غیر از سفره خان و اطفاها بجهت نشین روز شصتصد اطفا خوابگاه دارند و بجهت بجهت هزار نفر رخت خواب میدارند در بر اطفا فی حمامی کوچک با شیر آب گرم همرد و همه اطفا قهای خوابگاه از مرتبه پنجم تا این حتماً دارد و در پایین چرخ بنجار ساخته اند که آب سرد و آب سرد بکل اطفا میسازند و کل این خانها شب از بنجار و خال سنگی روشن میشود سه هزار چراغ بنجار هر شب در آن روشن میشود و در زمستان کل اطفا قهار ابالوله که در میانش بنجار آب گرم است گرم می کنند و اینم از چرخ بنجار است که بدون روشن کردن بنجاری اطفا قها همه یک هوا گرم رخت خلق را هم کلا در آنجا با اسباب چرخ بنجار میشود روزی شش هزار پارچه رخت میتواند بشوید و او بگوید بطوریکه یک نفر سیاح که بانجام رسیده و رخت او همه چرک است میدهد برخت شود در نیم ساعت همه رانند و ستاده زده و آله کشید پس میدهد اگر طنج بنجار اسم بنجاری بزند مگر کشت کباب را که در روی ذغال کباب می کنند

جهاز خانه بجهت سخن نان و سایر چیزها که در آن می بزند اسم در آنجا دارند و اطفا قهار اکلاً با فرشهای خوب معروش کرده اند حتی قوه خانها را و اخراجات یک نفر با خوراک و خوابگاه و همه جته دو از ده فرانک و نیم است که تخمیناً بازده هزار دینار پول ایران باشد در شبانه روزی و در ساختن در راه انداختن این مهاجرت پنج نفر با اسم شریک شده اند و از قرار یکی که بسیار منتفع خوب بجهت آنها می گذرند جمع با احتیاج لازم بجهت مهاجرت در آنجا پیدا میشود و در طول صد تا صد و پنجاه راس است و چهل عراده کالک هم وجود دارند

در مملکت فرانسه بنا دارند درین روزها لاتاری برپا نمایند با اینطور که نفر اول پشم هر کس بیرون بد صد هزار فرانک میرسد و نفر دوم و سیم هر یک پنجاه هزار فرانک و پنجم و دهم هر یک ده هزار فرانک و بیست و بیست و یک هر یک یک فرانک است و درین بازی میکند و شش فرانک و یک ربع است و فرانک پول فرانسه است که هر یک هزار دینار چیزی کمتر حساب پول ایران میشود

سیاح فرانسه درین روزها در جزیره کوبانه که یکی از جزایر ریزحط است و پانصد سیاحت کرده است و سیاحت خود را در روزنامه چاپ زده است آنچه در خصوص مارای ایزولا نوشته است که روزی در مجموعی بودم یکی از سیاحتی سواره بناخت و تعجیل رسید و گفت بیاید و تماشا کنید که ما را در صحرا چگونه جمع شده و همه چیده اند یکی از سیاحتی گفت من شنبه ام و قهها که طوفان اتفاق می افتد بعد از طوفان ما را جمع می شوند اما تا بحال نمانده ام خوب است برویم تماشا کنیم پس سوار شده با احتیاط تمام تا نزدیکی

۱۲۱۱

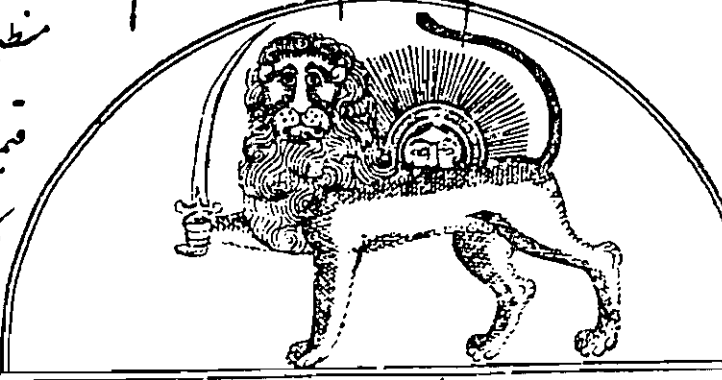
دفعه بودند دیده بودند که مار با جمع بهب پیچیده اند تیر یک
 یک کله قد و سرشان همه بیرون است پانزده قدم مانده بود
 که باره برسند اسبها ترسیدند پیش زرقند مار را دمان
 می کشوند و صد میگردند اما بچکد ام از اینجا که جمع شده بود
 بیرون نیامدند و همانطور بسم پیچیده بودند سباحان در
 باب فکر زیاد نمودند بودند که مار بزرگ یا نهنگ بعضی کمان
 کرده بودند قصد این مار را می کنند و از ترس آنها اینطور
 با هم جمع میشوند با جمله سرب که داشته باشند با جمع شدن
 مکرر با اینطور شده است حیوانات نطق ندارند که
 خود را بشکلم بیکدیگر معلوم نمایند و لکن منظمه بعضی از این فرکتان
 بلکه اکثرشان این است که از بعضی چیزها که از حیوانات ملاحظه
 میشود باید طوری در میان خودشان داشته باشند که
 حیوانات خود را بهم حالی نمایند از جمله جمع شدن مارهای
 و ساختن سکهای آبی بندها و خانهها در رودخانههای
 یکنی و بنا بطوریکه درختهای بزرگ را می کنند و تیر مارهای
 و بندها و خانهها مانند بنامی سازند و در آن ملک قسمی از
 مورد است که بچه خود جا و مکان می سازند با رفعا چهار
 دوزخ و جهان سخت می سازند که سنگین آن بسیار مشکل است
 آنها را اینرنگان میبرند که بجهت محافظت خودشان از حیوانات
 صحرائی که خوراک آنها مورچه است این خانهها را می سازند در
 جزیره و در اگر جایهای یکنی دنیای شمالی آب دریا سال
 کشیده می شود و جالانی که سابقا آب بود حالا خشک است
 و لکن است شمال فرنگستان برعکس این است بسیار جاهها
 که سابقا خشکی بود حالا آب دریا با آله و کوفت است

۱۲۱۲

از جمله کارخانهها که درین روزها در فرنگستان بسیار ترقی
 کرده اند کارخانههای آهن است و بعضی چیزها درین ایام از چوب
 و این می سازند که سابقا چوب ساخته بودند و در ساختن چاقو
 و سایر چیزهای خورده و نازک بسیار ترقی کرده اند و در
 روزنامه فرانسوا نوشته اند که در عمارت بلوری که در
 تازه کشوده اند یک تماشای عمده اسباب آهن است که
 در اینجا گذاشته اند خصوصا اسبابی که از شهر شنیاید که یکی
 از شهرهای انگلیس و مثل اهل اینجا ساختن چاقو و مقراض و این
 و فولاد خورده کار است آورده اند که نهایت ایماز را دارند
 موافق کاغذ آخر که از یکنی دنیا آمده است باز در ملک کلمکوا
 داشته کارشان خوب پیش میرفت یکی از اعیان آن
 مملکت سنت انا نام که مدتی بزرگ دولت جمهوری اینجا
 بود بعد از آن اخراج شد حال دوباره با تولایت برگشته
 و ادعای پادشاهی آنجا را می کند و لکن آنها که راضی سلطنت
 او نیستند در ک جنگ می بینند جمعیت بدو خوششان جمع
 از قرار یک معلوم میشود و در مینت که این مملکت در اندک یک
 محیط تصرف اهل دولت یکنی دنیای شمالی بیفقد چنانکه
 و تکس و بعضی ولایات دیگر که اول مال مککو بود حال
 دولت یکنی دنیای شمالی است و روز بروز کار دولت
 یکنی دنیای شمالی در ترقی است بخلاف کار دولت
 مککو که روز بروز در تزلزل است

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم شنبه بیستم ماه ذیحجه الحرام مطابق سال باسنه ۱۲۷۰

نزد صد هشتاد و نه
قیمت روزنامه
یک نسخه شش مریکله
وقایع چهار هزار



منطبقه دارا اختلاف طهران
قیمت اعلانات
یک خطه الی چهار خطه یک هزار و سیصد
بیشتر با هر خطه پانزده

اجبار و احسان مالک محروسه پادشاهی

دارا اختلاف طهران

در روز بیستم این ماه که روز عید غدیر و از اعیاد بزرگ
این دولت علیه است اعلیحضرت قوی شوکت پادشاهی
در عمارت داودیه با سلام عام دادند جناب جلالت
اشرف افخم صدر هم و شاهزادگان عظام و سایر ارباب
دولت علیه و مقرر بان حضرت کردون بطلت سینه و
عظام و صاحب منصبان نظام و عموم چاکران در باره
شرفیای حضور مبارک گردیده هر یک در جا و مقام خود
ایستاده اجرای شلیک توپ و زنبورک گردیده و صد
تیر توپ بجهت شلیک و ادای خبطه در حضور
مبارک بنام جناب علی ابن ابیطالب گردیده بدعای
بفای وجود فیض الجود بجا یون ختم شده و اقعین موقوف
حضور مبارک از عنایات ملوکانه بهره مند گردید سلام
عام منقضی گردید
در هفت گزشته اعلیحضرت پادشاهی تماشای مشق
سواره نظام که چند سال است درین دولت علیه تازه را
افتاده اند تشریف فرما شده ملاحظه آنها را فرمودند چون

سواره مزبور در لباس و وضع و اسبهای ممتاز و اسلحه
همه چه کمال آراستگی داشتند خاصه از حیث اسبها که
همه فرجه و خوب بودند بسیار مطبوع و مستحسن خاطر ملوکانه
افتاده مورد تحسین و التفات گردیدند و بعالیجاه
صاحب منصب دولت استر به که معلم سواره مزبور است
کمال التفات فرموده انعامی شایسته و حق او محبت نمودند
و عالیجاه پادشاهان سر کرده سواره مزبور نیز که در
آراستگی آنها اهتمام نموده بود مورد تائید و تحسین
گردید

و همچنین در روز یکشنبه شانزدهم این ماه حسب
شعر عاده توپ با توپچان جمعی عالیجاه اللهوردی خان
سرهنگ توپخانه و سواره نظام جمعی عالیجاه پادشاهان
و فوج چهارم جمعی عالیجاه علیخان سر میپ حاضر شدند
در میدان مابین قوتین قلعه و رستم آباد مشق جنگ
منظومه نمودند اعلیحضرت قوی شوکت پادشاهی از عمارت
داودیه تشریف فرما گردیده در بالای پشته که در آن جوان
بجهت تماشای توقف فرمودند و جناب اجل مجد اکرم محمد

۱۲۱۳

و سایر مهربان حضرت کرد و بن بطن در حضور مبارک بود حکم
 مشق جنگ داده شده سوار نظام بی فوج و توپخانه جدا آورده و
 نمود و چندین حرکات جنگ کردند و از جانبین کمال جلالی و جلد
 مشاهده شد حرکات و چابکی آنها در شلیک بموقع و یورش
 به سنگام همگی پسند خاطر اقدس پادشاه بود که در دیده مور و حسین و
 شدند و از طرفین رکاب مبارک کس که گشته از حرکات سوار
 و فوج مزبور داشت تعریف و تحسین نمود و اعلیحضرت پادشاه
 بعد از تماشا تحسین آنها نزدیک بعبه و آفتاب در حجب
 داوودیه فرمودند

از اینکه مراتب خدات و اهتمامات نواب مستطاب هرزاده والا
 فریدون میرزا فرمانفرمای مملکت خراسان و مقرب الخاقان میرزا
 وزیر نظام متولی باشی و شکار خراسان در انتظام و انضباط امور
 آن مملکت عموماً و افتتاح و تصرف کلات خصوصاً و نظر انور بایون
 اعلیحضرت پادشاهی زیاده تحسین و مقبول افتاده و در خصوص کمال
 مرحمت ملوکانه آمدند لهذا این اوقات یک بجهت ترمز رنجیده
 حاشیه و ارباب اختیار نواب سزای الیه و یک بجهت ترمز مقرب الخاقان
 وزیر نظام حرمت و ارسال شد که از بدل این مهبت خاص شاهانه
 استظهار کامل حاصل نمایند همچنین حسب استعای نواب هرزاده
 و مقرب الخاقان مشارالیه بوالیجان بهادر خان و حسینجان
 و آقا رضا خان که در فتوح کلات خدمت کرده بودند هر یک
 کسری و ینوب بجای رری از جانب بایون خلعت حرمت و

این اوقات میرزا اقدس اعلیحضرت پادشاهی نظر بکمال حرمت و
 نواب مستطاب هرزاده و الی ساجده و الی سابق خراسان کیثوب کلجی
 از طبوس بدن مبارک با فتوحات نواب سزای الیه مر و عنایت فرمودند

چون مقرب الخاقان خان خانان در روز عید قربان شتر قربانی
 سخا کرده بود خلعت از طبوس بدن مبارک با و حرمت کرده و
 در روز بعمارت داوودیه نیز که شرفیاب حضور مبارک کرده یک کلبه
 از طبوس بدن مبارک با و عنایت فرمودند

عالیجاه عبا سقلی خان سرتنگ توپخانه مبارک که منصب سربسکی او در
 هفتاد و شش نوشته نوشته شده بود درین اوقات یک طاقه شال ترمز دراز
 منصب مزبور از جانب سنی ابجواب ملوکانه با و خلعت حرمت

مرحوم سرتیج صاحب که ارضای منصبیان دولت سزای بود در شب جمعه ۱۴
 و تبحر محرام در قریه قلک شمران بسری جاو به انتقال نمود جناب
 و بنات نصاب ریز در قزوین و کلبیس با صاحب منصبیان
 او را با کمال اکرام و احترام برداشتند جناب معظّم الیه با جمیع ضا
 سفارتخانه از دلگت تا مقبره عظامه شرفیاب تحمید که در خارج قریه
 و ولایت واقع و تحمیداً و فرسخ مسافت دارد همسرا جناب
 او آمده بعد انجام و تمام لوازم و شرایط دفن مرحمت کردند و
 صاحب منصبان خارج متوقف و از اختلاف نیز در دفن کردن
 حاضر بودند صاحب منصب مزبور در ابتدای آمدن باین ولایت
 یکی از معلمین توپخانه بود و در ایام نواب غفران آب و لیعهد بر طرف

در آذربایجان مشغول مشق توپخانه بود و درین مشغول خدات نمایان
 باین دولت علیه کرده و کسب از توپچیان قدیم تعریف از چهار
 مشارالیه میکردند و از آنرا که با کسب حسن سلوک مسلوک و شکر
 او را اینساخت انوقت بسیار متاسف گردید

سایر ولایات

افز بایجان از فرار یک در روزنامه از بایجان
 نوشته بودند امور ولایتی و قشونی و عمریستی آنجا کمال نظم دارد

۱۲۱۴

افواج ساخو حاضرین تبریز همه روزه علی الاستمرا از بنگ
 افتاب در میدان سر بازار خانه بیرون شهر مشغول مشیتند
 صاحب منصبان هم عصره مشغول میکنند و جناب مقرب انخاقان
 قایم مقام در این نظام امر قشون آنجا کمال استقام دارند و از بیک
 خلاف قاعده ناشی و صادر بشود بمقام مواخذ بر می آید
 از جمله نوشته بودند اوقاتی که فوج ناصرتان مانو خوی شد
 در عرض راه بعضی از سر بازان بی نظسی و تقصیر فاحش کرده
 بودند بعد از آنکه عالیجا محمد آقای سر تنگ مراتب ابغری
 حالی کرده نفر سر باز دو نفر وکیل آنها را که منشا هرزگی
 شده بودند احضار و بعد از ثبوت تقصیر و اجرائی تنبیه
 کردند

دیگر از فراری که در روزنامه آنجا نوشته بودند دو سه ماه
 قبل در حوالی قراغه آباد و حاجی آقا و مایان مال چند نفری
 بغارت برده بودند مقرب انخاقان قایم مقام سواره و
 تعین نمودند مرتکبین را که بعضی از امالی شقای و بعضی از سایر
 بودند دست بسته گرفته اموال مردم را بعینها استردادند
 و نواب شاهزاده والا تبار نصره الدوله سزانی که در حق دزدی
 قطاع الطریق لازم است در باره آنها اجری داشتند که این
 مردم و نظام طوق و سوار بجال خود باقی بمانند

دیگر نوشته اند که حسین نام و بخوارقانی که بزدی و شراب
 مشهور بود و را بهرنی میگرد مقرب انخاقان قایم مقام
 فرستاده او را با سه چهار نفر دیگر از اسرار و بخوارقان که در دزدی
 و هرزگی شه یک او بودند گرفته آوردند بعد از ورود تبریز
 نواب مستطاب نصره الدوله صاحب خستیار آذر با بجان نام

که بکرات را بهرنی وقت غارت را مرتکب شده بود بزرگی
 عمل خود رسانید و باقی را حکم حبس کرد
 و یک درشت ماه قبل مال حاجی فتحی را در بناب ببرت برده
 بودند این روزها مقرب انخاقان قایم مقام علی اکبر بیگ
 تو پنجاه مبارکه را محصل نموده فرستادند رفته مال مسروق
 پیدا کرده بیاورد مشار الیه بعد از ورود به بناب مال منور
 که قریب بیستصد تومان بوده است در خانه دو نفر سر باز
 پیدا نموده بصاحبش رو کرده قبض رسیدگی دریافت
 و آن دو نفر سر باز را مقرب انخاقان قایم مقام خواسته
 بعد از تنبیه نظامی خراج کردند

دیگر سه روز قبل از ورود نواب مستطاب نصره الدوله
 با دز با بجان مالی از حاجی سید احمد تاجر اصفهانی در قزل
 دیزج اردوقی برده بودند در همان اوقات جناب مقرب انخاقان
 قایم مقام سواره تعین نموده عقب دزدان فرستاده بودند
 معلوم شده بود که دزدان کینند این روزها مبلغ یکصد
 بیت تومان قیمت مال منور را از جهان دزدان گرفته سید احمد
 تاجر او را قبض رسیدگی دریافت کرده اند اما سزای مرتکبین را
 در روزنامه معلوم نگردیده بود که چگونه داده باشند

اصفهان

از فراری که در روزنامه اصفهان در نوشته بودند
 چرا علیخان نایب الحکومه اصفهان در نظم امور دولتی
 و تخصیص اسباب سه دکی رعیت و وصول و ایصال منافع
 دیوانی کمال استقامت را دارد و با مورات رعایای بلدکات
 رسیدگی کامل مینماید و هم چنین در نظام امر شهر و محلات
 و رفیع دزدی و بیجا بی سحر تمام دارد

۱۲۱۵

اخبار دول خارجه

انگلیس تاریخ روزنامه آخر که از لندن پایتخت

اینولایت سید روز شنبه ۱۹ شوال بود و در آن وقت

علیاحصرت پادشاه انگلیس در شهر لندن در عمارت خود

تشریف داشتند و نوشته اند که در اینجا خواهند ماند تا

بعد از مرخص کردن اهل مشورتخانه بعمارت و نیز آنکه در

خارج شهر نزدیک لندن است بروند و وقت مرخصی

خواین و وکلای رعایا که اهل مشورتخانه اند در اکثر سالها

چهل یا پنجاه روز از تابستان رفته است که آنوقت

مرخصند هر یک به بلوکات و اطمان خود میروند

شخصی از اهل فرانسه درین ولایت گشتی هوایی که بلون میسازند

سوار شده و بالا رفته بود مدتی است که چیزی اختراع کرده

که مسراه بلون بالا میرند که اگر بخوانند در هوا از بلون

خارج شده بان چیز پائین بیایند میشود و لکن خالی از

سویس و خطر نیست و این بابیت هر یک چیز است

که وقتی که در آن قرار گرفته از بلون خارج می گردند و گویند

و با همسنگی آن شخص را بر زمین میسازد و مانع از شد آمدن بوی

بر زمین خوردن شخص میشود و لکن بسیار اتفاق می افتد که

شود باطوری میگرد که آن شخص گشته میگرد و ایند قسم

که این شخص فرانسسه بلون بالا رفته مانند مایطور هلاک کرده

که از بلون به چتر گشته و خواسته است پائین بیاید

و هلاک شده است مردم انگلیس حسب القانونی که دارند

جمع شده و تحقیق کرده بودند که گشته شدن این شخص صحیح

بود و عرضند بوزیر امور و جمله نوشتند که از دیوان قدغن شود

که بعد ازین کسی اقدام باین عمل نهد که خود بخود هلاک بشود مردم

طماع پول می گیرند و کشتی هوایی میسازند و پول بجهت آتش

از مردم میگیرند و ازین قبیل بچاره را که خالی از حقاقت

نیست بیکجهت آورده پول میدهند که سوار کشتی میروند

بالا بروند و با مایطور پائین بیاید که مردم تماشا نمایند و این

نیز باین تقصیلات بالا میروند و کمتری سلامت بر میگردد

چند سال پیش ازین اسپهها به بلون بسته بود امید کردند

ببشارشان مبعوض اطلاق در می آمدند حال بستان اسباب

سبب است که نسبت بچگونگی اذیت بجا بود موقوف کرده و

قدغن نموده اند در صورتیکه ملاحظه حفظ حیوان بشود البته حفظ

وجود ایشان الزم خواهد بود که با مایطور هلاک نشود

فرانس

تاریخ کاغذ آخر که از پاریس پایتخت فرانسه رسید

سیزدهم شوال بود و اعلم جنرت امیر اطور فرانسس سمیت شمال

انولایت پارو وی بلون رفته بود و لکن منتظر بودند که در

این روزنامه مراجعت نماید و بعد از آن بنیاد در بلوکات

فرانسس سیاحت بکند و در پانزدهم ماه آو و فرانسه

مطابق ۲۰ دقیقه است مراجعت بسایتخت نماید که از روز

در میان خودن عهد است

درین ماه در مملکت فرانسه بسیاری از مردمانی که بعلوم و ادب

مشهور بودند فوت شده اند از جمله یکی بوسکی نام که نویسنده

مشهور بود و در علم موریکان هم مهارت تمام داشت

یکی نیز زوجی از خواین بود که او نیز در کتاب نویسی

تمام داشت یکی نیز بکاز نام است که پیشش همراه اطور

ناپلیان عظیم در جزیره سنت لینه بود و خودش نیز

در سکام طولیت در آنجا بود

۱۲۱۶

از جمله آریس و زینت شهر پاریس که درین روزها تمام
رسیده است دریاچایت که تازه ساخته اند در پیشه
چون که نزدیک شهر نوراست و درین روزها آب بجا
انداخته اند و خود امپراطور فرانس نیز با نجا آمده بود

درین روزها شخصی در فرانس هرگز غریبی کرده است و معلوم
نیست کبک این تماشاخانهها بعضی اوقات تفنگ را از
بار و طخانی پر کرده بیکدیگر می اندازند مانند جنگ است
از ایت شوخی و بازی است و کبکی ازیت نمیرسد درین
روزها در یکی از تماشاخانهها تفنگها را از بار و طر کرده
و حاضر که آشته بودند که در وقت بازی بیکدیگر جان
نمایند اتفاقا شخصی از اهل تماشاخانه یکی از آن تفنگها را برد
و دهن لوله او را سر بریز و بر زمین گرفت دید که کلوله از
افتاد بعد از آن تفنگهای دیگر را ملاحظه کردند دیدند که
در میان هر یک یک کلوله انداخته بودند هر کس این عمل
جنور بدست نیامده و معلوم نیست کبک که منظورش این
که اهل تماشاخانه بیکدیگر کشته و خنجر آریس

در روزنامه آخر که از پاریس رسیده است نوشته اند
که پادشاه پورتو قال که مدتی در ولایت انجلس بود بنا
داشت پاریس بیاید همان امپراطور فرانس بشود و
طوبی بر سر اسبچه او ترتیب داده و اطافهای او را نیز
داده منزل نویمانموده بودند

اسپانیول

مست که درین ولایت آفتابش است و لکن در روزها
گذشته کلامه بود لکن و آستند که این آفتابش خاموش
شده باشد حال معلوم نبود که آفتابش نور باقی است

و از قرار روزنامه که تازه آمده است قشون کشی و جنگ
درین مملکت شده است و بعضی از خبرها و صاحب
دیوان قشون را تحریک کرده و بار عایا بکی شده است
و جنگ بقشون پادشاه کرده اند و لکن منظور با عیان
چند طور در روزنامه نوشته اند اگر شان می نویسند که با

یکه از وزیر دارند و میخواهند در دولت بیارند که روز
عوض نمایند اما بعضی شان میگویند که منظورشان این است که
خود دولت را برسم بزنند و مملکت اسپانیول و پورتو قال
در زیر حکومت یک پادشاه باشد منظور با عیان در دست
معلوم نیست و لکن در چند جای مملکت اسپانیول با عیان
پادشاه جنگ کرده اند در بعضی جاها غالب و در بعضی
جاها یغای دیگر مغلوب شده اند در پای تخت جنگ قشون
پادشاه کرده اند و لکن مغلوب شده و از پای تخت
بیرون رفته اند نسبت سره کشته و پادشاه و وزیران
داخل پای تخت شده اند در ایام قدیم در مملکت اسپانیول
زن پادشاهی میکرد یکی از پادشاهان سابق که اولاً

ذکر زشت بجهت دختر خود این قانون را برسم زد بعضی
میگویند که یک منظور با عیان این است که قاعده قدیم
باز در آن ولایت برقرار نماند که پادشاهی زن ممنوع
و تاج و تخت آن ولایت با و لا ذکر برقرار شد در حال
اسپانیول بسیار غمناک است اما تا بحال دول ذکر
روزنامهها نوشته اند که مدخلت باین کار کرده باشد

و او یا چون دول خارجه در امور انجام دهند نمیکنند کار
اند دولت را بخودش واگذار شده اند

۱۲۱۷

هندوستان

اعلانات

چنانچه در روزنامه های سابق نیز نوشته شده درین اوقات بنا دارند که راه آهن بجهت ترودکال که بخار از سر تا سر این مملکت بیازند از کلکته بمشمال هندوستان چند ماه پیش قدری ساخته و با تمام رسانده بودند درین روزنامه ها نوشته اند که راه آهن بزرگ که از بمبئی بمیان ولایت میرد نیز تمام کرده و کشوده اند و کال که براه انداخته اند در تاریخ ۱۸ رجب قدری ازین راه بجهت ترودکال که چرخ بخار کشوده بودند و بلیت و پنجاه نفر مردوزن از اعیان ولایت از اهل انگلیس و اهل هندوستان بکالکته ای که بیکدیگر مربوط و بچرخ بخار بسته بودند نوشته اند بمبئی تا کلیمان رفته اند و از درنگل اهل هندوستان در آن اطراف مانند عید بزرگ گرفته روز را بنواختن چرخ و عیش و مهمانی مشغول و در معابر کالکته بخار بجهت ماش از کلیمان است و شب آنروز از شباری سکین برپا نموده و با خورسندی تمام از راه افتاد و چرخ بخار میگردند و خیر و منتقب بسیار بجهت طی مسافت بعیده در مدت کم در آن مملکت ملاحظه میگردند حال که این راهها از دو طرف هندوستان ساخته شده و کالکته بخار براه افتاده است معلوم است که در اندک مدت بیکدیگر متصل خواهند کرد که از سر تا سر ولایت هندوستان چرخ بخار برود بلکه داخل مملکت بخار هم بشود و تاریخ کاغه آخر که از هندوستان بایس رسیده از کلکته ۱۸ شعبان و از مدرس ۲۳ و از انجمن پین ۸ و از مملکت برمه ۵ و از بمبئی ۲۵ ماه بود بود

کتابهای چاپی دارانخا و طهران که در کارخانه حاجی عبدالمجید با سه چرخ در محله نزدیکی دروازه دولا بایس باع شده اند از این فرزند میشود

۱۰۰ — ختم نظامی بیت و چهار

۱۵ — سر ابر دو تومان

۱۷ — زبده المعارف دو تومان

۱۸ — معراج العاوه یک تومان

۱۹ — حدیقه شیعیه امت هزار

۲۰ — شرح کبیر دو جلد شش تومان

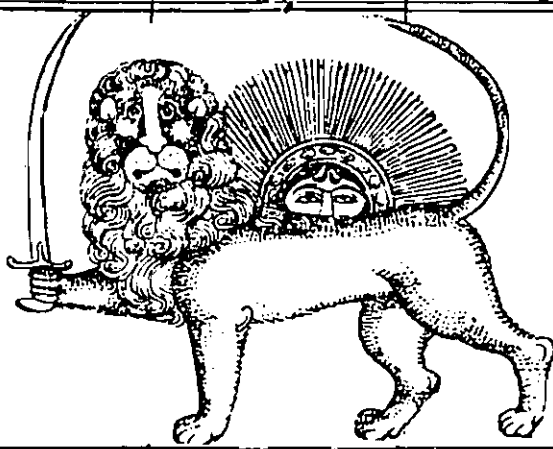
۲۱ — شرح لغت یک جلد سه تومان

۲۲ — توضیح پانزده هزار

۲۳ — شامنامه چهار تومان و نیم

روزنامه قایم اتفاقیه تیاریخ یوم شنبه بیستم هفتم ماه ذیحجه الحرام مطابق سال باسنه ۱۲۱۹

نمره صد و نود
قیمت روزنامه
یک نسخه ده هر یک
در تهران و چهار هزار



نقطه دار اختلاف طهران
قیمت اعلانات
بکسر الاجاره مطبعه روزانه
بسنه ۱۲۱۹

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دار اختلاف طهران

در روز شنبه ۲۲ ماه ذیحجه اعلیحضرت پادشاهی بجهت
تفریح و کشتبجارت امیرآباد که درین فصل بسیار باصفا
تشریف فرما گردیده و تا حوالی عصر در آنجا تشریف داشتند
و نزدیک عروباقب بعمارت دادیه میراجعت کرده

و پنجین در روز دوشنبه ۲۴ ماه ذیحجه الحرام بر حسب حکم
هایون بیت عماره توپ با صاحبمنصان توپخانه مبارکه
و متعلمین مدرسه دارالفنون که بتعلیم علم توپخانه اشتغال
باشواره نظام در صحرائی قریب بدو دیه مجاز میست
عمارت حاضر شده اعلیحضرت هایون شایسته سواربیر
برده توپچیان در کمال جلالت و جهارت تیراندازی
و سواره نظام نیز بپوشش و تاخت سمت توپخانه اقدام نمودند
و بعد از تماشای تفریح موبک هایون معاودت بعمارت
دادیه فرمودند

چون منظور اعلیحضرت پادشاهی این است که کل عیایای
این دولت علیه از هر مذنب و ملت که باشند در هر باب
برقه و آسوده خاطر باشند و این معنی کز درین روزنامه

نوشته شده است و از اینکه هر وقت که بعضی از
رسیده است که نسبت ملت عیسوی و غیره که رعایای
این دولت علیه اند ظلمی فرستد در مقام رفع آن
برآمده اند از جمله درین روز که عمده الفضلاء ایستخیه خلیفه
طاوس که بزرگ ملت ارامنه جلفا و سمت جنوب و وسط
ایران دارامنه متوقف بند و چین است بدار اختلاف
آمده و چند مطلب که در بعضی مواد آن نسبت با ارامنه ایران
ظلم و بیجایی می شد بنجاکپای مبارک عرض کرد حکم فرمودند
که از دربار هایون باین تفصیل احکام صادر شود از جمله
زمان هایون بکل حکام ممالک محروسه شرف صدویا
که در گرفتن راهداری و کمرگ از ارامنه بجهت این دولت
بطریق که از سایر اهل ولایت میگیرند بگریزند و هیچ فرقی
ارامنه و مسلمان درین باب نگذارند و اگر کسی درین باب
بعد از آنک تفادتی مابین آنها بگذارد مورد مواخذه خواهد
و هم چنین تعلیمه جناب اجل امجد اگر م صدر عظیم در باب
بعضی املاک و اراضی واقع در فخره کاشک که جزو محتاجات

۱۲۱۹

میباشد بهمه نایب الحکومه اصفهان حسب الاشارة العلیه
 صادر شد که داخل و منافع اراضی مسطوره کفافی سابق صرف
 کلیسای واکمشه کسی مدخله باراضی مزبور نماید و همچنین
 در توجیه و تقسیم متوججات دیوانی ارامنه که با مسلمانان
 ملک و زراعت و کاسبی شراکت دارند مساوات معمول
 دارند و تفاوت در میان آنها نگذارند و همچنین بهر حکام
 که عسویه را با اشی غشریه یا برخلاف با اذعان و بختی
 مفردین بحباب با طرفین بمحض جناب امام جمعه اصفهان
 طی گفتگوی آنها بروفق حکم شرع بشود و تخفیفی که
 حسب فرمان مبارک بارامنه جولایه اصفهان
 رحمت شد است همه ساله این تخفیف استمرار مرا که
 اصلا و فواید دولت و پنجاه تومان است بعد ^{القسط} الفقد
 خلیفه طاووس و سایر خلفای جلفا عاید سازند
 خلیفه مزبور درین روزها شرفیاب حضور عالیحضرت
 پادشاهی گردیده و مملکت بخلعت جایون شده است
 انصاف حاصل نموده که مراجعت بجل خود نماید
 در باب ملکند استن تبعه دول متجا به در محاکم
 دولت علیه ایران در ضمن مهزده ۱۸۸ روزنامه سرحدی
 شده بود اگرچه فقره ابتیاع خانه و انبار و مکان بری
 سکنی و وضع امتعه تجارت که موافق فضل نجیب
 تجارتی حضرت داده شده است از اول قسم
 از شرح مزبور استثنی بود لکن توصیجاتی در ضمن این روزنامه
 پشاره میشود که بجهت تبعه دول قسم عهد از قرار
 فضل حضرت حاصل است که برای سکنی و وضع مال
 تجارت اگر گرایه مشکل با اول باولایای دولت علیه

۱۲۲۰

اعلام دارند اگر برای آنها موجود نموندند اذن خواهند
 داد که خانه و انبار باذن اولیای دولت علیه
 پیدا کنند و بی اذن نیست و انذام نمایند

سایر ولایات

اوز با یجان از قراریکه در روزنامه این ولایت
 نوشته اند رسمی از نوابش هزاره و الا بتا رضه
 صاحب اختیار اوز با یجان صادر شده اصل و فرع
 مالیات دیوانی هر یک از ولایات را در همان قسم
 مشخص نموده بنامی علما و اعیان و که خدایان و شرفیابان
 خطاب و اعلام کرده اند که بعد ازین حسب و دینار
 علاوه بر مالیات و فردمات قرار داری دیوان
 از کسی مطالبه نشود و اگر بالفرض هر یک از حکام
 و مباشرین بخواهند زیاده ای نموده علاوه مطالبه کنند
 رعیت نمکن کرده مراتب را در ضمن عرض خدمت
 نوابش هزاره معروض دارند که رفع نقدی و اجاف را
 بفرمایند بعد از صد در این قسم عموم مالی آن مملکت
 امیدواری کامل حاصل کرده اند و همچنین بر طبق حکم
 عام جایون اعلیحضرت پادشاهی رسمی قسم که بعد از
 هیچیک از مباشرین حکام اهدیر بر جرمه نمکند صادر گردیده
 دیگر نوشته اند که مغرب الخاقان قایم مقام بکصد نفر
 سواره شاطرا لورا بجهت حفظ و حرارت و نظم طرق
 و سوارع معین کرده اند که همیشه مشغول حفظ و حرارت
 گردند قافلان کوه و اطراف تبریز باشند
 دیگر از قراریکه نوشته اند مغرب الخاقان شارا لیه
 هر شب جمعه علما و اعیان و اشراف و تجار را بهمانی

دعوت بنمایند و بعد از صرف طعام هر کس مطلبی
باشد رسیدگی بنمایند و موافق عدل احقاق حق

جواب میدهند

بروجرد

از قرار یک در روزنامه این ولایت نوشته اند سران
دلفان دسته حسروخان که مأمور بختیاری محنت
و چهار لنگ بودند برای اینکه سان آنها دیده شود

و تحقیق رسیدن موجب آنها را نمایند نواب مستطاب
شاهزاده والا تبار چشم الدوله حکمران بروجرد
و بختیاری و لرستان و عربستان سر باز بر بور
در ماه ذی حجه احضار بروجرد نموده باستحضار بجای

محمد اسمعیل بیگ که از جانب او بای دولت علیه امور
پسان در رسیدگی موجب ذکر آنجا بود سان آنها
به قوت دیده شده و نظم و قاعده آنها از ابوالصفت
سند خاطر نواب معزی الیه گردید و عالیجاه مشارب
طوکارسان در رسیدگی موجب نهاده آنها را ضبط
طواری مهور سپرد

دیکر نوشته بودند که جناب مرحوم مهد علی میرزا را با
دو گرا و در چهارم ماه ذیحجه از سلطان آبا و حرکت
داده و در ششم ماه منور وارد بروجرد نمودند و روز
ورود چادوش و قاری و روضه خوان و علماء و عیان
بجبهه احترام مرحوم منور تا یک فرسخ استقبال نمودند با
کمال اعزاز و لوازم احترام بشهر وارد کردند و در اسم
قدم نمودند و عموم مالی آنجا از مشاهده ضعیف مرحوم
بگریه و زاری در آمد خود داری نمیتوانستند نمود و بعد

از ورود جنازه مرحوم منور را در کسب سپردند که بقیه
عالیات روانه نمایند

دیکر نوشته اند که محمد سلطان که محصل نخواه توپخانه
مبارک بود درین اوقات وارد بروجرد و از آنجا
روانه عربستان گردید و اسم چنین سوارهای نظام
که محصل دو هزار تومان خواه بودند وارد بروجرد شدند
و مشغول تحویل کفن توپخانه شدند

نواب امیرزاده امیرم میرزا در هرگز سه فرسخی بروجرد
ارو و وارد درین اوقات حب الی اجازه نواب شاهزاده
والا تبار بروجرد آمده که دیدن والده و نواب شاهزاده
نموده بعد از سه روز جهت تبرئه خود گام

دیکر نوشته اند که خلف مطلق پادشاهی که بافتجا
نواب شاهزاده چشم الدوله بجهت بیرون آمدن از باس
مرحوم مهد علی میرزا محنت شد بود در شانزدهم
ذیحجه وارد شده و نواب معزی الیه تا خارج دروازه
پیاده با استقبال شتافته و از آنجا بعمارت باغ آ
حلقه ها یون را ریب بیکر مفاخرت خود ساخته و نواب
محمد علی میرزا پسر مرحوم مهد علی میرزا هم مطلق پادشاهی
که محنت شده بود مخلص گردیده و زمان هر لغمان مبارک
که بمبسی بر اظهار محرم و تقدمات طوکارانه در باره
نواب چشم الدوله و اولاد مرحوم مهد علی میرزا بود

در مجلس خوانده و تقدیم شکرانه نموده از باس
بیرون آمدند و نواب امیرزاده رفیق میرزا متوجه آنجا قان عباسقلی
میرزا که گمان از جانب نواب الدوله بود و از جانب
نواب سید امیرزاده قاجار جوانی مرحوم مهد علی میرزا بود و در

۱۲۲۱

اجار دول خارج

انگلیس تاریخ روزنامه آخر که ازین مملکت رسید
 ۱۹ سوال بود علیا حضرت پادشاه انگلیس و عمارت
 که نزدیک شهر لندن است شریف شده و لکن بنا بود
 درین روزها عمارت خود که در کن رود ریاب و بجهت تابستان
 بسیار جای باصفا شریف ماسوند

استر

این دولت بجهت اخراجات زیاد که امسال دارند اعلیحضرت
 امپراطور استر به بنا که داشته اند که پول از خلق قرض نمایند
 با شفاعت معین چون نفعی که میدهند بجهت صاحبان نخواه
 خوب است و صرفه دارد بسیاری داوطلب ادای این
 نخواه شده اند از جمله اقوام خود امپراطور استر بیست و
 فلان که تخمینا چهار کرو پول ایران از فرار بهر فلان دولت
 دنیا چیزی بالاتر میشود در میان خود تقسیم و نخواه آنرا
 جمع آوری نموده داده اند و تک دیوان خریدند و کل
 یکی از ممالک کوچک نیز دو طبلان و چهار صد فلان
 کار سازی کرده است اعیان خود پای تخت و پینه طبلان
 داده اند و اعیان شهر طریقت دو طبلان و پیرس سوار
 که یکی از خونین بزرگ است یک طبلان و تجارت اول
 ازین نخواه زیاد بدولت قرض داده و بقرارداد
 دیوان خریدند

اسپانیول

از فراری که در روزنامه اسپانیول نوشته اند تاریخ چهارم
 ماه سوال جنگ در مدینه دین اوج پادشاه با اوجی که
 باغی شده بودند اتفاق افتاد و درین جنگ قشون پادشاه

غالب آمدند و باغیان از مدینه که پای تخت اسپانیول است
 بیرون رفتند و در خصوص این گذارش مختصری در روز
 هفتم گذشته نوشته شد درین روز نامه که تازه رسیده
 نوشته اند که در نزدیکی شهر مدینه قشون باغیان با قشون
 پادشاه جنگ کردند و از طرفین جنگ سخت نمودند و بجهت
 از پیش بدر رفتند میدان جنگ پر از کشته و زخمی بود
 لکن بعد از جنگ قشون باغیان خود را پس کشیدند و قشون
 پادشاه شهر را محبت کردند و در بعضی جا بهای دیگر
 نیز که باغیان سر بر آورده بودند قشون پادشاه با بنا فلبه
 کردند و در بعضی جا بهای دیگر کار باغیان در پیش بود چون
 سرداران قیوم و مشهور از جمله اسپانیول و او دنل در طرف
 باغیان بودند آخر الامر کار باغیان پیش رفت بجهت اینکه
 هر جا رعایا با قشون باغیان متفق شده و اعیان شهر هم
 طهارتی باغیان را میگرداند تاریخ کاغذ آخر که ازین دولت
 رسید شهر سوال بود و در آنوقت پادشاه لا علاج شد
 ناچار خویش باغیان را قبول کرده بود و زرنانی را که باغیان
 از آنها کله داشتند بیرون کرد و اسپانیول و سایر
 که بزرگ باغیان بودند بجای وزیر برقرار شدند و این

قار دلایت امن و آرام شد

عجمان

در روزنامه اسپانیول نوشته اند که تاریخ دوازدهم
 دیقعه اعلیحضرت سلطان دختر خود فاطمه سلطان را بجهت
 علی غالب پاشا پسر بیوم جناب شهباشا عقد فرمود
 بسته و عروسی سکن نمودند و از عمارت چراغان سلطانی
 جیمیز و از کات استا بسته بهارت باله لیمان که بنای عروسی

۱۲۲۲

در آنجا بود از راه دریای فرسای و ککل انسانی دولت
 هر یک بقایق خوانسته همراه جواز و مدارکات بجا رفت
 مزبور فرستند در روز دیگر نیز مقرر مزبوره را با اسام
 تمام از عمارت چراغان از راه خشکی بجا رفت بالذات
 برود ککل متوقفین اسلامبول از انسانی دولت و چاکران
 دیوان و خوانین و رعایا و اهل دول خارج درین عرصه
 بلوازم جشن و سرور اقدام نمودند خدمات جناب شهباش
 نسبت بدولت خویش مشهور معلوم است که سالها با کمال
 صداقت و وفاداری و کفایت خدمت بدولت می کند عرصه
 مزبور معلوم است بجهت خدمات اوست که منطوقاً خاضع
 گردیده است

ایضا در روزنامه اسلامبول نوشته اند که عباس شاهی
 حکمران مملکت مصر درین اوقات وفات یافته است و
 سعید شاهی بجای او حکمرانی آن مملکت برقرار شده است
 در اسکندریه بود وقتیکه خبر فوت عباس شاهی با درسد
 از آنجا با بعضی چاکران دیوانی و ککل قونسولها و قونسول
 جنرالها و صاحب منصبان دول خارج که در اسکندریه بود
 روانه قاهره پای تخت مصر شدند و بتاریخ هذی قنده
 فریاد می از اسلامبول بادستخط شریف سلطانی که
 در باب تفویض حکومت مملکت مصر به سعید شاهی منصوبت او
 بجای مرحوم عباس شاهی حکمرانی آن ولایت صادر شده بود

مامور و روانی مصر گردید
 در روزنامه آخر که از اسلامبول رسید در باب تغییر غلام را
 باین طور نوشته بودند که در سرخ مال اسمعیل کبیده که چهار
 از چهل تنه با چهل و سه و چهل و چهار فرودش و کندی و کندی

کبیده چهل و چهار و چهل و دو فرودش و کندی و کندی
 کبیده سی و چهار تا سی و پنج فرودش و کندی و کندی
 کبیده سی و شش فرودش تا چهل و شش و کبیده سی و هفت
 نوزده فرودش و زرت بیجه فرودش تا بیست و دو فرودش
 که بحساب این ولایت کندم یکمیز و از بوزن بیست عباسی تخمیناً
 پنج تومان وجود و تومان و پنجاه روینا میشود و درین اوقات
 نرخ غله درین ولایت قدری ترقی دارد و با اینکه امسال
 بارندگی زیاد در آن صفحات شده و حاصل سال بسیار خوب
 بعین آمده است

از فراتر که از دمشق نوشته اند امسال کمتری از آنجا بزار
 بیت الله حرام فرستند و در آخر ماه سوال عارف پاشا
 میر حاج با قافله حاج از دمشق روانه شد

درین روزها کشتی جنکی پادشاه با کندی بصیبر آمد و چند
 در آنجا توقف نموده بعد از آن بولایت خود مراجعت کرد
 چونکه سرمنگ کشتی مزبور کشتیمانان بسیار خوش سلوکی
 با اهل شهر کرده بودند خصوصاً در خاموش کردن آتش که
 بان شرافت داده بود دست از جان خود کشید و باید
 خلق آمده بودند بدین سببها اهل شهر از رفتن سرمنگ
 کشتیمانان مزبور بسیار متأسف بودند و فرنگیها که قفس
 آنجا بودند همه کاغذ رضامندی نوشته قول گذاشته
 بصاحب منصب کشتی مزبور دادند

ناخوشی و باد اسلامبول و بعضی جایهای آن سمت برور کرد
 و لکن تا سجال چندان شده است نموده است و در اسمیر شهرت
 داشت که ناخوشی بود و لکن اطباء ورین باب در فرود شده بود
 بعضی معتقد برور این ناخوشی در آن ولایت بودند و بعضی دیگر

۱۲۲۳

انکار این سخن را میکردند و می گفتند ناخوشی درین و است
 است اما ناخوشی و باینست
 راه آهن که مابین اسکندریه در کنار آق دنگیر و قصبه سیوسیل
 در ساحل بحر الاحمر است کم ماز است که نصف بیشترش تمام شود
 انظرف راه که مابین اسکندریه و قاهره مصر است تمام شده
 مگر فرسخ و نیم آن باقی است که آنرا هم در کارند که بازند
 حالا هم سیاح در کال که درین راه می نشینند و در آنجا که
 راه نامتتام است از کال که چرخ بخار بیرون می آید بعد
 و اسب سوار میشوند تا با نظرف راه که درست شده است
 برسند حالا از اسکندریه تا مصر در دو روز ساعتی
 و سیکه راه تمام ساخته شود روز در نخواهد رفت

بنکی دنیای شمالی

از فراری که در روزنامه این ولایت نوشته اند گفتگونی
 مابین وزیر مختار دولت اسپانیول و نمای این دولت
 درین اوقات قریب با صلاح بود چندی پیش ازین کشتی
 از اهل بنکی دنیای شمالی در جزیره کوبک در حیطه تصرف
 دولت اسپانیول بود گرفته بودند بهمانه اینکه آنجا
 درین کشتی نشسته اند بخیر مزبور آمده اند که است و
 یا عسکری در میان خلق بر پانامند حال دولت اسپانیول
 راضی باین شده اند که نمیت کشتی و ضرر صاحبان نخواه کشتی
 مزبور را پسند اما بعضی از اهل بنکی دنیا چشم طمع باین جزیره
 دوخته اند راضی باین هر چند شده اند و میخواهند جزیره بوز
 بهر طور که باشد تصرف نموده و اهل ممالک بنکی دنیای شمالی

احوال متفرقه

در بعضی از ممالک فرنگستان دخترها هستند که از دنیا

کشید بسیار پوش میشوند و مشغول امور است خیر و ثواب
 میکردند ازین دخترها که اکثرشان فرانسستند در ممالک
 عثمانیه جمعیت پیدا شدند که در معالجه و پرستاری رضای
 بسیار بخار خورده اند خصوصاً درین روزها که ناخوشی و با
 در بعضی از شهرهای ممالک عثمانیه بروز کرده است این
 شب و روز مشغول معالجه و پرستاری خانیه هستند و چون شنیده
 که در کلیسای نسبت بجایهای دیگر این ناخوشی بیشتر بروز
 دارد چند نفر با بخار رفته اند که در بیمار خانهای که دولت
 محض معالجه رضای فقر ابراه انداخته اند مشغول معالجه و پرستاری
 بیمارها میشوند و دولت فرانس در نزدیکی اسلابول نیز
 بیمار خانیه بجهت کسانی که ناخوشی و با میگیرند بر راه انداخته
 در آنجا هم ازین دخترها رفته اند که معالجه و پرستاری و تیمارها

نامیده

در روزنامه اسلابول نوشته اند که در شهر جزیر متلین نش
 افتاده و اسمعیل شاه حاکم آنجا زود خبر وار کرده آتش را
 چنان خاموش کرده بود که بیشتر از یک خانه سوخته بود متلین
 نسبت بشهرهای دیگر آن سمت بجهت خاموش کردن آتش
 اگر اتفاق بیفتد بی تدارک است بیشتر از بختیق آب پاشی در
 آنجا ندارند و نظام آتش خاموش کن آنجا نیز مانند اسلابول
 نظم ندارند این که آتش را در روزنامه چاپ زده اند که
 رفع این عامله نمایند و علاج بکنند سه سال پیش ازین که آتش
 با آنجا افتاده بود چنان شدت کرده بود که گذشته از خانهها
 بسیار که سوخته بود انبارها و دکاکین و جد و کاروانسراها
 و غیره هم فراوان سوخت و درختهای زیبن نیز بسیار
 گرفت و چون گذران اهل آنجا از حاصل زبون است که غن

۱۲۲۴

اورا گرفته میفرود شدند خرابی و ضرر بسیار ازین بابت
 با مالای آنجا رسید که تا سالهای سال تلافی این خسارت
 و بطوریکه پیش ازین آتش گرفتن آباد و باغات زیورن
 داشت بسیار طول دارد که بان سرخانه بیاید درین سالها
 آخردوباید بزرگ باین جزیره روی داده است یکی آتش
 که بان تفصیل خرابی فاحش باختر رساند و یکی هم بعد ازین
 حرق مستانی در آنجا شدت سرد کرد و بطوریکه هر چه در
 زمین که از آن آتش باقی مانده بود ستر ضایع کرد
 درین روزها از مملکت ستر الیا بولایت انگلیس خبر دهشت
 روز آمده بود که سابقا در پنج ماه پیش باه جزیره رسید و این
 از راه پانامه آمد است حساب کرده اند که وقتیکه راه این
 ماهین دو در بای آنجا ساخته شود سیاح و مکاتب از بولایت
 استر الیا بولایت انگلیس در پنجاه روز میرسد
 در ولایت پانامه در مونتینی مملکت ایتالیا درین اوقات
 جزئی شده بود اما زود موقوف کرد
 در ایب سینک پسر محمد راجه نجیب سینک که سابقا حکمران
 لاهور و پنجاب کشمیر بود درین روزها بولایت انگلیس
 بعد از وفات ریجید سینک بهر حکام طفولیت ده لیت
 و الهه اورانی نام مملکت رانی میگرد و چند سال هم پادشاه
 انگلیس جنگ میگرد و قتی که انگلیسها پنجاب را تصرف
 رانی بزبور از اوقات باپرس ده لب سینک در هند
 بودند و از دولت انگلیس مواجب میگرفتند درین اوقات
 بولایت انگلیس رفته است و در راه که از هندوستان بایست
 می آمد در هر جا که منزل کرده بود کمال اعزاز و احترام نسبت
 باولجل آورده بودند در مانده همان حاکم جزیره مقرر شده بود

د از جبر التارک عموم میگردد توپ سلام بجزت او خالی کرده
 بودند چند نفر از نسیم ولایتی های خود بولایت انگلیس آورده
 و یک اسب عربی بسیار خوب بجهت سواری خود سواره دادند
 مشارالیه حال بسن شانزده سال است بلند قد و با یک
 خوش اندام است و نسبت با ابراهیل هندوستان چند
 سیاه نیت چهرش قدری کشیده و دراز است و در
 دگفتگو بسیار مقول در مروط و بقانون نجیب و سلاطین کمال
 وقار و ملائمت دارد در کشتی که بود شطرنج بازی میکرد
 و بازی شطرنج را خوب میداند زبان انگلیس را خوب
 تکلم میکند و در دین عیسویت از مذہب پروتستان
 و منظورش از آمدن بولایت انگلیس این است که چند
 وقت در آنجا توقف کند که معرفت تمام در زبان و قاف
 و قانون آنولایت بهم رساند
 اهل شهرهای کنار رودخانه رین بجهت حرمت بولجید دولت
 پروتستیه و رزجه او کتابچه که شهادت شکل نقاشی خوب
 در آن است که بار کلمهای آبی کشیده اند پیشکش کرده اند
 و در نتیجه این مجال همه کارستانان قابل استاده و چهار هزار لوان
 قیمت کرده اند
 در فرانس و نسه و ولایت انگلیس در آن سمت شمال
 فرنگستان در روزنامه های سوال نوشته اند که سیوه
 در آنجا بسیار کم یاب بود و سرمای سخت منستان
 بسیاری از درختهای سیوه دار آنجا رازده و ضایع کرده
 و اسال بارند او اند مکر در بعضی جاها که روی درختها را
 پوشانده و از سرما محافظت کرده بودند ان درختها
 خوب داده اند

۱۲۲۵

موافق حساب که ک خانه ولایت انجلس دولت مستاد
 دو هزار و اربع و کتان در یک سال از ولایات خارج
 بولایت انجلس آورده اند و اینهمه بجهت کارخانهای دولت
 انجلس است و این غیر از قب و کنانی است که از خود ولایت
 انجلس بر می آید و قیمت این کتان و قب که از خارج
 بولایت انجلس آورده اند چهل کر و بیشتر است که اکثرش را
 پول نقد از ولایت انجلس بجهت اقباع آنها بخرید فرستاده

پادشاه ناپولی اذن داده است که در ولایت ناپولی
 عمارتی از بلورمانه عمارت بلور لادن بسازند و اشخاصی که
 این عمارت را می سازند از خواه خودشان مستغفرت
 میزند که از مردمی که با آنها بجهت نامش می آید از هر یک
 مبلغی معین میگیرند و بیان عمارت مزبور را باغ مستانی
 میزند
 در روزنامه فرانس نوشته اند که دولت صاحب
 مهندس از فرانسه بولایت انجلس فرستاده اند که نامش
 کارخانهای ساختن چرخ بجا بجهت کشتی و سایر اسباب
 کشتی را نموده ملاحظ کنند بلکه چیزی از آنها یاد بگیرند
 که بکارشان بخورد

در یکی از بلوکات مملکت انجلس معدن طلا و نقره در آورده اند
 که صنعت جزئی بجهت دیوان میکند در هر یک خروار سنگ معدن
 معدن یک چهارک نقره و دو و اربعه مثقال طلا بیرون می آید

در چهارم سوال در مملکت ناپولی زلزله اتفاق افتاده و
 نوشته اند که خرابی زیاد کرده باشد

در مملکت پورتو قال که خستین را از کشتیهای که از انجلس
 و اسکاتلند می آمدند برداشته بودند اما کشتیهای که از
 مملکت ایرلند به پورتو قال می آمدند باز در کشتیهای
 میبندارند بجهت اینکه کمی از این ناخوشی باز در مملکت ایرلند
 باقی است

اعلانات

کتابهای چاپی دارالمخلاف طهران که در کارخانه جامع المحدث
 باسچی در محله نزدیک دروازه دولاب الطباع شده است
 فروخته میشود

- ۱۰۰ — شرح نظامی دو تومان و پنجاه
- ۱۰۰ — سرایر دو تومان
- ۱۰۰ — زبدة المعارف دو تومان
- ۵۰ — معراج سعاده یک تومان
- ۱۰۰ — حدیقه الشبهه هشت هزار
- ۱۰۰ — شرح تمبر دو جلد شش تومان
- ۱۰۰ — شرح لوح یک جلد سه تومان
- ۱۰۰ — نصیح پانزده هزار
- ۱۰۰ — شامنامه چهار تومان و نیم

روزنامه قایم القایه تیانجین پویم شنبه خرم ماه محرم مطابق سال یار سن ۱۲۲۷

نمره صد و نود و یک
قیمت روزنامه
یک نسخه شش هر یک
هفتاد و چهار نمره



منطبع دار انجمن طهران
قیمت اعلانات
یک سطر الاجه سطر یکبار در یک
بیشتر با سطر پنج نمره

اخبار و چند مالک محروم و پناه

دار انجمن طهران

اعلیحضرت پادشاهی که چند روز در عمارت واداد
تشریف داشتند در روز چهارشنبه عوم ماه محرم
غیبت دار انجمن مبارک نمودند چاکران دیوانی عمارت
سلطانی را بجهت ورود موکب هایون زینت و آرایش
داده و چمنین کوچهها و بازارها و جاما بنک محل عبور موکب
فیه دزی کوکب بود آرایش داده و عموم امانی دار
مبارک که بجهت زیارت وجود فایض الجود بیرون آمده در
بیرون شهر و در داخل شهر همه جا از دعای تمام نمود
و از آنجا که موکب هایون حرکت فرمودند همه جانفها
نصرت فرجام از توپچی و سرباز و زنبور کچی فوج فوج
دسته دسته در دو طرف راه صف کشیده و یک
زنبورک بکرات بقاعده معموله گردیده سوار نظام
افواج فاعره در کمال آراستگی بشکوه بنظر مبارک
رسیدند و موکب هایون از دروازه شمشیران
شهر گردیده چاکران در بارهایون از اعالی وادای

زیارت وجود فایض الجود شرفیاب شده تقدیم
زمانی ویشکس مای انداز نمودند و نزدیک بعض
اعلیحضرت پادشاهی بعمارت مبارک ازل سلطان
تشریف فرما شده در عمارت بزرگ سلطانی
تحت مرمر نزل اجلال فرموده سلام عام اتفاق
چون این ایام ایام عاشوراست و امنای دولت علیه
و مقربان حضرت کردند لب سینه و عموم خلق طوبی
تعبیه داری جناب سید الشهداء صلوات الله علیه
علیه مشغول اند لهذا اعلیحضرت پادشاهی ورین روز
کلی امنای و اعیان و عموم نوکر بابت از نظام غیر
نظام مرخص فرمودند که در نکایا و جامانی که مجلس تعبیه
داری بر پا شود و بلوازم تعزیت اقدام نمایند و نکایا
دولتی و نکایای سایر خلق را بطریق معمول ترتیب داد
عموم خلق مشغول تعبیه داری و حصول دعا کوفی دانست

۱۲۲۷

قدس مایون بیباک و دین ده روزه افواج قاهره نظام نیز
حسب الامر مایون انوش معاف اند

نظر بلا حظ حقوق خدمات مرحوم مهدیخان و مراتب استعداده
و قابلیت عالیجا به نتیجه انخوا این حاجی آقاخان ولد مرحوم
این روز نامتصب که توالی و قلعه سبکی کری دار السلطنه
تبریز را بعد از او از فرمان مبارک تحویل و بسطع دو بیت
تومان از مواجب مرحوم مزبور برسم انعام ستی میجوید
سابق عالیجا به مشارالیه افزوده و دو بیت تومان هم
در باره و دفتر او در شصیب الدخان و مهدیخان
برقرار و حجت فرمودند و امر سرپرستی محله ارامنه دار السلطنه
تبریز و امورات باغ شمال و خلفت پوستان نیز که حاصل
دیوان اعلی است کافی السابق بعد از عالیجا به مشارالیه
محمول شد و بر طبق مناصب مزبور فرمان قضا جریان
مایون صادر گردید

سایر ولایات

اصفهان از قراریکه در ضمن روزنامه اصفهان نوشته
بودند عالیجا به چرخ سلیمان نایب الحکومه آنجا در رفع
بی اعدالی و تعرضات قطاع الطریق و نظم طرق و
کمال اهتمام دارد و از هر کس بر سبیل ندرت مالی در
معرض راه و غیره سرقت شود اوقات خود را صرف
استرداد آن می کند از جمله از قراریکه نوشته بود بعضی
از اهل ای فارس یکبار قلع باصفهان می آورده است شب
در خارج دروازه الاغ آن شخص با بارش مفقود شده
بود مراتب را عالیجا به مشارالیه حالی نموده است تمام کرده
مال آن شخص را بعینها پیدانموده رد کرده بود و همچنین

اموالی از چند نفر دیگر سرقت شده بود عالیجا به مشارالیه
در مقام تفحص و جستجو برآمده رمضان نام مشهور کاپی
که از الواط بوده است گرفته و او با باختره اموال را برود
داده عالیجا به مشارالیه بعضی را بعینها گرفته در عمارت
چلستون تسلیم صاحبان آن کرده و خود رمضان
نام را حبس کرده که بعد از استرداد بقیه اموال مردم
از او

حکام او بشود خراسان

از قراریکه در ضمن تجزیرات در روزنامه خراسان نوشته
بودند بعد از آنکه قلع کلات مفتوح و تسخیر شده بود استیلا
شاهزاده و ابار فریدون میرزا فرمانفرمای مملکت خراسان
خود بکلات تشریف برده امر آنجا را نظم کامل داده اند
و بعد ضرورت از افواج حمله و فرمانی در آنجا گذاشته
طوری نظم داده اند که ساخوی که از دولت در آنجا
بستند با کمال نظم رفتار نمایند و اصلاحات فاعده
از آنجا نسبت باجید واقع نشود و از جانب اولیای دولت
علیه اسم بنوآب معزی الیه حکم و مقرر شد که سیورت نوکر
ساخو آنجا را درست بانها برسانند که همیشه آذوقه پنج ششماه
خود را در آنجا حاضر و آماده داشته باشند و بجهت آذوقه و
سیورسات تشکی کنند و با کمال نظم و قاعده رفتار
کنند و ازین جهت امیدواری کامل از التفات
اولیای دولت علیه برای امانی کلمات حاصل
شده است و قدر اطاعت و انقیاد و حدسنگذاری
این دولت قوی مکت علیه را دانسته و بشکر از او
اقدام دارند

۱۲۲۸

کرمان

از فرایک در روزنامه این ولایت نوشته اند درین وقت
 قافلہ از خراسان شیراز و یزد وارد کرمان گردیده و از
 اینست طرف و سواران رضامندی تمام داشتند و هم درین
 بقدریکه از رو پا لصد نفر زوار با جمعیت کرده بودند که بار
 اندس روانه شوند امیر الامراء العظام محمد سخا سیردا
 حکم ان یزد و کرمان سجای محبتیک سر کرده و تفکلی شیخی
 نموده که با استعداد تمام از بلوک را و رانها جمعیت
 تا بقیه زوار نیز از اطراف و بلوکات که جمع شدند آنها
 محارست نموده و از منازل خطرناک بگذرانند
 و همچنین رتوان زیاد نیز درین اوقات بعزم زیارت
 عبات عالیات نوشته اند که از کرمان جبع شده
 راه اصفهان عازم شده اند که با جمعیت رزاری که از
 آنجا فرامی آید روانه قصد شوند
 دیگر نوشته بودند که چون برج و باره کرمان تعمیری لازم
 داشت امیر الامراء العظام سردار چند نفر را بخصوص مامور
 کرده و متخاوه داده اند که آنجا را تعمیری که لازم دارد
 و بنا و عمل مشول تعمیر باشند از فرایک نوشته اند درین روز
 مشول تعمیر انجا شده اند و قریب با تمام است
 دیگر نوشته اند که در تابستان امسال هوای کرمان چند
 روزی بسیار گرم شده و باد های گرم سخت وزیده
 زراعت صیفی را آتیبی رسانده

و دیگر نوشته اند که نظر بملاحظه رفاه حال رعیت و حصول
 دعا کو فی جهت ذات اقدس بیا یون از اول سال تا
 مبارک رمضان امیر الامراء العظام سردار در عایار از
 حواله ایات دیوانی معاف داشته و بعد از ان قدغن
 کردند که مباشرین اول قسط حرانه را تدارک نمایند و در
 کار جمع اوری متخاوه قسط پباشند و وجهی ازین باب
 تا حال مصوب دو چارگانغا و در با یون
 دیگر نوشته بودند که در باب وجه قسط حسند و قضا مبارک
 بعد از ورود و عالیشان ولی یک تفکله از قدغن کرده اند
 که تدارک نمایند و روز بروز بحیطه وصول رسیده کن
 خیر حاج حاجی علی سجه حسند و قضا از وجه زبور شال خرید

میناب

اخبار دول خارجه

درین بخته چارچند از فنکستان سید و اجای که گفتا باین روز
 داشته با یک ژوب اسم خود اولاً نوشته شود
 انگلیس کا قد آنکه از لندن ۱۷ ذی قعد بود و در روز زبور
 پادشاه بشوخیه خاوبن شریف آورده بر دی تحت حکم انی چنانچه کانون
 برالاست قرار گرفت و پرسن البرا و امنای دولت بهر مقام خود
 نزد یک تخت قرار گرفتند پادشاه و کلای عایار انجسور حسند آنها نیز
 باین اطاق شویا و بیجا معین حاضر بود پادشاه و پاشا که چون کا عده
 که امسال با این شویا جمع شد بود سبر انجام نمودند اهل هر دو شویا که
 خاوبن و ویلا عایا شینم خاصان حسند تا قسبکه احصا شده در شویا
 اجلاس نمودند و در ضمن فریسات اظهار کمال خاوبندی از کار کرداری آنها
 نموده بودند که درین چند ماه که در شورت نشسته مشول باه بدون امروز
 بودند نهایت قنطاط و صداقت غیر تمندی و کفایت را بعل آورده اند

۱۲۲۹

فرانس

اعلیحضرت امپراطور فرانس بازو چه خودش در قصبه
 بیازتر که چشمهای آب گرم مشهور است بودند و از آنجا
 بنا داشتند که بشهر بروند و یکی از شهرهای معتبر فرانس
 بودند و اهل برودت و تارکات زیاده و بجهت ورود امپراطور
 میدیدند که آنچه لازم است و احترام است در ورود
 فرانس بجلن میاورند و بعد از رفتن بشهر بروند و پاریس
 پایتخت فرانس را محبت می کنند بجهت ۵ ماه او و
 آن ایام که مطابق ۳۰ دی قمر است و بعد از نماینها
 و عیاش اعیان بزور امپراطور فرانس بار دوی سنت

خواهد رفت

سایر ممالک فرنگستان

مملکت اسپانیول که درین ایام اغتشاش تمام داشت
 موافق خبر آخر که از آنجا آمد قدری آرام گرفته بود ولیکن جنگ
 سخت در پایتخت مدید شده بود در یکطرف یاغیان
 بودند و بعضی از قشون که طرف یاغیان را گرفت بودند
 در طرف دیگر رعایا و بعضی از صاحب منصبان و جنرالها
 و در هر جای شهرهای تحت سیبه بندی کرده بودند و بعد
 پانصد سنکر و کوچها ساختند و جنگ سخت آنها
 پایتخت تاریخ ۲۳ و ۲۴ و ۲۵ ماه شوال اتفاق
 افتاد بود و در اکثر جایها یاغیان غالب آمدند حتی میان
 جبهه خانه و مدرسه حربه ریخته و سلاح جنگ از آنجا
 بیرون آورده بودند و عمارت سلطانی را تاخت کرده
 عمارت و وزارت را نیز قارت نموده بودند یکی از عمارت
 هم که در میانش اثاث البیت گرانها داشت آتش زدند و

۱۲۳۰

و اسباب آنجا بعضی اوراق و اوراق در آمده بود خصوصاً
 پردای نقاشی خوب که در سپانیول بهتر از آنها برده
 بعد ازین چند روز جنگ سخت طرفین مانند ایکه از حوزری
 خسته شده و از جنگ تنگ آمده باشند دست از جنگ
 باز داشتند و لکن یاغیان دسته دسته بر روی سکر
 که ساخته بودند پستیا کی کرده بلکه سکر را سخت تر
 و استحکامش را بیشتر میکردند تا اینکه پادشاه اسپانیول
 نام را خواسته و وزارت را با او تفویض نمود و وزیر
 دیگر که هم شور و هم مصلحت او بودند وزارت امور
 دیوانی برقرار شدند آنوقت پایتخت و ولایت آرام

موسوسه بود که پسر وزیر مختار دولت جمهوریکی دنیای شمالی که
 اسم موسوم و معین اسپانیول بود بلند آمده است که
 با وزیر مختار دولت سنیکی دنیا معین لندن در باب امور اسپانیول
 مسورت نماید
 در یکی از روزنامه های فرانسه که لاپاطرینا نوشته اند که درین فرانس و اسپانیول
 و سایر دول فرنگستان که در سمت خط است و اما سنیکی دنیای جنوبی
 ملک داشته باشند هرگز از این مطلب نمیشوند که دولت سنیکی دنیای شمالی
 مستقر جزیره کوبه با سبب اینکه جزایر کوچک آن سمت که در حیطه
 دول فرنگستان است جایهای خاص خیر و منفعت است و اگر بنا
 باشد که هر کس در آن صفحات زورش بیشتر باشد ازین جزایر
 بسوی دیگر از پادشاهان که در آنجا ملک دارند خاطر حسبی برای
 آنها در باب آن اطلاق نمی ماند و اگر هم دولت اسپانیول بخوابد برضا
 خود دست از جزیره کوبه بکشد و دولت پادشاهان که در آن سمتها جزیره با
 دارند نمیتواند زیرا که قانون دول در مملکت داری این است

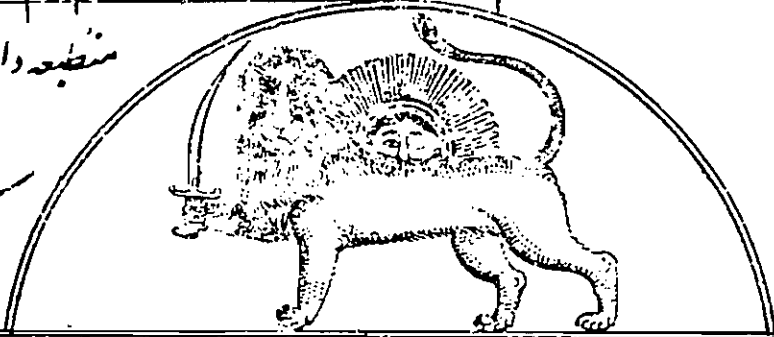
روزنامه قایم الخاقیه سیاحتی پویم خسته و از دهم محرم امطابق سال ۱۳۳۱

نمره صد و نود و دو

قیمت روزنامه

یک سکه و شش پیرله

در قان و چهار هزار



منطبه دار الخلفه طهران

قیمت اعلانات

یک سطر اول چهار سطر یک هزار

بیشتر با هر سطر بخار

اخبار و احکام ملک و پادشاهی

دار الخلفه طهران

چون درین اوقات ایام عاشوراست و بقرار معمول
 هر سال جمیع نگاری ایارک و شه دار الخلفه طهران را
 بجهت تغزیه داری بسته اند از جمله مکه و ولتی ارک را
 امسال بر حسب حکم جناب جلالت آباء امجد شرف ختم
 صدر اعظم بسیار خوب و بهتر از سالهای دیگر بسته اند
 و بحسب زینت از شالها و پردای کرانها و بلور آلات
 چراغان فراوان کمال زیب و زینت داده اند و آنحضرت
 اقدس بایون پادشاهی هم همه زوره بکیمه بلور
 در وقت تغزیه تشریف فرما گردیده چون اسباب
 چراغانی فراوان در صفا و طاق نایب از قنادیل و کلاه
 و لاله و مردکی و غیره اوخته اند و شبها چراغانی خوب
 و تمازی شود و اعلیحضرت پادشاهی شت تا سوعا را هم
 تشریف فرمای مکتب فرورده کرده و دیده و شام را در منزل
 جناب محظمت صرف فرمودند

بمنزل جناب نظام الملک تشریف برده بنا بر این
 دو آنجا صرف فرمودند و تا عصر را در آنجا تشریف
 و بعد از آن به مکه و ولتی تشریف آورده بعد از ظهر
 آنجا بعبادت که سلطانی معاهدت فرمودند

سایر ولایات

اصفهان چندی قبل ازین در منزل مورچه خورت
 که متعلق بجاک اصفهانست قافله را در زورده بود مستحقین
 عرض راه که عالیجاه چراغعلیخان نایب الحکومه اصفهان
 مشخص کرده و گذاشته بود و منجر شده متعاقب در زورده
 معلوم کرده بودند که سارقین از بختیاریهایی ساکنین
 بوده اند عالیجاه چراغعلیخان را اجبار کرده بود و اقامت
 عالیجاه آباخان یوزباشی را با چند نفر غلام مأمور کرده
 رفته چهار نفر از سارقین را بدست آورده بودند و کتف
 اسوالی که از آن قافله دزد برده بود و بعینه از آن سارقین
 گرفته تحویل صاحبان مال کرده و خود سارقین را بر حسب

و هم چنین در روز هفتم اینجاه نیز که اعلیحضرت پادشاهی
 به مکه و ولتی میدان ارک تشریف فرما گردیدند از آنجا

امرا و لیای دولت قاهره روانه دار الخلفه فرمودند
 که در دربار بایون حسب اشاره العنینه برای خود بر

۱۳۳۱

و نیز از دربارها بون حکم صادر و محصل مامور گردید که
رفته بقیه مال تجار را هم که سارقین بیکران دادند
گرفته رد نماید

کرمان

از قراریکه در روزنامه کرمان نوشته بودند سبب گرمی
هوای بندر عباس و اولان و مستوطنین آنجا تا بیاورد
تخت از حراست آنجا کرده بودند و سید ثوبتی پسر امام
مسقط با جماعت اعراب اتفاق کرده علی الغله به بندر عباس
رفته آنجا را تصرف کرده بودند چون بندر عباس بنام
کرمان قرب جوار دارد بعد از آنکه این خبر بمیر الامراء
محمد حسن خان سردار حکم ان یزد و کرمان رسید فوراً
مقرب الخاقان عبدالمدخان میرنجه پسر خود را که تبارک

دید بود برای عروسی روانه دربار تایون نماید تعیین نمود
با پنجاه نفر قشون از سرباز و سواره و پیاده و چند عراده
و قورخانه و استعداد مأمور و روانه بندر عباس نمود
و چون در بندر عباس بجهت خشکی کمرسیرت فارس
غله نبود لهذا امیر الامراء العظام مشارالیه مقدار دو هزار خرد
نقله بهمراهی مقرب الخاقان عبدالمدخان و آن قشون مأمور
روانه کرده و نیز از خروار هم دستاورد در حال رود با
که متصل به بندر عباس است احتیاطاً برای سیوریات
قشون آماده و حاضر نماید

از قراریکه در روزنامه کرمان نوشته بودند فوج جمعی عا
رستم خان و مشق اتمامی تمام دارند و همه روزه در میدان
دربارک مشغول شتند و چنین توپچیان نیز عصر بار
در میدان توپخانه همه روزه مشغول می کنند و بسیار نظم و با

قاعده و معقولیت با امالی آنجا سلوک دارند و از اهما مانی
که امیر الامراء العظام محمد حسن خان سردار در نظام امر
انها دارد قدرت اینکه خلاف حسابی از عموم اهل نظام آنجا
صادر بشود یا احدی از آنها بکسی تعدی نماید ندارند و هم
امر قورخانه آنجا بسیار مضبوط دارند و حسب حکم امیر الامراء
سردار همه روزه مشغول سخن کلوله توپ و سایر لوازمات
قورخانه استند

و بکرا از وقایع اتفاقیه در ضمن روزنامه این ولایت نوشته
که محمد نامی از بقالان شهر که در میدان کججلی خانی بساطی
زنبوری او را گرفته بود و بعضی گزیدن زنبور قورخانه
جان تسلیم کرد

کرمانشاهان

از قراریکه در روزنامه کرمانشاهان نوشته شده بود
بجناب احمد وفق افندی سفیر کبیر دولت عثمانی که از راه
کرمانشاهان عازم و روانه دولت خود بودند بواسطه
شاهزاده و الا تبار عماد الدوله امامعلی میرزا حکم ان کرمانشاهان
از رعایت شرایط احترام نظر بر سوم داد و ولین منضم
و فرو کرده اند

دیگر نوشته بودند زوار زیادی در کرمانشاهان جمع شده
میشوند و نواب مستطاب هزاره امامعلی میرزا بر حسب
حکم و قرارداد اولیای دولت علیه تعدی کرده اند که در
بی نظم و متفرق و جدا جدا نروند بلکه هیئت پانصد نفر
اکثر یا بیشتر با اجماع و اتفاق بروند و هیچوقت
کمه از صد نفر نباشند و زوار نیز بین نظم و قاعده
سهول میدارند

۱۲۳۲

اخبار دول خارج

انگلیس ازین ولایت درین مده اخباری که مناسبت
باین روزنامه داشته باشد

فرانس

از مکتب تاریخ ۵ ذبقعه نوشته اند که ناخوشی و باد
شدت داشت در آن اوقات تخفیف کمی یافته بود بطوریکه
بنصف آنچه در ایام شدت تلف می شد رسید

ایتالیا

در روزنامه این ولایت نوشته اند در باب اعتشاش
جزنی که در پارمه شده بود قشون دولت بیرون آمده
و نایره اعتشاش را فروتنانده بودند ولیکن چون
که سبب اعتشاش چه بوده و محرک اشوب هنوز معلوم

سویس

در روزنامه مملکت سویس نوشته اند که گفتگویی که بین
این دولت با دولت استریتیه بود درین روز با صلح
گشته است و دولت استریتیه بنا دارند قشونی که در

سرحدات داشته بردارند

عثمانیه

در روزنامه اصمیر نوشته اند که عبدالمیراطور فرانس را
در اینجا با کمال اساس گرفته بودند قشون جنرال
دولت مقیم اصمیر و همه صاحبان و کل اهل فرانس که
در اینجا بودند اول کلیسا رفتند و عبادتی که درین ایام
مداومت پس آورده و در فرودگشتی خیلی که یکی از
استریتیه و یکی از دولت بالند در روی شهر اصمیر

اذاخته بودند سحرت عبدالمیراطور فرانس توپ سلام
خالی کردند و از خصار و سنگر دور شهر نیز هم سحرت
عبدالمیراطور شلیک توپ نمودند و کل قونسولهای دول
خارج مقیم اصمیر از منازل خود بیدق دولت خود را
بالا کشیدند

دیگر نوشته اند که کمال افندی درین روز نماز جانب
اعلی حضرت سلطان مأمور بر لرین پای تخت پرستیده
که در اینجا منصب المچی مخصوص و وزیر مختار از جانب دولت
عثمانیه مقیم بر لرین باد در تاریخ ۲۱ ذی قعدة الیه
وارد اصمیر شد که از آنجا روانه مقصد شود المچی مژبور از جمله
و انابان قابل بسیار با دکاوت و فطانت و صبا
کفایت در بار سلطنت چند سال پیش ازین در
در مملکت ایران متوقف بود و بعد از آن همیشه بخدمت
عمده از دولت خود مأمور مشغول بود تا درین اوقات

رتبه اورا ترقی داده برتبه اعلا المچی کردی مخصوص
وزیر مختاری رسیده و سر امثالیه درین سفر
موسسوار استی که بمص شیری سفارت و پرتو افند
نیابت اول با ذوق جنمصبی و کمی روانند

دیگر در روزنامه اصمیر نوشته اند که تروکیک بلانیک در
غریب و جور پیدا شده اند در آن اوقات سه نفر
که یکی چا پار بود ابراهیم آقانام و یک نفر از اهل یونان
نیز با یک چو رسرا او بودند بدست دزدان اقیان
و دزدان آنها را برهنه کرده بودند و پولی که سر
داشته همه را برده بودند بعد از آن ابراهیم آقایی
با آن شخص یونانی رها کرده و جهود را نگاه داشته بودند